

اگر اسان گردون مبین لرستان حوادث ایران

راه مصاهد صبح کیهان هوایی ماهان

خانواده تکابو پیام دانشجو سینما ویدئو

تزارش هفته امین زنجان گادح کیهان

ورزش اطلاعات گزارش ماهانه آذر شهر

توبد آذربایجان آبان توس همبستگی

جمهوری اسلامی آوای ساوه شما یک آزادی

صبح ورزش صبح خانواده جامعه

حریم همشهری خانه پیشهاد نیستان

خبر ورزشی کار و کارگر گل آقا رسالت

دوران امروز خرداد زن شلمچه خلیج فارس

راه نو روز هفتم نشاط جامعه مدنی سلام

جامعه سالم دراستانه فردا پائتارات الحسین (ع)

توبدا صمهان اطلاعات هفتگی افریش

پیام سمنان ایران فردا یوتو سخن نامه فجر

فرهنگ توسعه شاخص اوا باور پیام امروز

تالاش ولایت قزوین آزاد نیم نگاه شیراز

اسیم جنوب پوشهر آینده همدان آفتاب امروز

سیر و سیاست بهار قم امروز آدینه

مهر دنیای سخن مشارکت شهرضا امید جوان

بمان یوزگر فکور مبین بیستون هویت خویش

پیام زنجان آوای اردبیل ایران صبح ایلام

مید زنجان جوان انتظار پنج شنبه ها

جامه امانت ارومیه بهلوان اخبار

توبد دنیای ورزش میلاد رضوان چشمه اردبیل

اخبار اقتصاد آوای ساوه آفتاب امروز بامداد بو

صنایع بلاستیک کبان افق گزارش

عصر آزادگان بهمین عصر ما پیام آزادی افکار

زبان جنبه هم مبین افتخارات ملی

شیر گنجان گوناگون ملت پیام هاجر فتح

فدای آذربایگان دانستی ها طلوع زندگی

سوره و پروردگاری مطهری

دهه ۷۰

عذرا فراهانی

۱۳۷۹ - ۱۳۷۰

اشکی برای من

طی سال‌های روزنامه‌نگاری همیشه دغدغه چاپ مطالبم را داشتم و بی‌تابی‌های کودکانه‌اش را، ولی هیچ وقت برای آنها اشک نریخته بودم. فکر نمی‌کردم روزگاری برای چاپ آنها به عنوان «کتاب» بایسد های‌های گریست و روزی نه چندان دور به معنای تمام و به پهنای صورتم اشک ریختم. راستش هزار سال بود که ستاره‌های اشکم را در گوشه صندوقه دلم کنار گذاشته بودم و در این خیال سیر می‌کردم که مدتها است بزرگ شده‌ام، سرسخت و مقاوم. با این خیال که بلاهای سال‌های دربه‌دری در روزنامه‌ها و خانه بدوشی‌ها استواری کوه را به من آموخته است و صبوری صبر ایوب را. اما تلنگر گرمای اشکم جام بلورین خیالم را در هم شکست. روزی دوست بزرگواری به نصیحت به من گفت: اگر با دردها، رنجها و مشکلات ستیزه کنی و نگذاری اشکهایت فرو افتد می‌توانی با آنها مروارید سازی: ولی من گریه کردم. او گفته بود اگر این مرواریدها صیقل بخورند...: ولی من گریه کردم. من به برخی از دردها که نه منشاء آنها بودم و نه عصای موسی گونه‌ای برای شفایشان، گریه کردم و احساس کردم که به اشکهایم بیشتر نیاز دارم تا مرواریدها. اولش خجالت کشیدم ولی یادم آمد برای این کار پنج سال دویده‌ام، دویده‌ام و دویده‌ام. پنج سال سختی و بی‌مهری. پنج سال دشواری... شد سه جلد کتاب: با همه کابوسهای نوشتن، به چاپ سپردن و باز گریستن.

عذرا فراهانی

۸۳

۲

۱

تذکره
تاریخ

• اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران دهه ۷۰ • عذرا فراهازی

۲۵
۱۳۹۵

این مجموعه در بر دارنده اسناد و شرح مفیدی از ۲۸۰ محاکمه مطبوعاتی در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ است که در ۱۵۰ مورد آن علاوه بر شرح مفید محاکمه، نسبت به درج متن کامل آرای صادره از سوی دادگاه های رسیدگی کننده به پرونده مورد نظر اعم از بدوی، تجدید نظر استان، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری اقدام گردیده است و در مواردی که به هر دلیل به اصل آرا دسترسی حاصل نگردید، سعی شده است فحوای نظرات هیات منصفه و آرای صادره از دادگاه ها به نقل از نشریات معتبر آورده شود.



قیمت دروه ۳ جلدی: ۱۵۰۰ تومان

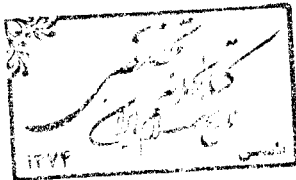


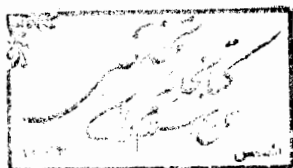
عذرا فراهانی

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی در رشته های حقوق و روان شناسی است. در طول بیش از یک دهه اخیر صاحب مقالات حقوقی، سیاسی و اجتماعی متعدد در جراید کثیرالانتشار همچون سلام، ایران، نوروز، وقایع اتفاقیه و ... می باشد.

وی سال های بی در پی است که با رای جامعه مطبوعاتی به عنوان بازرس هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران انتخاب گردیده و در حال حاضر فعالیت اصلی خود را در زمینه حقوق مطبوعات متمرکز نموده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





اسناد و پرونده‌های

مطبوعاتی ایران

سال‌های ۷۹-۱۳۷۰

(جلد سوم)

عذرا فراهانی

فراهانی، عذرا ۱۳۴۷-

اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران (سالهای ۷۹-۱۳۷۰) / عذرا فراهانی، — تهران: عذرا فراهانی، ۱۳۸۳.

ج ۳ (۱۶۸۰ ص).

ISBN : 964-06-6966-0 (دوره)

ISBN : 964-06-6963-6 (ج ۱)

ISBN : 964-06-6964-4 (ج ۲)

ISBN : 964-06-6965-2 (ج ۳)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیها.

۱. مطبوعات — ایران — اسناد و مدارک. ۲. روزنامه‌نگاری — ایران — اسناد و مدارک. الف. عنوان.

۰۷۹/۵۵

۳ ف ۹ الف / ۵۳۳۹ PN

کتابخانه ملی ایران

۱۲۹۹۷ - ۸۳ م

اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران
(۷۹-۱۳۷۰)

گردآوری و تدوین: عذرا فراهانی

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

ISBN : 964-06-6966-0

شابک ۰۶-۶۹۶۶-۰۶-۹۶۲

ISBN : 964-06-6966-0 ۰۶-۶۹۶۶-۰۶-۹۶۲ شابک

تهران: صندوق پستی ۱۸۱۹۵/۱۳۳ - عذرا فراهانی

- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آریا ○ ۱۰۸۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه فردوس کویر ○ ۱۱۰۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ندای هرمزگان ○ ۱۱۰۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه آوای اردبیل ○ ۱۱۰۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امانت ارومیه ○ ۱۱۰۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه قصه زندگی ○ ۱۱۱۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه صبح ورزش و هفته نامه آینه ○ ۱۱۱۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه گلستان نو ○ ۱۱۱۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه گلستان ایران ○ ۱۱۱۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه کیهان ○ ۱۱۲۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه پرتو سخن ○ ۱۱۶۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی ○ ۱۱۷۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه صبح خانواده ○ ۱۱۷۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آوای غرب ○ ۱۱۷۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نور ○ ۱۱۸۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه میلاد ○ ۱۱۸۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آریا ○ ۱۱۸۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول دو هفته نامه رضوان ○ ۱۱۸۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه اخبار اقتصاد ○ ۱۱۸۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آفتاب امروز ○ ۱۱۹۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ارزش ○ ۱۲۰۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بامداد نو ○ ۱۲۰۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه گزارش ○ ۱۲۱۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی ○ ۱۲۱۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه مشارکت ○ ۱۲۲۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه صبح امروز ○ ۱۲۲۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه جبهه ○ ۱۲۴۱

- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه سیروان ○ ۱۲۴۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن ○ ۱۲۴۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه رسالت ○ ۱۲۴۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه ملت ○ ۱۲۵۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه گزارش روز ○ ۱۲۵۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه پیام هاجر ○ ۱۲۷۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه طلوع زندگی ○ ۱۲۷۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه پیک آزادی ○ ۱۲۷۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آریا ○ ۱۲۷۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه چشمه اردبیل ○ ۱۲۹۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه ایران ○ ۱۲۹۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بیان ○ ۱۳۰۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه آوا ○ ۱۳۰۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون ○ ۱۳۴۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه میلاد ○ ۱۳۵۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه آوای اردبیل ○ ۱۳۵۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه قم امروز ○ ۱۳۵۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه روز درآ ○ ۱۳۵۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه پیام نو ○ ۱۳۶۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه توانا ○ ۱۳۶۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بهار ○ ۱۳۶۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه جوانان قروه ○ ۱۳۶۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه عندلیب ملایر ○ ۱۳۷۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه فردای روشن زنجان ○ ۱۳۷۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه زن روز ○ ۱۳۷۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه افکار ○ ۱۳۷۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه آوای اردبیل ○ ۱۳۷۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه جهان پزشکی ○ ۱۳۸۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه بیداری کرمان ○ ۱۳۸۳

- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه دانستیها ○ ۱۳۸۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه خلیج فارس ○ ۱۳۹۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه گنبد کبود ○ ۱۳۹۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه جام ○ ۱۳۹۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه جوان ○ ۱۳۹۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ماهان ○ ۱۴۰۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه ندای آذربادگان ○ ۱۴۰۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول عصر آزادگان ○ ۱۴۰۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه مینودر "قزوين" ○ ۱۴۱۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه صبح امید ○ ۱۴۱۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه میهن ○ ۱۴۲۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه سایبان یزد ○ ۱۴۲۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه سپیده زندگی ○ ۱۴۲۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نشرگفتمان ○ ۱۴۳۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه فتح ○ ۱۴۳۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امید زنجان ○ ۱۴۵۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آزاد ○ ۱۴۶۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه طلعه ○ ۱۴۷۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه خاوران ○ ۱۴۷۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ستاره سهیل ○ ۱۴۷۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه احرار تبریز ○ ۱۴۸۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نامه فجر ○ ۱۴۸۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر ○ ۱۴۸۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه هگمتانه همدان ○ ۱۴۹۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ایران جوان ○ ۱۴۹۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه پیمان یزد ○ ۱۴۹۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول گاهنامه دانش آموز ○ ۱۴۹۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امید زنجان ○ ۱۴۹۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه همبستگی ○ ۱۵۰۱

- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه کیان ○ ۱۵۱۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم جنوب ○ ۱۵۲۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه حدیث قزوين ○ ۱۵۲۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان ○ ۱۵۲۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه شمس تبریز ○ ۱۵۳۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه پیک چاپ ایلام ○ ۱۵۳۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی ○ ۱۵۴۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی ○ ۱۵۴۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه امین زنجان ○ ۱۵۴۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه نوید آذربایجان ○ ۱۵۴۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه آبان ○ ۱۵۴۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه صدای ارومیه ○ ۱۵۷۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه حریم ○ ۱۵۷۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بیستون ○ ۱۵۸۳
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه دوران امروز ○ ۱۵۸۵
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه جامعه مدنی ○ ۱۵۸۷
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول مبین ○ ۱۵۸۹
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه پیام امروز ○ ۱۵۹۱
- رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه راهیان فیضیه ○ ۱۶۰۱
- نمایه ○ ۱۶۲۷

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آریا

نام نشریه: آریا

مدیرمسئول: محمدرضا زهدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۹/۱۶

کلاس پرونده: ۳۵۴/۱۴۱۰/۷۷.

اتهام: تبلیغ و نشر مطالبی که براساس نظام لطمه می زند، مطرح کردن احزاب و گروه های منحرف و محارب، تعرض به رهبری، جدا کردن نسل دوم و سوم از نظام با تخریب حقایق، افشای موارد اطلاعاتی و امنیتی، افترا و نشر اکاذیب

شاک: مدعی العموم، حفاظت اطلاعات ارتش، نیروی انتظامی، عباس سلیمی نمین، نیروی مقاومت بسیج، صدا و سیما، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، وزارت اطلاعات

رای دادگاه: پرداخت شش میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس، دو هفته محرومیت از انتشار روزنامه.

خلاصه شکایات

۱. شکایت حفاظت اطلاعات ارتش^۱

ارتش جمهوری اسلامی از مدیرمسئول روزنامه آریا به اتهام افشای اطلاعات محرمانه شکایت و اعلام کرد: روزنامه فوق در مورخ ۱۳۷۷/۶/۲۰ مطلبی تحت عنوان "نحوه به شهادت رسیدن دیپلمات های ایرانی در افغانستان" به نقل از شاهدان این ماجرا در صفحه دوم خود به چاپ رسانده و مدعی است که این مطالب را در مصاحبه خبرنگار خود با یکی از دیپلمات ها به دست آورده است.

۱. توضیح بیک ویژه هیأت منصفه: در ارتباط با این شکایت ابتدا پرونده ای در دادسرای نظامی تشکیل و از متهمان نیز تحقیقاتی به عمل آمده است که به لحاظ محرمانه بودن مطالب عنوان شده در تحقیقات به عمل آمده، از ذکر آن خودداری شد. نهایتاً پرونده از سوی دادسرای نظامی با صدور قرار عدم صلاحیت به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران برای رسیدگی ارجاع گردیده است.

متن مورد شکایت: نحوه به شهادت رسیدن دیپلمات‌های ایرانی توسط یکی از شاهدان ماجرا یکی از دیپلمات‌های حاضر در سرکنسول‌گری جمهوری اسلامی ایران در شهر مزارشریف از جزئیات نحوه به شهادت رسیدن دیپلمات ایرانی پرده برداشت. این دیپلمات ایرانی با اشاره به آخرین وقایعی که روز شنبه هفدهم مردادماه در شهر مزارشریف روی داد گفت: حدود ساعت ۱۰/۵۰ دقیقه صبح با خیانت فرماندهان پشتون عضو جبهه متحد ملی اسلامی که در شهر بلخ، بیست کیلومتری غرب مزارشریف ساکن بودند، عملاً شهر به وسیله این نیروها در کم‌تر از چند ساعت درگیری پراکنده تسلیم پشتون‌های شورشی شد و نیروهای وابسته به طالبان پنج ساعت بعد یعنی حدود ساعت چهار عصر شنبه وارد این شهر شدند.

وی با اشاره به نحوه اشغال سرکنسول‌گری ایران در مزارشریف گفت: درحالی‌که چندین تن از فرماندهان ارشد جبهه متحد و مسؤولان احزاب جهادی، صبح همان روز به محل سرکنسول‌گری مراجعه کرده بودند و از دیپلمات‌های ایرانی خواسته بودند محل را ترک کنند و با آن‌ها همراه شوند. ما براساس توافق‌های به عمل آمده با دولت پاکستان که حامی اصلی طالبان است و با توجه به اصل مصونیت دیپلماتیک حاضر به ترک محل خدمت خود نشدیم.

۲. شکایت شرکت فولاد خوزستان

شاکتی در شکایت خود اعلام کرد: «... روزنامه آریا در مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۹ در مطلبی برخلاف واقعیت تحت عنوان "کارخانه‌های فولاد کشور با بحران روبه‌روست" در ستون «شما هم بدانید» اقدام به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی نموده است...»

در مطلب مورد ادعای شاکتی آمده: «گفته می‌شود، کارخانه‌های فولاد کشور، که از افتخارات دوران سازندگی است با بحران روبه‌رو شده و قادر به فروش محصولات تولیدی خود نیستند. تولیدات فولادی این کارخانه به علت بالا بودن قیمت تمام شده، قادر به رقابت با محصولات فولادی وارداتی نیستند... در این میان شنیده شده، کارخانه فولاد خوزستان حتی قادر به پرداخت حقوق کارکنانش نیست و برای پرداخت هزینه‌ها مجبور به فروش زمین‌هایش شده است...»

۳. شکایت نیروی انتظامی (چهار شکایت)

شکایت اول: نیروی انتظامی نسبت به چاپ مطالبی به نقل از حشمت‌الله طبرزدی از سوی روزنامه آریا، در شماره ۳۳ مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۷، از مدیرمسئول این نشریه به اتهام توهین و نشر اکاذیب شکایت کرد. در این مطلب به نقل از طبرزدی آمده: «تحلیل من این است که در حال حاضر گروه فشار در اختیار بخشی از نیروها و نهادهایی است که مسؤولان امنیتی و انتظامی در داخل کشور دارند...»

شکایت دوم: روزنامه آریا طی شماره‌های ۱۷۱ و ۱۷۳ خود مبادرت به درج مطالبی به شرح زیر نموده است:

۱. خانم یزدان پرست از سنندج: باعث به خشونت کشیده شدن تظاهرات (سنندج) افرادی خارج از جمع بودند که شعارهای ضد دولت دادند و نیروی انتظامی انگار منتظر بهانه‌ای بود که مردم را تحریک کند و...

۲. یک شاهد عینی از سنندج: در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱ در سنندج چه گذشت؟ چرا روزنامه‌ها از کشته و مجروح شدن مردم در این شهر خبری ندادند. از میان کشته‌شدگان چهار نفر دختر دبیرستانی که از مدرسه به خانه برمی‌گشتند به چشم می‌خورد و...

۳. تظاهرات روز دوشنبه در سنندج با تیراندازی نیروی انتظامی به تشنج کشیده شد و...
شکایت سوم: براساس این شکایت، روزنامه آریا طی شماره‌های ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹ و ۲۸۰ خود مبادرت به درج کلمات موهن علیه نیروی انتظامی نموده و با آگاهی اتهاماتی واهی را به پرسنل این نیرو منتسب و با القای این‌که نیروی انتظامی جناحی و در حمایت گروه سیاسی خاص عمل می‌نماید مبادرت به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی علیه این نیرو کرده است.
الف. شماره ۲۶۶ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۹

۱. دانشجویانی که به صورت خود نقاب زده بودند و یا زیرپوش هایشان را روی صورتشان کشیده بودند به خبرنگار ما گفتند واقعه دیشب حداقل سه کشته و دو زخمی به جای گذاشته است.
۲. ... اطلاعیه می‌افزاید این حملات حکایت از اجرای توطئه از پیش طراحی شده توسط برخی از عناصر نفوذی در نیروهای امنیتی و انتظامی دارد.

ب. شماره ۲۶۷ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۰
۱. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز افزوده است: در برابر واقعه، سکوت نخواهد کرد و نسبت به وجود عقبه همفکران "سعید امامی" در بین گروهک‌های خشونت‌طلب و کسانی که سعی دارند نیروی انتظامی را به ابزاری در جهت منافع بانندی و اغراض سیاسی خود بدل کنند هشدار می‌دهد.

۲. پارچه سیاهی بر سر در خوابگاه دانشجویان چسبیده بود که می‌گفت «شهادت مظلومانه تنی چند از دانشجویان توسط عمال نیروی انتظامی و انصار حزب‌الله را به عموم ملت شهیدپرور ایران تسلیت عرض نموده و محاکمه عاملان این وحشی‌گری را خواستاریم».

۳. ... خانمی که می‌گفت همسایه خوابگاه است، با نگاهی ماتم‌زده و لحنی سوگوار از ضاربانی گفت که با لباس شخصی و چاقو در دست به محوطه خوابگاه حمله‌ور شدند، می‌گفت حمام خون

راه افتاده بود... برای شست و شوی خون‌ها، از ماشین‌های آتش‌نشانی استفاده شد.

۴. یکی از کارمندان خانم خوابگاه که حاضر نشد خودش را معرفی کند گفت: دانشجویان شهید آقای فرجی دانشجوی برق و آقای حکیمی دانشجوی دندانپزشکی را می‌شناختم.

۵. این معاون وزیر در پاسخ به پرسشی درباره تعداد کشته و یا زخمی شدگان این حادثه اظهار داشت: تا آخرین لحظات صبح امروز شنبه هیچ منبع موثقی از کشته شدن کسی خبر نداده است ولی شایعات کشته شدن ۵ یا ۶ نفر را القا می‌کند.

۶. خبرگزاری آلمان - «هزاران دانشجوی ایرانی ضمن راه‌پیمایی به طرف دانشگاه تهران درخواست کردند انتقام خون هم‌دانشگاهی‌هایشان که مدعی کشته شدنشان در جریان تظاهرات برعلیه محدودیت مطبوعات هستند گرفته شود». دانشجویانی که در حال جمع شدن جلوی در ورودی اصلی دانشگاه بودند شعار می‌دادند «می‌کشم می‌کشم هر که برادرم کشت». آن‌ها اظهار می‌کنند در طول تظاهراتی که از روز پنج‌شنبه ادامه دارد شش نفر از هم‌دانشگاهی‌هایشان کشته و چندین نفر مجروح شده‌اند.

... معلوم نیست این دانشجویان به دست اصلاح‌گرایان افراطی کشته شده‌اند یا مأموران پلیس، ولی دانشجویان روز شنبه برعلیه پلیس شعار می‌دادند و می‌گفتند «پلیس، پلیس، شرمت باد».

۷. مهاجمان سه گروه بودند: یکی از دانشجویانی که در ۱۸ تیرماه در کوی دانشگاه بوده است درحالی‌که نقاب به چهره خود زده بود گفت: آن روز با آهن و باتوم به جان ما افتادند، سه گروه بودند، اولین گروه لباس شخصی، پشت سر آن‌ها ضدشورش و پشت سر آن‌ها نیروی انتظامی وارد عمل شد. وی در مورد انتقاد از نیروی انتظامی خاطرنشان ساخت: منظور ما از سربازان نیروی انتظامی نیستند، ما با ملت و عزیزانی که از خودمان هستند نیستیم، آن‌ها در سخت‌ترین شرایط حتی درحالی که در بازداشت بودیم از ما حمایت کردند، منظور ما مقامات بالاتر آن‌ها هست که از بالاتر دستور می‌گیرند.

۸. دانشجوی دیگری در پشت تریبون اعلام کرد: خبر رسید یکی از برادران ما همین الان در آی.سی.یو شهید شد.

۹. علی افشاری (دفتر تحکیم وحدت) طی سخنانی در این مراسم گفت: ... دانشجویان تنها و تنها به حقیقت می‌اندیشند و این هزینه را به خاطر پایمردی خود دادند. امروز وظیفه من و تو دانشجویی که زنده مانده‌ایم سنگین‌تر از شهادت برادرانمان است...

شماره ۲۶۹ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۳

۱. ... دانشجویان بیرون سردر دانشگاه تهران که شدیدترین ناآرامی بعد از انقلاب در آن جریان

دارد شعار می دادند «حکومت زور نمی خواهیم، پلیس مزدور نمی خواهیم».

۲. به نقل از مهدی کروبی: ... وقتی بخش‌هایی از نیروی انتظامی را وارد در کار سیاسی کنیم نتیجه‌اش همین می‌شود.

شماره ۲۸۰ مورخ ۱۳۷۸/۵/۴

... رهبران گروه‌های فشار را محاکمه کنید.

... ضعف شدید فرماندهی نیروی انتظامی باعث حضور غیرقانونی و بدون مجوز این نیرو در

خوابگاه دانشجویان بوده

... در این بیانیه آمده است برای جلوگیری از تکرار این‌گونه حوادث و وجود یک ارگان پاسخگوی

رسمی برای موارد مشابه فرماندهی نیروی انتظامی را به‌طور کامل به وزارت کشور تفویض و وزارت کشور اختیار عزل و نصب فرماندهان ارشد این را نیرو را دارا باشد.

همان‌گونه که در متون چاپ شده که حاوی گزارش‌ها، مصاحبه‌ها، اطلاعیه‌های گروه‌ها و افراد، با ذکر نام و بدون هویت ملاحظه می‌گردد، روزنامه مذکور مبادرت به درج کلمات موهن علیه نیروی انتظامی نموده و با آگاهی اتهاماتی واهی را به پرسنل این نیرو منتسب و با القای این‌که نیروی انتظامی جناحی و در حمایت گروه سیاسی خاص عمل می‌نماید، مبادرت به نشر اکاذیب نموده که این اقدامات تشویش اذهان عمومی علیه نیرو را به همراه داشته است. لذا این نیرو مستفاد از مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تقاضای تعقیب کیفری مدیرمسئول روزنامه مذکور را دارد.

شکایت چهارم: نیروی انتظامی در شکایت دیگری مدعی شد: «... روزنامه آریا در شماره ۱۳۷۷/۱۰/۲۶ خود خبری مبنی بر مفقود شدن سه نفر در کوه‌های تهران به نام‌های اکبر توفیقی، مجید سعیدی و مرتضی شمس دارد و بر همین اساس برخی گروه‌های سیاسی خارج از کشور در ناپدید شدن آن‌ها ایجاد شبهه کرده‌اند. علی‌رغم مراجعه به محل روزنامه، مسئولان آن در خصوص درج این خبر توضیحی ندادند، لذا جهت بررسی صحت و سقم موضوع و چگونگی انتشار آن ناچار به شکایت از آن‌ها شدیم.

متن مورد شکایت: ادعای ناپدید شدن سه زندانی سیاسی سابق

گروهی که خود را «کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید» می‌نامند، ادعا کرده که سه زندانی سیاسی سابق، به‌طور مشکوکی در ایران ناپدید شده‌اند. به گفته این کانون، سه زندانی سیاسی سابق به نام‌های توفیقی، مجید سعیدی و مرتضی شمس دو هفته پیش به قصد کوهنوردی در کوه‌های

شمال تهران، از منزل خارج شدند که تاکنون برنگشته‌اند و از سرنوشت آنان هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.

کانون مذکور از ناپدید شدن آنان ابراز نگرانی کرده است.

۴. شکایت حفاظت اطلاعات ناجا

حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی مسائلی عنوان شده در مطلب "محاكمه سردار نقدي امروز پايان مي‌يابد" را عاری از حقیقت و کذب محض دانسته است.

متن مورد شکایت: محاكمه سردار نقدي امروز پايان مي‌يابد

«در نخستین جلسه این دادگاه که از ابتدا در پشت درهای بسته و بدون کوچک‌ترین پوشش خبری برگزار می‌شد، حجت‌الاسلام طباطبایی رئیس دادگاه اعلام نمود که افشای مذاکرات این دادگاه توسط مطبوعات ممنوع است. به دنبال این اعلام در جلسه دوم دادگاه اعلام شد که روزنامه ایران به اتهام افشای مذاکرات دادگاه غیرعلنی مورد پیگرد قضایی گرفته است که به فاصله کم‌تر از یک ماه، حداقل یکی از علل بازداشت شش ساعته مدیرمسئول آن بود. در فاصله جلسه اول تا دوم دادگاه حجت‌الاسلام نیازی ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح (که پرونده نقدی در این نهاد بررسی می‌شود) طی سخنانی اعلام نمود شکنجه‌ای در کار نبوده و تنها برخی حقوق قانونی بازداشت‌شدگان مورد توجه قرار نگرفته مضاف بر آنکه نقدی نیز در آن دخالتی نداشته و زیردستان وی مقصر بوده‌اند.

به دنبال این سخنان بسیاری از حقوق‌دانان و صاحب‌نظران به این اظهارات اعتراض نموده و از آن به‌عنوان دخالت یک مقام قضایی غیرمسئول در پرونده یاد کردند به طوری که در نهایت علیزاده طباطبایی که وکیل شهرداران در دادگاه نظامی است به صراحت بر دخالت نقدی حتی در سطحی فراتر از آمریت نیز تأکید نمود و اعلام کرد اگر حجت‌الاسلام نیازی اظهارات خود را اصلاح نکند مدارک مربوط به شکنجه و دخالت نقدی در آن را به مطبوعات خواهد داد.

به دنبال این سخنان نیازی که در کم‌تر از دو هفته، سه سخنرانی پی‌درپی در مورد رسیدگی به پرونده‌های مطرح در دادگاه نظامی از جمله پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و دادگاه نقدی برگزار نموده بود با گذشت بیش از یک ماه از این قضیه، همچنان به سکوت خود ادامه داده است.

سرانجام پس از سه جلسه طرح شکایت ۳۱ شاکی (از جمله کرباسچی که حاضر به حضور در دادگاه نشده و وکیل او علیزاده طباطبایی به جای وی شکایت را مطرح نمود) نسبت به نقدی و همکارانش، کیفرخواست دادستان در چهارمین جلسه علیه متهمان قرائت شد و نقدی بلافاصله

دادگاه را صالح به رسیدگی ندانست. ایرادی که هفته بعد توسط ریاست دادگاه رد و بر صلاحیت دادگاه تأکید شد. ریاست دادگاه نیز در این فاصله به وکیل شهرداران اعلام نمود که افشای مدارک مربوط به شکنجه و دخالت نقدی در آن که علیزاده طباطبایی قول اعلام آن‌ها از طریق مطبوعات را داده بود، افشای ماهیت پرونده بوده و ممنوع است که بدین ترتیب وی و شهرداران از افشای مدارک خود بازمانندند. این پرونده که شاید نخستین نوع از این دست که مربوط به ادعای اعمال شکنجه از سوی مرد شماره دو پلیس ایران و مسئول امنیتی نیروی انتظامی در پس از انقلاب محسوب می‌شود از ابتدا حرف و حدیث‌های فراوانی را در پی داشته به طوری که این پرونده را در ردیف پرونده‌های جنجالی چون دادگاه کرباسچی قرار داده است».

۵. شکایت عباس سلیمی نمین

عباس سلیمی نمین در شکایت از روزنامه آریا اعلام کرد: روزنامه آریا مطلبی با عنوان «حسینیان و سلیمی دو چهره شاخص جناح سرکوب» صریحاً به من نسبت‌های ناروا، خلاف اخلاق و قانون داده است.

در بخشی از مطلب مورد شکایت آمده: مهندس عزت‌الله سحابی مدیرمسئول نشریه ایران فردا، حسینیان و سلیمی نمین دو شرکت‌کننده در برنامه اخیر «چراغ» صدا و سیمای جمهوری اسلامی که در آن هواداران خاتمی به دست داشتن در قتل‌های اخیر متهم شدند را دو چهره برجسته و مشهور جناح سرکوب توصیف کرد.

۶. شکایت نیروی مقاومت بسیج

نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از مدیرمسئول این روزنامه به اتهام نشر اکاذیب، انتشار گزارش خلاف واقع، تهمت و افترا و ایجاد جو بدبینی علیه بسیجیان شکایت کرده و در شکایت خود آورده: «... به دنبال واقعه کوی دانشگاه تهران و ناآرامی‌های سطح شهر، یکی از اعضای شورای شهر به نام درودیان در مطلبی با عنوان «گزارش شورای شهر از فاجعه کوی دانشگاه» که در صفحه ۶ شماره مورخ ۱۳۷۸/۴/۳۰ روزنامه آریا به چاپ رسیده در اظهارات خلاف واقع و سراسر کذب مدعی شده: ... جریان حادثه کوی دانشگاه تهران از همین جما قلب ماهیت پیدا کرده و در این زمان جریان جدیدی وارد صحنه بحران می‌گردد که با گردآوری جمعی از بسیجیان وارد صحنه شده، با حمله به مساجد، آتش زدن بانک‌ها و خودروهای عمومی دامنه بحران را توسعه می‌بخشد...»

۷. شکایت ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

این ستاد در دو شکایت مجزا مدیرمسئول روزنامه آریا را متهم به نشر اکاذیب، تحریک افراد

علیه نظام، تشویش اذهان عمومی، افترا نسبت به نهادها و ارگان‌های کشور، تبلیغ نهضت آزادی، تضعیف نیروی انتظامی، تبلیغ گروه‌های مخالف نظام، تبلیغ افکار گروه‌های منحرف از اسلام، اهانت به مقام معظم رهبری و تبلیغ علیه نظام نموده است.

موارد شکایت

۱. در شماره ۱۰۷ به نقل از آقای سحابی عنوان شده که امنیت شهروندی در کشور وجود ندارد
۲. در شماره ۱۱۰ آمده: رئیس‌جمهوری دانشجویان را تا کی می‌تواند آرام نماید؟
۳. در شماره ۱۱۳ قوه قضائیه به بازداشت‌های غیرقانونی دانشجویان و ضرب و شتم آنان متهم شده است.
۴. در شماره ۹۸ مأموران دادگاه ویژه روحانیت را متهم به برخورد غیرقانونی و تفتیش عقاید نسبت به آیت‌الله غروی کرده‌اند.
۵. شماره ۱۱۳ قتل‌های پوینده و مختاری را سیاسی و تشکل‌یافته توسط بخشی از حکومت عنوان نموده است.
۶. در شماره ۱۴۹ به تبلیغ افکار گروهک غیرقانونی نهضت آزادی مبادرت شده است.
۷. در شماره ۱۵۴ با چاپ مطالبی نیروی انتظامی متهم به ضرب و شتم جوانان گردیده است.
۸. در شماره ۱۵۲ عنوان شده که چندین نفر تنها به خاطر داشتن اعلامیه آیت‌الله منتظری دستگیر و چندین ماه است که در زندان بسر می‌برند.
۹. در شماره ۱۶۱ از قول آقای سحابی عنوان شده که برخلاف نظر حکومت‌کنندگان، مردم ایران به پرهیز از ارتباط با غرب اعتقاد ندارند.
۱۰. در شماره ۱۶۱ در مصاحبه با آقای اشکوری (گروهک نهضت آزادی) عنوان شده که انتخابات در ایران آزاد نمی‌باشد.
۱۱. در شماره ۱۵۹ به چاپ بیانیه گروهک نهضت آزادی در مورد انتخابات مبادرت شده است.
۱۲. در شماره ۱۵۸ به چاپ اطلاعیه گروهک غیرقانونی نهضت آزادی مبادرت نموده است.
۱۳. در آریا شماره ۱۶۸ عنوان شده که مقام معظم رهبری جناحی عمل می‌نماید.
۱۴. در آریا شماره ۱۷۰ اخراج اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات سیاسی عنوان شده است.
۱۵. در شماره ۱۷۲ به تبلیغ کاندیداهای منتخب گروهک غیرقانونی نهضت آزادی مبادرت شده است.
۱۶. در شماره ۱۷۶ دادگاه ویژه روحانیت را غیرقانونی، تبعیض‌آمیز، غیرعادلانه و خودکامه معرفی نموده است.

پرونده روزنامه آریا ۱۰۹۳

۱۷. در شماره ۱۷۶ عنوان شده است که هیچ ماده قانونی نمی‌تواند نحوه تشکیل دادگاه ویژه روحانیت را توجیه نماید و این دادگاه با حقوق ملت و قانون اساسی در تعارض است.
۱۸. در شماره ۱۷۶ به چاپ اطلاعیه دفتر تحکیم وحدت مبنی بر غیرقانونی بودن دادگاه ویژه روحانیت مبادرت شده است. در این اطلاعیه دادگاه ویژه روحانیت به انحصارطلبی، قسیم‌مآبی، جناح‌گرایی، اعمال فشار غیرقانونی، ایجاد رعب و وحشت و... متهم شده است.
۱۹. در شماره ۱۷۷ عملکرد دادگاه ویژه روحانیت، سیاسی و جناحی قلمداد گردیده و آن را به ضدیت با اندیشه مردم‌سالار متهم نموده است.
۲۰. در شماره ۱۷۹ اقدامات دادگاه ویژه روحانیت در راستای سرکوب اندیشه، مخالف اصول اولیه آزادی بشر و تعالیم عالیه اسلامی عنوان شده است.
۲۱. در شماره ۱۸۲ دادگاه ویژه روحانیت غیرقانونی معرفی گردیده که آزادی شهروندان و امنیت آنان را به خطر انداخته و به ایجاد جو رعب و وحشت و خشونت در جامعه می‌پردازد.
۲۲. در شماره ۱۸۱ از قول رادیو فرانسه عنوان شده است مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند حقایق در مورد قتل‌ها را کتمان نمایند.
۲۳. در شماره ۱۸۱ دستگیری آقای کدیور سیاسی و عملکرد دادگاه جناحی قلمداد گردیده است.
۲۴. در آریا مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۶ از قول نماینده سازمان دیده‌بان حقوق بشر الهه شریف‌پور عنوان شده است در ایران آزادی بعد از بیان وجود ندارد.
۲۵. در شماره ۲۰۵ ضمن آنکه محاکمه کدیور محاکمه اندیشه و تجاوز به حریم آزادی بیان، عنوان گردیده دادگاه ویژه روحانیت نیز غیرقانونی خوانده شده است.
۲۶. در شماره ۲۰۷ به نقل از ابراهیم یزدی (دبیرکل گروهک نهضت آزادی) جرم کدیور صرفاً ابراز عقیده خوانده شده که مجازات آن غیرقانونی است و نیز دادگاه ویژه روحانیت فاقد مشروعیت عنوان گردیده است. در مطالب فوق القای این شبهه که دادگاه ویژه روحانیت، در جهت مجازات اندیشه عمل نموده، فضای سیاسی کشور را خفقان‌آور ترسیم می‌نماید.
۲۷. در شماره ۲۱۰ از نظارت استصوابی به ابزاری در جهت مخالفت با آزادی تعبیر شده است. این‌که شورای نگهبان به مرجعی در جهت مخالفت با آزادی قلمداد گردد.
۲۸. شماره ۲۱۷ به نقل از فائزه هاشمی نسبت به قوه قضائیه عنوان گردیده که "با شکنجه برای کرباسچی جرم تراشیده‌اند درحالی که خود اختلاس میلیاردی کرده‌اند".
۲۹. در شماره ۲۱۷ به نقل از خبرگزاری "سی‌ان‌ان" محکومیت کرباسچی سیاسی تلقی شده که قوه قضائیه تحت تأثیر مسائل جناحی او را با این‌که بی‌گناه بوده به زندان محکوم نموده است.

۳۰. در شماره ۲۱۸ محکومیت کرباسچی غیرقانونی خوانده شده که افکار عمومی نیز به شدت با عملکرد قوه قضائیه مخالف است.

۳۱. در شماره ۲۱۹ به نقل از یک روزنامه آلمانی، عملکرد قوه قضائیه سیاسی و در خدمت جناحی خاص معرفی شده و از حکم کرباسچی به عنوان جنگ قدرت جناح‌های سیاسی نام برده.

۳۲. در شماره ۲۱۹ به نقل از ابراهیم یزدی (سرکرده گروهک نهضت آزادی) عنوان شده که کدیور هیچ جرمی مرتکب نشده بلکه تنها ابراز عقیده نموده است.

۳۳. در شماره ۲۱۹ گزارشی از تحصن دانشجویان در اعتراض به بازداشت کدیور و امیرانتظام چاپ شده است و چاپ شعارهای آنان به نحوی است که در جهت ایجاد تشنج سیاسی و بحران‌سازی ارزیابی می‌گردد.

۳۴. در شماره ۲۲۰ به نقل از صادق صبا دست‌اندرکار رادیوهای بیگانه که مخالفت وی با نظام اسلامی مسلم می‌باشد عنوان گردیده که محکومیت کرباسچی در جهت برخورد‌های جناحی می‌باشد و به عبارت دیگر قوه قضائیه به عمل‌کردی غیرقانونی، غیرعادلانه و جناحی متهم شده است.

۳۵. در شماره ۲۲۱ با طرح مطالبی عنوان شده که کدیور و کرباسچی مردمی هستند و مردم با محکومیت آنان مخالف می‌باشند و حکم را عادلانه نمی‌دانند. این نگرش موجب می‌شود که مردم در مقابل قوه قضائیه و نهادهای دیگر قرار گرفته و احساسات آنان تحریک شده و موجبات به خطر افتادن امنیت نظام فراهم گردد.

۳۶. در شماره ۲۲۲ به نقل از رادیو بی.بی.سی جریان عمومی دادگاه و قوه قضائیه در قبال کدیور و کرباسچی تلقی شده است. مسلماً تبلیغ این توهم این شبهه را به افکار عمومی القا می‌نماید که قوه قضائیه که باید مرجع عدالت‌گستر می‌باشد تحت سلیق جناحی آزادی افراد را نادیده گرفته و احکام غیرقانونی صادر می‌نماید و فضایی استبدادی در کشور ترسیم می‌گردد.

۳۷. در شماره ۲۲۳ از قول عزت‌الله سبحانی، حاکمیت دین در نظام اسلامی به حکومت طبقه‌ای خاص به عنوان حکومت دین تعبیر شده و مستقیماً اساس نظام را هدف گرفته است.

۳۸. در شماره ۲۲۴ بیانیه جبهه متحد دانشجویی چاپ گردیده که در آن نظام به تفتیش عقاید و خشونت و تمامیت‌خواهی محکوم شده است. همچنین تصریح شده که "هنوز ناله آزادی و آزادی‌خواهی از کنج زندان‌ها به گوش می‌رسد".

۸. شکایت صدا و سیمای جمهوری اسلامی

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در شکایتی از مدیرمسئول روزنامه آریا اعلام کرد:

روزنامه آریا مورخ ۱۳۷۸/۵/۶ در مطلبی با عنوان "چهره‌های اصلی آشوب‌ها معرفی نشده‌اند" به نقل از سیدمحمدرضا خاتمی مدعی شده که عامل اصلی آشوب، صدا و سیما می‌باشد. در بخشی از مطلب مورد شکایت آمده: ... ما متأسفیم که یک رسانه ملی مانند صدا و سیما در کشور که باید به دنبال منافع نظام باشد به سخنگوی جناح راست تبدیل شده است. صدا و سیما در ابتدای درگیری‌ها سکوت کرد و روزهای بعد با تحریف مصاحبه‌ها به پخش صحنه‌هایی پرداخت که مربوط به وقایع کوی دانشگاه نبود و همزمان با پخش تصاویر به بیان مطالبی می‌پرداخت که به طور غیرمستقیم بیانه جمعیت مؤتلفه را القا می‌کرد...

آنان با این نحوه اطلاع‌رسانی غلط خود ضربه بزرگی به حیثیت نظام وارد کردند. به این ترتیب این‌طور وانمود کردند که نظام آن‌قدر بی‌تجربه است که چند عنصر کوچک و بی‌اهمیت می‌توانند نظام را با بحران مواجه کنند. درحالی‌که این‌طور نیست. افراد معرفی شده اگرچه فاسد بودند، اما توان این مقدار نبود.

۹. شکایت وزارت اطلاعات

وزارت اطلاعات نیز از مدیرمسئول روزنامه آریا به اتهام نسبت دادن ترور، شکنجه و رفتار غیرانسانی به این وزارت شکایت و اعلام کرد: روزنامه مذکور در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱ از قول آقای علی‌اکبر معین‌فر نوشته به هر حال چیزی که اصلاح‌طلبان ایرانی می‌خواهند پایان دادن به ترورها، شکنجه‌ها و رفتارهای غیرانسانی و حداقل کاسبی‌های معمول در وزارت اطلاعات است.

روزنامه آریا در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۷ در مطلبی تحت‌عنوان "درخواست تغییر در وزارت اطلاعات و حراست‌های ادارات" آورده است: خط انحراف در وزارت اطلاعات و برخی نهادهای دیگر به قتل‌ها و ترورهای موفق و ناموفق ختم نمی‌شود بلکه مهم‌تر از آن‌ها پرونده‌سازی‌های گوناگون جهت افراد مخلص، اندیشمند و سالم و انقلابی جهت بهره‌گیری از آن در مقاطع مختلف مانند انتخابات، جلوگیری از انتصاب نیروهای کارآمد، ایجاد فضای رعب و وحشت و...

در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ از قول علی‌رضا نوری‌زاده خبر دستگیری ۲۱۱ نفر از وزارت اطلاعات که ۳۱ نفر از آن‌ها دارای مقاماتی چون مدیرکل، مدیر اداره و... هستند را منتشر کرده و به صراحت از دست داشتن مدیرکل اداره کل اطلاعات اصفهان در قتل‌ها خبر داده است.

جلسه دادگاه

در جلسه دادگاهی که در ۱۷ آذرماه سال ۱۳۷۸ برگزار شد، ابتدا شریفی نماینده مدعی‌العموم گفت: علی‌رغم جو‌سازی‌هایی که علیه محاکمات مطبوعاتی انجام می‌شود در دادگاه‌های مطبوعات کفه

ترازو به نفع متهم است.

وی با اشاره به اتهاماتی که دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم متوجه مدیرمسئول روزنامه‌آریا کرده است گفت: تبلیغ و ترویج مطالبی که بر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران آسیب می‌رساند، مطرح کردن افراد و گروه‌های منحرف، تنزل دادن جایگاه رفیع ولایت به نحوی که تعرض به حریم آن قبح خود را از دست بدهد، تشویق و ترغیب افراد گروه‌ها برای دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز برای بیان اعتراض خود از جمله موارد اتهامی مدیرمسئول روزنامه‌آریا می‌باشد. شریفی یادآور شد: روزنامه‌آریا رهبر معظم انقلاب اسلامی را صراحتاً به محافظه‌کاری متهم کرده که این امر وهن حریم ولایت است.

وی همچنین با بیان این‌که روزنامه‌آریا با انتشار مطالبی خوراک تبلیغاتی به رسانه‌های بیگانه برای تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران داده است گفت: پس از دستگیری محسن کدیور روزنامه‌آریا با اعلام این‌که افراد به جرم ابراز عقیده دستگیر می‌شوند علیه نظام تبلیغ و برای رسانه‌های بیگانه خوراک تبلیغاتی درست کرده است.

همچنین روزنامه‌آریا با تحریک دانشجویان برای دست زدن به اقدامات خشونت‌آمیز آنان را به آشوب و بلوا تحریک کرده است.

شریفی با بیان این‌که روزنامه‌آریا اخبار و مطالبی به منظور زمینه‌سازی برای تعرض به نظام و سست کردن اعتقادات مردم منتشر کرده است خواستار مجازات مدیرمسئول آن شد.

همچنین نماینده حقوقی حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران شکایت این نیرو علیه مدیرمسئول روزنامه‌آریا را، اتهام افشای مسائل امنیتی کشور مطرح کرد.

سپس نماینده نیروی انتظامی با طرح شکایت این نیرو گفت: روزنامه‌آریا در شماره‌های مختلف خود به کرات علیه نیروی انتظامی مطالب کذب و اهانت‌آمیز منتشر کرده و فرماندهی نیروی انتظامی را به ضعف در اعمال مدیریت متهم و خواستار آن شده است که فرماندهی نیرو به وزارت کشور محول و تیمسار لطفیان برکنار و محاکمه شود.

نماینده حقوقی نیروی انتظامی با بیان این‌که پرسنل این نیرو برای حفظ امنیت کشور حتی جان خود را فدا می‌کنند اظهار داشت: گردانندگان روزنامه‌آریا در سایه امنیتی که توسط نیروی انتظامی برای آن‌ها ایجاد شده است به صورت‌های مختلف اقدام به توهین، افترا و هتک حرمت کرده و مأموران نیروی انتظامی را به لشکر چنگیزخان مغول تشبیه کرده است.

وی گفت: در جریان حادثه کوی دانشگاه روزنامه‌آریا چندین بار سخن از شهدای حادثه به میان آورده است. اگر مدرکی برای بیان ادعاهای خود دارند مطرح کنند.

پرونده روزنامه آریا ۱۰۹۷

وی این سؤال را از مدیرمسئول روزنامه آریا مطرح کرد که وی با چه انگیزه‌ای خواستار واگذاری نیروی انتظامی به وزارت کشور شده است؟
مدیرمسئول روزنامه آریا باید پاسخ بدهد که با چه اهدافی خواستار برکناری و محاکمه فرماندهی نیروی انتظامی شده است؟

آیا شما دلیل و مدرکی مبنی بر مجرمیت فرمانده نیروی انتظامی در دست دارید؟
سپس عباس سلیمی نمین مدیرمسئول روزنامه تهران تایمز شکایت خود علیه مدیرمسئول روزنامه آریا را مطرح کرد و گفت: روزنامه آریا در مصاحبه با ابراهیم یزدی بنده را (سلیمی نمین) به دست داشتن در قتل‌های زنجیره‌ای متهم کرده است.
سلیمی نمین با استناد به مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۰ قانون مطبوعات خواستار مجازات مدیرمسئول روزنامه آریا به اتهام نشر اکاذیب، افترا و اهانت شد.
همچنین نماینده نیروی مقاومت بسیج شکایت این نیرو از مدیرمسئول روزنامه آریا را مطرح کرد و گفت: روزنامه آریا به دنبال حضور بسیجیان در صحنه مقابله با آشوب‌گران، بسیج را عامل آشوب یاد کرده و تهمت‌های ناروایی را به بسیج نسبت داده است. وی خواستار مجازات مدیرمسئول روزنامه آریا به اتهام ایجاد جو بدبینی، تهمت و نشر اکاذیب شد.
سپس نماینده سازمان صدا و سیما شکایت این سازمان علیه مدیرمسئول روزنامه آریا را مطرح کرد.

همچنین وکیل حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی شکایت موکل خود را مطرح کرد و گفت: روزنامه آریا با نوشتن این مطلب با دید منفی که سردار نقدی یکی از جوان‌ترین فرماندهان می‌باشد، او را به بی‌تجربگی و نپختگی متهم و به وی اهانت کرده است.
روزنامه آریا همچنین در ارتباط با موضوع مضروب شدن آقایان عبدالله نوری و مهاجرانی نسبت‌های ناروایی به سردار نقدی داده است.
وی خواستار مجازات مدیرمسئول روزنامه آریا به اتهام ترویج دروغ، افترا و تشویش اذهان عمومی شد.

در ادامه این جلسه به دلیل عدم حضور نماینده وزارت اطلاعات مرتضوی قاضی پرونده شکایت این وزارت‌خانه از مدیرمسئول روزنامه آریا را قرائت کرد که در بخشی از شکوائیه وزارت اطلاعات آمده است: نسبت دادن ترور، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی به وزارت اطلاعات از مصادیق بارز توهین، افترا و تشویش اذهان عمومی است.
محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا به دفاع از خود پرداخت و گفت: یک نشریه و یا

روزنامه به دلیل وضعیت شغلی که در آن است نمی‌تواند خالی از خطا و اشتباه باشد و هر تصمیمی که هیأت منصفه و دادگاه مطبوعات که از نظر من جایگاه قانونی دارد در مورد من بگیرد می‌پذیرم. وی افزود: در ارتباط با شکایت نیروی مقاومت بسیج باید صادقانه بگویم مطلب درج شده برداشت‌های خبرنگار ما از مصاحبه مذکور بوده است که این امر موجب توییح خبرنگار نیز شد. ضمن این‌که باید بگویم من نیز در این مورد قصور کردم. پس از این‌که خبر مذکور به چاپ رسید، آقای درودیان جوابیه‌ای فرستاد که هم جوابیه به چاپ رسید و هم در این مورد عذرخواهی نمودم و در همین خصوص نامه‌ای هم به سردار حجاری فرمانده نیروی مقاومت بسیج نوشتم و ضمن پوزش و قبول مسؤلیت، از ایشان و بسیجیان مخلص خواستار جبران آن شدم و باید بگویم که در این مورد هیچ دفاعی ندارم، زیرا اشتباهی بوده که می‌پذیرم و هم‌اکنون نیز از تمام بسیجیان عذرخواهی می‌کنم.

زهدی در خصوص شکایت سلیمی نمین گفت: من تأسفم را از این‌که آقای سلیمی نمین که خود یک روزنامه‌نگار است و از ما شکایت کرده بیان می‌کنم و لازم است بگویم که مطلب چاپ شده در روزنامه نظر آقای سبحانی بوده و نه نظر بنده و یا موضع روزنامه. ولی از آن‌جا که مطلبی نوشته شده و ایشان شاکی شده است و به دلیل رابطه صنفی از ایشان پوزش می‌طلبم.

وی در خصوص شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی گفت: مطالب درج شده در گزارش روزنامه آریا از دادگاه آقای نقدی تماماً براساس اظهارات آقای نقدی و آقای طباطبایی و یا متن کیفرخواست است.

مدیرمسئول روزنامه آریا در ارتباط با مطالب درج شده در مورد شهرداران بازداشت شده تهران از سوی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی گفت: این‌که شهرداران در زندان مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و در زندان به آن‌ها چه گذشته است بارها از زبان خود شاکیان بیان شد و آن‌ها با مسؤولان مختلف نیز در این خصوص صحبت کردند و ما نیز تنها سعی کردیم در راستای وظیفه مطبوعاتی خود عمل کنیم و اخبار را درج نماییم ضمن این‌که ما در گزارش یاد شده نوشته‌ایم، شهرداران "مدعی" تخلف و شکنجه در حفا ناجا شده‌اند.

وی همچنین درخصوص استفاده از لفظ جوان برای سردار نقدی در آن روزنامه گفت: لفظ جوان برای آقای نقدی تنها در یک خبر آمده و به دور از هر تحلیلی ضمن این‌که جوان بودن یک فرمانده را نباید تعبیر بد نمود بلکه می‌توان آن را نشانه لیاقت وی دانست و ما در آن مطلب تنها قصد داشتیم که یک حقیقت را بیان نماییم و نه قصد تهمت داشتیم و نه تعریف و تمجید.

زهدی سپس در خصوص موارد اتهامی از سوی مدعی العموم به دفاع از خود پرداخت و در

ارتباط با درج مطلب "رئیس جمهوری دانشجویان را تا کی می تواند آرام نماید و دانشجویان ممکن است راهی دیگر برای اعلام نارضایتی خود پیدا کنند" گفت: نمی دانم چگونه باید من در دادگاه جوابگو باشم، زیرا این مطلب را ابتدا روزنامه اخبار درج کرد ضمن این که موارد مجرمانه ای نیز در مطلب فوق یافت نمی شود و ستاد احیا مطلب را به صورت تحریف شده در شکایت آورده است. وی همچنین در خصوص مطلبی که از قول الهه شریف پور نماینده سازمان دیدبان بشر در روزنامه آریا نوشته شده گفت: این مطلب که با عنوان "در ایران آزادی بعد از بیان وجود ندارد" به چاپ رسیده بیانگر این است که در کشور ما آزادی در بیان وجود دارد و درج آن صرفاً یک فعالیت مطبوعاتی بوده و جرمی هم صورت نگرفته است.

وی در ادامه گفت: مطلبی از جبهه متحد دانشجویی در روزنامه به چاپ رسیده که می گویند موجب تشویق افراد و گروه ها علیه امنیت ملی و شورش علیه نظام جمهوری اسلامی می شود اما باید بگویم مطلب فوق موضع روزنامه نبوده و درج آن در ستون مربوط به گروه ها و احزاب تنها به دلیل اطلاع رسانی بوده است و سوءنیتی هم در کار نبوده و اساساً تصور هم نمی کنیم که بیانیه یک گروه کوچک باعث ایجاد شورش و تشویق گروه ها علیه نظام جمهوری اسلامی شود.

در خصوص اتهام توهین و اهانت به مقام معظم رهبری از طریق متهم کردن مقام عظمای ولایت به گرایش جناح های خاص گفت: آنچه بسیار ناگوار است و من نمی خواهم آن را مطرح کنم قصد وهن رهبری و چاپ مطلب علیه رهبری می باشد و باید بگویم این امکان ندارد مگر می شود من وهن رهبری کنم. من این اتهام را نمی پذیرم و برایم قابل هضم نمی باشد.

وی در دفاع از خود درباره شکایت صدا و سیما نیز گفت: این خبر نیز تولید روزنامه نبوده است. رئیس دادگاه گفت: انتشار اخبار به نقل از روزنامه های دیگر رافع مسئولیت نیست، بلکه شما (زهدی) باید قبل از انتشار خبر از صحت و سقم آن اطمینان حاصل می کردید.

وی بقیه دفاعیات خود را برعهده غلامعلی ریاحی وکیل مدافع خود گذاشت. ریاحی نیز گفت: جناح های سیاسی از اصطلاحات و کلمات متعددی از جمله چپ، راست، سنتی، مدرن و محافظه کار برای یکدیگر استفاده می کنند که این کلمات به هیچ وجه توهین و وهن نیست.

وی دستگاه قضایی و انتظامی را از بدنه های اصلی کشور دانست و گفت: کسی نمی تواند این نهادها را زیر سؤال ببرد ولی افرادی در این نهادها از جمله نیروی انتظامی هستند که اگر کارشان از سوی روزنامه ها نقد نشود، چه بسا این نهاد را زیر سؤال ببرد.

ریاحی افزود: در خصوص حادثه کوی دانشگاه تهران، حدود ۲۰ نفر از نیروی انتظامی قرار است

محاكمه شوند و در این قضیه مطبوعات اطلاع‌رسانی کردند و آنچه مسلم است ورود به خانه‌های دانشجویان و ضرب و جرح آنان خلاف قانون بوده و کسی تاکنون منکر آن نشده است. روزنامه‌آریا در این میان تنها به نقل از افراد اخباری را منتشر کرده و خود این روزنامه تولیدکننده آن خبرها نبوده و تحلیلی نیز در این زمینه منتشر نکرده است.

وکیل مدافع زهدی در خصوص شکایت صدا و سیما از روزنامه‌آریا گفت: این سازمان از سوی نشریات دیگر نیز مورد انتقاد است.

وی از اعضای هیأت‌منصفه و رئیس دادگاه خواستار رسیدگی عادلانه به این پرونده شد. زهدی مدیرمسئول روزنامه‌آریا نیز در آخرین دفاعیات خود گفت: به هیچ وجه قصد و سوءنیتی در انتشار مطالبی که منجر به شکایت شاکیان شده، نداشته و صرفاً هدف از انتشار آن مطالب، اطلاع‌رسانی بوده است.

سعید مرتضوی رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران پس از شنیدن دفاعیات مدیرمسئول روزنامه‌آریا و وکیل مدافع وی، ختم رسیدگی به این پرونده را اعلام کرد. پس از پایان جلسه محاکمه، هیأت‌منصفه وارد شور شد و نظر خود را اعلام کرد.

نظر هیأت‌منصفه

به گزارش روابط عمومی دادگستری استان تهران، هیأت‌منصفه^۱ پس از برگزاری جلسه علنی دادگاه و انجام شور و بررسی‌های لازم، مدیرمسئول روزنامه‌آریا را در خصوص شکایت فرماندهی نیروی مقاومت بسیج و شکایت وزارت اطلاعات مجرم تشخیص داد اما با توجه به نحوه دفاعات متهم و برخورد بعدی وی در چاپ مطلب عذرخواهی و پذیرش اشتباه، وی را مستحق تخفیف دانست و در مورد لزوم رعایت شأن وزارت اطلاعات به وی تذکر داد.

رأی اعضای هیأت‌منصفه در رابطه با شکایت نیروی انتظامی و عباس سلیمی نمین از مدیرمسئول روزنامه‌آریا در خصوص مجرمیت و یا عدم مجرمیت وی، به تساوی کشیده شد که به لحاظ "تفسیر قانون به نفع متهم" مدیرمسئول روزنامه‌آریا مجرم شناخته نشد ولی اعضای این هیأت به اتفاق آرا در مورد رعایت حرمت افراد به وی تذکر دادند.

اعضای هیأت‌منصفه در خصوص اعلام جرم ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر نیز با اکثریت آرا ضمن تقدیر از دقت نظر این ستاد، نسبت به رعایت اخلاق مطبوعاتی و حرمت قلم به

۱. اعضای هیأت‌منصفه: حبیب‌الله عسگرآولادی، حجت‌الاسلام جعفر شبیری، علی مزروعی، حمیرا حسینی بگانه، واحدی، حجت‌الاسلام ابزدپناه و علی فاضلی.

مدیرمسئول روزنامه آریا تذکر داده و باتوجه به اظهارات متهم در جلسه دادگاه وی را مجرم ندانستند. این هیأت همچنین با اکثریت آرا در خصوص شکایت ارتش و صدا و سیما، مدیرمسئول روزنامه آریا را مجرم ندانست، اما از وی خواست که در مسائل امنیتی مبتنی بر مصالح ملی دقت نظر بیشتری داشته باشد.

رأی دادگاه

درخصوص اتهامات محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا موضوع شکایت نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و هتک حرمت، دادگاه باتوجه به مجموع محتویات پرونده و مستندات شکایات مذکور و نحوه مدافعات متهم و قبول اشتباه از طرف وی با عنایت به این که چاپ هیأت منصفه پس از ختم جلسه محاکمه علنی مشارالیه را در خصوص شکایات مذکور مجرم تشخیص و با تذکر رعایت شأن وزارت اطلاعات نامبرده را مستحق تخفیف دانستند و سایر عناوین ادعا شده نیز مشمول دو اتهام مذکور می باشد بنا علی هذا دادگاه به استناد ماده ۶۰۸ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب و تبصره ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب سال ۱۳۷۳ نامبرده را از جهت نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی تعزیری بدل از چهار ماه حبس و از جهت توهین و اهانت به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق محکوم و به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی از جهت تتمیم مجازات مذکور نامبرده را به محرومیت از انتشار روزنامه آریا به مدت دو هفته محکوم می نماید که با تبدیل مجازات حبس و شلاق مقرر در مواد ۶۰۸ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی تخفیف مورد نظر اعضای محترم هیأت منصفه نیز ملحوظ گردید و در خصوص شکایت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و حفاظت اطلاعات ناجا و آقای عباس سلیمی نمین باتوجه به این که از جمع هشت نفر اعضای حاضر هیأت منصفه چهار نفر نظر به مجرمیت و چهار نفر به عدم مجرمیت اظهار نظر نمودند با عنایت به این که به استناد ماده ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات، دادگاه می بایست براساس نظریه اکثریت انشا رأی نماید و در مانحن فیه با اعلام رأی مساوی اکثریت مذکور حاصل نگردیده فلذا با تفسیر قانون به نفع متهم بدین وصف که در امر حاضر اکثریت برای مجرم شناختن حاصل نشده و در دوره اخیر نیز اعضای هیأت منصفه با قید اصلی و علی البدل معرفی نشده اند حکم برائت مدیرمسئول روزنامه آریا را در خصوص سه شکایت مارالذکر صادر و اعلام می نماید. همچنین دادگاه در خصوص شکایت ارتش جمهوری

اسلامی ایران و اعلام جرم ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر منظم دستور رسیدگی نماینده رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با توجه به این که اعضای محترم هیأت منصفه از مدیرمسئول روزنامه آریا خواستند تا در بیان مسائلی که مبتنی بر امنیت و مصالح ملی است دقت نظر بیشتری اعمال نموده و در رعایت حرمت افراد و اخلاق مطبوعاتی و حرمت قلم به وی تذکر داده و با وصف مذکور و مشارالیه را در این خصوص مجرم ندانستند بنا علی هذا دادگاه به استناد ماده ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ حکم برائت نامبرده را صادر و اعلام می نماید و در رابطه با شکایت شرکت فولاد خوزستان با توجه به اعلام گذشت شاکی به استناد ماده ۳۰ قانون مطبوعات قرار موقوفی تعقیب صادر اعلام می گردد.

رأی صادره حضوری و در خصوص شکایت نیروی مقاومت بسیج و وزارت اطلاعات ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می باشد و در خصوص سایر موارد به استناد ماده ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه فردوس کویر

نام نشریه: فردوس کویر

مدیرمسئول: مهندس فردوسی

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه گرگان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۹/۲۸

اتهام: نشر اکاذیب

شاکای: مدیرعامل اسبق شرکت تعاونی فاز ۳ مسکن فرهنگیان کرمان

رای دادگاه: حکم برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

به دنبال شکایت مدیرعامل اسبق شرکت تعاونی فاز ۳ مسکن فرهنگیان کرمان، مدیرمسئول هفته نامه فردوس کویر به دادگاه فرا خوانده شد.

این شرکت تعاونی که با عضویت قریب ۳۰۰ فرهنگی از سال ۱۳۶۲ جهت ایجاد سرپناه برای اعضا تشکیل شده است، پس از ۱۶ سال با تغییر سه هیأت مدیره هنوز به وعده های خویش جامه عمل نپوشانده که در این راستا تعدادی از اعضا با مشکلات روحی و مالی شدید روبه رو شده اند. در پیگیری نشریه فردوس کویر، مدیرعامل اسبق این شرکت از مدیرمسئول این نشریه به دادگاه مطبوعات کرمان شکایت کرد.

رای دادگاه

دادگاه پس از خاتمه رسیدگی و باتوجه به نظر هیأت منصفه مبنی برعدم مجرمیت مدیرمسئول، رای به برائت مدیرمسئول نشریه داد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ندای هرمزگان

نام نشریه: هفته نامه ندای هرمزگان

مدیرمسئول: غلامحسین عطایی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ششم دادگاه عمومی بندرعباس، قاضی نجفی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۹/۳۰

اتهام: نشر اکاذیب

شاکی: مشیری رئیس دانشگاه آزاد بندرعباس

رأی دادگاه: با اعلام گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

خلاصه پرونده

غلامحسین عطایی مدیرمسئول نشریه هرمزگان در پی شکایت رئیس دانشگاه آزاد بندرعباس به شعبه ششم دادگاه بندرعباس احضار شد.

مشیری رئیس دانشگاه در شکایت خود موارد اتهامی مدیرمسئول را برشمرد و گفت: از موارد اتهامی نشریه ندای هرمزگان چاپ خبری در خصوص اخراج دو تن از دانشجویان دوم خرداد این دانشگاه و عدم اعطای مجوز به تشکل های دانشجویی دانشگاه مذکور است.

غلامحسین عطایی که در گذشته رئیس ستاد انتخاباتی آقای خاتمی بود گفت: آقای مشیری خود را مدعی العموم دانشگاه های آزاد کشور دانسته و به جای آن ها اقدام به طرح شکایت نموده است. مطالبی که ما چاپ کردیم ربطی به دانشگاه آزاد بندرعباس ندارد، بلکه مربوط به کلیه دانشگاه های کشور است که از منبع روزنامه های کشور استخراج شده است.

در پایان جلسه رسیدگی هیأت منصفه از شاکی خواست شکایت خود را پس بگیرد.

رأی دادگاه

دادگاه باتوجه به اعلام گذشت شاکی در خصوص غلامحسین عطایی قرار موقوفی تعقیب صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه آوای اردبیل

نام نشریه: آوای اردبیل

مدیرمسئول: محسن حافظی فر

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۷ دادگاه مطبوعات اردبیل، قاضی میرحیدری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۸/۴

اتهام: نشر اکاذیب

شاکلی: نیروی انتظامی و تیپ ۴۰ پیاده ارتش، رئیس سابق برنامه و بودجه استان و شرکت آبنوش
رأی دادگاه: درخصوص برخی از اتهامات تبرئه ولی در مورد سه شکایت نیروی انتظامی به توقیف
یک ماهه نشریه و پرداخت دویست هزار تومان محکوم شد. در خصوص شکایت هایی که
اعلام گذشت کردند، قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

خلاصه پرونده

اولین جلسه دادگاه مطبوعات استان اردبیل برای رسیدگی به شکایات نیروی انتظامی و تیپ ۴۰
پیاده ارتش از هفته نامه آوای اردبیل روز سوم آبان ماه برگزار شد.
در این جلسه که با حضور هشت تن از اعضای هیأت منصفه مطبوعات استان برگزار شد، یک
مورد شکایت تیپ ۴۰ پیاده ارتش و هشت مورد شکایت نیروی انتظامی از آوای اردبیل مطرح شد
و محسن حافظی فر مدیرمسئول این نشریه به دفاع از خود پرداخت.
در پایان دفاعیات حافظی فر، هیأت منصفه مدیرمسئول آوای اردبیل را در زمینه شکایت تیپ
۴۰ مستقل پیاده و پنج مورد شکایت نیروی انتظامی تبرئه کرد.
هیأت منصفه در سه مورد شکایات نیروی انتظامی با عنوان "دزدکیه"، "عطسه ممنوع" و "به
حاشیه نرویم که موضوع اصلی کوی دانشگاه بود"، مدیرمسئول آوای اردبیل را مجرم ولی مستحق
تخفیف دانست.

رأی دادگاه

دادگاه به استناد نظر هیأت منصفه حکم به توقیف یک ماهه نشریه آوای اردبیل داد.

۱۱۰۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

دادگاه همچنین با توجه به گذشت رئیس سابق برنامه و بودجه استان اردبیل و شرکت آبنوش در این مورد قرار موقوفی تعقیب صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امانت ارومیه

نام نشریه: امانت

مدیرمسئول: عبدالصمد اسلامی و یکی از نویسندگان نشریه

شعبه رسیدگی کننده: شعبه یک دادگاه ارومیه، قاضی میرزاجانی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۰/۷

اتهام: چاپ نامه محرمانه و افشاجری، توهین و اهانت، نشر اکاذیب

شاکی: استاندار سابق آذربایجان غربی، ثبت اسناد و املاک کشور، هسته گزینش اداره آموزش و

پرورش، مقاومت بسیج سپاه ارومیه، رئیس سابق دادگستری آذربایجان غربی

رای دادگاه: برای هر دو متهم رای برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاه که به ریاست قاضی میرزاجانی دادرسی شعبه یک و با حضور هیأت منصفه مطبوعات آذربایجان غربی برگزار شد، به سه مورد شکایت علیه مدیرمسئول هفته نامه امانت ارومیه رسیدگی شد.

ثبت اسناد و املاک کشور و دو شاکی خصوصی و استاندار سابق آذربایجان غربی و رئیس سابق آموزش و پرورش هفته نامه امانت را به چاپ اسناد محرمانه دولتی، توهین و افترا به اشخاص و نشر اکاذیب متهم کرده بودند.

استاندار قبلی آذربایجان غربی مطالب چاپ شده علیه خویش را سوءاستفاده از مطبوعات و توهین و افترا دانست. عباسزاده رئیس سابق دادگستری آذربایجان غربی نیز مطلب چاپ شده در شماره ۲۶۴ (دستگیری و زندانی یک محقق ۷۷ ساله) را مغایر با ماده ۲۹ قانون مطبوعات اعلام کرد و آموزش و پرورش مطلب "این شکوه ها را به کجا باید برد" را از مصادیق افترا و نشر اکاذیب دانست و مقاومت بسیج سپاه ارومیه مطلب "بگذر زمان در زندان چرا؟" را از مصادیق توهین دانست.

عبدالصمد اسلامی مدیرمسئول این هفته نامه در دفاعیات خود هدف از چاپ مطالب مذکور در چند شماره امانت را امر به معروف و نهی از منکر و احیای حقوق حقه مردم عنوان کرد و گفت:

دادگاه به‌جای اوامر مقام رهبری و پیگیری موضوع سندسازی برای اراضی (بهنق) یا کسانی که اموال دولتی را پایمال کردند، نشریه را تحت پیگرد قرار داده است.
در ادامه دادگاه استاندار و رئیس آموزش و پرورش از شکایت خود انصراف دادند.

نظر هیأت‌منصفه و دادگاه

پس از پایان دفاعیات مدیرمسئول هیأت‌منصفه به عدم مجرمیت متهمان نظر داد. با توجه به این نظر، دادگاه رأی براءت مدیرمسئول و نویسنده نشریه را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه قصه زندگی

نام نشریه: هفته نامه قصه زندگی

مدیرمسئول: احمد اسعدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۰/۶

اتهام: نشر اکاذیب، تهمت، افترا

شاکلی: مصطفی قاسمی

رای دادگاه: جزای نقدی و درج گزارش های انجمن حمایت از بیماران کلیوی.

خلاصه پرونده

در جلسه ای که در تاریخ ششم دی در شعبه ۱۴۱۰ برگزار شد، مصطفی قاسمی مدیرعامل انجمن حمایت از بیماران کلیوی به نمایندگی از هیأت مدیره این انجمن، علیه هفته نامه قصه زندگی به مدیرمسئولی احمد اسعدی شکایت خود را قرائت کرد و گفت: این نشریه در صفحه گزارش خود با درج مطلبی تحت عنوان "بیماران کلیوی: به داد ما برسید" علیه اعضای هیأت مدیره انجمن حمایت از بیماران کلیوی مرتکب تهمت، افترا، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و ایجاد ضرر و زیان مادی و معنوی به این انجمن شده است.

مدیرمسئول این هفته نامه در دفاع از خود گفت: این گزارش به صورت یک نامه با امضای تعدادی از بیماران کلیوی به نشریه رسیده بود و قبل از ما نیز در نشریات دیگری به چاپ رسیده بود که من اصل نامه را تقدیم دادگاه کرده ام.

اسعدی افزود: در این گزارش اسامی نامبرده شده در نامه حذف شد و قصد ما این بود که با چاپ آن به مشکلات بیماران کلیوی توجه شود.

وی اظهار داشت: ما طی نامه ای به انجمن حمایت از بیماران کلیوی خواستار جوابیه آنان و چاپ آن در هفته نامه شدیم که مدیرعامل انجمن خواستار اعلام اسامی امضاکنندگان این نامه شده بود و ما به خاطر اخلاق مطبوعاتی از این کار خودداری کردیم و آنان نیز جوابیه ندادند.

نظر هیأت‌منصفه و رأی دادگاه

پس از خاتمه جلسه دادگاه هیأت‌منصفه^۱ وارد شور شد و احمد اسعدی مدیرمسئول هفته‌نامه قصه زندگی را باتوجه به مستندات پرونده، مجرم دانست ولی باتوجه به حسن سابقه و عذرخواهی متهم از شاکی به اتفاق آرا وی را مستحق تخفیف دانست.

دادگاه نیز باتوجه به نظر هیأت‌منصفه، مدیرمسئول هفته‌نامه قصه زندگی را به پرداخت جزای نقدی و درج گزارش‌های انجمن حمایت از بیماران کلیوی در نشریه محکوم کرد.

۱. حجت‌الاسلام جعفر شبیری، مرتضی لطفی، حبیب‌الله عسگراولادی، محمد ناصری صالح‌آبادی، احمد پورنجاتی، شعبان شهیدی، صدیقه وسمقی.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه صبح ورزش و هفته نامه آینه

نام نشریه: روزنامه صبح ورزش و هفته نامه آینه
مدیرمسئول: جلیل رضایی
شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی
تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۰/۶
اتهام: اهانت، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی
شاکی: نعیم سعداوی، محمود خوردبین، سرپرست تیم پیروزی، صفایی فراهانی رئیس فدراسیون فوتبال کشور
رأی دادگاه: صدور رأی براءت درخصوص نشریه آینه.

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاهی که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۵ برگزار شد، شاهین یکتاپور تبریزی شاکی هفته نامه آینه در این جلسه حضور نداشت و شکایت وی نیز توسط قاضی قرائت شد.
مرتضوی اتهام مدیرمسئول روزنامه صبح ورزش و هفته نامه آینه را توهین و اهانت و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی ذکر کرد و از او خواست تا از اتهامات مطرح شده دفاع کند. خوردبین در شکایت خود علیه مدیرمسئول روزنامه صبح ورزش گفت: این روزنامه با درج مطالبی کذب، به من توهین کرده است.
وی سپس مطالب منتشره مورد استناد خود در این روزنامه را خواند که در آنها اسمی از خوردبین برده نشده بود.
مرتضوی رئیس دادگاه خطاب به شاکی گفت: در این مطالب اسمی از شما برده نشده است. دلیل و مدرک شما چیست که منظور نگارنده این مطلب شما هستید؟
خوردبین گفت: من قبل از آن با رادیو مصاحبه کرده بودم و در این مطالب به مصاحبه با رادیو اشاره شده است.
نعیم سعداوی دیگر شاکی این پرونده در جلسه حضور نداشت و قاضی شکایت وی را قرائت کرد.

صفایی فراهانی نیز که شکایتش توسط وکیل وی قرائت شد از دو شماره چهارم و پنجم آبان ماه این نشریه شکایت کرد.

جلیل رضایی در دفاع گفت: به لحاظ تعدد روزنامه‌های ورزشی، تهیه خبر تازه یک رقابت است و کار کردن با اخبار خبرگزاری‌ها جذاب نیست، چون اکثر روزنامه‌ها از آن اخبار استفاده می‌کنند.

وی افزود: روزنامه‌ها، به ویژه روزنامه‌های ورزشی باید خبر تازه‌ای داشته باشند و در این زمینه اگر باب میل تیم‌های ورزشی سرویس دهیم، هیچ حرفی نیست ولی اگر یک مرتبه مطلبی برخلاف خواست آنان چاپ شود، فریادها بلند می‌شود.

وی درخصوص شکایت صفایی فراهانی گفت: ما بر اساس شنیده‌ها این اخبار را منتشر کردیم و آن را با چند تن از مسؤولان ورزشی چک کردیم و بعد از اطمینان آن را چاپ کردیم.

مدیرمسئول روزنامه صبح ورزش و هفته‌نامه آینه افزود: پس از انتشار این خبر جوابیه و تکذیبیه‌ای از سوی آقای صفایی فراهانی به روزنامه ارسال نشد با این‌که چاپ جوابیه و تکذیبیه نافی شکایت وی از این جانب نمی‌شد.

رضایی اظهار داشت: در نوشتن این اخبار هیچ سوءنیتی و قصد و غرضی در کار نبوده است. وی درخصوص شکایت خوردبین نیز گفت: شاکی نیز کاملاً مطمئن نیست که این مطالب در خصوص وی منتشر شده است.

وی افزود: این مطالب در ستون طنز روزنامه تحت‌عنوان "خط بی‌پایان" چاپ شده است که خوردبین به زعم خود این‌گونه فکر می‌کند درحالی‌که مربوط به وی نبود بلکه شش نفر در این زمینه با ما تماس گرفته و اعلام کرده‌اند که این مطالب مربوط به آنان است.

رضایی در ادامه گفت: ما معمولاً حتی به خاطر منافع شخصی خودمان در روزنامه مطالب را قبل از چاپ بررسی می‌کنیم و مطالب دادگاه‌رو و دردسرافرین را حذف می‌کنیم. وی در آخرین دفاع خود اعلام کرد که آماده چاپ جوابیه شاکیان در شماره‌های مختلف این روزنامه است.

نظر هیأت منصفه

هیأت منصفه مطبوعات، مدیرمسئول صبح ورزش را مجرم اما مستحق تخفیف دانست و اتهام وارده علیه مدیرمسئول هفته‌نامه آینه را جرم تشخیص نداد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران هیأت منصفه مطبوعات پس از برگزاری جلسه علنی دادگاه و انجام شور و بررسی‌های لازم، جلیل رضایی مدیرمسئول روزنامه صبح

پرونده نشریات صبح ورزش و آینه ۱۱۱۵

ورزش را به لحاظ نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، موضوع شکایت رئیس فدراسیون فوتبال، مجرم دانست و به اتفاق آرا ضمن تذکر جدی به مدیرمسئول این روزنامه در مورد لزوم رعایت حرمت اشخاص و اخلاق مطبوعاتی، متهم را مستحق تخفیف دانست. در خصوص سایر شکایات مطروحه علیه مدیرمسئول این نشریه، اعضای هیأت منصفه متهم را مجرم ندانستند.

این گزارش در پایان اعلام کرد: در جلسه دادگاه همچنین پرونده اتهامی جلیل رضایی به عنوان مدیرمسئول هفته نامه آینه نیز مورد بررسی قرار گرفت که اعضای هیأت منصفه پس از استماع شکایت شاکی و دفاعیات متهم و بررسی مفاد پرونده، نسبت به شکایت شاهین یکتاپور تبریزی متهم را به اتفاق آرا مجرم ندانست.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه گلستان نو

نام نشریه: هفته نامه گلستان نو

مدیرمسئول: محمد آذری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه یک دادگستری استان گلستان، قاضی مقدم

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۰/۲۴

اتهام: نشر اکاذیب

شاکی: رئیس آموزش و پرورش آزادشهر، دانشگاه علوم پزشکی گرگان

رای دادگاه: درخصوص شکایت دانشگاه علوم پزشکی باتوجه به گذشت شاکی، قرار موقوفی

تعقیب صادر شد.

خلاصه پرونده

اولین جلسه رسیدگی به شکایت از مدیرمسئول نشریه محلی گلستان نو ۲۴ دی ماه در محل دادگاه مطبوعات مستقر در شعبه یک دادگستری گلستان برگزار شد.

در این جلسه که با حضور هیأت منصفه دادگاه مطبوعات استان تشکیل شد، ابتدا مقدم، قاضی دادگاه موارد شکایت داوود غفاری رئیس آموزش و پرورش آزادشهر را علیه محمد آذری مدیرمسئول نشریه قرائت کرد.

سپس آذری در جایگاه دفاع از موارد شکایت اداره آموزش و پرورش آزادشهر، توضیحاتی ارائه داد.

به گفته آذری این شکایت قبلاً در دادگستری آزادشهر طرح شده و در دادگاه، شاکی به نتیجه ای نرسیده بود.

دانشگاه علوم پزشکی گرگان که دومین شاکی نشریه گلستان نو بود قبل از تشکیل دادگاه شکایت خود را پس گرفت.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه گلستان ایران

نام نشریه: هفته نامه گلستان ایران

مدیرمسئول: فروزان آصف نخعی، متهم دیگر حجت الاسلام شاهینی

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات شعبه یک دادگستری استان گرگان، قاضی محمدحسین مقدم

و دادگاه ویژه روحانیت

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۰/۳۰

اتهام: معاونت در اهانت به مقام رهبری

شاکی: شرکت تعاونی گلستان مشهد

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

فروزان آصف نخعی مدیرمسئول هفته نامه گلستان ایران در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی^۲ گفت: وقت دادرسی از سوی ریاست شعبه یک، سی ام دی ماه تعیین شده است.

وی افزود: این در حالی است که هنوز هیچ گونه تفهیم اتهامی برای دفاع متهم در روز دادرسی از سوی ریاست شعبه مذکور انجام نشده و چنین شیوه ای خلاف آئین دادرسی است و امید است به جهت تازه تأسیس بودن استان گلستان که دادگاه مطبوعات آن نیز به تازگی آغاز به کار کرده روال بررسی پرونده براساس قانون مطبوعات پیش برود و محاکمه در حضور هیأت منصفه برگزار شود.

جلسه دادگاه

در جلسه دادگاهی که ۳۰ دی ماه برگزار شد، محمدحسین مقدم قاضی دادگاه مطبوعات استان گلستان در ابتدای جلسه با قرائت متن شکایت شرکت تعاونی زنبور عسل گلستان شهد از فروزان آصف نخعی خواست چنانچه دفاعی از مورد شکایت دارد در بیان کند.

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

۲. ۱۳۷۸/۱۰/۱۴.

مدیرمسئول هفته‌نامه گلستان ایران گفت: هرچند قبلاً از طریق دادگاه برای من تفهیم اتهام نشده است ولی به‌عنوان دفاع مطالبی را خواهم گفت تا در فرصت مقتضی نسبت به موارد شکایت دفاعیه‌ای را تقدیم کنم. خبر مورد شکایت دو بخش دارد یکی اصل خبر به منظور اطلاع‌رسانی و دیگری تحلیل خبر که می‌تواند آن تحلیل درست هم نباشد.

وی پرسید: آیا رقم ۸۰۰ میلیون تومان وامی که به این شرکت تعلق گرفته کذب است یا چهار هکتار زمینی که از جنگل‌های توسکاستان برای این شرکت منظور شده است؟

این که در خبر آمده است این وام نوعی "زانت اقتصادی" است و توجیه اقتصادی ندارد تحلیل ماست، بنابراین در هیچ کجای این خبر به هیچ‌کس توهین نشده و ما مدارکی داریم که می‌توانیم موارد درج شده را اثبات کنیم.

سپس جمال بایزیدی مدیر شرکت گلستان شهد بنا به درخواست قاضی دادگاه که کدام مورد را مشخصاً کذب می‌داند گفت: ما در این خبر بحث عدم توجیه اقتصادی، رانت اقتصادی و معنی داریودن حمایت مسؤلان منطقه و کشور را کذب می‌دانیم و خواستار رسیدگی هستیم. قاضی دادگاه پس از استماع سخنان شاکی و متهم، ختم جلسه را اعلام کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه کیهان

نام نشریه: کیهان

مدیرمسئول: حسین شریعتمداری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۴

شماره دادنامه: ۸۰۱، کلاسه پرونده: ۲۳۵/۱۴۱۰/۷۶

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، توهین، اهانت، افترا، انتشار اسناد محرمانه
شاکی: غلامحسین کرباسچی، دفتر تحکیم وحدت، معاون کنسولی وزارت خارجه (محمدعلی هادی)، حیدرعلی نورانی فرماندار دزفول، امیرهوشنگ عسگری، کارگزینی بیمارستان امام، هشت نفر از فرمانداران استان آذربایجان غربی، داوود کشاورزین استاندار مازندران، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، محمدحسین متقی معاون سیاسی استاندار قم، محمدرضا بهزادیان معاون اداری و مالی وزارت کشور، حبیب‌الله تاجیک اسماعیلی شهرداری منطقه ۹، رئیس دادگستری استان تهران، لطیف صفری، حمیدرضا جلالی پور، فاطمه رمضان‌زاده نماینده مجلس، فرمانده منطقه انتظامی لنجان، کلانتری و رئیس شورای آرد و نان اصفهان، علی نکویی زهرایی استاندار قزوین، محمدعلی نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه، سینا مطلبی، مهدی بهشتی پور، سرپرست اداره کل آموزش و پرورش شهرستان میانه، مسئول امتحانات آموزش و پرورش میانه، مدیرعامل اتحادیه شرکت‌های تعاونی مصرف اسلامی ایران، محمدجواد فتحی، دفتر ریاست جمهوری
رای دادگاه: مدیرمسئول کیهان درخصوص چهار مورد از موارد اتهامی به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۴ میلیون ریال محکوم شد. دادگاه در خصوص ۷۰ مورد اتهامی دیگر، در برخی موارد با توجه به گذشت شکات قرار موقوفی تعقیب و در موارد دیگر رای برائت صادر نمود.

جلسه دادگاه^۱

رسیدگی به پرونده مطبوعاتی حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان ۲۷ دی ماه در دادگاه

شعبه ۱۴۱۰ به ریاست قاضی مرتضوی و با حضور اعضای هیأت منصفه^۱ و نماینده دادگستری استان تهران آغاز شد.

در ابتدای این جلسه شکایات مطرح شده علیه روزنامه کیهان از سوی رئیس دادگاه قرائت شد. سپس رئیس دادگاه از تک تک شکات خواست مطالب خود را مطرح کنند. ابتدا مسعود حائری وکیل غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران ۳۰ مورد شکایت خود علیه کیهان و شکایت شخصی کرباسچی از روزنامه کیهان را مطرح کرد.

وی با اعلام این که شکایت علیه روزنامه کیهان هم از سوی شهرداری و هم شهردار تهران است و کیهان در جرائم ارتكابی عمده‌ترین مطالب افتراء، نشر اکاذیب، توهین و هتک حرمت را علیه شهرداری و خصمانه‌ترین تهاجم را علیه کرباسچی مطرح کرده است، گفت: اعضای هیأت منصفه دادگاه باید تکرار جرم و تعدد جرائم از سوی کیهان را لحاظ دارند. به عنوان مثال غارت و چپاول دو مقوله‌ای است که به طور متعدد از سوی کیهان علیه شهرداری مطرح شده است.

وی گفت: بخشناه قوه قضائیه صراحت دارد که طرح مواردی که منجر به صدور حکم نشده مجاز نیست. کیهان در دو سال گذشته به کانون انتشار گزارش، خبر و طنز علیه مدیران شهرداری به ویژه کرباسچی مبدل شده است.

وی با طرح مواردی که کیهان در زمان محاکمه محمدعلی قاسمی شهردار منطقه یک تهران مطرح کرده است، گفت: طرح ارقام غیرواقعی از سوی کیهان موجب هتک حرمت وی شده است. این درحالی است که نامبرده به جز یک مورد از دادگاه برائت گرفته است. شخصیت حقوقی کیهان معلوم نیست و دعاوی آن هم در بعضی از محاکم پذیرفته نمی‌شود.

رئیس دادگاه با تذکر به وکیل کرباسچی گفت: شما از مدیرمسئول کیهان شکایت دارید و بحث حقوقی و شخصیتی در مورد مؤسسه کیهان نکنید. براساس قانون مدیرمسئول در برابر کلیه مطالب مسئول است. ما هیچ تمایزی برای هیچ یک از روزنامه‌ها قائل نیستیم. اگر کیهان هم مرتکب جرمی شود و دادگاه و هیأت منصفه تشخیص دهد که مشمول لغو امتیاز گردد، امتیاز آن لغو می‌شود.

رئیس دادگاه در پاسخ به مورد مطرح شده از سوی وکیل که آیا برای مدیرمسئول کیهان قرار تأمین صادر شده است، گفت: این امری بدیهی است. برای ایشان ۲۵ میلیون تومان قرار کفالت صادر شده درحالی که قرار کفالت شهردار سابق تهران ۵ میلیون تومان التزام بود که مقایسه می‌فرمایید که چقدر این مبلغ متفاوت است.

۱. اعضای هیأت منصفه: شعبان شهیدی، حبیب‌الله عسگرآولادی، ناصری صالح‌آبادی، جعفر شبیری، احمد پورنجاتی، علی فاضلی و خانم صدیقه وسمقی.

پرونده روزنامه کیهان ۱۱۲۳

وکیل غلامحسین کرباسچی در ادامه به قرائت ۳۰ مورد اتهام علیه روزنامه کیهان پرداخت. از جمله مواردی که وکیل کرباسچی مطرح کرد، بخشش صدها میلیون تومان به برخی از خواص و ثروتمندان و اعلام این که کرباسچی به غیر از زمین، هوا را نیز فروخته و تخم فساد مالی را در ادارات دیگر کاشته است و نیز بسیاری از مفاسد فرهنگی که گریبانگیر جامعه ماست به عهده کرباسچی است که قیود و شروط غارت بیت‌المال با حکم دادگاه باید منطبق باشد، در حالی که روزنامه کیهان خلاف این موارد را عنوان کرده است.

وی سپس نامه ۹ صفحه‌ای شکایت شهردار تهران از روزنامه کیهان را مطرح کرد که در آن موارد زد و بند ۸/۵ میلیون تومان توسط دو برج‌ساز و ۱۴ میلیون دلار به روزنامه آفتابگردان اشاره کرد و گفت: کیهان در عین حال عنوان کرده که افرادی با رشوه و استفاده از تخفیف‌ها و عدم پرداخت عوارض صاحب ثروت‌های بادآورده شده‌اند، طرح پرداخت رشوه در دادگاه ثابت نشده و هدف روزنامه کیهان تحقیق نبوده، بلکه تخریب بوده است.

حائری در خصوص بلندمرتبه‌سازی با اعلام این که تمام مواردی که کرباسچی انجام داده برطبق قانون و نظر شورای شهر و قائم‌مقام قانونی آن، وزیر کشور صورت گرفته است، گفت: فروش تراکم براساس جداول موجود در شهرداری صورت گرفته و خلاف قانون نبوده است.

رئیس دادگاه ضمن اعتراض به سخنان وکیل گفت: فروش تراکم غیرقانونی بوده و با توجه به این که پرونده برج‌سازی در این شعبه رسیدگی شده و وزیر کشور هم اعلام کرده که فروش تراکم غیرقانونی بوده است، اگر غیر از مصوبه‌ای که اخیراً صادر شده، مصوبه دیگری دارید ارائه دهید. وکیل کرباسچی در پاسخ گفت: اکثریت شورای شهر که وزیر مسکن و شهرسازی نیز یکی از نمایندگان آن است، بر فروش تراکم حکم تأیید گذاشته‌اند.

رئیس دادگاه با پیگیری صحبت قبلی خود گفت: شورای عالی شهرسازی پراکندگی تراکم در مناطق ۲۲ گانه را طی یک جدول اعلام کرده است که پروانه‌ها براساس آن صادر شوند. اگر در خصوص قانون تراکم فروشی شما در جلسه امروز مدارکی دارید ارائه دهید تا نسبت به مدیرمسئول کیهان پیرامون نشر اکاذیب تفهیم اتهام شود.

وکیل کرباسچی در پاسخ گفت: من در صحبت‌هایم مصوبه شورای عالی شهرسازی را اعلام کردم. چون روزنامه کیهان این موارد را اعلام کرده است، باید ادعای خود را در این جلسه ثابت کند و اگر دادگاه تجدید شود، من مدارک خود را ارائه خواهم داد.

مدیرمسئول روزنامه کیهان از طریق وکیل روزنامه کیهان درخواست کرد تا به تک‌تک موارد مطروحه از سوی وکیل شهردار سابق تهران پاسخ گوید، ولی رئیس دادگاه اعلام کرد که بر طبق روال دادگاه پس از طرح ۳ یا ۴ مورد شکایت مدیرمسئول نسبت به شکایات مطرح شده پاسخ خواهد داد.

دومین جلسه دادگاه^۱

در دومین جلسه دادگاه ابتدا اکبر عطری به نمایندگی از دفتر تحکیم وحدت شکایت خود علیه کیهان را مطرح کرد و روزنامه کیهان را به نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی علیه دفتر تحکیم وحدت متهم نمود.

وی در طرح شکایت خود گفت: کیهان با چاپ تیترهایی در جهت تأثیرگذاری بر دانشجویان، دفتر تحکیم وحدت را به زمینه‌سازی در آشوب‌های مربوط به حادثه کوی دانشگاه متهم کرده و طوری وانمود کرده که گویا دفتر تحکیم وحدت مسبب قتل یکی از ساکنان کوی بوده است.

بخش دیگر شکایت دفتر تحکیم وحدت مربوط به درج نامه‌ای در کیهان با امضای جمعی از اعضای پیشین دفتر تحکیم وحدت بود که در آن نسبت به ارتباط برخی از اعضای دفتر تحکیم وحدت با گروه غیرقانونی نهضت آزادی هشدار داده شده بود.

وی مدعی شد: کیهان جنبش دانشجویی را تخریب کرده و باعث ایجاد نفرت عمومی علیه خود شده است! در این هنگام، رئیس دادگاه به وی تذکر داد که از اهانت خودداری کند.

و در همان حال مدیرمسئول کیهان از رئیس دادگاه درخواست کرد که اجازه بدهد نامبرده هرچه دلش می‌خواهد بگوید.

آنگاه شکایت فرماندار دزفول علیه کیهان مطرح شد که به علت عدم حضور شاکی، شکوائیه او توسط رئیس دادگاه قرائت شد.

سپس امیر هوشنگ عسگری شکایت خود را مطرح کرد و گفت: با معرفی کردن او به نام مشاور علی امینی در صفحه پاورقی "نیمه پنهان" موجبات هتک حرمت او فراهم آمده. وی پس از آنکه مدعی شد هیچ‌گاه مشاور علی امینی نبوده اذعان کرد که مشاور آموزگار و خسروانی بوده است.

در ادامه جلسه دادگاه، شکایت تعدادی از فرمانداران آذربایجان غربی توسط نماینده آن‌ها مطرح شد. وی در این باره اعلام کرد: کیهان با چاپ مطلبی غیرواقعی تحت عنوان "ساختمان ۱۲ کلاسه وجود خارجی ندارد" باعث تشویش اذهان عمومی شده است. شاکی گفت: مدرسه وجود دارد ولی از آن برای دانشگاه پیام نور استفاده می‌شود! وی به مدارکی دال بر عدم تخلف فرماندار سابق خلخال اشاره کرد و گفت: کیهان با طرح موارد خلاف واقع، حیثیت همه فرمانداران شمال غرب را زیر سؤال برده و توضیح ارو جلعلی محمدی فرماندار خلخال نیز در کیهان چاپ نشده است.

در این هنگام رئیس دادگاه از نماینده شاکیان پرسید: اعلام شده است که ارو جلعلی محمدی در یکی از شعبات پرونده دارد. شما در این خصوص اطلاعی دارید؟ وی پاسخ گفت: اطلاعی از

موضوع ندارم. اگر آقایان اطلاعی دارند اعلام کنند تا پاسخ داده شود.

در ادامه این جلسه داوود کشاورزیان استاندار مازندران شکایت خود را درباره حادثه منطقه "انجیل سی" بابل مطرح کرد. وی به خبری که در کیهان مبنی بر دفن زباله‌های شهر بابل در منطقه انجیل سی و درگیری مردم با مأموران درج شده بود، استناد کرد و گفت: تبعات منفی این خبر هنوز باقی مانده است.

استاندار مازندران با تشریح چگونگی روند قانونی صدور مجوز برای دفن زباله‌ها در ۵ کیلومتری شهر با همراهی نیروی انتظامی گفت: در روز حادثه مردم در طول مسیر با ایجاد راه‌بندان مأموران نیروی انتظامی را با سنگ و چوب مورد حمله قرار دادند و نیروی انتظامی نیز طبق تصمیم شورای تأمین اقدام به دستگیری تعدادی از حمله‌کنندگان کرد.

وی به خبری در کیهان مبنی بر کشته شدن دو نفر از اهالی آن منطقه به دست مهاجمان اشاره کرد و اظهار داشت: نیروی انتظامی اصلاً سلاح گرم همراه نداشت.

رئیس دادگاه با طرح سؤال یک عضو هیأت منصفه از وی پرسید: آیا اقدامات آن موقع مورد تأیید شماست. شاکی در پاسخ گفت: هر اقدام قانونی که انجام گرفته مورد تأیید بنده است!

رئیس دادگاه سپس گفت: پاسخ شما کلی است، چون اقدام قانونی را همه تأیید می‌کنند، دستور صریح شما به نیروی انتظامی چه بوده است؟ آیا استانداری ناظری برای نظارت بر اعمال نیروی انتظامی فرستاده بود؟ استاندار مازندران در پاسخ اظهار داشت: دستورات براساس مصوبات شورای تأمین بود و نماینده‌ای از فرمانداری در محل بود.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان در آغاز سخنانش با اظهار تأسف از این‌که بیش از یک‌سال است که دادگاه کیهان با تأخیر روبه‌رو می‌شود، گفت: علت این موضوع برای من و همه کسانی که حتی دستی از دور بر مسائل دارند و نیز برای رئیس دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه مطبوعات پوشیده نیست. در جریان رسیدگی به پرونده مطبوعاتی کیهان هر دفعه یکی از اعضای هیأت منصفه حضور پیدا نمی‌کرد و ما خبر آن را از طریق همان‌هایی که جلسه را به تأخیر می‌انداختند می‌شنیدیم. این ماجرا ضمن این‌که دادگاه را به تعویق می‌انداخت، مسائل دیگری نیز دربر داشت.

مدیرمسئول روزنامه کیهان اظهار داشت: حق مسلم خود می‌دانم از یک‌یک موارد مطرح شده دفاع کنم. به من حق بدهید به اتهامات واهی و بی‌اساسی که ۴۰ بار تکرار شد و در جلسه گذشته ۳ ساعت از وقت دادگاه به طرح چندباره آن‌ها اختصاص یافت، به‌طور مشروح پاسخ بگویم، وگرنه دادگاه علنی را تعطیل کنید و در یکی از اتاق‌ها به اتهامات رسیدگی نمایید.

در این هنگام رئیس دادگاه خطاب به مدیرمسئول روزنامه کیهان گفت: هر اندازه که لازم باشد، می‌توانید در چارچوب اتهامات، مشروحاً از خود دفاع کنید.

شریعتمداری درباره شکوائیه شهردار سابق تهران گفت: شهردار سابق تهران و وکلای ایشان در تنظیم شکوائیه خود به شگرد عملیات روانی متوسل شده‌اند، بدین ترتیب که برای واقعی جلوه دادن ادعای خویش، این ادعا را با استناد به بیش از ۶۰ مورد از مندرجات روزنامه کیهان، تکرار کرده‌اند که به نظر می‌رسد نمونه بارزی از شگرد عملیات روانی است که به منظور ایجاد پیش‌زمینه کاذب و انحراف ذهن مخاطبان طراحی شده است.

حسین شریعتمداری گفت: در این پرونده، دفاع از خود را فقط بخشی از ماجرا می‌دانم و معتقدم که موضوع اصلی، دفاع از حقوق ضایع شده ملت و سرمایه‌های بر باد رفته پابرهنگانی است که برخی از آنان به نان شب خویش محتاجند و در همان حال، اموال غارت شده آن‌ها به کیسه‌های بی‌انتها و شکم‌های سیری‌ناپذیر کلان سرمایه‌داران زالوصفت ریخته شده، ثروت‌اندوزان پرخور و بی‌دردی که به قیمت خاک‌نشین کردن محرومان، در برج‌های عاج نشسته‌اند.

وی در پاسخ به یکی از ادعاهای وکیل شهرداری تهران گفت: مطالبی که در کیهان درج شده، برخلاف آنچه که آقایان در شکوائیه خود آورده‌اند، با هدف و به منظور مقابله با نهاد شهرداری تهران نبوده است، بلکه روی سخن با متخلفان این سازمان گسترده بوده و صحت مطالب منتشره در کیهان نیز، به استناد احکام دادگاه‌های صالحه بدوی و تجدیدنظر به اثبات رسیده است.

بنده در این دادگاه به خاطر درج مطالبی متهم به نشر اکاذیب می‌شوم که صحت آن‌ها قبلاً در دادگاه‌های صالحه به اثبات رسیده و منجر به صدور حکم نیز شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که این دادگاه، ادامه دادگاه پر سر و صدای شهردار سابق تهران و سایر مدیران متخلف این سازمان است و تأسف‌انگیز است که در این دادگاه، شاکی و متهم جابه‌جا شده‌اند!

وی افزود: شهرداری در شکوائیه خود بیان حقایق و اطلاع‌رسانی به مردم که وظیفه مطبوعات است را نشر اکاذیب و برخلاف رسالت مطبوعات نامیده است. سؤال این است که آیا در نگاه و نظر آقایان، اطلاع‌رسانی به مردم درباره اختلاس‌ها و سوءاستفاده‌های چندین میلیاردی - که روزنامه کیهان به آن پرداخته است - عمل به وظیفه مطبوعاتی است؟ یا اخبار مربوط به زایمان چند بزمجه و یافتن چند مارمولک در بیابان‌های اطراف تهران، که برخی از روزنامه‌های رنگین با بودجه دولت و از جیب ملت به آن می‌پردازند؟!!

حسین شریعتمداری تأکید کرد: کیهان، برخورد پیگیر با متخلفان و قانون‌شکنان و تعقیب مطبوعاتی صاحبان ثروت‌های بادآورده را از افتخارات خود می‌داند و بدیهی است که باز هم با افتخار به آن ادامه خواهد داد.

مدیرمسئول کیهان در ادامه گفت: شهرداری در مقدمه شکوائیه خود، سلیلی از اتهامات ناروا، فحاشی و ناسزا را متوجه این جانب کرده است که برایم غیرمنتظره نیست و از آن می‌گذرم، ولی در بخشی از مقدمه، روزنامه کیهان را به خصومت با شهرداری تهران متهم کرده و اعلام می‌کند که این خصومت بعد از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری شدت یافته است! در این زمینه باید بگویم روزنامه کیهان افتخار دارد که از سال‌ها پیش و قبل از دیگران، ضمن تقدیر از خدمات شهرداری تهران، به تخلفات و سوءاستفاده‌های انجام شده در این سازمان پی برده و آن‌ها را برای اطلاع عموم و به امید پیگیری مراجع ذی‌ربط مطرح کرده است. شهردار سابق تهران نباید توقع داشته باشد که بعد از دوم خرداد به خاطر آنکه ایشان از حامیان ریاست محترم جمهوری بوده‌اند، روزنامه کیهان از درج تخلفات شهرداری و سوءاستفاده‌های مدیران این سازمان چشم‌پوشی کند. مگر ریاست محترم جمهوری بارها بر ضرورت انتقاد سازنده تأکید فرموده‌اند؟! بنابراین، اگر سخن ریاست محترم جمهوری قابل قبول است - که هست - پس ادعای آقای کرباسچی بی‌اساس است.

مدیرمسئول کیهان همچنین با رد بزرگ‌نمایی اخبار تخلفات پرونده شهرداری تهران گفت: مگر مبالغ چند میلیارد تومانی به اندازه کافی درشت نیست که روزنامه کیهان متهم به درشت‌نمایی شده است؟! اگر مبالغ میلیارد تومانی درشت نیست، آیا به نظر آقایان حقوق‌چهل هزار تومانی آن کارمند مستضعف و محروم درشت است؟! تمامی آنچه در کیهان آمده مطالبی هستند که قبلاً در دادگاه‌ها و با اطلاعیه‌های روابط عمومی دادگستری مطرح شده‌اند و اگر اشاره به آن‌ها جرم است، چرا دادگاه‌ها علنی بوده و خبرنگاران از ورود به دادگاه و تهیه گزارش منع نشده‌اند؟!

وی افزود: برخلاف ادعای شهردار سابق، روزنامه کیهان، تنها روزنامه‌ای بود که در بسیاری از موارد، از درج نام کامل متهمان خودداری می‌کرد و اسامی آن‌ها را با حروف اختصاری می‌نوشت و به همین علت، بارها مورد اعتراض خوانندگان خود قرار گرفته بود. اما جالب است بدانید که در همان حال، روزنامه همشهری که تحت مدیریت شاکلی این پرونده بود، اسامی متهمان را به‌طور کامل و با ذکر مشخصات آن‌ها اعلام می‌کرد و بارها، خانواده مدیران متهم در تماس با کیهان از درج نام کامل مدیران در روزنامه همشهری گلایه کرده و اقدام کیهان را مورد تقدیر قرار داده‌اند.

مدیرمسئول روزنامه کیهان آن‌گاه با اشاره به برخی دیگر از موارد شکوائیه شهرداری تهران به موضوع دو تن از برج‌سازان معروف تهران پرداخت و گفت: آیا برج‌سازان معروف زد و بند نکرده‌اند؟ آیا ۸/۵ میلیارد تومان ثروت بادآورده نبوده است؟ اگر جواب منفی است، چرا دادگاه آنان را به همین اتهامات محکوم کرده است؟ و اگر جواب مثبت است - که مثبت است - منظور شاکلی از افترا و انتساب جرم چیست؟!

وی همچنین افزود: مگر آقای شهردار سابق منطقه یک در جلسه علنی دادگاه مورخ ۱۳۷۶/۶/۳۰ صریحاً اعلام نکرد که «ما در شهرداری در سیستمی کار می‌کردیم که انگیزه‌های مادی بیش‌تر از انگیزه‌های معنوی بود. خدا برای ما مطرح نبود.»! مگر آقای ابریشم‌کار مشاور شهردار و رئیس سازمان نظارت و پیگیری شهرداری تهران در جلسه علنی مورخ ۱۳ و ۱۳۷۶/۷/۲۳ دادگاه صریحاً اعلام نکرد که: «در شهرداری تهران هر کس هر کاری دلش می‌خواست می‌کرد، مدیریت شهرداری تهران و مدیران اجرایی آن به دنبال اجرای قانون نبودند... آقای کرباسچی نظرش این بود که فقط سرمایه‌دارها را به کار بگیریم...» بنابراین بهتر است آقای کرباسچی به جای روزنامه کیهان، مدیران انتصابی خود را بازخواست کند.

حسین شریعتمداری دربارهٔ زد و بند یک بساز و بفروش با عوامل شهرداری تهران گفت: این مطلب، تلفن یکی از خوانندگانی است که ظاهراً تهیه‌کنندگان شکوائیه فوق به دلیلی که عرض می‌کنم نقل کامل آن را به مصلحت خویش ندیده‌اند! اصل مطلب چنین است: «یک بساز و بفروش در خیابان شهید مقدسی با سوءاستفاده و زد و بند با عوامل شهرداری و با زیرپاگذاردن مادهٔ ۱۳۲ قانون مدنی در کوچه ۶ متری شیراز برای زمین شمالی پروانهٔ ساختمان جنوبی گرفته و در میان خانه‌های ویلایی ساختمان ۸ طبقه احداث کرده است. صاحب این بنا با اشراف به حریم خانه این‌جانب آرامش و آسایش ما را سلب کرده است، به‌طوری که حتی در داخل اتاق‌های خود نیز مصونیت نداریم. آیا فریادرسی هست؟» معلوم نیست که آقایان، چگونه این واقعه را انکار می‌کنند؟ اگر فراموش کرده‌اند بنده اصل مطلب را به ایشان یادآوری می‌کنم!

در نامهٔ مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۶ وزیر وقت کشور، جناب آقای بهارتنی خطاب به آقای کرباسچی که در دادگاه ایشان قرائت شد آمده است: «چه کسی در کوچه ۶ متری و در زمینی به مساحت بسیار کم (حدافل ۷۰۰ متر) اجازه ساخت برج ده طبقه داده است که کلیه همسایگان شاکمی می‌باشند». بنابراین در این زمینه هم، آقای کرباسچی باید از وزیر کشور وقت شکایت کنند و البته نمی‌دانم که آیا دادگاه محترم وزیر کشور وقت را هم به جرم حق‌گویی احضار خواهد کرد؟!!

در ادامهٔ جلسه مدیرمسئول روزنامه کیهان در پاسخ به بخشی از اظهارات وکیل شهردار سابق که مدعی شده بود کرباسچی پول‌ها را به دستور آقای هاشمی گرفته و خرج کرده است، گفت: دستور از سوی هر کسی صادر شده باشد، حقوق مردم ضایع شده است. بحث دربارهٔ این‌که چه کسی دستور داده برای ما مهم نیست، ما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار نمی‌توانیم از حقوق ضایع شده مردم چشم‌پوشی کنیم.

وی در مقام پاسخ به اتهامات دیگر گفت: در این باره فقط سؤال می‌کنم چه کسی نمی‌داند که

شهرداری تهران یکی از اصلی‌ترین عوامل گرانی مسکن بوده است؟ چه کسی می‌تواند این حقیقت را انکار کند که شهرداری به بهانه "خودگردانی" بیش‌ترین فشار را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و از طریق صاحبان ثروت‌های بادآورده، برگرده این ملت مظلوم تحمیل کرده است؟ مگر در نامه مورخ ۱۳۷۶/۱/۳۱ وزیر مسکن وقت که در دادگاه ارائه شد نیامده بود که: «خطرناک‌ترین رویه‌ای که باعث بی‌اعتمادی کامل مردم به این‌گونه ضوابط و مقررات شده، رویه‌ای است که تحت‌عنوان تراکم فروشی رواج پیدا کرده است... امر فروش تراکم بدون مجوز قانونی و تعرفه مشخص، خود می‌تواند زمینه‌ای برای بروز فساد اداری باشد، هرچند هدف اصلی شهرداری‌ها از فروش تراکم کسب درآمد است، ولی این کسب درآمد با واگذاری حقوق عام شهروندان به یک شخص حقیقی یا حقوقی صورت می‌پذیرد».

وی خطاب به اعضای هیأت‌منصفه گفت: آیا نظر وزیر مسکن وقت هم نشر اکاذیب است؟! و آیا دستور صریح رئیس‌جمهور وقت به آقای کرباسچی که آن هم در این زمینه است و در دادگاه نیز قرائت شده بود، نشر اکاذیب است!؟

مدیرمسئول روزنامه کیهان در پاسخ به شکایت دفتر تحکیم وحدت گفت: در مورد این شکایت اگرچه حق من است که از اتهامات وارد شده نسبت به خود دفاع کنم، ولی از آن می‌گذرم و فقط به اتهامات بی‌اساس این دفتر علیه روزنامه کیهان می‌پردازم.

آقایان طوری قضایا را جلوه می‌دهند که گویی با یک نظام دیکتاتور روبه‌رو هستند! اتفاقاً مظلوم در این نظام حزب‌الله است که در همه روزهای پرحادثه در میدان است، در حادثه‌ای خون می‌دهد، خون دل می‌خورد و بعد هم هیچ توقعی ندارد. وی گفت: اگر ریاست محترم دادگاه اجازه بدهد، می‌گویم که آقایان با چه کسانی فالوده می‌خورند.

وی درباره‌ی موضع کیهان نسبت به دفتر تحکیم وحدت تصریح کرد: برخلاف دیدگاهی که آقایان دارند، نگاه ما به دفتر تحکیم وحدت، نگاه دشمنی و خصومت نیست. اشاره دفتر تحکیم وحدت به نامه‌ای است که با امضای جمعی از اعضای پیشین دفتر تحکیم وحدت چاپ شده است. در این نامه از احتمال چرخش در مواضع دفتر تحکیم وحدت به سمت برخی گروه‌ها از جمله گروه غیرقانونی نهضت آزادی ابراز نگرانی شده است. آن‌ها احتمال ارتباط داده‌اند ولی بنده آن را واقعی می‌دانم. مدیرمسئول کیهان گفت: مگر همین گروه دبیرکل نهضت آزادی را دعوت نکردند و پشت سرش نماز نخواندند. مگر چند وقت پیش ۱۶ انجمن اسلامی دانشجویی به همین علت از دفتر تحکیم وحدت جدا نشدند؟ مگر اعتراض آن‌ها به خاطر نگرانی از این ارتباط نبوده است؟

همین پریروز هم انجمن اسلامی دانشجویان یزد جدایی خود را از دفتر تحکیم وحدت اعلام کرد و علتش را دوری از این دفتر از آرمان‌های امام و ارتباطشان با گروه‌هایی مثل نهضت آزادی ذکر نمودند.

شریعتمداری در پاسخ به ادعاهای یکی از شاکیان به نام امیر هوشنگ عسگری گفت: ما به ایشان به خاطر سن‌شان احترام می‌گذاریم. ما ستونی در پاورقی کیهان به نام نیمه پنهان داریم که تمام اسناد آن آشکار است. عده‌ای را گمارده‌ایم که تمام مطبوعات دوران گذشته را بررسی کنند و در پی آن هستیم که از تحریف تاریخ جلوگیری کنیم. تمام اسناد آن هم موجود است. در بخشی از این مطالب، ماجرای علی اصغر امیرانی مدیر و صاحب امتیاز مجله خواندنی‌ها چاپ شده است که البته ایشان اعدام شده ولی آقای عسگری (شاکی) اشاره‌ای به آن نکردند. در این مطلب در جایی هم به نام آقای عسگری اشاره شده است. این ادعای ایشان که مشاور علی امینی نبوده، درست نیست. ایشان می‌گویند مشاور افرادی مثل آموزگار و خسروانی بوده است که این نیز زشت و ناپسند است، ولی ایشان مشاور علی امینی هم بوده است.

شریعتمداری در پاسخ به شکایت فرماندار سابق خلخال و ۸ تن دیگر از فرمانداران سابق شهرهای آذربایجان غربی گفت: در گزارش کیهان فقط با عنوان فرماندار سابق یکی از شهرهای شمال غربی کشور از این اختلاس یاد شده است. شمال غرب کشور دارای سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی است که هر کدام از آن‌ها ده‌ها شهر و شهرستان دارند، بنابراین به نام فرماندار سابق خلخال اشاره‌ای نشده، ولی ایشان موضوع را خوب درک کرده زیرا شخص سوءاستفاده‌کننده خود ایشان بوده است.

مدیرمسئول کیهان در همین باره با ارائه گزارش مستندی از سازمان بازرسی کل کشور درباره این اختلاس گفت: حالا که معلوم شد فرماندار سابق خلخال بدون اشاره کیهان موضوع را به خود گرفته و صحیح هم بوده است، پیشنهاد می‌کنم که مراجع قضایی پرونده و سوابق ۹ فرماندار دیگر که در این شکایت با ایشان شریک شده‌اند را هم بررسی کند، زیرا به احتمال زیاد این ۹ نفر هم موارد مشابهی داشته‌اند و گرنه دلیلی ندارد که از میان نزدیک به ۱۰۰ شهر در استان‌های شمال غرب کشور، فقط این ۹ نفر مسأله را به خود بگیرند!

مدیرمسئول روزنامه کیهان در پاسخ به شکایت استاندار مازندران گفت: در بخشی از روستاهای بابل منطقه‌ای را برای خالی کردن زباله‌ها در نظر گرفته بودند که مورد اعتراض اهالی و سازمان محیط زیست بود. روزی که این اتفاق افتاد من آن‌جا بودم. نیروی انتظامی مأمور شده بود که از زنجیره کامیون‌ها محافظت کند و به همین منظور مردم را مورد حمله قرار دادند. ما کلی طومار از

اعتراض مردم در اختیار داریم. خبری که در کیهان چاپ شد، با این مضمون بود که اتفاقی در بابل افتاده، استانداری تصمیم گرفته که زباله‌ها را در منطقه "انجیل سی" تخلیه کند که این امر مورد اعتراض مردم قرار گرفت و استانداری با مردم برخورد قهرآمیز کرد. تصاویر فراوانی هم در این زمینه داریم و نیز مدارکی از افراد در دست است که طول درمان گرفته‌اند. درخواست می‌کنیم گزارش سازمان بازرسی کل کشور را که نظرات ما را تأیید می‌کند، بخواهید.

وی افزود: روش ما در کیهان این بود که با مردم برخورد قهرآمیز نشود که موجب دلگیری آنان را فراهم آورد.

جلسه سوم^۱

در این جلسه که در ۴ بهمن برگزار شد، ابتدا چهار شکایت دیگر علیه مدیرمسئول کیهان از جمله شکایات معاون سیاسی استانداری قم، معاون اداری مالی وزارت کشور، شهردار منطقه ۹ و ریاست دادگستری استان تهران در مقام مدعی‌العموم مطرح شد.

حجت‌الاسلام محمدحسین متقی معاون سابق سیاسی استانداری قم شکایت خود را با عنوان تهمت، نشر اکاذیب و افشای اسناد محرمانه شورای تأمین استان مطرح کرد و با اشاره به حادثه‌ای که در مسجد محمدیه قم در پی سخنرانی حجت‌الاسلام هادی خامنه‌ای رخ داد، گفت: کیهان در گزارش خود از قول خبرنگار کیهان در قم و از قول بنده نوشته است: در پی اظهارات معاون سیاسی امنیتی استانداری قم مبنی بر این‌که نیروهای لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب در ماجرای مسجد محمدیه قم دخالت داشته‌اند فرمانده لشکر به دادگاه ویژه شکایت کرد و سپس این خبرنگار در گزارش خود اضافه کرده است: معاونت سیاسی استانداری قم از گفته خود پشیمان شده است.

وی با اعلام این‌که طرح و انتشار اسناد محرمانه ممنوع است و با توجه به این‌که مطالب شورای تأمین استانداری قم کاملاً محرمانه بوده گفت: تحصیل خبر و علت انتساب این مطلب به من، عمل مجرمانه است و مدیرمسئول کیهان در این خصوص باید پاسخگو باشد.

رئیس دادگاه پرسید: شما این مطلب را اعلام نکرده‌اید؟

شاکی در پاسخ گفت: از آن‌جایی که مطالب شورای تأمین محرمانه است اجازه بدهید صورت جلسه مکتوب مذاکرات محرمانه و نوار آن را جهت استماع اعضای محترم هیأت منصفه تقدیم کنم.

رئیس دادگاه پرسید: آیا سرتیپ جلالی از شما شکایت کرده است یا نه؟

شاکی در جواب گفت: سرتیپ جلالی از من شکایت کرده است. همان موقع در دادگاه نیروهای مسلح اقامه دعوی کردیم. پس از یک سال دعوت شدیم. ادله خود را به محکمه نیروهای مسلح ارائه دادیم. شکایت در حال رسیدگی است.

شاکی در ادامه افزود: سرتیپ جلالی در دادگاه ویژه نیز علیه من شکایت کرد. در دادگاه ویژه ادله را ارائه دادم و دادگاه پس از رسیدگی مفصل رأی به تبرئه بنده داد. متن رأی دادگاه در لایحه ۲۳ برگی تقدیم خواهد شد.

رئیس دادگاه پرسید: ما مورد افترا بی در این متن نمی بینیم شما هم موارد را تکذیب نکردید. شاکی در این مورد گفت: قطعاً چنین نبوده است و تکذیب می کنم. مسؤول لشکر باید پاسخگوی مطالب خود باشد. مدیرمسئول کیهان هم در قبال دادگاه باید پاسخگو باشد.

رئیس دادگاه پرسید: در این مورد چه تهمتی به شما زده شده است؟

شاکی جواب داد: کیهان از قول خبرنگار خود اظهارات مجرمانه به من داده است.

رئیس دادگاه گفت: ولی در این جا موضوع به عنوان نشر اکاذیب مطرح است.

شاکی گفت: مطالب کیهان مشمول ماده ۶۹۸ نیز می باشد. اگر خبر درست است صحت آن را ثابت کنند، اگر دروغ است چرا باید ضررهای مادی و معنوی را تحمل کنیم. این خبر جو اجتماعی ایجاد کرد.

رئیس دادگاه از شاکی پرسید: کدام قسمت از نظر شما سند مجرمانه بوده است؟

شاکی گفت: مذاکرات شورای تأمین هر چه باشد مجرمانه است. بر فرض صحت موضوع، کیهان باز هم دچار خطا شده است.

در ادامه جلسات به علت عدم حضور معاون اداری و مالی کشور محمدرضا بهزادیان و حبیب الله تاجیک اسماعیلی شهردار منطقه ۹ شکایت آنان از سوی رئیس دادگاه مبنی بر هتک حرمت و انتشار اخبار کذب قرائت شد.

در ادامه جلسه، شکایت مدعی العموم از سوی نماینده وی مطرح شد.

نماینده مدعی العموم با اشاره به انتشار نامه مجرمانه ۲۴ نفر از فرماندهان سپاه خطاب به ریاست جمهوری در تاریخ ۲۸ تیرماه گفت: آنچه در شکایت ریاست دادگستری آمده، انتشار نامه مجرمانه و سری است که می بایست از طریق سازمان مربوطه صورت می گرفت.

وی اذعان داشت که اعلام جرمی نه از ناحیه سپاه و نه نهاد ریاست جمهوری که نامه خطاب به آن ارسال شده صورت نگرفته است، اعلام جرم ریاست دادگستری به جهت وصف عمومی جرم می باشد که در صورت اثبات قابل تعقیب خواهد بود.

پرونده روزنامه کیهان ۱۱۳۳

نماینده مدعی العموم با اشاره به تحقیقات گسترده دادگاه و تقدیر از این تلاش‌ها به نامه‌های دریافتی از سوی سپاه و نهاد ریاست جمهوری اشاره کرد و گفت: موضوع از طریق رئیس دادگاه پیرامون محرمانه بودن نامه از فرمانده سپاه استعلام شد. سپاه پاسداران نیز در پاسخ به این استعلام اعلام کرد: این نامه جنبه شخصی داشته و سازمانی نمی‌باشد و صرفاً به وسیله تعدادی از فرماندهان صادر شده است و مشمول ضوابط طبقه‌بندی نمی‌شود و نامه مذکور که برای روزنامه‌های کیهان، جوان و جمهوری اسلامی ارسال شده از روی پیش‌نویس نامه‌ای است که در کاغذ عادی بدون مهر محرمانه ارسال شده است. نگارندگان در خصوص انتشار و یا عدم انتشار آن از سپاه استعلام ننموده‌اند.

وی به نامه استعلامی رئیس دادگاه از ریاست جمهوری اشاره کرد و گفت: جوایه‌ای از سوی ریاست جمهوری به دادگاه ارسال شده است که استناد کرده‌اند مطابق ماده یک قانون مجازات اسلامی انتشار و افشای مدارک دولتی بایستی از مجاری خاص خود صورت گیرد. نامه فوق‌الذکر با علامت ویژه سپاه به عنوان ریاست جمهوری و با درج سمت فرماندهی، امضا و از طریق دبیرخانه سپاه ارسال شده است. سند فوق دولتی است و نامه سازمانی سپاه تلقی می‌شود. نماینده مدعی العموم اضافه کرد: در نامه نهاد ریاست جمهوری اعلام شده نامه مذکور با مهر خیلی محرمانه ارسال گردیده است و ارسال پاسخ با مهر خیلی محرمانه تأکیدی بر محرمانه بودن نامه می‌باشد.

نماینده مدعی العموم اضافه کرد: استعلام از دو مرجع در پرونده موجود است. نامه اصالت دارد و جعلی بر مفاد آن وارد نیست و از ابتدا با مهر خیلی محرمانه ارسال شده است هرچند سپاه نامه شخصی تلقی کرده است. نامه سپاه با همان طبقه‌بندی سپاه تثبیت در دفتر دبیرخانه نهاد ریاست جمهوری شده است و هر دو طرف، درجه طبقه‌بندی شده را پذیرفته‌اند.

نماینده مدعی العموم اضافه کرد: سپاه اعلام کرده است این نامه، نامه رسمی و سازمانی سپاه نبوده و مشخصاً نامه‌ای نبوده است که از امکانات سپاه استفاده شده باشد.

در ادامه جلسه دادگاه پس از طرح چهار شکایت و تفهیم اتهام، ریاست دادگاه از مدیرمسئول کیهان خواست به دفاع از خود بپردازد.

حسین شریعتمداری با حضور در جایگاه گفت: قبل از ورود در این پرونده لازم است توضیحاتی بدهم و تفسیری بر برخی از شکایات داشته باشم. درحالی که دادگاه برای رسیدگی به اتهامات وارده به روزنامه کیهان تشکیل شده بود، وزارت کشور در یک اقدام غیرمنتظره نامه‌ای حاوی اتهامات فراوان دیگری علیه این جانب تهیه و ارسال کردند، اما قبل از این که نامه به کیهان ارسال شود، در

اختیار روزنامه‌های دیگر قرار گرفت که برخلاف عرف روزنامه‌نگاری است و از طریق روزنامه‌ها سعی شد علیه کیهان دست به تبلیغات بزنند. روزنامه‌ای که دادگاه آن در حال انجام است. شریعتمداری با اشاره به مصاحبه شهیدی، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد گفت: همزمان با تشکیل دادگاه کیهان آقای شهیدی که در دادگاه نیز حضور دارند در یک مصاحبه اعلام کرد که طی سال‌های اخیر یک سوم ارزش تخصصی به مطبوعات به کیهان اختصاص یافته است، گله‌ای ندارم. سؤال این است که طرح این مسأله که فقط یک ادعاست که جهت روشن شدن ماجرا به اصل این موضوع خواهیم پرداخت، آیا طرح آن همزمان با تشکیل دادگاه کیهان بدون این‌که متهم فرصت دفاع داشته باشد، انصاف است؟ ان شاء الله که انصاف است.

حسین شریعتمداری در ادامه جلسه دادگاه در خصوص شکایت معاون سابق امنیتی و سیاسی استانداری قم با اشاره به خبر چاپ شده در کیهان گفت: موضوع به حد کافی روشن است. این خبر از صحت کامل برخوردار است و جناب متقی نیز همین جا چند دفعه بر صحت خبر صحه گذاشتند، البته بعداً موضوع را به اسناد محرمانه ربط دادند و اصل خبر را تکذیب کردند. ایشان شکایت سرتیپ جلالی را تکذیب می‌کند، درحالی که علاوه بر این‌که سرتیپ جلالی در خصوص اظهارات اهانت‌آمیز ایشان شکایت کرده‌اند، شکایت دیگری نیز در دادگاه ویژه روحانیت مطرح شد و دادگاه نیز شکایت را رسیدگی کرده است.

مطلب کیهان فقط به شکایت سرتیپ جلالی اشعار دارد. ایشان که تأیید می‌کنند سرتیپ جلالی از وی شکایت کرده است، پس چه چیزی را تکذیب می‌کند؟ ما مطابق ماده ۵ قانون مطبوعات، مکلف به کسب خبر شدیم و خبر عین واقعیت است.

شریعتمداری در ادامه پاسخ به شکایت حجت‌الاسلام متقی معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم گفت: آیا اتهام دخالت داشتن نیروهای جان برکف سپاه در برهم زدن مراسم مسجد محمدیه که همه ملت بدون استثنا به آن‌ها مدیون هستند، باعث اخلال می‌شود یا این‌که درج این خبر و اشاره به این‌که سرداران بزرگ سپاه و مردان جبهه و جنگ حاضر نیستند چنین چیزهایی را تحمل کنند؟ به نظر می‌آید که شق اول عاقلانه نیست و کسی نمی‌تواند باور کند که سپاه در برهم زدن آن مراسم دخالتی داشته است.

شریعتمداری افزود: در گزارش کیهان پیرامون مسجد محمدیه قم به همراهی و همکاری بعضی از اعضای استانداری قم از جمله همکاری جناب آقای متقی که در آن هنگام معاون سیاسی استانداری بودند با برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تشکیل جلسات ده‌گانه جبهه مشارکت اشاره شده است. به نظر من صحت این خبر آن‌قدر آشکار است که انکار آقای متقی نمی‌تواند تأثیری داشته

باشد. بسیاری از شرکت‌کنندگان در جلسه جبهه مشارکت از نزدیک شاهد این همکاری آشکار بوده‌اند، تعجب آور است که چرا ایشان به جای عذرخواهی از مردم و طلب مغفرت از خداوند تبارک و تعالی این واقعیت ملموس را انکار می‌کنند و تازه علیه کیهان به خاطر درج این گزارش شکایت هم می‌کنند! سؤال من این است که آیا معاون سیاسی استاندار حق دارد از شخصیت حقوقی و جایگاه مسئولیتی خودش برای دفاع از یک حزب سیاسی مایه بگذارد؟ ولو این که آن حزب سیاسی حزب اصول‌گرا و حزب بسیار گسترده و فراگیر و مردمی و مورد قبول و پذیرش از آدم تا خاتم باشد؟! قانوناً این کار جرم است.

شریعتمداری با اشاره به مدارک و اظهارات شاهدان عینی در مسجد محمدیه مبنی بر حضور مؤثر آقای متقی در جلسه و خوش آمدگویی به حاضران گفت: آقای متقی طوری صحبت کردند که کیهان مخالف تشکیل جلسات به مناسبت بزرگداشت دهه فجر است.

مدیرمسئول کیهان افزود: اگر خود آقای متقی اشاره نمی‌کردند من به دو مورد از محکومیت ایشان در دادگاه ویژه نمی‌پرداختم. آیا یک مسؤول دولتی (آقای متقی) که به دلیل تخلفات به ۵ سال انفصال از کلیه خدمات دولتی محکوم شده است، جای سؤال ندارد که ماجرای جرائم و محکومیت وی چه بوده است؟ من علت آن را می‌دانم. هرچند این محکومیت اخلاقی نبوده، اما محکومیت وی استحقاق ایشان در مسؤولیت دولتی را نفی کرده است.

شریعتمداری افزود: ما فقط به اصل خبر اکتفا کردیم و در خبر اعلام کردیم که از ایشان شکایت شده است. این خبر هم صحت دارد که خود ایشان تأیید می‌کنند. حتی نگفتم نتیجه شکایت چه شده است. اما این که می‌فرمایند سند محرمانه افشا شده، چه سندی منظور نظر ایشان است؟ خبر محرمانه نبوده و اظهر من الشمس است.

شریعتمداری در پاسخ شکایت محمدرضا بهزادیان که در جلسه حضور نداشت خطاب به قاضی گفت: شما متن شکایت ایشان را مطرح کردید. اما متن خبری که مورد شکایت معاون اداری مالی وزارت کشور است را قرائت نکردید.

این مطلب یک پیام تلفنی بوده و در ستون کیهان و خوانندگان چاپ شده بود. شخصی به نام کریمیان ابراز داشته که آقای بهزادیان گفته هر کس به آقای خاتمی رأی نداده نبایست در وزارت کشور باقی بماند. آنچه این خواننده اعلام داشته، دو هفته قبل از درج این پیام تلفنی، همین موضوع به عنوان خبر در روزنامه رسالت ۱۳۷۸/۸/۱۹ چاپ شده و آقای بهزادیان هم خبر روزنامه رسالت را تکذیب نکرده است.

شریعتمداری در دفاع از اتهام چاپ نامه محرمانه ۲۴ تن از فرماندهان سپاه، ضمن رد محرمانه

بودن و این‌که نامه فرماندهان خطاب به ریاست جمهور بود گفت: این نامه بدون این‌که کم‌ترین نشانه‌ای از محرمانه بودن داشته باشد، از طریق فکس به کیهان ارسال شده، فکس مربوطه موجود است حتی متن حاشیه‌ای هم که با خط خودم کنار نامه نوشتم و برای تحریریه فرستادم موجود است که کارشناسان خط نیز می‌توانند نظر دهند.

در حاشیه این فکس نوشتم «برادران شورای سردبیری لطفاً پس از انطباق با متنی که در مطبوعات دیگر چاپ شده است، اقدام به درج فرمایید».

چون این متن شش روز قبل در یکی از روزنامه‌های صبح چاپ شده بود و علاوه بر آن در همان روزی که اقدام به درج کردیم این نامه چاپ شده بود. خیلی طبیعی و بدیهی بود هیچ‌گونه شائبه‌ای در مورد محرمانه بودن آن نداشته باشیم. کما این‌که بعداً هم معلوم شد محرمانه نیست و روزنامه کیهان پس از انطباق مندرجات نامه با متن درج شده در روزنامه دیگر اقدام به چاپ آن کرده است. نکته دوم این‌که اگر این نامه آن‌طور که گفته شده محرمانه بوده چرا طی مدت ۶ روز که از درج آن در یکی از روزنامه‌ها گذشته بود مدعی العموم محترم کم‌ترین واکنشی نسبت به محرمانه بودن آن نشان نداده است؟

نکته سوم این است بر فرض که نامه چاپ شده فرماندهان محرمانه باشد، کما این‌که نیست. درج آن در کیهان نمی‌تواند از مصادیق افشای مطالب محرمانه باشد. چون این نامه ۶ روز قبل در روزنامه‌های دیگر چاپ شده بود. لذا چاپ دوباره آن از مصادیق افشای نامه محرمانه نیست. چون با چاپ اول آن، از حالت محرمانه خارج شده است.

نکته چهارم این است که پس از چاپ این نامه در کیهان روزنامه‌های دیگر نیز اقدام به چاپ آن کردند. چرا در شهر دو نرخ است فقط کیهان را به دادگاه می‌کشاند؟

رئیس دادگاه: آقای شریعتمداری شاید استحضار نداشته باشد که نماینده مدعی العموم علیه روزنامه جوان نیز شکایت کرده است، مدیرمسئول این روزنامه نیز احضار شده و تأمین مقتضی نیز از وی اخذ شده است. این روزنامه در انتظار رسیدگی قرار دارد.

مدیرمسئول کیهان ضمن تشکر از رئیس دادگاه گفت: منظور بنده روزنامه جوان نبوده است، دو سه تا روزنامه دیگر بوده‌اند که البته اسامی آن‌ها را نام نمی‌برم تا مبدا به این اتهام احضار شوند.

شریعتمداری در ادامه دفاع از این اتهام با اعلام این‌که محتوای نامه دردمندانه فرماندهان به ریاست محترم جمهور به وضوح نشان می‌دهد که این نامه نمی‌تواند محرمانه باشد، گفت: در آن نامه نسبت به آشوب‌های آن زمان ابراز نگرانی شده و فرماندهان سپاه آمادگی خود را برای خنثی کردن این توطئه اعلام داشته‌اند. آیا وجود آشوب‌ها محرمانه بوده است؟ آیا قصد براندازی

آشوبگران سخن محرمانه است؟ به هر حال در نامه فرماندهان به مسائلی اشاره شده که آن مسائل جاری کشور بوده و برای همه مردم آشکار بوده است.

مدیرمسئول روزنامه کیهان افزود: مطابق قانون اساسی حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی به عهده سپاه است. بنابراین فرماندهان محترم در نامه به ریاست جمهور فقط اعلام آمادگی برای انجام رسالتی کردند که قانون اساسی به عهده آنها گذاشته است.

از طرف دیگر فرماندهان محترم سپاه این نامه را با شخصیت حقیقی خود نوشته اند نه حقوقی، بنابراین نامه مزبور سند دولتی یا سازمانی تلقی نمی شود که درج آن مشمول بند ۶ از ماده ۶ قانون مطبوعات باشد و چون نامه دولتی نیست، شکایت به درج آن بیرون از حوزه اختیارات مدعی العموم است و این شکایت تنها از سوی نویسندگان نامه قابل پیگیری خواهد بود که چنین شکایتی مطرح نشده است و دلیل روشن تر بر غیرسازمانی بودن این نامه آن است که مطابق آئین نامه های جاری در نیروهای مسلح فقط فرماندهی کل حق دارد از جانب تمامیت سازمان تحت فرماندهی خود خطاب به مقامات رسمی کشور نامه نگاری کند و این اقدام برای سایر پرسنل تحت امر فرماندهی کل حتی بالاترین رده آن ممنوع است. بنابر این این نامه فقط می تواند یک نامه شخصی باشد و شکایت مدعی العموم فاقد وجاهت قانونی است.

شریعتمداری افزود: در آن نامه نه مطلب سری و طبقه بندی وجود دارد و نه سخنی به میان آمده که افشای آن با مصالح خاص اداری و سازمانی سپاه مغایرت داشته باشد. اگر قرار بود این نامه، نامه سازمانی باشد، تنها راهش این بود که از طریق دبیرخانه ستاد مشترک سپاه ارسال شود آن هم با امضای فرماندهی کل که چنین چیزی نبوده است.

مدیرمسئول کیهان با قرائت مواد مربوط به اسناد محرمانه بار دیگر بر غیرمحرمانه و شخصی بودن نامه فرماندهان سپاه تأکید کرد و افزود: سپاه پاسداران نیز اعلام کرده که این نامه، نامه سازمانی و سند دولتی نیست. قانون هم تعیین طبقه بندی اسناد را به عهده سازمان مربوطه گذاشته است که سپاه که صادرکننده نامه است خود به غیرمحرمانه بودن آن اذعان کرده است. بنابراین شکایت وجاهت قانونی ندارد.

در ادامه جلسه رئیس دادگاه خطاب به حسین شریعتمداری گفت: نکته ای در مورد مصاحبه آقای شهیدی مطرح کردید، توضیحی داده اند که قرائت می شود. ایشان توضیح دادند که مصاحبه مطبوعاتی ارتباطی به دادگاه نداشته فقط از کیهان نام برده نشده و لیستی که ضمیمه است از ۴۵ نشریه نام برده است.

مدیرمسئول کیهان در پاسخ گفت قصد من نکته گیری نبود، موضوعی را فقط در دادگاه مطرح

کردم.

جلسه چهارم^۱

در جلسه بعد از ظهر دادگاه که پس از نیم ساعت تنفس تشکیل شد، شکایت لطیف صفری صاحب امتیاز و مدیرمسئول لغو امتیاز شده نشاط و جلایی پور مسئول سیاست‌گذاری آن روزنامه به علت عدم حضور نامبردگان در دادگاه توسط رئیس دادگاه قرائت شد. شکایت لطیف صفری در ۱۷ بند تقدیم دادگاه گردید که وی خواستار برخورد با مدیرمسئول کیهان شده بود. در این جلسه قرار شد شکایت جلایی پور به عنوان آخرین شکایت در دادگاه مطرح شود.

در ادامه جلسه شکایت فاطمه رمضان‌زاده نماینده مجلس و عضو سابق هیأت منصفه علیه روزنامه کیهان از سوی نامبرده مطرح شد. وی در شکوائیه خود مطرح کرد که روزنامه کیهان در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۷۸ با طرح این خبر در صفحه حوادث مبنی بر این که دو عضو مستعفی هیأت منصفه آمادگی حضور بلاقید و شرط خود را در جلسه دادگاه اعلام کردند، خبر کذبی را علیه بنده مطرح کردند. من استعفا ن داده بودم و به علت نشر اکاذیب درخواست رسیدگی دارم.

در ادامه جلسه، شکایت نیروی انتظامی لنجان مبنی بر این که کیهان با چاپ خبر مورخ ۱۳۷۷/۱/۲۵ تحت عنوان سارقان آسایش مردم لنجان را سلب کردند مطرح شد و خواستار برخورد با روزنامه به اتهام نشر اکاذیب شد.

پس از طرح این سه شکایت مدیرمسئول کیهان دفاعیات خود را مطرح کرد. وی در دفاع از موارد اتهامی مطرح شده از سوی مدیرمسئول لغو امتیاز شده نشاط گفت: برای من دقیقاً مشخص نیست که آقایان از کدام بخش از مطالب شکایت دارند و توضیحی هم درباره آن ن داده‌اند. البته می‌توانم حدس بزنم نگاه اعتراضی آن‌ها به کدام بخش است. برای این که حقشان رعایت شود بهتر است با وکیل مدافع حضور پیدا کنند تا منظورشان مشخص شود.

به عنوان مثال یکی از موارد شکایت آقایان، پاورقی نیمه پنهان در کیهان مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۷ است که کپی آن را هم ضمیمه شکوائیه کرده‌اند. ولی در این بخش از پاورقی نیمه پنهان، نه با صراحت و نه به تلویح، کم‌ترین اشاره‌ای به روزنامه نشاط و یا گردانندگان آن نشده است و ما نمی‌دانیم منظور آقایان چیست؟!

وی با اشاره به مطالب پاورقی کیهان تصریح کرد: در این مقاله به سابقه و نقش بازیگران، عرصه فرهنگ و سیاست در دوران طاغوت اشاره شده و با ارائه اسناد غیرقابل انکار، شرحی از خیانت‌ها، وابستگی‌ها و جنایت‌های این جماعت داده شده است.

از جمله افرادی که در این نوشته به سوابق سیاه و پرونده خیانت‌های آنان اشاره شده است،

لطف‌الله حی سرمایه‌دار معروف صهیونیست و فراری، عضو کلپ روتاری و نماینده مجلس شاه بوده است که در حال حاضر ریاست لژهای فرماسونری ایرانی را برعهده دارد.

به گفته شریعتمداری لطف‌الله حی از مؤسسان آژانس صهیونیستی یهود در ایران است و البته، طبیعی است که خواهان و برادران یهودی ایرانی که همواره کوشیده‌اند در غم و شادی هم‌میهنان مسلمان خود شریک باشند، از این حلقه مبرا هستند.

وی افزود: مطابق اسناد لانه جاسوسی، وقتی برادرزاده لطف‌الله حی یعنی مراد دانیال‌پور بعد از انقلاب به جرم جاسوسی دستگیر می‌شود، سایروس ونس وزیر خارجه وقت آمریکا مستقیماً برای آزادی او وارد عمل می‌شود.

شریعتمداری افزود: در این پاورقی به بیوگرافی داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی شاه معدوم اشاره شده است. کسی که دبیرکل حزب رستاخیز و تدارک‌کننده مقاله معروف علیه امام رضوان الله تعالی علیه در روزنامه اطلاعات بود که به نام رشیدی مطلق چاپ شد و هم‌اکنون نیز از فعالان ضدانقلاب در خارج از کشور است. یا از هوشنگ وزیری در این ستون نام برده شده که مسؤل هفته‌نامه‌ای در لندن متعلق به اشراف پهلوی است یا از آقای فیروز گوران نام برده شده که آخرین سردبیر روزنامه صهیونیستی آیندگان بوده است.

وی در ادامه با طرح این پرسش که «افراد یاد شده چه قزاق سیاسی یا رابطه‌ای با گردانندگان روزنامه نشاط می‌توانند داشته باشند که آقایان از شرح خیانت‌های آنان برآشفته شدند و علیه کیهان شکایت کردند» تصریح کرد: اگر چنین نیست پس این شکایت چیست و اگر چنین است پس واویلا. البته باید اشاره کنم که بسیاری از دست‌پروردگان این افراد با بعضی از روزنامه‌های جدیدالتأسیس همکاری نزدیک دارند. سؤال اصلی من این است که چرا در جمهوری اسلامی ایران کار به جایی رسیده که وقتی جنایت مهره‌های نشاندار رژیم آمریکایی شاه، قاتلان مردم مظلوم و کلان سرمایه‌داران صهیونیست و تابلودار در کیهان چاپ می‌شود، افرادی به حمایت از آنان برمی‌خیزند؟ و از این جرثومه‌های فساد که کیسه‌هایشان انباشته از اموال غارت شده مردم است و سینه‌ای پر از کینه از اسلام و انقلاب دارند حمایت می‌شود و تازه! مدیرمسؤل کیهان باید به جرم درج این مطالب تاریخی و مستند که دانستن آن برای مردم ضروری است پاسخگو باشد؟! من نمی‌دانم چه می‌گذرد...

اگر منظور آقایان در شکایتشان این موارد است، که باید عرض کنم نباید از نجات حزب‌الله سوءاستفاده کرد. درست است که حزب‌الله خاموش است اما سینه‌اش پر جوش است و گریبان خیلی را قطعاً رها نمی‌کند.

شریعتمداری در همین زمینه با طرح این پرسش، که «آیا مطالب کیهان نشر اکاذیب است یا مطالبی که آقایان می‌نویسند و به خاطر آن محاکمه و محکوم می‌شوند؟» اظهار داشت: یکی از بارزترین مطالب این روزنامه‌ها و در عین حال شرم‌آورترین آن‌ها ادعای درخواست پناهندگی حضرت امام (ره) از دولت فرانسه بود که آقایان نوشته بودند: «وقتی آیت‌الله خمینی (رض) به فرانسه آمد با پاسپورت معتبر ایرانی مسافرت می‌کرد و به محض ورود تقاضای پناهندگی سیاسی کرد!» برخلاف آن ادعای پرآب و تابی که آقایان داشتند که این مصاحبه را خبرنگار روزنامه خودشان با ژیسکاردستن انجام داده است بعداً نشریه لوپوئن فاش کرد مصاحبه با ژیسکاردستن توسط یکی از عوامل ضدانقلاب مقیم خارج از کشور به نام «پرویز شهنواز» خبرنگار رادیو ضد انقلابی ۲۴ ساعته لس‌آنجلس انجام شده است! قطعاً دوستان می‌دانند که این رادیو توسط جمعی از سلطنت‌طلبان و با حمایت‌های مالی آشکار صهیونیست‌های فراری مقیم لس‌آنجلس اداره می‌شود.

آقایان کیهان را متهم به نشر اکاذیب کرده‌اند بدون آنکه درباره آن توضیحی بدهند و حال آنکه روزنامه زنجیره‌ای تحت مسؤلیت ایشان پر از مطالب کذب و اتهامات ناروا و شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی است که یکی از بارزترین و در عین حال شرم‌آورترین آن‌ها، ادعای درخواست پناهندگی حضرت امام (ره) از دولت فرانسه بوده است.

شریعتمداری آن‌گاه گفت: قوه قضائیه و وزارت ارشاد و سایر مسؤولان ذی‌ربط چطور می‌خواهند این پلشتی و زشتی را توجیه کنند که برخی از روزنامه‌ها در کشور اسلامی با رسانه‌های تابلودار صهیونیست خبرنگار مشترک داشته باشند؟! آن هم خبرنگاری که خودش از عوامل شناخته شده ضدانقلاب است و از فعالان گروهک‌های ضد انقلاب در خارج از کشور می‌باشد و بعد بیایند به امام راحل‌مان بدترین اهانت‌ها را بکنند و حالا هم علیه کسانی که به مقابله آن‌ها رفتند دعوی نمایند؟

حسین شریعتمداری افزود: آیا این واقعیت‌های تکان‌دهنده مسؤولان محترم قضائیه و وزارت ارشاد و سایر مسؤولان مربوطه را تکان نمی‌دهد؟ هجوم کلان سرمایه‌داران صهیونیست به جان و مال این ملت مظلوم دل کسی را به درد نمی‌آورد؟

آن وقت بنده به‌عنوان مدیرمسئول کیهان باید به خاطر هشدار مطبوعاتی درباره پشت صحنه این میدان که در جریان است محاکمه شوم؟!

مدیرمسئول روزنامه کیهان آن‌گاه بر این نکته تأکید کرد: رابطه برخی از جریان‌های سیاسی با محافل بیگانه «پنهان» نیست که درک آن به اسناد محرمانه و سری نیاز داشته باشد و نه آن‌چنان «پچیده» است که برای فهم آن به اذهان ژرف‌اندیش احتیاجی باشد.

مدیرمسئول روزنامه کیهان درباره کیفیت استفاده عمومی از اسناد مورد اشاره اش چنین توضیح داد: ما به لطف خدا تمامی آنچه در جلسات این دادگاه مطرح شده، اعم از یکایک موارد شکایت و پاسخ به آن‌ها را برای اطلاع عموم چاپ می‌کنیم تا همگان بدانند درحالی که دشمنان انقلاب آزادانه و به‌طور همزمان در مطبوعات خارجی و برخی نشریات داخلی قلم می‌زنند، کیهان به خاطر پاسخگویی به توهم‌پراکنی آنان محاکمه می‌شود. مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی که «اگر نازی کند، از هم فرو ریزد قالب‌ها» بر صفحه تقدیر رقم دیگری زده باشد.

مدیرمسئول روزنامه کیهان در مورد شکایت خانم فاطمه رمضان‌زاده گفت: برای من بسیار ناگوار است به مطالب خواهر بسیار گران‌قدر و محترمه و از پزشکان متدین جمهوری اسلامی ایران پاسخ بگویم.

من که سوابق ایشان را می‌دانم و از نزدیک شاهد خدمات وی بودم، برایم خیلی تلخ و ناگوار است که در این زمینه مطلبی عرض کنم، اما چون طرح شکایت کردند، ناچار به پاسخگویی هستم. نام ایشان جزو افراد هیأت‌منصفه‌ای درج شده بود که در جلسه دادگاه غایب بودند. ایشان تماس تلفنی گرفتند و فرمودند «که غیبت من موجه بوده و به علت مسافرت صبح آن روز وارد شدم». ما عین توضیحات ایشان را در نقطه چشمگیر و داخل کادر درج کردیم.

ایشان فرمودند که کیهان در صفحه حوادث طی درج خبری عنوان مستعفی به این‌جانب اطلاق کرده است و این موضوع از مصادیق بارز نشر اکاذیب است و عنوان کردند که هیچ‌گاه از عضویت در هیأت‌منصفه استعفا نداده است. ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت‌منصفه به این توضیح حرفه‌ای و کاری توجه فرمایند برای مطبوعاتی‌ها روشن است.

در متن خبر مورد اشاره خانم دکتر رمضان‌زاده نه فقط هیچ سخنی از استعفای ایشان به میان نیامده است، بلکه ابدأ در خبر به استعفا اشاره نکرده است. حتی در لید خبر که بخش اصلی خبر است این‌طور آمده: «دو عضو هیأت‌منصفه مطبوعات آمادگی بدون قید و شرط خود را جهت حضور در جلسات دادگاه ۱۴۱۰ اعلام نمودند» بنابراین چطور خانم رمضان‌زاده خبر حضور خودش را در دادگاه به‌عنوان یکی از اعضای هیأت‌منصفه حاکی از استعفای خود تلقی کرده‌اند.

شریعتمداری افزود: با مراجعه به متن خبر معلوم می‌شود که متن خبر استعفای خانم رمضان‌زاده با استناد به نوشته دو روزنامه دیگر از جمله روزنامه‌های کار و کارگر مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۱ و از قول خود ایشان نقل شده است که چون خبر استعفای خود در روزنامه کار و کارگر را ندیده‌اند من در اختیار دارم و تقدیم ایشان می‌کنم که ۵ ماه قبل از درج خبر کیهان چاپ شده است. ایشان در خصوص خبر کار و کارگر نه تکذیب کرده‌اند و نه شکایت. اصل خبر هم آن‌جاست.

در تیتتر خبر کیهان به این علت خبر استعفای ایشان آمده که تناقض میان خبر استعفای ایشان با اعلام آمادگی ایشان برای حضور در دادگاه نشان داده شود.

البته من قبول می‌کنم که جا داشت که در انتهای این خبر یک علامت تعجب می‌آوردیم. معمولاً این جور تیتترهایی که مقصود از آن نشان دادن نوعی تعارض و تناقض است باید با علامت تعجب همراه باشد. اما اگر تمامی این دلایل روشن را هم نادیده بگیریم، نکته اصلی این جاست که خانم رمضانزاده وقتی چهار ماه قبل خبر استعفای ایشان در یک یا چند روزنامه درج شده و هیچ تکذیبی از ایشان ندیدیم، موضوع هم که مطبوعاتی است و مربوط به یکی از اعضای هیأت منصفه مطبوعات و مربوط به دادگاه کیهان است چنین چیزی طبیعی است که باید در ذهن باشد.

شریعتمداری سپس با اشاره به اهانت‌های زنده‌ای که برخی روزنامه‌ها علیه دکتر رمضانزاده و در پی حضور وی در هیأت منصفه که منجر به محکومیت مدیرمسئول یک نشریه شده بود، (و به درخواست خانم رمضانزاده از تشریح مطلب خودداری کرد) گفت: البته قطعاً عدم حضور و غیبت ایشان موجه بوده ولی سؤال من این است اگر واقعاً مقصود این است که قطعاً هم این است، چرا این نوع حساسیت‌ها در مقابل مواردی که می‌خواستم عرض کنم (اهانت‌های روزنامه‌های مذکور علیه رمضانزاده به خاطر اقدام ارزشی اش در محکومیت نشاط) دیده نمی‌شود؟

در ادامه جلسه حسین شریعتمداری همچنین در پاسخ به شکایت شهردار سابق منطقه ۹ تهران گفت: عناوینی که ایشان به عنوان اتهام مطرح کرده‌اند خیلی بیش‌تر از خبری است که ما درج کردیم! ما در این خبر اعلام کردیم «تعدادی از مسئولان شهرداری تهران از جمله مدیرکل حقوقی شهردار جدید منطقه یک و مدیرعامل سازمان ترافیک به دلیل تخلفات گسترده مالی بازداشت شدند. گزارش خبرنگار ما به نقل از منابع موثق حاکی است در ادامه دستگیری مسئولان متخلف شهرداری تهران، «ش» مدیرکل حقوقی شهردار تهران، مصطفی «ن» مدیرعامل سازمان ترافیک، محمود «س» مدیرعامل شرکت کنترل ترافیک، «حبیب‌الله ت» شهردار سابق منطقه ۹ به اتهام تخلفات مالی بازداشت و روانه زندان شدند.»

شریعتمداری در این باره اظهار داشت: این متن خبر بود. بخشی که مربوط به ایشان است خبر از بازداشت شخصی به نام حبیب‌الله «ت» است که همین جناب آقای تاجیک اسماعیلی شاکی پرونده مدنظر بود. خود ایشان در شکوائیه خود تأکید می‌کنند به اتهام تخلفات مالی دستگیر شدند و با طرح نمونه‌هایی از اتهام می‌گویند به خاطر این تخلفات در دادگاه تجدیدنظر تبرئه شدند و یا جرم ایشان تبدیل به جزای نقدی شد. ایشان کدام خبر را تکذیب می‌کنند؟ ایشان ابتدا چیزی را نفی می‌کنند و آن وقت در جای دیگر بر آن تأکید می‌نمایند! اختلاس و موارد دیگر در پرونده ایشان است

که خودشان هم به آن اشاره کرده‌اند.

براساس این گزارش مدیرمسئول روزنامه کیهان در ادامه دفاعیات خود همچنین در پاسخ به شکایت نیروی انتظامی لنجان گفت: ما در خبر خود نوشتیم که سارقان در لنجان آسایش مردم را سلب کرده‌اند به طوری که حتی با ترقه اموال آنان را به سرقت می‌برند و فقدان پاسگاه انتظامی در لنجان سبب شده که سارقان، این منطقه را صحنه تاخت و تاز خود قرار دهند و با آسودگی خاطر، اموال و خانه‌ها و مغازه‌های مردم را به سرقت ببرند که طوماری نیز از مال‌باختگان به دفتر نمایندگی روزنامه کیهان ارسال و خواستار تأمین امنیت مردم شده بودند.

شریعتمداری افزود: در خبر دیگری که نیروی انتظامی لنجان مدعی آن شده آمده است: مزاحمان به نوامیس در لنجان باعث مرگ یک آمر به معروف شدند. شخصی به‌عنوان اعتراض به برخوردهای غیراخلاقی گروهی که در آن طرف رودخانه قرار داشتند خود را داخل آب می‌زند که به آن طرف برود. در وسط راه با سنگ‌اندازی به طرف نامبرده و اصابت سنگ بر سرش بین راه بی‌هوش می‌شود و به دلیل بی‌هوشی غرق می‌شود. پزشکی قانونی نیز علت مرگ را خفگی در آب اعلام می‌کند.

ادامه دادگاه^۱

این جلسه نیز در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۹ برگزار شد. قاضی مرتضوی سپس شکایت شورای آرد و نان استان اصفهان را به جهت عدم حضور شاکی قرائت کرد.

سپس شکایت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان از سوی نماینده این دانشگاه مطرح شد. شکایت وی پیرامون مطالبی بود که از سوی معاون مدیرمسئول کیهان در جمع طلاب و دانشجویان زنجان پیرامون تغییر اساسنامه انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه مطرح شد. نماینده دانشگاه مدعی شد: کیهان با طرح این مسأله که قید اسلامی از نام انجمن اسلامی حذف شده انجمن اسلامی دانشگاه را با منافقین مقایسه کرده و انجمن اسلامی دانشگاه زنجان را زیر سؤال برده و موجب اهانت و هتک حرمت گردیده است.

رئیس دادگاه در چند مورد به نماینده دانشگاه زنجان به علت خروج از موضوع اخطار کرد و گفت: اگر در خصوص شکایت، مستندی در مورد نشر اکاذیب و توهین دارد مطرح کند.

در ادامه جلسه، متن شکایت سیدعلی نیکویی زهرایی استاندار قزوین از کیهان به علت عدم حضور شاکی از سوی رئیس دادگاه قرائت شد. نامبرده مطلب چاپ شده در کیهان مورخ ۱۳۷۸/۵/۲ ستون اخبار ویژه را از مصادیق نشر اکاذیب دانسته و شکایت خود را علیه کیهان در این خصوص

۱. جلسه دادگاه به نقل از روزنامه کیهان.

تقدیم دادگاه کرده بود.

در ادامه رسیدگی، رئیس دادگاه از نماینده سازمان برنامه و بودجه که از شاکیان کیهان بود پرسید باتوجه به اعلام انصراف معاونت حقوقی ریاست جمهوری از شکایت خود آیا قصد طرح شکایت دارد؟ وکیل این سازمان در پاسخ، چاپ انتشار پی نوشت رئیس جمهور در ذیل نامه سازمان برنامه و بودجه از سوی کیهان را مطلب مجرمانه نشر اکاذیب دانست.

در ادامه جلسه، رئیس دادگاه اعلام کرد آقای سینا مطلبی شکایت خود را مسترد کرده است. وی سپس از مهدی بهشتی پور خواست به طرح شکایت خود بپردازد. بهشتی پور مدعی شد کیهان در پاورقی نیمه پنهان با طرح نام وی در کنار بعضی از اسامی موجبات اهانت و هتک حرمت وی را فراهم کرده است.

در ادامه جلسه شکایت حمیدرضا جلالی پور و وکیل نامبرده علیه کیهان مطرح شد. جلالی پور در طرح شکایت خود مدعی شد کیهان بعد از انتشار شماره پنجم روزنامه جامعه تا شماره ۹۸ عصر آزادگان به نشر افترا و تهمت علیه این روزنامه‌ها پرداخته است.

جلالی پور در طرح شکایت خود در دفاع از روزنامه‌های تعطیل شده جامعه، توس و نشاط مطالبی را علیه کیهان مطرح کرد که رئیس دادگاه حرف‌های او را قطع کرد و گفت: شما سمت قانونی در روزنامه‌های مزبور ندارید، آنچه مربوط به شخص خودتان است مطرح کنید.

رئیس دادگاه همچنین خطاب به جلالی پور گفت: طبق نظر معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد شکایت از روزنامه‌های مزبور باید توسط مدیرمسئول آن‌ها یا وکیل‌شان صورت گیرد.

جلالی پور در ادامه طرح شکایت خود که به علت مطرح کردن مطالب خارج از موضوع مورد اعتراض قاضی قرار می‌گرفت لایحه چهار صفحه‌ای خود را قرائت کرد.

رئیس دادگاه خطاب به او گفت: شما چهار صفحه لایحه خواندید ولی اشاره‌ای به شکایت خود نکردید.

در ادامه جلسه وکیل جلالی پور با طرح موارد حقوقی شکایت، ادعا کرد کیهان با طرح مطالبی علیه موکل وی، اقدام به توهین، افترا و نشر اکاذیب کرده است.

مدیرمسئول کیهان در پاسخ به شکایت شورای آرد و نان اصفهان گفت: برای من تعجب‌آور است که این مرکز چگونه به خود اجازه می‌دهد از یک سو برای خرید یک کالای غیربهداشتی و غیرضروری نانوایان را تحت فشار قرار دهد و با تهدید و قیمت غیرواقعی خرید یک کالای غیراستاندارد را برای آنان تحمیل کند و بعد علیه کیهان شکایت کند.

موضوع آن‌قدر آشکار است که شورای آرد و نان نمی‌تواند منکر آن باشد، بلکه بنده معتقدم به

علت فروش کالای غیراستاندارد نیز باید تحت پیگرد قانونی نیز قرار گیرد.

شریعتمداری در مورد شکایت انجمن اسلامی دانشگاه زنجان با اشاره به اهانت‌هایی که نماینده این انجمن کرده بود گفت: ایشان اتهامات فراوانی به بنده و کیهان وارد کردند. اتهاماتی نظیر «مرتجع»، «کسانی که مقتضیات روز را درک نمی‌کنند»، «کسانی که مخالف دانشجو هستند»، «کسانی که معلوم نیست در دوران ستمشاهی چه کار می‌کردند» و... من آن اتهاماتی که مربوط به خودم هست، از آن می‌گذرم، فقط دلم می‌خواهد به این نکته اشاره کنم که به قول حضرت امام (ره) در آن هنگام که عوامل رژیم ستمشاهی افراد انقلابی را محکوم به ارتجاع می‌کردند، این جمله را آن حضرت فرمودند: «اگر ارتجاع این است، خدا هم مرتجع است».

در این مورد که در دوران ستمشاهی، ما چه می‌کردیم بهتر است آقایان استعلام کنند و ببینند آن موقع این کسانی که الان به برخی از انجمن‌ها خط می‌دهند، در پیست‌های اسکی سوئیس ویراژ می‌دادند و در آب‌های سواحل جزایر هاوایی شیرجه می‌رفتند، افرادی مثل بنده کجا بودیم.

شریعتمداری با اشاره به به‌کارگیری واژه مقاومت دانشجویی توسط نماینده انجمن دانشگاه زنجان اظهار داشت: وقتی از مقاومت دانشجویی صحبت می‌کنند، جوری حرف می‌زنند که انگار مقابل یک رژیم دیکتاتوری آن‌چنانی قرار گرفته‌اند. نه خیر، این خبرها نیست.

وی با تأکید بر این‌که افرادی که پیوند اسلامی را از نام یک انجمن دانشجویی حذف کرده‌اند، نمایندگان دانشجویان مسلمان نیستند گفت: اگر فشاری هست روی حزب‌الله است. اگر بد حادثه پیش می‌آید، حزب‌الله است که می‌رود جان می‌دهد. شما در خانه‌هایتان نشسته‌اید. کدام‌تان روز بد حادثه به میدان آمده‌اید. آن موقع که سر و دست‌های شکسته را در کیسه پلاستیک می‌ریختند، شما کجا بودید؟

مدیرمسئول کیهان ادامه داد: یک سؤال از آقایان دارم. اگر دانشجویان مسلمان و پاک‌باخته‌ای که انجمن‌های اسلامی را بنیان گذاشتند و امروز بعضی‌ها از حاصل آن زحمات، بدون آن‌که رنج و زحمتی کشیده باشند بهره می‌برند. در کربلاهای هویزه و دهلاویه و شلمچه و جزیره مجنون به شهادت نمی‌رسیدند، با مشاهده مواضع اخیر شما، همه شما را از انجمن اسلامی بیرون نمی‌کردند؟ من آن‌ها را می‌شناسم، مهدی مقدس‌ها را می‌شناسم، احمدی رحیمی‌ها را می‌شناسم، صادق ترکاشوندها، پورموسویان‌ها را می‌شناسم. عباس ورامینی‌ها و حسین علم‌الهداها را می‌شناسم. به خاطر این به جبهه رفتند که در راه زمینه‌سازی برای رابطه با آمریکا شهید شوند؟! این بزرگواران شهید برای غارتگران بیت‌المال به جبهه رفته‌اند؟! این‌ها به جبهه رفته بودند که شما نظریات پوسیده کارل پوپر را به کار ببرید و دشمنان تابلودار اسلام را مطرح کنید؟!!

مدیرمسئول **کیهان** سپس درباره متن شکایت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان اظهار داشت: شاکی با اشاره به سخنان آقای صفار هرندی، معاون مدیرمسئول و عضو شورای سردبیری روزنامه **کیهان** در گردهمایی بزرگ طلاب و بسیجیان استان زنجان ادعا کرده است که روزنامه **کیهان** اولاً: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان را به "کودتا علیه بخشی از نظام" متهم کرده است. ثانیاً: این انجمن اسلامی را با شاخه دانشجویی سازمان مجاهدین خلق! (منافقین) مقایسه کرده و ثالثاً: این انجمن اسلامی را با عنوان "منافقین" مورد خطاب قرار داده است!

حال آنکه آقای هرندی چنین گفته است: «در اوایل انقلاب نیز عده‌ای با انجام عملی مشابه از نیروهای مسجدی و مسلمان دانشگاه جدا شدند و به جای "انجمن اسلامی دانشجویان"، "انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان" تشکیل دادند و بعدها به عنوان «شاخه دانشجویی سازمان مجاهدین خلق» (منافقین) با نظام اسلامی جنگیدند.

به این ترتیب روشن است که اولاً: انجمن اسلامی یاد شده با عنوان منافق مورد خطاب قرار نگرفته و ادعای شاکی در این باره، واهی و بی‌اساس است و ثانیاً: در این نوشته، با اشاره به حرکت منافقین در اولین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، که قید "اسلامی" را از نام انجمن اسلامی دانشجویی حذف کرده بودند، نسبت به عواقب این حرکت خطرناک هشدار داده شده و بدیهی است که این هشدار نمی‌تواند به معنای مقایسه تلقی شود و از سوی دیگر مقایسه دو "پدیده" با یکدیگر به مفهوم یکسان دانستن آن‌ها نمی‌باشد.

شریعتمداری افزود: در آن هنگام، انجمن‌های اسلامی به این دلیل قید "اسلامی" را برای خود برگزیدند که تأکید کنند مشی انجمن، اسلامی است. منافقین در مقابل می‌گفتند که انجمن دانشجویان مسلمان داشته باشیم یعنی مشی ضرورت ندارد که اسلامی باشد و تنها همین اندازه ضرورت دارد افرادی که در آن‌جا جمع شوند مسلمان باشند. عین همین دعوا در زمان رفراندوم جمهوری اسلامی هم وجود داشت. شما عزیزان خاطرتان هست من به این دوستان تأکید می‌کنم که حتماً بروند مسائل آن موقع را ببینند. بنابراین، این موضوع یک مسأله دامنه‌دار است و برای اولین بار نیست که مطرح می‌شود و اتفاقاً هشدار که معاون مدیرمسئول **کیهان** داده هشدار به جایی بوده است و متأسفانه برخلاف ادعای آقایان، این کار بسیار زشت انجام شد.

در این جا رئیس دادگاه پرسید آیا مستندی در اختیار دارید که کلمه "اسلامی" از عنوان انجمن اسلامی دانشگاه زنجان حذف شده باشد؟ مدیرمسئول **کیهان** نیز نسخه‌ای از اساستنامه جدید انجمن که قید اسلامی از نام انجمن مذکور حذف شده را به دادگاه و هیأت منصفه تقدیم کرد.

شریعتمداری گفت: درباره بخش اول این شکوائیه باید به استحضار ریاست محترم دادگاه و

اعضای محترم هیأت منصفه برسانم که آنچه معاون مدیرمسئول روزنامه کیهان پیرامون حذف قید اسلامی از نام انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان بیان کرده، متأسفانه واقعیت دارد و این رخداد تلخ و ناگوار اتفاق افتاده است. اگرچه بعد از درج این خبر در کیهان که با انگیزه و قصد آگاه کردن سایر دانشجویان مسلمان از توطئه‌ای که علیه آنان طراحی شده بود، صورت پذیرفت. عاملان توطئه با دستپاچگی به فکر سرپوش نهادن بر این واقعه تلخ افتاده‌اند که احتمالاً شکایت از روزنامه کیهان را می‌توان بخشی از این واکنش شتاب‌زده - و البته بی‌ثمر - تلقی کرد.

و اکنون به شرح مختصر این ماجرا می‌پردازم.

در اردیبهشت ماه سال جاری (۱۳۷۸)، جلسهٔ مجمع عمومی انجمن اسلامی با هدف تغییر اساسنامه برگزار می‌شود. نکته درخور توجه این‌که، مسؤولان این انجمن اسلامی، ضمن جوابیه‌ای که برای درج به کیهان فرستادند و در روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۵ به چاپ رسیده است، اعتراف کرده‌اند به این نکته که در مجمع عمومی به تمامی دانشجویان، از جمله دانشجویان غیرعضو انجمن اسلامی نیز اجازه حضور و حق رأی داده شد. حال آنکه مطابق بند الف از فصل چهارم اساسنامه انجمن اسلامی، فقط اعضا و همکاران انجمن اسلامی حق شرکت در جلسات مجمع عمومی را داشته‌اند و تبصراً یک از بند سوم همین اساسنامه نیز در تعریف "همکار" تصریح می‌کند که همکار به دانشجویانی اطلاق می‌گردد که صرفاً در فعالیت‌های انجمن اسلامی شرکت کرده و در مجمع عمومی شرکت می‌کنند و واحد تشکیلات می‌تواند از میان افراد همکار عضوگیری نماید. بنابراین، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دعوت انجمن اسلامی مورد اشاره از کلیه دانشجویان غیرعضو و بدون هیچ محدودیت برای شرکت در مجمع عمومی و مخصوصاً دادن حق رأی به آنان، برخلاف اساسنامه بوده است و البته با توضیحاتی که ارائه خواهیم کرد، معلوم می‌شود این تخلف با هدف زمینه‌چینی برای توطئه‌ای بوده است که به آن اشاره می‌کنم.

بعد از تشکیل جلسهٔ مجمع عمومی، تعدادی از افراد حاضر در جلسه، پیشنهاد حذف پسوند اسلامی از انجمن اسلامی دانشجویان را ارائه می‌دهند که با مخالفت شدید بسیاری از دانشجویان عضو و همکاران انجمن اسلامی یاد شده روبه‌رو می‌شود و این عده به‌عنوان اعتراض جلسهٔ مجمع عمومی را ترک می‌کنند ولی طراحان نقشه‌ای که به آن اشاره شد، با حضور بقیه افراد که بسیاری از آنان، دانشجویان غیرعضو بوده و به تصریح مسؤولان انجمن اسلامی، بدون هیچ محدودیتی و با حق رأی به جلسهٔ مجمع عمومی دعوت شده بودند، علی‌رغم مخالفت دانشجویان مورد اشاره که با اعتراض جلسه را ترک کرده بودند، جلسهٔ مجمع عمومی را ادامه می‌دهند و علاوه بر حذف پسوند "اسلامی" از دنباله نام انجمن اسلامی دانشجویان - در مادهٔ یک از فصل اول اساسنامه - بسیاری از

خواسته‌ها و پیشنهادات غیراصولی دیگر خود را نیز به تصویب می‌رسانند.

مدیرمسئول کیهان سپس گفت: اکنون، نظر ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه را به تغییری که در مادهٔ یک از فصل اول اساسنامه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان، صورت پذیرفته و به‌عنوان تبصره در ذیل مادهٔ مذکور از اساسنامه جدید آمده است، جلب می‌کنم؛ در این تبصره که مربوط به نام انجمن می‌باشد، آمده است: «تبصره: از این پس در این اساسنامه به «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان» به‌طور خلاصه «انجمن» گفته می‌شود».

ممکن است ادعا شود که انتخاب نام اختصاری و کوتاه برای نامیدن یک تشکیلات، امری متداول در تنظیم اساسنامه‌ها می‌باشد و به منظور اجتناب از تکرار نام‌های طولانی، انجام می‌پذیرد، ولی اسناد و دلایلی که ارائه خواهیم کرد، نشان می‌دهند که در این حرکت، حذف قید اسلامی مورد نظر بوده و تنظیم‌کنندگان اساسنامه جدید برای حذف این قید اصرار داشته‌اند. بنابراین از آنجا که این موضوع به یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های اسلامی و انقلابی مربوط می‌شود، از ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه استدعا دارم که از کنار این نکات به آسانی عبور نکرده و موضوع را با دقت مورد توجه قرار دهند.

۱. در اساسنامه قبلی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان نیز، همین روال، یعنی انتخاب نام اختصاری و کوتاه برای پیشگیری از تکرار نام طولانی، انجام پذیرفته بود و تنظیم‌کنندگان اساسنامه قبلی از یک‌سو با توجه به ضرورت انتخاب نام اختصاری و از سوی دیگر برای پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی نام اختصاری و کوتاه «انجمن اسلامی» را انتخاب کرده و در مادهٔ یک از فصل اول اساسنامه آورده بودند:

«مادهٔ یک - نام: نام این تشکیلات «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان» است که در این اساسنامه به اختصار «انجمن اسلامی» ذکر می‌گردد».

و اکنون سؤال این است که علی‌رغم رعایت این اختصار و انتخاب نام کوتاه «انجمن اسلامی» در اساسنامهٔ قبلی، تنظیم‌کنندگان اساسنامهٔ جدید چه اصراری برای حذف قید «اسلامی» از نام انجمن اسلامی داشته‌اند؟! زیرا، اگر مقصود آنان، تنها «اختصارگویی» بوده است که این «اختصار» در اساسنامه قبلی انجام پذیرفته بود، بنابراین اصرار آن‌ها برای تغییر این «نام اختصاری» و مخصوصاً حساسیتی که در حذف قید «اسلامی» از دنباله نام «انجمن اسلامی» داشته‌اند، نمی‌تواند عادی و تصادفی و بدون قصد سوء قبلی تلقی شود.

شریعتمداری افزود: بعد از ارائه پیشنهاد تغییر نام و حذف قید «اسلامی»، بسیاری از اعضای انجمن اسلامی و دانشجویان دیگری که با این انجمن اسلامی همکاری داشته‌اند، با این تصمیم به

شدت مخالفت می‌ورزند و پس از آنکه پیشنهاددهندگان به مخالفت آن‌ها توجهی نمی‌کنند، این عده به‌عنوان اعتراض جلسه مجمع عمومی را ترک می‌کنند و سؤال این است که اگر حذف‌کنندگان قید "اسلامی"، نسبت سوء و قصد توطئه‌ای نداشته‌اند، چرا علی‌رغم مخالفت شدید این عده و ایجاد تشنج در جلسه مجمع عمومی و حتی بعد از آن‌که بسیاری از اعضا و همکاران به‌عنوان اعتراض جلسه را ترک می‌کنند، باز هم طراحان این پیشنهاد، بر تصمیم خود اصرار ورزیده و نهایتاً با حذف قید "اسلامی" از نام "انجمن اسلامی"، مقصود خود را دنبال کرده و پیشنهاد خویش را به تصویب می‌رسانند؟! آیا ماجرای فوق به وضوح حکایت از آن ندارد که مسؤولان انجمن اسلامی یاد شده با یک نقشه از پیش طراحی شده در پی حذف قید "اسلامی" از نام انجمن اسلامی بوده‌اند؟

مدیرمسئول کیهان سپس با اشاره به تفاوت‌های دو اساسنامه جدید و پیشین انجمن گفت: دقیقاً در همین نقطه است که معلوم می‌شود انجمن اسلامی یاد شده با چه هدف و در پی کدام انگیزه، از دانشجویان غیرعضو و به قول خودشان - بدون هیچ محدودیتی - برای حضور در این جلسه دعوت کرده و به آنان حق رأی نیز داده بودند، چرا که، علی‌رغم مخالفت دانشجویان مسلمان و متعهد و عضو انجمن اسلامی و یا همکاران تعریف شده این تشکیلات، پیشنهاد حذف قید اسلامی به علت حضور غیرقانونی و همراه با حق رأی همین دانشجویان غیرعضو به تصویب رسیده است.

وی افزود: اما علاوه بر دلایل روشن و خالی از ابهامی که به آن‌ها اشاره کردم، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان در ادامه همان جلسه مجمع عمومی، برخی دیگر از مواد اساسنامه قبلی را نیز تغییر داده است که مقایسه مواد تغییر یافته با مواد قبلی اساسنامه، به وضوح نشان می‌دهد هدف از تغییرات مورد اشاره، کم‌رنگ کردن ابعاد اسلامی بوده است و این نکته نیز تردیدی باقی نمی‌گذارد که حذف قید "اسلامی" با انگیزه سوء به‌عنوان یک توطئه علیه "اسلامیت" انجمن‌های اسلامی دانشجویی صورت پذیرفته است.

برای استحضار ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه به نمونه‌هایی از این تغییرات و مقایسه آن‌ها با موارد مشابه در اساسنامه قبلی انجمن اسلامی یاد شده، اشاره می‌کنم که باز هم ببینیم که دوستان باز می‌گویند که چنین قصدی نداشته‌اند و می‌توانند این توطئه‌ای را که در شرف انجام بوده و به لطف خداوند با هوشیاری برخی از برادران انجمن‌های اسلامی در مقابل این کار ایستاده‌اند، انکار کنند؟

شریعتمداری گفت: در فصل ۲، مربوط به اصول حاکم بر تشکیلات در اساسنامه قبلی چنین آمده است: «ماده ۴. بند اول: اعتقاد به اسلام و التزام عملی به رعایت احکام و دستورات آن». در اساسنامه جدید، "قید التزام عملی به رعایت احکام و دستورات اسلامی" حذف شده و

به جای آن، در بند الف از ماده ۶ که درباره اصول کلی حاکم بر تشکیلات است، چنین آمده: «اعتقاد به دین اسلام به عنوان کامل ترین ادیان الهی». یعنی هیچ، یعنی یک چیز تثوریک، بنابراین همان گونه که ملاحظه می شود، با این تغییر، «رعایت احکام و دستورات اسلامی» از اصول حاکم بر تشکیلات اعتقاد و پیروی کامل از ولایت فقیه اعلام شده بود، حال آنکه در اساسنامه جدید، این بند نیز تغییر پیدا کرده و به جای آن آمده است: «پایبندی به اصل ولایت فقیه به عنوان رکن رکن نظام جمهوری اسلامی ایران»، یعنی «پیروی کامل از ولایت فقیه» که می تواند مسئولیت آور بوده و مانع از نفوذ غریبه‌ها به انجمن اسلامی باشد جای خود را به عبارت کلی و غیرقابل ارزیابی «پایبندی به اصل ولایت فقیه به عنوان رکن رکن نظام جمهوری اسلامی ایران» داده است.

همچنین در اساسنامه قبلی التزام به رعایت اخلاق اسلامی و از اصول حاکم بر انجمن ذکر شده، ولی در اساسنامه جدید، این اعتبار به «رعایت اخلاق پسندیده و احترام به ارزش‌های موجود در جامعه» تغییر یافته است. یعنی چه؟ این با روال انگلیسی‌ها چه تفاوتی دارد که معتقدند اگر یک روز همجنس‌بازی هم روال جامعه شد، قابل قبول است؟

شریعتمداری سپس به مواردی که در اساسنامه کنونی حذف شده پرداخت و گفت: در تبصره ۲ از ماده ۳ اساسنامه قبلی آمده بود: «اگر نماینده تام‌الاختیار ولی فقیه در امور دانشگاه‌ها تعیین شود بر انجمن اسلامی دانشگاه نظارت دارد».

و اما، در اساسنامه جدید این ماده و بند مربوطه به طور کلی حذف شده‌اند.

ه. در تبصره یک از ماده ۴ اساسنامه قبلی آمده بود: «ماده ۴. تبصره یک: تصمیمات انجمن اسلامی باید در راستای اسلام و همسو با خط ولایت فقیه که همان خط اصیل اسلام است، باشد». در اساسنامه جدید، این ماده و تبصره آن به طور کامل حذف شده است و تنظیم‌کنندگان اساسنامه که خبر کیهان درباره حذف قید «اسلامی» از نام انجمن اسلامی را تکذیب کرده و به همین علت از روزنامه کیهان شکایت کرده‌اند، در این بخش از اساسنامه با صراحت اعلام می‌کنند ضرورتی ندارد که تصمیمات انجمن اسلامی در راستای اسلام باشد! آیا ریاست محترم دادگاه و اعضای هیأت منصفه می‌توانند کم‌ترین تردیدی داشته باشند که حذف قید «اسلامی» و تغییرات همسو با حذف این قید، یک کودتای خرنده علیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و توطئه‌ای خیانت‌آمیز بوده است؟!!

ادامه دادگاه

در این جلسه مدیرمسئول کیهان به شکایت‌های استانداری قزوین، معاونت حقوقی ریاست

جمهوری، سازمان برنامه و بودجه و مهدی بهشتی پور پاسخ داد.

مدیرمسئول کیهان در پاسخ به شکایت نیکویی استاندار قزوین گفت: این خبر در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲ در ستون اخبار ویژه چاپ شده است. وی با قرائت متن خبر چاپ شده گفت: به طوری که ملاحظه می فرمایید متن خبر به طور کامل از سخنان استاندار قزوین استخراج و بدون دخل و تصرف در کیهان چاپ شد. استاندار محترم باید به جای تکذیب خبر، خودشان را تکذیب کنند تا با طرح بسیاری از شکایات ها نه وقت دادگاه گرفته شود نه بیت المال هدر رود و نه وقت حقیر.

شریعتمداری افزود: متن اظهارات استاندار قزوین توسط روابط عمومی استانداری قزوین طی دو نامه جداگانه به روزنامه و دفتر سرپرستی کیهان ارسال شده بنابراین شکایت ایشان جای پرداختن ندارد و به جهت ایراد اتهام به کیهان، خودشان باید تحت تعقیب نیز قرار گیرند که ما از آن می گذریم. مدیرمسئول کیهان افزود: تیتراژ "اسرائیل بی گناه است کار خودی هاست" از متن خبر ارسالی گرفته شده و کیهان دخل و تصرفی در آن نکرده است.

شریعتمداری در مورد شکایت معاونت حقوقی رئیس جمهوری و شکایت مشابه سازمان برنامه و بودجه در خصوص چاپ نامه ریاست جمهوری خطاب به ریاست سازمان مذکور گفت: یک بار دفتر ریاست جمهوری شکایت کردند بعد شکایت خود را پس گرفتند. حالا چطور معاونت حقوقی ریاست جمهوری شکایت کرده است، جای سؤال دارد!

رئیس دادگاه گفت: چون پس از گذشت دفتر ریاست جمهوری شکایت مشابهی از سوی سازمان برنامه و بودجه مطرح شده بود که شما بایستی از جنبه عمومی جرم دفاع کنید. مدیرمسئول کیهان در پاسخ گفت: اصلاً جرمی اتفاق نیفتاده بود که بخشش در کار باشد، اما من به آن می پردازم.

نامه ای که به صورت محرمانه از آن یاد شده بدون این که مهر محرمانه در آن باشد، در سطح استان به خصوص شهرستان خرم آباد در سطح وسیعی پخش شده است که شادی و هلهله مردم را در پی داشت. مردم در تقدیر از پی نوشت ریاست جمهوری طومارهایی تهیه و به مقامات مسئول نوشته اند. سؤال من این است درج نامه ای بدون مهر محرمانه در حالی که هزاران نسخه از آن قبل از چاپ در شهر پخش شده، مصداق انتشار سند محرمانه است!؟

طبق ماده ۵ از آئین نامه طرز نگهداری از اسناد دولتی ادعای دفتر ریاست جمهوری فاقد وجاهت قانونی است. ممکن است دوستان از آن تلقی محرمانه بودن کرده باشند، اما مهر محرمانه در آن نخورده است. براساس ماده ۴ همین آئین نامه چون نامه در سطح وسیعی پخش شده نمی تواند در عداد اسناد محرمانه باشد. از سوی دیگر عنصر مادی و معنوی جرم در این جا تحقق پیدا نکرده است.

آیا خبری که تولید خود روزنامه کیهان بوده است و در پی چاپ نامه اهالی خرم‌آباد در کیهان و پس از آن چاپ پی‌نوشت خبر از سوی ریاست جمهوری جرم محسوب می‌شود؟ آیا امیدوار کردن مردم به جدیت و پیگیری‌های ریاست جمهوری جای تقدیر دارد یا شکایت؟ بماند.

شریعتمداری با نشان دادن طومار مردم به اعضای هیأت منصفه و ریاست دادگاه گفت: چه کسی گفته است مردم دروغ می‌گویند؟ فقط سازمان برنامه و بودجه این ادعا را کرده. مردم‌گرایی و تساوی در برابر قانون یعنی این‌که ادعا کنیم مردم دروغ می‌گویند؟

شریعتمداری در مورد شکایت مهدی بهشتی‌پور مبنی بر هتک حرمت و نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر گفت: مطلبی که مورد شکایت ایشان قرار گرفته بخشی از پاورقی نیمه پنهان است که ایشان مورد خطاب نیستند و در حاشیه نامی از ایشان آورده شده است. فقط چهار خط آن هم به‌عنوان یک مطلب در پرتانتز به مناسبت دیگری در کنار نام عده‌ای به نام ایشان نیز اشاره شده است. آنچه که در این بخش آمده نامه وارده‌ای است از سوی افرادی که از نزدیک در جریان امور بودند، ما نامه را بررسی و اقدام به چاپ کردیم. ایشان هم می‌توانستند جوابیه‌ای به کیهان بفرستند و آن را تصحیح کنند. اتفاقاً تماس‌هایی نیز با ایشان گرفته شد، ولی ایشان اصرار به شکایت داشتند.

مدیرمسئول کیهان اضافه کرد: در مطلب اشاره‌ای به عضویت یا عدم عضویت ایشان در سندیکا نشده است. وی با اشاره به مطلبی که از قول بهشتی‌پور در روزنامه اطلاعات چاپ شده است، گفت: وی طی شش ماه در عضویت سندیکا بوده و در آن مسؤولیت‌هایی نیز داشته است.

و به نوشته بولتن شماره ۳۱ سندیکای نویسندگان و خبرنگاران وی در آن تاریخ رئیس شرکت تعاونی مسکن آن سندیکا بوده است و در روزنامه صهیونیستی آیندگان مورخ ۱۳۵۸/۱/۲۵ نیز به عضویت ایشان اشاره شده است.

شریعتمداری افزود: آقای بهشتی‌پور فرمودند که در کیهان به ایشان اتهام حیف و میل همراه با شرب و یسکی زده شده است. ادعای ایشان کذب محض است اگر وی بدیهی‌ترین قواعد مطبوعاتی و ابتدایی‌ترین مبادی دستور زبان را می‌دانستند حتماً متوجه می‌شدند که این بحث به‌هیچ‌وجه مربوط به ایشان نبوده است. ما به سن و موی سفید ایشان احترام می‌گذاریم و به گذشته‌ها نمی‌پردازیم و با اشاره‌ای مختصر به گذشته‌ها اسناد و عکس‌های مربوطه تقدیم دادگاه می‌شود.

آخرین جلسه دادگاه^۱

در ادامه جلسه دادگاه مطبوعات، به شکایت لطیف صفری مدیرمسئول و حمیدرضا جلالی‌پور

۱. جلسه دادگاه به نقل از روزنامه کیهان.

رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه توقیف شده نشاط پرداخته شد.

حسین شریعتمداری با ذکر این نکته که طرح شکایت توسط نامبرده در جلسه قبل متضمن فحاشی، دروغ‌پراکنی و به‌کارگیری الفاظ رکیک و خارج از نزاکت بوده، گفت: آقای جلائی پور ادعا کردند که ایشان و سایر دست‌اندرکاران روزنامه‌های زنجیره‌ای به دو علت از این‌جانب شکایت کرده‌اند و در توضیح این دو علت گفتند که علت اول؛ «تقاضای مستمر کارکنان روزنامه‌های مزبور» و علت دوم؛ «تعلق کیهان به اموال عمومی» بوده است.

در این بند به علت اول که به ادعای آقای جلائی پور، «تقاضای مستمر کارکنان روزنامه‌های تحت مالکیت ایشان بوده است» پرداخته و سؤال می‌کنم: اولاً؛ باتوجه به دروغ‌پراکنی‌های فراوان ایشان که در پاسخ به شکوائیه روزنامه نشاط به آن‌ها خواهم پرداخت، از کجا معلوم که این ادعا نیز یکی دیگر از همان دروغ‌های فراوان نباشد؟! ثانیاً؛ منظور آقای جلائی پور، کدام بخش از کارکنان روزنامه‌های زنجیره‌ای است؟ آیا منظور ایشان، آقای «ع.ف» می‌باشد؟ یعنی همان فردی که در شناسنامه روزنامه‌های تحت مالکیت ایشان، به‌عنوان یکی از دست‌اندرکاران این روزنامه‌ها معرفی شده است؟!؟

اگر چنین است، نظر ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه را به سند شماره ۳۶ از جلد ۲۸ و سند شماره ۷۰ از جلد ۱۲ کتاب‌های اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلب می‌کنم و از آقای جلائی پور می‌پرسم؛ آیا انتظار دارید کسی که مشاور نزدیک سفارت سابق آمریکا در ایران بوده است، از مواضع روزنامه کیهان خشنود باشد؟!؟

... و اگر منظور آقای جلائی پور، آقای «الف.ن» باشد! که از دادگاه درخواست می‌کنم به پرونده و سوابق این شخص مراجعه فرمایند تا برای ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه کم‌ترین تردیدی باقی نماند که اگر افرادی نظیر او، درخواست شکایت از کیهان را نداشته باشند، بنده و سایر همکارانم در روزنامه کیهان، بایستی به خاطر خشنودی این‌گونه افراد از کیهان، شرم‌منده و سرافکنده باشیم!! و اگر ریاست محترم دادگاه فرصت استعلام درباره سوابق این شخص را ندارند، پیشنهاد می‌کنم که حداقل به نظر وزیر کنونی ارشاد درباره این فرد مراجعه فرمایند که طی مقاله‌ای در ستون «نقد حال» روزنامه اطلاعات مورخ ۳۰ مرداد ۱۳۶۹ عملکرد این آقا را با عملکرد اعضای گروهک تروریستی پیکار یکسان دانسته و درباره او نوشته بود: «ظاهراً آنانی که انتظار می‌رفته است، قاتق نان شوند، قاتل جان شده‌اند. بچه مسلمان‌هایی که با انقلاب آمده‌اند و با هنر و سینما و... آشنا شده‌اند، روی هنرمندان و نویسندگان پیش از انقلاب را که مدعی اندیشه و گرایش مذهبی نبوده‌اند و بعضاً عنادی نیز با مذهب نداشته‌اند، سپید کرده‌اند. پیکاری‌ها برای این‌که نشان دهند به‌خوبی از

مذهب بریده‌اند، همواره می‌کوشیدند به هر بهانه و مناسبتی جدایی و کینه خود را نسبت به اسلام نشان دهند».

مدیرمسئول کیهان گفت: اگرچه در سال ۱۳۷۸، همین آقا از دست وزیر محترم ارشاد جایزه می‌گیرد و از هم‌اکنون نیز به‌عنوان داور، در یکی از کمیته‌های جشنواره مطبوعات سال ۱۳۷۹ انتخاب شده است. معلوم نیست ایشان تغییر کرده است یا وزیر محترم ارشاد؟!... به هر حال، بر حضارگرایی پوشیده نیست که اگر وزیر محترم ارشاد، وجود سر این حقیر را که باگردنی نازک به بدن پیوسته است، زیادی ندانند، حداقل دل چندان خوشی هم از آن ندارند. بنابراین در جهت گواهی ایشان کم‌ترین شائبه حمایت از بنده وجود نخواهد داشت.

و اما، اگر منظور آقای جلالی‌پور، از کارکنان روزنامه‌های زنجیره‌ای، افرادی نظیر آقای مسعود بهنود باشد، که ایشان برای مخالفت با کیهان نیازی به درخواست از آقای حمیدرضا جلالی‌پور ندارند. البته، اگرچه حضور آقای بهنود در عرصه مطبوعات را با توجه به سوابق نامبرده، خیانت به انقلاب می‌دانم، ولی نمی‌توانم این واقعیت را انکار کنم که مسعود بهنود، هرچه هست، به قول بر و بچه‌های روزنامه‌نگار، در عالم روزنامه‌نگاری، "بچه ننه" نیست.

و اما، اگر مقصود آقای جلالی‌پور اشخاصی نظیر آقای حسین باقرزاده، نویسنده مقاله اهانت‌آمیز علیه احکام قرآنی باشد که باید عرض کنم، مگر ایشان، انتظار دارند که اعضای گروهک منافقین از کیهان دل خوشی داشته باشند؟! و باز هم، اگر منظور آقایان از همکاران روزنامه‌های زنجیره‌ای، آقای پرویز شهناز باشد که خبرنگار رادیو ضدانقلابی ۲۴ ساعته لس‌آنجلس است، یک رادیوی ضدانقلابی فارسی‌زبان که به اعتراف خودشان، با حمایت مالی صهیونیست‌های فراری و اشرف پهلوی اداره می‌شود. این آقا، مصاحبه معروف با ژیسکار دستن، رئیس‌جمهور سابق فرانسه را انجام داده و در آن، به دروغ از قول ژیسکار دستن آورده بود که حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه بعد از ورود به پاریس از دولت فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی کرده‌اند!! روزنامه توس این مصاحبه را تحت‌عنوان گفت‌وگوی خبرنگار خود با رئیس‌جمهور سابق فرانسه به چاپ رسانده بود.

و اکنون سؤال این است که اگر مقصود آقایان از همکارانشان، افرادی نظیر همین خبرنگار مشترک روزنامه‌های زنجیره‌ای و آن رادیوی صهیونیستی باشد، ناگفته معلوم است که این افراد انگیزه فراوانی برای طرح شکایت علیه کیهان دارند و با اظهارات آقای جلالی‌پور مشخص می‌شود که چه کسانی گردانندگان روزنامه‌های زنجیره‌ای را به طرح شکایت علیه کیهان وادار کرده‌اند!!

ولی عجیب آنکه آقایان باز هم حضور عوامل بیگانه در مدیریت پشت صحنه این روزنامه‌های زنجیره‌ای و برخی دیگر از روزنامه‌های اجاره‌ای را انکار می‌کنند.

وی گفت: و اما، شاید منظور آقایان از همکارانشان در روزنامه‌های زنجیره‌ای، آقای فرهاد بهبهانی باشد که ابتدا نظر ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه را به مصاحبه ایشان که در ماهنامه بیان شماره ۴ مورخ شهریورماه ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است، جلب می‌کنم. آقای فرهاد بهبهانی که از اعضای جمعیت غیرقانونی دفاع از آزادی! بوده است و هم‌اکنون از همکاران روزنامه‌های زنجیره‌ای است در مصاحبه یاد شده با صراحت به خیانت‌ها و همکاری خود و برخی دیگر از اعضای نهضت آزادی و جمعیت غیرقانونی دفاع از آزادی با سازمان سیا و اسرائیل اعتراف کرده و تأکید می‌کند که «همه ما در جمعیت در دو مقوله مشترک و متفق‌النظر بودیم، یکی مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران، دوم، یک نوع همبستگی شدید روحی و فکری از جانب ما، نسبت به آمریکا». همین شخص در مصاحبه مزبور اعتراف می‌کند که چگونه در جریان دفاع مقدس به نفع عراق دست به تبلیغات می‌زد، و از این ماجرا پرده برمی‌دارد که برای تضعیف جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ با عراق، شایعه خرید اسلحه از اسرائیل توسط ایران را به کمک دوستان نهضتی خود، پخش کرده و از طریق ارتباطی که با رادیوهای بیگانه داشتند، این شایعه را دامن زده‌اند!!

حسین شریعتمداری افزود: از جمله همکاران دیگر روزنامه‌های یاد شده، آقای دکتر حبیب‌الله پیمان است که در سالهای اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در پوشش شعارهای فریبنده ضدامپریالیستی، سعی در جذب جوانان کم سن و سال را داشت و در همان حال دشمنان امپریالیسم نظیر شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید باهنر و امثال آن‌ها را به ارتجاعی بودن متهم می‌کرد و از این طریق جوانان کم سن و سال و بی‌تجربه این مرز و بوم را فریب داده و به چنبره فریب منافقین فرستاد و امروز، با چرخش یک‌صد و هشتاد درجه‌ای از دوستی با امپریالیسم سخن می‌گوید و معلوم نیست چه کسی و کدام مرجع قانونی باید ایشان را به اتهام مشارکت در طرح فریب جوانان و سر بازگیری برای منافقین و سایر گروه‌های تروریست، تحت تعقیب و مجازات قرار دهد؟

... و درباره یکی دیگر از همکاران این روزنامه‌ها بایستی از آقای رامین جهاننگلو یاد کرد. گردانندگان روزنامه‌های زنجیره‌ای به خوبی می‌دانند که این شخص یکی از افراد بدسابقه و کینه‌توز علیه مردم و نظام اسلامی است و برای استحضار دادگاه، فقط به این نکته اشاره می‌کنم که آقای رامین جهاننگلو با امضای بیانیه‌ای در خارج از کشور، جمهوری اسلامی ایران را «نظام قرون وسطایی» نامیده است! و یا همکار دیگر این روزنامه‌ها، آقای داریوش شایگان است که یکی از مسؤولان دفتر رضا پهلوی، فرزند شاه معدوم بوده و مدتی نیز سردبیری نشریه ایران‌نامه، متعلق به اشرف پهلوی را برعهده داشته است.

شریعتمداری افزود: آیا باز هم دربارهٔ هویت همکاران روزنامه‌های زنجیره‌ای سخن بگویم؟ از «شیوا کاویانی»، عضو «بنیاد مطالعات ایران» در خارج از کشور که متعلق به اشرف پهلوی است؟ از «منوچهر آتشی» مسؤول ادارهٔ ممیزی ساواک؟! از هوشنگ وزیری، سردبیر هفته‌نامهٔ ضدانقلابی «کیهان لندن» و متعلق به اشرف پهلوی؟! از مهدی خانابا تهرانی، یکی از مارکسیست‌های ضدانقلاب و فراری مقیم خارج از کشور؟! ... باز هم بگویم؟! ... و بالأخره، اگرچه دربارهٔ هویت گردانندگان و همکاران روزنامه‌های زنجیره‌ای گفتنی‌های بسیاری وجود دارد، ولی از آن‌جا که «مشت نمونه خروار است» به همین اندازه بسنده می‌کنم.

وی با طرح این پرسش که «آیا گردانندگان روزنامه‌های یاد شده، با عملکردی که داشته‌اند و روی میرزا ملکم‌خان‌ها، افشارطوس‌ها، سرپاس مختاری‌ها، تیمسار نصیری‌ها و ارتشبد ازهاری‌ها را سفید کرده‌اند، باز هم جرأت می‌کنند که از جامعهٔ مدنی سخن بگویند؟!»

مدیرمسئول «کیهان» در بخش دیگری از دفاعیات خود به این بخش از اظهارات جلالی‌پور که گفته بود «کیهان» متعلق به اموال عمومی است پرداخت و گفت: آقای جلالی‌پور پیرامون یکی دیگر از انگیزه‌های شکایت روزنامهٔ «نشاط» علیه «کیهان»، اظهار داشت که ایشان احتمالاً از باب امر به معروف و نهی از منکر درصدد شکایت از «کیهان» برآمده‌اند تا روزنامهٔ «کیهان» از پرداختن به مسائلی که گردانندگان روزنامهٔ «نشاط» نمی‌پسندند، خودداری کند!

شریعتمداری با اشاره به این‌که مؤسسه «کیهان» از هیچ بودجه دولتی استفاده نمی‌کند و به صورت یک شرکت خصوصی اداره می‌شود، گفت: اگر منظور گردانندگان روزنامه‌های زنجیره‌ای، استفاده «کیهان» از بودجه دولت باشد، که این ادعا، بی‌پایه و اساس است و متأسفانه بودجه دولت، چه در دولت قبلی و چه در دولت کنونی، توسط برخی از مجموعه‌ها مصرف شده و می‌شود که در دفاع از نظام مظلوم و مردم محروم این دیار، بی‌خاصیت‌ترین و بی‌مصرف‌ترین مجموعه‌ها هستند که شرح این قصه پرغصه را به وقت دیگری می‌گذارم و این درد را پنهان می‌دارم که خانواده‌هایی در میان همین مردم، برای تهیه یک کیلو گوشت به خجالت زن و فرزند گرفتارند و هنگامی که پای یکی از اهل خانواده به بیمارستان و دارو و دکتر کشیده می‌شود، تمامی اهل خانه عزا می‌گیرند و چون اول مهر فرا می‌رسد، غم عالم به دل آنان می‌نشیند که چگونه از عهده هزینه تحصیل و مخارج ثبت‌نام فرزندان خود برآیند؟ و در همان حال روزنامه‌های زنجیره‌ای که از کیسه این ملت مظلوم ارتزاق می‌کنند و شماری از مطبوعات دولتی که از بودجه همین مردم محروم اداره می‌شوند، با بی‌خیالی برای دشمنان مردم و کسانی که دست‌هایی آلوده به خون جوانان این مرز و بوم دارند جا باز می‌کنند و دربارهٔ قرائت جان‌لاک از جامعهٔ مدنی و یا دیدگاه ژان ژاک روسو دربارهٔ قراردادهای اجتماعی

وفلان روشنفکر در قرن گذشته اروپایی به بحث‌های بی حاصل می‌پردازند و عجیب آنکه، این پلشتی را توسعه سیاسی هم می‌نامند!! و...

شریعتمداری درباره اظهارات حمیدرضا جلائی‌پور که خود را به خانواده معظم شهدا منتسب کرده بود اظهار داشت: مسؤول شورای سیاست‌گذاری روزنامه‌های زنجیره‌ای در سخنرانی غیرقانونی خود از انتساب خویش به خانواده معظم شهدا سخن گفتند. باید عرض کنم، ضمن آنکه خانواده شهدا عزیز و گران قدر هستند و بر همه مردم حق غیرقابل انکاری دارند، ولی شهدا با کسانی که به راه آنان پشت کرده‌اند نه فقط کم‌ترین قربتی ندارند، بلکه از آن‌ها متنفر و بیزار هم می‌باشند و مخصوصاً اگر کسانی که از شهدای بزرگوار، استفاده ابزاری می‌کنند، جزو خانواده عزیز شهدا باشند، گناهی مضاعف مرتکب شده‌اند، یک بار به دلیل پشت کردن به خون شهیدان و بار دیگر به خاطر بی‌حرمتی به حق خانوادگی آنان.

وی در ادامه این مطلب گفت: باید از آقای جلائی‌پور پرسید که آیا برادران بزرگوار شما به خاطر آن شهید شدند که شما در روزنامه تحت مالکیت خود به امام شهدا تهمت درخواست پناهندگی از فرانسه را بزنید؟ و یا برای کسی که با صراحت به همکاری با ارتش بعث عراق اعتراف کرده جا باز کنید؟ و یا به مشاور سفیر سابق آمریکا در روزنامه خود پست مدیریت بدهید؟ و یا منافقینی که برای به شهادت رساندن برادرانتان با ارتش عراق همکاری می‌کردند را به کار دعوت کنید و از قلم آنان به احکام الهی اهانت روا دارید؟!... آقایان! خودتان قضاوت کنید که آیا به شهدا نزدیک تر هستید یا به قاتلان آن‌ها؟!

مدیرمسئول کیهان درباره ادعای جلائی‌پور که گفته بود روزنامه کیهان عده‌ای از خانم‌های وابسته به خانواده شهدا را همراه با خبرنگار خود به منزل مادر ایشان فرستاده و از سخنان مادر گرامی وی علیه آقای جلائی‌پور استفاده کرده است گفت: ظاهراً آقای جلائی‌پور عمداً فراموش کرده‌اند که جمعی از خانم‌های عضو خانواده محترم شهدا با این امید که شاید آقای جلائی‌پور به نصیحت مادر گرامی خود توجه کرده و دست از راهی که در پیش گرفته است، بردارد، با تعیین وقت قبلی و اجازه از مادر بزرگوار ایشان به دیدار وی رفته و در محیطی گرم و صمیمی به گفت‌وگو با ایشان پرداخته بودند و حاصل این گفت‌وگو که تأکید آن مادر گران‌قدر بر راه فرزندان شهیدش بوده است را به صورت نوشته‌ای همراه با نوار مربوطه برای روزنامه‌ها فرستاده بودند و در آن میان، فقط روزنامه کیهان بخش‌هایی از آن گفت‌وگوی صمیمی و ارزشمند را درج کرد. فردای آن روز آقای حمیدرضا جلائی‌پور با کیهان تماس گرفته و به درج این مطلب اعتراض کرد. به ایشان گفته شد؛ آیا حضرت عالی، تأکید مادر گرامی‌تان بر راه فرزندان شهیدش را انکار می‌فرمایید؟ و یا حضور خانواده

شهدا در منزل آن مادر بزرگوار را نفی می‌کنید؟ ایشان با عصبانیتی که نمونه آن را در جلسه قبلی دادگاه شاهد بودید، پاسخ داد که اساساً به درج سخنان او در روزنامه اعتراض دارم. به ایشان گفته شد، ولی مادر حضرت عالی، برای اظهار نظر نیازی به اجازه شما ندارد و این شما هستید که به اجازه او نیاز دارید. ولی آقای جلایی پور باز هم بر ادعای غیرمنطقی خود اصرار ورزید. به ایشان گفته شد، اجازه بدهید یکی از خبرنگاران ما به منزل آن مادر گرامی مراجعه کرده و نظر خود ایشان را جویا شود، که آقای حمیدرضا جلایی پور درحالی که دستپاچه شده بود، گفت: من خودم سخنگوی مادرم هستم. به او پیشنهاد کردیم که اجازه بدهید همین سخن را از مادر گرامی تان بشنویم و او درحالی که به شدت عصبانی بود، همان سخن غیرمنطقی قبلی را تکرار کرده و تماس را قطع کرد. و اما، اکنون سؤال من از آقای جلایی پور، همان سؤال چند سال قبل است و آن، این که؛ بالأخره علت عصبانیت شما از تأکید مادر گرامی تان بر ادامه راه فرزندان شهیدش چیست؟! و با استناد به کدام سند و دلیل و یا شاهد و قرینه، ادعا می‌کنید که بنده خانواده شهدا را به منزل ایشان فرستاده‌ام؟

مدیرمسئول کیهان در ادامه همین مطلب یادآور شد: آنچه در روزنامه کیهان درج شده، سندگویا و غیرقابل تردیدی برای اثبات صحت گفتار ماست ولی آقای جلایی پور چه دلیلی برای اثبات ادعای دروغ خویش دارند؟! و از سوی دیگر، آیا اثبات دروغگویی‌ها و سایر ادعاهای کذب گردانندگان روزنامه‌های زنجیره‌ای، نمی‌تواند نشانه قابل تکیه‌ای برای اثبات دروغ بودن ادعای اخیر ایشان باشد؟!!

شریعتمداری آن‌گاه به دفاع از شکایت‌های مکتوب هفده‌گانه لطیف صفری و جلایی پور اشاره کرد و گفت: یکی از شکایت‌ها مربوط به مطلبی در صفحه نیمه پنهان است که هیچ نامی از این دو نفر در آن برده نشده، بلکه به سوابق افرادی مثل لطف‌الله محاد (سرمایه‌دار معروف صهیونیست)، اردشیر زاهدی (سفیر شاه در آمریکا)، داریوش همایون (وزیر جهانگردی رژیم شاه و عامل درج مقاله موهن علیه امام خمینی(ره)) پرداخته شد. من نمی‌دانم که آقایان صفری و جلایی پور کدام قسمت از این نوشته را با روزنامه نشاط مربوط دانسته‌اند که از ما شکایت کرده‌اند؟

شریعتمداری با اشاره به شکایت دیگری که به خاطر درج خبر ویژه در کیهان ۱۳۷۸/۵/۱۸ مطرح شده گفت: در این خبر، بدون ذکر نام روزنامه نشاط به واکنش و ابراز نگرانی این روزنامه در مقابل اظهار نظر چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با کیهان مصاحبه کرده بودند، اشاره شده است. نمایندگان یاد شده با اشاره به حمله برخی از روزنامه‌ها، از جمله روزنامه نشاط به سپاه و القای بی‌کفایتی آقای دری نجف‌آبادی وزیر سابق اطلاعات، درباره قتل‌های مشکوک و سپس مقایسه این نوشته‌ها با اعترافات بانده سعید امامی که قصد داشتند قتل‌های مزبور را به سپاه و یا آقای

دری نجف‌آبادی نسبت بدهند، نتیجه گرفته بودند که این همسویی میان روزنامه نشاط و عاملان قتل‌ها، قابل توجه بوده و درخور پیگیری می‌باشد.

اکنون باید پرسید که مگر روزنامه نشاط و روزنامه‌های همسو با آن، مقالات متعدد و فراوانی، علیه سپاه و آقای دری نجف‌آبادی درج نکرده بودند؟ و مگر در این مقاله‌ها و یادداشت‌ها، به سپاه و آقای دری نجف‌آبادی حمله نکرده بودند؟ به یقین گردانندگان روزنامه نشاط نمی‌توانند درج این مقالات را انکار کنند و اما از سوی دیگر، و به امید آن روز می‌نشینیم.

ب. شاید گردانندگان روزنامه نشاط به این بخش از خبر فوق‌الذکر اعتراض دارند که در آن از روزنامه نشاط - البته بدون ذکر نام - با عنوان روزنامه نزدیک به «گروهک نهضت آزادی» یاد شده است که در این باره بعید می‌دانم، آقایان لطیف صفری و حمیدرضا جلابی پور قادر به انکار این واقعیت باشند؟ مگر عوامل تابلودار نهضت آزادی از چهره‌های خبری این روزنامه نبوده‌اند؟ مگر بسیاری از مطالب روزنامه نشاط به درج خیر، انجام مصاحبه و انعکاس بیانه‌های این گروهک غیرقانونی اختصاص نداشته است؟ اگر این واقعیت‌ها، قابل انکار نیست - که نیست - اعتراض آقایان برای چیست؟! مگر مواضع روزنامه‌های جامعه و توس و نشاط که تمامی آن‌ها توسط همین گروه واحد اداره می‌شدند، در بسیاری از موارد به‌طور کامل و بدون کم و کاست با مواضع گروهک نهضت آزادی همخوان نبوده است؟

مدیرمسئول کیهان به روش برخورد مطبوعاتی روزنامه‌های زنجیره‌ای اشاره کرد و افزود: روزنامه نشاط در واکنش خصمانه نسبت به صداقت کیهان در اطلاع‌رسانی به روش همیشگی خود با بی‌نزاکتی از روزنامه کیهان به خاطر درج اظهارات نمایندگان محترم مجلس، با عنوان «بی‌حیا» یاد کرده بود که از اهانت آنان به کیهان بدون کم‌ترین دغدغه‌ای عبور می‌کنم، ولی برای ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه، این نکته درخور توجه است که گردانندگان روزنامه نشاط، چگونه ابتدایی‌ترین اصول اخلاقی را به راحتی زیر پا می‌گذارند و در همان حال دیگران را به خاطر حق‌گویی و حق‌طلبی به باد تهمت و ناسزا می‌گیرند؟!

مدیرمسئول کیهان سپس به چند شکایت دیگر مطرح شده پرداخت و آن‌ها را فاقد وجاهت قانونی دانست.

وی گفت: یکی از شکایات مربوط به طنز منتشر شده در ستون گفت‌و شنود کیهان درباره انتشار عکس کلینتون در حال بوسیدن لب‌های سگش در روزنامه نشاط بود که صفری و جلابی پور آن را اهانت تلقی کرده بودند.

عکس رنگی سگ کلینتون درحالی که رئیس‌جمهور آمریکا بر پوزه سگ خود بوسه می‌زند، در

صفحه اول روزنامه نشاط چاپ شده بود، بنابراین عنصر خبری طنز فوق‌الذکر، صحت دارد و بخش بعدی آن نیز که شامل لطیفه پایانی خبر است، جرم تلقی نمی‌شود. یادآور می‌شود در ستون طنز آمده بود که چاپ این عکس به خاطر آن بوده که روزنامه مزبور قصد داشته دهان طرفداران رابطه با آمریکا را آب بیندازد!

مدیرمسئول کیهان گفت: مدتی پیش در یکی از روزنامه‌ها، کاریکاتور اهانت‌آمیزی علیه آیت‌الله مصباح‌یزدی چاپ شده بود که هیچ طنزپرداز و کاریکاتوریست حرفه‌ای و صاحب‌اندیشه‌ای آن را تأیید نمی‌کند، ولی همین آقایان اکنون از طنز ستون‌گفت‌وشنود کیهان شکایت کرده‌اند و حال آنکه طنزهای کیهان کاملاً مستند به اخبار واقعی است و نتیجه‌گیری پایانی آن نیز منطقی می‌باشد. وی افزود: بعد از چاپ کاریکاتور موهنی که به آن اشاره کردم و در آن نه فقط آقای مصباح، بلکه ارزش‌های دینی مردم به تمسخر گرفته شده بود، با هیاهو و جار و جنجال، چاپ آن کاریکاتور موهن را از مصادیق آزادی بیان معرفی کردند! البته، به اعتقاد بنده، گناه اصلی متوجه کسانی است که از این کاریکاتوریست‌ها و سایر جوانان کم‌تجربه و معمولاً بی‌خبر و احساساتی به نفع مقاصد شوم خود سوءاستفاده می‌کنند و به یقین بعد از سوءاستفاده و پایان بهره‌برداری، بدون کم‌ترین احساس مسؤولیتی آن‌ها را به حال خود رها می‌کنند.

شریعتمداری همچنین با اشاره به شکایتی که جلائی‌پور آن را از صفحه ۴ کیهان نقل کرده گفت: صفحه ۴ روزنامه کیهان به آگهی‌های ترحیم و تسلیت اختصاص دارد و فقط آگهی‌های تسلیت، مجالس ترحیم، شب هفت و اخبار مربوط به مراسم تشییع جنازه و امثال آن‌ها در آن درج می‌شود. بنابراین برای این‌جانب مشخص نیست که موضوع شکایت آقایان چیست؟! آیا فی‌المثل شکایت دارند که چرا فلان شخص در فلان تاریخ فوت کرده و یا چرا مراسم ختم فلان شخص به جای فلان مسجد در بهمان مسجد برپا گردیده؟!

مدیرمسئول کیهان سپس به شکایت جلائی‌پور که ارتباط خود با باقرزاده (نویسنده مقاله علیه حکم قصاص) را تنها اتهامی از سوی کیهان دانسته بود پرداخت و گفت: آقای حمیدرضا جلائی‌پور نمی‌تواند همکاری نویسنده مقاله اهانت‌آمیز علیه حکم قصاص را با روزنامه نشاط انکار کند. چرا که در خبر کیهان، به چند نمونه از مقالات شخص یاد شده در روزنامه نشاط اشاره شد و تعجب‌آور است که چگونه گردانندگان روزنامه نشاط علی‌رغم آنکه تمامی شماره‌هایی که مقاله باقرزاده در آن‌ها چاپ گردیده موجود است، باز هم آن را انکار می‌کنند. البته انکار بدیهیات و موارد مستند، برای شناسایی شخصیت این آقایان ضروری است و نشان می‌دهد که آن‌ها از ابتدایی‌ترین پایبندی به قول و گفته و نوشته خودشان هم سرباز می‌زنند و تازه با این حال و روز اسفناک که بیش‌تر خنده‌دار است تا تعجب‌آور، ادعای اصلاح‌طلبی هم دارند!!

وی افزود: دکارت، فیلسوف فرانسوی به شوخی گفت: تنها چیزی که در میان مردم به عدالت تقسیم شده "عقل" است و در اثبات نظر خود اضافه می‌کرد؛ برای این‌که هیچ‌کس از خدا عقل بیش‌تری از آنچه که دارد، درخواست نمی‌کند.

شریعتمداری در بخش پایانی دفاعیات خود اظهار داشت: سخنی با مسؤولان ذی‌ربط دارم و آن، این‌که آیا به نظر این عزیزان مسؤول، شرم‌آور نیست که گردانندگان روزنامه‌های زنجیره‌ای جامعه، توس، نشاط، عصر آزادگان، آفتاب امروز و اخبار اقتصاد، از یکسو، این روزنامه‌ها را به کانون فعالیت جاسوسان شناخته شده آمریکا، عوامل تابلودار "سیا"، وابستگان نشان‌دار رژیم اشغالگر قدس، مشاوران سفارت سابق آمریکا، اعضای گروهک‌های تروریستی منافقین و پیکار، اعضای ستون پنجم ارتش بعثی عراق در ایران و... که اسناد غیرقابل تردید آن را ارائه کردم، تبدیل کنند و از سوی دیگر، در مقابل اعتراض مستند روزنامه کیهان، مدیرمسئول این روزنامه را به دادگاه بکشند؟!

نظر هیأت منصفه

هیأت منصفه^۱ مدیرمسئول روزنامه کیهان را در خصوص ۷۰ مورد اتهامات مطرح شده مجرم ندانست. در نظر این هیأت آمده است:

۱. در خصوص شکایت غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران به شرح ۱۵ مورد و همچنین اعلام شکایت وکیل مدافع ایشان مسعود حائری به شرح ۳۱ مورد که در جلسه علنی دادگاه بیان گردید، اعضای هیأت منصفه پس از استماع مدافعات حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان، به اتفاق آرا مدیرمسئول روزنامه کیهان را مجرم ندانستند و لکن در خصوص لزوم رعایت نزاکت قلم و حفظ حرمت اشخاص به نامبرده تذکر داده شد.

۲. در خصوص شکایت دفتر تحکیم وحدت علیه مدیرمسئول روزنامه کیهان مبنی بر نشر اکاذیب پیرامون ارتباط برخی از انجمن‌های اسلامی با لیبرال‌های غرب‌زده و ارتباط دفتر تحکیم وحدت با گروه غیرقانونی نهضت آزادی اعضای هیأت منصفه پس از استماع شکایت نماینده دفتر تحکیم وحدت و دفاعیات مدیرمسئول روزنامه کیهان بر اساس مستندات پرونده با اکثریت آرا آقای حسین شریعتمداری را مجرم ندانسته و به اتفاق آرا نسبت به رعایت دقت در درج مستندات مطالب به وی تذکر دادند.

۳. اعضای هیأت منصفه پس از استماع شکایت محمدعلی هادی معاون کنسولی وزارت امور

۱. حبیب‌الله عسگرآلادی، ناصری صالح‌آبادی، احمد پورنجاتی، شعبان شهیدی، قاسم‌زاده، واحدی، صدیقه وسمقی.

خارج به وسیله وکیل مدافع وی و استماع مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان به اتفاق آرا آقای حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان را براساس مستندات پرونده مجرم ندانستند.

۴. درخصوص اعلام شکایت فرماندار دزفول هیأت منصفه مدیرمسئول کیهان را با اکثریت آرا مجرم ندانستند.

۵. اعضای هیأت منصفه مطبوعات پس از استماع شکایت آقای امیرهوشنگ عسگری و دفاعیات مدیرمسئول روزنامه کیهان به اتفاق آرا و براساس مستندات پرونده نامبرده را مجرم ندانستند.

۶. درخصوص اعلام شکایت هشت نفر از فرمانداران سابق آذربایجان غربی در رابطه با خبر روزنامه کیهان مبنی بر نشر اکاذیب، هیأت منصفه فقط در رابطه با شکایت احد از نامبردگان آقای اروجعلی محمدی فرماندار سابق خلخال به اتفاق آرا نظر به مجرمیت مدیرمسئول دادند.

۷. در رابطه با اعلام شکایت آقای داوود کشاورزین استاندار مازندران اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول کیهان اظهارنظر نمودند.

۸. اعضای هیأت منصفه در رابطه با معاون سیاسی سابق استانداری قم آقای محمدحسین متقی نامبرده را به اتفاق آرا مجرم ندانستند.

۹. در خصوص شکایت آقای محمدرضا بهزادیان معاون اداری و مالی وزارت کشور علیه مدیرمسئول روزنامه کیهان مبنی بر نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر و تشویش اذهان عمومی اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول کیهان اظهارنظر نمودند.

۱۰. اعضای هیأت منصفه در رابطه با شکایت آقای حبیب‌الله تاجیک اسماعیلی شهردار سابق منطقه ۹ تهران پس از استماع مدافعات متهم و براساس مستندات پرونده به اتفاق آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول کیهان اظهارنظر نمودند.

۱۱. درخصوص اعلام شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم علیه مدیرمسئول روزنامه کیهان مبنی بر چاپ نامه محرمانه موضوع نامه ۲۴ تن از فرماندهان سپاه خطاب به ریاست محترم جمهوری، اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول روزنامه کیهان اظهارنظر نمودند.

۱۲. در رابطه با شکایت خانم فاطمه رمضان‌زاده نماینده مردم تهران و عضو سابق هیأت منصفه مطبوعات، اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول کیهان اظهارنظر نمودند.

۱۳. اعضای هیأت منصفه مدیرمسئول روزنامه کیهان را در رابطه با شکایت نیروی انتظامی

- لنجان باتوجه به دفاعیات و بررسی سوابق به اتفاق آرا مجرم ندانستند.
۱۴. در خصوص شکایت مسؤول شورای آرد و نان استان اصفهان، هیأت منصفه به اتفاق آرا به عدم مجرمیت وی اظهارنظر نمودند.
۱۵. اعضای هیأت منصفه در خصوص شکایت انجمن اسلامی دانشگاه زنجان مبنی بر حذف نام اسلامی از این اساسنامه این انجمن پس از استماع شکایت شاکی مبنی بر نشر اکاذیب و دفاعیات مدیرمسئول روزنامه کیهان نامبرده را به اتفاق آرا مجرم دانستند.
۱۶. در خصوص شکایت استاندار قزوین از ستون اخبار ویژه مورخ ۱۳۷۸/۵/۲ و تیر انتخاب شده با عنوان «اسرائیل بی‌گناه است، کار خودی‌هاست» مبنی بر اهانت، اعضای هیأت منصفه با اکثریت آرا به مجرمیت اظهارنظر نمودند.
۱۷. اعضای هیأت منصفه در خصوص اعلام شکایت سازمان برنامه و بودجه موضوع نامه محرمانه مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۸ به اتفاق آرا به عدم مجرمیت آقای حسین شریعتمداری اظهارنظر نمودند.
۱۸. اعضای هیأت منصفه پس از استماع شکایت آقای مهدی بهشتی‌پور و دفاعیات مدیرمسئول روزنامه کیهان با اکثریت آرا نامبرده را مجرم ندانستند.
۱۹. در خصوص شکایت آقای حمیدرضا جلالی‌پور علیه مدیرمسئول روزنامه کیهان مبنی بر نشر اکاذیب موضوع خبر مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ با عنوان «چه رابطه‌ای میان درج مقاله موهن در نشاط با سفر جلالی‌پور به لندن وجود دارد؟» اعضای هیأت منصفه با اکثریت آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول روزنامه کیهان اظهارنظر نمودند.
۲۰. در خصوص شکایت مشترک آقای لطیف صفری و حمیدرضا جلالی‌پور به عنوان مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه لغو امتیازشده نشاط اعضای هیأت منصفه باتوجه به اظهارات شاکی و وکیل وی و انصراف وکیل شاکی از برخی موارد ۱۷ گانه شکایت در جلسه علنی دادگاه باتوجه به دفاعیات مدیرمسئول روزنامه کیهان و بررسی مستندات به شرح ذیل اظهارنظر نمودند:
- الف. در مورد مطلب مندرج در روزنامه کیهان تحت عنوان «نیمه پنهان» مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۷ با عنوان «روزنامه صهیونیستی آیندگان چگونه شکل گرفت؟» باتوجه به مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان نامبرده را به اتفاق آرا مجرم ندانستند.
- ب. در مورد مطلب مندرج در روزنامه کیهان تحت عنوان «چرا هستی ناراحت؟» مبنی بر نزدیکی روزنامه نشاط به گروهک غیرقانونی نهضت آزادی اعضای هیأت منصفه پس از استماع

مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان به اتفاق آرا نامبرده را مجرم ندانستند.

ج. در مورد مطلب مندرج در ستون گفت‌و شنود تحت عنوان "شتر" مبنی بر توهین، اعضای هیأت منصفه با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه کیهان را مجرم دانستند.

د. در مورد مطلب مندرج در روزنامه کیهان تحت عنوان "در راستای تعطیل شده‌ها" اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا پس از استماع مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان نامبرده را مجرم ندانستند.

ه. هیأت منصفه با اکثریت آرا در مورد مطلب مندرج در روزنامه کیهان تحت عنوان "نشاط، بی‌بی‌سی و باند مهدی هاشمی" با توجه به مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان با اکثریت آرا به عدم مجرمیت وی اظهار نظر نمودند.

اعضای هیأت منصفه در خصوص سایر موارد شکایت که توسط وکیل شاکی در جلسه علنی دادگاه مسترد گردید به عدم مجرمیت اظهار نظر نمودند.

همچنین اعضای هیأت منصفه در خاتمه رسیدگی نسبت به مواردی که به مجرمیت اظهار نظر شده، با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه کیهان را مستحق تخفیف تشخیص دادند. ضمناً اعضای هیأت منصفه در خصوص شکایاتی که قبل از ختم رسیدگی مسترد و اعلام گذشت شده بود اظهار نظری نکردند.

رای دادگاه

در خصوص اتهام آقای حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان موضوع شکایت ۱. غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران ۲. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های کشور (دفتر تحکیم وحدت) ۳. محمدعلی هادی ۴. حیدرعلی نورانی فرماندار دزفول ۵. امیر هوشنگ عسگری ۶. هفت نفر از فرمانداران استان آذربایجان غربی عبارتند از عبادالله فتح‌اللهی، شکور شهباززاده، بهروز افخمی، محمدتقی زین‌العابدینی، یونس مصیب‌زاده، رضا عبادی، بیت‌الله عبداللهی، ارورجعلی محمدی ۷. داوود کشاورزین استانداران مازندران ۸. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۹. محمدحسین متقی معاون سیاسی استانداری قم ۱۰. محمدرضا بهزادیان معاون اداری و مالی وزارت کشور ۱۱. حبیب‌الله تاجیک اسماعیلی شهردار منطقه ۸ تهران ۱۲. رئیس کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم ۱۳. لطیف صفری مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده نشاط ۱۴. حمیدرضا جلابی‌پور رئیس سیاست‌گذاری روزنامه توقیف‌شده نشاط ۱۵. فاطمه رمضان‌زاده نماینده مجلس شورای اسلامی ۱۶. فرمانده منطقه

انتظامی شهرستان لنجان ۱۷. کلانتری و رئیس شورای آرد و نان استان اصفهان ۱۸. سرپرست انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان ۱۹. سیدعلی نکویی زهرایی استاندار قزوین ۲۰. معاونت حقوقی ریاست جمهوری ۲۱. محمدعلی نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه ۲۲. سینا مطلبی ۲۳. مهدی بهشتی پور ۲۴. سرپرست اداره کل آموزش و پرورش شهرستان میانه ۲۵. مسؤول امتحانات آموزش و پرورش میانه ۲۶. حبیب‌الله نیک‌سرشت مدیرعامل اتحادیه شرکت‌های تعاونی مصرف فرهنگیان استان خوزستان ۲۷. علیرضا سرگلزاهی شهردار زاهدان ۲۸. مدیریت قضایی دژبان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۹. محمدجواد فتوحی، دایر بر توهین و اهانت، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، افترا و انتشار اسناد محرمانه دادگاه با عنایت به این‌که شکات در طی چهار جلسه علنی در حضور اعضای محترم هیأت منصفه به شرح شکایات خود پرداخته و متهم نیز مدافعات خود را در خصوص هریک از شکایات وارده بیان نموده و نهایتاً اعضای محترم هیأت منصفه پس از ختم جلسه دادرسی و اعلام کفایت رسیدگی در خصوص موارد اتهامی فوق به شور پرداخته و در خصوص یکایک موارد شکایت با بررسی مجموع محتویات پرونده و اظهارات طرفین به شرح پیوست پرونده اظهارنظر نمودند فلذا دادگاه با عنایت به این‌که اعضای محترم هیأت منصفه مدیرمسئول روزنامه کیهان را در رابطه با شکایت آقایان ۱. غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران ۲. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های کشور (دفتر تحکیم وحدت) ۳. محمدعلی هادی ۴. حیدرعلی نورانی ۵. امیرهوشنگ عسگری ۶. هفت نفر از فرمانداران استان آذربایجان غربی ۷. داوود کشاورزبان ۸. محمدحسین متقی ۹. محمدرضا بهزادیان معاون اداری و مالی وزارت کشور ۱۰. حبیب‌الله تاجیک اسماعیلی ۱۱. رئیس کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی العموم ۱۲. فاطمه رمضان‌زاده ۱۳. فرمانده منطقه انتظامی شهرستان لنجان ۱۴. کلانتری و رئیس شورای آرد و نان استان اصفهان ۱۵. محمدعلی نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه ۱۶. مهدی بهشتی پور ۱۷. معاونت حقوقی ریاست جمهوری مبنی بر توهین و اهانت، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و افترا و انتشار اسناد محرمانه مجرم ندانستند مستنداً به ماده ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم برائت آقای حسین شریعتمداری را در رابطه با موارد فوق‌الاشعار صادر و اعلام می‌نماید. و در خصوص شکایت آقای اروج‌علی محمدی فرماندار سابق خلخال و استاندار قزوین و انجمن اسلامی زنجان مبنی بر نشر اکاذیب نظر به این‌که اعضای محترم هیأت منصفه در این رابطه به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه کیهان آقای حسین شریعتمداری با داشتن استحقاق تخفیف به اکثریت آرا اظهارنظر نمودند دادگاه به استناد ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و با التفات به ماده ۴۷ همان

قانون که در خصوص نشر اکاذیب هر سه مورد شکایت می‌بایست یک مجازات اعمال شود با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ فقدان سابقه محکومیت کیفری و به استناد تبصره ۲ ماده ۷ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین نامبرده را به پرداخت ۳ میلیون ریال جزای نقدی تعزیری در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم می‌نماید و در خصوص شکایت مشترک آقای لطیف صفری مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده نشاط و حمیدرضا جلالی‌پور به‌عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه توقیف‌شده نشاط علیه مدیرمسئول روزنامه کیهان به شرح هفده مورد ضمیمه پرونده مبنی بر اهانت و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با توجه به این‌که اعضای محترم هیأت منصفه پس از استماع اظهارات آقای حمیدرضا جلالی‌پور و آقای سیدمحمد سیف‌زاده به‌عنوان وکیل شکات و استماع مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان با اکثریت آرا به غیر از یک مورد ستون طنز گفت‌و شنود نامبرده را در هیچ‌یک از موارد دیگر مجرم ندانستند فلذا دادگاه به استناد ماده ۳۸ لایحه قانون مطبوعات و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم براءت متهم را نسبت به شانزده مورد اعلام شکایت مشترک نامبردگان فوق به استناد نظریه اعضای محترم هیأت منصفه صادر و اعلام می‌نماید.

و در خصوص مورد هفتم شکایت که در صفحه دوم مورخ ۱۳۷۸/۵/۱۸ شماره ۱۶۵۷۷ و تحت‌عنوان گفت و شنود و با تیتر "شتر" به چاپ رسیده و به شرح بین‌الهللین آمده است «گفت: مدیرمسئول سابق روزنامه جامعه که اکنون یکی از دست‌اندرکاران روزنامه نشاط است گفته بود که وقتی عکس سعید امامی را دیدم متوجه شدم که او در زندان از من و دوستم بازجویی کرده بود. گفتم حالا راست گفته یا دروغ؟ گفت وزارت اطلاعات سخن او را تکذیب کرده و اعلام نمود که سعید امامی بازجوی این آقا و دوستش نبوده است. گفتم: خوب بعد از تکذیب وزارت اطلاعات حتی این آقا اعتراف کرده که دروغ گفته است، گفت: اظهار داشته به خاطر قدیمی بودن عکس سعید امامی او را با بازجوی خود اشتباه گرفته بود. گفتم حالا واقعاً اشتباه گرفته یا این‌که یخش نگرفته. می‌گویند در یک روستا شتری پیدا شده بود و در روستا جار می‌زدند که صاحبش را پیدا کنند. شایده مراجعه کرده و گفت: شتری که پیدا شده مال من است. به او گفتند شتر تو نر بود یا ماده و طرف گفت شترم نر بود. به او گفتند اما این شتر ماده است و طرف که بدجوری خیط کرده بود گفت البته شتر بنده هم خیلی نر نبود. اعضای محترم هیأت منصفه با اکثریت آرا "شاید" ذیل متن که بنا به ادعای متهم ناظر بر شترزد است را با توجه به کل متن ناظر بر آقای حمیدرضا جلالی‌پور دانسته و به این لحاظ به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه کیهان با استحقاق تخفیف اظهار نظر نموده‌اند. بنا علی‌هذا دادگاه مدیرمسئول روزنامه کیهان آقای حسین شریعتمداری را در این خصوص به‌عنوان اهانت مستنداً به

ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (که مجازات امر حاضر را از پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال تعیین نموده) به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی تعزیری در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم می‌نماید.

و در خصوص اعلام شکایت دیگر آقای حمیدرضا جلائی پور از مطلب مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۸ روزنامه کیهان مبنی بر این که "چه رابطه‌ای میان درج مقاله موهن در نشاط با سفر جلائی پور به لندن وجود دارد؟" دادگاه با عنایت به این که اعضای محترم هیأت منصفه پس از استماع شکایت شاکی در این خصوص و استماع مدافعات مدیرمسئول روزنامه کیهان به شور پرداخته و با عنایت به اسناد و مدارک موجود و محتویات پرونده با اکثریت آرا به عدم مجرمیت نامبرده اظهارنظر نمودند فلذا دادگاه به استناد ماده ۳۸ لایحه قانون مطبوعات و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم براءت حسین شریعتمداری را در این خصوص صادر و اعلام می‌نماید.

در خصوص شکایت ۱. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۲. علیرضا سرگلزاهی شهردار زاهدان ۳. سینا مطلبی ۴. حسن عبدلی مسؤول امتحانات اداره کل آموزش و پرورش میانه ۵. سرپرست اداره کل آموزش و پرورش میانه ۶. محمدجواد فتیحی ۷. مدیریت قضایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۸. حبیب‌الله نیک‌سرشت علیه آقای حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان دایره بر نشر اکاذیب با توجه به اعلام گذشت شکات و با ملاحظه مطالب عنوان شده به استناد ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ رأی بر موقوفی تعقیب مشارالیه صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و در رابطه با محکومیت متهم ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. و در خصوص سایر مواردی که هیأت منصفه به عدم مجرمیت اظهارنظر نموده به موجب ماده ۳۸ لایحه قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ قطعی می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه پرتو سخن

نام نشریه: هفته نامه پرتو سخن

مدیرمسئول: ابوالحسن حقانی

شعبه رسیدگی کننده: هیأت نظارت بر مطبوعات، شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری - شعبه دیوان عدالت اداری، قاضی محمد کلانتری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۱/۱۶

شماره دادنامه: ۹۰۰، کلاسه پرونده: ۱۴۱۶/۸۰/۴، تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۲/۳/۲۵

اتهام: اهانت به مراجع، عدم رعایت ماده ۲۷ قانون مطبوعات

شاک: هیأت نظارت بر مطبوعات

رای دادگاه: دو ماه توقیف. شعبه ۱۵ دستور لغو توقیف موقت را تا زمان رسیدگی صادر کرد و شعبه ۴ دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۵ رای هیأت نظارت بر مطبوعات را لغو کرد.

خلاصه پرونده

هیأت نظارت بر مطبوعات با توجه به چاپ کاریکاتوری اهانت آمیز در هفته نامه پرتو سخن در شماره ۱۳ بهمن این کاریکاتور را از جمله موارد مذکور در ماده ۲۷ قانون مطبوعات دانست و به تعطیلی هفته نامه پرتو سخن نظر داد. این هیأت خواستار ارجاع پرونده به دادگاه شد.

اعتراض مدیرمسئول هفته نامه پرتو سخن

در پی لغو امتیاز هفته نامه پرتو سخن توسط هیأت نظارت بر مطبوعات آقای حقانی مدیرمسئول نشریه به حکم صادره اعتراض کرد. وی در اعتراضیه خود نوشت: همان گونه که عموم مردم شریف ایران اطلاع دارند هیأت نظارت در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۶ مجوز هفته نامه پرتو سخن را لغو کرد. اتهام وارده چاپ یک طرح در شماره ۲۵ نشریه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ می باشد که به ادعای این هیأت به آقای منتظری اهانت شده است. در این ارتباط ارائه توضیحاتی چند لازم به نظر می آید. ۱. از این طرح به عنوان سمبل نماد روشنفکران غرب زده استفاده شده و بر همین اساس است که



فرد طراحی شده در آن دارای محاسنی خاص و کراوات بوده و طرز فکر خود را از غرب و مهر تأیید آمریکا اتخاذ کرده و لذا این طرح مربوط به این‌گونه دگراندیشان است که در قسمت اول مقاله مورد بحث در شماره ۲۴ نشریه به وضوح به آن‌ها اشاره شده است و هیچ‌گونه ارتباطی با فرد خاصی ندارد تا چه رسد به این‌که اهانتی شده باشد.

۲. طرح مورد بحث قبل از تأسیس پرتو از سال ۱۳۷۵ تاکنون بارها در برخی از جراید به چاپ رسیده است و در آن موارد نیز اساساً متن مباحث ارتباطی با آقای منتظری ندارد. لازم به ذکر است که چاپ این طرح که متعلق به آن نشریات است در پرتو با اجازه افراد ذی‌ربط صورت گرفته است.

۳. هیأت نظارت اتهام خود را به ماده ۲۷ قانون مطبوعات مستند ساخته است. در این ماده اهانت به مراجع مسلم تقلید از موجبات لغو مطبوعات شناخته شده است که از جمله موارد ارزشمند قانون مطبوعات بوده و نادیده گرفتن آن از دغدغه‌های اصلی ما نیز می‌باشد. اما سخن در این است که تشخیص مراجع تقلید جامع‌الشرایط آن هم با قید ”مسلم بودن مرجعیت فرد“ به عهده کیست؟ هیأت نظارت بر اساس چه قانونی خود را محق به آن می‌داند؟ ثانیاً با عنایت به نامه ۱۳۶۸/۱/۶ حضرت امام خطاب به آقای منتظری مواضع بسیاری از افراد و نهادهای صلاحیت‌دار در زمینه تشخیص مراجع جامع‌الشرایط و شخص ایشان، آیا حداقل نمی‌توان در مرجعیت آقای منتظری تردید نمود؟ پس چگونه است که هیأت نظارت به ماده ۲۷ استناد می‌نماید، درحالی‌که اگر نگوییم اصل مرجعیت ایشان لااقل ”مسلم بودن“ آن جای تأمل و سؤال است.

۴. چرا وزارت ارشاد با تکیه بر قانون مطبوعات با آن دسته از نشریاتی که صریحاً برخلاف مبانی دینی مطلب انحرافی خود را نشر می‌دهند برخورد نمی‌کند؟ آیا آقای مهاجرانی نمی‌داند اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن بر پایه همان قانون مورد استناد ایشان جرم بوده و هیأت نظارت مکلف به برخورد با این‌گونه مطبوعات است.

در پایان یادآوری این نکته لازم است که برخورد غیرمنطقی با هفته‌نامه پرتو سخن در حالی با جار و جنجال صورت می‌گیرد که هنوز مجوز رسمی و دائمی انتشار آن‌که از سوی هیأت نظارت با تأخیر صادر شد به دفتر نشریه ارسال نگردیده بود که نمابری حاکی از تعطیلی آن دریافت شد. این در شرایطی است که روزنامه‌های دگراندیش به‌رغم تاختن به ارزش‌های اسلام و انقلاب در آزادی غیرمشروع و اعطایی از طرف وزارت ارشاد به فعالیت‌گذاری خود ادامه می‌دهند و قلب امام‌زمان و نایب برحقش را به درد می‌آورند.

نشریه پرتو سخن رفع توقیف شد

شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری تا رسیدگی نهایی دستور موقت برای انتشار نشریه پرتو را صادر کرد. به دنبال لغو پروانه نشریه پرتو سخن در ۱۷ بهمن ماه ۱۳۷۷ شاکی طی نامه‌ای از دیوان عدالت اداری خواستار نقض ابطال حکم هیأت نظارت بر مطبوعات و صدور مجوز موقت چاپ از طریق اعمال ماده ۲۷ قانون دیوان عدالت اداری شد. شعبه ۱۵ دیوان پس از رسیدگی به درخواست مدیرمسئول نشریه طی نامه‌ای به دبیرخانه هیأت نظارت بر مطبوعات با قبول درخواست رفع توقیف موقت تا رسیدگی ماهوی خواستار تبادل لوایح و انتقادات قانونی بر ابطال امتیاز نشریه پرتو شد.

نامه هیأت نظارت بر مطبوعات به دیوان عدالت اداری

ریاست محترم شعبه چهارم دیوان عدالت اداری

در خصوص پرونده کلاسه ۴/۸۰/۱۴۱۶ موضوع شکایت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی از تصمیم هیأت محترم نظارت بر مطبوعات دائر بر ابطال تصمیم هیأت مذکور به استحضار می‌رساند:

هیأت محترم نظارت بر مطبوعات براساس وظیفه قانونی که در ماده ۲۷ قانون مطبوعات برعهده آن هیأت گذاشته شده به دلیل چاپ طرح (کاریکاتور) توهین‌آمیز نسبت به یکی از مراجع تقلید (آیت‌الله منتظری) در صفحه سوم شماره ۲۵ مورخ ۱۳/۱۱/۱۳۷۸ به لغو پروانه نشریه پرتو سخن نموده است.

ضمناً یادآور می‌شود که شکایت از مدیرمسئول نشریه فوق به دادگستری قم ارسال شده که شعبه اول دادگاه عمومی قم به موجب دادنامه شماره ۷۰ مورخ ۱/۲۸/۱۳۷۹ به دلیل روحانی بودن مدیرمسئول، قرار عدم صلاحیت به رسیدگی صادر و پرونده را به دادرای ویژه روحانیت ارجاع نموده است که از نتیجه رسیدگی اطلاعی در دست نیست.

باتوجه به مراتب فوق و این‌که پرونده مربوطه نیز در دادگاه ویژه روحانیت تحت رسیدگی است، تقاضای رد دعوی شاکی و اتخاذ تصمیم شایسته را دارد.

رای دیوان عدالت اداری

در خصوص اعلام شکایت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به طرفیت دبیرخانه و هیأت نظارت بر مطبوعات به خواسته اعتراض به حکم هیأت مزبور و نقض آن برابر مفاد شکوائیه،

۱۱۷۲ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

نظریه محتویات پرونده و ملاحظه پاسخ شماره ۱۲/۶۵۴۹-۸۱/۹/۱۲ اداره محترم مشتکی عنه و با التفات به این که مواد ۱۰ و ۲۶ و ۲۷ و ۶ قانون مطبوعات مجلس محترم شورای اسلامی فقط اهانت به رهبر معظم انقلاب و دین مقدس اسلام را پذیرفته نه موارد دیگر. لذا با توجه به قرار منع پیگرد مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۰ صادره از دادسرای محترم ویژه روحانیت قم اعتراض مؤسسه شاکی موجه تشخیص و حکم به ورود شکایت و نقض رأی هیأت نظارت بر مطبوعات مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۶ صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی

نام نشریه: روزنامه جمهوری اسلامی

مدیرمسئول: مسیح مهاجری

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه ویژه روحانیت

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۱/۲۵

اتهام: هتک حرمت

شاک: سعید رجایی خراسانی نماینده اسبق ایران در سازمان ملل

رای دادگاه: علی رغم تلاش فراوان نتیجه‌ای از پرونده به دست نیامد.

خلاصه پرونده

اولین جلسه رسیدگی به پرونده شکایت دکتر سعید رجایی خراسانی نماینده اسبق ایران در سازمان ملل متحد علیه روزنامه جمهوری اسلامی در دادگاه ویژه روحانیت برگزار شد.

دکتر رجایی خراسانی به دلیل چاپ مطلبی در آبان سال جاری و در مورد میزگردی در دانشکده پلی تکنیک که وی سخنران آن بود از مسیح مهاجری شکایت کرد.

دکتر رجایی خراسانی گفت: اوایل آبان ماه ۱۳۷۸ میزگردی در دانشگاه پلی تکنیک با عنوان آثار مثبت و منفی تسخیر لانه جاسوسی که سخنران آن میزگرد بودم، برگزار شد. روزنامه جمهوری اسلامی پس از چاپ خبر این میزگرد و طی چاپ یادداشتی با اشاره به سخنان من در مورد آثار سوء تسخیر لانه جاسوسی اقدام به هتک حرمت و اهانت کرده است.

این روزنامه با اشاره به نامه‌ای که در سال ۱۳۷۱ برای مقام معظم رهبری نوشته بودم و در آن مطالبی را در مورد تجدیدنظر در برقراری رابطه با آمریکا به دلیل وجود منافع مشترک ایران و آمریکا به عنوان یک کارشناس ذکر کرده بودم، مرا به عنوان یک عنصر منحط نامیده، درحالی که در آن نامه که شخصاً تقدیم رهبر کرده بودم به این نکته اشاره شده که علی رغم دشمنی با آمریکا، نقطه نظرها و منافع مشترکی هم داریم و لذا باید بتوانیم در زمینه‌هایی که منافع مشترک داریم با آن کشور مذاکره کنیم.

در این جلسه مسیح مهاجری در دادگاه حاضر نشد و طی نامه‌ای اظهار داشت: مطلب چاپ شده توهین به دکتر رجایی نبوده و منظور شخص دیگری است و اصلاً سخنان این میزگرد آقای رجایی خراسانی نبودند.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه صبح خانواده

نام نشریه: روزنامه صبح خانواده

مدیرمسئول: حسین فردوس

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۶

اتهام: نشر اکاذیب، هتک حیثیت

شاکلی: "س.س"، رسول رازی وکیل دادگستری، "ج.الف.ن"

رای دادگاه: عدم ابلاغ رای به مدیرمسئول و بی اطلاعی وی از رای دادگاه.

خلاصه پرونده

شکایت اول، "س.س" در شکایتی از حسین فردوس مدیرمسئول روزنامه صبح خانواده اعلام کرد: «... روزنامه صبح خانواده فرزندم را که به جهت ایجاد درگیری مرتکب قتل شده مورد افترا و نشر اکاذیب قرار داده و نوشته وی به "حرامزاده" معروف می باشد و او را از اشرار محل معرفی کرده است. همچنین در این مطلب، درج شده نامبرده به جهت مزاحمت برای خانم شوهردار درگیر شده است، درحالی که هیچ کدام از ایرادات مذکور صحت ندارد...»

روزنامه صبح خانواده در مطلبی با عنوان "قاتل مزاحم، فردا مجازات می شود" آورده است: «... (ع.ص) حدود ساعت شش بعدازظهر در بازار تهران برای خانمی ایجاد مزاحمت می کند. با مراجعه زن به سرباز گشت کلانتری ۱۶، سرباز جباری از "ع" می خواهد همراه او به پاسگاه برود. اما "ع" از رفتن به پاسگاه امتناع می کند و از آنجا که فردی عصبی و تندخو است با سرباز جباری درگیر و با قمه ای که همراه داشت، ۶ ضربه به پهلوی وی وارد می کند و متواری می شود. در موقع فرار سرباز عبدالرضا بهمنی که از دور متوجه درگیری بوده به تعقیب ضارب می پردازد و هنگامی که ضارب را می گیرد او قمه را در سینه عبدالرضا فرو می کند و او را به قتل می رساند... قاتل (ع.ص) ۱۸ ساله و معروف به "حرامزاده" فردی سابقه دار و شرور است که سابقه چندین فقره و دعوا و شرارت دارد...»

شکایت دوم. رسول رازی وکیل دادگستری، نسبت به چاپ مطلبی تحت عنوان "زنی قصد دارد پنج هزار سکه مهریه اش را بگیرد" از مدیرمسئول روزنامه صبح خانواده شکایت کرد و گفت: «...»

روزنامه صبح خانواده در شماره ۴۷۲ روز ۲۹ مهر ۱۳۷۸ خود تیتراژ اصلی ستون حوادث را به سرگذشت و همچنین سرنوشت ماجرای زنی اختصاص داده است که وکیل آن زن من بوده‌ام. روزنامه نوشته است که این مطالب از قول وکیل نوشته می‌شود. درحالی که این جانب هرگز مصاحبه‌ای انجام نداده‌ام و مطلب این روزنامه سبب بی‌اعتماد موکلم به این جانب و نیز هتک حیثیت من شده است. در این ارتباط پرونده دیگری نیز در کانون وکلا علیه وکیل دیگری طرح شده که موکل من تصور می‌کند که مصاحبه را وی انجام داده است، درحالی که ایشان وکیل خانم نبوده‌اند اما در جریان امور قرار داشته‌اند...»

حسین فردوس مدیرمسئول روزنامه صبح خانواده در پاسخ به این دو شکایت اظهار داشت: «... در ارتباط با شکایت اول به استحضار می‌رساند اولاً موضوعی را که شاکی از آن نام می‌برد مربوط به ۱۸ ماه پیش است. در آن تاریخ فردی که ما به هیچ عنوان نامی از او نبرده‌ایم، در یک درگیری مرتکب قتل و ایراد جراحات به دو تن از پرسنل خدوم نیروی انتظامی می‌شود... ظاهراً قاتل که نامی از او برده نشده حسب گفته دست‌اندرکاران رسیدگی به این موضوع با چاقو یا قمه اقدام به این دو عمل مجرمانه در حق دو تن از پرسنل نیروی انتظامی کرده و در دادگاه هم طبق گفته یکی از بستگانش به قصاص محکوم می‌شود که بنده از جزئیات آن اطلاع ندارم و برای رد یا اثبات هم باید به پرونده مجرم مراجعه کرد. اما در تمام روزنامه‌های آن سال و آن روز موضوع با محتویات مشابه طرح شد و آنچه هم که ما عنوان کرده‌ایم اطلاعاتی بود که از مراکز مربوط به رسیدگی به این پرونده به دستمان رسید... عباراتی هم که در مورد وی عنوان شده است چیزی نیست که ما گفته باشیم، بلکه براساس اطلاعاتی است که از حوزه‌های ذی‌ربط رسیدگی‌کننده به پرونده به دست ما رسیده است. در مورد اتهام نشر اکاذیب هم به اطلاع می‌رساند که مطلب مورد ادعای شاکی فاقد نام و نشانی است و به اعتقاد بنده می‌تواند هیچ ارتباطی به ایشان نداشته باشد. اما این فرد مدعی است که مسائل عنوان شده در مورد موکل ایشان کذب است و بنده عرض می‌کنم که اگر این‌گونه باشد پس مربوط به موکل ایشان نیست. بنابراین ایشان نمی‌تواند مدعی باشد. ضمناً آقای وکیل که معلوم نیست چرا فکر می‌کند موضوع در مورد ایشان هست یک بار هم یک تکذیبیه به دفتر روزنامه صبح خانواده فرستاده و اظهار داشته که این مطلب بدون ذکر نام چاپ شود که به اعتقاد بنده این جدیدترین نوع تکذیبیه است که فرد مدعی می‌خواهد ناشناس بماند...»

شکایت سوم. «ج.ا.ن» که مدعی است پنج سال بی‌گناه حبس شده، در شکایتی که از زندان شهید کچوئی برای دادگاه ارسال داشته ادعا کرده است که روزنامه صبح خانواده در خبری که درج کرده مطالب کذبی را به وی نسبت داده است.

شاکی گفت: «این جانب نسبت به نحوه پوشش خبری جلسات دادگاه که توأم با چاپ عکس این حقیر در جریده خانواده بوده اعتراض دارم و از مسؤولان روزنامه مذکور به علت نشر اکاذیب و اخبار غیرواقع و همچنین وارد آوردن ضربه روحی و جسمی و اجتماعی به بنده و خانواده ام شکایت می‌نمایم زیرا نحوه پوشش خبر به گونه‌ای بوده که انتساب عمل جنایت را به بنده محرز و ثابت شده تلقی می‌نموده... پس از چاپ مطلب فوق جوایبه به دفتر روزنامه مذکور ارائه نمودم که از چاپ آن امتناع ورزیده شد...»

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آوای غرب

نام نشریه: روزنامه آوای غرب

مدیرمسئول: عبدالمحمد زاهدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۶

اتهام: نشر اکاذیب و هتک حرمت

شاک: "ف.ر"

رای دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

خانم "ف.ر" از عبدالمحمد زاهدی مدیرمسئول روزنامه آوای غرب به اتهام نشر اکاذیب شکایت کرد و گفت: «... مدیرمسئول روزنامه آوای غرب در مطلبی پیرامون نحوه فوت برادرم اقدام به نشر اکاذیب و هتک حرمت نموده و موجب نزاع و درگیری بین دو طایفه شده است. برخلاف نوشته روزنامه آوای غرب فوت برادرم خودکشی نبوده، بلکه او را به قتل رسانده اند. همچنین همسر مرحوم برادرم قهر کرده بود نه این که طبق نوشته این روزنامه به جای نامعلومی رفته باشد... هر بار به دفتر روزنامه مزبور مراجعه کردم با پاسخ های بی منطق مواجه گشتم، لذا از مقام محترم دادگاه تقاضا دارم به شکایت این جانب رسیدگی نماید...»

در مطلب مورد شکایت آمده است: «... مرد ۲۵ ساله ای به نام "ص.ر" اهل اسلام آباد غرب طی هفته جاری، در حوالی یکی از خیابان های تهران خود را به درخت آویخت و به این ترتیب به زندگی خویش پایان داد. بعد از تحقیقات لازم مشخص شد که همسر این شخص دو ماه قبل منزل را به مقصد نامعلومی ترک گفته و شوهر خویش را تنها گذاشته است و این امر انگیزه خودکشی را در شخص مذکور بارور ساخته است.»

عبدالمحمد زاهدی مدیرمسئول این نشریه در پاسخ به این شکایت اعلام کرد: «اولاً هیچ گونه

۱. رای دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

تعمد و قصدی در هتک حرمت فرد متوفی و بازماندگان ایشان در کار نبوده و این جانب و کارکنان روزنامه نیز هرگز راضی به بی حرمتی به افراد محترم نیستیم، لیکن ویژگی کار روزنامه نگاری و گاهی تعجیل در آماده کردن روزنامه چنین مشکلاتی را به وجود می آورد. ثانیاً براساس قانون مطبوعات چنانچه شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به مطالب منتشر شده در نشریات اعتراض داشته باشند مراتب را به نشریه منعکس و مدیرمسئول موظف است آن را منتشر نماید. بدیهی است اگر چنین اقدامی از سوی شاکی یا سایر بستگان صورت می گرفت، اقدام به چاپ مطلب می نمودیم. ثالثاً شکایه در شکایت خود اظهار داشته که به دفتر روزنامه مراجعه و با جواب غیرمنطقی مواجه شده، درحالی که براساس تحقیقات بنده ایشان به دفتر روزنامه مراجعه کرده و خواستار ارائه منبع خبر شده که این امر برای دست اندرکاران روزنامه مقدور نبوده است و به وی گفته شده چنانچه تکذیبیه‌ای دارید اعلام نمایید تا چاپ شود. و بالأخره شکایه در اظهارات شفاهی موضوع طلاق خود را به وسیله همسرشان متذکر شده است. چنانچه این خواهر محترم به این جانب مراجعه می کردند با اصلاح و تکذیب خبر و هرگونه توضیح لازم سعی می کردم نظر همسر قبلی وی را متوجه موضوع نمایم، ضمن این که انجام طلاق به دلیل درج خبر مذکور ادعایی است که نیاز به اثبات دارد...»

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نور

نام نشریه: هفته نامه نور

مدیرمسئول: حجت الله خطیب

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۶

اتهام: نشر اکاذیب، هتک حرمت و افترا

شاکی: "ح.د" و "ح.ل" - "م.ع"

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

۱. شکایت اول. در این پرونده "ح.د" و "ح.ل" نسبت به درج مطالبی با عنوان "مالخر: به پلیسی که شماره دستکوب مرا تشخیص دهد جایزه می‌دهم" و "سارقی که موجب مرگ دوستش شد" در شماره مورخ ۱۳۷۸/۸/۱ هفته نامه نور شکایت و آن را مصداق نشر اکاذیب و هتک حرمت خود تلقی کرده و مدعی شده‌اند که این هفته نامه ضمن چاپ عکس‌های آن‌ها اتهاماتی از قبیل سرقت‌های مسلحانه و اعتیاد به مواد مخدر را به آنان وارد نموده است.

۲. شکایت دوم. "م.ع" در شکایتی از مدیرمسئول هفته نامه نور پیرامون درج مطالبی با عنوان "دانشجوی رشته پزشکی، دزد بیمارستان بود" گفت: «... هفته نامه نور در شماره ۲۹ مورخ ۲۷ دی ماه ۱۳۷۸ مطالبی را به دروغ و کذب نشر نموده و عکس حقیر را به چاپ رسانیده و باعث هتک حرمت و افترا و توهین به این جانب گردیده است. لذا نظر به این که کلیه مطالب درج شده کذب محض می‌باشد از مدیرمسئول این نشریه شکایت دارم...»

حجت الله خطیب مدیرمسئول این نشریه با حضور در دادگاه درخصوص این شکایت اظهار داشته: «قصدهم هتک حرمت به هیچ کس را نداشته و دفاعیات خود را در جلسه علنی با حضور هیأت منصفه ارائه خواهم داد».

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه میلاد

نام نشریه: هفته نامه میلاد

مدیرمسئول: غلامرضا حسینی فر

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۶

اتهام: نشر اکاذیب، هتک حیثیت

شاکی: «ش.ش»

رای دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

علی اصغر رازقی به وکالت از «ش.ش» نسبت به درج مطلبی با عنوان «جزئیات شکنجه دختران تهرانی» در شماره ۵ دی ماه ۱۳۷۷ هفته نامه میلاد چاپ شده از مدیرمسئول این هفته نامه به اتهام هتک حیثیت و نشر اکاذیب شکایت کرده است.

غلامرضا حسینی فر مدیرمسئول هفته نامه میلاد در خصوص این شکایت اظهار داشت: «... اتهامات وارده کاملاً واهی است... در مقاله مربوطه نام «ش.ی» نوشته شده درحالی که نام فامیل شاکی اساساً با حرف (ش) شروع می شود... ضمناً شاکی براساس پرونده ای که در شعبه ۱۵۱۰ دادگاه عمومی تهران تشکیل شده از جهت ارتکاب به جرائمی مثل زنا غیرمحصن و رابطه غیرمشروع و فراهم آوردن موجبات فساد و نگهداری مشروب و ماهواره و غیره به دو سال حبس تعزیری و شلاق و جزای نقدی محکوم گردیده که با این وصف حتی اگر نام موکل را هفته نامه میلاد صراحتاً قید نموده بود باز هم موضوع به کلی فاقد جنبه کیفری می باشد...»

۱. رای دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آریا

نام نشریه: روزنامه آریا

مدیرمسئول: محمدرضا زهدی

شعبه رسیدگی کننده: وزارت ارشاد

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۵

اتهام: افتراء، توهین، نشر اکاذیب

شاکي: وزارت ارشاد

رأی دادگاه: توقیف یک ماهه

خلاصه پرونده به نقل از روزنامه جوان^۱

روزنامه آریا در یک اقدام بی سر و صدا بدون آنکه واکنشی از سوی مطبوعات همسو به دنبال داشته باشد و آن‌ها را به اعتراض علیه تحدید و تهدید آزادی بیان و قلم برانگیزد، پس از انتشار آخرین شماره‌اش در سال گذشته (۱۳۷۸/۱۲/۱۵) توقیف شد.

براساس گزارش نشریه دو هفته نامه صبح، توقیف آریا بدون تشکیل هیأت نظارت بر مطبوعات و تنها با اقدام مهاجرانی صورت گرفت، حتی اعتراض خود آریایی‌ها را برنیانگیخت و آن‌ها هم دم برنیاوردند، بلکه وانمود کردند که به خاطر برخی مشکلات داخلی اقدام به تعطیلی روزنامه کردند.

نشریه صبح از منابع موثق کسب اطلاع کرد که این توقیف به دستور رئیس جمهور و اقدام فوری وزیر ارشاد به دنبال درج مصاحبه با سردبیر ایران فردا در آریا مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۴ صورت گرفت که فراز مهم آن حساسیت چنین بود: به نظر من راه اصلی حل این پرونده (قتل‌های مشکوک) رفتن به گذشته و باز کردن پرونده اعدام وسیع زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ است که باید تمامی کسانی که در این پرونده مشارکت داشتند، در اولین قدم برکنار و خانه نشین شوند. نباید خانه نشینی فقط برای آیت‌الله منتظری باشد.

اطلاعات موثق صبح حکایت از آن دارد که مطلب فوق‌الذکر اشاره به حکم حضرت امام پس از

عملیات مرصاد و همبستگی تمام‌عیار منافقین با رژیم عراق دارد که به مسؤلان ابلاغ کردند زندانیان محارب و منافقی را که همچنان بر موضع محاربه با نظام و همراهی با منافقین پافشاری می‌کنند، طبق احکام شرعی به اعدام محکوم نمایند. این حکم در شرایطی صادر و اجرا خواهد شد که جناب خاتمی رئیس‌جمهور با جدیت از حکم حضرت امام حمایت کرده بود. اظهارات سردبیر ایران‌فردا علاوه بر آنکه تعرض به حضرت امام محسوب می‌شد، آقای خاتمی را به‌عنوان یکی از حامیان این حکم نشانه گرفته بود. روزنامه‌آریا از تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۵ انتشار خود را از سر گرفت.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول دوهفته نامه رضوان

نام نشریه: دوهفته نامه رضوان

مدیرمسئول: ابوالفضل بانی

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه انقلاب اسلامی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱/۲۸

اتهام: اشاعه فحشا

شاکی: سپاه پاسداران، ستاد آمران به معروف و ناهیان از منکر

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

دوهفته نامه رضوان در ویژه نامه ای به مناسبت عید نوروز ۱۳۷۹ اقدام به چاپ مطلب طنزآمیزی با عنوان "خوشگل" و چند تصویر رنگی از چهره زنان در صفحات آخر خود کرد که با اعتراض شدید امام جمعه کاشان و ارگان های این شهر مواجه شد. چند روز بعد سپاه پاسداران کاشان در این رابطه شکایتی از مدیرمسئول رضوان به دادگستری ارائه نمود.

مدیرمسئول رضوان گفت: شکایت از من توسط سپاه براساس پیگیری های ستاد امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته است.

وی گفت: اهمال خود در هیأت تحریریه در چاپ مقاله مذکور را قبول دارم و در ویژه نامه ای نیز به همین منظور از انتشار چنین مطلبی عذرخواهی شده و نویسنده مقاله مذکور دستگیر شده و با پیگیری های به عمل آمده در حال حاضر آزاد است.

ابوالفضل بانی مدیرمسئول رضوان گفت: از ابتدای انتشار نشریه همواره از سوی جناح تمامیت خواه مورد فشار و تهدید قرار گرفته ایم. سال گذشته نیز پرونده ای به دلیل چاپ مطلبی با عنوان معلمان بزرگ تاریخ که همراه با تصویر مرحوم بازرگان، دکتر شریعتی، شهید مطهری و

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

مرحوم طالقانی درج گردیده بود، به دنبال شکایت یک محصل علوم دینی در دادگاه تشکیل شد. وی گفت: احضاریه اخیر به صورت کتبی از سوی اطلاعات سپاه کاشان به دلیل چاپ داستان کوتاه و پوستری با نماد تاریخ ایران باستان صورت گرفته است. نشریه رضوان به عنوان نشریه اصلاح طلب اصفهان با توجه به آغاز موج فشارهای مجدد به مطبوعات روشنگر به دادگاه انقلاب فرا خوانده شده است. بانی گفت: چاپ داستان مذکور نیز در حوزه قصه‌نویسی قابل نقد و بررسی است و چون احساس شد قشر خاصی را مکدر نموده از آنان دلجویی به عمل آمد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه اخبار اقتصاد

نام نشریه: روزنامه اخبار اقتصاد

مدیرمسئول: عیسی سحرخیز

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران، قاضی ملاحزاده

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۶ توقیف

اتهام: تشویش اذهان عمومی و اهانت به روحانیت و نمایندگان مجلس

شاک: مدعی العموم، صدا و سیما، وزارت اطلاعات

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

توقیف روزنامه

به دستور قاضی شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران حکم توقیف موقت روزنامه اخبار اقتصاد صادر شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، در ادامه سلسله اقدامات دادگستری کل استان تهران در جهت پیشگیری از جرم و مقابله با آن دسته از نشریاتی که بدون توجه به تذکرات مکرر مسئولان ذی ربط، همصدا با دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی مبادرت به انتشار مطالبی علیه مبانی اسلام، انقلاب و ارزش های والای اسلامی ملت شریف ایران نموده و به عنوان پایگاهی برای دشمنان در جهت تضعیف ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی درآمده اند، شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران دستور توقیف موقت روزنامه اخبار اقتصاد را صادر کرد.

این گزارش حاکی است در دستور قضایی صادره از شعبه مذکور خطاب به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: از آنجایی که پرونده اتهامی مدیرمسئول روزنامه اخبار اقتصاد، آقای عیسی سحرخیز، جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است، باتوجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده، اصرار روزنامه مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ مستفاد است، لذا به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار جامعه می باشد، به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ و بند ۵ اصلی ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران دستور توقیف موقت انتشار نشریه اخبار اقتصاد را صادر و اعلام داشته و مقرر می‌گردد از انتشار نشریه فوق تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید. این گزارش حاکی است دادگاه در دستور قضایی خود تأکید کرده هرگونه تخطی در این خصوص، ترمرد از دستور قضایی محسوب و با متخلف برابر مقررات رفتار خواهد شد.

خلاصه پرونده

مدیرمسئول روزنامه اخبار اقتصاد و وکیل وی طی سه بار جهت تفهیم اتهام در دادگاه حاضر شده و به شکایت شاکیان پاسخ گفتند. ۱. یکی از شاکیان مدعی‌العموم است که ۱۷ مورد اعلام شکایت نموده است. یکی از موارد شکایت چاپ مقاله‌ای با عنوان «عالیجناب خاکستری» است. ۲. شکایت دیگر از سوی وزارت اطلاعات است که در مورد چاپ مقاله خانم لاجوردی همسر محمد سعیدی است که وزارت اطلاعات در این مورد اعلام گذشت نمود. ۳. شکایت‌های دیگر مربوط به مطلبی راجع به اصلاحیه قانون مطبوعات و چند کاریکاتور از نیک‌آهنگ کوثر است. شاکی دیگر سحرخیز صدا و سیماست که در خصوص درج سخنان بیات و تاجرنیا نماینده مشهد در اعتراض به پخش فیلم مونتاژ شده کنفرانس برلین، اعلام شکایت کرده است.

شکایت صدا و سیما

به استحضار می‌رساند که روزنامه اخبار اقتصاد در شماره ۱۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۲/۵ در صفحه سوم خود با تیتیر نمودن عناوینی از جمله «با هیچ اصول اخلاقی و شرعی نمی‌توان کار صدا و سیما را توجیه نمود» از قول آقای بیات آمده است که «صدا و سیمایی که اشاعه فحشا و هتک حرمت کرده و برخلاف اصول اخلاقی و شرعی رفتار کرده و یک برنامه ۱۶ ساعته را به نیم ساعت تقلیل داده و حتی ذهنیت مردم را مغشوش کرده و یک‌سری افکار ضد انقلاب را نیز نشر داده...» و نیز با بیان نقل قولی از آقای تاجرنیا نماینده منتخب مشهد با این عبارت که «صدا و سیما حاضر است که برای استفاده منافع جناحی خود صحنه‌های جلف یک کنفرانس را نشان بدهد» و همچنین به نقل قول از نماینده خواف و رشتخوار با این عبارت که «صدا و سیما همصدا با مخالفان شد. صدا و سیما با کسانی که خاتمی و اندیشه دوم خرداد مخالف هستند همصدا شد» با قصد اضرار نسبت به این رسانه ملی مرتکب افترا به آن شده و موجبات تشویش اذهان عمومی را فراهم ساخته است. از آن‌جا که ایجاد جو بدبینی با انتشار اخبار و اطلاعات کذب برای افکار عمومی علاوه بر

ارتکاب جرم مصداق فوق‌الذکر سبب بدبینی و بی‌اعتباری صدا و سیما که ارگان انحصاری نظام جمهوری اسلامی ایران است را فراهم می‌آورد، انتشار نسبت ناروا، عملکرد جناحی و باندبازی صدا و سیما از قول مسؤولان بلندپایه نظام خود موجب ایجاد تضاد در سیستم حکومتی می‌نماید که این تصور را در اذهان عمومی قوت می‌بخشد که اداره مرکزی خبری نظام با وجود اختلاف در بین سران آن به‌طور جدی مطرح است. علی‌هذا با شرح به مراتب، تعقیب کیفری و مجازات آقای عیسی سحرخیز مدیرمسئول روزنامه اخبار اقتصاد و آقای علی تاجرنیا نماینده منتخب مشهد در مجلس ششم مستنداً به مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۰ قانون مطبوعات مورد تقاضا می‌باشد. آقای جعفر علیاری به نمایندگی جهت ادای توضیح و دفاع در پرونده معرفی می‌گردند.

پاسخ اخبار اقتصاد به شکایت صدا و سیما

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند».

ماده ۲ قانون مطبوعات نیز یکی از رسالت‌های مطبوعات را «روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات دانش مردم» در زمینه‌های مختلف تعریف می‌کند.

ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب اسفند ۱۳۶۴ تأکید دارد «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند».

ماده ۵ نیز «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد» را «حق قانونی مطبوعات» معرفی می‌کند و حتی در اصلاحیه جدید قانون مطبوعات تبصره (۱) «متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال از خدمت و شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد».

شکایت صدا و سیما نمونه بارز اعمال «فشار» جهت «سانسور و کنترل مطبوعات» در عدم درج اخبار و سخنان مقام‌ها و به نقل از شاکی «مسئولان بلندپایه نظام» است و خود اعمال فشار برای عدم درج و عدم استفاده از مطالب رقیب این رسانه و تنها ارگان رسمی خبررسانی کشور (خبرگزاری جمهوری اسلامی - ایرنا) می‌باشد.

اخبار اقتصاد براساس رسالت مطبوعات و قوانین کشور اقدام به کسب و انتشار مطالب مورد نظر کرد و مسلماً افراد فوق که از مسؤولان و افراد بلندپایه نظام هستند مسؤولیت سخنان خود را به عهده می‌گیرند.

صدا و سیما چگونه انتظار دارد که سخنان یکی از مدرسین حوزه علمیه قم و آیات عظام کشور در انتقاد از سیاست جامعه مدرسین سانسور شده و دیدگاه ایشان نسبت به پخش برنامه‌ای در صدا و سیما، در روزنامه‌های کشور چاپ نشود.

اخبار اقتصاد در صورت عدم پس گرفته شدن شکایت صدا و سیما حق خود را برای شکایت از مدیرعامل و مدیرکل امور حقوقی صدا و سیما جهت تلاش برای اعمال فشار بر مطبوعات برای مبادرت به سانسور و کنترل نشریات محفوظ می‌دارد.

از مفاد شکایت برمی‌آید که آقای قربانعلی مهدی مدیرکل امور حقوقی صدا و سیما حتی یک بار نیز روزنامه **اخبار اقتصاد** را به دقت مطالعه نکرده و از القبای کار مطبوعاتی آگاهی ندارد، چون: الف. ایشان نمی‌دانند که صفایی فر صاحب امتیاز روزنامه است، نه مدیرمسئول آن.

ب. ایشان نمی‌دانند که عیسی سحرخیز مدیرمسئول روزنامه **اخبار اقتصاد** است.

ج. ایشان نمی‌دانند که در هر نشریه‌ای از جمله روزنامه **اخبار اقتصاد**، شناسنامه نشریه به صورت ثابت در مکان خاصی درج می‌شود و با یک مراجعه ساده به روزنامه می‌توان اطلاعات اساسی را به دست آورد.

بر این اساس مطالب چاپ شده نه تنها "موجبات تشویش اذهان عمومی" را فراهم نکرده، بلکه در راستای "رسالت مطبوعاتی" و "کسب و انتشار اخبار" و اطلاع افکار عمومی از نقطه نظرها و دیدگاه‌های "مسئولان بلندپایه نظام" بوده است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آفتاب امروز

نام نشریه: روزنامه آفتاب امروز

مدیرمسئول: فرهنگ فردنیا (فریدون عموزاده خلیلی)

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران، شعبه ۱۴۰۸ قاضی صارمی، شعبه ۲۳ دادگاه

تجدیدنظر استان تهران، قاضی رامندی و قاضی فیروزی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۴، تاریخ محاکمه: ۱۳۸۱/۸/۱۳

شماره دادنامه: ۲۹۴، کلاسه پرونده: ۱۳۱/۱۴۰۸/۸۰

شماره دادنامه: ۳۷۱۳، کلاسه پرونده: ۳۵۲۸/۲۳/۸۱

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، ایراد افترا
شاک: هیأت آل یاسین، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، بیمارستان سینا، سازمان قضایی

نیروهای مسلح، عباسعلی سلطانزاده و عظیمی نژاد، مدیرکل جمعیت انقلاب اسلامی،

مصطفی پورمحمدی، دانشگاه آزاد اسلامی، دادگستری شهرستان چابهار

رأی دادگاه: پنج سال محرومیت از کلیه فعالیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس و ده میلیون ریال جزای

نقدی بدل از حبس و شلاق برای فرهنگ فردنیا و شش ماه تعطیلی روزنامه، لغو امتیاز

روزنامه. دادگاه تجدیدنظر رأی دادگاه بدوی را تأیید کرد.

توقیف روزنامه

رئیس شعبه ۱۴۱۳ دادگاه با ارسال نامه‌ای به مدیرکل مطبوعات داخلی توقیف روزنامه آفتاب امروز را اعلام کرد.

در این نامه آمده از آنجا که پرونده آفتاب امروز جهت رسیدگی به شعبه ۱۴۱۳ ارجاع گردید،

باتوجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده اصرار روزنامه مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و

۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مستفاد است به منظور پیشگیری از وقوع جرم که اثرات

سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال

۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی دستور توقیف نشریه صادر می‌گردد.

جلسه دادگاه

نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات فریدون عموزاده خلیلی مدیرمسئول سابق و فرهنگ فردنیا مدیرمسئول فعلی روزنامه **آفتاب امروز** روز سیزدهم آبان ۱۳۸۱ در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی صارمی و با حضور اعضای هیأت منصفه برگزار شد.

در ابتدای جلسه، شکایت شاکیان خصوصی از جمله نماینده هیأت آلیاسین در شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی و عباسعلی سلطانزاده و عظیمی قرائت شد.

نماینده هیأت آلیاسین در شکایت خود آورده که روزنامه **آفتاب امروز** در سال ۱۳۷۸ با چاپ عکس "حسینیه آلیاسین" آن را "دخمه" معرفی کرده است.

دانشگاه آزاد اسلامی نیز در شکایتی اعلام کرد: روزنامه **آفتاب امروز** در گزارشی اقدام به چاپ مطالب خلاف واقع و کذب کرده است.

عموزاده خلیلی در خصوص گزارش دانشگاه آزاد گفت: در این مطلب که بخشنامه دانشگاه آزاد نقد شده است، هیچ‌گونه مطلب توهین‌آمیز و یا تضعیف دانشگاه آزاد مطرح نبوده، بلکه در راستای انجام وظیفه اطلاع‌رسانی شفاف صورت گرفته است.

در ادامه جلسه، شکایت عباسعلی سلطانزاده و عظیمی نژاد مطرح شد. در شکایت این افراد از روزنامه **آفتاب امروز** آمده است: این روزنامه در سال ۱۳۷۸ طی گزارشی خلاف واقع به خانواده شهدا، بسیج و روحانیت توهین کرده و اقدام به تشویش اذهان عمومی کرده است.

عموزاده خلیلی مدیرمسئول سابق روزنامه **آفتاب امروز** گفت: من حدود ۲۳ سال است که نویسنده هستم و کتابم درباره دفاع مقدس برنده جایزه اول شده است.

در ادامه جلسه دادگاه بیمارستان سینا از شکایت خود صرف‌نظر کرد.

ریاحی وکیل مدافع مدیران مسئول روزنامه **آفتاب امروز** گفت: از میان شکایت‌های طرح شده، سه شکایت مربوط به عموزاده خلیلی و بقیه مربوط به فردنیا مدیرمسئول فعلی روزنامه است.

وی با اشاره به ماده ۱۹۳ آیین دادرسی کیفری گفت: تعدادی شکایت مطرح شد بدون این‌که شاکیان در دادگاه حاضر شوند.

ممکن است قاضی برای استحضار اعضای هیأت منصفه این شکایات را قرائت کند ولی به لحاظ مقررات شرعی و قانونی قاضی نماینده شاکی نیست و طرح ادعا به عهده شاکی است.

وی در خصوص شکایت توهین به بسیج و قوه قضائیه گفت: دو نفر و یا بیش‌تر که عضو ارگانی هستند نمی‌توانند از حیثیت کل بسیج دفاع کنند. در صورتی که جرائم جنبه عمومی داشته باشد، طرح آن به عهده مدعی‌العموم است و شکایت این افراد و اشخاص که برای خود سمت قائل هستند و

به صورت داوطلبانه نهادهایی را نمایندگی می‌کنند، به علت فاقد سمت بودن قابلیت رسیدگی ندارد. قاضی صارمی رئیس دادگاه ادامه جلسه رسیدگی را به هفته آینده موکول کرد.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه فرمت فردنیا مدیرمسئول فعلی روزنامه آفتاب امروز در پشت تریبون قرار گرفت و در زمینه موارد اتهامی از خود دفاع کرد.

فردنیا گفت: از هفتم مهرماه ۱۳۷۸ مدیرمسئولی روزنامه آفتاب امروز را برعهده گرفته‌ام و در مجموع ۱۹۷ شماره با مدیرمسئولی من منتشر شده است.

وی با اشاره به وقعه دو سال و نیمه از زمان توقیف این روزنامه تاکنون خاطر نشان کرد: هدف ما در انتشار روزنامه دفاع از آرمان‌های انقلاب و آرمان شهدا بوده است و با توجه به این‌که «سرعت» یکی از عوامل مهم در انتشار روزنامه است، بدیهی است که اشتباهاتی نیز در چاپ مطالب صورت گیرد.

مدیرمسئول روزنامه توقیف شده آفتاب امروز به دفاع از موارد اتهامی پرداخت و با بیان این‌که من متهم به سانسور هستم، گفت: در برخی موارد که تصور می‌کردم ممکن است به برخی افراد تعرضی صورت گیرد، اعمال نظر می‌کردم.

فردنیا با اشاره به شکایت سردار نقدی فرمانده اسبق حفاظت و اطلاعات ناجا گفت: یکی از موارد شکایت سردار نقدی به مقاله‌ای با عنوان «اشک تمساح و محکومیت نقدی» از خانم عذرا فراهانی بود که نهم اسفند ۱۳۷۸ در این روزنامه به چاپ رسید.

به گفته فردنیا «مصاحبه خبرنگار روزنامه آفتاب امروز، با زرافشان و سخنان آقای رجیعلی مزروعی درباره سردار نقدی» از دیگر موارد شکایت سردار نقدی از این روزنامه بود که وی به آن‌ها پاسخ گفت.

فردنیا گفت که ما موظف به سانسور سخنان مسئولان نظام نیستیم.

وی همچنین افزود: پیگیری شکایت‌های آقای نقدی خود نشان‌دهنده آن است که ایشان بیش‌تر به سیاست‌گری می‌پردازند تا به نظامی‌گری.

غلامعلی ریاحی، وکیل مدافع مدیران مسئول روزنامه آفتاب امروز، نیز در ادامه به دفاع از موکلان خود پرداخت.

قاضی صارمی، رئیس دادگاه، ادامه جلسه رسیدگی را به هفته آینده موکول کرد.

ریاحی در پایان جلسه دادگاه در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا، گفت: نیروی انتظامی به عنوان یکی از

شاکیان این پرونده که دو مورد شکایت مطرح کرده بود، شکایات خود را پس گرفت و ۱۵ مورد شکایت نیز از سوی مدعی العموم مطرح شده که قرار است در جلسه آینده مورد رسیدگی قرار گیرد.

آخرین جلسه دادگاه

در این جلسه که به ریاست قاضی محمدرضا صارمی و با حضور هیأت منصفه مطبوعات در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران برگزار شد، اتهام مدیران مسؤول روزنامه آفتاب امروز توسط نماینده مدعی العموم قرائت شد.

اتهام این افراد، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی عنوان شد.

فرهت فردنیا مدیرمسئول روزنامه آفتاب امروز، در دفاع از خود گفت: ما اگر می‌دانستیم از نشر مطالب مندرج در روزنامه چنین برداشت‌هایی می‌شود، هرگز آن مطالب را منتشر نمی‌کردیم. بیش‌تر مطالبی که به‌عنوان موارد اتهامی از آن‌ها یاد شده، نقد و تحلیل‌هایی بوده است که نمی‌توان به آن‌ها نسبت صدق یا کذب داد، زیرا صدق و کذب در مورد اخبار به کار می‌رود.

فردنیا خاطر نشان کرد: گاهی ما هم در مقام مدیرمسئول با نشر برخی مطالب موافق نبودیم، ولی اگر از نشر این مطالب جلوگیری می‌کردیم، مخاطبان تصور می‌کردند، در یک جامعه پرسیانسور زندگی می‌کنند و این خود اثرات نامطلوب بر افکار عمومی دارد.

مدیرمسئول روزنامه آفتاب امروز تأکید کرد: ما هرگز قصد اختلال در نظام جمهوری اسلامی و نشر اکاذیب نداشتیم و فقط به رسالت اطلاع‌رسانی عمل می‌کردیم. اگر می‌دانستیم نشر این مطالب موجب رنجش خاطر برخی افراد می‌شود، هرگز این مطالب را منتشر نمی‌کردیم.

وی گفت: تبلیغ علیه نظام در خیال ما هم نمی‌گنجد، چه رسد به این‌که بخواهیم در این مورد اقدام کنیم. در مورد انتشار مطالب باید موقعیت زمانی را هم در نظر گرفت، زیرا در زمانی که این نشریه به چاپ می‌رسید، فضای سیاسی جامعه پرالتهاب بود و نشریات رقابت تنگاتنگی باهم داشتند.

وی با بیان این‌که اشکالی در مطالب منتشره نمی‌بینم، افزود: برای من قابل درک نیست که مشکل این مطالب چیست؟

غلامعلی ریاحی وکیل روزنامه نیز در دفاع از موکلان خود، گفت: عمده موارد اتهامی مطرح شده، نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام است که در مقالات و نوشته‌های چاپ شده در این نشریه مورد اشکال قرار گرفته است. در این نوشته‌ها مواردی در اعتراض به قوه قضائیه و شورای نگهبان مطرح شده، اما هیچ‌گاه کلیت نظام مدنظر نبوده است. اگر هم

اعتراضی به اجرای نظام شده است، این اعتراض هرگز به معنای تخریب کل نظام نیست، زیرا کل نظام را نمی‌توان با اجزای آن برابر دانست.

از آن‌جا که مضمون این پرونده نیز مشابه موارد اتهامی سایر پرونده‌های مطبوعات آن زمان است، به این نتیجه می‌رسیم که این حوادث مربوط به زمان خاصی یعنی زمان انتخاب آقای خاتمی، چالش‌های آن زمان و دوران پرالتهاپی است که مقتضای آن زمان بوده است.

این پرونده مربوط به دوره خاصی است که شاید تکرار این مطالب در مراحل تجدیدنظر و انعکاس دوباره آن‌ها به نفع جامعه و حتی جامعه روزنامه‌نگاری نباشد.

ریاحی خاطر نشان کرد: همان‌طور که موکلم گفت، مطالبی که در ادعای آورده شده، کم‌تر جنبه خبری و بیش‌تر جنبه تحلیل و اظهار نظر دارد، در حالی که در این جا صدق و کذب در مورد اخبار مطرح می‌شود و نوع مطالب مورد اشکال نیز از این قبیل است و مصداق نشر اکاذیب نیست.

انتشار بیانات و اظهارات مقامات سیاسی و تشکل‌های شناسنامه‌دار تا جایی که خط قرمزهای قانون مطبوعات را رعایت کرده باشند، بدون تحریف و قلب ماهیت، در نشریات خالی از اشکال است. اگر قوه قضائیه انتظار دارد که اطلاعیه‌های این قوه، بدون کم و کاست، در نشریات منتشر شود، باید با انتشار اطلاعیه‌های جناح مقابل نیز موافق باشد.

ریاحی تأکید کرد که روزنامه‌ها نباید قربانی مجادلات سیاسی بین دو جناح شوند. اگر مطالب مورد نظر افکار عمومی در نشریات منتشر نشوند و مخاطبان احساس کنند در جامعه‌ای پراسانسور زندگی می‌کنند، باید انتظار داشت که نگاه آنان به سمت رسانه‌های خارجی که به هیچ وجه نمی‌توان آن‌ها را کنترل کرد، معطوف شود.

ایجاد خفقان و فشار در جامعه شاید در کوتاه‌مدت پاسخگو باشد، ولی در درازمدت، افکار عمومی جامعه را به خارج از مرزهای جغرافیایی سوق می‌دهد.

فریدون عموزاده خلیلی مدیرمسئول اسبق روزنامه آفتاب امروز، نیز در دفاع از خود گفت: هدف سیاست‌گذاران این نشریه ارتقای سطح فرهنگی و بالندگی اجتماعی بوده و هیچ‌گونه سوءنیت مجرمانه در نشر مطالب نداشته‌ایم.

پس از اظهارات مدعی العموم و دفاعیات متهمان و وکیل آنان، هیأت منصفه مطبوعات وارد شور شد.

نظر هیأت منصفه

هیأت منصفه نظر خود را راجع به بی‌گناهی و مجرمیت مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده آفتاب امروز اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، این هیأت پس از انجام بررسی‌های لازم و به شور نشستن، درباره اتهامات فریدون عموزاده خلیلی اعلام کرد که وی نسبت به شکایت دانشگاه آزاد اسلامی مبنی بر مطالب مندرج در مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۷۸ مجرم نیست. طبق نظر هیأت منصفه، مدیرمسئول آفتاب امروز درباره شکایت عباسعلی سلطانزاده و احمد عظیمی نژاد از مطالب ماجرای حمله گروه‌های فشار به روزنامه و سردبیر توس مجرم نیست. همچنین درباره شکایت اداره حقوقی حفاناجا از فرهنگ فردنیا، هیأت منصفه وی را مجرم ندانست. شکایت محمد نوری از مطالب مورخ ۱۳۷۸/۸/۷ روزنامه آفتاب امروز نیز تأیید نگردید و مدیرمسئول در این زمینه مجرم شناخته نشد.

همچنین فردنیا در مورد شکایت اداره حقوقی حفاناجا درباره مطالب صفحه ۱۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۹ مجرم شناخته نشد. بنابر نظر هیأت منصفه، مدیرمسئول درباره شکایت اداره کل حقوقی حفاناجا نسبت به درج کاریکاتور صفحه ۲ شماره ۵۶ مجرم شناخته نشد. بنا بر این گزارش، شکایت اداره کل حقوقی حفاناجا درباره مطالب شماره ۱۸۳، صفحه اول، مورد تأیید قرار نگرفت و مدیرمسئول مجرم شناخته نشد.

مدیرمسئول آفتاب امروز نسبت به شکایت حوزه قضایی سیستان و بلوچستان شهرستان چابهار درباره مطالب مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۶ مجرم تشخیص داده شد. براساس گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، هیأت منصفه، روزنامه آفتاب امروز را مجموعاً در هشت مورد متهم و مجرم شناخت.

۱. درباره شکایت امیر مصباحی شیبستری از مطالب روزنامه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۳.
۲. از بابت شکایت جمعی از شرکت‌کنندگان در جلسه زیارت آلیاسین که نسبت به مطالب مندرج در شماره ۱۷۷ مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ شکایت داشتند.
۳. در خصوص شکایت حوزه قضایی سیستان و بلوچستان از توابع شهرستان چابهار که نسبت به مطالب مندرج در صفحه ۹ روزنامه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۶ شکایت داشتند.
۴. در خصوص شکایت سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد مطالب مندرج در روزنامه مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۳.

۵. در خصوص مطالب مندرج در روزنامه مورخ ۱۳۷۹/۲/۱ و شکایت مدعی العموم.

۶. در خصوص مطالب مندرج در روزنامه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۶.

۷. در خصوص مطالب مندرج در روزنامه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۶.

۸. در خصوص مطالب مندرج در روزنامه مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰.

این گزارش در خاتمه می‌افزاید: باتوجه به سابقه متهم و عدم محکومیت کیفری و نیز عنذرخواهی متهم از شکات، وی را مستحق تخفیف دانست.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای فرहत فردنیا مدیرمسئول وقت روزنامه آفتاب امروز (از تاریخ ۱۳۷۸/۷/۷ لغایت تاکنون) مبنی بر: ۱. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اضرار به غیر در جریان انتشار مطالبی با عنوان "اسامی کاندیداهای جناح راست برای مجلس ششم" در مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۳ موضوع شکایت آقای امیر مصباحی شبستری و نیز انتشار مطالبی با عنوان "نامه یک شهروند چابهارى به رئیس جمهور" در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۶ موضوع شکایت ریاست حوزه قضایی شهرستان چابهار و نیز انتشار مطالبی با عنوان "از اعتراف تا آزادی" در مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۳ موضوع شکایت سازمان قضایی نیروهای مسلح و نیز انتشار مطالبی با عنوان "چرا به جای محکوم کردن وحشی‌گری ضدانقلاب با آنها هم‌داستان می‌شوید" در مورخ ۱۳۷۹/۲/۱ موضوع شکوائیه معاونت دادگستری استان تهران و نیز انتشار مطالبی با عنوان "ویران کردن مطبوعات به چه بهایی؟" در مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۸ موضوع شکوائیه معاونت دادگستری استان تهران و نیز انتشار مطالبی با عنوان "ردپای پروژه قتل‌عام درمانی" در مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۶ موضوع شکوائیه معاونت دادگستری استان تهران و نیز انتشار مطالبی با عنوان "اقدام ننگین سیما با هدف تعطیل مجلس ششم صورت می‌گیرد" مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۱ موضوع شکوائیه معاونت دادگستری استان تهران ۲. ایراد افترا در جریان چاپ و انتشار مطالبی تحت عنوان "جزئیاتی از محل تجمع تروریست‌ها" و "شهرری یا پالمو" در مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ موضوع شکایت شرکت‌کنندگان در جلسه زیارت آل‌یاسین بیت‌الشهداء شهرری و ۳. تبلیغ بر علیه نظام در جریان چاپ و انتشار مطالبی تحت عنوان "زهبر هیچ‌گاه فراقانون نیست" در مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۵ موضوع شکوائیه معاونت دادگستری استان تهران دادگاه باتوجه به جامع اوراق پرونده و شکایت شکات خصوصی و شکایت معاونت دادگستری استان تهران و نظریه هیأت محترم منصفه مطبوعات مبنی بر مجرم شناختن متهم در موارد مذکور و عدم دفاع مؤثر از ناحیه متهم و وکیل مدافع وی و وارد ندانستن ایرادات وکیل متهم بزه‌های انتسابی به وی محرز است و مستنداً به مواد ۵۰۰ و ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و رعایت ماده ۴۷ از همان قانون و به لحاظ نظر هیأت محترم منصفه مطبوعات بر استحقاق متهم بر برخورداری از تخفیف با رعایت ماده ۲۲ از قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مطبوعات مشارالیه را به لحاظ نشر اکاذیب به پنج سال محرومیت از کلیه فعالیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس و به لحاظ ایراد افترا به پرداخت ده میلیون ریال (۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) جزای نقدی بدل از حبس و شلاق و به لحاظ تبلیغ علیه نظام به شش ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس محکوم می‌نماید. همچنین باتوجه به تخلفات عدیده مدیرمسئول روزنامه آفتاب امروز در ایام انتشار آن روزنامه و

عنایتاً به مجموعه عملکرد آن نشریه اصرار مدیرمسئول روزنامه *آفتاب امروز* را در تخطی از بندهای ۸ و ۱۱ از ماده ۶ قانون مطبوعات احراز گردید و لذا به استناد تبصره ذیل ماده ۶ قانون مطبوعات حکم به لغو امتیاز انتشار روزنامه *آفتاب امروز* صادر و اعلام می‌گردد. درخصوص دیگر اتهامات آقای فرهنگ فردنیا مبنی بر نشر اکاذیب و ایراد و افترا و توهین و تبلیغ بر علیه نظام موضوع شکایت معاونت دادگستری استان تهران تحت عناوین: "تراژدی مطبوعات در ایران" مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۷ و نیز "اطلاعیه دشمن‌شکن با بیانیه خودکوبی" مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ و نیز "اعتراض نیروهای ائتلاف ملی و مذهبی به اعمال خلاف قانون گروه‌های فشار" مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱ و نیز "مطبوعات باید ساکت شوند" مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۵ و نیز "روشنفکری در عصر در ژاپن" مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲ و نیز "مجلس پنجم در دفاع از آزادی شهروندان موفق نبود" مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ و نیز "محاكمه شکری بدون حضور هیأت منصفه نقض قانون اساسی است" مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۶ و نیز "چون نیک بنگری..." مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۶ و نیز "برخی محافل و مجالس موجب تحریک خشونت‌طلبان می‌شوند" مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۹ و نیز شکایت سردار نقدی و نیز شکایت حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بر علیه مدیرمسئول روزنامه *آفتاب امروز* نسبت به مطالب منتشره تحت عناوین: "ناگفته‌هایی از پرونده قتل‌های زنجیره‌ای..." در مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۳ و نیز "نقدی تنها کاری که نمی‌کند نظامی‌گری است" مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۴ و نیز "اشک‌های تمساح و محکومیت غلامرضا نقدی" مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۹ و نیز درج کاریکاتوری در شماره ۱۵۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ و نیز شکایت دبیرکل جمعیت جوانان انقلاب اسلامی نسبت به چاپ مطلبی در روزنامه *آفتاب امروز* مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۷ از توجه به جامع اوراق پرونده و نظریه هیأت محترم منصفه مبنی بر عدم مجرمیت مدیرمسئول روزنامه *آفتاب امروز* و مستنداً به ماده ۴۳ قانون مطبوعات رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد.

در خصوص اتهام دیگر متهم دایر بر نشر اکاذیب موضوع شکایت ریاست مرکز آموزشی سینا و شکایت فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و شکایت آقای مصطفی پورمحمدی باتوجه به اعلام گذشت شکات خصوصی و مستنداً به ماده ۶ ق.آ.د.ک محاکم عمومی و انقلاب ماده و ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌گردد.

در خصوص شکایت آقایان "عباسعلی سلطان‌زاده و حاج احمد عظیمی‌نژاد" علیه مدیرمسئول روزنامه *آفتاب امروز* صرف‌نظر از اعلام نظر هیأت منصفه مطبوعات بر عدم مجرمیت متهم و به لحاظ فقد سمت قانونی شکات و پذیرش ایراد و کیل مدافع متهم قرار منع پیگرد صادر و اعلام می‌گردد.

پرونده روزنامه آفتاب امروز ۱۲۰۱

در خصوص اتهام آقای فریدون عموزاده خلیلی مدیرمسئول وقت روزنامه آفتاب امروز (از تاریخ ۱۳۷۸/۵/۳۱ لغایت ۱۳۷۸/۷/۷) مبنی بر نشر اکاذیب در جریان چاپ مطلبی با عنوان "با اعمال نفوذ و تشدید نظارت بر نشریات دانشجویی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی دانشجویان را تحت کنترل درمی‌آورد" موضوع شکایت دانشگاه آزاد اسلامی باتوجه به اعلام نظر هیأت محترم منصفه مطبوعات بر عدم مجرمیت مدیرمسئول و مستنداً به ماده ۴۳ قانون مطبوعات رأی بر براءة متهم صادر و اعلام می‌گردد.

در خصوص اتهام دیگر آقای عموزاده خلیلی مبنی بر نشر اکاذیب موضوع شکایت ریاست بیمارستان سینا باتوجه به اعلام گذشت شاکی و مستنداً به ماده ۶ ق.آ.د.ک محاکم عمومی و انقلاب و ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌گردد. ضمناً درخصوص توقیف موقت روزنامه آفتاب امروز نیز با عنایت به صدور حکم به لغو پروانه انتشار موجبی برای رفع آن نمی‌باشد. آرای صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

از ناحیه تجدیدنظرخواه اعتراض مؤثری که فسخ دادنامه ۲۹۴/۸۱/شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران را ایجاب نماید به عمل نیامده تا مستلزم رسیدگی بیش‌تری باشد. دادنامه از جهت رسیدگی و رعایت تشریفات دادرسی و تطبیق اتهام با قانون و تعیین مجازات بلاشکال است. با رد اعتراض تجدیدنظرخواه دادنامه صادره عیناً تأیید می‌شود به دلالت ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رأی قطعی است.

یکی از متون مورد شکایت: اشک‌های تمساح و محکومیت غلامرضا نقدی

عذرا فراهانی

سرانجام شعبه هشتم دادگاه نظامی یک تهران نیز غلامرضا نقدی فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و سه تن از مأموران حفاظت اطلاعات را محکوم کرد. ده ماه پیش دادستان نظامی تهران کیفرخواستی علیه غلامرضا نقدی صادر کرد و وی را به اتهام ۱- لغو دستور مقام قضایی در ارتباط با نگهداری متهمین در سلول انفرادی ۲- آمریت و مشارکت در اذیت و آزار متهمین جهت اخذ اقرار ۳- بازداشت غیرقانونی ۴- گزارش خلاف واقع ۵- افترا و اهانت و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی به دادگاه فراخواند.

پیش‌تر از آن در پی انتشار مطالبی در مجلس شورای اسلامی، هیأت دولت و مطبوعات مبنی بر اذیت و آزار، شکنجه و دیگر اقدامات غیرقانونی نسبت به عده‌ای از متهمین پرونده شهرداری تهران، توسط مأموران حفا ناجا، ریاست جمهوری با تعیین آقایان شوشتری وزیر دادگستری و مروی رئیس محکمه انتظامی قضا

دستور بررسی و تحقیق را صادر نمود. شکایت از طریق رئیس جمهوری به رئیس قوه قضائیه وقت ارجاع و پس از صدور دستور رسیدگی از سوی آیت‌الله یزدی بخشی از پرونده به دادرسی عالی انتظامی قضات و بخش دیگری به سازمان قضایی نیروهای مسلح ارسال شد. نمایندگان رئیس جمهوری در روند بررسی مشکلات از بازداشتگاه وصال دیدن کرده و گزارش متهمین مبنی بر آزار و ضرب و شتم آنان را مورد تأیید قرار دادند. در همان زمان‌ها بود که دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز طی مصاحبه‌ای با خبرنگاری جمهوری اسلامی به بسیاری از این رفتارهای خلاف قانون اشاره کرد. در ادامه این تحقیقات کلیه افراد شاکی احضار و پس از استماع اظهارات آنها مشخص شد که شکات حتی از نام بازجویان و محل بی‌اطلاع هستند. تنها مدرک جرم دفاتر موجود در بازداشتگاه وصال بود که در یک بازدید غیرمترقبه که از سوی دادسرا صورت گرفته بود، به دست آمد. پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست از سوی دادرسی نظامی و تشکیل ۱۵ جلسه غیرعلنی دادگاه، رئیس شعبه هفت دادگاه انتظامی رأی بر محکومیت نقدی و دیگر متهمان داد. خبر محکومیت فرمانده حفاظت اطلاعات به ۹ ماه حبس همزمان با درگیری‌های ناشی از حوادث کوی دانشگاه اعلام و در لابه‌لای آن روز با رنگ کمتری در صفحه روزنامه‌ها جا گرفت. با اعتراض و تقاضای تجدیدنظرخواهی وکلای متهمان، پرونده جهت رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه نظامی یک ارجاع شد و شعبه هشتم نیز پس از بررسی لوایح وکلای رأی قطعی خود مبنی بر محکومیت نقدی و دیگر متهمان را صادر نمود.

این رأی در حالی صادر شد که امروز دقیقاً ۲ سال از روزی که رئیس قوه قضائیه خبرنگار سلام را بابت یک پرسش مورد خشم و عقاب و تهدید قرار داده بود می‌گذرد. ۲ سال پیش ریاست وقت قوه قضائیه از این سؤال خبرنگار که «درخصوص برخورد خارج از ضوابط قانون آئین دادرسی با متهمان شهرداری چه برخوردی داشته‌اید؟» به خشم آمدند و گفتند چرا قضاوت می‌کنید که کاری برخلاف قانون صورت گرفته است. باید خود طرف نزد من بیاید، و شکایت کند بگوید قاضی به من توهین کرده است. شایعات را که نمی‌توان به محاکمه کشاند و چندی بعد ایشان در خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشتند «خبرنگار سلام از من می‌پرسد این درست است که کسانی که بازداشت شده‌اند مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. من گفتم شما که در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی دستگاه قضایی را متهم می‌کنید موظف هستید سند و مدرک بیاورید وگرنه به عنوان متهم تو را تعقیب می‌کنم». آیت‌الله یزدی ادامه می‌دهد «سازمان قضایی نیروهای مسلح برای چه در کشور تأسیس شده است؟ اگر نیروهای انتظامی توهین کرده‌اند یا شما شکنجه شده‌اید به من مراجعه کنید طبق قانون نیروی انتظامی را محاکمه می‌کنیم.»

اگرچه دوران ریاست آیت‌الله یزدی برای اجرای حکم محکومیت نقدی کفاف نداد ولی باز هم ما به ایشان و به ریاست جدید قوه قضائیه می‌گوییم امروز همان روز وعده داده شده است. امروز افرادی که از سوی دادسرا و دادگاه نظامی محکوم شده‌اند، باید حکم آنها به اجرا درآید. امروز پس از ورود ۷ ماهه آیت‌الله هاشمی به دستگاه قضایی مردم چشم‌انتظارند تا عدالت اجرا گردد. آنها می‌خواهند شاهد محاکمه کسانی باشند که عده‌ای را مورد اذیت و آزار قرار دادند. اذیت و آزاری که پایه بسیاری از اعترافات برای تشکیل یک پرونده «ملی» شد. کسانی که مدتی بعد یکی پس از دیگری در دادگاه‌های تجدید نظر رأی محکومیت‌شان نقض می‌شد. کسانی که وقتی از اذیت و آزارها حرف می‌زدند، دیگران از آن به عنوان اشک تمساح نام می‌بردند، آری امروز «اشک تمساح» آنها محکومیت سردار نقدی و دیگران را قطعی ساخته و همگان منتظر اجرای این حکم هستند.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ارزش

نام نشریه: هفته نامه ارزش

مدیرمسئول: علی نظری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران، قاضی ملاح زاده

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۴

اتهام: تخلف از مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات

شاکی: مدعی العموم

رأی دادگاه: پرونده مفتوح است.

توقیف نشریه

رئیس شعبه ۱۴۱۳ دادگاه با ارسال نامه ای به مدیرکل مطبوعات داخلی اعلام کرد: از آن جا که پرونده اتهامی مدیرمسئول ارزش به این شعبه ارسال شده، با توجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ مستفاد است لذا به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی دستور توقیف نشریه صادر و اعلام می شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بامداد نو

نام نشریه: روزنامه بامداد نو

مدیرمسئول: ابوالقاسم گلباف

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه شعبه ۱۴۱۳، قاضی ملاحزاده، شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۶ توقیف، ۱۳۸۱/۴/۱۵ تاریخ محاکمه

شماره دادنامه: ۱۲۷، کلاسه پرونده: ۱۳۵

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام، توهین به مقدسات، تخلف از بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات

شاکلی: مدعی العموم و نیروی انتظامی، رئیس مجتمع قضایی شهید قدوسی

رای دادگاه: شش ماه تعطیلی روزنامه بامداد نو بدل از حبس، لغو امتیاز روزنامه.

حکم توقیف روزنامه بامداد نو^۱

مدیرکل محترم مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از آنجا که پرونده اتهامی مدیرمسئول روزنامه بامدادنو آقای ابوالقاسم گلباف جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده با توجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده اصرار روزنامه مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مستفاد است لذا به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار جامعه می باشد، به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم عمومی مجری وظایف مذکور هستند دستور توقیف موقت انتشار نشریه مذکور صادر و اعلام می گردد. مقرر است از انتشار نشریه فوق تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید. هرگونه تخطی از دستور فوق ترمرد از دستور قضایی محسوب می گردد.

جلسه دادگاه^۱

رسیدگی به پرونده اتهامی ابوالقاسم گلباف مدیرمسئول روزنامه بامدادنو در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی محمود صارمی، با حضور اعضای هیأت منصفه و به صورت علنی برگزار شد.

نماینده مدعی العموم در ابتدای جلسه با ذکر ۱۴ مورد شکایت در خصوص مطالب مندرج در روزنامه بامدادنو و براساس مواد قانونی ۵۱۳، ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و مواد ۶، ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات خواستار رسیدگی به شکایت شد.

نشر مطالب مجرمانه، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان و توهین به مقدسات از اتهامات مدیرمسئول روزنامه بامدادنو عنوان شده است.

در ادامه جلسه شکایت سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی درخصوص مطالب مندرج در روزنامه بامدادنو در روزهای یازدهم و نوزدهم فروردین ماه ۱۳۷۹ به نقل از سردار نقدی قرائت شد. حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی این خبر را کذب محض و خلاف واقع عنوان کرده و خواستار رسیدگی به این پرونده شده بود.

قاضی دادگاه در ادامه این جلسه، از ابوالقاسم گلباف مدیرمسئول روزنامه بامدادنو خواست دفاعیات خود را مطرح کند.

مدیرمسئول روزنامه بامدادنو گفت: شکات به جای ارسال پاسخ، اقدام به طرح شکایت کرده‌اند. وی درخصوص شکایت حفاظت اطلاعات ناجا گفت: خبر سخنرانی سردار نقدی از نواری پیاده شد که بسیار کیفیت آن پایین بود و به همین علت خبرنگار مضمون آن را ذکر کرده است. چنانچه خطا و لغزشی صورت گرفته، عذرخواهی می‌کنم. مدیرمسئول بامدادنو در خصوص مطالبی که تحت عنوان "به که باید گفت" در روزنامه به چاپ رسیده این مطلب را یک طنز ذکر کرد و گفت: در این مطلب به تعاریف انواع حکومت پرداخته و صرفاً یک کار حرفه‌ای انجام داده و قصد توهین نداشته است. وی در خصوص مطالبی تحت عنوان "متفکران در زندان" گفت: در این مطلب نویسنده محاکمه دبیرکل حزب مشارکت را از سر دلسوزی به ضرر نظام دانسته است.

گلباف با اشاره به ۱۴ مورد شکایت مدعی العموم گفت: آیا یک صفحه شکایت از سه هزار و ۲۰۰ صفحه زیاد است؟ وی درخصوص مطلب مورد شکایت "نهادها و آینده" گفت: نویسنده در مقاله‌ای به یک روش علمی، لزوم تطبیق نهادها و پدیده مرور زمان را بررسی کرده است.

مدیرمسئول بامدادنو با اشاره به دیگر شکایت مدعی العموم که درخصوص مطالبی تحت عنوان "جرم سیاسی" گفت: هنوز جرم سیاسی محل مناقشه است.

وی درخصوص دیگر شکایت مدعی العموم که تحت عنوان "پرسشنامه هیأت نظارت" به چاپ رسیده گفت: نویسنده این مطلب برای تیترو مطلبی که نوشته مورد مؤاخذه قرار گرفته است. گلباف در خصوص نوشته‌ای تحت عنوان "به نام عاشورا خسونت می‌کنند" عذرخواهی کرد. در ادامه جلسه غلامعلی ریاحی وکیل مدافع مدیرمسئول روزنامه بامدادنو گفت: موکلم صرفاً به کار حرفه‌ای پرداخته و هیچ‌وقت درصدد مقابله با تفکر خاصی نبوده است. وی در خصوص اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی گفت: از مجموعه آنچه که نماینده مدعی العموم مطرح کرده است شاید بتوان مصداقی در این خصوص پیدا کرد ولی به هیچ‌وجه در خصوص توهین به مقدسات بر نمی‌آید. ریاحی درخصوص استناد نماینده مدعی العموم به ماده ۵۱۳ گفت: موارد استناد این ماده در قانون محدود و دقیق است. براساس ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، هرکس به مقدسات اسلام و هر یک از انبیا، ائمه طاهرین و یا حضرت صدیقه طاهره اهانت کند، اگر مشمول سب باشد، به اعدام و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. آنچه که مطرح شده شامل توهین به مقدسات نمی‌شود. وی در مورد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص تبلیغ علیه نظام از اعضای هیأت منصفه خواست برای این ماده راه‌حل اساسی پیدا کنند. طبق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی به نفع گروه‌های خارج از کشور به هر نحو فعالیت تبلیغی کند، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ریاحی سؤال کرد که آیا درج مطالبی درخصوص ارکان، اجزاء، دستگاه قانون‌گذاری و دولت، عین "کل نظام" است؟ اگر قوه‌ای در نشریه‌ای مورد بی‌حرمتی قرار گرفت، به‌عنوان تبلیغ علیه نظام تلقی نکنیم بلکه این موارد از طریق شکایت پیگیری شود.

نظر هیأت منصفه

براساس اطلاعیه روابط عمومی دادگستری، هیأت منصفه در پایان جلسه دادگاه در مورد ۹ مورد شکایت مدعی العموم مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ به ضد نظام، ابوالقاسم گلباف را مجرم شناخت.

هیأت منصفه مدیرمسئول روزنامه بامدادنو را در مورد شکایت اداره کل حقوقی حفاظت اطلاعات ناجا و هفت مورد شکایت مدعی العموم مجرم نشناخت. این اطلاعیه حاکی است هیأت منصفه همچنین علاوه بر این‌که متهم را به دلیل عذرخواهی در جلسه علنی دادگاه و نداشتن سابقه محکومیت مطبوعاتی و اعلام تبری از اهانت به مقدسات و قول به اصلاح اشتباهات گذشته، با اکثریت آرا مستحق تخفیف دانست و در مورد رعایت اخلاق و حرفه مطبوعاتی به وی تذکر داد.

رأی دادگاه^۱

در خصوص اتهامات آقای ابوالقاسم گلباف مدیرمسئول روزنامه بامدادنو مبنی بر: ۱. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در جریان چاپ مقالات ذیل با عنوان الف: "متفکران در زندان" در شماره ۱۷۸ روزنامه بامدادنو. ب: "این یعنی تیر خلاص" در شماره ۱۷۸. "مصوبه مجمع تشخیص مصلحت فسادآور است" در شماره ۱۸۳. د: "به به از این نانی که برای ما پخته‌اید" در شماره ۱۸۳. ه: "اقدام قوه قضائیه علیه روزنامه‌نگاران، حرمت قانون را می‌شکند". و: "از دبه کسی ضرر ندیده" در شماره ۱۸۳. ز: "راهی نداریم" در شماره ۱۸۲. ۲. تبلیغ بر علیه نظام در جریان چاپ مقاله‌ای با عنوان: "عده‌ای به نام عاشورا خشونت می‌کنند" در شماره ۱۸۱ روزنامه بامدادنو و اعلام نظر هیأت محترم منصفه مطبوعات بر مجرمیت متهم نسبت به موارد فوق الذکر و دفاع غیر مؤثر متهم و وکیل مدافع وی و حسب دلایل و مستندات مذکور بزه‌های انتسابی به متهم محرز است و مستنداً به مواد ۴۷ و ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و به لحاظ این که هیأت محترم منصفه با اکثریت آرا متهم را مستحق برخورداری از تخفیف در مجازات تشخیص داد با رعایت ماده ۳۵ قانون مطبوعات مشارالیه را به لحاظ ارتکاب بزه تبلیغ بر علیه نظام به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس و در خصوص ارتکاب بزه نشر اکاذیب به شش ماه تعطیلی روزنامه بامدادنو بدل از حبس محکوم می‌نماید. همچنین باتوجه به موارد عدیده تخطی مدیرمسئول نشریه بامدادنو در ایام انتشار آن روزنامه دادگاه اصرار مدیرمسئول روزنامه بامدادنو در تخلف از بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات را از مجموعه عملکرد آن نشریه احراز نمود و مستنداً به تبصره ذیل ماده ۶ قانون مطبوعات حکم به لغو امتیاز انتشار روزنامه بامدادنو صادر و اعلام می‌دارد. در خصوص شکایت اداره کل حقوقی ناجا و سایر شکایات معاونت دادگستری استان تهران باتوجه به نظریه هیأت محترم منصفه مطبوعات بر عدم مجرمیت مدیرمسئول و مستنداً به ماده ۴۳ قانون مطبوعات رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد.

رفع توقیف موقت از روزنامه بامدادنو باتوجه به محکومیت‌های صادره سالبه بانتفاء موضوع است. آرای صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

۱. دادگاه ۱۴۰۸ باتوجه به این که آقای گلباف هم مدیرمسئول گزارش و هم بامدادنو است و جلسات رسیدگی به موارد شکایت از هر دو نشریه در یک دادگاه مطرح شد، لذا رأی خود را نسبت به هر دو نشریه در یک نسخه اصدار کرده که نگارنده رأی مربوط به هر نشریه را در پرونده همان نشریه قرار داده است.

تقاضای تجدیدنظرخواهی^۱

ریاست محترم شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

احتراماً عطف به اخطار ۲۵۲۵/۳۶/۸۱ در فرجه مقرر مراتب زیر در اعتراض نسبت به دادنامه شماره ۱۲۷-۸۱/۴/۱۵ به استحضار می‌رسد:

۱. اتهامات موکل عبارتست از: الف: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی ب: تبلیغ علیه

نظام جمهوری اسلامی ایران

در دادنامه صادره برای عنوان اول اتهام هشت مصداق و برای اتهام دوم یک مصداق ذکر گردیده است. از هشت مصداق نشر اکاذیب دو مورد مطالب مندرج در ماهنامه گزارش است و شش مورد روزنامه بامدادنو و مصداق تبلیغ علیه نظام نیز مطلبی است که در روزنامه بامدادنو انتشار یافته است.

دادنامه صادره دارای این اشکال اساسی است که با وجود هویت و شخصیت حقوقی مستقل دو نشریه صرفاً به علت وحدت مدیرمسئول مصادیقی از مطالب دو نشریه مذکور را احصا نموده که هرچند از نظر مجازات شخصی مدیرمسئول بلاشکال بنظر برسد لیکن چون علاوه بر مجازات جریمه که علیه شخص مدیرمسئول است تعطیلی شش ماه نشریه بامدادنو به عنوان جانشین مجازات شخص اصلی در نظر گرفته شده از این نظر محل اشکال است. مضافاً به این که یک بار نشریه بامدادنو تعطیل موقت شش ماهه شده در عین حال حکم به لغو امتیاز همان نشریه یعنی تقطیع دائم آن صادر شده است که جمع و اجرای این مجازات در خصوص یک نشریه امکان عقلی و عملی ندارد.

۲. در مطلبی که مصداق تبلیغ علیه نظام تلقی شده تحت عنوان "عده‌ای به نام عاشورا خشونت تبلیغ می‌کنند" موضوع سخنرانی خانم گورابی و آقای تقی رحمانی که در شماره ۱۸۱ بامدادنو انتشار یافته اصولاً نظر به حکومت و حاکمیت و کارگزاران آن نیست و در سرتاسر مطلب منتشره کلمه یا عبارتی که ناظر به نظام جمهوری اسلامی ایران باشد به چشم نمی‌خورد و خطاب مطالب عنوان شده به اشخاص و گروه‌های خارج از حاکمیت است که جزء مجموعه نظام نیستند لذا توجه دادن این مطالب به سوی نظام و مسؤولان آن تحمیل بر محتوای مطلبی است که نه در ظاهر کلمات و نه در معنا و مفهوم جملات آن قرائن حالیه و مقالیه به نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد. لذا محکومیت موکل تحت این عنوان و رعایت ماده ۴۷ از حیث تعدد مادی که موجب تشدید مجازات موکل گردیده منطبق با موازین قانونی نیست خصوصاً باید توجه داشت که موکل مستحق تخفیف

۱. از آن جا که محاکمه روزنامه بامدادنو و گزارش در یک زمان برگزار شد و برای هر دو نشریه یک نسخه رأی صادر شده لذا لایحه تقاضای تجدیدنظرخواهی وکیل مدیرمسئول را برای هر دو نشریه آوردیم.

بوده و از بیش از دوسوم اتهامات برائت حاصل نموده است.

۳. دادگاه ایراد به مشمول مرور زمان را در خصوص مقاله "از مفساد اجتماعی تا تهاجم فرهنگی" که در اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ چاپ شده و تا تاریخ حکم یعنی ۱۳۸۱/۴/۱۵ بیش از پنج سال از تاریخ آن گذشته و مطابق ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری مشمول مرور زمان بوده، مردود اعلام نموده با این استدلال که ماده ۱۷۳ ناظر به مجازات‌های بازدارنده است نه تعزیری. این استدلال درست نیست زیرا کلیه مجازات‌های مربوط به جرائم مطبوعاتی از نوع بازدارنده است. چون در زمان تشریح احکام شرع اصولاً جرائم مطبوعاتی وجود نداشته و این مجازات‌ها از امور مستحده است. ثانیاً بین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده مطابق تعاریف مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی در حال حاضر تفاوتی وجود ندارد زیرا مجازات‌های تعزیری نیز در نظام قانون‌گذاری فعلی از جهت نوع و میزان درجه‌بندی و تعیین می‌شود مانند تعداد شلاق و زندان و جزای نقدی و از این حیث تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده در حال فعلی وجود ندارد. هنگام تصویب قانون تعزیرات در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ دو دیدگاه وجود داشت. شورای نگهبان معتقد بود که اصولاً مجلس حق ندارد نوع و مقدار مجازات‌های تعزیری را تعیین کند بعد از نامه جناب آقای رفسنجانی رئیس وقت مجلس، حضرت امام(ره) طی نامه‌ای با عنوان آیت‌الله محمدی گیلانی خطاب به فقهای شورای نگهبان به این استدلال که قضات شاغل در دستگاه قضایی مجتهد نیستند بلکه مأذون می‌باشند لزوم تعیین نوع و مقدار مجازات‌های تعزیری را مورد تأکید قرار دادند و بدین ترتیب مجازات‌های تعزیری کم‌ و کیفیاً تعریف و تعیین شد.

نظر اداره حقوقی قوه قضائیه و رویه عادی در محاکم نیز این است که هر دو مجازات را با حصول شرایط مقرر در ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری مشمول مرور زمان می‌دانند لذا این قسمت از استدلال دادگاه نیز مخدوش است.

۴. دادگاه برای لغو امتیاز نشریه بامدادنو به بندهای ۸ و ۱۱ قانون مطبوعات استناد کرده است، درحالی‌که بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات شامل افترا می‌باشد و نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام در این بند نیست و بند ۱۱ اصلاحی نیز ناظر به پخش شایعات و مطالب خلاف واقع است که نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام دو موضوع اتهامی موکل در این بند نیز به چشم نمی‌خورد، لذا حکم صادره مخدوش است لذا فسخ دادنامه معترض‌عنه خصوصاً در قسمت تعطیلی موقت و لغو امتیاز نشریه بامدادنو از محضر قضات محترم دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورد استدعاست.

با احترام غلامعلی ریاحی-وکیل آقای ابوالقاسم کلباف

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه گزارش

نام نشریه: ماهنامه گزارش

مدیرمسئول: ابوالقاسم گلباف

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۱/۴/۱

شماره دادنامه: ۱۲۷، کلاسه پرونده: ۱۳۵/۱۴۰۸/۸۰

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی

شاکی: معاون دادگستری استان تهران، مدعی العموم، بیمه دانا، موسی قربانی

رای دادگاه: سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس در مورد شکایت معاونت دادگستری، باتوجه

به اعلام گذشت شاکی (بیمه دانا) قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

جلسه دادگاه ماهنامه گزارش^۱

رسیدگی به پرونده اتهامی ابوالقاسم گلباف مدیرمسئول ماهنامه گزارش در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به ریاست آقای محمود صارمی، با حضور اعضای هیأت منصفه و به صورت علنی برگزار شد.

نماینده مدعی العموم در ابتدای جلسه با ذکر ۱۴ مورد شکایت در خصوص مطالب مندرج در ماهنامه گزارش براساس مواد قانونی ۵۱۳، ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و مواد ۶، ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات خواستار رسیدگی به شکایت شد.

نشر مطالب مجرمانه، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی و توهین به مقدسات از اتهامات مدیرمسئول ماهنامه گزارش عنوان شده است.

قاضی صارمی در ادامه جلسه دادگاه، شکایت رئیس مجتمع قضایی شهید قدوسی از ماهنامه گزارش در خصوص برخورد با پدیده منکرات و انعکاس بد آن را قرائت کرد.

قاضی دادگاه در ادامه این جلسه از ابوالقاسم گلباف مدیرمسئول ماهنامه گزارش خواست دفاعیات خود را مطرح کند.

وی در خصوص شکایت رئیس مجتمع قضایی شهید قدوسی گفت: چون زمان مطلب به اردیبهشت سال ۱۳۷۶ برمی‌گردد، به استناد ماده قانونی، مشمول مرور زمان می‌شود.

مدیرمسئول ماهنامه گزارش نیز در خصوص چاپ مطلبی با عنوان "پرگار" گفت: در این مطلب ذکر شده که در سال امام علی (ع) که از سوی رهبری اعلام شده، از خشونت پرهیزیم. اگر در این مطلب کاستی‌هایی وجود دارد، تقاضای عفو دارم.

وی درخصوص دیگر شکایت مدعی‌العموم که تحت‌عنوان "پرسشنامه هیأت نظارت" به چاپ رسیده گفت: نویسنده این مطلب برای تیترو مطلبی که نوشته مورد مؤاخذه قرار گرفته است.

در ادامه جلسه غلامعلی ریاحی وکیل مدافع مدیرمسئول ماهنامه گزارش گفت: موکلم صرفاً به کار حرفه‌ای پرداخته و هیچ وقت درصدد مقابله با تفکر خاصی نبوده است.

از مجموعه آنچه که نماینده مدعی‌العموم مطرح کرده است شاید بتوان مصداقی در این خصوص پیدا کرد ولی به هیچ‌وجه درخصوص توهین به مقدسات بر نمی‌آید.

ریاحی درخصوص استناد نماینده مدعی‌العموم به ماده ۵۱۳ گفت: موارد استناد این ماده در قانون محدود و دقیق است. براساس ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، هرکس به مقدسات اسلام و هریک از انبیا، ائمه طاهرین و یا حضرت صدیقه طاهره اهانت کند، اگر مشمول سب باشد، به اعدام و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. آنچه که مطرح شده شامل توهین به مقدسات نمی‌شود.

وی در مورد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی درخصوص تبلیغ علیه نظام از اعضای هیأت‌منصفه خواست برای این ماده راه‌حل اساسی پیدا کنند. طبق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی به نفع گروه‌های خارج از کشور به هر نحو فعالیت تبلیغی کند، به حبس از سه ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود.

ریاحی سؤال کرد که آیا درج مطالبی درخصوص ارکان، اجزا، دستگاه قانون‌گذاری و دولت، عین "کل نظام" است؟

وی گفت: اگر قوه‌ای در نشریه‌ای مورد بی‌حرمتی قرار گرفت، به‌عنوان تبلیغ علیه نظام تلقی نکنیم بلکه این موارد از طریق شکایت پیگیری شود.

وکیل مدافع ماهنامه گزارش همچنین یکی از شکایت‌ها که توسط قربانی (نماینده مجلس) مطرح شده را شامل مرور زمان دانست.

در پایان جلسه، ریاحی وکیل متهم، خواستار حکم برائت موکل خود شد.

نظر هیأت منصفه

هیأت منصفه در مورد شکایت سرپرست مجتمع قضایی شهید قدوسی دائر بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و چند مورد شکایت مدعی العموم مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام، ابوالقاسم گلباف را مجرم شناخت. هیأت منصفه همچنین علاوه بر این که متهم را به دلیل عذرخواهی در جلسه دادگاه و نداشتن سابقه محکومیت مطبوعاتی و اعلام تبری از اهانت به مقدسات با اکثریت آرا مستحق تخفیف دانست و در مورد رعایت اخلاق و حرفه مطبوعاتی به وی تذکر داد.

رأی دادگاه

در خصوص اتهامات آقای ابوالقاسم گلباف مدیرمسئول ماهنامه گزارش مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در جریان چاپ مقالات ذیل با عناوین الف: از مفاصد اجتماعی تا تهاجم فرهنگی شماره ۷۵ ماهنامه گزارش. ب: بازی با قانون در شماره ۸۹ ماهنامه گزارش ۲. موضوع اعلام جرم سرپرست وقت مجتمع قضایی شهید قدوسی و معاونت دادگستری گل استان تهران و اعلام نظر هیأت منصفه مطبوعات بر مجرمیت متهم نسبت به موارد فوق الذکر و دفاع غیر مؤثر متهم و وکیل مدافع وی و با عنایت به این که دادگاه ایراد وکیل مدافع محترم متهم را در مورد مشمول مرور زمان مطالب مندرج در مقاله موضوع شکایت سرپرست وقت مجتمع قضایی شهید قدوسی و باتوجه به عدم قرار داشتن بزه نشر اکاذیب در شمول جرائم بازدارنده و این که مشمول مرور زمان تنها در مورد جرائم بازدارنده است نه تعزیرات، وارد تشخیص نداد و حسب دلایل و مستندات مذکور بزه های انتسابی به متهم محرز است و مستنداً به مواد ۴۷ و ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و به لحاظ این که هیأت محترم منصفه با اکثریت آرا متهم را مستحق برخورداری از تخفیف در مجازات تشخیص داد. با رعایت ماده ۳۵ قانون مطبوعات مشارالیه را به لحاظ ارتکاب بزه تبلیغ علیه نظام به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس محکوم می نماید. در خصوص شکوائیه موسی قربانی بر علیه مدیرمسئول ماهنامه گزارش آقای گلباف به لحاظ ایراد وکیل مدافع متهم به سمت شاکی دادگاه ایراد را وارد دانست و به لحاظ فقد سمت قانونی قرار منع تعقیب و پیگرد صادر و اعلام کرد. در خصوص شکایت شرکت بیمه دانا با اعلام گذشت شاکی مستنداً به ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری محاکم عمومی و انقلاب قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می گردد.

تقاضای تجدیدنظرخواهی^۱

ریاست محترم شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

احتراماً عطف به اخطار ۲۵۲۵/۳۶/۸۱ در فرجه مقرر مراتب زیر در اعتراض نسبت به دادنامه شماره ۱۵/۴/۸۱-۱۲۷ به استحضار می‌رسد:

۱. اتهامات موکل عبارتست از: الف. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی ب. تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران.

در دادنامه صادره برای عنوان اول اتهام ۸ مصداق و برای اتهام دوم یک مصداق ذکر گردیده است. از ۸ مصداق نشر اکاذیب دو مورد مطالب مندرج در ماهنامه گزارش است و ۶ مورد روزنامه بامدادنو و مصداق تبلیغ علیه نظام نیز مطلبی است که در روزنامه بامدادنو انتشار یافته است.

دادنامه صادره دارای این اشکال اساسی است که با وجود هویت و شخصیت حقوقی مستقل دو نشریه صرفاً به علت وحدت مدیرمسئول مصادیقی از مطالب دو نشریه مذکور را احصا نموده که هرچند از نظر مجازات شخصی مدیرمسئول بلااشکال بنظر برسد لیکن چون علاوه بر مجازات جریمه که علیه شخص مدیرمسئول است تعطیلی ۶ ماه نشریه بامدادنویه عنوان جانشین مجازات شخص اصلی در نظر گرفته شده از این نظر محل اشکال است. مضافاً به این که یک بار نشریه بامدادنو تعطیل موقت ۶ ماهه شده در عین حال حکم به لغو امتیاز همان نشریه یعنی تقطیع دائم آن صادر شده است که جمع و اجرای این مجازات در خصوص یک نشریه امکان عقلی و عملی ندارد.

۲. در مطلبی که مصداق تبلیغ علیه نظام تلقی شده تحت عنوان "عده‌ای به نام عاشورا خشونت تبلیغ می‌کنند" موضوع سخنرانی خانم گورابی و آقای تقی رحمانی که در شماره ۱۸۱ بامدادنو انتشار یافته اصولاً نظر به حکومت و حاکمیت و کارگزاران آن نیست و در سرتاسر مطلب منتشره کلمه یا عبارتی که ناظر به نظام جمهوری اسلامی ایران باشد به چشم نمی‌خورد و خطاب مطالب عنوان شده به اشخاص و گروه‌های خارج از حاکمیت است که جزء مجموعه نظام نیستند لذا توجه دادن این مطالب به سوی نظام و مسئولان آن تحمیل بر محتوای مطلبی است که نه در ظاهر کلمات و نه در معنا و مفهوم جملات آن قرائن حالیه و مقالیه به نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد. لذا محکومیت موکل تحت این عنوان و رعایت ماده ۴۷ از حیث تعدد مادی که موجب تشدید مجازات موکل گردیده منطبق با موازین قانونی نیست خصوصاً باید توجه داشت که موکل مستحق تخفیف بوده و از بیش از دو سوم اتهامات براءت حاصل نموده است.

۱. از آن جا که محاکمه روزنامه بامدادنو و گزارش در یک زمان برگزار شد و برای هر دو نشریه یک نسخه رأی صادر شده لذا لایحه تقاضای تجدیدنظرخواهی وکیل مدیرمسئول را برای هر دو نشریه آوردیم.

۳. دادگاه ایراد به مشمول مرور زمان را در خصوص مقاله "از مفاسد اجتماعی تا تهاجم فرهنگی" که در اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ چاپ شده و تا تاریخ حکم یعنی ۱۳۸۱/۴/۱۵ بیش از ۵ سال از تاریخ آن گذشته و مطابق ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری مشمول مرور زمان بوده، مردود اعلام نموده با این استدلال که ماده ۱۷۳ ناظر به مجازات‌های بازدارنده است نه تعزیری، این استدلال درست نیست زیرا کلیه مجازات‌های مربوط به جرائم مطبوعاتی از نوع بازدارنده است. چون در زمان تشریح احکام شرع اصولاً جرائم مطبوعاتی وجود نداشته و این مجازات‌ها از امور مستحدثه است. ثانیاً بین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده مطابق تعاریف مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی در حال حاضر تفاوتی وجود ندارد زیرا مجازات‌های تعزیری نیز در نظام قانون‌گذاری فعلی از جهت نوع و میزان درجه‌بندی و تعیین می‌شود مانند تعداد شلاق و زندان و جزای نقدی و از این حیث تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده در حال فعلی وجود ندارد. هنگام تصویب قانون تعزیرات در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ دو دیدگاه وجود داشت. شورای نگهبان معتقد بود که اصولاً مجلس حق ندارد نوع و مقدار مجازات‌های تعزیری را تعیین کند بعد از نامه جناب آقای رفسنجانی رئیس وقت مجلس، حضرت امام (ره) طی نامه‌ای با عنوان آیت‌الله محمدی گیلانی خطاب به فقهای شورای نگهبان به این استدلال که قضات شاغل در دستگاه قضایی مجتهد نیستند بلکه مأذون می‌باشند لزوم تعیین نوع و مقدار مجازات‌های تعزیری را مورد تأکید قرار دادند و بدین ترتیب مجازات‌های تعزیری کم‌ و کیفاً تعریف و تعیین شد.

نظر اداره حقوقی قوه قضائیه و رویه عادی در محاکم نیز این است که هر دو مجازات را با حصول شرایط مقرر در ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری مشمول مرور زمان می‌دانند لذا این قسمت از استدلال دادگاه نیز مخدوش است.

۴. دادگاه برای لغو امتیاز نشریه *بامدادنو* به بندهای ۸ و ۱۱ قانون مطبوعات استناد کرده است، درحالی که بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات شامل افترا می‌باشد و نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام در این بند نیست و بند ۱۱ اصلاحی نیز ناظر به پخش شایعات و مطالب خلاف واقع است که نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام دو موضوع اتهامی موکل در این بند نیز به چشم نمی‌خورد، لذا حکم صادره مخدوش است لذا فسخ دادنامه معترض عنه خصوصاً در قسمت تعطیلی موقت و لغو امتیاز نشریه *بامدادنو* از محضر قضات محترم دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورد استدعاست.

با احترام غلامعلی ریاحی-وکیل آقای ابوالقاسم گل‌باف

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی

نام نشریه: ماهنامه پیام آزادی

مدیرمسئول: داوود بهرامی سیاوشانی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران، قاضی عبدالنبی ملاحزاده، قاضی بیات

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۶ تاریخ توقیف

اتهام: تخلف از مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات. توهین، افتراء، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان

عمومی

شاک: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، اداره حقوقی حفاناجا، صدا و سیما

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

توضیح: انتشار روزنامه پیام آزادی در فروردین سال ۱۳۷۹ به علت مشکلات مالی متوقف

شد. این روزنامه در اردیبهشت همراه ۱۲ نشریه دیگر از سوی دادگستری توقیف شد.

خلاصه پرونده

مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی در شهریورماه ۱۳۷۸ به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

مورد پیگرد قانونی قرار گرفت و با صدور قرار کفالت به مبلغ ۵۰ میلیون ریال آزاد شد. این روزنامه

در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ توقیف شد.

توقیف روزنامه پیام آزادی توسط شعبه ۱۴۱۳

از آنجا که پرونده اتهامی مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی آقای داوود بهرامی سیاوشانی جهت

رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده باتوجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده اصرار روزنامه

مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مستفاد است لذا به

منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب

نگرانی افشار جامعه می باشد، به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹

و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم عمومی مجری وظایف مذکور هستند دستور توقیف موقت انتشار نشریه مذکور صادر و اعلام می‌گردد. مقرر است از انتشار نشریه فوق تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید. هرگونه تخطی از دستور فوق ترمذ از دستور قضایی محسوب می‌گردد.

لایحه دفاعیه مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۱۲۸/۱۴۱۳/۷۹ مطروحه در آن شعبه، موضوع شکایت وارده علیه این‌جناب داوود بهرامی سیاوشانی صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی، پیرو دستور مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۳ که مقرر گردید لایحه دفاعیه در جهت رفع ابهام و اتهام تقدیم گردد، به استحضار عالی می‌رسانم: این‌جناب با سابقه چنددهه خدمت به اسلام و مسلمین و پس از انقلاب اسلامی با فعالیت صادقانه در مشاغل مختلف اداری دولتی، در جهت تنویر افکار عمومی جامعه و خدمت بیش‌تر به امت مسلمان تصمیم گرفتم روزنامه پیام آزادی را با خط‌مشی مستقل و با امکانات محدود بخش خصوصی، زیر نظر خود منتشر نمایم و در این راستا به موفقیت‌هایی نیز نائل آمدم و قشر جوان و تحصیل‌کرده را در جهت روشنگری رهنمون شدیم.

دوره جدید پیام آزادی از تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۰ به صورت منظم منتشر و متأسفانه چند ماه بعد، این‌جناب به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران احضار و متوجه شدم چند مطلب چاپ شده در اولین شماره دوره جدید مورد ایراد و اشکال قانونی قرار گرفته است که توضیحات لازم داده شد و پس از آن دیگر این‌جناب را به دادگاه احضار نکردند و خوشبختانه مواردی که مورد شکایت یا سوء تفاهم واقع شود در نشریه ما به چاپ نرسیده بود. تا این‌که در فروردین ۱۳۷۹ انتشار روزنامه پیام آزادی به علت مشکلات مالی به وجود آمده متوقف گردید و متعاقباً با کمال تعجب مشاهده گردید که در اردیبهشت ۱۳۷۹ که تعدادی از نشریات توقیف موقت شده‌اند نام روزنامه پیام آزادی نیز جزو آن‌ها آمده است و حال آنکه روزنامه پیام آزادی بدون آنکه هیچ‌گونه محکومیت و مشکل قانونی داشته باشد، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول آن خود رأساً انتشار روزنامه را متوقف کرده بود. بنابراین اصولاً نیازی به صدور دستور قضایی هم نبوده است و از آن‌جایی که حدود بیش از یک‌سال از شکایت مطرح شده علیه مدیرمسئول روزنامه پیام آزادی می‌گذرد، اخیراً این‌جناب به محضر آن ریاست محترم احضار و خود و وکیلیم توضیح لازم در جهت رفع سوء تفاهم به عمل آمده دادیم و قرار شد که اطلاعات بیش‌تر پس از مروری مجدد بر مندرجات روزنامه تهیه و خدمت آن مقام معظم ارائه گردد. بدو اعلام می‌دارم امر روزنامه‌نگاری در کشور و تهیه ده‌ها هزار کلمه مطلب که باید نوشته و

تنظیم، ویراستاری، بررسی و با سیاست‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی تطبیق داده شود، کاری است بس دشوار و لذا احتمال لغزش و اشتباه در کار روزنامه‌نگاری امری است طبیعی. اما خوشبختانه جز در شماره‌های اولیه روزنامه که به نظر شاکیان مسائلی رسیده است، در شماره‌های بعدی مشکل و شکایتی ملاحظه نمی‌شود و این دلیل دقت بیشتر مسؤولان این روزنامه در چاپ و انتشار آن در چارچوب قانون مطبوعات می‌باشد و اینک موارد مورد استناد شاکیان محترم را با بررسی مطالب مندرج، پاسخ می‌گوییم.

۱. درخصوص شکایت ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر در مورد تیتر «چون من بیندیش یا بمیرا!» با مطالعه دقیق مقاله روشن می‌گردد که مراد و مقصود این نویسنده از تئورسین خودی و غیرخودی سعید امامی بوده لاغیر و نویسنده فقط در وادی نقد از سعید امامی قلم زده است.

۲. در خصوص شکایت اداره کل حقوقی ناجا در مورد گزارش مصاحبه با صاحب‌نظران تحت عنوان «ظهارات تیمسار نقدی ناشی از ذهنیت هرج و مرج طلبانه اوست» باید توضیح دهیم که انصاف قضایی ایجاب می‌کند که با عنایت به سخنان ایشان و سرمقاله همان شماره روزنامه پیام آزادی تحت عنوان «چه کسی نیروی انتظامی را تضعیف می‌کند» باید توجه داشت این سؤال از نظر قانونی به ذهن متبادر می‌شود که آیا یک مقام مسؤول در نیروی انتظامی که خود باید اولین اجراکننده قانون باشد و دیگران را به اطاعت از قانون دعوت کند صحیح است که بگوید: «... اگر حکم خدا را اجرا نکنند حکم را اجرا می‌کنم و منتظر هیچ‌کس نمی‌مانم. هر نتیجه‌ای داشته باشد تیربارانمان بکنند، اعدام‌مان بکنند ما این کار را خواهیم کرد»؟

من دوستانه و خالصانه از مسؤولان اداره کل حقوقی جفاناجا تقاضا دارم که مسأله را بررسی نمایند و خود قضاوت کنند که حق با کیست؟ ضمن آن‌که وقتی شخصی با احساسات مطالبی را عنوان می‌کند، ممکن است دیگری نیز با همان احساسات بخواهد عجولانه در مقابلش موضع‌گیری کند و او را به اجرای قانون دعوت نماید.

۳. در خصوص شکایت اداره کل حقوقی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در مورد مقاله «صدا و سیما محصور در خانه تنگ و تاریک خویش» نویسنده جوان مقاله سعی بر بیان خواسته‌های نسل جوان از صدا و سیما داشته است ولی متأسفانه قلم ناقص او نتوانسته است آن‌طور که باید و شاید مطلب را بیان کند و شاهد کلام آن‌که در حال حاضر مسؤولان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خود نیز اذعان دارند که برنامه‌های صدا و سیما نسبت به دو سال قبل تغییرات بسیار زیادی در جهت جذب جوانان کرده است. به‌طور مثال برنامه‌های زنده و شادی که به

۱۲۲۰ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

صور مختلف برای طبقه جوان اجرا می‌گردد در آن سال‌ها، این برنامه‌ها با محدودیت مواجه بود و منظور نویسنده جوان ما نیز این بود که باید بیت‌المال را در جهت خواسته مردم هزینه کرد و به زعم خود، نظر راهنمایی و ارشاد داشته است و خدای ناکرده نمی‌خواسته کسی را به جرمی متهم کند. مقام معظم؛ همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید پاسخ‌های این‌جانب به موارد مطروحه در پرونده مدغن و کافی است، استدعا دارم ضمن بررسی نسبت به مختومه نمودن پرونده اقدام شایسته مبذول فرمایید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه مشارکت

نام نشریه: روزنامه مشارکت

مدیرمسئول: محمدرضا خاتمی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی سعید مرتضوی، شعبه ۱۴۱۳

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۸

اتهام: توهین، افتراء، اقدام علیه امنیت ملی، توهین به مسؤلان مملکتی، نشر اکاذیب
شاکی: صدا و سیما، معاونت اطلاعات نیروی انتظامی، هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان،
عده‌ای به عنوان طلاب و رزمنده، یک شکایت مربوط به اهل دخمه در خصوص ترور

حجاریان

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

بازجویی از مدیرمسئول روزنامه مشارکت^۱

محمدرضا خاتمی مدیرمسئول روزنامه مشارکت که با وکیل خود در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات حضور یافته بود، بعد از سه ساعت بازجویی موارد اتهامی خود را شش مورد عنوان کرد. به گفته وی، معاونت اطلاعات نیروی انتظامی در مورد تبلیغات علیه برخی کاندیداها و هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان در مورد مطالبی در ویژه‌نامه انتخابات روزنامه مشارکت و سازمان صدا و سیما درباره درج سخنانی یکی از مسؤلان شکایت کرده‌اند.

محمدرضا خاتمی تصریح کرد: سازمان صدا و سیما در شکایت خود، اتهاماتی همچون توهین و افتراء تا اقدام علیه امنیت ملی را مطرح کرده است. عده‌ای از طلاب و رزمنده‌ها یکی از مقاله‌های تحلیلی روزنامه مشارکت را توهین به مسؤلان مملکتی تلقی و به دادگاه شکایت کرده‌اند. همچنین اهل دخمه نیز با طرح شکایتی، انتساب ضاربان حجاریان به این مکان را کذب دانسته‌اند و به خاطر درج این مطلب شکایت کرده‌اند.

اغلب شکایت‌ها سیاسی، اجتماعی و غیرشخصی است و از سوی شاکیان حرفه‌ای انجام شده

است. به همین دلیل در پی گرفتن رضایت آنان نخواهیم بود.

محمدرضا خاتمی در پاسخ سؤال خبرنگار یکی از روزنامه‌ها که پرسید آیا به دلیل موقعیت ویژه‌تان از چتر امنیتی برخوردار نشده‌اید؟ گفت: فکر نمی‌کنم چنین باشد، همین که به‌عنوان نخستین مدیرمسئول در سال جدید بازجویی شده‌ام، نشان می‌دهد که دادگاه طبق روال خود، انجام وظیفه کرده است.

قاضی شعبه ۱۴۱۰ امروز برخورد بسیار صمیمی و محترمانه‌ای داشت که در شأن دادگاه بود و جلسه بازجویی در فضایی کاملاً آرام و به دور از تشنج برگزار شد. ممکن است ما برخی قوانین را نپسندیم اما ملزم به اجرای آن هستیم. هرچند که جرائم مطبوعاتی در کشور ما همچون سایر کشورهای دنیا تعریف نمی‌شود. در کشور ما تعدادی شاکی حرفه‌ای، نشریات را زیر و رو می‌کنند، نکات خاص را برای طرح شکایت پیدا می‌کنند و سعی در محدود کردن مطبوعات دارند، درحالی‌که وظیفه رسانه‌ها خبررسانی است.

در جریان ترور سعید حجاریان، حرف‌های زیادی گفته می‌شود که در آن‌ها افکار عمومی را علیه ما می‌شورانند، اما ما شکایتی را مطرح نمی‌کنیم.

دکتر امیر حسین‌آبادی، وکیل مدیرمسئول روزنامه مشارکت نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران در مورد دیدگاهی که حضور هیأت منصفه را در جلسات بازجویی لازم می‌داند، گفت: در سیستم قضایی قبلی که دادرسی وجود داشت، نحوه بازجویی به نحو کاملاً مشخصی طبق قانون انجام می‌شد، ولی هم‌اکنون اختلاف نظر وجود دارد.

تذکر دادگاه مطبوعات به روزنامه مشارکت

سعید مرتضوی، رئیس دادگاه مطبوعات نسبت به آنچه که وی آن را "تخلف روزنامه مشارکت از آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴" خواند، به مدیرمسئول این روزنامه تذکر داد.

قاضی شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران در نامه خود به سید محمدرضا خاتمی که در تاریخ ششم اردیبهشت ماه نوشته شده است، تذکر خود را متوجه انتشار روزنامه مشارکت در چند نوبت طی روزهای پنجم و ششم اردیبهشت‌ماه کرد.

روزنامه‌های مشارکت و صبح امروز در پی توقیف هشت روزنامه از سوی دادگستری استان تهران طی دو روز گذشته، اقدام به افزایش شمارگان خود و چاپ آن در چند نوبت روزانه کردند.

مرتضوی در نامه خود نوشته است: از آن‌جا که در چاپ نوبت دوم و سوم صفحه‌بندی و محتوای روزنامه و تیترا با چاپ‌های قبلی این روزنامه تغییر کرده و در واقع چاپ‌های بعدی در

پرونده روزنامه مشارکت ۱۲۲۳

یک روز با مفاد متفاوت از نوبت قبل بوده، این اقدام برخلاف ماده یک آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ است.

در ماده اول از فصل اول تعریف و مشخصات مطبوعات در آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ آمده است: «مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم خود می‌توانند با یکی از فصول زمانی زیر منتشر شوند: روزی یک بار (روزنامه)، هفته‌ای یک بار (هفته‌نامه)، دو هفته یک بار - ماهی یک بار (ماهنامه) - دو ماه یک بار، سه ماه یک بار (فصلنامه) - شش ماه یک بار - سالی یک بار (سالنامه)».

در نامه رئیس دادگاه مطبوعات اضافه شده است: با توجه به این‌که پرونده‌های اتهامی آن روزنامه در این شعبه رسیدگی می‌شود، به لحاظ اعلام تخلف فوق بدین وسیله مراتب جهت جلوگیری از ادامه تخلف مذکور ابلاغ می‌شود. مقتضی است اقدام لازم در رابطه با عدم تکرار امر حاضر به عمل آورید.

مرتضوی تأکید کرده است: در صورت عدم توجه به تذکر قانونی دادگاه در شماره‌های بعدی تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد.

توقیف روزنامه مشارکت

یک روز پس از تذکر قاضی دادگاه به روزنامه مشارکت، دستور توقیف روزنامه از سوی دادگاه شعبه ۱۴۱۳ صادر می‌شود.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، قرار توقیف روزنامه مشارکت به استناد مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، تبصره ۳ ماده ۳۱ قانون مذکور، ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و نیز بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی صادر شده است.^۱ در گزارش دادگستری کل استان تهران آمده: «علاوه بر تعداد کثیر شکایات وارده علیه مدیرمسئول روزنامه مشارکت، تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مستفاد می‌شود، این روزنامه همچنین صریحاً از مقررات تبصره ۳ ماده ۲۳ و تبصره ۳۱ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ تخطی نموده و حتی برخی از شکات با ارائه نسخه‌ای از روزنامه برابر مواد مذکور که تعطیلی نشریه را پیش‌بینی کرده تقاضای اعمال مقررات قانون مطبوعات را نموده‌اند».

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «علاوه بر مقررات مواد فوق به منظور پیشگیری از

وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار جامعه می‌باشد، شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم عمومی را مجری وظایف مذکور دانسته، دستور توقیف موقت روزنامه مشارکت را صادر نمود.

نامه مدیرمسئول روزنامه مشارکت به رئیس قوه قضائیه

سید محمدرضا خاتمی مدیرمسئول روزنامه توقیف شده مشارکت اول مردادماه طی نامه‌ای به آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی رئیس قوه قضائیه خواستار رسیدگی قانونی به شکایت وی در مورد تعطیلی روزنامه مشارکت شد.

در بخشی از نامه مدیرمسئول روزنامه توقیف شده مشارکت آمده: به طوری که استحضار دارید، اوایل اردیبهشت ماه سال جاری حدود بیست نشریه (روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه) که از نشریات معتبر و پرتیراژ مملکت بودند، ظرف کم‌تر از یک هفته از طرف شعب دادگاه عمومی تهران توقیف و تعطیل گردید.

روزنامه مشارکت با مدیرمسئولی این‌جانب یکی از روزنامه‌هایی است که به موجب تصمیم شماره ۱۳۶/۱۴۱۳/۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۲/۸ صادره از شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران به‌طور موقت تا اطلاع ثانوی تعطیل شد. شش مورد شکایت از روزنامه در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی مطرح بود که به این‌جانب تفهیم اتهام گردید و پاسخ آن‌ها به‌طور مستدل داده شد و پرونده در نوبت رسیدگی قرار گرفت.

بعداً بر اثر همین شکایات و ظاهراً تعدادی شکایت بعدی که این‌جانب از محتوای آن‌ها به کلی بی‌اطلاع هستم و تاکنون تفهیم اتهام نشده و شعبه ۱۴۱۳ دستور تعطیل موقت روزنامه را صادر کرده است. معلوم نیست پرونده‌ای که در شعبه ۱۴۱۰ مطرح رسیدگی بوده، با چه مجوز قانونی از این شعبه اخذ و به شعبه ۱۴۱۳ ارجاع گردیده است، این امر خلاف نص صریح تبصره ماده ۲۶۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب آبان‌ماه ۱۳۷۸ بوده و موجب تعقیب انتظامی قضات مربوطه است.

از تصمیم شعبه ۱۴۱۳ دائر به تعطیل روزنامه که به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب سال ۱۳۳۹ اتخاذ شده تقاضای تجدیدنظر شده که لایحه تجدیدنظرخواهی وکیل روزنامه به شماره ۱۲۸ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۸ ثبت دفتر شعبه ۱۴۱۳ گردیده ولی متأسفانه تاکنون که متجاوز از دو ماه می‌گذرد، پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال نگردیده است.

پرونده روزنامه مشارکت ۱۲۲۵

از طرفی، از قاضی رسیدگی کننده، شکایت انتظامی شد که به کلاسه ۷۹/۱۰۳۹/۲۱ در دادسرای انتظامی قضاات مطرح است و با این که دادیار محترم انتظامی دو بار پرونده را مطالبه کرده، تاکنون از ارسال آن به دادسرای انتظامی قضاات خودداری شده است.

حضرت آیت الله شاهرودی

تعطیل یک روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با تیراژ بالا و تأخیر در رسیدگی به درخواست تجدیدنظر آن، علاوه بر این که متضمن خسارات سنگین مادی و معنوی برای صاحب امتیاز و مسئولان آن است و بیکاری بیش از صد نفر کارمند و کارگر را به همراه دارد، از نظر اجتماعی نیز واکنش و پیامد نامطلوبی دارد. از جناب عالی که مسئولیت ریاست قوه قضائیه را به عهده دارید، تقاضا دارم دستور فرمایید به درخواست تجدیدنظر این جانب در اسرع وقت رسیدگی و تصمیم قانونی اتخاذ گردد و پرونده جهت رسیدگی به تخلف قاضی تصمیم گیرنده به دادسرای انتظامی قضاات ارسال شود و در صورتی که رسیدگی به این امور از اختیار جناب عالی خارج است، از خود رفع مسئولیت نمایم تا به ترتیبات بعدی اندیشیده شود.

شکایت خاتمی از رئیس شعبه ۱۴۱۳

مدیرمسئول روزنامه توقیف موقت شده مشارکت در نامه‌ای به دادسرای انتظامی قضاات از عبدالنبی ملاح زاده قاضی شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران برای صدور حکم توقیف روزنامه مشارکت شکایت کرد.

محمدرضا خاتمی چهار ماه پس از توقیف موقت روزنامه مشارکت در نامه خود به حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق آل اسحاق رئیس دادسرای انتظامی قضاات اقدام رئیس شعبه ۱۴۱۳ را خلاف قانون توصیف کرد و خواستار رسیدگی در این زمینه شد.

وی در نامه مفصل خود به رئیس دادسرای انتظامی قضاات که رونوشت آن را برای ایرنا ارسال کرد، استناد به مواد ۶ و ۷ و تبصره ۳ ماده ۳۱ قانون مطبوعات را از موارد تخلف قاضی برشمرده است.

در بخشی از نامه محمدرضا خاتمی آمده است: ماده ۶ قانون مطبوعات دارای ۹ بند است و تمام مواردی که مطبوعات از درج آن ممنوع هستند، از جمله نشر مطالب الحادی، اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر خلاف عفت عمومی، تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، فاش نمودن اسرار محرمانه و اسرار نیروهای مسلح و سرقت‌های ادبی و... در این شقوق نه گانه بیان شده و مورد یا موارد اتهام باید به مدیرمسئول تفهیم شود و پس از استماع مدافعات، مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌شود.

مدیرمسئول روزنامه توقیف شده مشارکت در نامه خود استناد به ماده ۷ قانون مطبوعات دارد کرد و در نامه خود نوشت: ماده ۷ قانون مطبوعات مربوط به تخلفاتی مانند انتشار نشریه بدون مجوز یا عدم ذکر نام صاحب امتیاز و مدیرمسئول و نشانی اداره انتشار و... است که جنبه کیفری ندارد و روزنامه مشارکت در هیچ یک از شماره‌های خود از این موارد تخلف نکرده است.

تبصره ماده ۳۱ قانون مطبوعات هم در شرایط خاصی آن هم از طرف دادستان قابل اعمال است که روزنامه مشارکت به هیچ وجه مشمول این تبصره نیست.

به گفته مدیرمسئول روزنامه توقیف شده مشارکت، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب سال ۱۳۳۹ نیز وظایف کلی و کلان قوه قضائیه را تعیین کرده است و در اصل ۱۵۷ و ۱۵۸ انجام این وظایف و مسؤولیت‌ها را برعهده رئیس قوه قضائیه گذارده و استناد به کلیات است که قاضی به ویژه در امور کیفری از آن منع شده است.

محمدرضا خاتمی درباره استناد قاضی به ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب سال ۱۳۳۹ نوشت: عنوان این قانون "اقدامات تأمین" است اما در تصمیم دادگاه اقدامات "تأمین و تربیتی" ذکر شده است. اگر منظور ایشان (قاضی) قانون اقدامات تأمین مصوب سال ۱۳۳۹ باشد، معلوم می‌شود که آن را مطالعه نکرده و یا به آن توجه نفرموده‌اند زیرا ماده یک این قانون اقدامات تأمین را تدبیری دانسته که برای جلوگیری از تکرار جرم که درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌شود.

خاتمی با استناد به ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب سال ۱۳۳۹ مصادیق این قانون را مجرمین خطرناک، مجانین و افراد مختل‌المشاعر، اشخاص بیکار و ولگرد، معتادان به الکل و مواد مخدر و مجرمان دارای حالت و افرادی که از راه قوادی و فحشا و نظایر آن امرار معاش می‌نمایند ذکر کرده و نوشت: ریاست محترم دادگاه با چه ضابطه‌ای یک روزنامه اجتماعی، سیاسی را از مصادیق این‌گونه مجرمان دانسته‌اند؟ اگر فرض کنیم که نظر ریاست محترم دادگاه صحیح باشد و روزنامه‌ها هم از مصادیق این‌گونه مجرمان محسوب شوند، باز هم مقررات همین قانون رعایت نشده، چرا که در ماده یک قانون مقرر شده اقدامات تأمین برای جلوگیری از تکرار جرم اتخاذ می‌شود و مطابق ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی تکرار جرم وقتی تحقق می‌یابد که کسی به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم شود و بعد از اجرای حکم دوباره جرمی را مرتکب شود.

در مورد روزنامه مشارکت نه تنها حکمی بر محکومیت صادر نشده، بلکه از طرف ریاست محترم شعبه ۱۴۱۳ حتی تفهیم اتهام هم به این جانب نشده و حتی به آن شعبه احضار هم نشده‌ام.

مدیرمسئول روزنامه توقیف موقت شده مشارکت در نامه خود موارد فوق را از مصادیق تخلف رئیس شعبه ۱۴۱۳ دانسته و از رئیس دادرسی ویژه قضات خواست به این موضوع رسیدگی کند.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه صبح امروز

نام نشریه: روزنامه صبح امروز

مدیرمسئول: سعید حجاریان

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۸/۴/۲۹

اتهام: اخلال در مبانی دین، تشکیک در مسلمات آیات قرآن، توهین و اهانت به انبیاء، توهین،

اهانت، افترا و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی

شاکی: مدعی العموم، مرتضی نبوی، سردار حجازی فرمانده بسیج مقاومت، نیروی انتظامی،

حفاظت اطلاعات ناجا، دادگاه ویژه روحانیت اصفهان، وزارت اطلاعات

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

توقیف روزنامه صبح امروز^۱

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران قرار توقیف روزنامه صبح امروز به استناد مواد ۱۴ و ۹ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ و بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی و باتوجه به اصرار روزنامه مذکور در تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات صادر شده است.

در این گزارش آمده است: «از زمانی که آقای سعید حجاریان از اسفندماه سال ۱۳۷۸ مورد ترور ناجوانمردانه قرار گرفت، تا این تاریخ عملاً موفق به انجام وظایف صاحب امتیازی و مدیرمسئولی روزنامه صبح امروز که در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ تصریح شده، نگردیده و این در حالی است که تاکنون بیش از ۹۰ فقره پرونده کیفری علیه روزنامه تحت مدیرمسئولی وی تشکیل شده که در بسیاری از جرائم منتسب به این روزنامه در قانون مطبوعات مجازات لغو امتیاز پیش بینی گردیده است و شکات پرونده‌های مطروحه علیه روزنامه صبح امروز از این که این روزنامه بدون نظارت مسؤول قانونی، علیه نامبردگان به ایراد تهمت و افترا و نشر اکاذیب و توهین و اهانت می‌پردازد، شاکی بوده و تقاضای تعیین تکلیف وضعیت فعلی روزنامه را نموده‌اند».

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «اخیراً وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام داشته بود که آقای حجاریان قبل از ترور، مدیرمسئول جدیدی را به هیأت نظارت بر مطبوعات معرفی کرده که متعاقباً وکیل روزنامه صبح امروز در مصاحبه‌ای که در مطبوعات درج شد تلویحاً موضوع را تکذیب و صریحاً اعلام نمود هیچ‌گونه تغییری در مدیریت سابق روزنامه صبح امروز به عمل نخواهد آمد و اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز مورخ ۱۳۷۹/۲/۷ در پاسخ به استعلام دادگاه اعلام داشته که مدیرمسئول روزنامه مذکور تغییری نکرده است. نهایتاً دادگاه با عنایت به این که انتشار روزنامه صبح امروز در حال حاضر بدون نظارت قانونی به عمل می‌آید و ادامه درمان آقای حجاریان از مصادیق ماده ۱۴ قانون مطبوعات ناظر به بندهای ماده ۹ همان قانون می‌باشد و به لحاظ اجتماع مسؤلیت صاحب امتیازی و مدیرمسئولی در یک نفر، ادامه انتشار این روزنامه با توجه به کثرت شکایات وارده جدید و بی جواب ماندن آن‌ها مغایر با مقررات قانون مطبوعات می‌باشد، مستنداً به مواد ۱۴ و ۹ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ و بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی و نیز به لحاظ اصرار روزنامه مذکور در تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات، قرار توقیف موقت انتشار روزنامه صبح امروز تا اطلاع ثانوی و زمان تعیین تکلیف ناظر قانونی این روزنامه و تعیین مدیرمسئولی که از نظر موازین قانونی قادر به نظارت بر روزنامه و حائز شرایط قانونی باشد صادر و به مراجع ذی‌ربط ابلاغ نمود.»

احضار حجاریان قبل از ترور

سعید حجاریان مدیرمسئول روزنامه صبح امروز به اتهام نشر اکاذیب و توهین به مبانی قرآن و انبیا به دادگاه احضار و به مدت پنج ساعت توسط قاضی شعبه ۱۴۱۰ بازجویی شد. شاکی وی رئیس دادگستری و در شکایت خود اعلام کرد: هجدهم خرداد مطلبی در صفحه ۸ صبح امروز با نام مستعار «ه. م» به چاپ رسید. در این نامه که از شهر تبریز برای تحریریه صبح امروز ارسال شده بود، آمده: دو خط موازی همدیگر را قطع نمی‌کنند مگر خدا بخواند. نویسنده مطالبی را در رابطه با حضرت یوسف مطرح کرده بود. لذا مدیرمسئول روزنامه به اتهام اخلال در مبانی اسلام و تشکیک در مسلمات قرآن و توهین به انبیا به دادگاه احضار شد. حجاریان گفت: چون این مطلب یک بحث فنی و تخصصی است و نیاز به پاسخ‌های فقهی و شرعی دارد، اجازه می‌خواهم تا در این مورد تحقیق و مشخصات و هویت کامل نویسنده و اصل نامه چاپ شده را به دادگاه معرفی کنم.

گفت‌وگو با شکری^۱

روزنامه ایران در خبری اعلام کرد کاظم شکری درحالی که به وسیله مأموران به زندان منتقل می‌شد گفت: اتهامی که به من تفهیم شد درحقیقت اتهام مدیرمسئول صبح امروز است، من به‌عنوان گواه در دادگاه شرکت کرده بودم. من مسئولیت حرفه‌ای خود را انجام دادم و بررسی فقهی ماهیت یک نامه از عهده من خارج است. ضمن این‌که پس از این جریان اخیر به چند فقیه عالی‌قدر مراجعه کردم ولی هیچ‌کدام از آنان با نظر رئیس دادگستری به‌عنوان شاکی موافق نبودند.

حجاریان: من مسئولم^۲

حجاریان در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: پس از چاپ نامه در روزنامه و شکایت در دادگاه حاضر شدم و به‌طور کامل مسئولیت این مقاله را مطابق قانون به عهده گرفتم. شکری با حسن‌نیت و بدون ابلاغیه رسمی با حضور در دفتر مرتضوی اطلاعاتی را در زمینه ساز و کارگزینش اخبار و ارزیابی نامه‌های مندرج در اختیار وی قرار می‌دهد. اما هنگام پایان جلسه احضاریه‌ای به وی داده می‌شود بدون این‌که در آن عنوان و علت احضار قید شده باشد، خواهان حضور مجدد وی در جلسه بعدی می‌شوند. شکری نیز در جلسه دادگاه بعدی حاضر ولی بازداشت می‌شود.

حجاریان و شکری هر دو متهم هستند

روابط عمومی دادگستری استان تهران اعلام کرد^۳ حجاریان و کاظم شکری هر دو متهم هستند. طبق ماده ۲۶ قانون مطبوعات هیچ تفاوتی بین مدیرمسئول و غیرمدیرمسئول نمی‌باشد و این موضوع در نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز تصریح شده است. این ادعای حجاریان برای نخستین بار "دادگاهی رأی خود را به تفسیر و اداره حقوقی دادگستری مستند کرده" را شاید بتوان ناشی از کمبود دانش قضایی گوینده مطلب دانست، زیرا بر اهل فن این عرف جاری در محاکم کاملاً مشخص است. زمانی که دادگاه در فهم و استنباط از مفاهیم قانونی دچار تردید گردد، از مرجع مذکور استعلام می‌کند. این رویه سال‌ها در محاکم جاری است که این‌که در جریان رسیدگی به پرونده آدینه در مورد نحوه حضور اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت منصفه در دادگاه به پیشنهاد اداره حقوقی دادگستری عمل گردید. این‌که نامبرده اعلام داشته که مسئولیت کلیه مطالب مندرج را می‌پذیرد، خود تأییدی است بر نظریه دادگاه در مورد این‌که نامبرده نیز در انتشار مطالب موهن مذکور سمت معاونت در جرم را

۱. روزنامه ایران ۱۳۷۸/۴/۳۰.

۲. روزنامه ایران ۱۳۷۸/۴/۲۹.

۳. ۱۳۷۸/۴/۳۰.

داشته و قرار صادره در مورد وی کاملاً منطبق با موازین قانونی بوده، نیست. مدیرمسئول صبح امروز در جریان بازجویی‌ها که مستندات آن در پرونده قضایی موجود است، در پاسخ به این سؤال که مطلب مذکور چگونه در روزنامه منتشر شده گفت: بنده زمانی که به دادگاه احضار شدم، متوجه این موضوع گردیدم و پس از اطلاع متن را مطالعه کردم و قبل از این فرصت مطالعه متن را نداشته‌ام.

پاسخ صبح امروز به اطلاعیه روابط عمومی دادگستری تهران

اطلاعیه روابط عمومی دادگستری تهران در پاسخ به اظهارات مدیرمسئول صبح امروز آقای سعید حجاریان، دلیل دیگری است بر اثبات این نظریه که مدیریت قضایی حاکم بر جریان پرونده‌های مطبوعاتی در دادگستری تهران، اندیشه‌ای جز تحدید و تهدید حقوق قانونی مطبوعات و آزادی‌های مشروع روزنامه‌نگاران ندارد و همه امکانات خود را برای ایجاد فشار و مضیقه و مانع علیه مطبوعات قانونی آزاد و مستقل به کار انداخته است تا بلکه بتواند با از بین بردن امنیت قانونی مطبوعات و روزنامه‌نگاران دامنه آزادی‌هایی را که قانون اساسی و قانون مطبوعات تعیین کرده است، به بیش‌ترین حد ممکن بریندد.

روابط عمومی دادگستری تهران، صرفاً یک واحد اداری است که مستقیماً زیر نظر رئیس کل دادگستری تهران کار می‌کند و چه از لحاظ سازمانی و از نظر وضعیت نیروی انسانی آن، نه دارای صلاحیت قضایی است، نه واجد شایستگی علمی تا بتواند به تجزیه و تحلیل مسائل حقوقی و قضایی بپردازد. کار دادگستری تهران به کجا انجامیده است که با وجود جامعه شریف قضات به یک واحد غیر تخصصی اداری اجازه داده می‌شود با مداخله بی‌پروا در امور تخصصی حقوقی و قضایی، منزلت و شأن قانون و حقوق و مطبوعات را درهم ریزد.

هر یک از بندهای اطلاعیه مغلوط و پرتناقض روابط عمومی دادگستری ابعاد جدیدی از نقض بی‌طرفی در رسیدگی قضایی به پرونده صبح امروز و همکار عزیزمان آقای کاظم شکری آشکار می‌سازد.

۱. در بند ۱ اطلاعیه ادعا کرده‌اند که در ماده ۲۶ قانون مطبوعات "تصریح" شده است «هیچ تفاوتی بین مدیرمسئول و غیرمدیرمسئول نمی‌باشد». کسی که معنای واژه "تصریح" را بداند، هیچ‌گاه چنین تفسیری از ماده ۲۶ قانون مطبوعات نمی‌کند، بلکه موضوع کاملاً برعکس است، زیرا تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات فقط مدیرمسئول را مسؤول یکایک مطالب منتشره در نشریه دانسته است. ساده‌ترین اصول تفسیر حقوقی می‌گوید برای فهمیدن حکم ماده ۲۶ قانون مطبوعات باید آن را به اصل (یعنی تبصره ۴ ماده ۹) رد کرده و گفته شود در ماده ۲۶ قانون مطبوعات هم مانند

تمام جرائم مطبوعاتی (جز ماده ۲۷ قانون مطبوعات) فقط مدیرمسئول، مسؤول است. اگر دادگستری تهران و قاضی شعبه ۱۴۱۰، کشف جدیدی کرده‌اند و بعد از چند سال محاکمات مطبوعات ناگهان تغییر عقیده داده و نویسنده را هم مسؤول شناخته‌اند، چرا استدلال خود را طرح نمی‌کنند، چرا از نظریه اداره حقوقی دادگستری فقط به نام یاد می‌شود و آن را منتشر نمی‌کنند؟ دلایل قوی باید و معنوی / نه رگ‌های گردن به صحبت قوی.

۲. در بند ۲ اطلاعیه و در توجیه رایج بودن استفاده از نظریه‌های مشورتی و در دادگاه‌ها گفته شده است «در جریان رسیدگی به پرونده اتهامی مدیرمسئول آدینه در مورد نحوه حضور اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت منصفه در دادگاه نیز به پیشنهاد و ارشاد اداره حقوقی دادگستری عمل گردید». در این مورد اولاً قابل توجه است که هیچ نظریه‌ای که خلاف نص باشد قابل اعتبار نیست، ثانیاً نویسنده اطلاعیه شاید بر اثر شتابزدگی فراموش کرده است که نظریه راجع به نحوه شرکت اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت منصفه در دادگاه توسط اداره حقوقی قوه قضائیه صادر شده بود که غیر از اداره حقوقی دادگستری است. شتابزدگی و پنهانکاری معمولاً اشتباه‌آفرین است.

۳. بند ۳ اطلاعیه روابط عمومی دادگستری تهران، با نقض قوانین و حرمت شرعی و قانونی اشخاص با مداخله در کارهای قضایی و بیش از آن که محاکمه‌ای انجام شده باشد، مدیرمسئول صبح امروز، آقای سعید حجاریان را معاون جرم شناخته است و به این ترتیب اولاً برادر عزیزمان آقای کاظم شکری را مجرم دانسته و ثانیاً آقای سعید حجاریان را معاون جرم. به نویسنده یا نویسندگان این اطلاعیه باید یادآوری کنیم که قاضی سعید مرتضوی هم که پرونده را در دست دارد، قبل از پایان محکمه و اعلام تصمیم هیأت منصفه نمی‌تواند حکم به مجرمیت بدهد، شما چگونه چنین حقی برای خود قائل شده‌اید؟

۴. همچنین در بند ۳ اطلاعیه روابط عمومی دادگستری و نیز در بقیه بندهای آن، بخشی از مطالبی که مدیرمسئول صبح امروز در برگه‌های بازجویی یادداشت کرده و در پرونده امر ضبط است، مستقیماً نقل شده است. روابط عمومی دادگستری چگونه توانسته است به پرونده صبح امروز دست پیدا کند؟ دو فرض وجود دارد: فرض اول این که حمل بر صحبت کنیم و بگوییم قاضی مرتضوی پرونده یا بخش‌هایی از آن را در اختیار روابط عمومی گذاشته است. کدام قانون به قاضی مرتضوی اجازه داده است پرونده‌ای را که در مرحله تحقیقات مقدماتی و علی‌القاعده غیرعلنی است در خارج از سلسله مراتب قضایی در اختیار یک بخش اداری قرار دهد تا به این شکل علیه متهمان پرونده مورد سوءاستفاده قرار گیرد؟ آیا یک مرجع مطلقاً غیرقضایی مثل روابط عمومی، صلاحیت دسترسی به پرونده را داشته است؟ اما فرض دوم این است که روابط عمومی بدون اطلاع آقای مرتضوی از پرونده یادداشت برداشته است که در این صورت قاضی دادگاه از حیث نحوه مراقبت از

اوراق پرونده و روابط عمومی از جهت استفاده از پرونده بدون اجازه قاضی باید پاسخگو باشند. اما اگر فرض اول صحیح باشد، علی‌الاصول قاضی مرتضوی را باید در مواضع و گفته‌های این اطلاعیه شریک و هم‌عقیده دانست. به این ترتیب آشکار است که با موضوعی که در اطلاعیه مشاهده شده و حاکی از اخذ تصمیم و اعلام آن قبل از محاکمه و جهت‌گیری مطلق علیه آقایان سعید حجاریان و کاظم شکری، قاضی شعبه ۱۴۱۰ کاملاً از بی‌طرفی و شأن قضایی خارج شده است. آیا قاضی‌ای که بی‌طرف نیست، صلاحیت قانونی و اخلاقی برای رسیدگی به پرونده را دارد؟

۵. روابط عمومی دادگستری در بند ۴ اطلاعیه باز هم با حریم‌شکنی قانون و اخلاق، صراحتاً به مدیرمسئول صبح امروز نسبت نشر اکاذیب داده است. دانایان حقوق به چنین گفتارهایی می‌گویند افترا.

۶. پنهان‌سازی واقعیات، موجب فراموشکاری است. در اطلاعیه روابط عمومی گفته شده است: «به نامبرده (آقای کاظم شکری) در مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۸ احضاریه رسمی از طریق دفتر شعبه دادگاه ابلاغ واقعی و حضوری گردیده و روز بعد از ابلاغ جهت بازجویی در شعبه حاضر شده است.» حتماً قاضی مرتضوی منکر این نیست که در ۱۳۷۸/۴/۲۸ ابلاغ واقعی و حضوری به آقای کاظم شکری در محل دادگاه انجام شده است. اطلاعیه فراموش کرده است بگوید همکار گرامی ما، آقای کاظم شکری چرا و چگونه در ۱۳۷۸/۴/۲۸ در محل دادگاه حاضر شده بود؟ آیا برای حضور ایشان در ۱۳۷۸/۴/۲۸ در دادگاه هم ابلاغ شده بود. یا این‌که قاضی دادگاه با روشی (که معمولاً در روش‌های پلیسی مرسوم است) در شامگاه ۱۳۷۸/۴/۲۸ از آقای سعید حجاریان خواست تا از آقای کاظم شکری دعوت کند تا صرفاً برای یک گفت‌وگوی ساده در دادگاه حاضر شود. آقای شکری با اعتماد به گفتار قاضی بدون ابلاغیه در ۱۳۷۸/۴/۲۸ در دادگاه حاضر شد و بعد از گفت‌وگویی با قاضی ناگهان همه چیز تغییر کرد. آیا سزای حسن‌نیت و صداقت درستکارانی چون کاظم شکری این است؟

۷. در بند ۶ اطلاعیه باز هم قبل از هر نوع رسیدگی قضایی، کارکنان اداری حکم صادر کرده‌اند که «کسب نظر فقها باید قبل از چاپ چنین مطلبی اخذ می‌شد (اشتباه عبارتی از متن اطلاعیه است) نه بعد از آن. مضافاً بعید به نظر می‌رسد که فقها توهین به انبیای الهی را مجاز اعلام کرده باشند.» مبنای این عبارت احراز وقوع جرم توهین به انبیای الهی است. آیا محاکمه‌ای برگزار شده است؟ آیا نویسنده یا نویسندگان اطلاعیه فقیه و صاحب فتوایند؟

۸. در بند ۸ اطلاعیه آمده است «برای دادگاه محرز گردیده که مطالب مذکور اساساً توسط آقای کاظم شکری تهیه و تنظیم و به چاپ رسیده است.» از عجایب قضاوت است. آقای سعید حجاریان در بازپرسی نوشتن مطلب توسط آقای شکری را منکر بوده است. شخص آقای شکری نیز هیچ‌گونه نقشی در نوشتن این نامه نداشته و در بازپرسی هم اعلام کرده است. آقای قاضی چه دلیل و چه

سندی در اختیار داشته که به اتکای آن‌ها توانسته است احراز کند آقای کاظم شکری مطلب را تهیه و تنظیم کرده است؟ کدام قاضی می‌تواند بدون دلیل و مدرک کسی را متهم کند؟ از بدیهیات قضاست که علم قاضی باید مقرون و مستند به مدارک و شواهد متقن باشد. علم بی‌پایه و اساس قاضی کم‌ترین ارزشی ندارد.

۹. در پایان بند ۷ اطلاعیه راز و تناقض بزرگ پرونده اتهامی صبح امروز و بازداشت روزنامه‌نگار متعهد آقای کاظم شکری آشکار می‌شود. در این بخش از اطلاعیه می‌خوانیم: «تا زمانی که نویسنده مطلب به دادگاه معرفی نگردد متن مذکور که بدون مشخصات و امضا به دادگاه ارائه شده است منتسب به کاظم شکری بوده و مسؤولیت چاپ مطلب نیز به عهده وی می‌باشد.» این عبارت حاوی نکات مهمی است.

اولاً؛ دادگستری و دادگاه شعبه ۱۴۱۰ به خوبی می‌دانند کاظم شکری نویسنده مطلب نیست. اطلاعیه می‌گوید: «... تا زمانی که نویسنده مطلب به دادگاه معرفی نگردد...» در واقع برای دادگاه هم مسلم است که کاظم شکری نویسنده مطلب مورد شکایت نیست، وگرنه لازم نبود که خواسته شود نویسنده به دادگاه معرفی گردد.

به این ترتیب دادگاه قرار بازداشت برای کسی صادر کرده است که قطعاً نه مدیرمسئول است و نه نویسنده مطلب. بنابراین:

ثانیاً؛ قاضی دادگاه و دادگستری تهران حتی به بدعت‌گذاری خود در عرصه حقوق مطبوعات هم پایبند نیستند. آقایان معتقدند غیر از مدیرمسئول، نویسنده هم قابل تعقیب کیفری است. از طرف دیگر خود اذعان و اقرار دارند که کاظم شکری نه مدیرمسئول است و نه نویسنده مطلب پس دیگر به چه عنوان باید متهم و بازداشت شود. مگر این‌که بگوییم آقایان برای تحدید و تهدید بیش‌تر مطبوعات دنبال روش‌هایی هستند که نه فقط مدیرمسئول و نویسنده، بلکه هریک از کارکنان مطبوعات را که خواستند به دادگاه و بازداشت و... بکشانند.

ثالثاً؛ وقتی آقایان خود می‌دانند کاظم شکری نویسنده مطلب نیست و خود صراحتاً می‌گویند تا نویسنده معرفی نشود، شکری مسؤول است (و در نتیجه در بازداشت می‌ماند) چه می‌شود فهمید؟ به چنین مقابله‌ای چه می‌گویند؟

۱۰. روابط عمومی دادگستری تهران اشتباهات خود را در بند ۸ اطلاعیه به اوج رسانده و با یکسان دانستن شأن خود با شأن قضات شریف عالی‌رتبه دادگاه‌های تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، همانند یک مرجع تجدید اظهار نظر می‌کند که «با ملاحظه پرونده قضایی متشکله مشخص گردید که کلیه اقدامات انجام شده روال قانونی خود را طی کرده و...» کدام صلاحیت سازمانی یا علمی برای روابط عمومی این حق را ایجاد کرده است که پا جای پای مراجع قضایی تجدیدنظر

گذاشته و به این ترتیب سخن گوید؟

۱۱. اطلاعیه روابط عمومی دادگستری بیش از هر چیز، سیاست دادگستری تهران را که از طریق شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی به اجرا درمی‌آید به نمایش گذاشته است. سیاستی که مبنای آن ایجاد موانع و فشارهای خارج از حدود قانون و ضوابط قضایی علیه فضای مطبوعاتی کشور است. اگر تدبیر مسئولان دادگستری تهران در انتشار اطلاعیه روابط عمومی این بوده است که نشان دهند اقداماتی که علیه **صبح امروز** و آقای سعید حجاریان و آقای کاظم شکری انجام داده‌اند قانونی بوده است، این نصیحت برادرانه را از ما بپذیرند که این اطلاعیه سراسر افترا و مطالب غیرواقع نه تنها نمی‌تواند به چنین هدفی برسد، بلکه خلاف آن را به اثبات می‌رساند. مردم دادگاهی را که عادلانه، عالمانه، بی‌طرفانه و قانونی عمل می‌کند و حقوق ملت و متهم را پاس می‌دارد به خوبی از غیر آن تمییز و تشخیص می‌دهند. اگر چنین دادگاهی باشد، نیازی به چنین اطلاعیه‌هایی نخواهد افتاد.

وضوح عدل و ظلم به آشکاری روز و شب است.

اظهارات رئیس دادگاه مطبوعات درباره علت بازداشت کاظم شکری و احضار سردبیر صبح امروز^۱

سعید مرتضوی رئیس دادگاه شعبه ۱۴۱۰ مجتمع قضایی ویژه در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۷۸ در جمع خبرنگاران رسانه‌های جمعی به سؤالات متعدد آنان در مورد بازداشت کاظم شکری و دلیل احضار احمد ستاری پاسخ گفت. وی در مورد دلیل احضار و مبنای بازداشت کاظم شکری گفت: ریاست کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم از روزنامه **صبح امروز** به لحاظ درج مطلبی در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۱۸ با عنوان دو خط موازی همدیگر را قطع نمی‌کنند مگر خدا بخواهد به‌عنوان تشکیک آیات قرآن و توهین و اهانت به انبیا و اخلاق در مبنای دین اسلام و مسلمانات قرآنی و دینی در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۳۱ اعلام شکایت نمود. مطابق آن سعید حجاریان احضار و گفت از چاپ این مطلب هیچ‌گونه اطلاعی نداشتند و پس از اعلام شکایت متن را ملاحظه کرده و زمانی که از مسئول صفحه علت چاپ را پرسیده مسئول صفحه معتقد بود منظور از دو خط موازی حضرت یوسف(ع) و حضرت یعقوب(ع) بوده‌اند که پس از سالیان دراز و علی‌رغم همه عصبانیتی که بر سر آنان رسید به تقدیر به یکدیگر رسیدند که البته مدیرمسئول **صبح امروز** در ادامه دفاعیات این تعبیر را قبول ندارد و صریحاً در صفحات ۱۱ و ۱۲ بازجویی، کاظم شکری را به‌عنوان مسئول چاپ مطلب فوق به دادگاه معرفی نموده است. هرچند معرفی کاظم شکری از طرف حجاریان، کوچک‌ترین خللی بر مسؤولیت قانونی وی وارد نمی‌کند. براساس ماده ۲۶ قانون مطبوعات آقای شکری به دادگاه احضار

پرونده روزنامه صبح امروز ۱۳۳۵

و مورد بازجویی قرار گرفت و ضمن پذیرش مسئولیت امر حاضر صراحتاً در صفحه ۳ بازجویی بیان کرد: «علی القاعده چاپ آن با تأیید بنده انجام گرفته است» و در صفحه پنجم بازجویی در تأیید سؤال دیگری به دادگاه اعلام کرد: «همچنانکه در پاسخ‌های قبلی به استحضار رساندم متن نامه را در حین صفحه‌بندی دیده و تأیید کرده‌ام، بنابراین چون انتخاب و تأیید متن مورد شکایت به وسیله شکری انجام شده و شکری کسی را به‌عنوان نویسنده و ارائه‌کننده متن به دادگاه معرفی نکرده است به استناد ماده ۲۶ قانون مطبوعات بعد از آقای سعید حجاریان مسئولیت داشته و قابل پیگرد کیفری می‌باشد و همچنین نه مدیرمسئول **صبح امروز** و نه کاظم شکری در هیچ‌یک از موارد ادعایی رئیس کل دادگستری استان تهران نتوانسته‌اند مستند و مستدل به دادگاه پاسخ دهند.

شکری در بازجویی صفحه ۸ و ۹ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۹ مطالبی در خصوص ستاری (سردبیر) و نحوه دخالت ایشان در چاپ مطلب مورد شکایت عنوان نمود که تحقیق و بازجویی از احمد ستاری برای دادگاه ضروری گردید به لحاظ این‌که بیم تبانی و هماهنگی بین شکری و ستاری بوده است. علاوه بر اهمیت جرم ارتكابی با توجه به بند سوم ماده ۱۳۰ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری که اشعار می‌دارد در هر موردی که آزادبودن متهم ممکن است باعث تبانی با شهود و مطلعان گردد بازداشت موقت و توقیف متهم جایز است. بدین لحاظ قرار بازداشت موقت کاظم شکری صادر و بلافاصله احمد ستاری جهت انجام تحقیقات احضار گردید.

قاضی مرتضوی افزود: همچنین به جهت زندانی‌دار بودن پرونده علاوه بر ارسال برگ احضاریه از طریق مأمور ابلاغ بوسیله نمایر مراتب به روزنامه **صبح امروز** اطلاع داده شده ولی متأسفانه آقای احمد ستاری تا به حال جهت انجام تحقیقات به دادگاه مراجعه ننموده است درحالی‌که مراتب از طریق تلفن به مسؤولان روزنامه **صبح امروز** اطلاع داده شد و اخیراً نسخه دیگری از احضاریه ستاری به وکیل روزنامه یاد شده ابلاغ گردید. بنابراین چنانچه ستاری در دادگاه حاضر و نسبت به موارد ادعایی شکری پاسخ دهد، بیم تبانی و مواضع منتفی و امکان تبدیل قرار بازداشت موقت کاظم شکری برای دادگاه میسر خواهد بود و چنانچه برگ احضاریه آقای ستاری به دادگاه اعاده گردد و مشخص شود احمد ستاری با وجود ابلاغ قانونی در مهلت مقرر حاضر نگردیده، دستور جلب وی جهت ادای توضیحات و انجام تحقیقات صادر خواهد شد.

سؤال شد آیا ممکن است که ستاری نویسنده نامه باشد؟ رئیس دادگاه گفت: جواب این سؤال برای دادگاه مقدور نیست. قاضی شعبه ۱۴۱۰ در پاسخ به این سؤال که آیا سعید حجاریان از خود رفع مسئولیت کرده است یا خیر؟ گفت: سعید حجاریان در این پرونده به‌عنوان مدیرمسئول مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات متهم ردیف اول است و چنانچه مدیرمسئولی حتی از چاپ مطلبی اظهار بی‌اطلاعی یا عدم مسئولیت نماید، این ادعا از نظر قانون مطبوعات محکوم به رد

بوده و مدیرمسئول نسبت به یکایک مطالبی که در روزنامه چاپ می‌شود مسئولیت قانونی دارد و پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت از طرف مدیرمسئول هیچ‌گونه تأثیر در مسئولیت مقرر قانونی وی ندارد.

مطابق همین قانون، مدیرمسئول نسبت به تمامی جرائمی که به وسیله نشریه رخ می‌دهد، مسئول بوده و باید جوابگو باشد و باید مدیرمسئول بر مسئولیت کلی مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات واقف باشد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا طرح هر سؤالی در رابطه با مسائل دینی که برای قشری ناشناخته و مبهم است تشکیک محسوب می‌شود یا خیر؟ گفت: قطعاً چنین نیست و هر فردی می‌تواند حتی در مورد آیات قرآن سؤالاتی داشته باشد و نسبت به فهم خود تحقیق و پرسش نماید، لیکن حق ندارد در صحت آیات و درستی قرآن تردید نماید.

وی اضافه کرد: متن چاپ شده در روزنامه **صبح امروز** حسب ادعای مدعی‌العموم از موارد تشکیک در آیات قرآنی است و نویسنده در صدد آن بوده که القا نماید داستان حضرت یوسف عقلایی نیست و خداوند نیز خلاف عقل حکم می‌دهد و در رابطه با هر کجا و کاری به یک امر محالی رسیدیم، آن را به باری تعالی نسبت دهیم که در خصوص این ادعاهای مطرح شده هنوز پاسخ و دفاعی مستدل و مستند از طرف متهمان ابراز نشده است.

بازجویی از احمد ستاری

احمد ستاری عضو شورای سردبیری روزنامه **صبح امروز** به همراه وکیل مدافع این روزنامه، در ۱۶ مرداد ۱۳۷۶ در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات حضور یافت و پشت درهای بسته به مدت پنج ساعت توسط قاضی سعید مرتضوی مورد بازجویی قرار گرفت.

بنا به این گزارش، احمد ستاری در گفت‌وگوی کوتاهی گفت: طبق قرار قبلی برای ادای توضیحات به عنوان مطلع و گواه در دادگاه حاضر شدم و در مورد مطلب منتشر شده در روزنامه **صبح امروز** با عنوان «دو خط موازی همدیگر را قطع نمی‌کنند، مگر خدا بخواهد» به بخشی از سؤالات پاسخ دادم و قرار است مجدداً مورد بازجویی قرار بگیرم.

وی افزود: بیش‌تر سؤالات درباره بازجویی‌های انجام شده از کاظم شکری بود و اجازه بدهید بعد از پایان رسیدن تحقیقات، به سؤالات شما خبرنگاران پاسخ بگویم.

غلامعلی ریاحی وکیل کاظم شکری و روزنامه **صبح امروز** در مورد سرنوشت پرونده کاظم شکری گفت: باتوجه به این‌که قرار بازداشت موکلم به جهت بیم تبانی و مواضع صادر شده است، پیش‌بینی می‌کنم بعد از بازجویی از احمد ستاری و تکمیل تحقیقات باتوجه به درخواست کاظم

شکری و من، ریاست دادگاه نسبت به فک قرار بازداشت اقدام قانونی را به عمل آورد. چنانچه تحقیقات از احمد ستاری خاتمه یابد، باتوجه به نحوه برخورد ریاست دادگاه، امیدواریم که قبل از جلسه محاکمه مدیرمسئول روزنامه صبح امروز، کاظم شکری از زندان آزاد شود.

ریاحی اشاره کرد: ۳۲ فقره پرونده علیه سعید حجاریان در دادگاه ثبت شده که هرکدام از پرونده‌ها مشتمل بر چند مورد شکایت است.

به دلیل این‌که پرونده کاظم شکری جزو آخرین پرونده‌های ثبت شده در دادگاه است و تعداد پرونده‌های شکایت از صبح امروز زیاد است، امکان طرح شکایت علیه کاظم شکری در روز دوشنبه وجود ندارد، از این رو پس از چند جلسه رسیدگی به شکایات مطروحه علیه سعید حجاریان به پرونده کاظم شکری رسیدگی خواهد شد.

شکری آزاد می‌شود^۱

دادگاه مطبوعات با پایان یافتن جلسه مواجهه حضوری سعید حجاریان مدیرمسئول، احمد ستاری و کاظم شکری دو عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز قرار بازداشت موقت کاظم شکری را لغو و آن را به ۱۵ میلیون تومان قرار وثیقه تبدیل کرد.

پس از ۲۱ روز بازداشت شکری توسط دادگاه مطبوعات، وی قرار است امروز ۱۳۷۸/۵/۲۰ پس از طی مراحل اداری و تحویل سند به دادگاه، از زندان اوین آزاد شود.

دادگاه صبح امروز به تعویق افتاد

صبح روز ۲۵ مردادماه ۱۳۷۸ جلسه رسیدگی به موارد اتهامی مدیرمسئول روزنامه صبح امروز به دلیل عدم حضور مرتضی لطفی یکی از اعضای هیأت منصفه و به حد نصاب نرسیدن اعضای این هیأت برگزار نشد.

قرار بود دادگاه با حضور اعضای هیأت منصفه و سعید حجاریان مدیرمسئول روزنامه، کاظم شکری مسئول صفحات لایبی این روزنامه تشکیل و رسیدگی به ۲۹ مورد اتهامی روزنامه صبح امروز برگزار شود.

سعید مرتضوی رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات در خصوص عدم تشکیل جلسه گفت: امروز قرار بود رسیدگی به اتهامات روزنامه صبح امروز برگزار شود، اما به علت عدم حضور مرتضی لطفی که ظاهراً ایشان در یک مسافرت خارج از تهران به سر می‌برند، جلسه دادگاه تشکیل نشد.

مرتضوی در مورد عدم حضور خانم رمضان‌زاده گفت: ایشان طی تماسی با من اظهار داشت که من از مجلس مرخصی گرفته‌ام و در صورت حضور آقای لطفی در دادگاه حاضر خواهم شد. وی افزود: در حال حاضر هر پنج عضو هیأت‌منصفه اعلام داشته‌اند که روز دوشنبه هر هفته وقت حضور در جلسه را خواهند داشت. بنابراین ما نامه‌ای خطاب به دو عضو محترم هیأت‌منصفه خانم رمضان‌زاده و آقای لطفی تنظیم کردیم که امروز برای این عضو ارسال خواهیم کرد. در این نامه از آن‌ها خواسته شد که چون پنج عضو اعلام کردند که هر دوشنبه می‌توانند در دادگاه شرکت کنند، آن‌ها به ما اعلام نمایند که در کدامیک از این هفته‌ها برنامه فوق‌العاده ندارند و می‌توانند در جلسه دادگاه حاضر شوند.

اگر این دو عضو تاریخ حضورشان را اعلام کردند، دادگاه در مورخ مورد نظر تشکیل خواهد شد، ولی اگر تا روز دوشنبه به ما اعلام نکردند که در چه تاریخی می‌توانند در جلسه دادگاه شرکت کنند، این شبهه پیش می‌آید که عدم حضور آن‌ها عمدی می‌باشد و آن‌ها می‌خواهند که جلسه دادگاه تشکیل نشود و مدیران مسؤول جوابگویی شکایت افراد نباشند. آن وقت ما مطابق قانون دادگاه مطبوعات حکم مقتضی را دربارهٔ با این موضوع صادر خواهیم کرد.

سعید مرتضوی در پاسخ سؤال یکی از شاکیان روزنامهٔ صبح امروز مبنی بر عدم حضور هیأت‌منصفه و این‌که آیا امکان شکایت از این افراد به مرجعی وجود دارد یا خیر گفت: باتوجه به عضویت در هیأت‌منصفه افتخاری می‌باشد و هیأت‌منصفه این حق را دارند که از سمت خود استعفا بدهند و تنها ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده برای حضورشان در قانون مطبوعات مادهٔ ۳۵ می‌باشد که این ماده اعلام می‌دارد اگر عضو هیأت‌منصفه بدون عذر موجه در دادگاه شرکت نکند، دادگاه می‌تواند آن عضو را به مدت دو سال از عضویت در هیأت‌منصفه محروم کند، طبقاً قانون‌گذار این وظیفه را به عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار داده که اعضای جایگزین را معرفی کند و به نظر من در قانون دادگاه مطبوعات جایگاهی برای شکایت وجود ندارد و این امر در قانون مطبوعات پیش‌بینی نشده است.

وی در پاسخ یکی از خبرنگاران مبنی بر این‌که آیا شکایت سعید حجاریان از روح‌الله حسینیان به علت مصاحبه ایشان در روزنامهٔ جبهه باعث عدم حضور یکی از اعضای هیأت‌منصفه می‌شود گفت: ما شکایت را با مادهٔ ۲۰۸ آئین دادرسی مطابقت دادیم و آن را از موارد رد آئین دادرسی نمی‌دانیم ولی چون رسیدگی به شکایت علیه روحانیون در دادگاه ویژه روحانیت قابل پیگیری می‌باشد، وکیل ایشان ادعا دارند که این مورد از موارد رد دادرسی است و طبق قانون مطبوعات رد اعضای هیأت‌منصفه همان موارد رد دادرسی می‌باشد.

مرتضوی گفت: وکیل حجاریان معتقد است آقای حسینیان صلاحیت شرکت در دادگاه را

پرونده روزنامه صبح امروز ۱۳۳۹

به عنوان یکی از اعضای هیأت منصفه ندارد. ما شکایت را با ماده ۲۰۸ قانون آئین دادرسی مطابقت کردیم و آن را از موارد رد آئین دادرسی نمی دانیم، ولی چون رسیدگی به شکایت علیه روحانیون در صلاحیت دادگاه روحانیت است، این پرونده را طبق ماده ۱۳ آئین نامه دادگاه های ویژه روحانیت ارسال کردیم چنانچه پس از رسیدگی در دادگاه ویژه روحانیت پرونده منجر به صدور قرار مجرمیت یا کیفرخواست گردد مسلماً از موارد رد دادرسی خواهد بود. ما جلسه آتی محاکمه صبح امروز را بدون حضور آقای حسینیان برگزار خواهیم کرد. اما تا زمانی که شکایت علیه آقای حسینیان منجر به صدور کیفرخواست نگردد، آقای حسینیان هیچ معنی برای حضور در جلسه دادگاه نخواهند داشت. وی آخر درباره حضور و یا عدم حضور اعضا گفت: اگر اصلاحیه قانون مطبوعات به تصویب برسد، دیگر از این گونه مشکلات نخواهیم داشت.

شش ماه بعد

در پی عدم حضور سعید حجاریان مدیرمسئول روزنامه صبح امروز، دستور جلب نامبرده توسط شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران صادر و به نیروی انتظامی ابلاغ شد. سعید مرتضوی رئیس دادگاه مطبوعات در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی^۱ در مورد ادعای غلامعلی ریاحی وکیل سعید حجاریان مبنی بر عدم دریافت احضاریه اظهار داشت: باتوجه به این که آقای حجاریان به همراه وکیل مدافع خود حدود دو ماه پیش به این دادگاه مراجعه و نسبت به مطالعه ۱۰ فقره از ۱۸ پرونده جدید اقدام و یک هفته برای تدارک دفاع و تهیه مدارک و بررسی مستندات از دادگاه مهلت خواسته بودند و این امر در مطبوعات نیز منعکس شد و همچنین باتوجه به گزارش واحد ابلاغ مبنی بر تحویل و ابلاغ قانونی ۸ فقره اخطاریه مربوط به پرونده های جدید، چنانچه وکیل متهم چنین ادعایی کرده باشد، ادعاهای وی مردود و غیرموجه است. وی افزود: مضافاً به این که ریاحی و شخص مدیرمسئول روزنامه صبح امروز، امروز به مسامحه و قصور روزنامه در اعلام آدرس جدید به دادگاه اذعان کردند.

حجاریان در دادگاه

سعید حجاریان مدیرمسئول روزنامه صبح امروز در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۴ به همراه وکیل خود در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه ویژه جرائم کارکنان دولت حاضر و به اتهامات جدید خود پاسخ داد. سعید حجاریان پس از متوجه شدن صدور حکم جلب خود از طرف قاضی شعبه ۱۴۱۰ به همراه غلامعلی ریاحی وکیل خود در شعبه حاضر و پاسخگوی شکایات جدید علیه روزنامه صبح امروز شد.

وکیل مدیرمسئول روزنامه صبح امروز در این باره گفت: انتشار خبر جلب آقای حجازیان خصوصاً از طریق سیمای جمهوری اسلامی موجب این شبهه شده است که برای مدیرمسئول صبح امروز حکم بازداشت صادر شده است، درحالی که چنین نبوده و آنچه از طرف شعبه ۱۴۱۰ صادر شده است، برگ جلب برای ایشان بوده، نه حکم بازداشت.

وی در خصوص برگه جلب مدیرمسئول روزنامه صبح امروز گفت: به دلیل تنظیم زمان حقوقی و حضور موکل در دادگاه دیگر نیازی به انجام دستور صادره پیش نیامد و باتوجه به این موضوع و حضور موکل در روز جاری با حکم قاضی دادگاه، برگ جلب صادره بلااثر و بدون اقدام قانونی اعاده گردید.

ریاحی درباره عدم دریافت برگه احضاریه گفت: باتوجه به وجود نشانی قبلی روزنامه صبح امروز در پرونده، احضاریه ارسال شده از طرف دادگاه به نشانی قبلی روزنامه ابلاغ قانونی شده بوده که من و موکل از این موضوع هیچ اطلاعی نداشتیم. بنابراین نشانی جدید روزنامه به دادگاه ارائه شد و به این تکلیف قانونی یعنی تغییر محل اقامت متهم عمل گردید.

سعید حجازیان مدیرمسئول صبح امروز در خصوص احضار خود گفت: اول از همه لازم است بگوییم ما که خودمان مدافع شعار جامعه مدنی هستیم به قانون احترام گذاشته و هیچ‌گاه خلاف قانون عمل نمی‌کنیم. این مسأله به وجود آمده ناشی از تغییر آدرس روزنامه بود و تعللی در کار نبوده است.

امروز صبح من به همراه وکیل خود در اسرع وقت (حتی زودتر از قاضی دادگاه) به شعبه مراجعه کرده تا پرونده شکایات جدید را مطالعه کنیم. مطابق قانون مطبوعات ورود در بحث مضمون مطالب ممنوع است. من فقط نام شکات را برای شما بازگو می‌کنم. مرتضی نبوی به‌عنوان نماینده مجلس و مدیرمسئول روزنامه رسالت، سید محمد حجازی فرمانده نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران، حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی و شکایتی از طرف دادگاه ویژه روحانیت اصفهان، از شکایت‌های جدید ارسال شده علیه روزنامه صبح امروز می‌باشد. امروز فقط فرصت مطالعه شکایت مدیرمسئول روزنامه رسالت و فرمانده نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران فراهم و مطالعه دیگر پرونده‌ها به فردا موکول شد.

لازم به ذکر است که ۱۰ مورد پرونده شکایتی روزنامه صبح امروز از قبل به‌جا مانده بود که با ارسال هشت مورد شکایت جدید، شکایات مطالعه نشده صبح امروز از طرف مدیرمسئول آن به ۱۸ مورد رسیده که شکایات روزنامه صبح امروز در کل به ۵۸ مورد رسیده است و مدیرمسئول آن با قرار وثیقه ۲۵ میلیون تومانی تا برگزاری جلسه دادگاه آزاد می‌شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه جبهه

نام نشریه: هفته نامه جبهه

مدیرمسئول: احمد کاظم زاده

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی، شعبه ۱۰۸۳، قاضی حسینیان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۱۰ توقیف

اتهام: تخلف از بند ۶ قانون مطبوعات، انتشار اسناد طبقه بندی شده و محرمانه، نشر اکاذیب و توهین

شاک: دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، لطیف صفری، ابراهیم یزدی، حسین موسوی تبریزی، مسؤول کمیته تحقیق از حادثه کوی دانشگاه تهران، سعید رجایی خراسانی، مسؤول وقت

اداره مالی وزارت کشور، استاندار وقت یزد، فرماندار تربت حیدریه، احمد حکیمی پور.

رأی دادگاه: پرونده در خرداد ۸۴ مشمول مرور زمان شد و قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول و سردبیر نشریه صادر شد.

توقیف نشریه جبهه

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران حکم توقیف موقت این نشریه به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز با توجه به اصرار روزنامه یاد شده در تخلف از مقررات ماده شش قانون مطبوعات از سوی این دادگاه صادر شد. متعاقب بررسی و رسیدگی به پرونده اتهامی مدیرمسئول نشریه جبهه که در حال حاضر هفته ای یک بار منتشر می شود و با عنایت به شکایات متعددی که از این نشریه واصل شده و با توجه به احضار و تفهیم اتهام و اخذ تأمین از مدیرمسئول نشریه یاد شده و اقدام های بعدی آن هفته نامه که به موجب شکایات جدید ادامه داشته، اصرار نشریه جبهه به تخلف از بندهای ماده شش قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ محرز شده بود.

این گزارش همچنین با اشاره به شکایت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر انتشار اسناد طبقه بندی شده و محرمانه آن مرجع توسط نشریه جبهه، می افزاید: به منظور پیشگیری از ادامه جرائم بعدی توسط این نشریه که طبعاً اثرات نامطلوبی در تشویش اذهان و افکار عمومی در پی

دارد، به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم را مجری وظایف یاد شده می‌داند، قرار توقیف موقت هفته‌نامه جبهه صادر شد.^۱

رأی دادگاه

دادگاه شعبه ۱۰۸۳ در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۸۴ پس از بررسی پرونده نشریه جبهه حکم توقیف موقت این نشریه را لغو کرد و برای احمد کاظم‌زاده و مسعود دهنمکی مدیرمسئول و سردبیر نشریه قرار موقوفی تعقیب صادر کرد.

قاضی حسینیان پرونده را مضمول مرور زمان دانست و به استناد قانون رأی خود را صادر کرد. در رأی صادره از لطیف صفری، ابراهیم یزدی، حسین موسوی تبریزی، مسئول کمیته تحقیق از حادثه کوی دانشگاه تهران، سعید رجایی خراسانی، مسئول وقت اداره مالی وزارت کشور، استاندار وقت یزد، فرماندار تربت حیدریه، احمد حکیمی‌پور و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان شاکی یاد شده است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه سیروان

نام نشریه: هفته نامه سیروان سنندج

مدیرمسئول: جلال جلالی زاده

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۲۷ احضار

اتهام: نشر اکاذیب، افترا

شاکی: دانشگاه آزاد اسلامی کردستان، محمدرضا رحیمی استاندار سابق کردستان، صدا و سیما

رأی دادگاه: پرونده مفتوح است.

خلاصه پرونده

سر دبیر هفته نامه سیروان چاپ سنندج گفت: جلال جلالی زاده مدیرمسئول این هفته نامه به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران احضار شد.

محمدرکیم اسدیگی گفت: در اخطاریه این شعبه تأکید شده که جلالی زاده ظرف یک هفته برای ادای توضیحات در این دادگاه حضور یابد. قاضی مرتضوی سال گذشته نیز در آستانه انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی مدیرمسئول سیروان را احضار کرده بود که جلالی زاده به دلیل غیرقانونی بودن احضار نامزدهای انتخاباتی از حضور در دادگاه خودداری کرد. در اخطاریه اخیر شعبه ۱۴۱۰ دادگستری تهران به نام شاکی و موضوع اتهام جلالی زاده اشاره ای نشده است.

جلال جلالی زاده در گفت و گو با خبرنگاران گفت: در وقت تعیین شده برای ادای توضیحات در این شعبه حضور خواهم یافت.

وی پس از مراجعه به دادگاه گفت: پس از مراجعه به دادگاه از شکایت صدا و سیما، نیروی انتظامی و دانشگاه آزاد سنندج و اداره کار مطلع شدم. پس از گذشت چند ماه دانشگاه آزاد، اداره کار و نیروی انتظامی از شکایت های خود صرف نظر کردند. پرونده در خصوص بقیه شکایت ها مفتوح است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن

نام نشریه: روزنامه هم‌میهن

مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی

شعبه رسیدگی‌کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۲۷ توقیف

اتهام: شبهه افکنی و نشر اکاذیب علیه سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، قوه قضائیه، مجلس شورای

اسلامی، وزارت اطلاعات، اختلاف افکنی بین مسئولان نظام

شاکی: سازمان زندان‌ها

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

توقیف هم‌میهن

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران در پی شکایت مدعی العموم علیه غلامحسین کرباسچی مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن بر ۱۷ مورد تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ و اصرار مدیرمسئول آن روزنامه در ارتکاب جرائم مذکور، دستور توقیف موقت این روزنامه صادر شد. جرائم یاد شده در شکایت از جمله شبهه افکنی و نشر اکاذیب علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج، نیروی انتظامی، قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، وزارت اطلاعات و اختلاف افکنی بین مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی، بوده که طبق آن دادگاه شعبه ۱۴۱۰ عمومی تهران دستور توقیف موقت این روزنامه را صادر کرده است.

در بخشی از این دستور توقیف آمده است: باتوجه به مجموع محتویات پرونده از آنجا که به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی "هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد" و مآلاً آزادی مطبوعات مقرر در اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب نیز تا جایی تضمین شده که حوزه این آزادی موجب اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی نباشد.

این اطلاعیه می‌افزاید: همچنین به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که در مقام تبیین وظایف قوه قضائیه "اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم" را از وظایف این قوه دانسته،

علی‌هذا دادگاه به استناد ماده ۶ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ و ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی در خصوص الحاق دو بند و یک تبصره به ماده فوق‌الذکر و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و با ملحوظ نظر داشتن عدم توجه مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن به تذکرات و نصایح مسؤولان محترم نظام و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات متخلف، قرار توقیف موقت روزنامه هم‌میهن را صادر و اعلام می‌کند.

وکیل روزنامه هم‌میهن سوم تیرماه ۱۳۷۹ با حضور در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران گفت: بخشی از شکایات علیه این روزنامه سوءتفاهم است که به نظر می‌رسد با مذاکره با شاکیان مرتفع خواهد شد.

سید محمود عزیزاده طباطبائی در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: یک احضاریه در ارتباط با شکایت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور دریافت شد که مربوط به درج خبر مورخ ۲۱ اردیبهشت ماه سال جاری این روزنامه بود.

در این خبر به نقل از وکلای شمس‌الواعظین و لطیف صفری آمده بود که نسبت به وضعیت غذا و بهداشت زندان اعتراض داشتند و سازمان امور زندان‌ها این خبر را تکذیب کرد که تکذیبیه آن نیز روز بعد در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه در روزنامه هم‌میهن درج شد.

وکیل روزنامه هم‌میهن اعلام کرد که وی لایحه‌ای نوشته و به قاضی مرتضوی رئیس شعبه دادگاه تحویل داده است و پس از مذاکره با سازمان امور زندان‌ها مقرر شد که سازمان از شکایت خود صرف‌نظر کند.

وکیل این روزنامه اضافه کرد: باتوجه به محتویات پرونده از آنجایی که نشر اکاذیب جهت تشویش اذهان عمومی صورت نگرفته و جرمی واقع نشده است، می‌توان به رفع سوءتفاهمات خوشبین بود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه رسالت

نام نشریه: روزنامه رسالت

مدیرمسئول: مرتضی نبوی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۰/۶/۱۸، بیش تر شکایت‌ها مربوط به سال‌های ۷۹-۱۳۷۸ می‌باشد.

شماره دادنامه: ۲۹۵ الی ۳۴۶

اتهام: نشر اکاذیب، ایراد افترا و توهین

شاکا: احمد زیدآبادی، رضا علیجانی، تقی رحمانی، سازمان حفاظت محیط زیست، استانداری کردستان، دادگستری تهران، فرمانداری اسلام‌آبادغرب، بهزاد نبوی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، فرمانداری ارومیه، معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران، خیرالله کاووسی، آموزش و پرورش شهرستان سلسله، شمس‌الواعظین، احمد بنایی، اسدالله احمدی، حمیدرضا تقواگرمسرائی، شهرداری نطنز، فرمانداری دزفول، کرباسچی، دانشگاه پیام نور اردبیل، دفتر تحکیم وحدت، لطیف صفری، محمد سیم‌زاری، حمیدرضا جلالی‌پور، انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر، کمال مرادی مدیرمسئول هفته‌نامه مسبین، احمد فرساد به وکالت از شورای اسلامی شهر تهران و احمد حکیمی‌پور، صدیقه و سمنی، دفتر حقوقی وزارت کشور، مدیرکل سابق زمین‌شهری ایلام، فرمانداری تهران
رأی دادگاه: دو میلیون ریال جزای نقدی، صدور قرار موقوفی تعقیب درخصوص پرونده‌هایی که شکات آن اعلام گذشت کردند. صدور رأی براءت در خصوص پرونده‌های دیگر.

رأی دادگاه

درخصوص اتهام آقای سیدمرتضی نبوی مدیرمسئول روزنامه رسالت مبنی بر ۱. انتشار اخبار مربوط به پرونده اتهامی آقای رضا احمدی شخصی که متهم به تهدید آقای حجابیان به ترور می‌باشد و پرونده نوارسازان بدون مجوز قانونی و قبل از قطعیت رأی دادگاه موضوع شکوائیه ریاست کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم ۲. نشر اکاذیب نسبت به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور در مورد چاپ بیانیه گروه موسوم به انصار

حزب‌الله در روزنامه مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۷ شماره ۳۹۰۸ از توجه به جامع اوراق پرونده شکایت شکات و نظریه هیأت منصفه مطبوعات به مجرمیت متهم و عدم دفاع مؤثر از ناحیه متهم یزه‌های انتسابی به وی محرز است و مستنداً به تبصره یک ماده ۱۸۸ قانون آ.د.ک محاکم عمومی و انقلاب و لحاظ ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی در مورد شکایت مدعی‌العموم و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص شکایت اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های سراسر کشور و با رعایت ماده ۴۷ از همان قانون و نیز با توجه به هیأت منصفه مطبوعات با اکثریت آرا متهم را مستحق تخفیف تشخیص داده‌اند با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی بالمناصفه در خصوص هریک از یزه‌های ارتكابی بدل از حبس یا شلاق محکوم می‌نماید. در خصوص شکوائیه آقای لطیف صفری در مورد مطلب چاپ شده در ستون شنیده‌ها و نکته‌ها مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۲ که هیأت منصفه مطبوعات متهم را مجرم شناخته است نظر به این‌که حسب تقاضای متهم در مورد صحت موضوع از دادگاه انقلاب اسلامی تهران استعلام به عمل آمد و ریاست محترم شعبه ششم دادگاه انقلاب اسلامی طی نامه شماره ۱۳۸۰/۶/۱۲ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۳ به عنوان همکاران گروه سازمان آگهی‌ها از وی نام برده شده است در مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۱ و درحالی‌که مست بوده و شعارهایی در حوالی کوی دانشگاه سر می‌داده است مورد تأیید قرار داده است که با توجه به صحت موضوع و تأیید آن از سوی ریاست محترم شعبه ششم دادگاه انقلاب اسلامی موضوع نشر اکاذیب به لحاظ فقد دلیل کافی احراز نگردید و لذا با لحاظ تبصره دو ماده ۴۳ قانون مطبوعات و به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر براءة متهم صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص شکایات مدیرکل امور حقوقی وزارت کشور نسبت به مطالب مندرج در مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۴ به قلم آقای محمدجواد لاریجانی - ۱۳۷۹/۳/۱ - به قلم آقای بیژن مقدم - ۱۳۷۹/۵/۲۹ - مطالب به نقل از آقای محمد سرافراز - ۱۳۷۹/۹/۲ - به نقل از آقای سلمان خدادادی - ۱۳۷۹/۹/۱ - تحت عنوان اعتراض جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار به انتصاب تاج‌زاده - ۱۳۷۹/۹/۷ - تحت عنوان تاج‌زاده سخنگوی یک جناح سیاسی است نمی‌تواند بی‌طرف باشد - ۱۳۷۸/۴/۲۰ - به نقل از یکی از اعضای کمیسیون احزاب - ۱۳۷۸/۹/۱۵ - مطالب منتشره از قول ریاست ستاد انتخابات کشور در سخنرانی همایش فرمانداران و بخشداران استان خراسان - ۱۳۷۸/۳/۱۲ - به نقل از مهندس محمدرضا باهنر - ۱۳۸۰/۳/۱۲ - تحت عنوان تخلفات انتخاباتی - ۱۳۷۹/۹/۳ - نامه بسیج اساتید دانشگاه اصفهان برای رئیس قوه قضائیه - ۱۳۷۹/۹/۸ - تحت عنوان: دکتر کامران انتصاب آقای تاج‌زاده نشانه بی‌تدبیری وزیر کشور بود - ۱۳۷۹/۸/۳۰ - به نقل از مهندس سلیم بهرامی - ۱۳۷۸/۵/۵ - تحت عنوان کرامات ویژه - ۱۳۷۹/۸/۲۸ - تحلیل خبری در خصوص انتصاب آقای تاج‌زاده به عنوان رئیس انتخابات

پرونده روزنامه رسالت ۱۲۴۹

ریاست جمهوری ۱۳۸۰-۳/۱۷-۱۳۸۰ ستون شنیده‌ها و نکته‌ها و نیز در خصوص شکایت آقای تقی رحمانی در مورد مطالب مندرج در تاریخ‌های ۱۳۷۹/۱/۱۶-۱۳۷۹/۱/۲۲-۱۳۷۹/۱/۲۳ و ۱۳۷۹/۱/۲۵ و ۱۳۷۹/۱/۳۰ و در خصوص شکایت فرمانداری اسلام‌آباد غرب نسبت به مطالب مندرج در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۹ و در خصوص شکوائیه استنادار کردستان نسبت به مطالب مندرج در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۶ و در خصوص شکایت آقای کمال مرادی مدیرمسئول هفته‌نامه مبین در مورد مطالب مندرج در ستون شنیده‌ها و نکته‌ها مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۴ و در خصوص شکایت آقای خیرالله کاووسی در مورد مطالب مندرج با عنوان قتل یک جوان ۳۳ ساله در مهران در مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۵ و در خصوص شکایت آقای غفور سلیمانی در خصوص مطالب مندرج در ستون حوادث با تیتیر مدیرکل سابق زمین شهری ایلام به اتهام اختلاس دستگیر شد در مورخ ۱۳۷۰/۹/۱۹ و در خصوص شکایت آقای آیت‌الله آذرمی فرماندار تهران در خصوص مطلب منتشره به نقل از آقای سیداحمد رسولی‌نژاد در مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۶ و در خصوص شکایت آقای حمیدرضا تقواگرمسرائی در مورد مطلب منتشره مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۸ و در خصوص شکایت آقای احمد فرساد به وکالت از خانم صدیقه وسمقی در مورد مطلب مندرج در شماره ۱۳۷۸۵/۴/۲۷ در دو مرحله و در خصوص شکایت دیگر آقای احمد فرساد به وکالت از سوی شورای اسلامی شهر تهران در مورد مطلب مندرج در تاریخ‌های ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ و ۱۳۷۸/۱۰/۲۶ در مورد انتصاب مسؤول دفتر آقای کرباسچی به‌عنوان شهردار یکی از مناطق و تهدید به افشای تخلفات گذشته وی و دیگری همکاری طیف به اصطلاح چپ شورای شهر با هدف برکناری شهردار فعلی و جایگزین کردن ایشان با ابراهیم اصغرزاده و شکایت آقایان لطیف صفری و حمیدرضا جلابی‌پور مشترکاً در مورد مطالب مندرج در مورخ ۱۳۷۸/۵/۱۷، ۱۳۷۸/۵/۲۰، ۱۳۷۸/۵/۲۳، ۱۳۷۸/۵/۲۴، ۱۳۷۸/۵/۲۴، ۱۳۷۸/۵/۳۱، ۱۳۷۸/۶/۱، ۱۳۷۸/۶/۲، ۱۳۷۸/۶/۳، ۱۳۷۸/۶/۶، ۱۳۷۸/۶/۸، ۱۳۷۸/۶/۹، ۱۳۷۸/۶/۱۱، ۱۳۷۸/۶/۱۱، ۱۳۷۸/۶/۱۴، ۱۳۷۸/۶/۱۷، ۱۳۷۸/۶/۱۷، ۱۳۷۸/۶/۱۷ در خصوص شکایت آقای محمد سیمزاری در مورد مطالب مندرج در صفحه دوم و ستون شنیده‌ها و نکته‌ها مورخ ۱۳۷۸/۵/۳۰ و در خصوص شکایت دیگر آقای حمیدرضا جلابی‌پور در مورد مطلب منتشره در مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۹ و در خصوص شکایت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در مورد مطلب مندرج در مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۵ و ۱۳۷۷/۹/۲۹ و ۱۳۷۷/۹/۲۶ و ۱۳۷۷/۷/۴ در دو مرحله و در خصوص شکایت آقای احمد بنائی ریاست سازمان مسکن و شهرسازی آذربایجان غربی در مورد مطالب منتشره در شماره ۴۳۲۱ مورخ ۱۳۷۶/۸/۱۰ و در خصوص شکایت آقای ماشاءالله شمس‌الواعظین در خصوص مطلب مندرج در مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۵ و شکایت ریاست آموزش و پرورش شهرستان سلسله در مورد مطلب منتشره در روزنامه رسالت در

خصوص دبیرستان دخترانه حکمت و در خصوص شکایت شهردار نطنز در مورد مطلب منتشره در مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۶ و در خصوص شکایت سرپرست دانشگاه پیام نور مرکز اردبیل در مورد مطلب منتشره در خیر مربوط به اختلاس در دانشگاه پیام نور اردبیل و در خصوص شکایت آقای احمد حکیمی پور در مورد مطالب مندرج در مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۶ و شکایت خانم غضنفری به وکالت از آقای احمد حکیمی پور در مورد مطالب مندرج در مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷، ۱۳۷۹/۱/۲۰، ۱۳۷۹/۱/۲۲، ۱۳۷۹/۱/۲۳، ۱۳۷۹/۱/۲۵، ۱۳۷۹/۱/۲۸، ۱۳۷۹/۱/۲۹، ۱۳۷۹/۱/۳۰، ۱۳۷۹/۱/۳۱، ۱۳۷۹/۲/۱، ۱۳۷۹/۲/۵، ۱۳۷۹/۲/۸، ۱۳۷۹/۲/۱۵، ۱۳۷۹/۲/۲۲ و در خصوص شکایت فرماندار شهرستان دزفول در مورد مطلب منتشره در مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۸ و در خصوص شکایت فرماندار شهرستان ارومیه در خصوص مطلب مندرج در مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۸ و ۱۳۷۹/۱/۳۰ و در خصوص شکایت معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران در خصوص مطلب مندرج در مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۰ و در خصوص شکایت آقای صالح نیک‌بخت وکیل دادگستری به وکالت از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و آقای بهزاد نبوی در خصوص مطالب مندرج در مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۲، ۱۳۷۶/۴/۱۴، ۱۳۷۶/۴/۲۶، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۱۳۷۹/۱/۲۰، ۱۳۷۸/۵/۳، ۱۳۷۸/۸/۱۹، ۱۳۷۹/۹/۱۷ روزنامه رسالت که شکات اعلام شده به شرح شکوائیه‌های ابرازی علیه مدیرمسئول روزنامه رسالت به اتهامات نشر اکاذیب، ایراد افترا و توهین اعلام جرم نموده که هیأت منصفه مطبوعات پس از بررسی مدیرمسئول روزنامه رسالت را در هیچ‌یک از موارد مذکور مجرم تشخیص نداد که باتوجه به نظریه هیأت منصفه و صرف‌نظر از اعلام گذشت فرمانداری تهران و شهرداری نطنز به استناد ماده ۴۳ قانون مطبوعات و اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر براءة متهم صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص شکوائیه حزب کارگزاران سازندگی ایران بر علیه مدیرمسئول روزنامه رسالت در خصوص مطلب منتشره در مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۶ صفحه دو مبنی بر ایراد افترا و نشر اکاذیب باتوجه به اعلام گذشت آن حزب که به شماره ۵۶۲ - ۱۳۸۰/۵/۲ ثبت اندیکاتور دادگاه گردیده است و مستنداً به مواد ۶۹۷، ۶۹۸ و ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص شکوائیه خانم غضنفری کارآموز وکالت در مورد مطالب مندرج در شماره ۴۱۳۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۳ صفحه دوم روزنامه رسالت مبنی بر نشر اکاذیب و ایراد افترا چون وکالتنامه از سوی خانم غضنفری ارائه نگردیده و به استناد ماه ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی رسیدگی به موضوع نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارد به غیر از جرائم عمومی که نیازمند شکایت مدعی‌العموم می‌باشد سمت وی بر دادگاه احراز نگردیده لذا به لحاظ فقد سمت قانونی قرار منع پیگرد صادر و اعلام می‌گردد. پرونده در خصوص سایر شکایات مفتوح می‌باشد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه ملت

نام نشریه: روزنامه ملت

مدیرمسئول: علی مثبت

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۳/۴

اتهام: استناد به تبصره ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات

شاکی: سرپرست مجتمع قضایی جرائم کارکنان دولت

رأی دادگاه: پرونده مفتوح است. نشریه در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۳ توقیف و در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۳ از سوی دادگستری رفع توقیف شد. روزنامه ملت بار دیگر در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۹ توقیف شد.

خلاصه پرونده^۱

معاون دادگستری تهران و سرپرست مجتمع قضایی جرائم کارکنان دولت در نامه ای خواستار جلوگیری از انتشار نشریات جدید پیش از اعلام نظر دادگستری تهران شد.

محسنی اژه ای این نامه را به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته است و بر اساس آن روزنامه هایی که قصد انتشار دارند تا اعلام نظر دادگستری باید منتظر بمانند.

سعید حقی صاحب امتیاز روزنامه ملت در گفت و گو با ایرنا گفت: در این نامه تصریح شده نشریاتی که قصد انتشار دارند باید از دادگستری استعلام کنند. در این نامه به تبصره ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات اشاره شده که هیأت نظارت پیش از صدور مجوز نشریات باید از دادگستری و وزارت اطلاعات درباره صلاحیت مدیران مسؤول استعلام کند.

صاحب امتیاز روزنامه ملت گفت: اداره کل مطبوعات داخلی رونوشت نامه آقای محسنی اژه ای را برای این روزنامه ارسال کرده است. در این نامه آقای محسنی اژه ای از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواسته است تا با قید فوریت اسامی نشریاتی را که در استان تهران مجوز گرفته اند و تاکنون انتشار نیافته اند همراه با نام و نشانی صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریات به دادگستری استان تهران ارائه دهد و نشریات قبل از اعلام نظر دادگستری اقدام به چاپ و نشر نکنند.

وی گفت: آقای محسنی اژه‌ای از ما خواسته است که اسامی همه همکاران این روزنامه را به آنان بدهیم تا در میان آنان طرفداران گروهک‌ها و ضد انقلاب نباشند. محسنی اژه‌ای این درخواست را با استناد به تبصره ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات که در آن عنوان شده اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب حق فعالیت مطبوعاتی و انتشار نشریه ندارند، مطرح کرده است. ما فهرست اسامی همکاران خود را ارائه می‌دهیم، اما اعتقاد داریم که هیچ‌یک از آنان هوادار گروهک‌ها نیستند. صاحب امتیاز روزنامه ملت که از طرف قاضی مرتضوی به شعبه ۱۴۱۰ احضار شده است گفت: آقای مرتضوی در این جلسه عنوان کرد به علت روحانی بودن آقای علی مثبت مدیرمسئول روزنامه ملت باید از دادگاه ویژه روحانیت درباره وی استعلام شود.

توقیف مجدد

دادگستری تهران با ارسال نامه‌ای به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۸ دستور توقیف روزنامه ملت را صادر کرد.^۱ با توجه به شکایت اخیر معاون رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم علیه آقای سعید حقی مدیرمسئول روزنامه ملت مبنی بر تخلفات مکرر این روزنامه از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات و اصرار مدیرمسئول روزنامه فوق در ارتکاب جرائم مذکور و تخلف از مقررات ماده ۲۸ قانون مطبوعات که لغو پروانه نشریه در آن پیش‌بینی شده، دادگاه با توجه به مجموع محتویات پرونده و تدقیق در شکایات عمومی و خصوصی وارده علیه این روزنامه از آن‌جا که به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و ملاً آزادی مطبوعات مقرر در اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب نیز تا جایی تضمین شده که حوزه این آزادی موجب اضرار به غیر و تجاوز منافع عمومی نباشد. همچنین بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که در مقام تبیین وظایف قوه قضائیه است اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف این قوه دانسته که از جمله مقررات پیشگیرانه مذکور در قوانین عادی ماده ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب ۱۳۳۹ می‌باشد که قانون‌گذار جمهوری اسلامی نیز در سال ۱۳۷۰ در ماده یک قانون مجازات اسلامی اقدامات تأمین را پذیرفته است لذا با عنایت به عدم توجه مدیرمسئول روزنامه ملت به تذکرات و نصایح مسؤولان محترم نظام و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات متخلف به حکم وظیفه قانونی در پیشگیری از اقدامات مجرمانه در جهت بحران‌سازی و ناامن کردن فضای مطبوعات کشور قرار توقیف موقت روزنامه ملت صادر و اعلام می‌نماید. مقرر است تا اطلاع ثانوی از ادامه چاپ و انتشار این روزنامه جلوگیری به عمل آید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه گزارش روز

نام نشریه: روزنامه گزارش روز

مدیرمسئول: علی محمد مهدوی خرمی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی، شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۱/۵/۱۷ تاریخ توقیف: ۱۳۷۹/۲/۴

شماره دادنامه: ۱۸۰ و ۱۸۱، کلاسه پرونده: ۱۳۰/۱۴۰۸/۸۰ - ۲۶۷/۱۴۰۸/۸۰

اتهام: نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری، توهین به مسؤلان

کشور و مقدسات دینی

شاکی: مدعی العموم، وزارت اطلاعات، مدیرکل اطلاعات هرمزگان، سپاه پاسداران، مدیرکل قوانین

و امور حقوقی ناجا، انصار حزب الله، شاکی خصوصی

رای دادگاه: مهدوی خرمی در خصوص برخی از شکایات مبنی بر نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام به

۲۰ ماه حبس محکوم شد. دادگاه همچنین به لغو امتیاز روزنامه حکم داد و رأی در شعبه ۲۱

دادگاه تجدیدنظر تأیید گردید. در خصوص برخی از شکایات از جمله مدعی العموم، وزارت

اطلاعات، مدیرکل اطلاعات هرمزگان رأی براءت صادر کرد. در خصوص شکایت مدیرکل

حقوقی و قوانین ناجا پرونده مفتوح است. دادگاه تجدیدنظر رأی صادره را تأیید کرد.

حکم توقیف گزارش روز^۱

قاضی ملاحزاده در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۴ با ارسال نامه‌ای به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی اعلام کرد: از آنجا که پرونده اتهامی مدیرمسئول روزنامه گزارش روز آقای

علی محمد مهدوی خرمی جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده با توجه به شکایات وارده که از

محتویات پرونده اصرار روزنامه مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب

سال ۱۳۶۴ مستفاد است لذا به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و

افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار جامعه می باشد به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین

و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم عمومی مجری وظایف مذکور هستند دستور توقیف موقت انتشار نشریه مذکور صادر و اعلام، مقرر است از انتشار نشریه فوق تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید. هرگونه تخطی از دستور فوق تمرد از دستور قضایی محسوب می‌گردد.

خلاصه پرونده

۳۰ تیرماه ۱۳۸۱ جلسه رسیدگی به اتهامات مهدوی خرمی مدیرمسئول روزنامه گزارش روز در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی محمدرضا صارمی و با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات برگزار شد.

در این جلسه سه فقره شکایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شکایت وزارت اطلاعات و اداره کل اطلاعات استان هرمزگان، نیروی انتظامی و شکایت انصار حزب الله مطرح شد. وزارت اطلاعات، مدیرمسئول نشریه گزارش روز را به نشر اخبار کذب، خلاف واقع و تشویش اذهان عمومی علیه این وزارت خانه متهم کرد.

سپاه پاسداران نیز در شکایت خود اعلام کرد که این نشریه در خصوص حادثه کوی دانشگاه و حادثه ترور حجاریان نسبت‌های ناروایی را به مسؤولان سپاه داده است.

مجتبی مظفر نماینده حقوقی نیروی انتظامی نیز گفت: نشریه گزارش روز نیروی انتظامی را به ضرب و شتم بازداشت‌شدگان حادثه کوی دانشگاه و عدم پاسخگویی در این زمینه متهم کرده است. وی خواستار اجرای مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص مدیرمسئول نشریه گزارش روز شد.

در این جلسه که مدیرمسئول نشریه گزارش روز به عنوان متهم حضور نداشت، محمدحسین آقاسی وکیل مدافع وی برای مطلع کردن موکل خود تقاضای استمهال از دادگاه را مطرح کرد که برای دو هفته مورد موافقت رئیس دادگاه قرار گرفت.

وکیل مدافع مدیرمسئول نشریه گزارش روز گفت: موکلم برای مداوا به خارج از کشور رفته است.

متن کامل شکایات

شکایت نخست مدعی العموم

روزنامه گزارش روز در دو سال قبل، از هیأت نظارت بر مطبوعات در جهت فعالیت مطبوعاتی در

زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و هنری اخذ مجوز می‌نماید. این روزنامه عمدتاً طی دوران انتشار خود جزو روزنامه‌های اجاره‌ای محسوب که مدیرمسئول آن با اخذ مبالغی آن را به گروه طبرزدی که قبلاً نشریات پیام دانشجو و هویت را منتشر و هر دو سپس توسط مراجع قانونی تعطیل گردیده‌اند واگذار و همان‌گونه که در پیش‌شماره مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۳ در سرمقاله‌ای تحت عنوان خط‌مشی روزنامه آورده است گزارش روز توسط تحریریه هفته‌نامه‌های توقیف شده پیام دانشجو و هویت اداره می‌شده است. لازم به ذکر است که آقای علی محمد مهدوی خرمی که سابقاً مدیرمسئول نشریه گزارش هفته بوده است به موجب دادنامه شماره ۳۴۷ مورخ ۱۳۷۴/۵/۳۰ صادره از شعبه ۱۴۴ محاکم عمومی تهران به اتهام نشر اکاذیب و اهانت به شش ماه حبس و محرومیت از مشاغل مطبوعاتی به مدت یک‌سال محکوم که حبس مشارالیه به مدت سه سال تعلیق می‌گردد.

با مذاقه در روزنامه گزارش روز ملاحظه می‌شود: اکثر مطالبی که در قال تحلیل، نظریه، مصاحبه با افراد و یا به‌صورت خبر آمده است، تضعیف و تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، توهین به مسؤولان نظام و تبلیغ جهت گروه‌های منحرف و غیرقانونی و تخطی از مقررات قانون مطبوعات می‌باشد که ذیلاً به مواردی از آن اشاره خواهد شد:

۱. شماره ۱۶۶: سید بنیامین صدر در جهت تحریک احساسات عمومی سعی کرده تا نظام اسلامی را مخالف با آزادی‌ها و حقوق مشروع جوانان قلمداد نماید. وی ادعا می‌کند که دانشجویان متهم هستند تا هرآنچه حکومت تجویز نموده عمل نمایند و اگر استنکاف کنند متهم به زیرپا گذاشتن ارزش‌ها می‌گردند. در پایان نیز جهت استبدادی جلوه‌دادن روش نظام اسلامی برای حکومت آن برگرفته از نظر آقامحمدخان قاجار تلقی نموده که: (اگر می‌خواهید بر مردم حکومت کنید همیشه آنان را ناآگاه نگهدار) بدیهی است مطلب مزبور موجب تحریک احساسات مردم گردیده و آنان را دچار این توهم می‌سازد که چون نظام اسلامی مبنای مردمی ندارد برای تداوم حیات خود سعی می‌کند با مجازات نویسندگان مردم را ناآگاه نگهداشته و از اطلاع‌رسانی محروم نماید. در ذیل این مطلب اهانت آمیز شعری برای دانشجویان زندانی شده در وقایع دانشگاه چاپ شده که با هدف ایجاد تشنج در کشور از طریق تحریک احساسات عمومی می‌باشد: «بی‌تو ای آزادی زندگی دشوار است، اما، موجودی پوچ و سرگردانم... این آزادی، کبوتران سپید و معصوم تو در کنج قفس‌های پولادین همان دوستان و هم‌زمندان...» ترسیم فضای خفقان‌آلود و استبدادی از نظام، طرح توهم عدم وجود آزادی در کشور، متهم نمودن نظام به انسداد اطلاعات جهت حکومت، همگی در مقابل قرار دادن مردم با نظام اسلامی می‌باشد. بر این اساس مطالب ذکر شده علاوه بر استبدادی جلوه‌دادن نظام

مشمول بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات مبنی بر ترویج مطالب بر علیه اساس جمهوری اسلامی می‌باشد. قابل ذکر است چاپ مطالب مزبور طبق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی تبلیغ علیه نظام محسوب می‌گردد و بر اساس ماده ۶۹۸ آن قانون نیز به جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی مستحق مجازات است.

۲. شماره ۱۶۶ در ذیل مقاله‌ای با عنوان "به یاد ۱۸ تیر" مطالب بسیار تحریک‌آمیزی چاپ شده که در جهت متشنج نمودن اوضاع سیاسی و امنیتی کشور می‌باشد. در این مقاله تصریح شده که دانشجویان زندانی به واسطه واقعه کوی دانشگاه مورد شکنجه و آزار بدنی توسط مأموران امنیتی قرار گرفته و ادعا شده که برخی دانشجویان در این حادثه کشته شده‌اند!! «... آن‌گاه که در رثای قلم‌های شکسته فقط به مرگ و سکوت نشست، آن‌گاه که در کلاس درس و شب امتحان نیز دغدغه‌ای آرام و قرار از تو گرفت، وقتی که در زیر تازیانه‌ها فریاد می‌زدی، فریاد همه آزادی خواهان در دل تاریخ جان می‌گرفت، دیوار سلول‌های توحید به خود می‌پیچید، حتی زمینی که خون به ناحق ریخته شده در دل خود نمانده، گویی هیچ‌کس از راز آن آگاه نیست...»

طرح مطالب مزبور در جهت القای این شبهه سخیف است که دانشجویان به واسطه استبداد حاکمان زندانی شده و مورد شکنجه و آزار جسمی قرار گرفته‌اند. در این مقاله ضمن حمایت از راهپیمایی شبانه دانشجویان (که در واقع به نوعی تشویق و ترغیب دانشجویان به تکرار این عمل غیرقانونی می‌باشد) ادعا شده که خون‌های زیادی در این واقعه توسط مأموران حکومتی ریخته شده است.

لذا به استناد بندهای ۱ و ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۹۸ همان قانون مجازات مدیرمسئول مورد تقاضاست.

۳. در شماره ۱۷۳، نامه‌ای در حمایت از دانشجویان زندانی واقعه کوی دانشگاه چاپ شده است که در این نامه ادعا شده نیروی انتظامی ابتدای امسال همانند چماق به دستان رژیم طاغوت، سربازان مغول به دانشجویان حمله کرده و سپس به نام آنان در جهت فریب مردم در سطح شهر مبادرت به خرابکاری نمودند!! در ادامه تصریح شده که ملت ایران در طول ۲۰ ساله نظام فریب‌های زیادی به خود دیده‌اند.

در این مطلب موهن ادعا شده که دانشجویان زندانی به ناحق توسط دستگاه قضایی محاکمه و زندانی گردیدند. در این کشور آزادی عقیده و اندیشه وجود ندارد!! این موارد از مصادیق بارز بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات دائر بر اهانت به مقامات و نهادهای حکومتی بوده که وفق ماده ۶۹۸ قانون مجازات مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی قابل مجازات است.

۴. شماره ۱۷۳ با طرح مطالبی در جهت تشویش اذهان عمومی ادعا شده که ستادی بحران‌ساز در کشور به وجود آمده تا در جهت تضعیف و نابودی اصلاحات برنامه‌ریزی کند. در این مطلب تصریح شده که این ستاد بحران‌ساز برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌نماید تا ضمن مبهم کردن پرونده وقایع کوی دانشگاه بحران دیگری را بیافریند. سپس تلویحاً دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی را شریک در این ستاد بحران تلقی نموده و ادعا می‌کند که نیروهای آن، کسانی که چوب لای چرخ بگذارند را دستگیر، بازجویی، شکنجه، محاکمه و زندانی می‌نمایند. پرواضح است که تنها مرجع محاکمه افراد در کشور ما دستگاه قضایی می‌باشد، لذا در مطالب فوق سعی گردیده تا قوه قضائیه مباشر بحران‌سازی در جامعه القا گردد. مطالب مذکور طبق بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات افترا نسبت به نهادها و مقامات حکومتی محسوب و براساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی مستحق مجازات می‌داند.

۵. شماره ۱۷۴، علی‌اکبر رحیم‌فر در جهت تحریک اذهان عمومی نسبت به وزارت اطلاعات در طول مدت حیاتش ادعا می‌کند که عوامل این وزارت‌خانه تاکنون بیش از ۳۰۰ قتل سیاسی مرتکب شده‌اند و یکی از فاسدترین وزارت‌خانه‌های کشور است. در ادامه تصریح شده که چون سعید امامی به قتل حاج احمد آقا خمینی و دیگر قتل‌ها اعتراف کرده بود و آمران قتل‌ها می‌ترسیدند که وی اسرار رهبران محفل اطلاعاتی را لو بدهد، او را به قتل رساندند.

مسئولان نشریه طبق اصل مسلم فقهی "البینه علی المدعی" باید ثابت نمایند ۳۰۰ قتل سیاسی در کشور چگونه اتفاق افتاده و سعید امامی خودکشی نکرده، بلکه توسط عوامل مافوق خود به قتل رسیده است. بدیهی است در صورت عدم اثبات این ادعا، نشریه مرتکب جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی گردیده است و مسؤولان نشریه طبق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مستوجب کیفر قانونی می‌باشند.

۶. شماره ۱۷۴، یوسف موسی‌زاده با طرح مقاله‌ای در حمایت دانشجویان زندانی کوی دانشگاه ضمن محکوم نمودن دستگاه قضایی کشور و متهم نمودن آن به اعمال غیرقانونی و استبدادی در جهت تشویق و ترغیب دیگر دانشجویان به تکرار اعمال مخالف امنیت، ادعا می‌نماید که دانشجویان زندانی مردان بزرگی هستند و سعادت خود را فدای سعادت هموعان خود نمودند. وی در جهت تحریک احساسات عمومی این مطلب را ذکر می‌کند: «... می‌دانم که با چشم‌های نافذت میله‌های جور زندان را درهم خواهی پیچید، دست‌هایت را مانند آزادی بالا خواهی برد و با اشک‌هایت دفتر سیاه‌پلیدی را به سپیدی خواهی کشید، ای عزیز، فجر نزدیک است و بدان که نامت همیشه زنده است، در آخر امید دارم که هر چه زودتر شما و سایر دوستان از بند استبداد آزاد گردید...»

در مطالب فوق نظام اسلامی، نظام استبداد معرفی گردیده و تلاش مذبوحانه‌ای انجام شده تا دانشجویان دیگر بر علیه نظام تحریک گردند. لذا مطالب فوق طبق بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی جرم تلقی می‌شود.

۷. شماره ۱۷۷، در ستون یادداشت خود در واکنش به ترور سعید حجاریان مطالبی طرح شده که بسیاری از مقامات مملکتی و نهادهای حکومتی مسؤول را این جنایت قلمداد می‌نماید. در این مطالب موهن تصریح شده که تئوری خودی و غیرخودی سبب اصلی این ترور و اقدامات مشابه آن است. لذا درخواست می‌شود مدیرمسئول نشریه و نویسنده مجهول‌الهویه این مقاله موهن با عنایت به ماده ۲۷ قانون مطبوعات به کیفر مقرر در ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی به جرم اهانت به مقام معظم رهبری محکوم شوند.

۸. شماره ۱۷۷، حسین کاشانی با طرح مطالبی سعی نموده افراد حزب‌اللهی را عامل ترور حجاریان جلوه دهد. مشارالیه با القای این شبهه که افراد اصول‌گرا و حزب‌اللهی مخالف سعید حجاریان بودند مدعی می‌شود که ترور حجاریان اقدامی سازمان‌یافته توسط این نیروها بوده است. متهم نمودن نیروهای حزب‌اللهی به ترور حجاریان و همکاری با گروهک منافقین ادعایی سخیف است که مسؤولان نشریه باید بر اساس اصول حقوقی آن را ثابت نمایند. مطالب طرح شده توسط نشریه مطابق بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات افترا نسبت به نهادها، ارگان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی و امت حزب‌الله محسوب می‌شود.

۹. شماره ۱۷۸، در ذیل عنوان "سال نو چرا دانشجویان در زندان؟" با متهم کردن دستگاه قضایی به صدور احکام ناعادلانه و ظالمانه تئوری شکنجه و آزار و حبس دانشجویان را تکرار می‌کنند. در این مطالب ادعا شده که محمد کثرانی و باطبی در زندان اطلاعات مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفته درحالی که هیچ نقشی در حادثه کوی دانشگاه نداشته‌اند. در ادامه ضمن حمایت از امیرانتظام تصریح شده که اکبر محمدی دانشجوی زندانی نیز مورد شکنجه‌های فراوان قرار گرفته است. دست‌اندرکاران این روزنامه با حمایت از منوچهر محمدی عضو فعال در خرابکاری کوی دانشگاه، دستگاه امنیتی کشور را متهم می‌نمایند که با شکنجه نمودن وی او را مجبور به اقرار در تلویزیون نمودند.

در پایان نیز با غیرقانونی مطرح کردن دادگاه ویژه روحانیت جرائم عبدالله نوری و محسن کدیور را صرفاً ابراز عقیده تلقی می‌نماید، طرح اتهامات مزبور علاوه بر تحریک اذهان عمومی نسبت به نظام اسلامی موجبات واکنش و اقدامات سازمان‌های بیگانه را فراهم می‌آورد. از آن‌جا که مطلب مذکور موجب تبلیغ علیه نظام اسلامی می‌گردد، لذا از آن مقام محترم خواهشمند است تا با عنایت

به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۰۰ همان قانون مورد کیفر قرار دهد.

۱۰. شماره ۱۷۸، در شرح گزارش وقایع تبریز ادعا شده که نیروهای انتظامی دانشجویان دختر را با توسل به ضرب و شتم دستگیر کرده و آنان را مورد هتک حرمت قرار می‌دهد. در این مطالب موهن نیروهای بسیج و سپاه یکی دیگر از عوامل سرکوب معرفی گردیده، تصریح می‌کند که آنان دانشجویان را عریان نموده (بدون لباس زیر) و به پایگاه بسیج محله منتقل نمودند، سپس در جهت تحریک احساسات عمومی ادعا گردیده که این نیروها دختران دانشجو را مورد هتاک و بی‌حرمتی قرار داده و کلمات بسیار زشتی را به آنان می‌گفتند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار می‌داده و با چشم بسته به محل نامعلومی انتقال دادند و لباس‌های آنان را درآورده با این استدلال که در جامعه مدنی لباس زیر کافی است. در مطالب مذکور صراحتاً بسیج و سپاه عامل خشونت و بی‌حرمتی نسبت به پسران و دختران دانشجو معرفی شده‌اند و در نهایت جهت تحریک احساسات عمومی به اقدام علیه امنیت مملکت (این بغض فروخورده را در آینده‌ای نه چندان دور با فریادهای آتشین پاسخ خواهند داد تا برای همیشه غده سرطانی گروه‌های خشونت‌طلب برچیده شود و ایرانی آباد و آزاد و مستقل برپا گردد...) از مقام محترم قضایی انتظار است که با در نظر گرفتن ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۰۰ همان قانون مسؤلان این جریده موهن را به جرم تحریک مردم به اقدامات خشونت‌آمیز به قصد برهم زدن امنیت کشور محاکمه و مجازات نمایند.

شکایت دوم مدعی‌العموم

۱. نقد عملکرد وزارت اطلاعات (در جریان حادثه کوی دانشگاه، ترور سعید حجاریان و...) از مهم‌ترین موضوع‌های مورد توجه تحلیل‌گران نشریه، بوده است. اغلب مطالب ارائه شده حاوی لحنی نامناسب، تند و بعضاً غیرمصلحانه است که شبهه قصد تخطئه کارکنان و تشکیلات وزارت اطلاعات را به ذهن متبادر می‌کند. در مجموعه مطالب ارائه شده، ادعاهایی چون: "اعمال شکنجه‌های دهشتناک و طاقت‌فرسا بر زندانیان (به ویژه دانشجویان)، وجود بازداشتگاه‌های مخوف، و این نکته که وزارت اطلاعات در قبال خشونت‌طلبان، مماشات و تعلل می‌کند" مطرح گردیده است.

در ادامه، مواردی از این قبیل موضوع‌ها ارائه می‌گردد:

۱. «... این جانب که کارمند شبکه بهداشت و درمان شهرستان میناب بودم، در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۱۷ در محل کارم بازداشت و بلافاصله به بازداشتگاه وزارت اطلاعات در بندرعباس منتقل شدم. در طول مدت بازداشت در بازداشتگاه مزبور، تحت شکنجه‌های بی‌رحمانه و قرون

وسطایی مأموران قرار گرفتیم که هیچ جز اقرار و اعتراف به آنچه آن‌ها مایل بودند، راضی و قانع‌شان نمی‌کرد... گفتنی است که شدت شکنجه‌های متحمل به حدی بود که دو بار دست به خودکشی زدم. بعد در زندان به این‌جانب اطلاع داده شد که به ۱۵ سال حبس محکوم شده‌ام! شگفتا!! در کشور امام زمان (عج) در ام‌القرای امت اسلام، نه تحقیقات درستی، نه تفهیم اتهامی، نه محاکمه‌ای، نه وکیلی و نه... گفتنی است در اوانی که در بازداشت بودم، عده‌ای که زیر نظر وزارت اطلاعات عمل می‌کردند، خانه مادر پیرم را غارت کردند و متعاقباً به آتش کشیدند. البته عاملان این اقدام ضدانسانی، با هوشیاری یکی از بستگانم شناسایی و دستگیر شدند. اما دادگاه عمومی شهر میناب در سال ۱۳۷۲ با توجه به اعمال نفوذ روشن وزارت اطلاعات، متهمان را آزاد و از پرداخت هرگونه خسارتی معاف کرد...»

۲. «... معلوم نیست این همه هزینه که از جیب ملت برای دستگاه‌های عریض و طویل امنیتی و اطلاعاتی پرداخت می‌شود در چه زمانی برای آنان بازدهی خواهد داشت... به راستی با وجود این همه آدرس برای دستیابی به محفل سپاه تروریست‌ها چرا مسئولان امنیتی و اطلاعاتی همچنان انگشت حیرت به لب‌گزیده‌اند؟ و چرا در افشای محافل سپاه خشونت‌طلبانی که در نهادهای امنیتی و اطلاعاتی جا خوش کرده‌اند و معرفی و محاکمه آنان، این همه تعلل، مماشات و پشت‌هم‌اندازی می‌شود...»

۳. «... نامه افشاگرانه اکبر محمدی این دانشجوی محکوم به اعدام آن هم از درون زندان اطلاعات - بند ۲۰۹ در زندان اوین - عمق فاجعه را برملا خواهد کرد. باید از جناح اصلاح‌طلب درون حاکمیت پرسیده شود، سکوت در مقابل این فجایع تاکی؟ درج این نامه برای روشنگری گوشه‌ای از فجایع زندان توحید در حادثه کوی دانشگاه است. آیا تاکنون برای تعقیب کسانی که در دوران بازداشت دانشجویان اقدام به شکنجه آنان کرده‌اند، اقدامی صورت گرفته است؟...»

«... این‌جانب اکبر محمدی دانشجوی سال چهارم مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۲۴ پیرامون مسائل کوی دانشگاه تهران دستگیر شدم و از زمان دستگیری بنده را مورد ضرب و شتم قرار دادند و در مراحل مختلف با آویزان کردن بنده به صورت قپونی و زدن ضربات شلاق کابل به کف پای بنده که موجب کنده شدن دو ناخن سمت چپ پایم گردید و به علت ضربات شدید مشت و لگد به صورت و بدن بنده ناحیه گوش سمت راست تا حد زیادی شنوایی‌ام را از دست دادم و همین‌طور درد شدید کلیه رنجم می‌دهد...»

۴. «... در هر صورت فرماندهی نیروی انتظامی دستور حمله به کوی دانشگاه را صادر کرد. در کنار این نیرو افرادی با لباس شخصی حضور هدایت‌گرانه داشتند که تیراندازی از ناحیه همین افراد بوده

است و در این تیراندازی افرادی چون عزت ابراهیم‌نژاد به شهادت رسیده‌اند. گفته می‌شود این لباس شخصی‌ها از همکاران سعید امامی بوده‌اند. سعید امامی همان فردی است که در دوران وزارت فلاحیان و ریاست جمهوری [آقای] هاشمی رفسنجانی ده‌ها دگراندیش را به قتل رسانید... تلاش شد با انعکاس اخباری از زبان دولت‌مردان آمریکایی و امثال آن چنین وانمود شود که گویا دانشجویان به تحریک خارجی‌ها دست به تظاهرات علیه سرکوب و خشونت زده‌اند. این موضوع از آن جهت مورد تأکید است که اخیراً وزیر اطلاعات اعلام کرد تظاهرات دانشجویان در حادثه کوی دانشگاه یک حرکت خودجوش بود و هیچ ارتباطی با خارج کشور نداشت. وقتی فضای تبلیغی بعد از سرکوب دانشجویان مظلوم را به یاد می‌آوریم و با این گفته وزیر اطلاعات می‌سنجیم، به عمق مطالبی که بر دانشجویان و عده‌ای از سیاسیون رفت پی خواهیم برد. آیا وزیر اطلاعات خبر ندارد بیش از چند هزار دانشجو پس از حادثه از طریق نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی بازداشت شده و راهی زندان و بازداشتگاه شدند؟ آیا اطلاع ندارد در مراحل بازجویی با جوانان و دانشجویان چه رفتاری شد؟...»

۵. «... سناریوی قتل‌های زنجیره‌ای با آمریت رهبران ستاد بحران که پروازی از قول یکی از عوامل آن‌ها گفته بود این ستاد متشکل از یک روحانی، یک عضو وزارت اطلاعات - سعید امامی - و یک سردار است انجام شد و در هر صورت به دلیل واکنش جامعه و اقدام شجاعانه خاتمی نیمه‌تمام ماند... بعد از این که مرا پس از یک ماه از زندان اوین به زندان اطلاعات، توحید، انتقال دادند و بعد از این که ۱۲ شبانه‌روز در انفرادی بودم و برای اولین بار بازجو من را برای هواخوری چند دقیقه‌ای از سلولم بیرون آورد، همین مطلب را گفتم. گفت شانس آوردی که بیرون نبودی وگرنه الان در ردیف اعدامی‌ها بودی. من در آن لحظه به چند مسأله فکر کردم. اول این که مگر قرار است کسی را اعدام کنند؟ البته آن وقت از خارج زندان هیچ اطلاعی نداشتم ولی در زندان اطلاعات حوادث زیادی را شاهد بودم. بعداً فهمیدم طرح اعدام برخی از دانشجویان در برنامه بوده است و تبلیغات صدا و سیما نیز این خط تبلیغی را دنبال می‌کرده است...»

۶. «... اینان را در کنار برخی باندهای مخوف اطلاعاتی [...] عناصری از روحانیت متحجر افراطی (مانند عناصری از مؤتلفه و رفیق‌دوست‌ها و...) قرار دهید تا با چاشنی بقایا و ادامه‌دهندگان خط منحرف حزب زحمتکشان و باند وابسته مظفر بقایی و امثالهم و نیز افراد و روحانیونی وابسته یا عملاً متمایل و در ارتباط با جریانات و تشکیلات و محافل خاص (نظیر فراماسونرها)، به ضد کیمیا و ترکیب شیطانی مورد نظر دست یابید...»

۷. «... راستی آقای هاشمی نمی‌دانست لاهوتی و پسرشان شب را به یکی از سلول‌های بند ۲۰۸

که در اختیار اطلاعات سپاه بود بردند و پس از آن نیمه‌شب وحید را از... جدا کردند و به [...] سپردند و صبح وقتی مأموران زندان به سلول لاهوتی آمدند با جنازه او روبه‌رو شدند. آن ماجرای دردآور را همه کسانی که در آن روزها در زندان اوین بودند اطلاع داشتند. مگر ممکن است عالی‌جناب از این‌گونه اعمال بی‌اطلاع باشد...»

۸. «... چندی است که در دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس دو دانشجو به نام‌های کریمی پور و سلجوقی به اتهام عقاید سیاسی اصلاح‌طلبانه و اظهارنظرها و فعالیت‌های دانشجویی به تبعید از آن دانشگاه محکوم شدند. علی‌رغم اعتراضات دانشجویی این ظلم‌ها همچنان ادامه دارد. اخبار حاصله حاکی است نهاد امنیتی دانشگاه در این قضیه نقش داشته، پرسشی که در این‌جا قابل طرح است باتوجه به رویکرد نوین وزارت اطلاعات اقدامی جهت اصلاح رویه زیرمجموعه‌های آن انجام خواهد شد؟... قطعاً نقض احکام عادلانه نسبت به دانشجویان فوق‌الذکر یکی از مصادیق عملی شدن اصلاح در رویه‌های وزارت اطلاعات می‌باشد...»

۹. «... ستون برنامه‌های بحران‌سازی و خشونت بر سه پایه قرار داشته است: ۱. برنامه سیاسی برای حفظ قدرت و انحصار از طریق حفظ پایگاه‌های قدرت مثل مجلس شورا، عبدالله نوری، حزب مشارکت و حجاریان از عوامل اصلی در شکست انحصارطلبان در این پایه بوده‌اند. ۲. پایه امنیتی جهت تأمین پایگاه‌های اصلی قدرت با افشای باند سعید امامی و انجام اصلاحات در وزارت اطلاعات شاهرگ حیاتی ستاد بحران قطع شد... ۳. حوزه فرهنگ و تبلیغ... هسته اصلی تروریست‌ها در چنبره سه ستون فوق قرار گرفته است. نیروهای متعصب عناصر قدرت طلب افراد زخم‌خورده مجموعه فوق را تشکیل می‌دهد. این عناصر در نهادهای گوناگون می‌توانند باشند و از سوی عناصر مختلف نیز تغذیه فکری، تشکیلاتی، امنیتی و سیاسی می‌شوند...»

شکایت انحصار حزب‌الله

عبدالحمید محتشم یکی از انصار حزب‌الله در نامه‌ای به دادگاه اعلام کرد: پیرو درج مطلبی تحت‌عنوان «م.ذ» حلقه مفقوده قتل‌های زنجیره‌ای و ترور حجاریان در شماره ۱۸۶ مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۳ روزنامه گزارش روز با مدیرمسئولی آقای علی محمد مهدوی خرمی که در آن مستقیماً با ذکر حروف اول الفبای نام این‌جانب، برای چندمین بار اتهاماتی کذب را به من نسبت داده است.

نویسنده این مقاله با درج مقدمه‌ای کوتاه در مورد ترور آقای حجاریان و ضمن اشاره‌ای به مصاحبه چند ماه گذشته آقای پروازی، در ۱۱ بند اقدام به نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان

پرونده روزنامه گزارش روز ۱۲۶۳

عمومی نموده. در بند چهارم از قطعه چهارم همین مقاله می‌نویسد «۴. محفل گروه تروریستی در شهری بوده است که محل افرادی چون (ع.م) از رهبران گروه فشار و از نزدیکان (د.م) نیز می‌باشد». در ادامه می‌افزاید: «آقای (س.س) از دوستان (ع.م) و از رهبران آشکار یک گروه شناخته شده فشار قبلاً حفاظت ریاست جمهوری بوده است (ع.م) و (س.س) هر دو از رهبران یک گروه شناخته شده فشار و هر دو نظامی و از عوامل (د.م) می‌باشند» و در ادامه همین بند تأکید می‌کند که «همه این مطالب در هفته‌نامه پیام دانشجو و هویت خویش قبلاً افشا شده‌اند». لذا باتوجه به این‌که غرض نویسندگان از نوشتن چنین مقاله‌ای نسبت دادن آمریت ترور آقای حجاریان به این‌جانب و برخی افراد دیگر بوده است و از آن‌جا که اشاره الفبایی نویسنده به اول اسم و فامیل این‌جانب و تأکید او بر مراجعه خوانندگان به نشریه منحلّه هویت خویش و مصاحبه پروازی، راهنمایی برای یافتن اسم و فامیل کامل این‌جانب و در نتیجه وارد ساختن تهمت و افترا می‌باشد، از محضر دادگاه محترم تقاضا دارم براساس مواد ۲۵ و ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ همچنین بر اساس مواد ۶۹۹ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی نسبت به مجازات مدیرمسئول روزنامه گزارش روز و همچنین نویسنده این مقاله اقدامات لازم را مبذول و معمول فرمایید.

شکایت دیگر از انصار حزب الله

روزنامه گزارش روز در ادامه نشر اکاذیب و متهم ساختن نیروهای حزب اللهی طی مطلبی در شماره ۱۷۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۵ تحت عنوان «سرنخ به افشاگری پروازی توجه شود» ضمن متهم ساختن بعضی از روحانیون و علما می‌افزاید: «اگرچه این واقیعت‌های تلخ در پیش روی ماست، اما کسانی که دنبال سرنخ می‌گردند، می‌توانند به افشاگری‌های حجت‌الاسلام پروازی در مورد نحوه شکل‌گیری ستاد بحران و مبانی تئوریک آن و نیز عناصر تشکیل‌دهنده ستاد اصلی و ستادهای فرعی مراجعه کنند. این افشاگری در آخرین شماره نشریه هویت خویش درج شد» لذا باتوجه به این‌که طی درج مصاحبه آقای پروازی در آخرین شماره نشریه هویت خویش مستقیماً به انصار حزب الله و شخص این‌جانب اشاره شده و تهمت‌های ناروایی نیز به ما روا داشته است، از محضر دادگاه محترم خواهشمندیم نسبت به احضار و بازجویی مدیرمسئول روزنامه گزارش روز بر طبق مواد ۲۵ و ۳۰ قانون مطبوعات اقدامات لازم را مبذول فرمایید.

شکایت اداره کل حقوقی حفا ناجا

الف: نشریه مذکور در مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۲ در شماره ۱۸۵ با چاپ مطلبی تحت عنوان «آیا اقدامات

دادگاه انقلاب از مصادیق شکنجه نیست؟» بعد از درج قسمتی از جوابیه آقای خاتمی رئیس‌جمهور محترم به نامه آقای شاهرودی به طریق غیرعقلانی و مغرضانه اقدام به تشریح بیانات رئیس‌جمهوری نموده و می‌نویسد: «این بیان جناب رئیس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مرجع کشور حاوی نکاتی است که شاید نیازمند تحلیل و توضیح باشد. بعد از حادثه کوی دانشگاه و بازداشت هزاران جوان و دانشجوی توسط سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات، افراد مذکور به بازداشتگاه‌های مربوطه منتقل شدند که اسناد قطعی حاکی از این است که تعداد زیادی از آن‌ها در بازداشتگاه سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به شدت مورد اهانت و ضرب و شتم قرار گرفتند. برای مثال در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی موهای احمد باطبی را در دست گرفته و در کاسه توالت فرو می‌بردند و در حین همین نقل و انتقالات مقدار زیادی از موهای بلند این جوان را به همین شکل کشیده و می‌کنند. در مورد نیروی انتظامی و نیروهای نظامی انتظار زیادی وجود ندارد، زیرا آنان خود را در مقابل مردم پاسخگو ندانسته و مرجع منطقی و عادی برای پاسخگویی به ملت برای این نهادها دیده نشده و یا عمل نمی‌شود.

از این مطلب نیز بگذریم که برخورد اطلاعات نیروی انتظامی از طریق اداره آگاهی و بازداشتگاه‌های اطلاعات نیروی انتظامی و ستادهای مبارزه با مواد مخدر با متهمان چگونه است. این موضوعی است که دیر یا زود مطرح خواهد شد و مسؤولان مربوطه از قاضی و بازجو و مسؤولان آنان باید پاسخگو باشند».

مسؤولان این نشریه با ابراز نیت مغرضانه خود نیروی انتظامی را متهم به بازداشت غیرقانونی هزاران جوان و دانشجوی نموده و به داستان‌سرایی پرداخته و مثال فردی به نام احمد باطبی را می‌زند. این نشریه با روش خاص و روان‌شناختی سعی در این دارد که در اذهان عمومی برخورد پرسنل نیروی انتظامی در اداره آگاهی و بازداشتگاه‌ها و ستادهای مبارزه با مواد مخدر برخوردی غیرقانونی نشان دهد و به این طریق و به‌طور کلی نه تنها اقدام به ایراد انتساب اعمال غیرقانونی، موهن، کذب و افتراآمیز علیه ناجا را نموده، بلکه موجبات اضرار تشویش اذهان عمومی و ایجاد جو بدبینی ملت شهیدپرور را نسبت به نیروی انتظامی و پرسنل خدمت آن را نیز ایجاد نموده است.

۲. نشریه فوق در مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۳ در شماره ۱۸۶ تحت عنوان «ما را در حضور کارفرما شکنجه کردند» اقدام به درج و انتشار مطالبی کذب، موهن و افتراآمیز علیه نیروی انتظامی و پرسنل خدمت آن نموده است. نشریه می‌نویسد «تعدادی از کارگران شرکت گیلان با ارسال نامه‌ای به دفتر روزنامه از دستگیری و شکنجه غیرقانونی خود شکایت کرده‌اند. در این نامه که به امضای هشت تن از کارکنان این شرکت رسیده است آمده است: «همگی ما قطعه‌ساز این شرکت هستیم و مدیریت

شرکت با ترفندهای مختلف سعی در اخراج ما برآمد و چند نفر از ما را دو بار بدون دلیل اخراج کرد، ولی چون بی‌گناه بودیم، متوسل به قانون کار شدیم و در نتیجه پیگیری‌ها بی‌گناهی ما اثبات شد و رأی به بازگشت به سرکار صادر شد ولی در یک عمل ناجوانمردانه اداره آگاهی رشت با هماهنگی قبلی که توسط سرگرد... انجام گرفته بود ما را بازداشت و ۱۱ روز ما را در بازداشتگاه آگاهی نگه داشتند و هر روز در حضور کارفرما (مهندس و...) ما را شکنجه می‌کردند و در حضور همسرانمان به ما توهین می‌کردند». با امعان نظر به مراتب فوق مسؤلان نشریه مذکور نه تنها اقدام به ایراد توهین و افترا از قبیل اعمال ناجوانمردانه نیرو علیه کارگران شرکت گیلان، بازداشت غیرقانونی آن‌ها، شکنجه کارگران، توهین به کارگران علیه نیروی انتظامی و پرسنل آن نموده، بلکه باعث ایجاد جو بدبینی و موجبات اضرار و تشویش اذهان عمومی علیه نیروی انتظامی را فراهم نموده است.»

۳. نشریه مذکور در مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ در شماره ۱۹۱ تحت عنوان «تشنج‌آفرینی گروه‌های فشار در رشت» می‌نویسد به دنبال برخورد چند تن از اعضای ستاد امر به معروف شهرستان رشت با دو نفر دختر و پسر، حوادث خشونت‌باری به وقوع پیوست که دو روز اوضاع شهر را ناامن ساخت... گروه‌های فشار بعد از هر حمله گرد هم آمده و شعار «ماشاءالله» سر می‌دادند و با آن‌که نیروهای انتظامی و گارد ویژه حاضر بودند، اما عکس‌العمل نشان نمی‌دادند. اقدام نشریه مزبور جهت اضرار و تشویش اذهان عمومی علیه نیروی انتظامی و پرسنل خدمت آن می‌باشد.»

لذا با عنایت به مراتب معنونه و نظر به سایر شماره‌های منتشره این نشریه که با نگرشی خصمانه و مغرضانه و با درج مطالبی کذب موهن و افتراآمیز موجد اضرار، تشویش اذهان عمومی و مخدوش نمودن چهره نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را در اذهان عمومی ملت شهیدپرور شده است و با امعان نظر به تعدد این اقدامات غیرقانونی و مستفاد از مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ و سایر قوانین مربوط و قانون مطبوعات تعقیب و مجازات مدیرمسؤل نشریه گزارش روز مورد تقاضا است...

شکایت جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

روزنامه گزارش روز در شماره ۱۶۷ به تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۰ خبر کذبی را در خصوص برکناری این جانب از جانشینی فرمانده کل سپاه تحت عنوان «سردار ذوالقدر برکنار شد» و با هدف تشویش اذهان عمومی و تضييع شخصیت حقوقی و حقیقی این جانب درج نموده است. مع الوصف چیزی که موجب تأسف و تعمق بیش‌تر گردید، سطور آخر آن خبر می‌باشد که حکایت از کینه و عداوت عمیق آقایان نسبت به سپاه دارد، درحالی‌که سعی دارند آن را به عموم مردم شهیدپرور تعمیم و

توسعه دهند. روزنامه مذکور در انتهای گزارش مورد نظر چنین درج نموده است: «محاكمه سردار پاسدار فرهاد نظری، محکومیت قطعی سردار پاسدار نقدی به ۸ ماه زندان و برکناری سردار پاسدار ذوالقدر از مسؤولیت خود در سپاه بعد از انتخابات ۲۹ بهمن اخبار خوشحال‌کننده‌ای برای مردم خواهد بود».

خواهشمند است نسبت به تعقیب قضایی مدیرمسئول روزنامه مذکور اقدام قانونی لازم را مبذول فرمایید.

شکایت ریاست ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

گزارش روز در شماره ۱۶۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۰ اقدام به انتشار خبر کذبی تحت عنوان "سردار پاسدار ذوالقدر برکنار شد" نموده، ضمن آنکه در انتهای گزارش نیز خود چنین درج می‌نماید که این خبر خوشحال‌کننده‌ای برای مردم خواهد بود.

علی‌هذا باتوجه به مراتب فوق و باتوجه به کذب بودن خبر روزنامه گزارش روز خواهشمند است نسبت به تعقیب مدیرمسئول روزنامه مذکور اقدام قانونی را مبذول فرمایید.

شکایت وزارت اطلاعات

روزنامه گزارش روز متأسفانه بدون توجه به قوانین جاری کشور مبادرت به چاپ و انتشار اخبار و مطالب کذب نموده و از این طریق به تشویش اذهان عمومی نسبت به عمل‌کرد دولت و نظام جمهوری اسلامی پرداخته است. همچنین با ایراد افترا و تهمت به دستگاه‌های دولتی (من جمله این وزارت‌خانه) و تبلیغات سوء علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و نیز تحریص و تشویش مردم به ارتکاب اعمال ضدامنیتی، برخلاف قوانین و مقررات کشور عمل نموده است. در ذیل ضمن اشاره به قسمت‌هایی از مطالب منتشره در این روزنامه به عنوان دلیل جرائم فوق‌الذکر، تقاضای رسیدگی و صدور حکم مقتضی را دارم.

۱. روزنامه در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۰ با چاپ نامه متعلق به یک زندانی وابسته به منافقین، اخبار خلاف واقع منتشر نموده و ضمن تشویش اذهان عمومی، نسبت‌های دروغی را به وزارت اطلاعات منتسب نموده است. در این مطلب که از قول فردی به نام حسن کریمی - که پس از طی مراحل قضایی به اتهامات گوناگون از جمله هواداری از منافقین، خروج غیرقانونی از مرز و پیوستن به گروهک ضد مردمی منافقین و گذراندن آموزش ترور و تخریب در عراق و... به ۱۵ سال حبس محکوم شده است - نقل گردیده، آمده است: «... در طول مدت بازداشت در بازداشتگاه تحت

شکنجه‌های بی‌رحمانه و قرون وسطایی مأموران قرار گرفتیم... شکنجه‌ها به حدی بود که دو بار دست به خودکشی زدم... عده‌ای که زیر نظر وزارت اطلاعات عمل می‌کردند خانه مادر پیرم را غارت کردند و متعاقباً به آتش کشیدند...»

ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه!

آیا اطلاع‌رسانی صحیح یعنی چاپ نامه‌های عاری از حقیقت و کذب مجرمین و آب و تاب دادن به آن؟ مسلماً غالب محکومین - به خصوص هواداران و اعضای گروه‌های محارب - اگر مجال پیدا کنند ولو با طرح مطالب دروغین و واهی، عملکرد ۲۰ ساله انقلاب و نظام را آماج حملات خود قرار خواهند داد، همان‌طور که ۲۰ سال است در داخل و خارج کشور این کار را انجام می‌دهند. آیا چاپ و انتشار مطالب کذب آنان با ظاهر دفاع از زندانیان سیاسی و... چیزی جز همراهی و کمک به آنان است؟ و جالب آن است که همین مطالب اخیراً صفحاتی از نشریه منافقین را به خود اختصاص داده و در آن صفحات به نقل از بعضی روزنامه‌های داخلی دفاع مردم از منافقین با آب و تاب درج می‌شود! و همچنین است چاپ و انتشار مطالب سراسر کذب و عاری از حقیقت منتشره در مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۸ با عنوان "بساط شکنجه و ازعاب از بازداشتگاه باید برجیده شود" و تیتیر درشت "اعتراف مقام ارشد قضایی به وجود شکنجه در بازداشتگاه اطلاعات" و مطالب مذکور در ذیل آن قسمتی که مربوط به وجود شکنجه در اطلاعات می‌شود - مورخ ۱۳۷۸/۱/۱۷.

مضاف بر این از نظر وزارت اطلاعات درج ادعاهای بی‌اساس محکومین، به ویژه مجرمین گروهکی در نامه‌های ارسالی که غالباً در بردارنده مطالب خلاف واقع و کذب می‌باشد و قاعدتاً باید توسط مرجع دریافت‌کننده به صحت و سقم آن‌ها رسیدگی شود. نه تنها نشر اکاذیب و ایراد افترا و تهمت است، بلکه اقدامی ضدامنیتی تلقی می‌شود.

۲. این نشریه در مقاله‌ای با عنوان "دو دهه پدرسالاری عالی‌جناب هاشمی رفسنجانی" به قلم آقای محمد ملکی که در ویژه‌نامه نوروز چاپ نموده، در قالب انتقاد از عملکرد آقای هاشمی رفسنجانی، مطالب سخیفی را به کلیت نظام نسبت داده است. در این مقاله آمده است: «... آیا روزی خواهد رسید که عالی‌جناب توضیحاتی شفاف در مورد هزاران زن و مردی که در زندان اوین و دیگر زندان‌های جمهوری اسلامی جان باختند را بدهند؟...»، «چگونه است که از اوایل انقلاب تا امروز با منتقدان چه در کسوت روحانیت و چه روزنامه‌نگار و روشنفکر و دگراندیش و... به جای برخورد فکری، برخورد حذفی می‌گردد و این وضع تاکی ادامه خواهد داشت و جوابگوی این اعمال کیست؟»

این نشریه متأسفانه با روش جنجالی و غوغاسالارانه و با به کار بردن تعابیر تند و تحریک‌کننده

و با استفاده از کلمات و تعابیری همچون "لیست سیاه غیرخودی‌ها"، "فضای پر از وحشت و تشویش"، "زندان و بازداشتگاه‌های مخوف"، "فشار و شکنجه دهشتناک"، "تفتیش عقاید و سانسور"، "آدمکش‌های حرفه‌ای باندهای مافیایی" و تعابیر دیگر از این قبیل عملاً به تبلیغ علیه نظام می‌پردازد و پرواضح است استفاده از این عبارات و برجسته نمودن آن‌ها نتیجه‌ای جز بدبین کردن مردم نسبت به نظام ندارد.

۳. در تاریخ ۱۳۷۸/۱/۱۶ ضمن درج مقاله‌ای به قلم آقای محمد آزادگان و تحت‌عنوان "هشدار به اصلاح‌طلبان"، مردم را تحریص و تشویق به ارتکاب اعمال خلاف امنیت نموده است. در این مقاله پس از برشمردن خطرات جدی که به زعم نگارنده اصلاحات را تهدید می‌نماید به جدی‌ترین آن‌ها به نام خطر شبه کودتا اشاره کرده و آورده است: «... در این زمان "نهادهای قدرتمند قانونی" به سود بخشی از حاکمیت (نه به سود ایران و منافع ملی ایران) رفتار می‌کنند و "نهادهای قدرتمندی" غیرقانونی [نهادهای قدرتمند غیرقانونی] نیز در کنار "لایه‌های پنهان قدرت" و نانوشته بر کاغذ ولی توانا در اجرا، کار یاری به آن بخش را انجام می‌دهند. در ماجرای کوی دانشگاه ترس از چیره شدن شرایط جنگی (آنچه که در این گفتار به آن پرداخته شده) به شکلی افراطی باعث زمین‌گیر شدن دولت خاتمی شد که بهای آن را دانشجویان پرداختند. ما نباید از ترس افتادن از این لب بام، آن قدر عقب برویم که از آن سوی بام به پایین بیافتیم. باید چون پلنگی سرپنجه همه آماده و هوشیار بود و هر زمان باید بهترین واکنش را بدون فراموش کردن راهبرد اساسی، نشان داد».

چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید مطالب مذکور مخالف صریح بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات و مواد ۶۹۷، ۶۹۸، ۵۰۰ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. امید است رسیدگی و صدور حکم مقتضی و اجرای آن سبب پیشگیری از وقوع جرائم گردد.

شکایت زهرا مریبان

این‌جانب زهرا مریبان از تاریخ ۱۳۷۷/۶/۱ الی ۱۳۷۷/۹/۳۰ در روزنامه گزارش روز به مدیرمسئولی علی محمد مهدوی خرمی در سمت خبرنگار حوزه فرهنگ و هنر مشغول به فعالیت بوده‌ام اما تا این تاریخ که حدود دو سال از آن می‌گذرد به ازای این مدت تنها مبلغ ۷۵ هزار تومان از ایشان به‌عنوان علی‌الحساب حقوق دریافت کرده‌ام و تا زمانی که ایشان در دسترس بودند و نام و نشانی از ایشان داشتیم در مقابل مراجعات این‌جانب و درخواست حق و حقوقم کار را به تمسخر و دروغ و ریاکشاندند به این صورت که مدام بنده را به فردا و فردا و فردا ارجاع می‌دادند و من از این لحاظ نیز از ایشان شاکی هستم که اگر حتی در عین راستی عمل می‌کردند به این‌گونه مرا سخت

نمی‌آمد و از این بابت نیز راضی هستم که هیچ‌گاه اساعه ادبی به ایشان نکردم و این درحالی بود که کسانی با رفتار توهین‌آمیزی که نسبت به ایشان در پیش گرفتند، موفق به دریافت حقوق خود شدند. گفتنی است من در شرایط بسیار سختی برای این روزنامه کار کردم. یعنی در مرحله‌ای که روزنامه در مراحل شروع کار قرار داشت و نیروی بسیاری جهت شروع کار می‌طلبید و در ضمن تأهل و وجود دخترک دوساله‌ام که به سختی محیط مهدکودک را تحمل می‌کرد و دوری راه و البته شرایط ناپایدار و عصبی‌ای که جناب آقای خرمی در روزنامه ایجاد کرده بودند و هیچ‌گونه قراردادی با ما نمی‌بستند تا نکند در مقابل ما تعهدی داشته باشند و حتی حاضر نشدند معرفی‌نامه‌ای به من بدهند تا جهت مهدکودک دخترم ارائه دهم و احیاناً از تخفیفی برخوردار شوم.

به هر حال امروز من از ایشان بابت حقوقم (ماهی ۵۰ هزار تومان)، ۱۲۵ هزار تومان طلبکارم و از بابت سال‌های گذشته و هزینه‌های اضافی‌ای که در طی مدت کارکردم داشته‌ام طلب خسارت دارم که امیدوارم دادگاه محترم به این مهم رسیدگی نماید.

ضمناً طبق قرار ایشان می‌بایست بابت مطالبی که خارج از خبر بوده و جنبه مصاحبه، نقد و یا گزارش داشته مبلغی معادل ده هزار تومان برای هر صفحه پردازند که در این زمینه پولی دریافت نکرده‌ام و این کارها به صورت چاپ شده موجود است که می‌تواند به محضر دادگاه محترم ارائه شود.

نظر هیأت‌منصفه^۱

اعضای هیأت‌منصفه مطبوعات طی دو جلسه دادگاه علنی در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران و پس از استماع شکایت شکات، علی محمد مهدوی خرمی مدیرمسئول روزنامه گزارش روز را در خصوص شکایت‌های عبدالحمید محتشم، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اداره کل حقوقی حفا ناجا و سه مورد شکایت‌های نماینده مدعی‌العموم با اکثریت و اتفاق آرا مجرم دانست و در خصوص سایر شکایت‌های مدعی‌العموم و وزارت اطلاعات وی را مجرم تشخیص نداد.

بنا بر این گزارش هیأت‌منصفه مطبوعات به دلیل عدم حضور متهم در جلسات دادگاه و داشتن سابقه محکومیت مطبوعاتی و عذرخواهی نکردن و اظهار ندامت، مدیرمسئول روزنامه گزارش روز را مستحق تخفیف ندانست.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای علی محمد مهدوی خرمی مدیرمسئول روزنامه گزارش روز مبنی بر: ۱. نشر اکاذیب در جریان چاپ مطلبی با عنوان: "م-ذ حلقه مفقوده قتل‌های زنجیره‌ای و ترور حجاریان" در شماره ۱۸۶ مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۳ و نیز چاپ مطلبی با عنوان: "به افشاگری پروازی توجه شود" در شماره ۱۷۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۵ موضوع شکوائیه آقای عبدالحمید محتشم و نیز چاپ مطلبی با عنوان: "سردار ذوالقدر برکنار شد" در شماره ۱۶۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۰ و نیز چاپ مطلبی با عنوان: "آدرس معلوم است عامل ترور و بحران را دستگیر کنید" در شماره ۱۸۳ مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۰ موضوع شکایات ریاست ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و روابط عمومی دفتر فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و روابط عمومی دفتر فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیز چاپ مطلبی با عنوان: "آیا اقدامات دادگاه انقلاب از مصادیق شکنجه نیست؟" در شماره ۱۸۵ مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۲ و نیز چاپ مطلبی با عنوان: "تشنج آفرینی گروه‌های فشار در رشت" در شماره ۱۹۱ مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ موضوع شکایت مدیرکل قوانین و امور حقوقی ناجا.

۲. تبلیغ بر علیه نظام در جریان چاپ مطلبی تحت عنوان: "مصاحبه با دکتر ملکی" در شماره ۱۷۱ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۵ و نیز چاپ مطلبی تحت عنوان "اومانیسیم و اسلام" در شماره ۱۶۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ و نیز چاپ مطلبی تحت عنوان: "آری چنین است ای برادر" به قلم آقای سعید کاشفی در شماره ۱۷۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۴ موضوع شکوائیه معاونت دادگستری استان تهران به عنوان مدعی‌العموم با توجه به جامع اوراق پرونده و ملاحظه مطالب منتشره و با توجه به اینکه متهم در جریان تحقیقات مقدماتی و پس از ارجاع پرونده به این شعبه از حضور در دادگاه خودداری نموده و در آدرس اعلامی نیز شناخته نشده و وکیل مدافع وی اعلام نموده که موکلش در مسافرت خارج از کشور هستند و از آدرس وی اعلام بی‌اطلاعی نموده و از سوی متهم یا وکیل مدافع وی دلیل موجهی نیز بر عدم حضور اقامه نشده است، لذا دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و دعوت از طرفین و احضار متهم از طریق انتشار آگهی در جراید (با رعایت مهلت یک ماهه، قبل از وقت مقرر) با حضور شکات و وکیل مدافع متهم تشکیل و پس از استماع اظهارات شکات و مدافعات وکیل متهم، هیأت منصفه مطبوعات متهم را در موارد فوق‌الذکر مجرم تشخیص داد و به اتفاق آرا نیز مشارالیه را با توجه به سابقه محکومیت مطبوعاتی و عدم حضور در جلسات دادگاه و عدم اظهار ندامت مستحق تخفیف ندانست. علی‌هذا با توجه به شکایت شکات و اعلام نظر هیأت منصفه مطبوعات و ملاحظه مطالب منتشره بزه‌های انتسابی به متهم محرز تلقی و مستنداً به مواد ۵۰۰ و

پرونده روزنامه گزارش روز ۱۲۷۱

۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و رعایت مواد ۴۶ و ۴۷ از همان قانون مشارالیه را به لحاظ نشر اکاذیب به تحمل یک سال و نیم حبس و به لحاظ تبلیغ بر علیه نظام به تحمل ده ماه حبس محکوم می نماید و باتوجه به سابقه محکومیت مطبوعاتی متهم و مجموعه عملکرد آن نشریه در ایام انتشار و تخلف مکرر از بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات، دادگاه اصرار مشارالیه را در این نوع عملکرد احراز نموده و به استناد تبصره ۲ از ماده ۶ همان قانون حکم به لغو امتیاز روزنامه گزارش روز صادر و اعلام می نماید.

در خصوص قسمت دیگر شکایت مدیرکل حقوقی و قوانین ناجا باتوجه به تقاضای وکیل مدافع متهم مبنی بر تحقیقات از افرادی که نام برده شده است، پرونده مفتوح می باشد.

در خصوص سایر شکایات معاونت دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم و شکایت وزارت اطلاعات و شکایت مدیرکل اطلاعات استان هرمزگان مبنی بر تبلیغ علیه نظام، توهین نسبت به مقام رهبری، توهین به مسئولان کشور و مقدسات دینی، نشر اکاذیب و ایراد افترا باتوجه به نظر هیأت محترم منصفه مطبوعات مبنی بر عدم مجرمیت مدیرمسئول روزنامه گزارش روز و مستنداً به ماده ۴۳ قانون مطبوعات رأی بر برائت آقای علی محمد مهدوی خرمی صادر و اعلام می گردد.

در خصوص شکایت خانم زهرا مریبان مبنی بر مطالبه دستمزد از توجه به این که موضوع اعلامی فاقد وصف جزائی بوده و حقوقی می باشد، قرار منع پیگرد صادر و اعلام می گردد.

در مورد توقیف موقت روزنامه گزارش روز باتوجه به صدور حکم به لغو امتیاز نشریه به شرح فوق الذکر تعیین تکلیف گردید. آرای صادره باتوجه به حضور وکیل متهم در جلسات دادگاه حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان تهران می باشد.

دادگاه شعبه ۲۱ تجدیدنظر پس از بررسی با دادنامه شماره ۸۱/۷/۲۱-۲۶۶۰ رأی دادگاه ۱۴۰۸ را تأیید کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه پیام هاجر

نام نشریه: پیام هاجر

مدیرمسئول: اعظم طالقانی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۴ زمان توقیف

اتهام: تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴

شاکی: مدعی العموم

رأی دادگاه: پرونده مفتوح است.

حکم توقیف نشریه پیام هاجر^۱

رئیس شعبه ۱۴۱۳ دادگاه با ارسال نامه‌ای به مدیرکل مطبوعات داخلی توقیف نشریه پیام هاجر را اعلام کرد.

در این نامه آمده از آنجا که پرونده اتهامی مدیرمسئول نشریه پیام هاجر خانم اعظم طالقانی جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده، باتوجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده اصرار روزنامه مذکور به تخلف از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مستفاد است لذا به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار جامعه می‌باشد به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم عمومی مجری وظایف مذکور هستند دستور توقیف موقت انتشار نشریه مذکور صادر و اعلام، مقرر است از انتشار نشریه فوق تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید. هرگونه تخطی از دستور فوق ترمذ از دستور قضایی محسوب می‌گردد.

۱. نامه شماره: ۱۲۴/۱۴۱۳/۷۹ تاریخ توقیف: ۱۳۷۹/۲/۴.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه طلوع زندگی

نام نشریه: طلوع زندگی
مدیرمسئول: سیدعباس فاطمی
شعبه رسیدگی کننده: ۱۴۱۰
تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۳/۷
اتهام: چاپ و اشاعه منکرات
شاکی: مدعی العموم
رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده^۲

مدیرمسئول مجله طلوع زندگی با شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم برای بازجویی به دادگاه ویژه کارکنان دولت احضار شد. نامبرده به خاطر چاپ یک مطلب که گفته می شود اشاعه منکرات محسوب می شود به دادگاه احضار شده است. وی با دریافت احضاریه دادگاه موظف است طی مدت قانونی خود را برای بازجویی به دادگاه معرفی کند.

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

۲. روزنامه توسعه ۱۳۷۹/۳/۱۷.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه پیک آزادی

نام نشریه: هفته نامه پیک آزادی

مدیرمسئول: حسن قشقاوی

شعبه رسیدگی کننده: هیأت نظارت بر مطبوعات

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۱۵

اتهام: درج تیتراهای جنجالی و مطالب و تصاویر هنرپیشگان رژیم گذشته

شاکی: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده^۲

به دنبال اعلام خبر مطرح شدن پرونده یازده هفته نامه متخلف به دلیل درج تیتراهای جنجالی و مطالب و تصاویر هنرپیشگان رژیم گذشته، پرونده هفته نامه پیک آزادی نیز در هیأت نظارت بر مطبوعات مطرح می شود.

به گزارش معاونت امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی اداره کل مطبوعات داخلی، پرونده هفته نامه پیک آزادی به مدیرمسئولی آقای قشقاوی نیز در دستور اولین جلسه هیأت نظارت بر مطبوعات قرار می گیرد.

پیک آزادی طی هفته های اخیر مشمول دریافت چند تذکر کتبی به دلیل تخلف مشابه شده است. براساس این گزارش در پی تذکرات کتبی و شفاهی به مدیران مسئول نشریه های فوق، تغییرات مثبتی در محتوای مطالب این نشریات حاصل شده که نتایج آن نیز همراه گزارش کارشناسی در هیأت نظارت مطرح خواهد شد.

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۷۹/۳/۱۵.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آریا

نام نشریه: روزنامه آریا

مدیرمسئول: محمدرضا زهدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی، شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، قاضی قاسم چنگیزی، قاضی رضایی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۲۰

شماره دادنامه: ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۳۴، کلاس پرونده: ۴۱/۷۹، ۹۰، ۸۱، ۸۶، ۶۴ و ۶۶.

شماره دادنامه: ۱۸۸ و ۱۸۷، کلاس پرونده: ۷۹/۱۰۸۰ و ۷۹/۱۰۷۹

اتهام: توهین به مسؤلان، تضعیف و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی

شاک: مدعی العموم، سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات
رای دادگاه: لغو پروانه انتشار روزنامه آریا، چهار ماه حبس برای مدیرمسئول آریا، دو سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و دو میلیون ریال جزای نقدی
دادگاه تجدیدنظر مبلغ دو میلیون ریال را به یک میلیون ریال و چهار ماه حبس را به دو میلیون ریال جزای نقدی تبدیل کرد و به روزنامه آریا با معرفی مدیرمسئول جدید اجازه چاپ و انتشار مجدد داد.

جلسه دادگاه

روزنامه آریا در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ به همراه ۱۱ نشریه دیگر به حکم محاکم دادگستری استان تهران به طور موقت توقیف و از انتشار آن جلوگیری شد.

اولین جلسه محاکمه محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا بیستم تیرماه ۱۳۷۹ در شعبه ۱۴۰۸ با حضور اعضای هیأت منصفه^۱ برگزار شد. قاضی صارمی در ابتدای جلسه دادگاه گفت: در

۱. جمال شورجه، کسانیان، حجت الاسلام جعفر شبیری، ناصری صالح آبادی، فاطمه کروی، حبیب الله عسکراولادی، مصطفی رحماندوست، رضا رهگذر، شهاب الدین صدر و محسن دعاگو.

پرونده متهم ۶۱ مورد شکایت مدعی العموم و یک مورد شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، یک مورد شکایت وزارت اطلاعات و یک مورد تخلف از مقررات ماده ۶۸ از سوی معاونت اطلاعات نیروی انتظامی علیه زهدی اعلام شده است. وی سپس از نماینده مدعی العموم خواست تا ۶۱ مورد شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم را علیه متهم بیان کند.

نماینده مدعی العموم گفت: آقای محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا به موجب دادنامه ۱۴۱۰ به اتهام نشر اکاذیب، هتک حرمت، اهانت به مسؤولان نظام پیش از این به شش میلیون ریال جزای نقدی و ممنوعیت انتشار روزنامه به مدت دو هفته در سال ۱۳۷۸ محکوم شده بود. همان طور که در رأی هیأت منصفه آمده از مدیرمسئول روزنامه آریا خواسته شده بود تا در بیان مسائلی که مبتنی بر امنیت و مصالح ملی است، دقت نظر کند و در رعایت اخلاق مطبوعاتی و قلم، دقت بیش تری داشته باشد. به رغم تذکر هیأت منصفه، هیچ گونه تغییری در خط مشی این روزنامه به وجود نیامد و حتی در برخی از موضع گیری ها با انتشار اخبار دروغ و بی پایه نسبت به تشویش افکار عمومی و تبلیغ علیه مسؤولان نظام ادامه داد. همان گونه که روزنامه آریا در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۷۸، همان موضعی که از سوی سازمان منافقین در سوم شهریور ۱۳۷۷ منتشر شده بود، اعلام کرد.

در بخشی از این مطلب آمده است که «عده‌ای از زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند» که این مطلب عیناً در اطلاعیه سازمان منافقین در سوم شهریور ۱۳۷۷ در شماره ۲۰۳ انتشار یافته بود. مطلب روزنامه آریا در این خصوص که «در یک سال اخیر شاهد آدم‌ربایی یک روزنامه‌نگار و یک کارگردان سینما بودیم»، کذب محض بوده است. روزنامه آریا در تاریخ ۲۲ تیرماه سال گذشته تحت عنوان «تحقق اعتراضات دانشجویی نسبت به هتک حرمت، صبح امروز نیز ادامه یافت» به نقل از یک سخنران نوشته است که «عده‌ای میلشیا با کمک نیروی انتظامی در شب امتحان به خوابگاه دانشجویان حمله کردند، درحالی که عده‌ای در حال مطالعه و نماز بودند». همچنین در این مطلب آمده بود که «عده‌ای از سفرای خارجی خواستار تحویل پاسپورت‌های دانشجویان نشان شدند» که این مطلب نیز کذب محض بوده است.

آریا در مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۷۸ در ستون «شما هم بدانید» آورده است که «یک مجروح حوادث اخیر نیز درگذشت، دانش‌آموزی هنگام رفتن به مؤسسه زبان پس از اصابت باتون ضربه مغزی شد» که این مطلب کذب محض بوده است.

نماینده مدعی العموم با اشاره به این که روزنامه آریا در مورخ ۲۹ فروردین ۱۳۷۸ در ستون «شما

هم بدانید» آورده است که «خاتمی باید افراد شایسته ملی را به مجلس معرفی کند»، اظهار داشت: مگر شما وکیل وصی خاتمی هستید که برای ایشان تعیین تکلیف می‌کنید؟ آریا در مورخ ۲۰ اردیبهشت ماه سال گذشته در مطلبی با عنوان «ما را دستگیر کنید» آورده است که «عده‌ای دین رسمی ساخته‌اند و خودشان را متولی این دین کرده‌اند».

روزنامه آریا در مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۸ به نقل از یکی از دانشجویان نوشته است که «پس از یک قرن تجربه رادیکالی، ۲۰ سال خشونت نامحدود و ویرانگر در کشور حاکم بوده است». وی افزود: در مورخ سوم خردادماه سال گذشته در عنوان «مجاللی برای هواخوری» آورده است که «مردمی خسته از شعارهای ملال‌آور و بی‌سرانجام از مسئولان انتظار حرف‌های تازه‌ای را داشتند».

روزنامه آریا در مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۷۸ به نقل از یکی از بازداشت‌شدگان کوی دانشگاه (محمدی) آورده است که «وی در مدت بازداشت تحت شکنجه قرار گرفته و از وی خواسته شده است کاغذهای مبنی بر دریافت پول را امضا کند».

این روزنامه در مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۷۸ تحت عنوان «شما هم بدانید» آورده است که «تردیدی نیست حاج سعیدها، محصول و معلول یک ایدئولوژی و یک تفکر ضداسلامی هستند». وی با اشاره به این‌که در ادامه این مطلب تصریح شده است که «حکم ارتداد توسط افرادی صادر شده است»، گفت: چه کسی حکم ارتداد صادر کرده است؟

روزنامه آریا در مورخ ۱۳ مردادماه سال گذشته آورده است که «محافظه‌کاران غیر از خود را غیرخودی می‌دانند» که در این مطلب نسبت به نشر اکاذیب اقدام شده است.

روزنامه آریا در مقاله‌ای با عنوان «یک لیوان آب یخ» در قالب طنز گفته است که «هیچ‌کس به جز افرادی چون مجتهد، طلبه مرجع تقلید و یا افرادی با سابقه رزمندگی و... در جمهوری اسلامی حق صحبت ندارد».

وی خطاب به زهدی افزود: مگر شما مرجع یا روحانی هستید که حرف می‌زنید؟ نماینده مدعی‌العموم به مقاله روزنامه آریا در تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۷۸ با عنوان «حکم نشاط غیرعادی است» اشاره کرد و افزود: در این مطلب آمده است «کسانی که با مطبوعات به بهانه دغدغه‌های دینی برخورد می‌کنند اصلاً اعتقادی به مسائل ندارند و اصولاً دین و ایمان اساسی نیز ندارند و درد آنان دین نیست، بلکه مشکل آنان قدرت است».

وی خطاب به زهدی گفت: آیا کسانی که دغدغه خاطر برای آزادی و امنیت جامعه دارند، بی‌دین و بی‌ایمان هستند، در این مطلب خطاب شما مربوط به چه کسانی است؟

نماینده مدعی العموم همچنین با اشاره به شماره ۱۷ مهر ۱۳۷۸ این روزنامه در ستون "شما هم بدانید" گفت: در این ستون آمده است که «برخی شنیده‌ها در حالی است که طیف تمامیت‌خواه می‌خواهد با ترور برخی از چهره‌های سیاسی یکی از دو جناح، بحران‌سازی کرده تا انتخابات را به تعویق بیندازد».

غلامعلی ریاحی وکیل مدافع زهدی در تذکر قانونی، این اتهامات را تکراری دانست و از رئیس دادگاه خواستار جلوگیری از ادامه اعلام این اتهامات از سوی نماینده مدعی العموم شد.

نماینده مدعی العموم سپس با اشاره به شماره ۲۴ مهر ۱۳۷۸ این روزنامه مربوط به ستون طنز "کلمه‌ها و ترکیب‌های تازه" اظهار داشت: در این ستون آمده است که «زمامدار کسی است که افسار مردم را به دست گرفته است و فرق بین مردم و شتر را نمی‌داند».

این روزنامه در شماره دیگری در ستون "طنز"، آدمکشی را تصویر کرده و طی آن آدم‌کش را ایثارگر، حقوق‌بگیر، اجیر و از این قبیل دانسته است.

آریا در شماره ۲۳ آبان ۱۳۷۸ نیز در مقاله "خودی و غیرخودی" به انتشار مطالب خلاف واقع و جهت‌دار، پرداخته است. آیا این مطالب در جهت کم‌رنگ کردن چهره انقلاب و همسویی با رسانه‌های بیگانه نبوده است، آیا درج مطالب کذب برخی سخنرانان و قلم به دستان در این نشریه کم بود که به درج گزارش‌های رسانه‌های بیگانه نیز پرداختید؟ وی در ادامه به برخی از مطالب خبرگزاری‌ها، رادیوها و روزنامه‌های خارجی مندرج در روزنامه آریا اشاره کرد.

در این زمان ریاحی وکیل مدافع متهم با نشان دادن یک نسخه از لایحه شکوائیه مدعی العموم به رئیس دادگاه اظهار داشت: اظهارات نماینده مدعی العموم مغایر با لایحه است. نماینده مدعی العموم نیز در پاسخ گفت: رئیس دادگستری در اعلام جرم فقط به شماره نشریه اشاره کرده و من در این جلسه محتوای این شماره‌ها را می‌خوانم.

ریاحی گفت: من به‌عنوان وکیل مدافع و زهدی به‌عنوان متهم حق داریم از جزئیات شکایات مطلع شده و از دادگاه درخواست تقاضای وقت قانونی برای دفاع داشته باشیم.

نماینده مدعی العموم در ادامه جلسه به ماده ۵ قانون جدید مطبوعات اشاره کرده و گفت: روزنامه تنها می‌تواند برای بالا بردن آگاهی مردم و اطلاع‌رسانی از منابع دیگر استفاده کند. وی به شماره ۲۲ تیر ۱۳۷۸ روزنامه آریا اشاره کرد و گفت: در این شماره به نقل از خبرگزاری چین، شمار کشته‌شدگان حوادث تهران هفت تن و مجروحان بیش از صد تن اعلام شد و فردای آن روز به نقل از خبرگزاری فرانسه نوشته شد که در ششمین روز از ناآرامی‌ها، جمهوری اسلامی به لرزه درآمد.

رئیس دادگاه از نماینده مدعی العموم خواست که تاریخ چاپ مطالب رسانه‌های بیگانه در

روزنامه آریا اعلام شود.

نماینده مدعی العموم در پاسخ گفت: تاریخ درج این مطالب در لایحه ارائه شده، آورده شده است. این روزنامه اطلاعیه‌های احزاب غیرقانونی از جمله نهضت آزادی، حزب ایران و حزب مرز پرگهر که اساسنامه آن‌ها به تصویب نرسیده و احزاب غیررسمی و غیرقانونی هستند را منتشر کرده و به نوعی چاپ این‌گونه اعلامیه‌ها، اعلام آمادگی کرده است.

وکیل مدافع به این اظهارات اعتراض کرد و گفت: اصلاً چنین اتهامی از سوی مدعی العموم مطرح نشده است و این‌گونه نبوده که موکل من در روزنامه اعلام کرده باشد که ما آماده چاپ هرگونه اعلامیه و اطلاعیه احزاب هستیم.

صارمی رئیس دادگاه از طرفین خواست از مذاکره فی‌مابین خودداری کرده و مطالب خود را در قالب طرح "دعوی" و "دفاع" اعلام کنند.

نماینده مدعی العموم، سپس درج چنین اطلاعیه‌ها و مطالب را در روزنامه توقیف شده آریا توهین به نظام اسلامی دانست.

غلامعلی ریاحی وکیل مدافع زهدی پس از اظهارات نماینده مدعی العموم در تذکر قانونی، این اتهامات را تکراری دانست و گفت: مندرجات مورد اشاره نماینده مدعی العموم مربوط به شماره‌های پیش از محاکمه قبلی روزنامه آریا بوده است.

نماینده مدعی العموم نیز گفت که دو مورد از موارد اتهامی مطرح شده مربوط به بعد از محکومیت این نشریه است.

روزنامه آریا در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۷۸ در ستون پیام‌های مردمی به نقل از شخصی گفته که وظیفه جراید است که از تمام ملت ایران بخواهد برای همدلی با دانشجویان تحصن کنند. مردم در مقابل چه کسی و برای چه کسی باید تحصن کنند؟

نماینده مدعی العموم به مقاله چاپ شده در بخش "از این ستون به آن ستون" این روزنامه در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۷۸ اشاره کرد و گفت: در این مقاله که به طنز مطرح شده، طوری وانمود شده است که مملکت با دروغ اداره می‌شود. وی همچنین به مقاله روز پنجم اسفندماه این روزنامه اشاره کرد و افزود: در این مقاله از قول شخصی، حقوق اولیه زن و مرد نادیده گرفته شده است و جدا کردن زن و مرد در دانشگاه و اتوبوس، تحقیر شده و آن را به تفکر سعید امامی نسبت داده است.

نماینده مدعی العموم همچنین با اشاره به مصاحبه مندرج در دهم اسفندماه ۱۳۷۸ این روزنامه تحت عنوان "صادرکنندگان حکم شرعی در واقعه کوی دانشگاه هم باید محاکمه شوند"، خطاب به مدیرمسئول روزنامه آریا گفت: اگر دروغ است چرا این مطلب را چاپ کردید و اگر صادرکنندگان

حکم شرعی را می‌شناسید، آن‌ها را معرفی کنید تا محاکمه شوند. در این مصاحبه طوری القا شده که همه فتنه‌ها زیر سر مسئولان بوده است.

در شماره ۲۵ بهمن ماه ۱۳۷۸ آریا به نقل از شخصی، مطلبی تحت عنوان «برخی از روحانیون هیچ آشنایی با دنیای نوین ندارند» نوشته است: امروز در آستانه انتخابات کسانی پیدا می‌شوند و تصویر یک تمساح را اهانت می‌شمارند و در پی آن جامعه به اغتشاش کشیده می‌شود.

این روزنامه با طرح این مطلب که هیچ‌کس نباید به خود اجازه دهد که خود را مقدس بشمارد می‌خواهد بگوید که دین وسیله‌ای برای اهداف کارها شده است.

وی، اتهامات مدیرمسئول روزنامه را نشر اکاذیب و توهین به مسئولان ذکر کرد و از دادگاه براساس مواد ۶۹۸ و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تقاضای رسیدگی کرد.

جلسه دوم

در دومین جلسه دادگاه قاضی از نماینده سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی خواست تا به بیان شکایت بپردازد.

خادم‌الحسینی نماینده سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی گفت: روزنامه آریا در تاریخ ۱۶ فروردین ماه امسال در صفحه اول خود خبری تحت عنوان «تشدید اقدامات برای جلوگیری از زندانی شدن سردار نقدی» به همراه عکس سردار نقدی با لباس نظامی به چاپ رسانده است.

در این مطلب با طرح چندین ادعای کذب، عنوان شده است که تلاش‌هایی برای تبرئه و نقض محکومیت سردار نقدی آغاز شده و در پی ارجاع غیرقانونی این پرونده به دیوان عالی کشور، اجرای حکم محکومیت نقدی متوقف شده است. همچنین روزنامه آریا بیش از ۱۷ مورد مطلب کذب و سرفصل دروغین همراه با افترا و تهمت به چاپ رسانده است.

وکیل مدافع مدیرمسئول روزنامه آریا در تذکری قانونی با بیان این مطلب که این شکایت‌ها تکراری و قبلاً رسیدگی شده است، گفت: شکایتی که قرار است به آن پاسخ بگوییم مطرح شود.

خادم‌الحسینی پس از طرح شکایت، طبق ماده ۶۰۲، ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی از دادگاه درخواست رسیدگی کرد.

رضایی، نماینده وزارت اطلاعات نیز با بیان شکایت این وزارت‌خانه گفت: روزنامه آریا ۱۴ اسفندماه سال گذشته با انتشار مطلبی از قول علی‌جانی ضمن نشر اکاذیب و با استفاده از واژه‌های نامناسب، عملکرد ۲۰ساله نظام را زیر سؤال برده است.

در این مطلب با بحث قتل‌های زنجیره‌ای، نسبت ناروایی به وزارت اطلاعات داده شده است.

پرونده روزنامه آریا ۱۲۸۵

در ادامه جلسه نماینده مدعی العموم به دلیل عدم حضور نماینده معاونت اطلاعات نیروی انتظامی، شکایت این معاونت را قرائت کرد و با اشاره به مطلب به چاپ رسیده در روزنامه آریا به قلم اکبر گنجی تحت عنوان "نسل فعلی حق دارد درباره آمریکا تصمیم متفاوتی با نسل اول انقلاب بگیرد" گفت: در این مطلب تبلیغات سوئی علیه برخی نمایندگان مجلس شده و همچنین کابینه آقای هاشمی زیر سؤال رفته است.

صارمی در ادامه از محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا خواست تا پس از استقرار در جایگاه، به دفاعیات خود پردازد.

مدیرمسئول روزنامه آریا با بیان این مطلب که جرم مطبوعاتی ذاتش آشکار است، گفت: چیزی که ذاتش مشخص بوده توسط یک روزنامه مطرح شده، مدعی العموم باید همان موقع شکایت و اعلام جرم کند نه این که یک یا دو سال از تاریخ آن گذشته باشد. پس از دادگاه قبلی خود را تطهیر شده احساس می‌کردم و تمام توان خود را به کار بستم تا دیگر مواردی پیش نیاید.

زهدی گفت: طنزنویسی به معنی تمسخر نیست و در دنیا نیز هیچ روزنامه‌ای به خاطر طنزنویسی درباره سازمان‌های دولتی، محاکمه و تنبیه نمی‌شود. طنزنویسی از حوزه‌های هنری در روزنامه‌نگاری است. همچنین طنزنویسی نوعی نقادی است و در جامعه به عنوان شوخ طبعی، سابقه اجتماعی دارد. طنز نظر نویسنده نیست و باید بین مسائل شوخی و طنز و مسائل جدی تفاوت قائل شد.

زهدی در رابطه با مقاله برقراری رابطه با آمریکا گفت: در کجای قانون موافقت با برقراری رابطه با یک کشور و آمریکا جرم شناخته شده است. رابطه با آمریکا به معنی سلطه طلبی نیست و چنانچه در سال‌های اخیر نیز رابطه ایران با بسیاری از کشورها بهبود یافته است.

به طنز درآوردن عده‌ای که می‌خواهند با شعار دادن مسائل را حل کرده و آمریکا را از بین ببرند، آیا اشکال دارد و البته روزنامه آریا معتقد است که با شعار دادن مشکلی حل نمی‌شود.

زهدی خطاب به اعضای هیأت منصفه گفت: آیا روزنامه‌ای که به خاطر طنزنویسی محاکمه می‌شود، طنز نیست؟

وی در خصوص مطالب مندرج در روزنامه آریا در خصوص حادثه کوی دانشگاه گفت: در این حادثه رهبر انقلاب نیز از آن به عنوان فاجعه یاد کرد و گفت: این فاجعه قلب مرا جریحه دار کرده است. آن روز شرایط تهران در وضعی بود که شنیده می‌شد کسی را از چند طبقه به پایین پرت کرده‌اند، یا کسی چشمش مورد اصابت گلوله قرار گرفته و تصور می‌شد که این‌ها کشته شده‌اند و به همین خاطر روزنامه آریا خبر از تعداد بیش از چند نفر کشته در این حادثه داد. پس از اعلام رسمی شورای امنیت

ملی کشور روزنامه آریا نیز خبر کشته شدن یک نفر را منتشر کرد. روزنامه آریا هیچ‌گونه سوءنیتی در این زمینه نداشت و حتی اظهارات رامین نظری برادر سردار نظری را نیز در روزنامه منتشر کرد. وی در خصوص شکایت وزارت اطلاعات گفت: من و همه همکارانم در روزنامه آریا معتقدیم که یک نظام و حکومت برای اداره کشور نیازمند دستگاه اطلاعاتی و امنیتی است. ما برای پرسنل وزارت اطلاعات احترام خاصی قائل هستیم و در مطلب مورد شکایت این وزارت خانه هیچ اسمی از وزارت اطلاعات برده نشده است. در این خصوص آقای شهیدی معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرا خواست و نارضایتی عده‌ای از مقامات کشور از مصاحبه روزنامه آریا با آقای علیجانی را اعلام کرد و من نیز به دنبال این اعتراض به مدت یک ماه انتشار روزنامه را متوقف کردم.

وی در ادامه جلسه دادگاه، طرح بقیه دفاعیه خود را به وکیل مدافعش سپرد. وکیل زهدی گفت: در جلسه اول من به طرح تکراری اتهامات مطرح شده از سوی مدعی العموم اعتراض کردم، زیرا بسیاری از این اتهامات در سال گذشته در شعبه ۱۴۱۰ مورد محاکمه و در تاریخ ۱۷ آذرماه ۱۳۷۸ منجر به صدور رأی شده است. موکل من در بسیاری از موارد مطرح شده در سال گذشته تبرئه شد و از ۶۱ مورد شکایت فعلی مدعی العموم بسیاری از موارد وارد نیست. وی با اعلام تاریخ و شماره‌های روزنامه آریا که مورد شکایت مدعی العموم قرار گرفته، تنها ۹ مورد را مربوط به بعد از صدور حکم در ۱۷ آذر سال گذشته دانست. رئیس دادگاه گفت: اگر مواردی از شکایات مطرح شده تکراری باشد، آن موارد مختومه خواهد بود.

ریاحی نیز در ادامه گفت: هیچ‌یک از اعلامات مدعی العموم در این مرحله نسبت به مندرجات نشریاتی که تا تاریخ صدور رأی قبلی به نظر مدعی العموم و دادگاه رسیده در این دوره از محاکمه قابلیت طرح و رسیدگی مجدد را ندارد.

معاون دادگستری استان به‌عنوان نماینده مدعی العموم تمامی اعلامات را قبل از محاکمه سابق ملاحظه کرده و چنانچه مطلب مجرمانه‌ای به نظر وی رسیده باید در دادگاه قبلی مطرح می‌کرد. منصب مدعی العموم قابل تجزیه نیست، به طوری که یک بار در زمان ریاست سابق رئیس کل دادگستری و نماینده وی موکل من مورد محاکمه قرار گرفته است. با بقای سمت مدعی العمومی و تعویض مدعی العموم یا معاون وی، جواز قانونی برای طرح مجدد موضوعات رسیدگی شده قبلی به دست نمی‌دهد لذا تمامی اقدامات دادگاه قبلی از جهت تفکیک موارد اعلامی که منجر به حکم برائت شده، بقیه اعلامات را به مثابه امر مختومه دارای اعتبار قانونی می‌داند و از هیأت منصفه و

قاضی تقاضای رسیدگی دارد. در این پرونده، توهین و نشر اکاذیب مطرح است و بقیه موارد وارد نیست.

ریاحی با قرائت مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی گفت: در مورد اتهام توهین باید مشخص شود که به کدام مسؤول، به چه ترتیب و با چه الفاظی توهین شده است و آیا توهین فوق با این مواد انطباق دارد یا نه. انتقاد با توهین تفاوت دارد و انتقاد و ایرادگیری نسبت به مسؤولانی که به موجب قانون، انتقادگیری از آنان ممنوع نیست، جرم تلقی نمی‌شود. براساس ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، طرح شکایت در مورد توهین، با شاکی خصوصی است.

وی به مورد دوم شکایت مدعی العموم مبنی بر نشر اکاذیب اشاره کرد و گفت: سوءنیت در انتشار اخبار دروغ و وقایع، خلاف قانون است ولی این روزنامه هیچ‌گونه سوءنیتی نداشته و تشویش اذهان عمومی نیز به تنهایی نمی‌تواند جرم باشد.

ریاحی انعکاس بخشی از مبارزات سیاسی گروه‌ها و تشکل‌ها در روزنامه‌ها را متضمن خبر ندانست و گفت: بسیاری از روزنامه‌ها، اخبار مربوط به این گروه‌ها را منعکس می‌کنند. بسیاری از احزاب فعال مجوز نگرفته‌اند از جمله "جامعه روحانیت مبارز تهران"، ولی اخبار آن‌ها در روزنامه‌ها منعکس می‌شود. اگر یک مورد از اخبار گروه‌های برانداز و معاند که مخالف نظام باشند و قانون اساسی را قبول نداشته باشند در روزنامه آریا چاپ شده باشد و آن را به ما نشان بدهید، ما محکومیت خود را قبول داریم. حتی در مورد یک اظهارنظر تشابهی یک فرد سیاسی که وهنی برای نظام تلقی شده بود، به دنبال تذکر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موکل من با بستن یک ماه روزنامه آن را تنبیه کرد.

وی زهدی را غیرسیاسی‌ترین مدیرمسئول روزنامه‌ها خواند و گفت: وی وابستگی سیاسی به چپ و راست و غیره ندارد و تنها یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای است. روزنامه آریا به خاطر این عدم وابستگی بیش از یک میلیارد ریال بدهی دارد.

قاضی دادگاه در ادامه جلسه گفت: نمایندگان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و مدعی العموم در رابطه با دفاعیات متهم و وکیل مدافع، اظهاراتی را به‌طور شفاهی مطرح خواهند کرد.

غلامعلی ریاحی وکیل مدافع زهدی به اعلام این مطلب از سوی رئیس دادگاه اعتراض کرد و گفت: طبق ماده ۱۹۳ درخصوص ترتیب رسیدگی و صدور رأی، هیچ جایی برای اظهارنظر شاکی و طرح مسائل مجدد در این مرحله از رسیدگی وجود ندارد.

قاضی دادگاه به نمایندگان مدعی العموم و سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی گفت: اگر مطالب مجددی دارند، کتباً تهیه کنند تا بررسی شود.

نماینده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی گفت: اگر شکایت به طریقی منحرف شود، حق شاکی است که مسائل را بگوید.

قاضی دادگاه اظهارات وی را قابل طرح ندانست و از نماینده حفاظت اطلاعات خواست تا مطالب خود را کتباً به دادگاه ارائه دهد.

نماینده مدعی العموم نیز گفت: مدیرمسئول روزنامه آریا براساس احساسات صحبت کرد و در رابطه با اعلام جرم در قالب طنز ایشان گفتند که «طنز وسیله‌ای برای نقادی است». روزنامه آریا نوشته است «آدمکش کسی است که آدم می‌کشد»، آیا این طنز است.

قاضی دادگاه به وی تذکر داد: مطالب مورد نظر شما ایراد نیست و در دادگاه مطرح شده است و اعضای هیأت منصفه نیز استماع کرده‌اند. اگر ایرادی دارید بیان کنید، در غیر این صورت موارد را کتباً به دادگاه ارائه کنید.

نماینده مدعی العموم گفت: تلقی مدیرمسئول از طنز غلط است، پس این ایراد است. این چه عبارتی است که مدیرمسئول روزنامه آریا در رابطه با دادگاه گفتند که «اگر روزنامه‌ای به خاطر طنز محاکمه شود، طنز نیست؟» وکیل مدافع متهم ادعا کرد که ۶۱ مورد اعلام جرم مدعی العموم اکثراً در پرونده قبلی در شعبه ۱۴۱۰ رسیدگی شده است و وی از ۱۳ مورد شکایت خود دفاع کردند.

نماینده مدعی العموم خطاب به قاضی دادگاه گفت: مواردی که مطرح شده را به طور خلاصه قرائت کنید و بفرمایید که آیا موضوعات آن با پرونده ایشان در شعبه ۱۴۱۰ مشابه است یا خیر؟ قاضی دادگاه گفت: مطالب سال ۱۳۷۷ به غیر از یک مورد و سال ۱۳۷۸ هیچ کدام با مقالات پرونده شعبه ۱۴۱۰ تشابهی ندارد.

ریاحی وکیل مدافع آریا در تذکر قانونی مجدداً اعلام کرد که طبق قانون شاکی حق ندارد مطالبش را مجدداً مطرح کند، تشخیص تشابه موضوعات به عهده هیأت منصفه است و قاضی نباید در خصوص تشابه موضوعات موضع‌گیری کند.

احضار مجدد زهدی

یک ماه پس از آخرین جلسه رسیدگی محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه توقیف شده آریا به درخواست قاضی صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران مجدداً در دادگاه حضور یافت.

وکیل مدافع زهدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا با اعلام این مطلب گفت: بازجویی‌های اخیر در خصوص اتهامات قبلی علیه زهدی مبنی بر چاپ اطلاعیه انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف در روزنامه بود که از سوی دادگاه انقلاب به دادگاه مطبوعات احاله شده بود. در این جلسه موضوع شکایت تحت عنوان نشر اکاذیب از سوی قاضی دادگاه به موکلم تفهیم که پاسخ لازم داده شد و دیگر

نیاز به تحقیق مجدد نیست. محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا قبلاً از جهت اتهام نشر اکاذیب به چهار سال حبس تعزیری و از جهت اتهام اهانت به مسئولان نظام به محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی به مدت دو سال و به اتهام تخلف از مقررات قانون انتخابات به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی علاوه بر لغو امتیاز روزنامه آریا محکوم شد.

نظر هیأت منصفه

اعضای هیأت منصفه در پی حضور در دو جلسه محاکمه علنی مدیرمسئول این روزنامه در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران و استماع شکایات وارده، پس از ختم دادرسی با برگزاری جلسه شور، نظر خود را اعلام کردند. براساس اعلام نظر هیأت منصفه در مورد شکایت مدعی العموم، پس از استماع شکوائیه نماینده مدعی العموم و دفاعیات مکرر و مبسوط متهم و وکیل وی، سرانجام متهم را در چند مورد اتهام نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی و چند مورد اهانت و نیز چند مورد افتراء مجرم شناخت.

ضمناً در بعضی از شکایات مدعی العموم، متهم مجرم شناخته نشد. هیأت منصفه مطبوعات در مورد شکایت سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی علیه مدیرمسئول روزنامه آریا، پس از استماع شکوائیه وکیل شاکی و دفاعیات متهم و وکیل وی و بررسی اسناد و مدارک مربوطه، شکایت حفااناجا را وارد ندانست و به اتفاق آراء، متهم را مجرم شناخت اما در مورد اهانت به سردار نقدی و نیز نشر اکاذیب علیه وی، اعضای هیأت به دلیل نداشتن شاکی خصوصی در این مورد اعلام نظر نکردند.

هیأت منصفه مطبوعات همچنین در مورد شکایت وزارت اطلاعات علیه مدیرمسئول روزنامه آریا پس از استماع شکوائیه وزارت اطلاعات و دفاعیات مدیرمسئول روزنامه آریا و وکیل وی، به اتفاق آراء، متهم را در مورد نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، مجرم تشخیص داد.

در مورد شکایت معاونت اطلاعات ناحیه انتظامی تهران بزرگ مبنی بر تخلفات مدیرمسئول روزنامه آریا از قانون انتخابات، پس از استماع شکوائیه و دفاعیات متهم، با اکثریت آراء، نامبرده را مجرم تشخیص داد. اعضای هیأت منصفه همچنین باتوجه به جمیع جهات و دومین محکومیت مطبوعاتی متهم، وی را مستحق تخفیف تشخیص ندادند.

رای دادگاه

در خصوص اتهام آقای محمدرضا زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا مبنی بر ۱. نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی ۲. درج مطالب مشتمل بر اهانت نسبت به مسئولان نظام موضوع

شکایات ریاست محترم کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و ۳. تخلف از مقررات ماده ۶۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی موضوع اعلام جرم معاونت اطلاعات ناتب به عنایت به جامع اوراق پرونده اولاً نظر به این‌که مصادیق اعلام شده در شکایت مدعی‌العموم در پرونده کلاسه ۳۵۴/۱۴۱۰/۷۷ مطروحه در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران که منتهی به صدور دادنامه شماره ۵۶۷ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۷ گردیده است، نمی‌باشد هرچند عناوین اتهامی مشابه است ولیکن طرح آن منع قانونی ندارد و ایراد وکیل محترم در این خصوص صحیح نمی‌باشد. ثانیاً با توجه به شکایت شکات و اعلام مرجع انتظامی و تحقیقات به‌عمل آمده از متهم و استماع دفاعیات ایشان در جلسات تحقیقات مقدماتی و در جلسه علنی دادرسی با حضور اعضای محترم هیأت منصفه و نیز استماع دفاعیات وکیل متهم و با عنایت به اعلام نظر اعضای محترم هیأت منصفه بر مجرمیت مدیرمسئول روزنامه آریا (متهم پرونده) بدون استحقاق برخوردار از تخفیف در خصوص اعلام جرم معاونت اطلاعات ناتب و نیز شکایت مدعی‌العموم در تعدادی از مصادیق ذکر شده قبل از محکومیت سابق متهم و تعدادی از مصادیق ذکر شده بعد از زمان محکومیت سابق متهم بزه‌های انتسابی وی محرز است و به استناد تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات و مواد ۳۰ و ۳۵ از همان قانون و مواد ۶۰۹ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات و رعایت مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی با عنایت به این‌که مصادیقی از شکایت مدعی‌العموم مربوط به زمان قبل از محکومیت قبلی (۱۳۷۸/۹/۱۷) متهم است و مصداق تعدد جرم را دارد ولیکن دادگاه مجازات در نظر گرفته شده در قبل را کافی دانسته و نیاز به تشدید آن نمی‌باشد. اما در مورد مصادیقی از شکایت مدعی‌العموم که مربوط به بعد از تاریخ محکومیت قبلی متهم می‌باشد و مصداق تکرار جرم را دارد لذا در خصوص اتهام نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی مشارالیه را به تحمل چهار ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید و در خصوص اهانت به مسئولان نظام مشارالیه را به محرومیت از کلیه فعالیت‌های مطبوعات به مدت دو سال بعد از حبس یا شلاق محکوم می‌نماید. و در خصوص تخلف از مقررات انتخابات مجلس شورای اسلامی مشارالیه را به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌نماید و به لحاظ اصرار متهم با توجه به محکومیت قبلی وی و ارتکاب مجدد جرائم مطبوعاتی و تعدد و تأکید به ارتکاب آن و به استناد تبصره ۲ از ماده ۶ قانون مطبوعات پروانه انتشار روزنامه آریا لغو می‌گردد. در خصوص اتهام دیگر متهم مبنی بر ایراد افترا موضوع شکوائیه مدعی‌العموم به فرد یا افراد خاص یا معینی عمل مجرمانه‌ای را نسبت نمی‌دهد لذا اتهام ایراد افترا محرز شناخته نگردید و موارد مصداق بزه نشر اکاذیب تشخیص داده شده که فوقاً اظهار نظر گردید و لذا در خصوص اتهام ایراد افترا به لحاظ فقد دلیل کافی و مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد و

درخصوص اتهام دیگر متهم مبنی بر نشر اکاذیب نسبت به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به نظر هیأت محترم منصفه مبنی بر عدم مجرمیت متهم، رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد.

ضمناً باتوجه به این‌که از سوی سردار محمدرضا نقدی فرماندهی حفاظت و اطلاعات ناجا شخصاً یا از سوی نماینده قانونی مشارالیه در پرونده شکایتی مطرح نگردیده، موجبی برای اظهارنظر نمی‌باشد. ضمناً موقت بودن توقیف روزنامه آریا و رفع آن باتوجه به محکومیت‌های صادره در این دادنامه منتفی می‌باشد. آرای صادره ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان می‌باشد. ضمناً پرونده درخصوص متهم دیگر پرونده مفتوح می‌باشد.

حکم تجدیدنظر

در پرونده ۱۴۰۸/۱۰۸۰ و ۱۰۷۹ درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای غلامعلی ریاحی به وکالت از آقای محمدرضا زهدی نسبت به دادنامه ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷۹/۵/۳ صادره از شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران از حیث صدور حکم محکومیت تجدیدنظرخواه به تحمل چهار ماه حبس تعزیری در امر ارتکاب بزه اهانت به مسؤولان نظام، و از حیث محکومیت به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی در امر ارتکاب بزه تخلف از مقررات انتخابات مجلس شورای اسلامی و از حیث محکومیت به لغو پروانه انتشار روزنامه آریا به علت اصرار در ارتکاب جرائم مطبوعاتی و همچنین درخصوص تجدیدنظرخواهی مدیرکل حقوقی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در قسمت صدور حکم برائت آقای زهدی در موضوع شکایت سردار محمدرضا نقدی در موضوع اعلام جرم نشر اکاذیب نسبت به سازمان حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی و همچنین از حیث عدم اظهارنظر در موضوع شکایت سردار محمدرضا نقدی در موضوع افترا و نشر اکاذیب در رابطه با تجدیدنظرخواهی آقای زهدی با وکالت آقای ریاحی در قسمت نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی، اگرچه ایراد بر عدم احصا مصادیق و تعداد جرم، قابلیت توجه دارد، اما نظر به این‌که در مرجع تجدیدنظر، حفاظت از اساس محکومیت و یا ورود خدشه در حد نقض بر این اساس، منظور بوده و توجهاً به مفهوم عام اکاذیب و اعمال برخلاف حقیقت مذکور در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و منصرف از قاعده تعدد جرم، انتشار اکاذیب را به‌طور کل محقق دانسته و ایراد را وارد می‌داند و اما ایراد دیگر وکیل تجدیدنظرخواه به شرح مرقوم در بند ۴ لایحه تجدیدنظرخواهی بر فقدان شاکی خصوصی در موضوع جرم ماده ۶۹۸ و غیرقابل تعقیب دانستن

آن، نیز اگرچه مستنداً به ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، علی‌الظاهر مقبول به نظر می‌رسد اما این مرجع تجدیدنظر با فرض فقدان شاکی، موردی از نشر اکاذیب را که مفتوح به تشویش اذهان عمومی شده باشد منصرف از ماده ۷۲۷ دانسته و با اعلام جرم جانشین مدعی قابل تعقیب و مجازات می‌داند و بر همین استدلال بوده که در زمان حکومت قانون تعزیرات سابق و عدم احصاء مواد قابل گذشت در ماده ۱۵۹ آن اداره حقوقی به شرح نظریه ۷/۶۸۹۹-۶۶/۱۱/۱۵ نظر داده بود بر این‌که... در مورد بزه نشر اکاذیب چنانچه این جرم متوجه شخص یا اشخاصی معین باشد حق الناس و قابل گذشت نمی‌باشد، تمام، فلذا در این قسمت نیز ایراد وارده مرتفع است و اساس محکومیت مصون از تعرض مستوجب نقض است، النهایه توجهاً به میزان مجازات معینه در ماده استنادی که حداقل آن نود و یک روز حبس کاهش دارد و با در نظر گرفتن این‌که دادگاه بدوی تعدد جرم را منظور داشته و این مرجع از آن منصرف است با استفاده از تخییر مصرحه در ماده ۳ بند ۲ آن از قانون نحوه وصول پاره‌ای از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد تجدیدنظرخواه را به جای چهار ماه حبس به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌نماید و اما در سایر موارد ایراد وکیل تجدیدنظرخواه لازم به توضیح است که برخلاف منظور مقنن، در نشریه آریا به صرف انتقاد اکتفا نشده است و این مرجع در مندرجات منتشره پیوست پرونده، حسن‌نیت خاص در ایفای رسالت مطبوعاتی مطابق با قانون اساسی را احساس نمی‌نماید و نیت اولیه و ابتدایی تشویش اذهان و اهانت به نظام و مسؤولان بیش‌تر متبادر به ذهن می‌گردد و وکیل تجدیدنظرخواه با ورود در جزئیات عناصر مادی و قانونی ارتکاب جرم این قسمت از رکن معنوی ارتکاب جرم را که با احساس فردی و جمعی جامعه و سیستم و نظام مواجهه مقابله وارد را نادیده گرفته است و متأسفانه در تعدادی از مطبوعات فعلی آن تلاشی که برای نفی مرزبندی‌های تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل هم در بندج ماده ۲ قانون مطبوعات مورد نظر مقنن بوده، مخدوش است با این‌همه این مرجع ضمن پذیرش توجه اتهام به شخص مسؤول، استقرار و استمرار و بقا و دوام مطبوعات را در چارچوب اهداف کلی قانون اساسی، لازم و ضروری دانسته و با این استدلال، نظر به این‌که در حکم بدوی به مواد قانونی مجازات اسلامی، مستقلاً استناد گردیده است، مواد استنادی از قانون مطبوعات را از متن حکم، حذف و ضمن نقض حکم مربوط به لغو پروانه روزنامه آریا و صدور حکم بر اجازه انتشار آن با مدیرمسئولی جدید که مطابق قانون مطبوعات معرفی و تأیید صلاحیت خواهد شد صرفاً آقای محمدرضا زهدی را از بابت اهانت، به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت و در اجرای ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، به‌عنوان تمیمی مجازات به محرومیت از کلیه فعالیت‌های مطبوعات به مدت دو سال محکوم می‌نماید.

پرونده روزنامه آریا ۱۲۹۳

در سایر موارد ضمن رد موارد اعتراض و مصونیت اساس محکومیت از خدشه مستوجب نقض، بر تأیید و تصدیق آن اعلام نظر می‌نماید و اما در خصوص تجدیدنظرخواهی حفاظت اطلاعات ناجا، در قسمت براءت صادره، نظر به این‌که متکی به نظر هیأت منصفه و حصول علم قاضی دادگاه بدوی بوده است، این مرجع تجدیدنظر، دلایل قوی در مقابله با آن نمی‌بیند و عیناً تأیید می‌دارد و اما در رابطه با تجدیدنظرخواهی به نمایندگی از سردار محمدرضا نقدی فرماندهی حفاظت اطلاعات، اعلام دادگاه بدوی بر این‌که موجبی برای اظهار نظر نمی‌باشد و ماهیت قانونی ندارد و هرگونه اظهار نظری بدون این‌که منتهی به یکی از احکام بشود، مواجه با اشکال است خصوصاً این‌که مفروض بر تلقی منظور دادگاه بدوی قرار منع تعقیب بودن، با در نظر گرفتن تاریخ صدور آن و حقوق مصوبه ادعایی تجدیدنظر (مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۹) اقتضای فسخ و اظهار نظر اولیه معمول و عنداقتضای بعدی به مرجع تجدیدنظر ارسال فرمایند. این رأی در اجرای مواد ۲۵۷ و ۲۵۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر و قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه چشمه اردبیل

نام نشریه: هفته نامه چشمه اردبیل

مدیرمسئول: اکبر جعفری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه یکم دادگاه عمومی اردبیل، حجت الاسلام جباری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۲۱

اتهام: تشویش اذهان عمومی، تحریک احساسات مذهبی و تلقی توهین به مقدسات

شاک: رئیس کل دادگستری استان (مدعی العموم)

رای دادگاه: یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از یک ماه حبس و چهار ماه توقیف نشریه.

خلاصه پرونده

در دادگاهی که ۱۹ تیرماه ۱۳۷۹ در شعبه یکم دادگاه عمومی اردبیل برگزار شد، موارد اتهامی اکبر جعفری از سوی قاضی جباری مطرح شد.

قاضی جباری گفت: این نشریه با چاپ مقاله ای تحت عنوان ”مروری بر تاریخچه تحریفات نهضت حسینی“ باعث تحریک احساسات مذهبی مردم، تشویش اذهان عمومی و اهانت به مقدسات مذهبی شده است.

مدیرمسئول و نویسنده این نشریه در پاسخ به این اتهامات به ارائه دفاعیه خود پرداخت و اظهار داشت که هیچ گونه قصد اهانت به مقدسات مذهبی را نداشته است و این مقالات صرفاً با هدف زدودن خرافات به نقل از علما و صاحب نظران دینی چاپ شده بود.

نظر هیأت منصفه و رای دادگاه

هیأت منصفه بعد از استماع دفاعیات متهمان و اظهارات نماینده مدعی العموم با اکثریت آرا، اکبر جعفری مدیرمسئول نشریه چشمه اردبیل را مجرم شناخته اما وی را مستحق تخفیف دانستند.

همچنین اعضای هیأت منصفه با اکثریت آرا ایوب نعمتی نویسنده مقاله را مجرم ندانست و رای بر برائت وی داد.

براساس نظر هیأت منصفه، دادگاه جعفری مدیرمسئول نشریه را به پرداخت یک میلیون ریال

۱۲۹۶ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

جزای نقدی بدل از یک ماه حبس محکوم کرد. همچنین این دادگاه رأی بر توقف انتشار نشریه به مدت چهار ماه صادر کرد.
دادگاه همچنین ایوب نعمتی نویسنده مقاله را با توجه به رأی هیأت منصفه و با استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی از بزه انتسابی تبرئه کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه ایران

نام نشریه: روزنامه ایران

مدیرمسئول: فریدون وردی نژاد، حسین ضیایی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۳/۳

اتهام: نشر اکاذیب، افتراء، توهین و اهانت

شاکای: یازده شکایت از سوی معاونت اطلاعات، اداره کل قوانین و امور حقوقی و معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، شکایت تعدادی از افراد تحت عنوان شرکت کنندگان در جلسه زیارت آل یاسین بیت الشهداء (دخمه شهرری)، صدا و سیما، انصار حزب الله، بسیج شهرستانها و جنوب تهران، اداره اطلاعات یزد، ستاد اجرایی فرمان امام، امام جمعه بجنورد، پنج تن از مجرمان زندانی که محکومیت خود را سپری می کنند، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ژاله اسکویی مدیرمسئول هفته نامه پنجشنبه ها، یک افسر بازنشسته پلیس قضایی

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

خلاصه پرونده

اولین جلسه تفهیم اتهام فریدون وردی نژاد مدیرمسئول سابق روزنامه ایران، روز دوم مردادماه در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران به ریاست سعید مرتضوی برگزار شد.

وردی نژاد پس از پایان جلسه تفهیم اتهام به خبرنگاران گفت: برای ۲۴ مورد شکایت سابق که قبلاً به آنها پاسخ داده ام و همچنین ۳۰ مورد شکایت جدید که در زمان مدیرمسئولی من مطرح شده از سوی دادگاه مطبوعات احضار شده ام. هفت مورد از شکایت های جدید مربوط به نیروی انتظامی است که باتوجه به اعلام فرماندهی این نیرو مبنی بر پس گرفتن شکایات مطبوعاتی، این شکایات موضوعاً منتفی شده است.

مدیرمسئول سابق روزنامه ایران خاطر نشان کرد: انصار حزب الله (سه شکایت)، صدا و سیما (یک شکایت)، بسیج شهرستانها و جنوب تهران (دو مورد)، اداره اطلاعات یکی از شهرستانها،



ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)، امام جمعه یکی از شهرهای جنوب شرقی کشور، پنج مورد شکایت از مجرمان زندانی که محکومیت خود را سپری می‌کنند، یک طلبه و یکی از انصار حزب‌الله به نمایندگی از جمعی که طوماری با اسامی نامشخص امضا کرده‌اند و خانم ژاله اسکویی مدیرمسئول هفته‌نامه تعطیل شده پنجشنبه‌ها، شاکیان جدید روزنامه ایران هستند. در این جلسه به دو مورد شکایت مربوط به خانم ژاله اسکویی و یک افسر بازنشسته پلیس قضایی که در مورد پرونده دخترش که در حال حاضر به اتهام صدور چک بلامحل و کلاهبرداری، فراری و تحت تعقیب است، پاسخ دادم.

وردی‌نژاد گفت: خانم اسکویی تحت این عنوان شکایت کرده است که هفته‌نامه‌ی وی به خاطر درج اخباری از روزنامه ایران و مجله ایران جوان تعطیل شده است. اسکویی معترض است که چرا روزنامه ایران و مجله ایران جوان تعطیل نشده است.

فریدون وردی‌نژاد همچنین پس از پایان دومین جلسه تفهیم اتهام که حدود چهار ساعت طول کشید، گفت: در این جلسه به مجموعه‌ای از شکایات انصار حزب‌الله تهران و جمعی از انصار ولایت و حزب‌الله اصفهان در خصوص اخبار منتشره در مورد جهانگردان آمریکایی در اصفهان پاسخ داده شد.

وی شکایات تعدادی از افراد خصوصی و همچنین عده‌ای از متهمانی که در حال گذراندن دوران محکومیت خود هستند را از نظر موضوع و طرح آن کم‌اهمیت دانست و افزود: شکایات مطروحه از سوی این افراد نیز در این جلسه مورد رسیدگی قرار گرفت.

مدیرمسئول سابق روزنامه ایران تصریح کرد: در این جلسه به شکایات نیروی انتظامی به لحاظ این‌که در انتظار اعلام انصراف رسمی نیروی انتظامی از این شکایات هستم، پاسخ ندادم.

وی در خصوص شکایت «شبکه سحر» صدا و سیما و قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: این شکایات مربوط به خبرگزاری جمهوری اسلامی بود و به این سبب قرار شد در جلسه دیگری مورد رسیدگی قرار گیرد. در این جلسه به دو مورد شکایت از ستاد اجرای فرمان حضرت امام(ره) نیز پاسخ داده شد. در جلسه دیگر که قرار است تا چند روز آینده برگزار شود، شکایات نیروی انتظامی، مدیرکل اطلاعات یزد و چند فقره شکایت ستاد امر به معروف و نهی از منکر از نشریه ایران جوان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی اتهامات مطرح شده در این جلسه را عمدتاً نشر اکاذیب و افترا عنوان کرد.

۳۰ مورد شکایت از وردی‌نژاد در زمانی که وی مدیرمسئولی روزنامه ایران را برعهده داشته به دادگاه اعلام شده است.

دو ماه بعد بازجویی از مدیرمسئول روزنامه ایران بار دیگر آغاز شد. در این جلسه حسین ضیایی مدیرمسئول جدید روزنامه به دادگاه احضار و تحت بازجویی قرار گرفت. ریاحی وکیل مدافع مدیرمسئول روزنامه ایران در گفت‌وگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: مدیرمسئول روزنامه ایران در این جلسه بازجویی به هشت مورد شکایت از سوی سازمان صدا و سیما، روزنامه کیهان، رئیس کل دادگستری استان تهران (به‌عنوان مدعی العموم) یک محکوم که در حال حاضر در زندان تحمل کیفر می‌کند و همچنین یک قاضی دادگستری در یکی از شهرهای شمالی که به اتهام نشر اکاذیب و توهین و اهانت شکایت کرده بودند، به‌طور کتبی پاسخ داد.

وکیل مدافع روزنامه ایران در پایان جلسه بازجویی برای پاسخگویی به بقیه شکایت‌های مطرح و ارائه مدارک و مستندات به دادگاه از قاضی پرونده درخواست مهلت کرد که با موافقت سعید مرتضوی ادامه تحقیق و بازجویی از نامبرده به جلسه دیگری موکول شد و حسین ضیایی با سپردن قرار قانونی تا زمان محاکمه آزاد شد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بیان

نام نشریه: روزنامه بیان

مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر محتشمی پور

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه ویژه روحانیت (شعبه چهارم دادسرای ویژه)

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۵

اتهام: تحریف مطالب، اهانت، عدم درج پاسخ شاکی در موعد مقرر، عدم توجه به اخطار داده شده

و نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی

شاکی: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، کتابخانه مسجد میرزاتقی خان همدان، مدیرکل امور

حقوقی صدا و سیما، اداره کل حقوقی حفاظت اطلاعات، حسینیان، مدیرکل امور حقوقی و

قوانین نیروی انتظامی

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

خلاصه پرونده

دادستان ویژه روحانیت در بیست و سوم فروردین ۱۳۷۹ در گفت و گویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که از آقای محتشمی پور دو مورد شکایت مطرح شده که یکی مربوط به نشر مطالبی درخصوص کتابخانه مسجد میرزاتقی خان همدان و دیگری مربوط به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است که این دو شکایت با قرار عدم صلاحیت از سوی دادگستری تهران در تاریخ ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۸ به دادسرای ویژه روحانیت ارسال شد.

سیدعلی اکبر محتشمی پور مدیرمسئول روزنامه توقیف شده بیان پنجم تیرماه ۱۳۷۹ پس از دریافت حکم توقیف گفت: برای پاسخ گفتن به شکایت صدا و سیما، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، روح الله حسینیان و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در یک دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه حاضر خواهم شد و دادگاه ویژه روحانیت را صالح به رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی نمی دانم. وی در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی خطمشی بیان در طول انتشار راکمک به اجرای اصلاحات و خواست مردم دانست و تأکید کرد که "بیان اصلاحات در نظام را"، راه بقای نظام و کمک به رئیس جمهوری را وظیفه دینی و شرعی خود می داند.

مدیرمسئول روزنامه بیان از دستگاه قضایی خواست متناسب با خواست عمومی مردم اصلاحات و توسعه قضایی را مشی راه خود قرار دهد. وی گفت: حضور مطبوعات، آسیب‌پذیری نظام را کاهش می‌دهد و حضور جدی رکن چهارم دموکراسی در وقایع تلخی چون قتل‌های زنجیره‌ای مؤید این موضوع است.

محتشمی‌پور افزود: بیان در عدم حضور مطبوعات دوم خرداد و در تعطیلی حضور مطبوعات بار اطلاع‌رسانی به افکار عمومی را در سخت‌ترین شرایط به دوش کشید و این بار اکنون بر دوش مطبوعات موجود سنگینی بیش‌تری می‌کند.

مصاحبه دادستان ویژه روحانیت^۱

حجت‌الاسلام نکونام در گفت‌وگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: از آقای محتشمی‌پور دو مورد شکایت مطرح شده است که یکی مربوط به نشر مطالبی در خصوص کتابخانه مسجد میرزاتقی‌خان همدان و مورد دیگر مربوط به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است.

دادستان ویژه روحانیت استان تهران گفت: دادرسی ویژه روحانیت براساس فلسفه تشکیل و صلاحیت‌های رسیدگی محول شده به آن، عمدتاً مسائل را به صورت خصوصی و محرمانه پیگیری می‌کند، به خصوص نسبت به افراد شاخصی همانند حجت‌الاسلام والمسلمین محتشمی‌پور که از سابقین در انقلاب و نهضت و از مبارزان علیه استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی و لیبرال‌ها و روشنفکران غریزه است.

جانبازی آقای محتشمی‌پور به دست عوامل صهیونیست شاهد این مدعا است، اما پذیرش مدیرمسئولی روزنامه، پاسخگویی وی در مورد این دو شکایت را به دنبال دارد.

توقیف روزنامه بیان^۲

به گزارش روابط عمومی دادگاه ویژه روحانیت در قرار توقیف روزنامه بیان به شکایات متعدد اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به این روزنامه و مدیرمسئول آن در مورد تحریف مطالب و اهانت و عدم درج پاسخ شاکی در موعد مقرر و عدم توجه به اخطار داده شده و نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی توسط آن جریده اشاره شده است. در حکم توقیف روزنامه بیان همچنین آمده است: برای پیشگیری از وقوع جرائم بیش‌تر قرار توقیف روزنامه بیان مستنداً به بند ۵

پرونده روزنامه بیان ۱۳۰۳

اصل ۱۵۶ قانون اساسی و اختیارات حاصله از مفهوم بیانی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی در مورد اختیارات بازپرس و دادستان نسبت به توقیف وسایل ارتکاب جرم و تبصره ذیل ماده ۳۱ قانون مطبوعات به لحاظ اصرار نشریه مذکور نسبت به درج موارد اتهامی عنوان و اعلام می‌گردد.

در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به "اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین" اشاره شده است. در تبصره ذیل ماده ۳۱ قانون مطبوعات نیز عنوان شده است: در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف دادستان عمومی باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند. این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه آوا

نام نشریه: هفته نامه آوا

مدیرمسئول: مصطفی ایزدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۸

شماره دادنامه: ۴۷۷، کلاسه پرونده: ۲۶۹/۱۴۱۰/۷۸

اتهام: افترا، توهین، اهانت به پرسنل وزارت اطلاعات، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، استعمال الفاظ رکیک به دادستانی ویژه روحانیت و فرمانده نیروی انتظامی و انصار ولایت اصفهان، چاپ مطالبی که با سیاست‌های کلی نظام مغایرت دارد، تحریف سخنان افراد مختلف، نشر اکاذیب به ساحت مقدس امام راحل

شاکی: رئیس کل دادگستری استان تهران، وزارت اطلاعات، دادستان ویژه روحانیت اصفهان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم، افرادی منسوب به انصار ولایت اصفهان، فرمانده سپاه پاسداران نجف آباد، اداره کل اطلاعات استان اصفهان، فرمانده نیروی انتظامی اصفهان، هیأت نظارت بر مطبوعات، بسیج نجف آباد

رای دادگاه: ۵۵ روز حبس تعزیری که به ده میلیون ریال تبدیل شد، ۵۵ روز حبس تعزیری و دو سال محرومیت از کلیه مشاغل و مسؤولیت‌های مطبوعاتی، ۲۵ روز حبس تعزیری که به پرداخت چهار میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت تبدیل شد، لغو امتیاز دائم هفته نامه آوا.

اولین جلسه دادگاه

دادگاه رسیدگی به پرونده اتهامات نشریه *آوا* ۹ تیر ۱۳۷۹ در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه رسیدگی به اتهامات کارکنان دولت برگزار شد. در ابتدای این جلسه که به ریاست قاضی سعید مرتضوی و با حضور ۱۱ تن از اعضای هیأت منصفه^۱ برگزار شد، قاضی گفت: ابتدا جهت طرح شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم تعیین نوبت کرده‌ایم و از نماینده مدعی العموم می‌خواهیم که شکایت خود را مشروحاً با دلایل بیان کنند.

شکایت نماینده مدعی العموم

هفته‌نامه *آوا* که شماره صفر آن در ۲۰ دی ماه ۱۳۷۵ و با ویژگی دوهفته‌نامه ورزشی، فرهنگی و ادبی استان اصفهان و با چاپ رنگی منتشر گردید، خط‌مشی اولیه خود را دل سپردن به آب‌های موج و خروشان که از نظام و قرآن و ولایت جوشیده و در مسیری که برای شاداب کردن و جان دادن امت و مسلمین و محرومین آن را نماینده باشد ذکر و اضافه می‌کند، سیاست *آوا* پرهیز از سیاست‌بازی و سیاست‌سازی است. به هر حال هفته‌نامه فرهنگی، ورزشی و ادبی اصفهان تا شماره ۲۴ ادامه انتشار می‌یابد و این درحالی است که تغییر مشی آن و پرداختن تدریجی به مسائل سیاسی از شماره‌های قبل از آن آغاز شده بود. این نشریه از شماره ۲۵ به نشریه‌ای سیاسی و فرهنگی تغییر مشی داده و دامن زدن به روند اختلافات داخلی استان، ایجاد جنگ روانی و نشر اخبار خلاف واقع در دستور کار نشریه قرار می‌گیرد که با مطالعه هفته‌نامه مذکور در شماره اخیر آن می‌توان به اهداف آن پی برد، تا این‌که به دنبال همسویی مردم اصفهان و نجف‌آباد در ارتباط با پیام تاریخی رهبر معظم انقلاب هفته‌نامه *آوا* انتشار خود را متوقف می‌سازد.

دوره جدید انتشار *آوا*، پس از هشت ماه تعطیلی از شماره ۳۸ با شکل متفاوت و با موضع‌گیری‌های تند و سریع و ایجاد جو بدبینی نسبت به مسؤولان نظام و تضعیف ارگان‌های حکومت شروع و متأسفانه این روند تا زمان انتشار آن ادامه می‌یابد. هفته‌نامه *آوا* در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ در صفحه اول و با عنوان ما کجا، یاران امام حسین کجا؟ مطالبی را به رشته تحریر درآورده و نتیجه‌گیری کرده که، انقلاب از مسیر خود منحرف شده است. «امروزه ما در شرایطی قرار گرفتیم که با اهداف و انگیزه‌های انقلاب اسلامی بسیار فاصله گرفته‌ایم... دو سال قبل یکی از نظریه‌پردازان و بنیان‌گذاران اصلی ساختاری که برای ارج نهادن به تفکر و انسانیت بنا شده است را به

۱. جمال شورجه، حمید انصاری، محسن دعاگو، زاکانی، حجت‌الاسلام جعفر شبیری، دکتر شهاب‌الدین صدر، دکتر داوود میرباقری، علی‌اکبر کسائیان، مصطفی رحماندوست، حبیب‌الله عسگرآولادی، خانم فاطمه کروی.

جرم انتقاد کلامی و بیان نظرات اسلامی بدون محاکمه در منزل خود زندانی کرده‌اند. امروز اندیشمندان بزرگی چه در حوزه علوم دینی و چه در خارج از آن نگران این هستند که مبادا حرفی بزنند و مخالف حرف حاکمیت قرار گیرند، زیرا در دادگاه‌هایی به نام ویژه روحانیت و انقلاب اسلامی به اتهام توطئه یا براندازی یا محاکمه و زندانی خواهند شد.»

هفته‌نامه آوا در مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۲ تحت عنوان «گروهک فشار در کوی دانشگاه در پی چه بوده است؟» که به قلم مدیرمسئول نشریه نیز می‌باشد آن گونه مسائل کوی دانشگاه را تحلیل و تفسیر کرده که تصور می‌کنید آنچه اتفاق افتاده است براساس یک برنامه تنظیم شده از طرف نظام بوده و قصد آن را داشته است که دانشجویان را تحقیر کند. در ادامه آمده: «۲۰ سال تمام است در بوق و کرنا کرده‌ایم که دانشجویان باید سیاسی باشند و نباید در مقابل ناملایمات اجتماعی و سیاسی بی‌طرف ساکت باشند، آیا سیاسی بودن و بی‌طرف نبودن همین است؟ آیا دانشجوی سیاسی کسی است که هرکاری مسئولان ریز و درشت کشور انجام دادند، صلوات بفرستد و دیگر هیچ؟ آیا بی‌تفاوت بودن دانشجویان یعنی در مقابل اظهاراتی که می‌بینند عکس‌العملی از خود نشان ندهند؟» در قسمت پایانی مقاله نیز این‌گونه آمده است: «آیا هیچ قداستی را بهتر از این می‌توان شکست که با باتوم و زنجیر و کارد و گاز اشک‌آور، وارد سرزمین کوی دانشگاه شد؟ چرا تشکل و بسیج دانشجویی برای جلوگیری از شکست این قداست‌ها و حرمت‌ها به میدان دفاع از دوستان و هم‌زمان خود نیامد؟ رابطه پنهانی وجود دارد که نمی‌دانم؟»

هفته‌نامه آوا در شماره ۸۸ تحت عنوان «چه کسی مسئول است؟» نسبت به اقدامات شورای نگهبان و نظارت استصوابی که به قلم مدیرمسئول نیز می‌باشد آن‌چنان جایگاه شورای نگهبان را مورد انتقاد و حمله قرار داده است که این‌گونه اقدامات و حملات مذکور را حتی در جراید خارج کشور نیز نمی‌توان دید. در هفته‌نامه آوا آمده است: «اما نظارت استصوابی، قدرت بی‌در و دروازه‌ای است که خلق شده است تا هر وقت حاکمیت نتواند از طریق قانون‌های موجود کسی را رد صلاحیت کند وی را به دست قدرت نظارت استصوابی بسپارد تا در پناه آن راه را برای دستیابی به موضعی که داوطلب برای آن نامزد شده است سد نماید.»

هفته‌نامه آوا در شماره ۹۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۵ تحت عنوان «هنگامی که علی (ع) خود را مافوق عدل نمی‌داند»، مطالبی را به رشته تحریر درآورده است که متضمن تضعیف نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه می‌باشد.

هفته‌نامه آوا در شماره ۴۹ تحت عنوان «شکستن نور» مطلبی را به قلم آقای عباسی آورده که همگی از مصادیق نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی است. این مقاله می‌نویسد: «به نظر می‌رسد

که خردادیان در این ماجرا بازی خورده‌اند. جا داشت در این ماجرا کار خود را ادامه می‌دادند چرا که کشمکش بین روحانیون پایان‌ناپذیر است و اتفاقاً هر وقت مردم پشت سر یکی از آنان برخاستند افراد مقابل او بدتر می‌کنند و در تاریخ ایران فراوان دیده شده است که روحانیون همدیگر را تکریم کرده‌اند و حتی کشته‌اند. اما پس از طی شدن ماجرا و طی شدن یکی دو نسل، قاتل و مقتول هر دو مورد احترام روحانیت بعدی قرار گرفته‌اند و این کشت و کشتارها را دعوای طلبگی نام نهاده‌اند. معمولاً جرم قتل و قتال‌ها را بر عهده مردم و طی دو قرن حاضر به حوزه روشنفکران گذاشته‌اند. پس چه بهتر که ما در دعوای طلبگی روحانیت دخالت ننماییم و دفاع از روحانیون را بر عهده مراجع و روحانیت بگذاریم. بیاید در این لحظات حساس تاریخی که هر روزش می‌تواند گامی به پس باشد برای سرافرازی ملک، ملت و فرهنگ خویش قدمی برداریم. بیاید از وجود دادگاه ویژه روحانیت دفاع کنیم تا در نهایت خود روحانیت متوجه شود که با خود چه می‌کند». هفته‌نامه آوا شماره ۹۰ مورخ ۵ بهمن ۱۳۷۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «رد صلاحیت شده‌ها» مطالبی را بیان نموده که باز همگی از مصادیق تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی است. آوا نوشته است: «با این همه دخالت‌های بی‌جا باز هم می‌خواهند رد صلاحیت نشوند؟ باز هم انتظار دارند که مخارج انتخاباتی‌شان را تأمین کنند؟ و به زیاده‌روی‌هایشان ادامه دهند؟ به مجلس بروند و معرکه بگیرند، با سخنرانی و مقاله و مصاحبه برای مقامات مزاحمت فراهم کنند.»

در همین شماره نوشته دیگری که تحت عنوان «رد صلاحیت کرده‌اند عموزاده» آمده که باتوجه به مطالب مندرج در آن، این نیز مصداق نشر اکاذیب است.

هفته‌نامه آوا در شماره ۶۷ تحت عنوان «تراژدی در تراژدی» که ظاهراً نقدی بر نامه فرماندهان سپاه است مطالبی را بدین مضمون آورده است: «اصولاً همه می‌دانند که هنگامی که کاسه صبر و تحمل یک نظامی لبریز شود چه می‌کند؟ و سلاح و اقدام او چیست؟ شما درست در زمانی که کشور به شدت محتاج آرامش و عدم ایجاد تنش و کوتاه آمدن جناح‌ها برای رفع آن غائله و معضل بود این کار را کردید. شما این باور را در میان دشمنان تقویت کردید که سران نظام اختلافات بسیار عمیقی دارند. آن‌گونه که برای هم اتمام حجت‌های نظامی می‌کنند.»

در بخش دیگری آمده است: «نیز یکی از مسؤولان سپاه گفته بود بسیاری از زبان‌ها را خواهیم برید. البته یکی از اهرم‌های زبان بریدنشان قانون جدید مطبوعات است که بماند و خود بسیار جای بحث دارد و فقط به منظور یادآوری اقدامات و تحرکات عجولانه سپاه می‌باشد.»

ریاست محترم دادگاه، اعضای محترم هیأت منصفه، با عنایت به مراجع و مستندات دیگر که به پیوست تقدیم خواهد کرد از دادگاه محترم تقاضای صدور حکم و محکومیت مدیرمسئول هفته‌نامه آوا بر طبق مواد ۶۹۸، ۶۰۹ و ۵۰۰ از قانون مجازات اسلامی مورد تقاضا می‌باشد.

شکایت نماینده حقوقی وزارت اطلاعات

رضایی، نماینده حقوقی وزارت اطلاعات گفت: این نشریه در شماره ۴۰ با چاپ مطالبی با عنوان "آقای رئیس جمهور، این رشته سر دراز دارد" ضمن درج موضوعات بی ارتباط و طرح سؤالات ابهام برانگیز درخصوص پرونده مهدی هاشمی نسبت به سیر مراحل پرونده تشکیک کرده و به شکلی سؤال برانگیز اقدامات این وزارتخانه را مشوه جلوه نموده است. این مقاله علی‌رغم آن‌که نگارنده در پایان آن اعلام نموده "قصد تضعیف وزارت اطلاعات را ندارد" قطعاً ابهام آفرین بوده و موجب تشویش اذهان و ایراد افترا به وزارت شده است. در قسمتی از این مقاله آمده است: «آقای رئیس جمهور، آیا گمان نمی‌کنید همین عناصر جنایت‌پیشه و دست‌های پنهان آنان به هنگام انتقال اطلاعات و اخبار درباره آیت‌الله منتظری در اواخر سال ۶۷ به حضرت امام نقش مؤثری داشته‌اند؟ آقای رئیس جمهور، آیا حدس نمی‌زنید در بازجویی طویل و پر دامنه و غیرعلنی سیدمهدی هاشمی معدوم همین پیکره ناسالم نفوذ کرده باشد؟» و یا در جای دیگر: «اداره اطلاعات با این اقدام غیرقانونی خود خسارت‌های بسیاری به بنده وارد کرده است، چرا باید یک نشریه موفق و مورد خواست مردم به‌خاطر سلیقه خاص چندجوان اطلاعاتی تعطیل و دفترش لاک و مهر شود؟ اداره اطلاعات به چه منظوری از دادگاه ویژه خود خواسته تنها نشریه سیاسی، علمی و مذهبی یک استان را تعطیل کنند؟ آیا افکار عمومی و قضاوت عادلانه مردمی در آینده نمی‌گوید دسته‌ای با کشتن روشنفکران بی‌گناه و عده‌ای با تعطیل نشریات آزاد، آب به آسیاب دشمن ریخته‌اند؟ تهمت‌های وارده مانند تهمت‌هایی است که ساواک جهنمی شاه وارد می‌کرد و برای توضیح کارهای خود نمایشگاهی را در اصفهان و تهران و قم راه می‌اندازند. فکر می‌شد با تعویض وزیر اطلاعات تا حدی برخوردها مؤدبانه و عاقلانه‌تر می‌شود که با بردن کامپیوتر و فکس نوید اصفهان در روز ۱۳۷۷/۱۲/۲۳ باز هم احساس می‌شود آتش همان آتش و کاسه همان کاسه می‌باشد.»

در شماره ۸۶ آمده است: «اداره کل اطلاعات با اعمال نفوذ در دستگاه قضایی، نوید اصفهان را تعطیل کرد.» در شماره ۶۷ در ستون نامحرمانه آورده است: «اخیراً کتابی توسط اداره کل اطلاعات استان اصفهان به نام "بن بست، مهدی هاشمی، ریشه‌های انحراف" منتشر شده است که حاوی مطالب اهانت‌آمیز و نوشته‌های مجعول به نمایش گذاشته شده در نمایشگاه ضداسلامی پیچک انحراف می‌باشد. معلوم نیست چرا هنوز عوامل بانندی که سرکرده آن‌ها به دستور صهیونیست‌ها مأمور اختلاف افکندن بین مقامات بلندپایه انقلاب اسلامی بوده است دست‌شان به بیت‌المال مسلمین می‌رسد تا به وسیله آن اهداف شوم اربابان سعید امامی و دست‌پرورده‌های ریز و درشت وی در ارگان مهم و حساس اطلاعات جامه عمل پوشانده و به چهره‌های مورداعتماد مردم همچون

فقیه عالی‌قدر و بسیاری از علمای دیگر اهانت روا داشته و بین شخصیت‌های نظام اختلاف ایجاد نمایند.»

در شماره ۶۹ از قول فردی به نام میثمی آمده است: «تشکیل اطلاعات در یک حالت بحرانی بوده است، از ابتدا ملاک عضوگیری در میزان ضدیت یک نیرو با جریان‌های معاند بوده است. هرکس ضدیت بیش‌تری از خود نشان می‌دهد، زمینه بالا آمدن او در دستگاه اطلاعاتی بیش‌تر می‌شود. اول ضدمجاهد، ضدفدایی، ضدمجاهدین انقلاب، ضدمهدی هاشمی، ضدمنتظری و ضدخاتمی، اما ملاک‌های دیگر فراموش شده.»

ریاست محترم و اعضای محترم هیأت‌منصفه، چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید در این مقاله موارد نشر اکاذیب نسبت به وزارت کاملاً مشخص است و در عین حال رئیس‌جمهور محترم را در ردیف گروهک‌های منفور و صهیونیسم آوردن به نظر توهینی آشکار می‌رسد.

در شماره ۶۹ با درج مقاله‌ای با عنوان «شهیدی بالأخره رفت» با آوردن کلمات «منفور» و «پس‌مانده باند سعید امامی» صرف‌نظر از هتک حرمت و افترا به جناب آقای شهیدی، مدیرکل محترم سابق اداره کل اطلاعات اصفهان، مجدداً به نشر اکاذیب و افترا و تهمت نسبت به اداره کل اطلاعات اصفهان اقدام نموده است. در شماره‌ای دیگر آورده است: «از کجا معلوم در بازجویی پر دامنه و غیرعلنی سیدمهدی هاشمی معدوم همین پیکره ناسالم نفوذ کرده باشند و آیا فکر نمی‌کنید مراحل بازجویی آن معدوم روندی سالم و قانونمدارانه و با هدف حفظ امنیت ملی راطی نکرده باشد؟» همچنین در همان شماره در مطلبی با عنوان «ضرورت خانه‌تکانی» با سوءاستفاده از فضایی که پس از واقعه تأسف بار قتل‌های مشکوک علیه کلیت این وزارت‌خانه ایجاد شده بود، نسبت به تشویش اذهان عمومی در خصوص مجموعه وزارت اطلاعات عموماً و اداره کل اطلاعات اصفهان اقدام نموده است. در این مقاله آمده است: «ضرورت دارد وزیر محترم اطلاعات این‌گونه حوادث را ریشه‌یابی کرده شجاعانه به خانه‌تکانی در استان‌ها و شهرستان‌ها بپردازد. خصوصاً مدیریت استان اصفهان و بعضی شهرستان‌های این استان را در اولویت اقدام برای سالم‌سازی وزارت بسیار مهم و حساس اطلاعات قرار دهد.»

در شماره ۵۱ با انتشار نامه آقای فضل‌الله صلواتی افترا و تهمت‌های سنگینی را نسبت به وزارت اطلاعات وارد کرده و به تشویش اذهان عمومی پرداخته است. و نیز در مطلبی دیگر خطاب به مدیرکل جدید اطلاعات اصفهان آورده است: «بررسی کنید چه شد سلف شما این‌قدر از نظر مقامات محلی و آگاهان به مسائل استانی مسأله‌دار و بعضاً منفور بود و دست به یک تسویه‌حساب خدایندانه در رده‌های مختلف اداره کل بزنید.» در همین شماره و در ستون نامحرمانه مجدداً به

نشراکاذیب اقدام نموده و آورده است: «از نکات تاریک کارنامه چندساله شهیدی برگزاری نمایشگاه ضداسلامی پیچک انحراف بود، اقدامی که در دستور کار محفل سعید امامی معدوم و وابسته به صهیونیست‌ها قرار داشت».

در شماره ۷۴ با ذکر سخنان بی‌پایه و اساس این وزارت‌خانه را زیرسؤال برده و اقدام به انتساب تهمت و افترا نسبت به کلیه کارکنان وزارت نموده است و در شماره ۷۵ با درج نامه‌ای به قلم فردی به نام صادق اسماعیلی مجدداً با آوردن عبارات ذیل نسبت به تشویش اذهان عمومی اقدام نموده است: «نمایشگاه پیچک انحراف واقعاً مسؤولان رده‌بالای اطلاعات را مفتضح ساخت و صدالبته اداره اطلاعات نیاز به پالایش دارد.» در پایان ضمن تأکید مجدد بر لزوم رعایت قانون و حفظ حرمت اشخاص خواهشمند است پیگیری و رأی مقتضی صادر فرمایید.

شکایت نماینده دادگاه ویژه روحانیت اصفهان

قاسمی، نماینده دادگاه ویژه روحانیت اصفهان گفت: نشریه آوا به نفع باند مهدی هاشمی مواردی چون افترا و نشر اکاذیب را به دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت نسبت داده است. در شماره ۷۲ نشریه آوا در ارتباط با دادگاه ویژه روحانیت به قصد اهانت نوشته‌اند: «اما نقل سمت ری شهری به دادگاه ویژه روحانیت خود تکرار حکایت دیگری است و...» در شماره ۸۱ ایشان مطلبی را به شخص بنده نسبت ناروا زده‌اند.

در صفحه ۷ با نقل قول از یکی از متهمین دادرسی نوشته: «برخورد آن‌ها را مناسب ندانستم و برخورد و بازجویی جناب قاسمی در دادگاه ویژه تند بود. وی در مورد بازجویی گفت برخی بازجویی‌ها چشم بسته و برخی رو به دیوار بود.» این مطلب صددرصد کذب و افترا است درحالی‌که با این متهم به شکل انسانی و کاملاً محترمانه برخورد شده است و اتهام بی‌جایی را به شخص این‌جانب و مسؤولان دادگاه ویژه روحانیت نسبت داده‌اند.

در شماره ۸۳ ایشان باز اشاره کرده‌اند: «محکومیت نوری توسط دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت نه تنها به زیان آقای نوری نشد بلکه باعث اعتبار و کسب آبرو و استقامت او و همچنین افتخار روحانیت آزاداندیش است.» باز در قسمت دیگری می‌گوید: «هفته‌نامه مستقل و ارزنده نوید اصفهان را بدون تشکیل دادگاه و هیأت منصفه به وسیله دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت تعطیل و کلیه اموال آن را به یغما می‌برند.» این یغما اهانت است. در شماره ۷۱ شعری را راجع به تعطیلی روزنامه سلام درج می‌کند و می‌گوید: «دادگاه ویژه روحانیت روزنامه سلام را تعطیل کرد؟» و کلمات اهانت‌آمیز را به دادگاه نسبت می‌دهد که افترا و نشر اکاذیب است.

در شماره ۷۹ درحالی که یکی از محکومین دادگاه ویژه روحانیت دستگیر شده بود نوشته‌اند: «با حکم دادگاه ویژه روحانیت آقای... را از محل کار خود دستگیر و به محل نامعلومی منتقل نموده‌اند»، درحالی که ایشان «متهم» دادسرا بود. لذا نشر این مطلب، نشر اکاذیب و افترا نسبت به مسؤولان دادگاه ویژه روحانیت می‌باشد. در شماره ۶۲ نوشته: «امروز کار وزارت اطلاعات و دادگاه ویژه روحانیت مخدوش شده است پس جا دارد وزارت اطلاعات وضع خود را روشن نماید، مبادا گرد و غبار خطاهای آن دادگاه بر وزارت اطلاعات بنشیند».

در شماره ۸۴ با نشر اکاذیب و افترا به دادگاه ویژه روحانیت در صفحه یک از قول فردی نوشته: «دادسرای ویژه روحانیت وقتی دیدند قادر به خرد کردن روحیه من نیستند عمداً تعدادی از لات‌ها و معتادها و جانی‌ها را با من هم سلول کردند». دادسرای ویژه روحانیت بند مخصوص دارد و به هیچ وجه متهمین این دادسرا با سایرین یک‌جا نیستند. و نهایتاً آورده: «نباید دادگاه ویژه آنان را کوچک شمرد چرا که این پدیده کوچک و بی‌اهمیت وسیله اعمال ایجاد قدرت طلبانه جمعی از بلندپایگان نظام بر جمعی دیگر است. اگر چنین نیست پس موضوع را برای مردم کالبدشکافی کنید». شماره ۸۰ این نشریه اشاره دارد: «واقعیت دیگری که وجود دارد این است که از همان زمان تاکنون تعداد زیادی از اقشار مختلف جامعه ما اعم از فرهیختگان حوزه و دانشگاه و مردم عادی به اتهام حمایت از ایشان توسط دادگاه ویژه روحانیت دستگیر شده‌اند و...» این مسأله کذب است. در شماره ۷۹ ایشان در قسمت نامحرمانه آورده که تبلیغ سیاسی ایشان ممنوع است و تصریح کرده: «حساسیتی که دادگاه ویژه نسبت به آیت‌الله منتظری دارد نسبت به هیچ چیز دیگری ندارد». این نشر اکاذیب است درحالی که ما متهمان زیادی داریم.

در شماره ۷۹ اشاره می‌کند: «دادگاه ویژه در کارنامه خویش چه کسانی را محاکمه کرده است. آیا تبدیل به دستگاهی برای محصور، محبوس و محدود کردن روحانیون آزاداندیش نشده است. دوگانگی برخوردها تا کجا ادامه می‌یابد. آیا دست‌اندرکاران آن از خود پرسش کرده‌اند چرا محکومین این دادگاه در افکار عمومی محبوبیت روزافزون می‌یابند». در شماره ۷۸ به نقل از یکی از متهمین این دادگاه اشاره کرده که: «فلان شخص از روحانیون برجسته و امام جماعت مسجد فلان جای نجف آباد پنجشنبه ۱۳۷۸/۸/۶ به دادگاه ویژه احضار شد و تاکنون به منزل خود بازنگشته است و...» این هم کذب محض است، درحالی که ایشان زندانی شده بود.

در شماره ۷۶ اشاره می‌کند که: «دادگاه ویژه روحانیت آنچه را که شورای عالی تصویب کرده است [آیت‌الله منتظری] حق دخالت در امور سیاسی ندارد و مروجین ایشان تحت تعقیب قرار گیرند را، کذب محض و ساخته و پرداخته دادگاه ویژه روحانیت دانست». یعنی مصوبه شورای عالی امنیت

ملی را ساخته و پرداخته دادگاه ویژه روحانیت می‌داند.

شماره ۷۵ قسمت نامحرمانه مطلبی را در مورد یکی از متهمین دادگاه ویژه اشاره می‌کند و به دادگاه ویژه روحانیت اخطار می‌کند که: «درحالی‌که شواهد حاکی از آن است که نامبرده زحمت زیادی کشید تا حرکت مردم نجف آباد به طرف دفتر آیت‌الله طاهری در اصفهان انجام نگیرد از این‌که، چه کرده که به دادگاه ویژه احضار شده اطلاعی در دست نیست». در صفحه ۴ اشاره می‌کند: «اگر قلم را هم بشکنیم باید بدانیم که این دادگاه بین مردم هیچ جایگاهی ندارد و پیشنهاد می‌شود سفره آن را جمع کنید و...».

در شماره ۶۶ می‌گوید: «اگر سلام را امروز بستند خسارتی است که در افشای قتل‌های زنجیره‌ای و چهره سعید امامی و دستیارانش می‌پردازد» و بعد در جایی می‌نویسد: «محاكمه خوئینی‌ها به نوعی محاكمه اندیشه امام خمینی در قلمرو حکومت اسلامی است... حکم صادر شده جای تردید دارد و هیأت منصفه‌ای که در این دادگاه تشکیل می‌شود یکی از موارد طنز در تاریخ است» و در شماره ۸۳ به نقل قول از آن شخصی که در قم است می‌گوید: «محکومیت آقای نوری توسط دادگاه ویژه روحانیت باعث اعتبار و آبرو و استقامت و افتخار روحانیت است». باتوجه به این مستندات که خدمت دادگاه محترم عرضه داشتم و از ریاست محترم دادگاه تقاضا دارم اولاً، به شکایت شخصی این‌جانب و بعد شکایت نهاد دادرسی روحانیت رسیدگی و طبق مقررات قانونی و قانون جزای اسلامی نسبت به تعیین مجازات متهم اقدام کند.

شکایت نماینده فرماندهی سپاه پاسداران استان قم

عباس مطهری نماینده فرماندهی سپاه پاسداران استان قم گفت: نشریه آوا در شماره ۵۷ خود در صدر ستون غیرمحرمانه با انتساب مطلبی کذب به سپاه اعلام داشته: «در زمان سفر جناب آقای خاتمی به قم، دستور پایان حصر آقای منتظری از سوی ریاست محترم جمهوری و رئیس شورای عالی امنیت ملی صادر، اما در جلسه‌ای که در قم برای اجرای این دستور تشکیل شده است سپاه پاسداران با این امر مخالفت کرده و حاضر نشده حفاظت نامبرده را برعهده بگیرد. لذا موانع ورود رئیس‌جمهور به بیت فرد یادشده همچنان پابرجاست.»

اولاً، این خبر اساساً کذب بوده و سپاه نقیماً یا اثباتاً اظهارنظری در زمینه مطالب مندرج در نشریه آوا نداشته است. ثانیاً، در حروفچینی خبر، جمله سپاه پاسداران با این امر مخالفت کرده را با قلمی درشت‌تر از سایر بخش‌های مطلب چاپ نموده به نحوی که حساسیت و عواطف خواننده را علیه سپاه برانگیزاند. ثالثاً، دو سطر اخیر مطلب را به گونه‌ای تنظیم و چاپ کرده‌اند که سپاه را مانع ورود

ریاست محترم جمهوری به بیت فرد یادشده جلوه دهند. آیا اصلاً جناب آقای خاتمی - این جا جای حرف است که - قصد ورود به بیت مشارالیه را داشته‌اند تا چه رسد به این که سپاه مانعی برای ورود بوده یا نبوده است - این قسمت از خبر نیز کذب بوده و گوشه‌ای دیگر از اقدام برای تشویش اذهان عمومی علیه سپاه توسط نشریه مذکور است. رابعاً، در خبر نشریه *آوا* به گونه‌ای وانمود شده که سپاه حفاظت آقای منتظری را بر عهده ندارد و در زمان انتشار این هفته‌نامه و سفر آقای خاتمی، ریاست محترم جمهور به قم با نظر ریاست محترم جمهور که ریاست محترم شورای عالی امنیت ملی هم هستند مخالفت و از حفاظت فرد یادشده امتناع می‌ورزد. همان‌گونه که مستحضر هستید کمافی‌السابق حفاظت بیت فرد یادشده با سپاه قم است و برادران عضو سپاه قم بر حسب وظیفه و تکلیفی که بر عهده دارند از جان خود سرمایه‌گذاری نموده و از بیت و شخص یاد شده حفاظت می‌نمایند. اما نشریه مزبور اقدام به قلب واقعیت و نشر اکاذیب نموده است.

ریاست محترم دادگاه، اعضای محترم هیأت منصفه با عنایت به مراتب معروضه وفق مقررات جاری، خاصه ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و تعزیرات تقاضای صدور حکم محکومیت مدیرمسئول نشریه *آوا* به اتهام ارتکاب عناوین مجرمانه نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی نسبت به سپاه را دارم.

شکایت نماینده سپاه پاسداران و بسیج نجف‌آباد

سرهنگ حاجی نماینده سپاه پاسداران نجف‌آباد گفت: نشریه *آوا* به علت آن‌که در دامن زدن به تشنج در نجف‌آباد و جنگ روانی نقش آفرینی می‌کرد پس از پیام تاریخی ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۷ رهبر معظم انقلاب از انتشار باز ایستاد. به دلیل توقف انتشار متأسفانه مجالی جهت رسیدگی به جرائم و اتهامات ضد امنیتی نشریه *آوا* فراهم نشد تا این‌که متأسفانه بعد از مدتی مجدداً از شماره ۳۸ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۸ با شکل متفاوت و قطع کوچک‌تر به عنوان هفته‌نامه فرهنگی - سیاسی منتشر و بدون تأیید هیأت نظارت در سراسر کشور توزیع گردید و همچنان به مواضع و خط مشی تند و خلاف سیاست‌های کلی منطبق بر مصوبات شورای عالی امنیت ملی ادامه داد. متأسفانه همین روند توسط نشریه *آوا* با زدن تیتراهای جنجال‌آفرین و غوغاسالارانه ادامه یافت. از جمله این موارد می‌توان به تیتراژ بزرگ جعلی و تحریک‌آمیز اعتصاب در شماره ۳۵ و همچنین شماره‌هایی که به طرح و ترویج

۱. متن پیام: «شما مردم سلحشور اصفهان به خصوص فرزندان عزیز بسیجی‌ام و سایر جوانان متعهد و آرام اجازه ندهید بقایای آن باند روسیاه که دل امام عزیز را خون کردند بار دیگر مجال فتنه‌گری پیدا کنند. من می‌دانم که اجازه نخواهید داد.»

افکار و سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های آقای منتظری می‌پردازد که از جمله می‌توان به مندرجات نشریه مذکور در شماره‌های ۲۴، ۲۷، ۶۹، ۷۰، ۸۹ و ۹۲ اشاره کرد که تقاضای تعقیب موضوع از سوی مدعی‌العموم و رسیدگی جدی و مجازات مدیرمسئول و لغو امتیاز نشریه مذکور را طبق قانون مطبوعات و سایر نصوص قانونی خواستار هستیم.

نشریه آوا برخلاف قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی و قانون اساسی بدون هیچ سند و مدرکی سپاه و بسیج را مورد هجوم قرار داده با نشر اکاذیب، تهمت و افترا سپاه پاسداران و بسیج را زیرسؤال برده و موجبات مخدوش نمودن و جبهه انسانی و انقلابی این نهاد ارزشمند را فراهم ساخته است.

آوا در شماره ۲۰ تحت عنوان «با پاسداران» که در آن صریحاً سپاه، سپاهیان و بسیجیان را متهم به ورود در جریان‌های خطی، سیاسی و تنش‌های محلی نموده، نوشته است: «معلوم نیست چرا در وقایع مهم سیاسی کشور و منطقه‌ای خصوصاً موقع بروز جریان‌های محلی مثل درگیری‌های انتخاباتی یا بعضی از تنش‌های محلی که هیچ‌کدام به نظام و انقلاب اسلامی مربوط نمی‌شوند، وارد می‌شوند و متأسفانه با مشی نه چندان بی‌طرفانه خود را وارد معرکه‌هایی می‌کنند». بعضی از شماره‌ها هم مثل شماره ۳۷ در قسمت «سخن هفته» مطلبی را با سردار رحیم صفوی عنوان داشته است. از طرف شخصیت حقیقی ایشان بنده مسؤولیتی ندارم که اعلام شکایت بکنم. اما از جهت این‌که بسیجیان وقتی می‌بینند در یک نشریه محلی به فرمانده‌شان این‌طور بی‌احترامی می‌شود طبیعتاً آثاری را برای بسیجیان و سپاهیان دربردارد و یا مطلبی که در شماره ۴۴ ذکر کردند راجع به سردار ذوالقدر که باز از جهت حقیقی‌اش بنده بحثی ندارم اما در رابطه با این‌که باعث تشویش اذهان مردم و بسیجیان و سپاهیان می‌شود تحت‌عنوان «جدیدترین تحریف» آورده است: «در رابطه با جدیدترین اظهارنظر فرد شناخته‌شده‌ای از یک جریان سیاسی... کدام جریان سیاسی؟ مگر سپاه یا اعضای آن در جریان سیاسی است: «که نوع نگرش او به مسائل سیاسی داخل و خارج برای عموم مردم و مسئولان روشن است نکاتی به نظرم رسید که...» و همچنین در شماره ۴۵ به یکی از افراد سپاهی بحثی را نسبت می‌دهند که به اصطلاح برخلاف نظرات مقام معظم رهبری عمل می‌کنند که این هم مطلب کذب است.

مطلب بعدی شماره ۶۸ در قسمت شما و آوا از قول یک شهروند می‌نویسد: «نیروهای جدیدی را به‌عنوان بسیجی می‌آورند.» منظورش سپاه است: «و گروه خاصی می‌آیند، فیلم مخالفت با آقای خانمی و کلاس‌های مخالفت با دکتر شریعتی را به خورد آن‌ها می‌دهند و بعد هم نام بسیجی روی آن‌ها می‌گذارند». این بحث چند نکته دارد اولاً، نیروهای بسیجی را می‌آورند این غلط است این کذب

است چون که بسیجی داوطلب است و خودش می‌آید. "گروه خاصی می‌آیند" نه چنین چیزی نیست بلکه سپاه تابع سلسله مراتب است و در بحث‌های سیاسی و عقیدتی تابع نمایندگی محترم ولی فقیه در سپاه است. "فیلم مخالفت آقای خاتمی" کذب محض است. اسم فیلم را بگویند. مکان و ساعتش را بگویند. افرادش را بگویند. بگویند ویدئویی بوده یا از طریق پروژکتور بوده است، ثابت کنند.

در شماره ۷۳ تحت عنوان "بسیج از گروه‌های فشار جداست" به قلم م. جلال‌زاده که همان مدیرمسئول نشریه است می‌نویسد: «اقلیتی از همان اقشار، در صف مخالف خاتمی حضور دارند، اقلیتی از بسیجیان نیز در این صفند. بسیار طبیعی است که این‌گونه بسیجیان پا به پای جریان ناموفق در دوم خرداد در فعالیت‌های مخالف با دولت و جامعه مدنی مشارکت نمایند». این چه مطلب کذبی است؟

از موارد دیگر نشر اکاذیب و افترا مطالبی است تحت عنوان "تراژدی در تراژدی" که در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۶ در شماره ۶۷ آوا منتشر شده و در آن ضمن اشاره به انتشار نامه فرماندهان، صریحاً سپاه را متهم به انجام کودتا و شبه کودتا نموده است. عین جملات را می‌خوانم. «اما شما چه کردید توصیه اکید امام عزیزمان را نشنیدید». این یک دروغ، یک افترا، یک کذب «و نادیده گرفتید و کاری کردید عجولانه و غیرمنطقی و بدین ترتیب دشمنان انقلاب را شاد کردید و فضای رعب و وحشت را حاکم کردید». کجا؟ با یک نامه؟ «می‌دانید چرا؟» بعد در ادامه می‌آورد: «اگر باور نمی‌کنید به صورت عادی در توده مردم بیایید و پرسید و اصولاً همه می‌دانند هنگامی که کاسه صبر و تحمل یک نظامی لبریز شد چه می‌کند؟» این جا می‌خواهد بگوید که یعنی کودتا می‌کند و دست به اسلحه می‌برد "و سلاح و اقدام او چیست؟" بعد در ادامه می‌گوید: «شما این باور را در میان دشمنان تقویت کردید که سران نظام اختلافات بسیار عمیقی دارند آن گونه که برای هم اتمام حجت‌های نظامی می‌کنند». این هم از موارد تهمت است.

جلسه دوم دادگاه

در این جلسه قاضی دادگاه گفت: از نماینده نیروی انتظامی به‌عنوان شاکی بعدی این هفته‌نامه می‌خواهیم که شکایت خود را مشروحاً با دلایل بیان نمایند.

شکایت نماینده حقوقی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی

این‌جانب نماینده حقوقی سازمان حفااناجا و وکیل سرتیپ پاسدار محمدرضا نقدی، حسب

معرفی نامه و وکالتنامه تقدیمی نظر به درج عناوین و مطالبی غیراصولی در نشریه آوا شماره ۵۴ به مدیریت و تصدی آقای مصطفی ایزدی از نامبرده شکایت داشته، استدعای رسیدگی را دارم. نشریه آوا در شماره مذکور در مقاله‌ای به قلم شخصی به نام عبدالله حق‌گو که شاید اساساً چنین نامی هم واقعی نباشد تحت عنوان «چرا دادگاه نقدی غیرعلنی است» موارد ذیل را با آب و تاب فراوان به شیوه‌ای ناپسند به سمع و نظر خوانندگان خود رسانیده است. متن مطروحه به این قرار است که: «سردار نقدی، فرماندهی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، کسی که ظاهراً سر و کارش نباید جز با متهمینی در لباس نیروی انتظامی باشد، شهره عام شد. نقدی در مقابل بازگویی رنج‌هایی که بر پرونده شهرداری تهران رفته بود تحمل سکوت را نداشت و به جای این که بار اطلاعات خود را پای میز دادگاه بگذارد و یا در انبان دادستان بریزد که در روز محاکمه به کار آید صبرش لبریز شد و از طریق مطبوعات مخالف شهردار و یا میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دفاع از عملکرد خود و همکاران تحت امرش پرداخت و ناباورانه چون یک قاضی از محکمه برگشته به افشای جزئیات جرائم متهمان و مدیران شهرداری پرداخت... روزگار ما روزگار عجیبی است. نفر دوم نیروی انتظامی، شهردار تهران و معاونین و مدیران او را می‌کوبد تا آنان را از صحنه خدمت‌گزاری براندازد، اما هنوز کسی دهانش از فریادهای افشاگرانه محو نشده به اتهام شکنجه‌های جسمی و روحی، حبس‌های خلاف قانون، هتک حیثیت و آبروی افراد و خیلی اتهام‌های دیگر در مقابل قاضی می‌ایستد تا از خود و عملکرد زیرمجموعه‌اش دفاع کند». نویسنده در قسمت دیگری از تحلیل کاملاً ادبی خود البته اگر بشود گفت ادبی، در بیان علل بازدارنده علنی بودن دادگاه سردار نقدی آورده است: «به نظر می‌رسد چند علت بازدارنده علنی بودن دادگاه است» که بنده در ارتباط با موضوع شکایت خویش به بند دوم آن اشاره می‌کنم: «موضوع آن دادگاه - اشاره به دادگاه آقای غلامحسین کرباسچی - اختلاس و رشوه و غارت بود که چون سابقاً این موضوع در بعضی دادگاه‌های علنی دیگر مطرح شده بود نوع اتهام برای مردم تازگی نداشت اما موضوع این دادگاه، شکنجه و حبس و بی‌خوابی دادن و اقرار گرفتن و از این مقولات است که برای مردم علنی بودنش تازگی داشت. این تازگی برای متهمین دادگاه و البته یاران هوادار و پشتیبانان آنان بسیار تلخ و گزنده می‌نمود به‌طور مثال اگر به کرباسچی می‌گفتند تو فلان تخفیف را به فلان شخص داده‌ای و این اختلاس است جواب می‌داد بلی. به این دلیل تخفیف داده‌ام اما اگر به آقای نقدی بگویند تو فلان کس را شکنجه کرده‌ای یا او را بی‌خوابی داده‌ای نمی‌توانست رد بکند چون آثار آن وجود دارد و نمی‌تواند بپذیرد. زیرا شکنجه جسمی و روحی به هر دلیل، غیرقانونی و محکوم است. به این دلیل علنی بودن این دادگاه برای بخشی از جناح حاکمیت یعنی مخالفان شهرداری تهران قابل تحمل نبوده و نیست.» نویسنده فرضی

در بند دیگری اضافه فرموده است: «فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی که متهم اصلی اعمال شکنجه می‌باشد.» که دروغ محض است.

عنوان اتهامی دیگری که این نویسنده به موکل بنده ایراد فرموده بود: «نکته دیگر آن‌که این ادعا نشان می‌دهد گروه بازجوها بر سر مدیران شهرداری هر چه خواسته‌اند انجام داده‌اند و در دادگاه می‌خواهند علت انجام آن را برشمردند. مثلاً بگویند که فلانی رشوه گرفت، ما او را شکنجه کردیم. فلانی اختلاس کرد ما هم او را چند شبانه‌روز بی‌خوابی دادیم، فلانی به برج‌سازان تخفیف داد ما هم چند شبانه‌روز در سلول انفرادی زندانی‌اش کردیم یا به منظور تکمیل پرونده به شیوه‌هایی که خودمان می‌دانیم چیست.» این کل مطالبی بود که این آقا خیلی مؤدبانه و خیلی عامه‌پسند و در راستای رسالت مطبوعات به خورد خوانندگان خود داده است. ریاست محترم، اعضای محترم هیأت منصفه، فرمانده محترم حفانا جا و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی بنابر آنچه که اذعان داشته شد متهم به شکنجه‌گری اعم از جسمی و روحی، بی‌خوابی دادن، هتک‌نمودن حیثیت و آبروی افراد، خیانت در انجام وظیفه و استعمال شیوه‌های غیرقانونی برای اخذ اقرار از متخلفین شهرداری تهران گردیده‌اند. لهذا اقدام مطبوعه مورد نظر، خارج از رسالت و حقوق مطبوعات وفق مندرجات مواد ۲ و ۳ و ۶ قانون مطبوعات بوده، حسب مواد ۳۰ از قانون مطبوعات، ماده ۶۰۹، ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تقاضای رسیدگی به شکایت خویش را استدعا دارم.

قاضی گفت: شکایت بعدی مربوط به شکایت خصوصی افرادی منتسب به انصار ولایت اصفهان است. از نماینده انصار ولایت اصفهان می‌خواهیم شکایت خود را مشروحاً با دلایل بیان نمایند.

شکایت نماینده انصار ولایت اصفهان

این‌جانب ابوالفضل پیشه، نماینده حقوقی انصار حزب‌الله و یکی از امضاکنندگان شکوائیه انصار ولایت اصفهان هستم. برادران حزب‌اللهی با صرف وقت بسیار و بررسی اجمالی و تشخیص خود، ۸۴ شماره از این نشریه را بررسی و ۴۷۰ مورد از مصادیق بارز تخلف مطبوعاتی اعم از اقدام علیه امنیت ملی، توهین به مسؤولان نظام، ترویج سیاسی آقای منتظری، توهین به نهادها و شخصیت‌ها و نشر اکاذیب و دیگر موارد را تنظیم و خدمت آن دادگاه محترم تقدیم داشته‌اند. جهت استحضار فقط در همین بررسی اولیه جدای از ترویج آقای منتظری و نشر مطالب خلاف واقع و اخبار ضدو نقیض ۱۵ مورد توهین به ساحت مقدس حضرت امام، ۱۳ مورد توهین به مقام عظمای ولایت، ۲۴ مورد توهین به دادسرای ویژه روحانیت، ۴۱ مورد...

قاضی گفت: آقای ابوالفضل پیشه، براساس اصلاحیه قانون جدید مطبوعات جرائمی که در ماده ۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب احصاء شده از صلاحیت رسیدگی دادگاه عمومی تهران خارج بوده و در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی می‌باشد. مطالبی که شما به عنوان ۴۷۰ مورد شکایت تنظیم کرده‌اید و به دادگاه داده‌اید جنبه عمومی دارد و شما نمی‌توانید این‌ها را در دادگاه طرح کنید. همچنین مواردی که در صلاحیت دادگاه عمومی نیست ما تفهیم اتهام نکردیم و اصلاً وارد رسیدگی نشدیم. بنابراین با توجه به این‌که هیأت نظارت بر مطبوعات نیز در رابطه با جرائم عمومی نشریه طرح شکایت کرده، مدعی‌العموم و دادگاه ویژه روحانیت نیز اقدام به طرح شکایت کرده‌اند شما صرفاً در رابطه با توهین و اهانت و نشر اکاذیبی که منتسب به شخص خودتان به عنوان فردی که منتسب به انصار ولایت اصفهان هستید و مدعی هستید در این نشریه به شما توهین و اهانت و هتک حرمت شده است، آن موارد را بگویید.

نماینده انصار ولایت اصفهان گفت: ۱. در شماره ۶۴ این نشریه با مطلبی تحت عنوان: «فرماندهان عزیز بساط این انصارها را جمع کنید» به قلم آقای مصطفی ایزدی پس از توهین‌های مکرر به وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی می‌نویسد: «اکنون که بعضی از عناصر وابسته به باند مذکور دستگیر و اهداف پلید و برنامه‌های تفرقه‌انگیز آن‌ها بر ملا شد شایسته است فرماندهان متعهد و سلحشور دفاع مقدس به منظور جلوگیری از افزایش ضایعات بساط این گروه‌های فشار یعنی دستجات غیرقانونی که با نام انصار حزب‌الله، انصار ولایت و ... فعالیت می‌کنند و نیز سیستم تبلیغاتی و پشتیبانان فرهنگی آنان را جمع کرده...» نویسنده طی تهمت‌های مکرر از جمله تهمت حمله به اجتماعات، نمازهای جمعه و بیوت مراجع و سینماها و... به انصار حزب‌الله و ذکر الفاظی نظیر معدود افراد بازی خورده، بی‌منطق، خشونت‌گرا و مزاحم می‌افزاید: «اگر کسانی که مزاحم اجرای قانون هستند به جای خود نشانده شوند چنین حوادثی پیش نمی‌آید که شما را نگران کند».

۲. در شماره ۶۶ این نشریه ذیل مطلبی تحت عنوان: «فشار، خشونت، امنیت و کودتا» با اشاره به جمله‌ای از نشریه یالثارات الحسین ارگان انصار حزب‌الله این نشریه را عامل خشونت و کودتا دانسته است.

۳. در شماره ۶۷ در مطلبی تحت عنوان «نقدی برسرخنان مصباح یزدی» می‌نویسد: «آرزو می‌کنم که انصار خشونت در مسائل از جناب مصباح استصباح نکنند. خداوندا به تو پناه می‌بریم و به درگاه تو شکایت می‌کنیم که می‌بینیم و می‌شنویم یک روز مرجع تقلید را مورد هجوم قرار می‌دهند و روزی فقیه کهنسال اصفهانی را با آهن و چوب و سنگ اهانت می‌کنند، روزی وزیر را هتک حرمت می‌نمایند.»

۴. مطلب طنزی با عنوان "سقلمه" به چاپ رسیده که در آن آمده: «انصار هم از حول حلیم در دیگ افتاده است».
۵. در سرمقاله شماره ۸۲ به قلم مدیرمسئول پس از حمله به دادسرای ویژه روحانیت می‌نویسد: «ایران اسلامی علی‌رغم کارشکنی‌های پیوسته و مکرر سرمایه‌داران مرتجعین، منافقین خلق، حجتیه‌ای‌ها، انصارها، باند سعید امامی‌ها، حسودان رنگارنگ و تازه به دوران رسیده‌های قدرت طلب به سرعت به سوی جامعه مدنی پیش می‌رود».
۶. در شماره ۲۶ این نشریه تحت عنوان "در ذیل خبر" می‌نویسد: «گروهی که در اصفهان حضور خود را با تخریب و حمله به مراکز فرهنگی از جمله مدارس علمیه، سینماها، اساتید دانشگاه و روزنامه‌ها و غیره اعلام می‌کنند، نوک چماق خود را تیز کرده و قلمی ساخته‌اند برای هتاک‌ها به ارزش‌های اسلامی و اهانت به مقدسات مردم در جریده مجانی انصار ولایت».
۷. در شماره ۶۸ این نشریه می‌خوانیم: «در زمان فعلی ما هم گروهک انصار ولایت می‌باشد» و اضافه می‌کند: «آخرین کار این‌ها دانشگاه تهران بود که چه جنایات فجیعی انجام دادند». پس از درج مطالب توهین‌آمیز دیگر خطاب به جوانان می‌نویسد: «مواظب باشید جلو نیفتید که روزگار انصار ولایت را پیدا می‌کنید که دوستانشان حتی همسر فروهر را که یک زن بود قطعه قطعه می‌کنند».
۸. در شماره ۷۷ مقاله با عنوان "انصار ولایت، پدیده‌ای تکراری" می‌نویسد: «این بار انصار ولایت چشم رهبر انقلاب را هدف گرفته‌اند» و مجدداً پس از شبیه‌سازی حرکت‌های منافقین اول انقلاب با انصار حزب‌الله می‌نویسد: «اگر امروز گروه‌هایی چون انصار ولایت اصفهان، گروه چند نفری کاوه مثلاً مهاجرانی را زیر پا له کرده و وارد مرز آقای خاتمی شده‌اند در آینده‌ای نه چندان دور این مرز را هم در می‌نوردند و گام لجاجت و نافرمانی به مرز مقدس ولایت فقیه می‌گذارند».
۹. "حزب‌الله را دریابید" عنوان مقاله‌ای است در شماره ۸۲ که نویسنده پس از اهانت‌های فراوان به حزب‌الله در واکنش به نامه حزب‌الله به رئیس‌جمهور می‌نویسد: «راستش را بخواهید نه تنها حزب‌الله اصفهان و انصار ولایت بلکه هر بچه تازه‌زبان باز کرده‌ای می‌تواند صدها سؤال دیگر از این‌گونه که این کوتوله‌های به حاشیه رانده شده توسط مردم شهیدپرور و قهرمان اصفهان مطرح کرده‌اند، مطرح نماید».
۱۰. مقاله "وقتی هشدارها جدی گرفته نمی‌شوند" در شماره ۸۵ این نشریه می‌نویسد: «این جوانانی که در دوران ده سال گذشته نمی‌خواستند به دسته‌های سیاسی پرمدها همچون تشکل‌های حزب‌الله، انصار حزب‌الله، انصار ولایت و غیره بپیوندند و نیز ابا داشتند از این‌که در جامعه پرجنجال سازندگی که در آن رفاه و رفاه‌طلبی رو به سوی نهادینه شدن نهاده است خود را به دام فضای

فاصله‌دار با فضای معنوی جبهه اندازند چه راهی در پیش رویشان گذاشته شده است.»
۱۱. در شماره ۸۶ مطلبی با عنوان این تیتراژ آمده است: «توطئه سعید امامی علیه آوا» سپس توضیح داده: «پس مانده‌های معلوم‌الحال سعید امامی در اصفهان اقدام به انتشار جزوه‌ای در حدود ۲۰۰ صفحه تحت عنوان آوای سیاهی‌ها نموده‌اند. این جزوه که با استفاده از ادبیات ضداخلاقی گروهک‌های فشار و با امضای انصار ولایت اصفهانی تهیه شده حاوی اتهامات و اهانت‌های فراوان به مدیرمسئول و دست‌اندرکاران هفته‌نامه آوا و تعدادی از چهره‌های دلسوز انقلاب اسلامی که بعضاً نامزد نمایندگی مجلس نیز هستند، این جزوه گروهک ضد مردمی انصار ولایت به بهانه نقد مطالب افشاگرانه و حقیقت‌طلبانه نشریه مستقل آوا طبق دستور سردمداران باند سعید امامی اهداف صهیونیست‌ها را مبنی بر کوییدن مرجعیت شیعه، اختلاف‌افکنی در بین شخصیت‌ها و مقامات انقلاب اسلامی دنبال کرده است. آوا به منظور برداشتن نقاب از چهره این باند سخیف ضد مردمی که پشت ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی سنگر گرفته‌اند از شماره آینده مطالب جزوه مذکور را عیناً چاپ خواهد کرد.»

ریاست محترم دادگاه، اعضای هیأت منصفه با توجه به موارد ذکر شده و گزارش ضمیمه و اسناد پیوست ضمن شکایت از مدیرمسئول نشریه آوا، آقای مصطفی ایزدی از شما خواهشمندیم با استناد به مواد ۶۰۸، ۶۹۴ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و مواد قانون مطبوعات و اصلاحیه آن با نامبرده برخورد لازم و مقتضی قانونی را مبذول و معمول فرمایید.

شکایت نماینده مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان اصفهان

رضایی نماینده مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان اصفهان گفت: براساس قانون مطبوعات و قوانین جزایی حاکم بر موضوع علی‌الخصوص مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی توهین به افراد، افترا، تهمت و نشر اکاذیب در خصوص آن‌ها به قصد تشویش اذهان عمومی یا تشویش اذهان مقامات مسئول، جرم بوده و مرتکب می‌بایست به مجازات مقرر محکوم گردد. متأسفانه در نشریه آوا به کرات به این‌جانب توهین، افترا و تهمت زده شده و علیه این‌جانب نشر اکاذیب صورت گرفته است که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۱. در شماره ۶۹ با درج مقاله‌ای با عنوان «شهیدی بالآخره رفت» با آوردن کلمات منفور، پس‌مانده باند سعید امامی و مسأله‌دار به این‌جانب توهین گردیده است. قسمت‌هایی از این مقاله که به قلم شخص آقای مصطفی ایزدی است عیناً درج می‌شود: «از همان بدو مسؤولیت دری نجف‌آبادی در وزارت اطلاعات، مردم قهرمان و بزرگوار استان اصفهان مایل بوده‌اند که جریان

سالم‌سازی این وزارت خانه مهم از اصفهان شروع شود. اما نه تنها چنین نشد بلکه عوامل باندی که میکروب چرکین آن وزارت خانه شده بودند در اصفهان به اعمالی ضداسلامی همچون برپایی نمایشگاه پیچک انحراف دست زدند و آقای دری آن را تأیید کرد. جز این حوادث اسفباری که در اصفهان و نجف آباد رخ داد از جمله حمله به نماز جمعه، حمله به سینماها و کتابفروشی‌ها، حمله به اجتماعات دانشجویان، حمله به خانواده‌های معظم شهدا، حمله به مطبوعات مستقل و ده‌ها حادثه دیگری که منجر به فضای ناامن در این شهر مذهبی شده بود، جوّی را ایجاد کرد که همگان سرنخی از آن را در دست طلبه‌ای به نام "ک.ک" می‌دیدند که احتمالاً دست‌نشانده عواملی از مدیریت اطلاعات استان اصفهان بود. این وضع غمبار بر نیروهای متعهد و انقلابی اصفهان گذشت تا بالأخره شهیدی، متهم شماره یک حوادث ریز و درشت اصفهان - که فکر می‌کرد این پست را تا آخر عمر خواهد داشت و آن را همراه خود به بهشت خواهد برد - از مدیریت اطلاعات اصفهان برکنار شد. ریاست محترم دادگاه، اعضای محترم هیأت منصفه چنانچه ملاحظه می‌فرمایید در این جملات افترا و تهمت و نشر اکاذیب، توهین و اهانت موج می‌زند.

۲. در رابطه با اقدامات اداره کل استان اصفهان در زمان تصدی این جانب نیز متأسفانه به کرات نشر اکاذیب و توهین و افترا صورت گرفته که با توجه به اعلام شکایت وزارت اطلاعات و اعلام شکایت اداره کل استان اصفهان بنده نیازی به تکرار آن نمی‌بینم و از دادگاه محترم خواستارم با توجه به موارد مذکور به شکایت این جانب رسیدگی نماید.

شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات

قاضی دادگاه در ادامه جلسه صورت جلسه هیأت نظارت بر مطبوعات را قرائت کرد. دهمین جلسه از هفتمین دوره هیأت نظارت بر مطبوعات دوشنبه ۷۸/۵/۱۱ با حضور آقایان عطاءالله مهاجرانی، افتخار جهرمی، کامران، حجت‌الاسلام نیری، آقای شهیدی مؤدب، جعفری و خطیبی نژاد در دفتر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار و تصمیم ذیل اتخاذ گردید. البته تصمیماتی که اتخاذ شده چند مورد آن مربوط به این پرونده نیست ولی اولویت تصمیم در رابطه با نشریه آوا است.

در ابتدای جلسه موضوع نشریه آوا به صاحب امتیازی آقای مصطفی ایزدی در خصوص روند انتشار و ساختار مطالب نشریه مطرح شد و در نهایت اعضای محترم هیأت نظارت بر مطبوعات تصمیم گرفتند با توجه به روند مطالب نشریه و همین طور برخی از مطالب نشریه که با سیاست‌های کلی نظام مغایر به نظر می‌رسد پرونده آن همراه گزارش محتوایی به دادگاه صالحه ارجاع داده شود. متعاقباً طی نامه شماره ۶۹۳۶/۱۲۴ از طرف دبیرخانه هیأت نظارت بر مطبوعات شکایت علیه این

روزنامه تنظیم و خطاب به مجتمع قضایی جرائم کارکنان دولت ارسال و به این شعبه ارجاع شد. گزارشی که هیأت نظارت بر مطبوعات ضمیمه پرونده کرده‌اند و عنوان آن را مغایرت با سیاست‌های کلی نظام قلمداد کرده‌اند ۱۳ بند می‌باشد که استناد به شماره‌های مختلفی است که نوعاً در شکایات شکات این نشریه به آن پرداخته شده است. چنانچه در زمان تفهیم اتهام لازم بود، این ۱۳ صفحه هم قرائت می‌شود. چون شکایت تفهیم شده و ایشان هم پاسخ داده‌اند مشروح این ۱۳ صفحه توسط نماینده مدعی العموم و سایر شاکیان به عنوان جنبه عمومی جرم نیز طرح گردیده و نیازی به قرائت این ۱۳ صفحه در جلسه دادگاه در حال حاضر نمی‌بینیم. آقای مصطفی ایزدی باتوجه به این که طرح ده مورد شکایت وارده علیه نشریه شما به پایان رسید در جایگاه متهم جهت تفهیم اتهام حاضر شوید. آمادگی دفاع دارید؟

مصطفی ایزدی: بله.

قاضی: به موجب شکایتی که توسط وزارت اطلاعات مطرح و به وسیله آقای رضایی، نماینده قضایی این وزارتخانه در جلسه قبل بیان گردید متهم به ایراد افترا به این وزارتخانه و توهین و اهانت به پرسنل آن و همچنین نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اضرار به وزارت اطلاعات و به موجب اعلام شکایت دادستانی ویژه روحانیت اصفهان متهم به استعمال الفاظ رکیک، توهین و اهانت و افترا و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اضرار به این نهاد انقلاب اسلامی و به موجب شکایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم متهم به نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و بیان مطالب کذب به منظور ابهام آفرینی هستید. همچنین به موجب اعلام شکایت تعدادی افراد منسوب به ولایت اصفهان متهم هستید که با نام بردن این اشخاص در نشریه خود به عنوان افرادی که جزو انصار ولایت اصفهان هستند خطاب به نامبردگان استعمال الفاظ رکیک، توهین و اهانت نموده‌اید و همچنین علیه این افراد مطالب مجرمانه‌ای انتساب داده‌اید که طرح آن توسط آقای ابوالفضل پیشه امروز بیان گردید که به این واسطه متهم به ایراد افترا و تهمت علیه این افراد و متهم به نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی و اضرار به افراد فوق‌الذکر هستید. به موجب شکایت فرمانده سپاه پاسداران نجف‌آباد و همچنین بسیج نجف‌آباد متهم به توهین و اهانت و افترا و نشر اکاذیب علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نجف‌آباد و بسیج سپاه پاسداران این شهرستان و به موجب اعلام شکایت نیروی انتظامی متهم به استعمال الفاظ رکیک و توهین‌آمیز خطاب به فرماندهی این نیرو و همچنین نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی هستید. همچنین به موجب اعلام شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات متهم به چاپ و انتشار مطالبی مغایر با سیاست‌های کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و به موجب اعلام شکایت

مدیرکل سابق اطلاعات استان اصفهان متهم به استعمال الفاظ رکیک علیه ایشان و همچنین متهم به ایراد افترا و تهمت علیه شخص ایشان و نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر و تشویش اذهان عمومی علیه شخص ایشان به عنوان مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان اصفهان می‌باشید. شرح اتهامات شما تفهیم گردید، از خود دفاع نمایید.

مصطفی ایزدی در دفاع از خود گفت: ریاست محترم دادگاه، اعضای هیأت منصفه، شاکیان عزیز، هفته‌نامه آوا، نشریه محلی استان اصفهان در مردادماه ۱۳۷۵ به دریافت مجوز از هیأت نظارت بر مطبوعات نائل آمد. دهه فجر همان سال راهی دستان مردم شریف و شهیدپرور استان اصفهان به ویژه نجف‌آباد شد، ۲۵ شماره آن منتشر شده بود که با تصویب هیأت نظارت بر مطبوعات تغییر زمینه داد و از فرهنگی، ورزشی، ادبیات داستانی به فرهنگی، سیاسی تغییر یافت. در اردیبهشت ماه ۷۷ به دلیل مشکلات اقتصادی و پیش آمدن سفری طولانی برای این‌جانب که به منظور تهیه یک برنامه تلویزیونی عازم اروپا بودم از انتشار باز ایستاد. چند ماه بعد که مقدمات انتشار مجدد آن فراهم شد با تغییراتی در قطع و شکل تقدیم علاقه‌مندان گردید و از همان وقت با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران و برخی شهرستان‌های کشور توزیع شد تا این‌که در پنجم اردیبهشت‌ماه جاری در راستای تمکین به نظر ریاست محترم دادگاه مطبوعات چاپ و توزیع آن متوقف شد. آنچه از پرونده اتهامی نشریه آوا برمی‌آید، این است که در مقدمه یا متن اکثر شکایات‌های نه‌گانه به شیوه‌های مختلف مدیرمسئول آوا متهم شده‌است که با طرح نظرات و دیدگاه‌های آیت‌الله منتظری و بیان بعضی نامالیقات مربوط به ایشان، در مقابل نظام مقدس جمهوری اسلامی و احیاناً در مقابل نظرات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) ایستاده است. واقعیت امر این است که اگر مباحث مربوط به آیت‌الله منتظری در آوا طرح نمی‌شد، امروز نه دادگاهی تشکیل می‌شد و نه زحمتی برای شما عزیزان فراهم می‌گشت. من قصد ندارم درباره این اتهامات که مقدمات شکایت را دربر گرفته وقت گران‌بهای دادگاه را بگیرم، فقط به چند نکته اشاره می‌کنم:

۱. به قصد خدمت به مردم مسلمان ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، اقدام به انتشار نشریه آوا نمودم. آنانی که مرا می‌شناسند واقفند که من نه تنها قصد مقابله با نظام اسلامی و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) را نداشته و ندارم و تلاش همیشگی‌ام این است که مدافع و وفادار نظام اسلامی باشم.

۲. وحدت جامعه، به ویژه وحدت بین رجال مؤثر و بزرگان نظام از جمله آرزوها و ایده‌آل‌های هر ایرانی مسلمان است. همه آنانی که دل در گرو پیشرفت و اقتدار اسلام و ایران دارند، در فضای متحد و به دور از اختلاف، سرشار از شغف و شادمانی هستند.

مدت زمانی نزدیک به یک دهه، در رسانه‌های گروهی کشورمان بدون توجه به دستورات اسلام و قوانین پایه‌ای و جاری کشورمان، یک‌سویه به آیت‌الله منتظری که از مراجع تقلید و از رنج‌دیدگان بنام انقلاب اسلامی است و به مقلدین ایشان اهانت‌ها و جسارت‌ها روا می‌شد و این امر علاوه بر این‌که نسل جوان را دچار سردرگمی کرده بود، مقلدان ایشان را که عموماً از علاقه‌مندان به انقلاب و وفاداران به ارکان و ارزش‌های نظام هستند، در حالت اندوه و نگرانی فرو برده بود.

وظیفه روزنامه‌نگاری و خدمت به انقلاب اسلامی ایجاب می‌کرد که برای روشن شدن موضوع و ایجاد حس اعتماد به حاکمیت ولایت فقیه و زدودن نگرانی از ذهن و دل دلباختگان انقلاب اسلامی و خصوصاً جوانانی که از گذشته حوادث مربوط به کناره‌گیری فقیه عالی‌قدر اطلاعی نداشتند، مقالات و نوشته‌های مقلدان ایشان در آوا درج شود. بدیهی است در طول سه سالی که بیش از یک‌صد شماره از نشریه آوا منتشر شده و چیزی نزدیک به دو میلیون کلمه بر صفحات آن نشسته است، نمی‌توان ادعا کرد که جملات یا عباراتی یافت نمی‌شود که به دور از مقصد مدیرمسئول آوا و دست‌اندرکاران آن نباشد.

۳. حقیر نیز براساس احساس مسؤولیت شدیدی که برای دفاع از مرجعیت شیعه و خصوصاً در جهت زدودن ابهامات برای آیندگان در خود می‌دیدم، وظیفه شرعی و اسلامی خود می‌دانستم که از گسترش جو بدبینی نسبت به مراجع تقلید جلوگیری کنم. جوانان عزیز ایران اسلامی، نیازمند ارتباط و علقه با رهبران دینی به ویژه مراجع تقلیدی که پیش‌تاز مبارزه و جهاد بوده‌اند، می‌باشند و اگر بر اثر برداشت‌های سوء از آنچه پیرامون این بزرگان می‌گذرد، به نام دفاع از ارزش‌ها، روی به سوی تخریب این چهره‌ها بنماییم، در دل جوانان نسبت به تمامی آنان شک ایجاد کرده‌ایم. به یقین اگر خوانندگان آوا، از جمله شاکیان محترم این پرونده می‌توانستند جمله‌ای را بیابند که در آن احتمال تعرض به مراجع عظام تقلید را بدهند، حق دارند که ادعاهای مرا در سایر موارد به دیده تردید بنگرند. وانگهی، شاکیان عزیز پرونده و به طریق اولی ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه اگر تندروی‌هایی در انعکاس مطالب مشاهده کرده‌اند و آن را وهن بعضی از مخالفان آیت‌الله منتظری پنداشته‌اند، بدانند سوءنیت یا قصد آگاهانه نبوده و بدیهی است که این‌جانب آمادگی داشتم که نظرات و برداشت‌های این‌گونه شاکیان را به افکار عمومی منتقل نمایم، همان‌گونه که بسیاری از صفحات آوا به این امر اختصاص یافته بود.

۴. افراد باانصاف، با صداقت و علاقه‌مند به آزادی و آزاداندیشی، افرادی نیستند که خود را مطلق و به دور از نقد و انتقاد بدانند. مدیرمسئول آوا نیز خدمت همه شاکیان و حضار تصمیم‌گیر اعلام می‌کند که از انتقاد فاصله ندارد و چنانچه در این کار پرحجم مطبوعاتی، عبارات یا جملاتی بر

صفحه کاغذ نشسته باشد که ارگان یا نهادی آن را توهین یا کذب می‌بیند، بداند که هیچ قصد سوئی در بین نبوده، هر چند که برداشت آنان محترم است و من حاضرم علاوه بر ادای ارادت به شاکیان، هرچه را که قانون و شرع می‌گوید گردن نهم.

قاضی از ایزدی پرسید: آقای ایزدی اگر احساس کردید توهین کرده‌اید یا مقصر هستید که توهینی، اهانتی روا شده، اعلام اشتباه و عذرخواهی می‌کنید؟

مصطفی ایزدی: من واقعاً مقصر نیستم، چون نشریه *آوا* را جمعی می‌نوشتند از جمله بنده. بسیاری هم مقالات منتقد دیگران بوده که بالأخره واقعیت این است که من اقرار ندارم به توهینی روا داشته‌ام، با این وجود چنانچه اگر احساس شود و یا یقینی حاصل شود که ما توهین کرده‌ایم که قصد آن را هم نداشته‌ام عذرخواهی می‌کنم.

قاضی گفت: می‌خواهید من نمونه‌هایی را برایتان قرائت کنم ببینید رکیک هست یا نیست و بعد تصمیم بگیرید.

مصطفی ایزدی: بفرمایید.

قاضی گفت: به عنوان نمونه خطاب به مدیرکل سابق اطلاعات استان اصفهان گفته‌اید منفور یا پس مانده باند سعید امامی یا فرد مسأله‌دار یا در جای دیگری مجدداً منفور و مسأله‌دار و دمل چرکین نام برده‌اید یا به انصار حزب‌الله وابستگان به اسرائیل، ضداسلام و الفاظ رکیکی به همین نمونه به کار برده‌اید. این کلمات توهین‌آمیز نیست؟ به نظر شما الفاظ رکیک به شمار نمی‌آید؟

مصطفی ایزدی گفت: از مجموعه کسانی که احساس می‌کنند یا فکر می‌کنند یا یقین دارند که به آن‌ها جسارتی شده است، بنده اخلاقاً و همچنین شرعاً وظیفه خودم می‌دانم که عذرخواهی کنم. البته عرض کردم واقعیت این است که ۱۰۰ شماره از نشریه را می‌خوانند، بخواهند کلماتی از توی آن پیدا کنند و... کسی هم معترض نیست به این که مطبوعات هیچ اشتباهی نمی‌کند بالأخره جاری است، احساسات مختلفی توی آن بیان می‌شود، امیدواریم که ببخشید.

قاضی: ببیند شما مطلب کلی بیان کردید که اگر به زعم شاکی اهانت است من عذرخواهی می‌کنم. این موضوع را باید به زعم خودتان بیان کنید که نظر خودتان چه است.

مصطفی ایزدی: قسمتی از این مطالبی که عرض کردم، اعتقاداتم است. وقتی که جریان سعید امامی در وزارت اطلاعات کشف شد، همه این عباراتی که این‌ها "برای اختلاف‌افکنی بوده یا صهیونیستی بود و..." این‌ها عباراتی است که در اطلاعیه وزارت اطلاعات بوده. تعمیمی من دادم که بالأخره ناآرامی‌های اصفهان...

قاضی: برای تعمیم دادن آن به افراد دیگر باید دلیل داشته باشید. شما اگر می‌گویید این افرادی که

نام بردید پس مانده باند سعید امامی هستند باید دلیل بیاورید، یک ارتباطی بین این‌ها بیان کنید، یا این‌که الفاظ رکیکی که به کار بردید علیه این‌ها چه توجیهی دارید.

مصطفی ایزدی: وقتی که آقایان ثابت کردند که من پس مانده باند مهدی هاشمی و نوکر آمریکا هستم قاعدتاً یک جایی، مقابله نوشته‌ها و نشرها و مطالب و... هست. ضمن این‌که بالأخره ناآرامی‌هایی که انجام گرفته است، حمله به خانواده‌های شهدا در جنت شهدای نجف‌آباد انجام گرفته، این‌ها را ما کار پس مانده‌های باند سعید امامی می‌دانیم. حالا این آقایان هستند یا نیستند من که خبر نداشتم.

قاضی: شما اسم برده‌اید، چگونه خبر ندارید.

مصطفی ایزدی: انصار ولایت بله. یعنی انصار ولایت خودشان می‌آمدند، می‌گفتند ما انصار ولایتیم. شناخته شده هم بودند. ناشناس که نبودند.

قاضی: خب این‌ها پس مانده باند سعید امامی هستند؟

مصطفی ایزدی: تحلیل من این است. آخر کسی نمی‌آید به خانواده شهدا سرعکس آقای منتظری یا نماز جمعه اصفهان، حالا مواردش خیلی زیاد است که در مطبوعات می‌نوشتند. ما معتقدیم این یک کار خرابکارانه‌ای است که نمی‌تواند مربوط به معتقدان به نظام جمهوری اسلامی و معتقدان به ولایت فقیه باشند.

قاضی: آقای ایزدی کلی‌گویی نکنید. در رابطه با مدیرکل سابق اطلاعات استان اصفهان که فردی شناخته شده است، خطاب به ایشان گفتید پس مانده سعید امامی، مسأله دار، منفور و الفاظی از این قبیل نسبت دادید که در شرح شکایت مفصلاً آمده است یا برکنار شد و یا الفاظ دیگری چون "هرگاه تشنجی صورت می‌گرفت، انگشت اتهام متوجه او می‌شد" و یا مسائل دیگر. اگر واقعاً دلیلی دارید که ایشان پس مانده باند سعید امامی هست بفرمایید چه اقداماتی شخص ایشان در اصفهان کرده‌اند؟ دلیل و مدرکتان را بیاورید.

مصطفی ایزدی: من اولاً از خود آقای شهیدی به دلیل عباراتی که در آوا نشر شده عذرخواهی می‌کنم. اگر اجازه می‌فرمایید من این را چون تازه دیده‌ام باید...

قاضی: تازه ندیده‌اید این در شکایت وزارت اطلاعات و شکایت اداره کل اطلاعات بوده است و شکایت آقای شهیدی عین همان شکایت است. شکایتی که از یک وجه به عنوان شخصیت حقوقی وزارت اطلاعات و اداره کل اطلاعات استان اصفهان مطرح شده و از یک وجهی ایشان ادعا کرده «من خودم شکایت خصوصی هم دارم» چیز جدیدی نیست و از چندین ماه قبل این‌ها تفهیم اتهام شده و اگر می‌خواهید صورت جلسه‌های تفهیم اتهامش را خدمتتان ارائه کنم.

مصطفی ایزدی: نه، من فکر کردم نامه آقای شهیدی جدید است. قبلاً خوانده بودم. بالآخره این عبارات، عبارات تندی است و احتمالاً توهین‌آمیز است. من فکر می‌کنم وکیلیم در مورد این‌که آیا قصد مجرمانه‌ای در بیان آن بوده یا نبوده توضیح خواهد داد. عرض کردم من از آقای شهیدی...

قاضی: یعنی قصد شما را وکیل تان توضیح می‌دهند یا مسائل عمومی اش را؟

مصطفی ایزدی: قصدی که کسی را تضعیف کنم نداشته‌ام. عرض کردم ما ماجرای ده ساله‌ای برایمان گذشت و الآن یک قسمتش را خیلی اندک و یک جانبه - من نمی‌خواستم مطالبی را که طی ده سال گذشته در رابطه با شخص بنده بوده بیان کنم -

قاضی: آقای ایزدی شما کل دفاعیات را در این خصوص به وکیلان و اگذار می‌کنید در رابطه با توهین و اهانت و یا بیان قصد را؟ اگر کل دفاعیات را می‌خواهید و اگذار کنید مشکلی نیست.

مصطفی ایزدی: عرض کردم از نظر حقوقی و انطباق با قوانین، وکیلیم صحبت می‌کند ولی بالآخره واقعاً قصد نداشتم.

قاضی: قصد اهانت نداشتید؟

مصطفی ایزدی: بله قصد اهانت نداشتم. اما خب عذرخواهی هم باید بکنم از آقایان که این مسائل بالآخره در یک پروژه کار مطبوعاتی پیش آمده است. همه ارگان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارکان انقلاب، از رهبری تا ریاست جمهوری و دستگاه‌های متعلق به نظام و دولت برایم بلند مرتبه و قابل احترامند و این امر نه تنها در رفتار و عملکرد بیست ساله بنده، که از تمامی صفحات نشریه *آوا* پیدا و نمایان است.

۵. در شکایت مدعی‌العموم، مدیرمسئول *آوا* متهم شده است که از آزادی در نظام جمهوری اسلامی ایران سوءاستفاده کرده است، در صورتی که چنین برداشتی از چند جمله انتخابی برای طرح شکایت مقرون به صحت نیست.

۶. متأسفانه شاکیان پرونده این‌جانب در بعضی مواقع برای این‌که نظرات و برداشت‌های خود را از مطالب *آوا* برای حضار گرامی حق جلوه دهند، دست به تأویلات یا تحریفات متعدد زده‌اند، به ویژه این‌که جمله‌ای از یک مقاله را بدون توجه به صدر و ذیل مقاله، به صورت ناقص و مبهم انتخاب نموده و آن را مبنای اتهاماتی قرار داده‌اند که اگر مخاطب او تمام آن مطلب را نخوانده باشد، نظر به حقانیت سخن شاکی می‌دهد. در چند مورد شکایت مدعی‌العموم و سپاه پاسداران نجف‌آباد به مقالاتی اشاره شده است که ما بر بعضی از پاسداران و بسیجیان انتقاداتی را وارد دانسته‌ایم و آنان چنین وانمود کرده‌اند که ما به نهاد انقلابی سپاه پاسداران و یا یادگار ارزشمند حضرت امام خمینی (ره) بسیج مستضعفین، اهانت روا داشته‌ایم. یکی از این مقالات، سرمقاله "با پاسداران"

می‌باشد که نزدیک به سه سال قبل در آوا چاپ شده است.

۷. وزارت اطلاعات در برهه‌ای از دوران خدمت‌گزاری خود دچار عارضه‌ای شد که با تدبیر مقامات امنیتی و سیاسی به ویژه ریاست محترم جمهوری رو به بهبود نهاد. در آن برهه از زمان زمینه انعکاس دیدگاه‌هایی درباره وضعیت آن وزارت‌خانه در مطبوعات فراهم شد. مسئولان آوا نیز به دلیل رنجی که بر اثر وارد شدن اتهامات سنگین و غیرواقعی توسط برخی عناصر مسأله‌دار آن موقع وزارت اطلاعات - یعنی زمانی که جریان سعید امامی رو شده بود - می‌برد، به انعکاس برخی از دیدگاه‌های انتقادی مبادرت ورزیدند، بدون این‌که برصحت آن پافشاری نمایند. بسیار روشن است که با تغییراتی که در آن وزارت‌خانه ایجاد شد، زمینه طرح آن دیدگاه‌ها از بین رفت.

فرماندهی سپاه نجف‌آباد که شکایت بسیج را هم او تهیه کرده است، علاوه بر طرح موارد اتهامی علیه مدیرمسئول آوا، که هیچ‌کدام آن‌ها مربوط به سپاه نجف‌آباد نبود، مطالبی را بیان کرد که بسیار تعجب‌آور و غیرواقعی می‌نمود. بیش‌ترین تأسف من از سخنان کسی است که می‌بایست اطلاعات صحیحی از محل مأموریت خود را برای مقامات تصمیم‌گیر مافوق ارسال دارد، اما مثل نجف‌آباد را و حتی پاسداران و بسیجیان سلحشور آن شهر را به‌هیچ‌وجه نمی‌شناسند. اگر سخنان به دور از واقعیت او در نجف‌آباد بازتاب پیدا نمی‌کرد و خشم مردم خوب آن شهر را بر نمی‌انگیخت، من از طرح این بند از دفاعیه‌ام صرف‌نظر می‌کردم. هرکس که از مفاد سخنان فرماندهی سپاه نجف‌آباد در حاشیه شکایت او مطلع شود، این سخنان را توهینی آشکار به مردم شریف نجف‌آباد می‌داند، به اضافه این‌که نشان از بیگانگی این فرمانده با فرهنگ و شخصیت مردم شهرستان نجف‌آباد دارد. او ادعا کرد که با تعطیل شدن آوا، آرامش به شهر بازگشت و زمانی که آوا منتشر می‌شد، همه شهر در بحران و درگیری و غم و غصه روز می‌گذراند. عجا از فرمانده غریبی که چندسال مختصر را میهمان مردم عزیز شهر شهیدپرور ما بوده است و نمی‌داند چه بگوید!

ده سال است که نجف‌آباد به دفعات نسبت به نوع برخورد با مرجع خود اعتراض کرده‌اند. همه آگاهان سیاسی و امنیتی می‌دانند که قبل از انتشار آوا در آن شهر، هرگاه اعتراضی صورت می‌گرفت به خشونت می‌کشید، اما اعتراضات دو سه سال اخیر مردم، به آزادی پایان می‌یافت و این نیست جز این‌که آوا، خواسته‌های معترضین را همراه با نظرات مخالفین آیت‌الله منتظری که اندک بازمانده‌های یک حزب منحل شده هستند منعکس می‌کرد. باید نجف‌آباد را و محبوبیت ارزشمند آوا را در آن منطقه از نزدیک دید و شنید و با مقامات محلی از جمله فرماندار محترم و استاندار محترم استان جويا شد، که جریان امور سیاسی در آن خطه شهیدپرور چه روالی دارد. مقاماتی که متأسفانه فرمانده سپاه نجف‌آباد از آنان نقل قول‌هایی کردند که خودشان تکذیب کرده‌اند.

۸. از ریاست محترم دادگاه درخواست می‌کنم اجازه فرمایند آقای هوشنگ اظهري به‌عنوان وکیل بنده، در جزئیات پرونده از من و هفته نامه آوا دفاع نماید.

قاضی: آقای ایزدی اتهاماتی که تفهیم شد مورد به مورد بود و موضوع شکایت هم توسط نماینده شکات یا افرادی که خودشان شاکی خصوصی بودند بیان گردید. شما نسبت به موارد شکایت که توسط شاکیان بیان گردید باید یک به یک توضیح می‌دادید. مطالبی که قرائت کردید بیش‌تر کلی‌گویی و جنبه کلی داشت تا این‌که به متن شکایت و اتهام خودتان وارد شوید. مثلاً مدعی‌العموم اتهامات شما را احصا کرده و نمونه‌هایی از توهین به قوه مقننه، توهین به شورای نگهبان و مراتب دیگر را بیان کردند یا وزارت اطلاعات شرح شکایت شما را مبنی بر آن مواردی که نشر اکاذیب بود یا مواردی که توهین و اهانت بود و مواردی که جنبه افترا داشت به‌صورت ریز و موردی توضیح دادند. همچنین دادستانی ویژه اصفهان مواردی را که به آن مرجع توهین شده بود و مواردی را که نشر اکاذیب شده بود توضیح دادند. شما در واقع نسبت به هریک از این موارد اگر دفاع ماهوی نکنید به منزله این است که دفاعی نداشتید یا تصمیم دارید که کلاً دفاع ماهوی نسبت به یک‌یک این موارد را به وکیل‌تان واگذار کنید؟ خودتان نسبت به یک به یک این موارد دفاعی ندارید؟ این‌که شما سوابق فرهنگی یا سوابق شغلی خودتان را بگویید و شخصیت‌تان را معرفی کنید ما فرصت کافی در اختیار شما گذاشتیم. ولی لازمه‌اش این بود که بعد از این مقدمه مفصل به اصل اتهامات‌تان بپردازید و یک به یک متن‌هایی را که در روزنامه چاپ کردید و مورد شکایت قرار گرفت و عناوین اتهامی‌اش توسط هریک از شکات بیان شده است به شرح و بسط ماهوی اتهامات‌تان هم بپردازید که در این خصوص تعرضی نداشتید. حالا مطلبی از خودتان دارید یا همه دفاع ماهوی را واگذار به وکیل‌تان می‌کنید؟

مصطفی ایزدی: اصلاً من جزوی از نظام بودم و به هیچ ارگانی از نظام به‌هیچ‌وجه اهانت نکردم. جزئیات شکایت‌ها را که دفاع ماهوی است به عهده آقای اظهري می‌گذارم.

قاضی: یعنی به‌طور کلی قبول دارید مطالبی را که چاپ شده است. ببینید هر جرم سه عنصر دارد: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی. آن چیزی که شما بیان می‌کنید در باب عنصر معنوی جرم است یعنی بفرض که عنصر مادی تحقق پیدا کرده باشد و منطبق با مواد قانون مجازات اسلامی هم باشد، قصد و نیت شما این مسائل را در پی داشته است. یعنی دفاع شما صرفاً در قالب عنصر معنوی جرم است که سوءنیت نداشتید؟

مصطفی ایزدی: بله. آنچه را که چاپ شده به هر حال من مدیرمسئول هستم و قبول دارم ولی این‌که قصد و نیت سوئی داشته باشم که اقدام مجرمانه‌ای بکنم و یا ارگان و نهادی را بخواهم

تضعیف کنم، نبوده است. بالأخره بر اثر تازگی کار مطبوعاتی - چون این شکایات قسمتی مربوط به اوایل کار بوده - اگر چنانچه توهینی شده است سعی می‌کنیم از دل آقایان دربیاید ولی واقعاً ما قصدی نداشتیم.

قاضی: یعنی نسبت به همه شاکیان عذرخواهی می‌کنید؟
مصطفی ایزدی: بله، طبیعی است که اولین اقدام در قبال توهین عذرخواهی است.
قاضی: و این را خطاب به کل شاکیان می‌گویید.

مصطفی ایزدی: بله. کل شاکیان.

قاضی: آقای اظهاری، وکیل مدافع مدیرمسئول نشریه آوا، از آن‌جا که آقای یزدی دفاع ماهوی اتهامات را به شما واگذار کرده‌اند، دفاعیات خود را در رابطه با اتهامات آقای ایزدی بیان نمایید.
اظهری: به جهت کوتاه کردن دفاعیات عرض می‌شود که اکثر فرمایشات جناب نماینده مدعی العموم و بیان فرازهایی از مقالات مختلف در باب بیان مصادیق اتهامات نشراکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی است که در ادعای ایشان بیان گردیده است که:

الف. خصیصه اصلی این دو اتهام که همانا مصداق عینی و آثار مترتب بر آن بیان نشده است و این نشان‌دهنده آن است که تشویش اذهان عمومی صورت نگرفته و در نجف‌آباد باعث آرامش اذهان عمومی شده و به درگیری‌هایی که در سابق و قبل از انتشار این هفته‌نامه وجود داشته پایان داده شده است. چرا که تربیونی برای انعکاس نظرات موافق و مخالف به وجود آمده بود که افراد نظرات خود را بیان می‌کردند و این باعث تخلیه هیجانات بوده و باعث آرامش و صلح و صفای مجدد شهر شده است.

ب) اثبات فرازهایی از یک مقاله بدون قرائت صدر و ذیل آن یعنی کلیت مقاله و نتیجه‌گیری موضوع بیان ابتر و ناقصی است از یک موضوع که از یک سطر کلی نمی‌توان استقرا کرد و منظور واقعی نویسنده را دریافت. پس چرا کلیت مقاله‌ها که همیشه لحن نصیحت‌گونه و مصلحانه است را نمی‌خوانید و فقط همان چند خطی که منظور شماست را بیان می‌فرمایید.

ج. طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات، و تبصره‌های مربوطه، اشخاص جوایبه‌ای به نشریه ارسال نکرده‌اند. نشریه آمادگی داشت جوایبه‌ها و تکذیب‌ها را چاپ کند و چه بسا اگر ارسال می‌شد الان ما امروز خدمت شما شاید نبودیم.

قاضی: چرا آقای اظهاری؟ اگر جواب داده بودند، شما چاپ کرده بودید و مدعی بودند و شکایت می‌کردند شما باید پاسخ می‌دادید.

اظهری: بله معمولاً با چاپ جوایبه هم به صورت محترمانه و حالت صلح‌جویانه مسأله تمام

می‌شود و به شکایت نمی‌انجامد. در فرازی دیگر نمایندهٔ محترم مدعی‌العموم در مورد مقالهٔ «تراژدی در تراژدی» که تعدی بر نامه فرماندهان سپاه می‌دانند و می‌فرمایند که با نقد قسمتی از مقاله نتیجه می‌گیریم که اهانتی آشکار به قوهٔ مقننه است. چگونه نامه‌ای که نقد نامه فرماندهان سپاه است به قوهٔ مقننه ارتباط پیدا می‌کند و به این قوه توهین می‌شود. آیا انتقاد از قانون جدید مطبوعات که مخالف و موافق زیادی را در پی دارد و چاپ نظرات افراد، آیا در راستای توهین به قوهٔ مقننه قرار گرفته‌ایم؟ یا در این مقاله الفاظی به کار رفته است که خدای نکرده توهین به ساحت مقدس مجلس شده است؟

قاضی: لفظ وهن‌آوری که اشاره کردند «بریدن زبان» است. گفتند اصلاحیه جدید قانون مطبوعات در راستای بریدن زبان‌هاست. این را وهن قوهٔ مقننه دانستند، یعنی این مطلب را توضیح دادند.

اظهاری: به نظر می‌رسد اتهامات وارده از سوی مدعی‌العموم، تأویل و تفسیر یک‌سویه بوده است. اگر مقدمه و مؤخره را با هم جمع بکنیم شاید کلمه به کلمه گفته شود، این کلمات بیش‌تر عیان می‌شود ولی در طول گفتار و نوشتار اگر این مطالب تفسیر شود شاید به این معنا و تلخی که صرفاً بریدن زبان مشخص و بیان نمی‌شود، بلکه در طول مقالهٔ صدر و ذیل فراز و نشیبی که دارد باید مسأله تفسیر شود. در باب اعلام شکایت نمایندهٔ محترم وزارت اطلاعات، آقای رضایی عرض می‌شود که ایشان مصداق کلمه مشوه جلوه دادن را فرمودند و بیان نکردند کجای مقاله این معنا را می‌دهد. درحالی‌که در صدر و ذیل این مقاله تماماً از نیروهای مخلص و خدوم این وزارت‌خانه حمایت شده و حتی صراحتاً در پایان مقاله به اصرار خود ایشان که اعلام کردند قصد تضعیف وزارت اطلاعات را نداشتند و با عنایت به این‌که کشوری چون جمهوری اسلامی با داشتن این همه دشمن بدون وجود این برادران گمنام و این نیروهای خدوم نمی‌تواند امنیت خود را حفظ کند. آیا با بیان دلسوزانه این‌که وزیر اطلاعات این‌گونه حوادث را ریشه‌یابی کرده و شجاعانه به خانه تکانی در استان‌ها و شهرستان‌ها بپردازید، جمله وهن‌آوری است؟ البته این جدای از آن مسائلی است که به اشخاص کلماتی را نسبت داده‌اند. به نظر نمی‌رسد که این مسأله تشویش اذهان عمومی به‌وجود آورده باشد، بلکه یک امر ناصحانه و مصلحانه‌ای است. در بیانی دیگر در قسمت اخیر شکایت وزارت اطلاعات نمایندهٔ محترم گریزی به مقاله‌ای که نقدی بر نامه فرماندهان سپاه می‌باشد می‌زند و می‌گوید: «اگر باور نمی‌کنید، به صورت عادی و در توده مردم بیابید و بپرسید و اصولاً همه می‌دانند هنگامی که کاسه صبر و تحمل یک نظامی لبریز شد چه می‌کند.» و در انتها بیان فرمودند که انتساب این به وزارت اطلاعات است درحالی‌که این نقدی است بر نامه فرماندهان سپاه. البته این

موضوع مورد فرمایش نماینده محترم مدعی العموم هم بود. کجای این بحث و این مقاله در تضعیف وزارت اطلاعات است؟ اصولاً این مقاله مورد شکایت مدعی العموم و سپاه پاسداران است که نمایندگان محترم آن ادعا و بیان فرموده‌اند، به وزارت اطلاعات نیز بالاتر از گل هم گفته نشده است و در ارتباط بین مقاله و شکایت نیست. شکایت جناب آقای قاسمی دادیار محترم ویژه روحانیت و جانشین دادستان ویژه روحانیت اصفهان بسیار جالب است. ایشان هم به عنوان مدعی خصوصی و شکایت شخصی حاضر هستند و هم نماینده مدعی العموم دادرسی ویژه روحانیت اصفهان هستند. من نمی‌دانم آیا جمع این دو صحیح به نظر می‌رسد یا خیر؟ زیرا اگر ایشان شاکی خصوصی هستند در مقام بیان کیفرخواست و ادعای عامه عمومی آیا می‌توانند بدون تأثیر از شکایت خصوصی خود اقدام فرمایند یا خیر؟

قاضی: ایشان نماینده مدعی العموم نبودند.

اظه‌ری: نماینده دادستان ویژه روحانیت بودند.

قاضی: نماینده شاکی بودند. یعنی یک شخصیت حقوقی می‌تواند نماینده معرفی کند و اشکالی نبوده است.

اظه‌ری: در واقع از لحاظ قانون....

قاضی: ببینید دادستانی ویژه روحانیت به لحاظ الفاظ رکیک و مطالب کذبی که به این نهاد نسبت داده شده بود، به عنوان دادرسی ویژه روحانیت اصفهان طرح شکایت کرده و بالاترین مسئول آن نهاد هم شکایت را امضا کردند، ثبت شده و ارجاع شده، مراحل قانونی اش این است. یک نهاد حقوقی وقتی طرح شکایتی می‌کند می‌تواند نماینده معرفی کند، آقای قاسمی به عنوان این که دادیار آن مجموعه هستند و قاضی آن مجموعه هستند به عنوان نماینده معرفی شده‌اند. اگر یک کارمند هم به عنوان نماینده برای طرح شکایت معرفی می‌شد هیچ منع قانونی نبود، ایشان به عنوان مدعی العموم یا نماینده مدعی العموم در این دادگاه نبوده‌اند.

اظه‌ری: این را در شکایتشان نفرمودند. اگر متن را ملاحظه بفرمایید به عنوان نماینده مدعی العموم هستند.

قاضی: آن طور که من در خاطر است ابتدا که آمدند و خود را معرفی کردند به عنوان این که هم دادیار آنجا هستند، شکایت شخصی دارند و هم نماینده دادرسی ویژه روحانیت هستند. آقای قاسمی همین طور بود؟

اظه‌ری: در هر حال این شکایت شخصی ایشان همان شکایت دادرسی است، در این مقاله مورد شکایت، ایشان جملات را این طور بیان فرموده‌اند: «ضمن شکایت شخصی از موکل از طرف

دادسرای ویژه روحانیت هم به علت افترا و تشویش اذهان عمومی شکایت دارم». مقاله را این‌طور نقل فرمودند که «برخورد آنان را مناسب ندانستم برخورد و بازجویی جناب قاسمی در دادگاه ویژه تند بود»، با عرض معذرت من جمله را از روی مقاله استخراج و نوشتم. جمله به این شکل است: «حجت‌الاسلام واعظ که در بازداشتگاه اصفهان زندانی بود، برخورد آنان را مناسب دانست - یعنی برخورد اطلاعات را - و گفت برخورد و بازجویی جناب آقای قاسمی در دادگاه ویژه روحانیت تند بود» درحالی‌که ایشان فرمود: «برخورد آنان را مناسب ندانستم» درحالی‌که اتهام برعکس است برخورد اطلاعات را مناسب دانسته و ایشان اعلام کرده که برخوردشان تند بوده است. این برخورد تند بودن به نظر می‌رسد بیان یک نظری است که نویسنده نامه به روزنامه بوده است و نظر شخصی مدیرمسئول غیر از این است.

قاضی: ببینید آقای اظهري آن طور که من خاطر من است - در جلسه قبل - بعد از برخورد تند ادعا شده که بازجوها با چشم بسته بازجویی می‌کنند و رو به دیوار [بازجویی] می‌کنند. این‌ها را ادعا کرده‌اند که نشر اکاذیب است.

اظهري: البته جناب استاد هم فرمودند که دروغ است و با متهمان با احترام برخورد شده است. قاضی: پس شکایت شاکي به نظر شما وارد است.

اظهري: در قسمتی که می‌فرماید رو به دیوار و چشم بسته و... شاید برای این مطالب باید از جناب نویسنده آن نامه کسب دلیل بکنیم که به چه دلیل این حرف را گفته است. ولی بیان این مطلب که بازجویی را در یک محلی که مسلماً باحالت عادی نشسته‌اند و روی مبل انجام نمی‌دهند واقعیت است، به هر حال متهم در یک حالت استرس و حالت غیر از استراحت است. قصد سوءنیت و تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب در این موضوع وجود نداشته است.

اظهري گفت: در قسمت دیگری از شکایت شکات در شماره ۸۳ در نشریه آوا نسبت به تعطیلی نشریه نوید آمده: «نشریه نوید تعطیل شد و اموال آن به یغما رفت»، این را اهانت تلقی کرده‌اند.

قاضی: افترا تلقی کرده‌اند، به یغما بردن جرم است، یعنی به سرقت بردند. این را به عنوان ماده ۶۹۷ تلقی کرده‌اند که انتساب اعمال مجرمانه است. اگر مدعی نتواند صحت آن اسناد را ثابت کند مفتری محسوب می‌شود. در آن قسمت یغماگر را به عنوان مفتری شکایت کرده‌اند.

اظهري: نسبت یغما بردن و به سرقت بردن یک مقدار با هم تفاوت دارند ولی می‌شود پذیرفت که این مسأله به سرقت شباهت داشته باشد.

قاضی: البته مترادف هستند.

اظهري: به نظر می‌رسد قصد نویسنده این بوده است که آن‌جا از اسباب و وسایل به کلی خالی

شده است. این را به عنوان اسباب و مدارک ارتکاب جرم یا هر چیز دیگری که برده باشند برحسب یک دستور قضایی بوده است یا یک دستور قانونی، پشت بند این قضیه بوده است؟ بنده هم معتقدم در بعضی جاها تندی قلم کمی فراتر رفته، من هم عذرخواهی می‌کنم، از طرف ایشان هم عذرخواهی می‌کنیم. جناب برادرمان عباس مظهري که نماینده از سپاه پاسداران قم هستند درخصوص چاپ خبر کذب بر این مبنا که "همزمان با سفر آقای خاتمی به قم حصر آقای منتظری شکسته خواهد شد" منظور از این کلمه شایع شد، ترویج شد می‌باشد. این خبری بود که همه می‌گفتند نه شایعه‌ای به معنای این که یک خبر کذبی را منتشر کردند. در واقع این خبری که منتشر شده دهان به دهان گشته ترویج پیدا کرده، شیوع پیدا کرده و تلقی این که یک شایعه بوده، نبوده است به هر حال ما می‌دانیم که بعضی مواقع دروغ گفتن را مجازات می‌کنند هم خداوند کریم و هم دادگاه، ولی راست گفتن واجب نیست و آن را معمولاً تایید نمی‌کنند. به نظر می‌رسد شیوع مسأله مدنظر بوده است، نه شایعه مسأله. من مجدداً با توجه به این که نشریه جوان بوده و قدمت چند ساله‌ای نداشته، شاید افرادی که درکار می‌کردند تجارب مطبوعاتی زیادی نداشته‌اند و درگیری این چنینی را ندیده بودند و یا شاید بی‌تجربگی در بیان مطالب و یا این که به هر حال قلم در بعضی موارد به یک جریانی می‌افتد که گاه وقتی خود آدم مجدداً آن مطالب را می‌خواند زیاد باب میلش نیست. حتی خط می‌زند، تعدیلش می‌کند در هر حال یک سری مسایلی پیش آمده که ارگان‌هایی مثل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که حافظ انقلاب و پاسدار ارزش‌های آن است، وزارت اطلاعات و سربازان گمنام حضرت ولی عصر(عج) و یا سایر اشخاص حقیقی و حقوقی مکدر شده‌اند. من از طرف موکل خود به صراحت اعتذار و عذرخواهی خود را بیان می‌کنم و از طرف ایشان درخواست داریم که هیأت منصفه این اعتذار و بیانش را و همچنین سوابق انقلابی و اسلامی ایشان را مورد لحاظ قرار دهند.

قاضی: خوب آقای ایزدی برای اخذ آخرین دفاعیات بفرمایید. البته نه آقای ایزدی و نه آقای اظهري هیچ‌کدام هیچ دفاعی در رابطه با شکایت نیروی انتظامی به عمل نیاوردند و قاعدتاً همان عذرخواهی را ما به عنوان دفاع تلقی می‌کنیم. آقای ایزدی اتهامات شما تفهیم گردید اگر مطلبی به عنوان آخرین دفاع دارید بیان کنید.

ایزدی: ای کاش فضای سیاسی نجف‌آباد و اصفهان برای آقایان قابل تصویر بود. برادران عزیز متأسفانه مطالب به گونه‌ای است که یک مقداری از آن به دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب برمی‌گردد ولی بنده به مطالبی که مطرح شده می‌خواهم جواب دهم. ای کاش می‌شد آقایان می‌دیدند حوادثی را که طی سال‌های اخیر در نجف‌آباد گذشته است. دو ماه است که نشریه آوا تعطیل شده و طبیعی است که در این دو ماه هیچ اتفاقی نیفتاده، خبر جدیدی نبوده، مملکت به سوی آرامش پیش می‌رود.

یک مورد آقایان نمی‌توانند ارائه کنند که کسی به استناد نشریه *آوا* کوچک‌ترین تحرکی کرده باشد. دادگاه می‌تواند مرا راستگو یا دروغگو ببیند، شاکمی را هم همین‌طور.

از ده مقاله توی نشریه برمی‌آید که من مخالف اعتصاب بوده‌ام، اعتصابی شده مخالفت کردیم. نماینده سپاه نجف‌آباد می‌گوید *آوا* باعث شکل‌گیری اعتصابات شده. این‌که نامه آیت‌الله طاهری به مردم نجف‌آباد را ما تیر کردیم که اعتصاب نکنید، این‌که یادداشت پسر آیت‌الله منتظری را زدیم که اعتصاب نکنید، خود من مقاله نوشتم که تشنج ایجاد نکنید و... انواع و اقسام مطالب در نشریه در مخالفت با اعتصاب است. حالا به من نسبت می‌دهند که نشریه *آوا* اعتصاب ایجاد کرد؟ بالأخره حادثه‌ای در قم پیش آمد مقلدین آقای منتظری اعتصاب کردند، اعتصاب هم خلاف قانون که نیست، اعتراضی است. ما، هی در نشریه نوشتیم که نکنید و... این‌که اتهام بی‌موردی است.

قاضی: اعتصاب خلاف قانون نیست؟

ایزدی: آنچه را که من می‌دانم اعتراض سه نوع است. یک نوع تجمعی است و یک نوع راهپیمایی و نوع دیگر اعتصاب است. تجمع و راهپیمایی مجوز می‌خواهد ولی ظاهراً اعتصاب مجوز نمی‌خواهد. پس قاعدتاً این‌که یک عده مغازه‌هایشان را تعطیل کردند بالأخره یک نوع اعتراض است و من در قوانین ندیده‌ام که برای اعتصاب مجوز بگیرند. اعتراض هم حق است. واقعاً عجیب است. حالا فرض بر این‌که من به رحیم صفوی که از دوستان دوران دانشگاه بنده است و نسبت به ایشان تندی نمی‌کنم، بالفرض تندی کرده باشم. این مسأله برای آقایان خیلی برافروختگی ایجاد می‌کند ولی برای ما و برای بسیاری از مقلدان آقای منتظری که این همه اهانت و فشار روحی ایجاد می‌کنند انتظار دارند همین‌طور صاف بنشینیم و نگاه کنیم. بالأخره این عرق مذهبی در نجف‌آباد نباید کشته شود. عرق مذهبی به مرجعیت "ضرورت دارد" مقدس شمرده شود. حالا به شیوه‌ای مختلف برخی اوقات سکوت یا اعتراض یا اعتصاب و تجمع و... ما با تجمع و اعتصاب و... مخالفیم اما چه کنیم که زیر بمباران فحاشی هستیم. من واقعاً نمی‌دانم اگر همین اطلاعیه‌های انصار ولایت را که هیچ حیثیتی برای هیچ‌یک از مقلدین آقای منتظری در استان اصفهان نگذاشته‌اند در اعلامیه‌هایشان در نشریه‌شان و...

قاضی: ببینید آقای ایزدی اگر کسی اهانتی کرده باشد، اهانت به هر جهت جرم است و کسی که مورد اهانت قرار می‌گیرد حق دارد شکایت کیفری کند، رسیدگی می‌شود ولی هیچ‌وقت جایز نیست به اهانت با اهانت پاسخ دهند. به هر جهت مطالبی که شما نوشته‌اید مورد شکایت قرار گرفته است و باید از خودتان دفاع کنید. این‌که حالا افرادی اهانت کرده‌اند و این جواب اهانت بوده است قابل قبول نیست.

ایزدی: فضا، یک فضایی است که بالآخره دو جناح مخالف هم وجود دارند. خب حالا یک جناح مخالف توانسته علیه ما شکایت کند و زبان ما هم در بسیاری موارد بسته است. نکته دوم این که یک روحانی بسیار محترمی که از دوستان بسیاری از ما است - آقای واحد - او را گرفته اند، رهایش کرده اند آمده مصاحبه کرده و گفته که چشمان مرا بستند و رو به دیوار محاکمه کردند. خب برای این من چه سندی ارائه دهم؟ عکسی از اتاق در بسته ارائه دهم، در صداقت این روحانی شکی ندارم.

قاضی: به هر جهت این روحانی متهم بوده است.

ایزدی: بله متهم بوده است. نگفته که من متهم نیستم، گفته تند برخورد کرده اند، مرا نشانده اند جلوی دیوار، چشم هایم را بسته اند و محاکمه ام کرده اند. من سند از کجا بیاورم؟

قاضی: پس سند ندارید شما حق درج مطالبی را که سند ندارید، ندارید.

ایزدی: در واقع باید دید که آقای واحد آدم دروغگویی نیست، کسی هم نیست که بخواهد دروغ بگوید یا در رابطه با این که ما گفته ایم علت اعتصاب، ورود فرمانده سپاه به نجف آباد است. ما گفتیم که اعتصاب داشت خاتمه پیدا می کرد، یعنی مسؤولان فرمانداری - سیاسی آمدند بازاریان را جمع کردند و گفتند که اعتصاب را تمام کنید. مغازه ها یک یک باز می شد که فرمانده لشکر با بسیجیان و سربازان آمدند و در بازار رژه رفتند، خب بازاریان تحریک شدند و کرکرها را دوباره کشیدند پایین. امام جمعه نجف آباد اطلاعیه ای داد و در واقع مثل این که امام حسین (ع) با یزید برخورد می کند، یک چنین اطلاعیه ای را داد بالآخره این مسائل تحریک کننده بود و جالب است مقاله ای که من نوشتم همین است. گفتم اعتصاب داشت پایان می یافت ای کاش فرمانده لشکر و امام جمعه نجف آباد در مدیریت بحران یک تصمیمی می گرفتند. متأسفانه نماینده محترم مدعی العموم نسبت های زیادی به ما داد و گفت که ما آمده ایم و گفته ایم که انقلاب اسلامی از بین رفت، اسلام رفت، شورای نگهبان فلان و... کجا ما گفتیم اسلام رفت؟ اصلاً نشریه ما اسلامی است. آخر مگر می شود یک نشریه غیراسلامی برای مرجعیت دل بسوزاند؟

در مورد شورای نگهبان هم این که ما بیایم به اعضای شورای نگهبان اهانت کنیم نبوده است، ما انتقادی به نظریه استصوابی کردیم که آن هم به خودم برمی گردد.

اعضای محترم هیأت منصفه، ریاست محترم دادگاه، شورای نگهبان بنده را به جرم ارتداد، رد صلاحیت کرد. به من گفتند که عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام، هیچ سندی هم نداشتند. چون رفتم و گفتم کجا من محکوم شده ام که از دینم و از اعتقادم به اسلام دست برداشته ام و التزام عملی ندارم؟ آقای زواره ای مدام شکایت انصار ولایت را ورق زد و گفت: همین است. گفتم: آقا این فعلاً در راه دادگاه است. شما حقوقدان هستید و... یعنی شعری را آقایان خواندند نفهمیدند چیست گفتند که

ترویج نهیلیسم. عکس حاج علی منتظری را چاپ کردیم گفتند: اتهام ترویج آقای منتظری. اصلاً تبلیغ آقای منتظری جرم نیست.

قاضی: مسائلی را که در آن جا گذشته ما کاری نداریم.

ایزدی: بنده به نظارت استصوابی، به شورای نگهبان. تعرض کردم! تازه کلمه رکبیک و... هم نیست. من گفتم نظارت استصوابی قانونی نیست و در این یک مورد سند هم دارم و سند خودم هستم. ضمناً من باعث تضعیف بسیجیان شدم! یک بسیجی این حرف را بزند من قبول می‌کنم. مطلب گزینش وزارت اطلاعات را من از نشریه دیگری نوشتم. البته معنی آن این نیست که ما متهم نیستیم.

قاضی: رفع اتهام نمی‌کند.

مصطفی ایزدی: نکته‌ای را نیز در رابطه با نمایشگاه پیچک انحراف گفتند. در پیچک انحراف چون من متخصص موضوع هستم و واقعیت این است که در قضایای آقای منتظری، هیچ‌کس به اندازه بنده مدرک و سند و... ندارد، چون از کوچکی هم دنبال این قضایا بودم و دو جلد کتاب در رابطه با ایشان نوشتم و همه چیز را هم دیده‌ام. در پیچک انحراف نوشته بود که امام را آیت‌الله منتظری کشته است، یعنی شعاری را در نمایشگاه پیچک انحراف نصب کرده بودند بدین مضمون. همچنین از قول شخصی نوشته بودند که: «امام فرموده‌اند آقای منتظری فاسق است و هرکسی را تربیت کند فاسق است». این نسبت را به امام و آقای منتظری داده‌اند و آن را در معرض عام گذاشته‌اند. بله بنده اعتقاد دارم نمایشگاه پیچک انحراف ضداسلامی بوده است. حالا براساس این اعتقاد باید محاکمه شوم کیفر بینم و... آماده هستم. این نمایشگاه تمام مبارزات روحانیون اصفهان را در قبل از انقلاب به بهانه سیدمهدی هاشمی معدوم زیرسؤال برده است. خب یک نفر خلاف کرده بقیه چه گناهی کرده‌اند؟ یک روحانی در اصفهان براساس یک بیماری فوت کرده بود در کتاب‌ها و در زندگی‌نامه‌اش هست، این را نسبت داده‌اند به یک‌سری جوانانی که قبل از انقلاب با مهدی هاشمی سلام و علیک داشتند و بعد از انقلاب حتی سلام علیک هم با او نداشتند و او را قبول نداشتند. کلاً نجف‌آبادی‌ها مهدی هاشمی را قبول نداشتند. بالأخره توی دعوا یک مسأله‌ای را بدون در نظر گرفتن جوانب امر در نظر گرفتن، کار درستی نیست و شکات ما هم کار درستی نکردند. من مجدداً عرض می‌کنم، بالأخره آنچه که در نشریه آوا چاپ شده و این جا مطرح گردید یک در هزارم مطالبی که در آوا چاپ شده است نیست. همه مطالب آوا در تأیید همه ارگان‌های نظام، سپاه، بسیج، شهدا، خانواده شهدا، بیوگرافی شهدا، تجلیل روز پاسدار، تجلیل از پاسداران، از ولایت فقیه نظام، تفصیل سخنان مقام معظم رهبری و... همه این‌ها است. طبیعی است ما نمی‌گوییم که در حجم

وسعی از مطالب اشتباه نداریم، اشتباه هم شده و این اشتباهات عمدتاً در به کارگیری برخی کلمات است و من درخواست می‌کنم آقایان باتوجه به مطالبی که بنده عرض کردم و عنایتی که دارند بعضی از بزرگواران ما را می‌شناسند و بالأخره همکار ما بوده‌اند، عنایت کنند تا ان‌شاءالله با یک رأی عادلانه خداپسند کار پیش رود و من این‌جا مجدداً می‌خواهم از همه عذرخواهی کنم و از شکاتی هم که بر اثر کلمات ناراحت شده‌اند، از آن‌ها هم عذرخواهی می‌کنم.

قاضی: آقای اظهري! در مقام آخرين دفاع اگر دفاعی در رابطه با موکلان دارید بیان کنید.

اظهري: عرض من فقط این است که باتوجه به سوابقی که از جبهه و جنگ آقای ایزدی است و من می‌خواستم مدارکی را خدمتتان تقدیم کنم که واقعاً سوابق درخشانی دارند. خودشان بسیجی هستند و هنوز فرمانده بسیج صدا و سیما هستند و رنج‌کشیده انقلاب هستند و کسی نیستند که از خارج از ایران آمده باشند و از خارج از انقلاب باشند. بنده مجدداً از طرف ایشان عذرخواهی می‌کنم و به‌عنوان یک انسان و یک مسلمان در ایران بنده هم عذرخواهی می‌کنم و درخواست رأفت و صدور رأیی با لحاظ همه این مسائل دارم.

قاضی: دادگاه با عنایت به این‌که ده مورد شکایت مطرح شده علیه مدیرمسئول نشریه آوا آقای مصطفی ایزدی در دو جلسه علنی توسط شکات مطرح گردید و متهم و وکیل مدافع وی نیز در این جلسه دفاعیات خود را بیان داشتند و همچنین متهم و وکیل مدافع وی آخرین دفاعیات خود را نیز بیان نمودند، جهت استماع نظر اعضای محترم هیأت منصفه و اعلام نظر این هیأت، دادگاه با تشخیص کفایت رسیدگی ختم جلسه را اعلام می‌نماید.

نظر هیأت منصفه

۱. اعضای هیأت منصفه در خصوص شکایت آقای شهیدی مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان اصفهان مبنی بر توهین، اهانت، ایراد افترا و تهمت نسبت به نامبرده و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی پس از بررسی پرونده و مطالب مندرج در نشریه آوا، آقای مصطفی ایزدی را به اتفاق آرا مجرم تشخیص دادند. ضمناً مورد افترا با اکثریت آرا، جرم تشخیص داده شد.

۲. اعضای هیأت منصفه در رابطه با اعلام شکایت وزارت اطلاعات و اداره کل اطلاعات استان اصفهان علیه مدیرمسئول نشریه آوا مبنی بر توهین، اهانت، ایراد تهمت، افترا و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی نامبرده را به اتفاق آرا مجرم تشخیص دادند.

۳. هیأت منصفه به اتفاق آرا مدیرمسئول نشریه آوا را در رابطه با شکایت دادستانی ویژه روحانیت اصفهان مبنی بر توهین، اهانت و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و ایراد

تهمت و افترا مجرم تشخیص دادند.

۴. اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا در مورد اعلام شکایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم مبنی بر نشر اکاذیب به قصد اضرار به سپاه با توجه به این‌که نشریه به نحوی خبر مورد شکایت را تحریر کرده که عدم جزمیت از آن استفاده می‌گردد و مدیرمسئول نشریه نیز به مستند نبودن خبر فوق‌الذکر اقرار کرده است و نسبت به درج آن نیز عذرخواهی کرده است، سرانجام وی را در این رابطه مجرم شناخت.

۵. اعضای هیأت منصفه مطبوعات در مورد شکایت یک جمع نُه نفره منتسب به انصار ولایت اصفهان علیه مدیرمسئول نشریه آوا به عنوان توهین، نشر اکاذیب و افترا نسبت به آن‌ها، تنها در مورد شکایت کمیل کاوه که مستقیم و با ذکر نام و تصویر مورد اهانت و افترا قرار گرفته بود، وارد شود و بحث شد و توهین و افترا منتسب به وی را محرز دانست و مدیرمسئول آوا را مجرم شناخت. اما در مورد شکایت هشت نفر باقی‌مانده، چون با صراحت در نشریه مذکور نام و نشانی از آن‌ها به میان نیامده است، مطالب مورد شکایت منتسب به آن‌ها وارد تشخیص داده نشد. بنابراین هیأت منصفه مطبوعات شکایت آن‌ها را بدون ذکر نام و نشانی روشن مسموع ندانست.

۶. در مورد رسیدگی به شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات که در دهمین جلسه آن هیأت، به دادگاه جهت رسیدگی ارجاع گردیده و در صفحه ۹ ضمیمه به اهانت مدیرمسئول هفته‌نامه آوا نسبت به حضرت امام (ره) تصریح شده است و مطابق ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و تأیید قانون جدید مطبوعات نسبت به آن ماده، هیأت منصفه مطبوعات پیشنهاد کرد که این پرونده ابتدا باید مطابق نص صریح قانون فوق‌الذکر در مورد اتهام مذکور و ادامه فعالیت یا عدم فعالیت آن مطابق قانون مطبوعات (ماده ۲۷) رسیدگی و تصمیم‌گیری کرده و پس از انجام وظایف قانونی خود، پرونده را به دادگاه ارجاع نماید. لذا به علت عدم معرفی نماینده از سوی هیأت نظارت برای توضیح شکایت و عدم انجام وظایف قانونی به وسیله هیأت نظارت، سرانجام هیأت منصفه به اتفاق آرا تصمیم گرفتند تا پرونده مذکور به لحاظ نقصان مذکور به هیأت محترم نظارت بر مطبوعات اعاده گردد تا پس از رفع نواقص مقدماتی قانونی، به محاکمه صالحه ارجاع گردد.

۷. در خصوص شکایت سپاه پاسداران و بسیج نجف‌آباد علیه مدیرمسئول نشریه آوا مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، هیأت منصفه مطبوعات پس از مطالعه شکایت شاکی و استماع دفاعیه متهم و وکیل وی، وارد شور و بحث شد و سرانجام مدیرمسئول هفته‌نامه آوا را در مورد نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به اتفاق آرا مجرم شناخت.

۸. هیأت منصفه مطبوعات در مورد شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی از مدیرمسئول

نشریه آوا مبنی بر افترا و تهمت، وارد بحث و تبادل نظر شد و سرانجام به اتفاق آرا مدیرمسئول نشریه آوا را به اتهام افترا مجرم شناخت.

۹. درباره شکایت مدعی العموم از مصطفی ایزدی مدیرمسئول نشریه آوا مبنی بر اتهام نشر اکاذیب، افترا و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، هیأت منصفه مطبوعات پس از شنیدن و مطالعه شکایت وکیل مدافع مدعی العموم و استماع دفاعیات مدیرمسئول نشریه آوا و وکیل وی، وارد شور و بحث و مشورت شد و سرانجام هیأت منصفه مطبوعات به اتهام توهین و اهانت به نهادهای قانونی کشور منجمله شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی به اتفاق آرا نامبرده را مجرم شناخت. ۱۰. هیأت منصفه همچنین پس از بررسی های همه جانبه با توجه به در نظر گرفتن سوابق چند ساله متهم در اوایل انقلاب و این استنباط که وی ممکن است در آینده مسیر مستقیمی را در جهت اهداف عالی انقلاب اسلامی و نظام و رهبری و مصالح کشور تعقیب نماید، وی را به شرح مواد مذکور در بالا و با در نظر گرفتن عذرخواهی و اظهار ندامت متهم از کلیه شکات و همچنین عذرخواهی وکیل مدافع وی از شاکیان، وی را علی رغم تعدد جرائم مستحق تخفیف می داند.

رای دادگاه

دادگاه با توجه به مجموع محتویات پرونده و مشروح نظریه اعضای محترم هیأت منصفه به شرح فوق به استناد ماده ۴۰ قانون مطبوعات متهم را در رابطه با نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی موضوع شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم، سپاه پاسداران، بسیج نجف آباد، وزارت اطلاعات، محمود شهیدی مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان اصفهان، دادستان ویژه روحانیت استان اصفهان به استناد ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی با ملحوظ نظر داشتن ماده ۴۷ همان قانون از جهت تعدد جرم و همچنین با لحاظ نمودن اعلام استحقاق از طرف اعضای محترم هیأت منصفه نامبرده را به ۵۵ روز حبس تعزیری محکوم می نماید و به استناد بند الف تبصره ماده ۳۵ قانون مطبوعات، حبس مذکور را به پرداخت جزای نقدی به مبلغ ده میلیون ریال محکوم می نماید. همچنین دادگاه نامبرده را در رابطه با توهین و اهانت موضوع شکایت مدعی العموم، وزارت اطلاعات، محمود شهیدی مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان اصفهان، دادستان ویژه روحانیت استان اصفهان و کمیل کاوه، به استناد ماده ۴۷ همان قانون از جهت تعدد جرم و همچنین با لحاظ نمودن اعلام استحقاق تخفیف از طرف هیأت منصفه نامبرده را به ۵۵ روز حبس تعزیری محکوم و به استناد بند (ب) تبصره ماده ۳۵ قانون مجازات حبس مذکور را به دو سال محرومیت از کلیه مشاغل و مسؤولیت های مطبوعاتی محکوم می نماید.

دادگاه متهم را در رابطه با ایراد تهمت و افترا موضوع شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم، محمود شهیدی مدیرکل سابق اداره‌کل اطلاعات استان اصفهان، وزارت اطلاعات، دادستان ویژه روحانیت استان اصفهان، باتوجه به اعلام مجرمیت از طرف اعضای محترم هیأت منصفه در این خصوص نامبرده را به استناد ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی با ملحوظ نظر داشتن اعلام استحقاق تخفیف به تحمل ۲۵ روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید و به استناد بند الف تبصره ماده ۳۵ قانون مطبوعات مجازات حبس فوق به پرداخت چهار میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت تبدیل می‌نماید.

دادگاه باتوجه به مجموع محتویات پرونده و بررسی عملکرد هفته‌نامه‌آوا و جرائم ارتكابی اصرار مدیرمسئول در تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات مستفاد می‌گردد به استناد تبصره بند ۱۰ ماده ۶ قانون مطبوعات حکم به لغو امتیاز نشریه‌آوا به‌صورت دائم و اعلام می‌نماید. همچنین دادگاه در تبعیت از نظریه اعضای محترم هیأت منصفه در رابطه با اعلام شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات و نواقصی که به موجب آن شکایت مذکور قابل رسیدگی تشخیص داده نشد، عیناً مراتب را به هیأت نظارت بر مطبوعات اعاده تا پس از رفع نقص رسیدگی گردد و در این رابطه پرونده نشریه‌آوا مفتوح می‌باشد.

همچنین دادگاه در رابطه با اعلام شکایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم و هشت نفر از اعضای منتسب به انصار ولایت اصفهان که در نشریه‌آوا با صراحت نامی از آن‌ها برده نشده و سایر مواردی که اعضای هیأت منصفه به شرح فوق‌الذکر مدیرمسئول نشریه‌آوا را مجرم ندانستند، به استناد ماده ۴۳ قانون مطبوعات حکم برائت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه گوناگون

نام نشریه: گوناگون

مدیرمسئول: فاطمه فرهمندپور

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۶/۱۵

شماره دادنامه: ۵۲۵، کلاسه پرونده: ۱۹۲/۱۴۱۰/۷۹

اتهام: واگذاری غیرقانونی نشریه به شرکت جامعه روز، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی،

توهین به مسئولان نظام، تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی

شاک: مدعی العموم

رای دادگاه: دو سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی. (شش ماه و دو روز حبس که به مدت دو سال

محرومیت تبدیل شد)

توقیف هفته نامه گوناگون

روابط عمومی دادگستری استان تهران چهارم مردادماه ۱۳۷۹ اعلام کرد: هفته نامه گوناگون به مدیرمسئولی فاطمه فرهمندپور به استناد بندج ماده ۷ و تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات از سوی شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران توقیف شد.

در این اطلاعیه آمده است: برابر بند ب ماده ۳۳ قانون مطبوعات پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود، ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد. شکایت اخیر مدعی العموم علیه مدیرمسئول این هفته نامه و مفاد بازجویی و اظهارات خانم فرهمندپور و وکیل مدافع وی حکایت از آن دارد که گردانندگان روزنامه های لغو امتیاز شده جامعه، توس، نشاط و روزنامه توقیف شده عصر آزادگان طی قراردادی امتیاز هفته نامه گوناگون را برای انتشار و چاپ مطالب مورد نظر خود در اختیار گرفته اند.

بر اساس این اطلاعیه، این عده تحت لوای مشارکت در سود مالی و تقسیم آن پس از یک دوره زمانی در واقع اقدامات روزنامه های لغو امتیاز شده فوق را با در اختیار گرفتن امتیاز نشریه گوناگون

ادامه می‌دادند که این امر مخالف صریح تبصره ۳ ماده ۸ و بند ب ماده ۳۳ قانون مطبوعات می‌باشد. در این اطلاعیه تصریح شده، اظهارات مدیرمسئول هفته‌نامه «گوناگون» که در معیت وکیل مدافع خود در تاریخ سوم مردادماه سال جاری مکتوب و ضمیمه پرونده نموده نیز حکایت از آن دارد که گردانندگان روزنامه‌های لغو امتیازشده فوق با تشکیل مؤسسه‌ای که فاقد امتیاز و جاهت و پروانه قانونی است و با تشکیل شورایی به‌عنوان شورای سردبیری که اعضای آن غیر از مدیرمسئول قانونی نشریه است، مبادرت به تهیه و چاپ مطالبی می‌نمودند که بنا به اقرار مدیرمسئول، بعضی از این مطالب مخالف نظر وی بوده است. آن‌ها همچنین مقرر کرده بودند که هرچه شورای مذکور که فاقد مبنای قانونی می‌باشد، تشخیص داد در هفته‌نامه چاپ شود. با توجه به تحقیقات انجام شده و اظهارات صریح مدیرمسئول هفته‌نامه «گوناگون»، تخلف این نشریه از مقررات قانون مطبوعات به شرح فوق ثابت و محرز تشخیص داده شد و شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران دستور توقیف موقت نشریه را صادر کرد. دستور قضایی فوق به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع است.

مشروح دادگاه

نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول هفته‌نامه «گوناگون» چهاردهم شهریورماه ۱۳۷۹ با حضور اعضای هیأت منصفه^۱ برگزار شد.

در ابتدای جلسه رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه جرائم ویژه کارکنان دولت گفت: این هفته‌نامه با توجه به مدارک موجود در پرونده، به شرکت جامعه‌روز اجاره داده شد و طبق تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات که به صراحت این عمل را جرم تشخیص می‌دهد، این هفته‌نامه توقیف شد.

قاضی دادگاه سپس از نماینده مدعی‌العموم خواست مورد شکایت خود علیه مجله «گوناگون» را مطرح کند.

تشکری گفت: نشریات به سرعت روییده در راه آزادی از نوع غربی قلم می‌زنند و به هرآنچه در منافعشان نباشد، با نام استبداد و غیرآزادی حمله می‌کنند.

وی گردانندگان شرکت جامعه‌روز را فاقد صلاحیت اخلاقی و شرعی دانست و گفت: انجام کارهای غیراخلاقی از جمله کارهای متداول آنان است که از سوی مراجع غیرقانونی و مخالف نظام پشتیبانی مالی می‌شوند که البته در این زمینه پرونده‌ای در دادگاه تشکیل شده است.

۱. حبیب‌الله عسگرولادی، فاطمه کروی، حجت‌الاسلام شیبیری، جمال شورجه، محمد ناصری صالح‌آبادی، علی‌اکبر کسبایان و حمید انصاری، محمدرضا سرشار، سیدشهاب‌الدین صدر، محسن دعاگو، دکتر زادکانی.

نماینده مدعی العموم به مطالب نشریه گوناگون پس از قرارداد با شرکت جامعه روز اشاره کرد و گفت: در پنج شماره‌ای که این نشریه به صورت روزنامه منتشر کرده، با چاپ مطالبی از آقایان قوچانی، ابراهیم نبوی، مسعود بهنود و علیجانی، عناد خاص خود را به طور علنی به نمایش گذاشته است. وی اقدامات مدیرمسئول نشریه گوناگون در چاپ مطالب را از مصادیق نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، توهین به مسؤولان نظام و واگذاری نشریه را غیرقانونی دانست و طبق مواد ۵۰۰، ۶۹۷، ۶۹۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی خواستار مجازات مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون شد.

پس از شکایت نماینده مدعی العموم، مدیرمسئول نشریه گوناگون با حضور در جایگاه به دفاعیات خود در بخش واگذاری نشریه به شرکت جامعه روز پرداخت. فاطمه فرهنگدپور تصریح کرد که اجاره یا واگذاری نشریه را به هیچ وجه نمی‌پذیرم.

فرهنگدپور افزود: هدف از چاپ مطالب مخالف این بود که مورد نقد قرار گیرد تا برداشت حقیقی از این مطالب صورت گیرد. هدفم این بود که به دنیا بفهمانم که در جامعه شیعی یک زن مسلمان می‌تواند در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بسط اندیشه‌های دینی فعالیت داشته باشد و تمام اتهامات برداشت نماینده مدعی العموم است.

وی اظهار داشت: شرکت جامعه روز تنها خدمات چاپی را به عهده داشت. کدام عقل سلیم قبول می‌کند که با اهدافی که ذکر شد و با توجه به اعتقادات دینی و ارزش‌هایی که به آن اعتقاد دارم، نشریه را واگذار کنم و یا اجاره دهم. هر هفته از قم به تهران می‌آمدم تا مطالب نشریه و حتی ترجمه‌ها را به دقت مطالعه کنم و نسبت به آنان وسواس داشتم.

فرهنگدپور با بیان این مطلب که هدفم این نبود که نظام و اندیشه دینی زیر سؤال برده شود، گفت: برای این‌که جامعه با دیدگاه‌های مختلف آشنا شود و بر قدرت تشخیص و انتخابش افزوده شود، اقدام به چاپ مطالب هرچند مخالف نظراتم می‌کردم. ولی نمی‌دانستم که استفاده از نویسندگان کشورم روزی برایم گران تمام می‌شود.

قاضی در ادامه به اظهارات باقر ولی‌بیگ نماینده شرکت جامعه روز در بازجویی اشاره کرد و به نقل از وی گفت: طی یک جلسه بر سر موضوع قرارداد با خانم فرهنگدپور توافق شد و نسخه‌ای از قرارداد مربوط به اخبار اقتصاد را به ایشان نشان دادم و قرار شد که کیفیت قرارداد به همین نحو باشد. قرار شد بابت هر شماره پنجاه هزار تومان به طور ثابت از طرف شرکت جامعه روز به مدیرمسئول گوناگون پرداخت شود و بابت افزایش هر نسخه نیز مبلغی در نظر گرفته شده بود. ولی‌بیگ گفته است که بابت هر شماره اول نشریه جدید گوناگون مبلغ ۳۰۰ هزار تومان دریافت

کردند.

رمضان حاجی‌مشهدی وکیل خانم فرهمندپور با استقرار در جایگاه گفت: در صورت رؤیت قرارداد مشخص می‌شود که این قرارداد به امضای موکل من نرسیده است و تنها مذاکراتی در جهت توافق با نماینده شرکت مذکور صورت گرفته است.

وی با بیان این مطلب که موکل من قرارداد مکتوب انجام نداده و چیزی به عنوان مشارکت بوده است، گفت: این مذاکرات یک جرم عقیم بوده که محقق نشده است و تنها امضای قرارداد است که می‌تواند برای طرفین مسؤولیت به وجود آورد.

قاضی مرتضوی گفت: طبق قانون هر نوع واگذاری - حتی اگر شفاهی باشد - جرم تلقی شده و عدم امضا جرم را عقیم نمی‌کند. عملاً مفاد قرارداد اجرا شده و مدیرمسئول حقوق ثابت نیز دریافت کرده است که اسناد آن موجود است.

پس از اظهارات مدیرمسئول نشریه گوناگون و وکیل مدافع وی، قاضی دادگاه با اعلام ختم جلسه، به دلیل عدم آمادگی مدیرمسئول نشریه گوناگون برای دفاع از مطالب مندرج در نشریه ادامه جلسه دادرسی را به وقت دیگری موکول کرد.

در دومین جلسه قاضی مرتضوی اتهامات مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون را تبلیغ علیه نظام و توهین به مسئولان آن، نشر اکاذیب علیه مسئولان و اجاره دادن نشریه به غیر و واگذاری غیرقانونی آن به نماینده جامعه روز دانست.

فاطمه فرهمندپور در دفاع از خود گفت: اسلام می‌تواند پاسخگوی تمام مسائل و شبهات مطرح شده باشد و بزرگ‌ترین دشمن قرآن نیز جمود در تفکر و اندیشه است. نماینده مدعی‌العموم به گونه‌ای اتهامات را مطرح می‌کند که گویی با بیگانه طرف است، درحالی‌که بنده به راحتی می‌توانم فرق تفکر علوی و اموی را تشخیص دهم. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند تاکنون اشتباه و خطا نکرده است، اما مهم این است که باید دید با خطا چگونه برخورد می‌شود. ما انتظار داشتیم که در نخستین خطا مسئولان به ما تذکر بدهند که این چنین نشد و من به عنوان زن مسلمان وارد عرصه مطبوعات شدم و با یادداشت‌های متفاوت خود قصد داشتم ارزش‌های دینی و اسلامی را ترویج دهم و همیشه عشق به ولایت داشته و دارم و سعی داشتم این عشق را به امپریالیسم خبری منتقل کنم. من معتقدم با نسل جوان با زبان هنر، عشق و موسیقی باید سخن گفت و ارزش‌ها را به آنان منتقل کرد. مدعی‌العموم در طرح اتهامات باید ثابت می‌کرد که هدف از نوشتن مطالب توهین به نظام بوده است. توهین نیاز به الفاظ رکیک و داشتن قصد وهن دارد، درحالی‌که در هیچ‌یک از مقالات توهین به مسئولان نظام نشده است. قاضی باید اصل را بر براءت بگذارد، نه این‌که اصل را بر مجرمیت متهم.

من اگر ذره‌ای احساس می‌کردم در مقالات به مسؤولان نظام توهین شده، آن‌ها را به بایگانی می‌سپردم. دادگاه نیز می‌تواند از صاحبان اثر بخواهد ادله خود را مطرح کنند. وی گفت: آیا منتقدان دولت نیز در راستای مقابله به نظام جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارند. نباید معتمدان به نظام را یک از صحنه خارج کرد. چاپ مقالات دلیل بر موافقت کامل با آن‌ها نیست، بلکه بسیاری از مقالات برای تنویر افکار عمومی مطرح می‌شود. فرهنگ‌پور گفت: من هیچ‌گاه نشریه‌ام را به کسی اجاره نداده یا واگذار نکرده‌ام، بلکه قرار بود به‌صورت مشارکت با شرکت جامعه‌روز همکاری داشته باشم که تاکنون نیز قراردادی در این زمینه امضا نشده است.

قاضی دادگاه گفت: مسعود بهنود گفته است که تاکنون خانم فاطمه فرهنگ‌پور مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون را ندیده‌ام و مطالب خود را به حمیدرضا جلالی‌پور می‌دادم و ایشان پس از حذف مواردی از مقاله‌ام آن را به چاپ می‌رساند.

وکیل متهم در پاسخ به قاضی گفت: فرهنگ‌پور با شرکت جامعه‌روز به‌صورت مشارکت کار می‌کردند نه به‌عنوان مؤجر و مستأجر.

قاضی در ادامه جلسه دادگاه با تأکید بر این‌که فرهنگ‌پور بر مقالات چاپ شده هفته‌نامه گوناگون نظارت نداشته است، گفت: بهنود گفته است که فرهنگ‌پور را نمی‌شناسد و وی را اصلاً ندیده است. احمدی یکی دیگر از وکلای فرهنگ‌پور گفت: هر بخشی از مقالات که متضمن توهین به مسؤولان نظام باشد، هیچ‌گونه دفاعی درباره آن‌ها ندارم.

رمضان حاجی مشهدی وکیل دوم خانم فرهنگ‌پور در سخنانی گفت: مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون و نویسندگان آن مرتکب جرمی جز ابراز عقیده خود نشده‌اند. بهنود هیچ‌گونه اهانتی نکرده است، بلکه در کشاکش درگیری‌های سیاسی خواسته است که به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر تذکراتی داده باشد و فقدان سابقه کیفری، دفاع از دین مبین اسلام و دولت جمهوری اسلامی از نقاط مثبت فرهنگ‌پور است.

پس از پایان دفاعیات قاضی دادگاه ختم جلسه را اعلام کرد.

نظر هیأت منصفه و رأی دادگاه

ده نفر از اعضای محترم هیأت منصفه حاضر پس از ختم جلسه وارد شور شده و با ملحوظ نظر داشتن شکایت نماینده مدعی العموم مدافعات خانم فاطمه فرهنگ‌پور و وکلای مدافع وی و بررسی مجموع محتویات پرونده و مطالب مندرج در پنج شماره اخیر دوره جدید هفته‌نامه گوناگون پس از

واگذاری به شرکت جامعه روز به شرح ذیل اعلام نظر نمودند:

۱. اعضای هیأت منصفه با اکثریت مطلق آرا مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون را در رابطه با واگذاری امتیاز این نشریه به نماینده شرکت جامعه روز مجرم تشخیص دادند.

۲. اعضای هیأت منصفه در رابطه با شکایت نماینده مدعی العموم در خصوص چاپ و انتشار مقاله آقای محمد قوچانی در هفته‌نامه گوناگون، مدیرمسئول این هفته‌نامه را به‌عنوان تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی با اکثریت آرا مجرم تشخیص دادند.

۳. اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون را در رابطه با چاپ مطلب آقای ابراهیم نبوی در دوره جدید این نشریه به‌عنوان نشر اکاذیب مجرم تشخیص دادند.

۴. در رابطه با اتهام دیگر مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون مبنی بر چاپ مقالات آقای مسعود بهنود در شماره‌های دوره جدید نشریه، هیأت منصفه پس از قرائت مقاله و بررسی و شور لازم، نامبرده را به‌عنوان تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و مسؤولان نظام اسلامی، مجرم تشخیص دادند.

۵. نهایتاً اعضای هیأت منصفه باتوجه به سوابق مثبت مطبوعاتی خانم فرهمندپور قبل از عقد قرارداد واگذاری امتیاز این نشریه به نماینده شرکت جامعه روز و نوع دفاعیات وی در دادگاه و نیز اعلام اعتقاد مستحکم نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه از آن‌جاکه سوابق نامبرده در سال‌های قبل و شماره‌های دوره قبلی و پیش از واگذاری نشان می‌دهد که جرائم فوق که منتهی به اعلام مجرمیت مشارالیه‌ها شده از زمانی رخ داده که نامبرده امتیاز نشریه خود را به نماینده شرکت جامعه روز واگذار کرده و درواقع مطالب مجرمانه مورد ادعای نماینده مدعی العموم توسط طرف دیگر قرارداد یعنی شرکت جامعه روز تهیه و منتشر شده است و نویسندگان آن نیز همان نویسندگان سایر روزنامه‌های توقیف و لغو امتیاز شده شرکت جامعه روز می‌باشند، لذا هیأت منصفه مطبوعات به اتفاق آرا و باتوجه به شرایط فوق در رابطه با هفته‌نامه گوناگون مدیرمسئول آن را مستحق تخفیف مجازات دانست.

دادگاه باتوجه به مجموع محتویات پرونده و نظریه اعضای محترم هیأت منصفه به شرح فوق‌الذکر متهم را از جهت واگذاری امتیاز هفته‌نامه گوناگون به شرکت جامعه روز و طبعاً چاپ این هفته‌نامه به‌جای نشریات قبلی توقیف و لغو امتیاز شده در اختیار این شرکت باتوجه به اقرار صریح آقای باقر ولی‌بیگ نماینده شرکت جامعه روز و اظهارات مقرون به اقرار مدیرمسئول و وکیل مدافع وی به شرح محتویات پرونده و پیش‌نویس قرارداد مذکور که ضمیمه پرونده می‌باشد مجرمیت وی را ثابت و محرز تشخیص و به استناد تبصره ۳ ماده ۸ و بند ب ماده ۳۳ و بند ج ماده ۷ قانون

مطبوعات نامبرده را به شش ماه محرومیت از انتشار هفته‌نامه گوناگون محکوم می‌نماید. همچنین در خصوص اتهام دیگر نامبرده مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به شرح مذکور در نظریه هیأت منصفه نامبرده را به تحمل سه ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم و با اختیار حاصله از تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مطبوعات مجازات حبس مذکور را به یک‌سال محرومیت از مسؤلیت‌های مطبوعاتی اعم از مدیرمسئولی و صاحب امتیازی هفته‌نامه گوناگون یا هر نشریه دیگر تبدیل و محکوم می‌نماید و در خصوص اتهام دیگر نامبرده مبنی بر تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی در مقالات مربوط به آقای مسعود بهنود و محمد قوچانی با توجه به نظریه هیأت منصفه و با ملحوظ نظر داشتن اعلام اشتباه و خطا از طرف نویسندگان مقالات مذکور یعنی آقایان بهنود و قوچانی به شرح ضمیمه پرونده به استناد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی حبس فوق را به یک‌سال محرومیت از مسؤلیت‌های مطبوعاتی اعم از مدیرمسئولی و صاحب امتیازی هفته‌نامه گوناگون یا هر نشریه دیگر تبدیل و محکوم می‌نماید و در خصوص اتهام دیگر نامبرده مبنی بر توهین به مسؤلان نظام مقدس جمهوری اسلامی موضوع ماده ۲۷ قانون مطبوعات از آن‌جا که اهانت مذکور مربوط به مقالات آقای مسعود بهنود بوده که هیأت منصفه به مجرمیت با داشتن استحقاق تخفیف اظهار نظر نموده. دادگاه با عنایت به مشروح مدافعات خانم فاطمه فرهمندپور اعم از اظهارات وی در جلسه علنی دادگاه و خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی که صریحاً اظهار داشته با مقالات و مطالب آقای بهنود مخالفت داشته و صرفاً به لحاظ نظر اعضای شورای سردبیری مطالب فوق به چاپ رسیده علی‌رغم اعلام مجرمیت اعضای محترم هیأت منصفه در این رابطه به لحاظ مجموع مدافعات مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون با اختیار حاصله از تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون مطبوعات نامبرده را در این رابطه بی‌گناه تشخیص و رأی به برائت وی صادر و اعلام می‌نماید. دادگاه همچنین نامبرده را در رابطه با مقاله "لامساس" و مواردی که هیأت منصفه مدیرمسئول را مجرم ندانست به استناد ماده ۴۳ قانون مطبوعات به برائت مشارالیه‌ها اصدار رأی می‌نماید که با ملحوظ نظر داشتن رأی صادره به شرح فوق قرار توقیف موقت سابق‌الصدور ملغی‌الاثری می‌باشد. رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه میلداد

نام نشریه: هفته نامه میلداد

مدیرمسئول: غلامرضا حسینی فر

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۴

اتهام: چاپ عکس خلاف عفت عمومی

شاکی: نیروی انتظامی

رأی دادگاه: یک سال محرومیت از مدیرمسئولی نشریه.

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاهی که در ۴ مهرماه برگزار شد، قاضی صارمی به قرائت شکایت شاکی (نیروی انتظامی) پرداخت و گفت: این نیرو از مجله میلداد و مدیرمسئول آن آقای غلامرضا حسینی فر به لحاظ چاپ عکس هنرپیشه های قبل از انقلاب و یک خانم بی حجاب در شماره ۲۶ اردیبهشت امسال شکایت کرده است.

رئیس دادگاه سپس از حسینی فر خواست از خود دفاع کند.

مدیرمسئول نشریه میلداد گفت: این عکس در نشریات دیگر هم چاپ شده و چون در این مجله به صورت سیاه و سفید چاپ شده، بی حجاب نشان می دهد، درحالی که عکس اصلی آن با حجاب کامل است.

وی با نشان دادن این عکس گفت: در این خصوص دفاع دیگری ندارم.

نظر هیأت منصفه^۱ و رأی دادگاه

اعضای هیأت منصفه در خصوص چاپ عکس خلاف عفت عمومی در نشریه میلداد، مدیرمسئول

۱. اعضای هیأت منصفه: حجت الاسلام جعفر شبیری، محمد ناصری صالح آبادی، جمال شورجه، علی اکبر کسانیان، داوود میرباقری، شعبان شهیدی و خانم فاطمه کروی.

۱۳۵۲ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

نشریه را با اکثریت قریب به اتفاق به خاطر درج عکس بی‌حجاب و خلاف شرع و عفت عمومی مجرم ولی وی را مستحق تخفیف دانست. دادگاه باتوجه به نظریه هیأت منصفه مدیرمسئول نشریه را به یکسال محرومیت از مدیرمسئولی نشریه محکوم کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه آوای اردبیل

نام نشریه: هفته نامه آوای اردبیل

مدیرمسئول: محسن حافظی فر

شعبه رسیدگی کننده: شعبه اول دادگاه عمومی اردبیل، حجت الاسلام جباری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۲۷

اتهام: نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و توهین

شاکی: مدیرکل راه و ترابری استان اردبیل

رای دادگاه: حکم برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

احمد صادقی مدیرکل راه و ترابری استان اردبیل در مورد یک خبر و دو تحلیل درج شده در شماره اخیر نشریه آوای اردبیل مدیرمسئول و نویسندگان این مقاله ها را به نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و توهین به وی متهم کرده است.

در جلسه دادگاه مطبوعات استان اردبیل که ۲۷ تیرماه به ریاست حجت الاسلام جباری برگزار شد، ابتدا مدیرکل راه و ترابری اردبیل شکایات خود را از مدیرمسئول و نویسندگان نشریه آوای اردبیل مطرح کرد.

در ادامه جلسه دادگاه، محسن حافظی فر مدیرمسئول آوای اردبیل و وحید درگاهی سردبیر و اکبر صمدی نویسنده این هفته نامه در مقابل اتهامات وارده از خود دفاع کردند.

هیأت منصفه مطبوعات در پایان جلسه دادگاه پس از شور با اکثریت آرا مدیرمسئول و نویسندگان هفته نامه آوای اردبیل را مجرم ندانسته و دادگاه حکم به تبرئه متهمان داد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه قم امروز

نام نشریه: هفته نامه قم امروز

مدیرمسئول: رضا دلاوری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه یک دادگستری قم، شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قم، قاضی حسین طالبی، مستشار سیدمجتبی قریشی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۱۳

شماره دادنامه: ۷۸۹، ۷۸۸، ۷۸۷، ۸۷۶، ۸۷۵، ۸۷۴، ۸۷۳-۷۹/۵/۲۹ کلاسه پرونده: ۷۳۶/۱/۷۹ و

۲۷۳/۱/۷۹ و ۹۱۷/۱/۷۹ و ۷۱۱/۱/۷۹ و ۶۳۱/۱/۷۹ و ۳۶۰۱/۱/۷۹ و ۳۴۲/۱/۷۹ و ۲۷۳/۱/۷۹

شماره دادنامه: ۹۰۸-۱۳۷۹/۸/۲۸، کلاسه پرونده: ۸۹۳/۱/۷۹ ت

اتهام: چاپ و نشر مطالب خلاف واقع، نشر اکاذیب، افترا

شاکاکی: رئیس دانشکده عقیدتی سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه و فرمانده بسیج سپاه قم
رای دادگاه: یک میلیون ریال جزای نقدی، شش ماه حبس، یک سال محرومیت از تصدی
فعالیت های مطبوعاتی، تأیید رای در دادگاه تجدیدنظر.

نظر هیأت منصفه و رای دادگاه

هیأت منصفه رضا دلاوری مدیرمسئول قم امروز را در سه مورد بزهکار ولی مستحق تخفیف دانست. این هیأت همچنین مدیرمسئول را در یک مورد مجرم ندانست.

شعبه یکم دادگستری قم بر اساس نظر هیأت منصفه رای خود را به شرح ذیل اعلام کرد: مدیرمسئول هفته نامه قم امروز حسب شکایت رئیس دانشکده عقیدتی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه علیه نامبرده مبنی بر چاپ و نشر مطلب خلاف واقع و حسب شکایت فرماندهی سپاه منطقه قم علیه نامبرده مبنی بر نشر اکاذیب و افترا مجرم شناخته و به استناد مواد ۳۵ و ۶ قانون مطبوعات و ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و شش ماه حبس تعلیقی طی دو سال و یک سال محرومیت از مسؤولیت های مطبوعاتی محکوم می شود.

رأی دادگاه تجدیدنظر

دلاوری مدیرمسئول هفته‌نامه قم امروز ضمن اعتراض به رأی صادره و غیرعلنی بودن دادگاه گفت: هیأت منصفه در مقام نماینده افکار عمومی بایستی از صدور احکام شدید و خشن علیه نشریات جلوگیری کند، در صورتی که در مورد پرونده‌های مطروحه، هیأت منصفه دادگاه را در جهت برقراری اشد مجازات هدایت نموده است.

وی سپس با ارسال لایحه تقاضای تجدیدنظرخواهی به دادگاه تجدیدنظر استان قم خواستار رسیدگی مجدد به پرونده شد.

دادگاه شعبه یکم تجدیدنظر استان قم نیز در رأی خود اعلام کرد: رضا دلاوری مدیرمسئول هفته‌نامه قم امروز حسب شکایت شکات محکوم شد و پس از ابلاغ دادنامه طی لایحه‌ای با این خلاصه که: ۱. اکثر مسؤولان اجرایی چون قدرت تحمل انتقاد را ندارند و به مراجع قضایی شکایت می‌نمایند. ۲. اکثر مسؤولان قم با قانون مطبوعات آشنا نیستند و طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات حق ارسال پاسخ مطالب و درج مجانی آن را دارند و اگر امتناع شد حق شکایت در دادگستری را دارند، ولی دادگستری به این مهم توجه نکرده است. ۳. رابطه علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه لازم است و سوءنیتی در کار نبوده است. ۴. هیأت منصفه مطبوعات باید مستقل از هیأت حاکمه باشد نه از منصوبین هیأت حاکمه. ۵. دادگاه می‌تواند در جرائم مطبوعاتی حبس را به محرومیت از مسؤولیت‌های مطبوعاتی تبدیل نماید، درحالی که هم حبس و هم محرومیت را در نظر گرفته است، به دادنامه مذکور اعتراض و از آن تجدیدنظرخواهی نموده است و پرونده در این مرجع مورد رسیدگی واقع شده و تمامی نکات لایحه تجدیدنظرخواهی وی مورد بررسی قرار گرفته است، لکن باتوجه به این که اولاً تجدیدنظرخواه در بندهای یک و در لایحه خود به ماده ۲۳ قانون مطبوعات استناد کرده درحالی که تبصره ۴ ماده مذکور صراحت دارد که اقدامات موضوع ماده یاد شده و تبصره‌های آن نافذ اختیارات شاکی از جهت شکایت به مراجع قضایی نمی‌باشد. ثانیاً محرومیت به حبس و محرومیت از مسؤولیت مطبوعاتی با عنایت به ماده ۶۹۷ و ۱۹ از قانون مجازات اسلامی تجویز شده و رأی دادگاه بدوی از این حیث نیز منطبق با قانون بوده و تبصره ماده ۳۵ قانون مطبوعات در مورد تبدیل حبس به محرومیت از مسؤولیت مطبوعاتی در مقام بیان جواز آن برای دادگاه بوده و الزامی نمی‌باشد. ثالثاً سایر مطالب مندرج در لایحه تجدیدنظرخواهی از جمله علنی نبودن دادگاه با لحاظ عدم منع دادگاه بدوی از علنی بودن رسیدگی به نظر دادگاه موجه نمی‌باشد. دادگاه تجدیدنظرخواهی موصوف را با عنایت به جهات یاد شده موجه ندانسته و به استناد به بند الف ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن رد آن رأی به تأیید و ابرام دادنامه تجدیدنظرخواسته صادر می‌نماید. این رأی حضوری و قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه روز درآ

نام نشریه: روزنامه روز درآ
مدیرمسئول: داوود اللهوردی نیک
شعبه رسیدگی کننده: شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی، مهدی سلامی، دادگاه تجدیدنظر
تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۵/۱۰ تاریخ توقیف: ۱۳۷۹/۱۲/۶ لغو امتیاز
اتهام: توهین به نظام و مسؤولان (چاپ و انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به امام خمینی و مقام معظم رهبری)
شاک: هیأت رزمندگان، مدعی العموم
رای دادگاه: لغو امتیاز نشریه، پنج ماه و بیست روز حبس تعزیری و سه و نیم میلیون ریال جزای نقدی و تأیید حکم در دادگاه تجدیدنظر.

توقیف نشریه

به حکم شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی زاهدان روزنامه محلی روز درآ به دلیل چاپ مقاله‌ای اهانت آمیز توقیف شد. این حکم که به استناد ماده ۲۷ قانون مطبوعات و ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی و نیز بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی صادر شده است، به چاپ مطلبی تحت عنوان "اقتدارگرایان در ترازوی نقد" در شماره ۲۵۲ و ۲۵۴ آن روزنامه مربوط می‌شود.

داوود اللهوردی نیک مدیرمسئول این نشریه گفت: دادگاه انقلاب اسلامی از مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان خواسته تا از انتشار نشریه روز درآ جلوگیری کند. رونوشت این حکم نیز به دفتر نشریه ابلاغ شده و دادگاه، یکی از مقالات وارده این نشریه را توهین به نظام و مسؤولان تلقی کرده است. ارائه دهنده همین مقاله به روز درآ، قبل از چاپ آن تمامی تبعات درج در نشریه را پذیرفت، ولی هم‌اکنون ادعا می‌کند آن را برای چاپ نداده و قصد داشته از آن در یک نشریه داخلی دانشگاه سیستان و بلوچستان استفاده کند.

مدیرمسئول روز درآ گفت: براساس قانون تنها به دستور هیأت نظارت بر مطبوعات چاپ یک نشریه متوقف می‌شود. در پی صدور و دریافت این حکم، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استعلام کردم ولی هنوز پاسخی دریافت نشده است و این نشریه به فعالیت خود تا دریافت حکم قطعی توقیف از سوی مراجع قانونی ادامه می‌دهد.

جلسه دادگاه

دادگاه علنی رسیدگی به اتهامات روزنامه روز درآ چاپ زاهدان روز هشتم بهمن ماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان برگزار شد.

قاضی دادگاه در این نشست با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات و نماینده رئیس حوزه قضایی استان، چاپ مقاله توهین‌آمیز با عنوان "اقتدارگرایان در ترازوی نقد" و انتشار مطالب توهین‌آمیز به امام راحل و مسؤولان نظام را از موارد اتهامی این پرونده برشمرد. مهدی سلامی افزود: پس از چاپ نخستین قسمت آن مقاله در نشریه روز درآ اعتراض‌های مختلفی از سوی ائتلاف مختلف مردم صورت گرفته است.

داوود اللوردی نیک مدیرمسئول روز درآ نیز در این دادگاه گفت: آنچه ما چاپ کردیم، نقد است و این با اهانت تفاوت دارد. مقاله مذکور در زمانی چاپ شده که من در مسافرت بودم و همکارانم به‌رغم این‌که من معتقد به اصلاح قسمت‌هایی از آن بودم، اقدام به چاپ آن کردند. وی در پاسخ به پرسش قاضی پرونده مبنی بر این‌که آیا ماهیت مقاله توهین‌آمیز است یا خیر؟ گفت: احتمال دارد این‌طور باشد اما در تمام شماره‌های روزنامه نوشته شده مقالات دیدگاه نویسندگان آن است و این مقاله از سوی فردی به نام "داریوش ایمانی" برای چاپ به نشریه ارائه شد.

وی در مورد ادامه چاپ قسمت دوم این مقاله در روز درآ افزود: وقتی قسمت نخست را چاپ کردیم، هیچ اعتراضی به ما نشد و عذرخواهی نویسنده هم پس از چاپ قسمت دوم آن بوده است و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان فقط در نامه‌ای تذکر داده بود که مقاله تند بوده و نخواستہ بود که ادامه‌اش منتشر شود.

در دومین جلسه مهدی سلامی قاضی پرونده و نماینده رئیس حوزه قضایی متن مقاله درج شده در نشریه را تحت عنوان "اقتدارگرایان در ترازوی نقد" را قرائت کرد. سپس مدیرمسئول و داریوش ایمانی نویسنده مقاله به دفاع از خود پرداختند. داریوش ایمانی متهم ردیف دوم ضمن انکار نوشتن مقاله مدعی شد این یک بیانیه تند است و نه مقاله که توسط علی بازگیر دبیر تشکیلات انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد نوشته شده و به اسم من در نشریه چاپ شده است. متهم ردیف سوم علی بازگیر نیز در اظهارات خود اتهام انتسابی دایر بر توهین به امام خمینی و مقام معظم رهبری از طریق تنظیم و نگارش مقاله را رد کرد و در دفاعیات خود اظهار داشت: من مقاله را از داریوش ایمانی گرفته تا آن را پاک‌نویس کنم و در نشریه انجمن با عنوان عصر اندیشه استفاده کنم.

نظر هیأت منصفه

هیأت منصفه پس از شور و بررسی هر سه متهم را با اکثریت آرا مجرم شناخت، همچنین با اکثریت آرا آن‌ها را مستحق تخفیف دانست.

رأی دادگاه

قاضی دادگاه رسیدگی به اتهام‌های مسؤولان نشریه روز درآ نیز گفت: علاوه بر لغو امتیاز این نشریه به اتهام چاپ یک مقاله توهین‌آمیز، سه متهم پرونده نیز به حبس تعزیری و جریمه نقدی محکوم شدند. مهدی سلامی افزود: پیرو شکایت مدعی‌العموم و تشکیل دادگاه با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات استان داوود الله‌وردی نیک مدیرمسئول این نشریه و متهم ردیف اول پرونده به پنج ماه و بیست روز حبس تعزیری محکوم شد. همچنین داریوش ایمانی و علی بازگیر متهمان ردیف‌های دوم و سوم این پرونده به ترتیب به پنج ماه و سه ماه و هفت روز حبس تعزیری محکوم شده‌اند. همچنین رأی دادگاه به متهمان ابلاغ شده و قابل تجدیدنظر خواهد بود.

تأیید حکم لغو امتیاز در دادگاه تجدیدنظر^۱

رئیس‌خانه مطبوعات سیستان و بلوچستان گفت: حکم لغو امتیاز روزنامه روز درآ چاپ زاهدان از سوی دادگاه تجدیدنظر این استان تأیید شده است.

محمد تقی رخشانی گفت: این نشریه با مسؤولیت داوود الله‌وردی نیک از سوی مراجع قضایی به اتهام انتشار مطالب توهین‌آمیز نسبت به مسؤولان نظام با چاپ مقاله‌ای به نام "اقتدارگرایان در ترازوی نقد" در مردادماه ۱۳۷۹ توقیف شده بود و دادگاه بدوی مدیرمسئول این نشریه را به پنج ماه و ۲۰ روز حبس تعزیری و پرداخت سه میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم کرده بود.

او گفت: این دادگاه داریوش ایمانی را به اتهام نوشتن مقاله یادشده به پنج ماه حبس تعزیری و پرداخت دو و نیم میلیون ریال جزای نقدی و علی بازگیر را به اتهام معاونت در آنچه این دادگاه بزه‌های فوق خوانده است، به سه ماه و هفت روز حبس تعزیری و پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی با احتساب ایام بازداشت محکوم کرده بود.

ابراهیم اعتصام عضو هیأت منصفه نظارت بر مطبوعات سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با ایرنا، صدور حکم لغو امتیاز روزنامه روز درآ را تأیید کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه پیام نو

نام نشریه: پیام نو

مدیرمسئول: علی اکبرزاده

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۳۸ دادگستری تبریز

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۵/۱۵

اتهام: نشر اکاذیب

شاکی: ستاد اقامه نماز آذربایجان شرقی

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

سردبیر نشریه پیام نو چاپ تبریز، اعلام کرد: علی اکبرزاده مدیرمسئول این نشریه از سوی شعبه ۳۸ دادگستری آذربایجان شرقی احضار شده است.

حجت الاسلام محمد حافظزاده، در تماس با خبرنگاری جمهوری اسلامی، علت این احضاریه را درج نقل قول هایی از اکبر اعلمی نماینده مردم تبریز در مجلس ششم، در شماره هشتم دی ماه سال گذشته ذکر کرد.

به گفته وی ستاد اقامه نماز آذربایجان شرقی، شاکی پرونده مطروحه می باشد.

وی اضافه کرد: اکبر اعلمی در مصاحبه خود با این نشریه تحت عنوان "از بهرمان رفسنجان تا تبریز آذربایجان" مسائلی چون شعور ملی و سیاسی، وفاق ملی، علل هویت گریزی و علت اطلاق دهکده بزرگ به تبریز، در زمان سفر رئیس جمهور وقت حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را مورد بررسی قرار داده بود.

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه توانا

نام نشریه: توانا

مدیرمسئول: ایرج رستگار

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۵/۱۵

اتهام: توهین، اهانت و هتک حرمت مسئولان نظام، ارگان‌ها و نهادهای آن، تخلف از ماده ۶ قانون

مطبوعات

شاکي: مدعی العموم

رأی دادگاه: پرونده مفتوح است.

خلاصه پرونده

هفته نامه توانا در تاریخ شنبه ۱۳۷۹/۵/۱۵ توسط سعید مرتضوی رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات توقیف شد.

ایرج رستگار مدیرمسئول این هفته نامه با اشاره به کاریکاتوری که از آقای خاتمی در هفته نامه توانا کشیده شده بود، اعلام کرد: مطمئنم رئیس جمهوری هیچ شکایتی از این کاریکاتور ندارد. متن حکم صادره برای توقیف توانا به این شرح است: احتراماً باتوجه به شکایت اخیر مدعی العموم علیه آقای ایرج رستگار مدیرمسئول هفته نامه توانا مبنی بر سب و تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ و اصرار مدیرمسئول آن نشریه در توهین و اهانت و هتک حرمت مسئولان محترم نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارگان‌ها و نهادهای آن خصوصاً در آخرین شماره این هفته نامه از آنجا که به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی (هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد) و آزادی مطبوعات مقرر در اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب نیز تا جایی پذیرفته شده که حوزه این آزادی موجب اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی نباشد، بنا علی هذا باتوجه به عدول مدیرمسئول هفته نامه توانا از حدود و رسالت مطبوعاتی و اصرار آن نشریه در هتک حرمت مسئولان و نهادهای انقلاب اسلامی، به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اقدام مناسب برای

پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف این قوه دانسته و در قوانین عادی نیز ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین در مقام صدور دستور ضبط اشیایی که وسیله جرم بوده و وجود آن موجب تشویش اذهان یا اخلال در نظم عمومی باشد وضع گردیده، و در ماده ۱۲ همان قانون نیز بستن مؤسسه بنا به جهات فوق پیش‌بینی شده، فلذا با ملحوظ نظر داشتن عدم توجه مدیرمسئول هفته‌نامه مذکور به تذکرات و نصایح مسؤولان محترم نظام و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات متخلف قرار توقیف موقت هفته‌نامه **توانا** صادر و اعلام می‌نماید. مقرر است تا اطلاع ثانوی از ادامه چاپ و انتشار این هفته‌نامه جلوگیری به عمل آید. دستور قضایی فوق به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع می‌باشد.

نامه مدیرمسئول **توانا** به مدیرکل مطبوعات داخلی

احتراماً با عنایت به اخطار شفاهی درخصوص چاپ کاریکاتور در شماره ۹۳ هفته‌نامه **توانا** به استحضار می‌رساند:

۱. همان‌گونه که جنابعالی نیز نظر دارید کاریکاتور همانند نوشتار می‌تواند تحسین‌برانگیز، طنز، خنثی، تلخ یا اهانت‌آمیز باشد. کاریکاتور آقای خاتمی در **توانا** چیزی جز تحسین و حمایت از ایشان با زبان تصویر نیست.

۲. **توانا** خود را ملزم به حمایت و اطاعت جدی از روحانیت می‌داند و حرمت به شأن و مقام روحانیت را بر خود واجب فرض می‌کند. اثبات این مدعا نیز مطالب متعددی است که در حمایت از روحانیت در نشریه و همچنین یادداشت‌های مدیرمسئول به چاپ رسیده است. به همین منظور در کاریکاتور آقای خاتمی، ایشان بدون پوشش روحانیت تصویر شدند تا خدای نکرده تلقی اهانت به روحانیت نشود.

۳. اعتراض به کاریکاتور آقای خاتمی توسط منتقدان ایشان صورت می‌گیرد چرا که **توانا** گفته‌های آنان را عیناً در گزار تصویری آورده است. گفته‌ها عبارت از یادداشت آقای امیر محبیان در روزنامه **رسالت** در خصوص طرح ماندلاگونه عمل کردن آقای خاتمی و اظهارات آقای شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه **کیهان** در خطاب قرار دادن آقای خاتمی به عنوان معاویه که در روزنامه **ایران** مورخ دوم مرداد ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است.

هرچند تاکنون کاریکاتورهای روحانیونی همچون کدیور، موحدی ساوجی، منتظری، عبدالله نوری و... توسط نشریات دیگر در **گل آقا** و **کیهان** به چاپ رسیده است، ولی اگر سیاست وزارت ارشاد بر این مبنا باشد که هیچ‌گونه کاریکاتوری از روحانیت حتی به منظور تحسین و حمایت چاپ نگردد، **توانا** از این پس خود را متعهد عمل به سیاست فوق خواهد دانست.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بهار

نام نشریه: بهار

مدیرمسئول: سعید پورعزیزی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۵/۱۸ توقیف، تاریخ محاکمه: ۱۳۸۱/۲/۱۸

اتهام: تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، اهانت به مسئولان و ارکان نظام، نشر اکاذیب

شماره دادنامه: ۵۱، کلاس پرونده: ۵۶/۱۴۰۸/۷۶

شاکی: مدعی العموم، مصطفی نوری، رسول عزیزاده، مدیرکل حقوقی سازمان صدا و سیما، سازمان

حفاظت و اطلاعات ناجا آقای نقدی، اتحادیه اسلامی دانش آموزان دانشگاهها

رأی دادگاه: دادگاه در خصوص دو شکایت به شش ماه محرومیت از مسؤلیت مطبوعاتی بدل از

حبس و پانصد هزار ریال جریمه نقدی، درخصوص شکایت مصطفی نوری باتوجه به

گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب و در خصوص بقیه شکات رأی برائت صادر کرد.

توقیف روزنامه بهار

روابط عمومی دادگستری استان تهران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: روزنامه بهار به دستور صارمی رئیس

شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به طور موقت توقیف شد.

در این اطلاعیه آمده است: نظر به این که پرونده اتهامی آقای سعید پورعزیزی مدیرمسئول

روزنامه بهار در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران مطرح رسیدگی است و باتوجه به احضاریه‌های

مکرر، اخذ تأمین و تشدید آن در اثر طرح شکایات عدیده بعدی و عدم توجه نشریه مذکور به

تذکرات و نصایح مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و بی‌اعتنایی به اقدامات پیشگیرانه قوه

قضائیه در خصوص سایر جرائم و استمرار مشی آن روزنامه در تخلف و انحراف از قانون مطبوعات

و رسالت مطبوعاتی، دستور توقیف موقت صادر شده است. این روزنامه مبادرت به درج و انتشار

اخبار ساختگی و کذب علیه نهادها و مسئولان نظام به قصد تشویش اذهان عمومی و تشنج آفرینی

در مواقع حساس کشور نظیر ساختن مصاحبه کذب و غیرواقعی از زبان آقای احمد پورنجاتی

نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و تیتراژ کردن آن در صفحه اول روزنامه که با واکنش همین

نماینده مواجه شده بود، نموده است که موارد در پرونده قضایی منعکس شده است. همچنین دادگاه

شعبه ۱۴۰۸ با احراز دیگر اقدامات روزنامه مذکور که حکایت از اصرار آن نشریه در تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ و ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی داشته، به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف این قوه دانسته است و در قوانین عادی نیز ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب ۱۳۳۹ در مقام صدور دستور ضبط اشیایی که وسیله جرم بوده و وجود آن موجب تشویش اذهان عمومی یا اختلال در نظم عمومی باشد وضع شده است.

در این اطلاعیه تصریح شده: در ماده ۱۲ همان قانون نیز بستن مؤسسه بنا به جهات یاد شده پیش‌بینی شده و از آن‌جا که به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به‌غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و نیز بنا به اعلام شکایت مدعی‌العموم، دادگاه قرار توقیف موقت روزنامه بهار را صادر کرده است.

در دستور قضایی صادره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده است تا اطلاع ثانوی از ادامه چاپ و انتشار این روزنامه جلوگیری به‌عمل آورد. این دستور قضایی به موجب ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع است.

پورنجاتی: از بهار شکایتی ندارم^۱

دکتر احمد پورنجاتی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس ششم گفت: من هیچ‌گونه شکایتی از روزنامه بهار نداشتم و تعجب کردم که به استناد درج تحریف سخنان من در این روزنامه مبادرت به توقیف آن کردند. این مورد از مواردی است که شاکه خصوصی باید شکایت کند، چرا به این استناد کردند؟ در این اطلاعیه علاوه بر اشاره به برخی از اتهامات سعید پورعزیزی مدیرمسئول این روزنامه آمده است: این روزنامه (بهار) مبادرت به درج و انتشار اخبار ساختگی و کذب علیه نهادها و مسؤولان نظام به قصد تشویش اذهان عمومی و تشنج‌آفرینی در مواقع حساس کشور نظیر ساختن مصاحبه کذب یا غیرواقعی از زبان آقای احمد پورنجاتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و تیتراژ کردن آن در صفحه اول روزنامه که با واکنش همین نماینده مواجه شده بود، نموده است که موارد در پرونده قضایی منعکس شده است. پورنجاتی همچنین تصریح کرد: گمان نمی‌کردم توضیحاتم درباره خبر مصاحبه روزنامه بهار با من، مستمسک تسویه حساب روزنامه کیهان با این روزنامه شود که متأسفانه در تیتراژ انتخاباتی روزنامه کیهان این چنین شده است. روزنامه کیهان در صفحه اول شماره روز ۱۷ مرداد ۱۳۷۹ به نقل از پورنجاتی تیتراژ ادعای روزنامه بهار دروغ است، من اصلاً مصاحبه نکرده‌ام. این نماینده مردم تهران در ادامه این گفت‌وگو تأکید کرد: انگیزه من از

ارسال توضیحات همزمان به روزنامه بهار و سایر رسانه‌ها و مطبوعات، پیشگیری از انتشار تصاعدی مطلبی بود که از قول بنده در روزنامه بهار روز دوشنبه نقل شده بود. رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: معتقدم ارسال اصلاحیه، جوابیه یا تکذیبیه برای مطبوعات یک موضوع متداول در امور رسانه‌ای است و تکذیب یک خبر یا مطلب به مفهوم تخطئه روزنامه یا خبرنگار مربوطه نیست. روزنامه بهار و خبرنگار پارلمانی آن تا آنجا که بنده خبر دارم، همواره رعایت امانت را کرده‌اند. برخلاف برخی مطبوعات که اصولاً خط تولید انبوه اکاذیب و نارواگویی به راه انداخته‌اند.

رای دادگاه

درخصوص اتهام آقای سعید پورعزیزی مدیرمسئول روزنامه بهار مبنی بر: ۱. اهانت به مسئولان و ارکان نظام در جریان چاپ مقاله با عنوان قضاوت آلوده به قلم آقای اکبرین در روزنامه مورخ ۱۳۷۹/۳/۲۸. ۲. تبلیغ برعلیه نظام در جریان چاپ مقاله با تیتر پرونده‌سازی‌های زنجیره‌ای در روزنامه مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۶. ۳. نشر اکاذیب در جریان چاپ عکس آقای مصطفی نوری و انتساب عکس وی به متهم پرونده نوارسازان آقای فرشاد ابراهیمی در روزنامه مورخ ۱۳۷۹/۵/۳ با توجه به شکایت معاونت و ریاست کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم و شکایت آقای مصطفی نوری، اظهار نظر هیأت منصفه مطبوعات به مجرمیت مدیرمسئول نشریه، عدم دفاع مؤثر از ناحیه متهم و وکیل مدافع وی بزه‌های انتسابی به ایشان محرز است و مستنداً به مواد ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و رعایت ماده ۴۷ از همان قانون و با توجه به نظر هیأت محترم منصفه مطبوعات به استحقاق متهم به برخورداری از تخفیف با رعایت ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۳۵ قانون مطبوعات مشارالیه را به سه ماه محرومیت از مسئولیت‌های مطبوعاتی به لحاظ ارتکاب بزه اهانت به مسئولان نظام و نیز سه ماه محرومیت از مسئولیت‌های مطبوعاتی به لحاظ تبلیغ برعلیه نظام و پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی به لحاظ نشر اکاذیب بدل از حبس و شلاق محکوم می‌نماید. در خصوص شکایت آقای رسول عزیزاده برعلیه مدیرمسئول روزنامه بهار مبنی بر نشر اکاذیب در جریان چاپ خبری در روزنامه بهار مورخ ۱۳۷۹/۴/۸ با توجه به اعلام گذشت شاکی خصوصی و مستنداً به ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ ق.آ.د.ک محاکم عمومی و انقلاب قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌گردد.

درخصوص سایر شکایات معاونت دادگستری کل استان تهران و نیز شکایت مدیرکل حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، سازمان حفاظت و اطلاعات ناجا آقای محمدرضا نقدی، اتحادیه اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز با توجه به اعلام نظر

هیأت محترم منصفه مطبوعات مبنی بر عدم مجرمیت و در مورد شکایات صدا و سیما و اتحادیه اسلامی دانش‌آموختگان به لحاظ فقد سمت قانونی و مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴۲ قانون مطبوعات و ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی رأی بر برائت صادر و اعلام می‌گردد.

ضمناً در خصوص توقیف موقت روزنامه نیز باتوجه به این‌که صاحب امتیاز و مدیرمسئول روزنامه بهار آقای سعید پورعزیزی بوده است استمرار توقیف پس از اتمام مواعد محرومیت و جاهتی ندارد و رفع توقیف پس از اتمام مواعد مذکور از نظر این مرجع بلاشکال می‌باشد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان می‌باشد.

توقیف مجدد روزنامه بهار (بهمن ۱۳۸۱)^۱

شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران علت توقیف روزنامه بهار را اصرار به روش گذشته و اعلام جرم مدعی‌العموم مبنی بر ۱۳ مورد تخلف از مقررات ماده ۶ قانون مطبوعات اعلام کرد.

در نامه شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اصرار مدیرمسئول روزنامه به ارتکاب جرائمی از قبیل توهین و اهانت به مسئولان رسمی کشور از دلایل دیگر توقیف روزنامه بهار اعلام شده است. در این نامه آمده است: روزنامه بهار به‌رغم توقیف قبلی و داشتن محکومیت کیفری در ارتکاب جرائم مذکور، بر تکرار جرائمی از قبیل فعالیت تبلیغی علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و چاپ مطالب خلاف واقع نیز اصرار داشته است. شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران در این نامه مستند قانونی در توقیف روزنامه بهار را ماده ۶ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی در خصوص الحاق بند ۲ و یک تبصره ماده ۶ قانون مطبوعات، بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب سال ۱۳۳۹ قرار داده است. این شعبه دادگاه عمومی تهران در نامه خود نوشته است: با استناد به مواد قانونی و ملحوظ نظر داشتن عدم توجه مدیرمسئول روزنامه مذکور به تذکرات و نصایح مسئولان نظام و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات، به حکم وظیفه قرار توقیف موقت روزنامه بهار را صادر و اعلام می‌کند. دادرس شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران در پایان نامه خود به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته است: مقرر است تا اطلاع ثانوی از ادامه چاپ و انتشار این روزنامه جلوگیری به‌عمل آید. دستور قضایی صادر شده به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع می‌باشد.

دوره جدید انتشار روزنامه بهار به مدیرمسئولی سعید پورعزیزی پس از گذراندن محکومیت و ممنوعیت از انتشار، مجدداً از دوم دی ماه آغاز شده بود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه جوانان قروه

نام نشریه: جوانان قروه

مدیرمسئول: فؤاد گل محمدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۵ دادگاه شهرستان قروه کردستان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۵/۲۶ توقیف

اتهام:

شاک: مظفر غلامی عضو شورای اسلامی شهر قروه

رای دادگاه: محرومیت از مدیرمسئولی نشریه جوانان قروه و هر نشریه دیگر.

توقیف جوانان قروه

براساس حکم قاضی شعبه ۵ دادگاه شهرستان قروه کردستان، انتشار ماهنامه داخلی جوانان قروه متوقف شد.

فؤاد گل محمدی مدیرمسئول و سردبیر این ماهنامه به خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: توقیف ماهنامه جوانان قروه به دنبال شکایت آذرماه سال گذشته مظفر غلامی عضو شورای اسلامی شهر قروه از این ماهنامه صورت گرفت.

وی افزود: به موجب حکم دادگاه همچنین از این پس گردانندگان این نشریه حق انتشار هیچ نشریه‌ای را نخواهند داشت. ماهنامه داخلی جوانان قروه یک نشریه ادبی، فرهنگی و اجتماعی بود که توسط مشاوران جوان استاندار کردستان منتشر و در سطح شهرستان قروه توزیع می‌شد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه عندلیب ملایر

نام نشریه: عندلیب

مدیرمسئول: محمدرضا نبئی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۲۳ دادگستری همدان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۶/۱۳

اتهام: نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، افتراء، هتک حرمت، توهین، تحریف سخنان حسن

زمانی و توهین به مردم ملایر

شاکی: حسن زمانی نماینده سابق مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی

رای دادگاه: با رضایت شاکی پرونده مختومه شد.

خلاصه پرونده

محمدرضا نبئی صاحب امتیاز و مدیرمسئول هفته نامه عندلیب در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: این سومین بار است که به دنبال شکایت حسن زمانی نماینده مردم ملایر در مجلس پنجم به دادگاه احضار می شوم.

قاضی دادگاه شعبه ۲۳ دادگستری همدان، در مورد شکایات قبلی من را مجرم تشخیص نداده و قرار منع پیگرد صادر کرده است.

نبئی گفت: شکایت اخیر مربوط به سرمقاله ای تحت عنوان "استان زاگرس، چراغ ریخته" است که در مهرماه سال گذشته در هفته نامه عندلیب به چاپ رسیده بود.

حسن زمانی در شکوائیه خود که در بهمن ماه سال گذشته ارائه شد، مدیرمسئول نشریه را به توهین، افتراء، هتک حرمت، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و تحریف سخنان وی و نیز توهین به مردم ملایر متهم کرده و خواستار مجازات قانونی برای مدیرمسئول عندلیب شده بود.

مدیرمسئول نشریه عندلیب ملایر چندی بعد در دادگاه حاضر شد. در این جلسه شاکی از شکایت خود صرف نظر کرد و دادگاه با توجه به انصراف شاکی، پرونده را مختومه نمود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه فردای روشن زنجان

نام نشریه: فردای روشن

مدیرمسئول: داوود بیات

شعبه رسیدگی کننده: شعبه اول دادگستری زنجان، قاضی شیخ احمدی، شعبه اول دادگاه تجدیدنظر،

مستشاران هاشمی و ذبیحیان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۶/۱۶

شماره دادنامه: ۹۴۸/۸۰ و ۹۴۷ و ۱/۹۴۶

شماره دادنامه: ۱۹۱۸/۱/۸۰، ۱۳۸۰/۹/۱۴ کلاسه پرونده: ۱۲۱۹/۱/۸۰ ت استان.

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، درج مطالب خلاف عفت عمومی، توهین شاکی: رئیس دادگستری زنجان به عنوان مدعی العموم، اداره اطلاعات زنجان، فرمانده ناحیه مقاومت

بسیج زنجان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی زنجان

رای دادگاه: لغو پروانه امتیاز نشریه و سه میلیون ریال جزای نقدی، دادگاه تجدیدنظر رای دادگاه بدوی را تأیید کرد.

خلاصه پرونده

جلسه تحقیقاتی مقدماتی درباره شکایات مطرح شده علیه مدیرمسئول هفته نامه فردای روشن روز ۱۶ شهریور در دفتر معاون قضایی ارجاع دادگستری کل زنجان برگزار شد.

مدیرمسئول هفته نامه فردای روشن در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی، برخورد مقامات قضایی رسیدگی کننده، به پرونده خود را محترم خواند و اظهار داشت: نخستین جلسه تحقیقاتی مقدماتی یک ساعت و نیم به طول انجامید.

داوود بیات افزود: رئیس دادگستری زنجان به عنوان مدعی العمومی و دادگستری تهران به عنوان شاکی خصوصی، موضوع شکایات های مطرح شده را نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، توهین به نهادها و درج مطالب خلاف عفت عمومی عنوان نموده اند.

در پایان این جلسه مدیرمسئول هفته نامه فردای روشن با پرداخت سی میلیون ریال ضمانت موظف شد تا در جلسه آتی دادگاه حضور یابد.

رأی دادگاه

قاضی شیخ احمدی دادرس شعبه اول دادگستری زنجان پس از برگزاری جلسه دادگاه و رسیدگی به ۲۰ فقره شکایت از سوی رئیس دادگستری، رئیس دانشگاه علوم پزشکی زنجان، اداره اطلاعات زنجان و فرمانده ناحیه مقاومت بسیج زنجان، حکم به لغو امتیاز نشریه و سه میلیون ریال جزای نقدی برای مدیرمسئول داد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای داوود بیات مدیرمسئول هفته‌نامه فردای روشن با وکالت آقای لطیف کبودوند به طرفیت تجدیدنظر خوانده دکتر محمد خانی دانشگاه علوم پزشکی زنجان و غیره خواسته تجدیدنظرخواهی از دادنامه شماره ۹۴۸/۸۰ و ۹۷۴ و ۱/۹۴۶ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۷ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی زنجان به شرح پرونده‌های بدوی تجدیدنظر با التفات به معترض اعتراض موجه و مدلی که موجبات نقض دادنامه صادره را فراهم نماید اقامه ننموده و از طرفی چون اعتراض تجدیدنظرخواه با هیچ‌یک از موارد مندرج در ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مطابقت ندارد، بنا به مراتب فوق دادنامه مذکور بر وفق موازین قانونی صحیحاً انشا یافته و ضمن رد اعتراض تجدیدنظرخواه، دادنامه تجدیدنظرخواسته عیناً تأیید و تنفیذ می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه زن روز

نام نشریه: زن روز

مدیرمسئول: مهری سویزی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۶/۲۱

اتهام: چاپ عکس اختصاصی بدون اجازه

شاکی: خدیجه زارعی

رای دادگاه: حکم برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاهی که در ۲۱ شهریور ۱۳۷۹ در شعبه ۱۴۱۰ برگزار شد، شکایت خدیجه زارعی از مجله زن روز مطرح گردید.

شاکی، مدیرمسئول این مجله را به چاپ عکس اختصاصی بدون اجازه وی متهم کرد و گفت:

عکس صحنه تزئین یک سفره عقد چگونه به دست مجله رسیده است؟

مهری سویزی مدیرمسئول مجله زن روز نیز در پاسخ به اتهام مطرح شده گفت: این عکس از

بازار تهیه شده بود و بر روی آن چیزی مبنی بر خصوصی بودن یا عدم حق استفاده نوشته نشده بود.

نظر هیأت منصفه و رای دادگاه

اعضای هیأت منصفه مطبوعات در مورد شکایت خانم زارعی علیه مهری سویزی مدیرمسئول

نشریه زن روز مبنی بر این که عکس یکی از طرح های تزئینی تولیدی وی را بدون اجازه در نشریه

چاپ کرده، به اتفاق آرا متهم را مجرم ندانستند.

اعضای هیأت منصفه مطبوعات نظر دادند که چون عکس و طرح مورد استفاده کاملاً با طرح

ادعایی شاکی مطابقت ندارد و به علت نداشتن شناسنامه اختصاصی در حاشیه عکس و به ثبوت

نرسیدن این که طرح تولیدی کدام طراح و مؤسسه است و در بازار موجود بوده است، مدیرمسئول

۱۳۷۶ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

نشریه زن‌روز را از اتهام منتسبه مبرا می‌داند.
دادگاه براساس نظر هیأت منصفه رأی برائت مدیرمسئول نشریه زن‌روز را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه افکار

نام نشریه: افکار

مدیرمسئول: لطف‌الله زارعی قنواتی

شعبه رسیدگی‌کننده: هیأت نظارت بر مطبوعات

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۲۶

اتهام: تخلف نشریه از مفاد قانون مطبوعات تبصره ماده ۷ قانون مطبوعات

شاکای: هیأت نظارت بر مطبوعات

رای دادگاه: توقیف موقت.

نامه هیأت نظارت بر مطبوعات به دادگستری^۱

در جلسه ۱۳۷۹/۷/۲۵ هیأت نظارت بر مطبوعات پرونده تعدادی از نشریات عامه‌پسند مطرح شد. باتوجه به ادامه تخلفات نشریات مذکور و عدم توجه به تذکرات پیاپی اداره کل مطبوعات داخلی مقرر گردید به دلیل تخلف این نشریات از مفاد قانون مطبوعات و طبق تبصره ماده ۷ این قانون ضمن جلوگیری از ادامه انتشار نشریاتی چون افکار پرونده آنان جهت بررسی و اتخاذ تصمیم به دادگاه صالحه ارسال گردد.

نامه مدیرمسئول افکار به معاون مطبوعاتی ارشاد

نشریه افکار پس از انتشار ۵۶ شماره در مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۶ توسط هیأت محترم نظارت بر مطبوعات به استناد بند ب ماده ۷ قانون مطبوعات توقیف موقت گردید و اکنون که یکسال از زمان توقف موقت آن می‌گذرد در انتظار روشن شدن وضعیت انتشار خود به سر می‌برد. از آنجایی که شاکای پرونده افکار هیأت محترم نظارت بر مطبوعات می‌باشد و با بررسی روند انتشار این نشریه که رسالت آن توجه به جوانان و مسائل اجتماعی و ورزشی بوده است، لذا در

۱۳۷۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

صورت تجدیدنظر در تصمیم آن هیأت محترم این نشریه اجازه ادامه حیات در عرصه مطبوعات را خواهد داشت و ان شاء الله با مساعدت حضرت تعالی، در دوره جدید با روشی کاملاً فرهنگی و با شیوه حرفه‌ای بتواند دوباره منتشر شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه آوای اردبیل

نام نشریه: آوای اردبیل

مدیرمسئول: محسن حافظی فر

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات اردبیل، قاضی نجفی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۱۰

اتهام: توهین

شاکای: علی محمد غریبانی نماینده مردم اردبیل در مجلس، محسن شکرینیا فرماندار سابق

مشکین شهر، احد اعظمی مدیرکل بهزیستی اردبیل

رای دادگاه: حکم برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

دادگاه مطبوعات استان اردبیل برای رسیدگی به سه شکایت از هفته نامه آوای اردبیل روز دهم مهرماه برگزار شد.

در جلسه دادگاه که به ریاست قاضی نجفی برگزار شد، شاکایان شکایت خود را از محسن حافظی فر مدیرمسئول نشریه آوای اردبیل مطرح کردند.

در ادامه این جلسه محسن حافظی فر در مقابل شکایت های مطروحه به دفاع از خود پرداخت. علی محمد غریبانی نماینده مردم اردبیل در مجلس شورای اسلامی، محسن شکرینیا فرماندار سابق شهرستان مشکین شهر و احد اعظمی مدیرکل بهزیستی اردبیل به دلیل چند مقاله درج شده در نشریه آوای اردبیل از محسن حافظی فر و اکبر صمدی خبرنگار این هفته نامه شکایت کرده بودند.

نظر هیأت منصفه و رای دادگاه

اعضای هیأت منصفه استان پس از شور با اکثریت آراء، مدیرمسئول و یکی از نویسندگان هفته نامه آوای اردبیل را در مقابل اتهامات وارده مجرم شناختند.

بر همین اساس دادگاه رای برائت هر دو متهم را صادر نمود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه جهان پزشکی

نام نشریه: جهان پزشکی
مدیرمسئول: مرتضی عطری
شعبه رسیدگی کننده: هیأت نظارت بر مطبوعات
تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۲۷
اتهام: تخلف از ماده ۷ قانون مطبوعات
شاک: هیأت نظارت بر مطبوعات
رأی دادگاه: پرونده مفتوح است.

خلاصه پرونده

هفته نامه جهان پزشکی به دلیل چاپ مطالبی با عنوان "این دختر هر دو ساعت یک جوان تهرانی را ایدزی می کند" و "دختر تهرانی ایدزی تا جان دارد جان می گیرد" از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات توقیف شد.

هیأت نظارت بر مطبوعات سپس با ارسال نامه ای به دادگستری استان تهران خواستار ارسال پرونده جهان پزشکی به دادگاه شد. در این نامه آمده: در جلسه ۱۳۷۹/۷/۲۵ هیأت نظارت بر مطبوعات پرونده تعدادی از نشریات عامه پسند مطرح شد. با توجه به ادامه تخلفات نشریات مذکور و عدم توجه به تذکرات پیاپی اداره کل مطبوعات داخلی مقرر گردید به دلیل تخلف این نشریات از مفاد قانون مطبوعات و طبق تبصره ماده ۷ این قانون ضمن جلوگیری از ادامه انتشار نشریاتی چون جهان پزشکی پرونده آنان جهت بررسی و اتخاذ تصمیم به دادگاه صالحه ارسال گردد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه بیداری کرمان

نام نشریه: بیداری

مدیرمسئول: هاشمی

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات کرمان، حجت الاسلام علی توکلی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۲۸

اتهام: توهین به مقام معظم رهبری، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در جریان قتل مرحوم دکتر آئین

شاکی: رئیس دادگستری کرمان به عنوان مدعی العموم

رای دادگاه: با اظهار ندامت و عذرخواهی مدیرمسئول نشریه قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

خلاصه پرونده

جلسه محاکمه مدیرمسئول هفته نامه بیداری کرمان که قرار بود در تالار دادگستری این شهر برگزار شود، به علت به حد نصاب نرسیدن اعضای هیأت منصفه و حضور نیافتن شاکی تشکیل نشد.

رئیس دادگاه مطبوعات کرمان در این جلسه گفت: چهار نفر از اعضای هیأت منصفه درخواست تشکیل جلسه دادگاه در هفته های آینده را داشته اند.

حجت الاسلام علی توکلی گفت: همچنین به علت حاضر نشدن شاکی، تشکیل دومین جلسه محاکمه مدیرمسئول بیداری به وقتی دیگر موکول می شود.

رئیس کل دادگستری کرمان در مقام مدعی العموم دو شکایت درباره محتوای مطالبی در هفته نامه مطرح کرده است.

در نخستین جلسه محاکمه هاشمی مدیرمسئول هفته نامه بیداری وی به دفاع از خود پرداخت و اتهام مطرح شده دائر بر اهانت به مقامات ارشد کشور و القای برخی تعبیر در نوشته ای در هفته نامه را رد کرد.

رای دادگاه

دادگاه پس از بررسی و باتوجه به اعلام ندامت و عذرخواهی از سوی مدیرمسئول نشریه قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه دانستنیها

نام نشریه: دانستنیها

مدیرمسئول: فرانہ بهزادی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی، شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر

استان تهران، قاضی سیدحسین بهرامی، قاضی احمدی موحدی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۶/۱۵

شماره دادنامه: ۵۲۵، کلاسه پرونده: ۲۰۲/۱۴۱۰/۷۹

شماره دادنامه: ۴۰۴۶، کلاسه پرونده: ۲۱/۷۹ ت / ۳۴۲۸

اتهام: واگذاری امتیاز نشریه به شرکت جامعه روز و سلب حق نظارت از خود، تبلیغ علیه نظام

شاکی: مدعی العموم

رأی دادگاه: یک میلیون ریال جزای نقدی و دو سال محرومیت از فعالیت های مطبوعاتی بدل از

حبس و تأیید حکم در شعبه ۲۱ تجدیدنظر. در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۹ از نشریه دانستنیها رفع

توقیف شد.

جلسه دادگاه

رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات در ابتدای جلسه که در تاریخ ۳۱ مرداد برگزار شد، گفت:

هفته نامه یاد شده با توجه به مدارک موجود در پرونده، به شرکت جامعه روز اجاره داده شد و طبق

تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات که به صراحت این عمل را جرم تشخیص می دهد، توقیف شد.

این هفته نامه به جای روزنامه های توقیف شده عصر آزادگان، اخبار اقتصاد، جامعه، توس و

نشاط منتشر می شد که براساس قانون مطبوعات این گونه نشریات که به جای نشریات توقیف شده

منتشر می شوند، بلافاصله توقیف می شوند. قاضی دادگاه سپس از نماینده مدعی العموم خواست

موارد شکایت خود علیه مجله دانستنیها را مطرح کند.

نماینده مدعی العموم گفت: نشریات به سرعت رویده در راه آزادی از نوع غربی قلم می زنند و به

هرآنچه در منافعیشان نباشد، با نام استبداد و غیرآزادی حمله می کنند.

وی گردانندگان شرکت جامعه روز را فاقد صلاحیت اخلاقی و شرعی دانست و گفت: انجام

کارهای غیراخلاقی از جمله کارهای متداول آنان است که از سوی مراجع غیرقانونی و مخالف نظام پشتیبانی مالی می‌شوند که البته در این زمینه پرونده‌ای در دادگاه تشکیل شده است.

نماینده مدعی العموم سپس به قرارداد شماره ۱۱۰ مورخ پنجم تیرماه ۱۳۷۹ دانستنیها با باقر ولی‌بیگ به نمایندگی از شرکت جامعه‌روز اشاره کرد و گفت: براساس این قرارداد انتشار مطالب و عکس‌ها با شرکت جامعه‌روز بوده و حتی مدیرمسئول را به مجله راه نمی‌دادند.

وی گفت: فرانہ بهزادی مدیرمسئول مجله دانستنیها نیز در تحقیقات مقدماتی گفته است که هیچ‌گونه نقشی در تهیه مطلب و انتشار مجله نداشته و مطالب تهیه شده بدون نظارت وی منتشر می‌شده است.

وی در ادامه اظهارات خود افزود: تعداد اعضای شورای سردبیری جامعه‌روز برای تصمیم‌گیری در مورد انتشار روزنامه‌ها و مجلات اجاره‌ای، پنج نفر بوده، درحالی که این ترکیب از سوی مدیرمسئول فقط منحصر به خودش بوده است.

باتوجه به این ترکیب اعضای شورای سردبیری جامعه‌روز مدیران مسئول را به نشریه و یا به جلسه شورای سردبیری راه نمی‌دادند. این مطلب در تحقیقات قضایی از آقای غفور گرشاسبی مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده عصرآزادگان، فرانہ بهزادی مدیرمسئول هفته‌نامه دانستنیها و فاطمه فرهمندپور مدیرمسئول هفته‌نامه گوناگون که نشریات خود را به شرکت جامعه‌روز اجاره داده بودند، مورد تأیید قرار گرفته است.

نماینده مدعی العموم سپس به سرمقاله "به زبان فرهنگ به زمانه ما" مندرج در شماره دوم دانستنیها در سال ۱۳۷۹ اشاره کرد و گفت: در این سرمقاله نظام اسلامی به خشونت‌طلبی و قانون‌شکنی متهم شده و این نظام به دوران خفقان تشبیه شده است. از عبارات این سرمقاله استنباط می‌شود که نویسنده نظام اسلامی را به جان‌کندن یک بیمار رو به موت تشبیه کرده و تفکر براندازی نظام نیز در این مقاله مشهود است.

نماینده مدعی العموم سرمقاله دیگر این مجله را باعنوان "فرهنگ ما نان روزانه ماست" را قرائت کرد و از این مقاله نیز شکایت کرد.

مرتضوی رئیس دادگاه، اتهام مدیرمسئول مجله دانستنیها را باتوجه به اعلام شکایت مدعی العموم، اجاره این مجله به شرکت جامعه‌روز و سلب حق نظارت از خود و واگذاری نظارت به این شرکت دانست. وی سپس با اشاره به تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات این اجاره‌نامه را جرم دانست و گفت: واگذاری امتیاز نشریه به جامعه‌روز و همچنین دو سرمقاله شماره اول و دوم امسال موارد اتهامی نشریه دانستنیها است.

مرتضوی گفت: شما در سرمقاله دوم با ترسیم دوره‌های تاریخی و آنچه مارکس می‌گوید نظام اسلامی را به دوره ماقبل تاریخ و عصر حجر تعبیر و تفسیر و به نظام مقدس اسلامی اهانت کرده‌اید و در پاراگرافی از این مقاله دستگاه قضایی را به عمل‌کرد دلبخواهی و خلاف قانون متهم کردید. وی سپس اتهام دیگر وی را تبلیغ علیه نظام عنوان کرد و از متهم خواست از خود دفاع کند. خانم بهزادی در دفاع از خود گفت: من بدون وکیل آمده‌ام، چون اعتقاد به مجرمیت خود ندارم و همچنین پولی نیز برای گرفتن وکیل ندارم. ۲۲ سال است که این مجله را منتشر می‌کنم که اولین نشریه تمام رنگی ایران بوده است و هدف من از انتشار این مجله، ارتقای سطح دانش جوانان و عموم مردم بوده است.

وی با اشاره به روند انتشار مجله از تیرماه ۱۳۵۸ تا اوایل امسال و مشکلات مالی به وجود آمده برای این نشریه گفت: در سال ۱۳۶۱ به دنبال توقیف چاپ مجله از سوی چاپخانه اسوه، در طول یک شب سه میلیون تومان به این چاپخانه بدهکار شدم و از آن به بعد نیز صورتحساب‌های چاپخانه دو برابر شد.

بهزادی افزایش مالیات و کاسته شدن از تعداد مشترکان و خوانندگان مجله را ضربه دوم مالی به این نشریه عنوان کرد و گفت: با این حال نشریه در دوران دفاع مقدس بدون وقفه منتشر شد. من برای حل مشکل مالی مجله و پرداخت چک‌های صادره، آپارتمان و خودروی خودم را فروختم تا نشریه چاپ شود. از سال ۱۳۶۸ به دنبال قطع سهمیه کاغذ از سوی وزارت ارشاد، برای تهیه کاغذ وارد بازار سیاه شدم که ای کاش از همان سال نشریه را تعطیل می‌کردم چون با وارد شدن به بازار سیاه کاغذ، زندگی‌ام سیاه شد.

مدیرمسئول دانشتניהها درحالی که گریه می‌کرد، اظهار داشت: از سال ۱۳۷۶ دیگر نتوانستم مجله را منتشر کنم و حتی به خاطر عدم توانایی از پرداخت چک‌هایم، ۴۸ ساعت نیز بازداشت شدم.

بهزادی گفت: اوایل امسال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به من اخطار کرد که در صورت عدم انتشار مجله در تیرماه امسال امتیاز آن لغو خواهد شد و از طرفی اداره دارایی نیز اخطار داده بود که در صورت عدم پرداخت مالیات، دفتر نشریه پلمب خواهد شد. من وابسته به چپ و راست، شمال و جنوب نیستم و برای حل مشکل نشریه و انتشار مجدد آن با سحرخیز و ولی‌بیگ صحبت کردم و در ۱۵ تیرماه امسال اولین شماره نشریه منتشر شد.

مدیرمسئول دانشتניהها سخنان نماینده مدعی‌العموم را کلی دانست و گفت: نماینده مدعی‌العموم در مورد همه نشریات صحبت کرد و من ندانستم کدام بخش مربوط به من است.

وی تصریح کرد: من مجله را نه واگذار کرده‌ام و نه اجاره داده‌ام و چون شما (رئیس دادگاه) از من در تحقیقات سند خواستید، لذا چون سند نداشتم و برای این‌که به زندان نروم، آن مطالب را گفتم. بهزادی خاطر نشان کرد: من دو بچه دارم که بچه کوچک من امسال به کلاس اول می‌رود و اگر دوستانش به وی می‌گفتند که مادرت زندانی شده است، لطمه شدید روحی به فرزندم وارد می‌شد و آنچه که در تحقیقات گفته‌ام به همین دلیل واقعیت ندارد، چون چاره‌ای نداشتم.

مدیرمسئول نشریه دانستیها گفت: من در سرمقاله سوم راجع به نوع انتشار مجله توضیحات کافی را داده‌ام، ولی چرا مدعی العموم به آن اشاره نکرد.

مرتضوی خطاب به بهزادی گفت: شما در مرحله تحقیقات یک تدبیر داشتید و در دادگاه یک تدبیر دیگر، درحالی که قبلاً اعلام کرده بودید به خاطر چک‌های صادره مخفی زندگی می‌کنید. بهزادی گفت: بله، الان هم کسی را دیدم که از روزنامه اطلاعات آمده است و من به آن جا هم بدهکارم.

مرتضوی گفت: شما در تحقیقات گفته‌اید که با امضای قرارداد مشارکت با جامعه روز انتشار مجله را به ولی بیگ واگذار کرده‌اید. آنچه شما در این جلسه می‌گویید ملاک عمل است نه تحقیقات مقدماتی، لذا ملاک تصمیم‌گیری ما نیز همین جلسه است و اگر هیأت منصفه اعلام کند که شما مجرم نیستید، دادگاه نیز الزاماً شما را تبرئه و از نشریه رفع توقیف خواهد کرد.

مرتضوی از بهزادی خواست راجع به قرارداد اجاره از خود دفاع کند.

متهم در پاسخ گفت: من اجاره نداده‌ام.

قاضی دادگاه خطاب به وی گفت: چرا در این قرارداد آقای ولی بیگ به عنوان مجری متعهد شده است که کلیه شئونات قانون اساسی و مطبوعات را رعایت کند، درحالی که می‌دانید مدیرمسئول ناظر بلافصل و پاسخگویی نشریه است.

مدیرمسئول هفته‌نامه دانستیها گفت: تمام مطالب را شخصاً انتخاب و برای چاپ آماده می‌کردم و من مسئول نشریه هستم.

قاضی گفت: در این قرارداد همچنین پیش‌بینی شده است که در صورت تخلف اگر ضرر و زیانی به مدیرمسئول روزنامه وارد شود، مجری موظف به پرداخت خسارت شده است. پیش‌بینی جبران ضرر و زیان از سوی آنان چه معنایی دارد و چرا امضا کردید؟

بهزادی گفت: این قرارداد مشارکتی است و چون مدیرمسئول هستم و امکان اشتباه وجود دارد، پیش‌بینی من بوده است که اگر مشکلی به وجود آید جبران شود و من برای پرداخت بدهی در واقع مبالغی را قرض کردم و این من هستم که سهمی به طرف قرارداد می‌پردازم.

قاضی نیز گفت: شما ماهانه مبلغی تعیین کردید. یعنی اگر نشریه ضرر هم می‌کرد، آنان باید طبق قرارداد این پول را به شما می‌پرداختند. پنج نفر به‌عنوان شورای سردبیری تعیین شدند و طبق قرارداد شما به‌عنوان مدیرمسئول تنها یک رأی از این ۵ رأی را دارا هستید. چطور یک رأی می‌تواند در انتخاب یک مطلب در نشریه‌تان تعیین‌کننده باشد؟

بهزادی گفت: قرار بر این بود که مجله به بخش‌های مختلف علمی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی تقسیم شود و هر بخش با یک سردبیر فعالیت کند و من نیز مسؤلیت آنان را برعهده داشته باشم. من مجله را اجاره یا واگذار نکرده و نمی‌کنم بلکه برای چاپ نشریه با آنان مشارکت کردم. قاضی دادگاه از بهزادی در خصوص سرمقاله منتشره در این نشریه توضیح خواست که مدیرمسئول نشریه دانستنیها گفت: این سرمقاله را شخصاً خودم نوشتم و به آنگونه که نماینده مدعی العموم برداشت می‌کنند در فکرم خطور نکرده است. تمام مطالب را از روی احساسم نوشتم و انعکاس مشکلات و سختی‌هایی که در طول ۲۲ سال زحمت چاپ این نشریه متحمل شدم می‌باشد.

قاضی گفت: در انتهای مقاله‌های یاد شده عنوان "شورای سردبیری" ذکر شده است، شما چطور ادعا می‌کنید که مطالب را خود نوشتید؟

بهزادی گفت: همان‌طور که گفتم این مجله به بخش‌های مختلف تقسیم شد که هر بخش با یک سردبیر فعالیت می‌کرد که در نهایت من به‌عنوان سردبیر کل مطالب را تحت نظارت داشتم. قاضی دادگاه خطاب به مدیرمسئول نشریه دانستنیها گفت: مطالب شما علیه نظام و قوه قضائیه استنباط می‌شود و گفتید که قانونی وجود ندارد و نظام هر کاری که دلش بخواهد انجام می‌دهد. آیا مدعی هستید که از روی احساس نوشتید و ربطی به قوه قضائیه و محکومیت کدیور و دیگران ندارد؟

بهزادی تأکید کرد: من فردی سیاسی نیستم و فارغ‌التحصیل رشته ادبیات هستم و این مطالب را تماماً از روی احساسات نوشتم.

قاضی در مورد مقاله "فرهنگ ما نان روزانه ماست" گفت: آیا همان‌طور که در این مقاله مدعی شدید، در ایران حوزه‌های علم، فرهنگ و هنر و اندیشه تعطیل شده است؟ بهزادی گفت: این احساس من بوده است و برای من تعطیل شده است. قاضی گفت: آیا با تعطیل شدن نشریه شما، حوزه‌های علم، فرهنگ و اندیشه تعطیل شده است، در صورتی که نشریه شما تعطیل هم نشده است.

بهزادی افزود: آن چیزی که مورد نظر من بود، از نظر من تعطیل شده است.

قاضی دادگاه از نماینده مدعی العموم خواست ادامه اعلام جرم علیه مدیرمسئول نشریه دانستنیها را مطرح و اظهارات ایشان را در جلسه مقدماتی قرائت کند.

نماینده مدعی العموم گفت: مطالبی که خانم بهزادی امروز مطرح کردند، با جلسه مقدماتی ایشان متفاوت و دوگانه است.

وی با قرائت اظهارنامه بهزادی در جلسه مقدماتی گفت: ایشان در اظهارات اولیه گفتند که با توجه به مشکلات مالی در سر راه انتشار نشریه مجبور به عقد قرارداد با شرکت جامعه روز شدند. خانم بهزادی سوگند یاد کردند که شرکت جامعه روز با وعده و وعید و حتی بدون پرداخت وجهی قرارداد مشارکت تنظیم کرده و پس از قرارداد همان طور که در مفاد قرارداد آمده است، هیچ کاره بوده است. بهزادی اعلام کرد که سردبیر جامعه روز به وی خیانت کرده است و از هیچ یک از مطالب دفاعی ندارند.

سپس قاضی دادگاه خطاب به بهزادی گفت: آیا شما این اظهارات را در مراحل مقدماتی عنوان کردید؟

مدیرمسئول دو هفته نامه دانستنیها نیز گفت: این اظهارات انعکاس گفته‌های شماست. نماینده مدعی العموم در ادامه به مقاله و مطالب چاپ شده در ۲۹ تیرماه ۱۳۷۹ اشاره کرد و گفت: در این مطالب به تشکیلات قوه قضائیه اهانت شده است.

بهزادی درخصوص پاسخ به این سؤالات از دادگاه تقاضای وکیل کرد که قاضی دادگاه گفت: قانون در این مرحله این اجازه را به شما نداده است.

وی افزود: این مطالب در قالب طنز مطرح شده است.

قاضی دادگاه از مدیرمسئول نشریه دانستنیها خواست تا به آخرین دفاعیات خود بپردازد.

بهزادی ضمن اعلام بی‌گناهی خود گفت: این که هر روز روزنامه‌ای را ببندند، امنیت شغلی روزنامه‌نگاران به خطر می‌افتد و چون بی‌گناهم تقاضای عفو نیز نمی‌توانم داشته باشم.

پس از اتمام دفاعیات مدیرمسئول دو هفته نامه دانستنیها قاضی دادگاه ختم جلسه رسیدگی به اتهامات فرانه بهزادی را اعلام کرد.

رای دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر

درخصوص اتهام خانم فرانه بهزادی مدیرمسئول مجله دانستنیها مبنی بر واگذاری امتیاز این نشریه به شرکت جامعه روز به نمایندگی آقای باقر ولی بیگ و تخلف از مقررات تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات و همچنین تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق چاپ و انتشار سرمقاله

«به زبان فرهنگ و به زمانه ما» بدون ذکر نام نویسنده و یا انتساب به شورای سردبیری در شماره ۲ دوره جدید مورخ ۲۹ تیرماه ۱۳۷۹ دادگاه با عنایت به مجموع محتویات پرونده و توضیحات نماینده رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم در جلسه علنی مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۱ و استماع مدافعات مدیرمسئول دانستنیها از آنجا که اعضای محترم هیأت منصفه پس از اعلام ختم جلسه دادگاه به شور پرداخته و در رابطه با واگذاری امتیاز این نشریه به نماینده شرکت جامعه روز طی قرارداد شماره ۱۱۰ مورخ ۱۳۷۹/۴/۵ به مدت دو سال، تمامی ده عضو حاضر در جلسه دادگاه به اتفاق آرا نامبرده را مجرم تشخیص دادند. لذا باتوجه به این که قانون گذار در این رابطه هر نوع واگذاری را جرم دانسته است به استناد تبصره ۳ ماده قانون مطبوعات و ماده ۳۵ همان قانون نامبرده را با دارا بودن استحقاق تخفیف به یک میلیون ریال جزای نقدی تعزیری در حق دولت محکوم می نماید. و در رابطه با اتهام دیگر نامبرده مبنی بر تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی در سرمقاله «به زبان فرهنگ و به زمانه ما» از آنجا که هیأت منصفه با مطالعه متن مذکور مطالب منتشر شده را جرم و از مصادیق تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی اعلام نمودند، نامبرده را در این خصوص به استناد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به شش ماه حبس تعزیری محکوم و با مجوز حاصله از تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مطبوعات شش ماه حبس فوق را به دو سال محرومیت از مسؤولیت های مطبوعاتی از جمله مدیرمسؤولی و صاحب امتیازی مجله دانستنیها یا هر مجله دیگر تبدیل و محکوم می نماید و درخصوص سایر موارد اتهامی خانم فرانہ بهزادی مبنی بر نشر اکاذیب و توهین به مسؤولان و ایراد و افترا باتوجه به این که اعضای محترم هیأت منصفه پس از استماع شکایت و مدافعات مدیرمسؤول در بند (دال) نظریه خود به شرح بین الهلالین چنین اظهارنظر نمودند «د- پس از بررسی بقیه شکایات مدعی العموم هیأت منصفه مطبوعات در بقیه موارد شخص مدیرمسؤول را باتوجه به اقرار وی مبنی بر این که مطالب به صورت شورایی تهیه شده و با بررسی سوابق وی در شماره های دوره قبل که اکثراً مطالب علمی و غیرسیاسی بوده است و تنها مطالب سه شماره آخر مجله که آن را واگذار نموده است سبب مجرمیت وی و شکایت مدعی العموم شده و در واقع تهیه کنندگان مطالب مذکور با همکاری مستقیم افراد دیگر طرف قرارداد بوده است نامبرده را مستحق تخفیف دانست» دادگاه باتوجه به نظریه اعضای محترم هیأت منصفه به شرح فوق درخصوص سایر موارد اتهامی حکم به برائت نامبرده صادر و اعلام می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

تجدیدنظرخواهی فرانہ بهزادی مدیرمسئول مجلهٔ *دانستنیها* نسبت به دادنامهٔ شمارهٔ ۵۲۵ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۱ صادره از شعبهٔ ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران که باتوجه به محتویات پرونده مشارالیه به ارتکاب واگذاری امتیاز نشریه به شرکت جامعهٔ روز به نمایندگی آقای باقر ولی‌بیگ و تخلف از مقررات تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۸ قانون مطبوعات و همچنین تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق چاپ و انتشار سرمقالهٔ «به زبان فرهنگ و به زمانه ما» بدون ذکر نام نویسنده انتساب به شورای سردبیری در شمارهٔ ۲ دورهٔ جدید مورخ ۲۹ تیرماه ۱۳۷۹ دادگاه نخستین پس از رسیدگی و انجام دادرسی در حضور هیأت منصفه و کسب نظر هیأت مذکور به شرح مندرجه در دادنامهٔ معترض عنه حکم محکومیت تجدیدنظرخواهان را صادر نموده است وارد و موجه نمی‌باشد. زیرا دادنامه معترض عنه با محتویات پرونده و اوضاع و احوال منعکس در آن از قبیل شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم و کشف قرارداد شمارهٔ ۱۱۰ مورخ ۱۳۷۹/۴/۵ به مدت دو سال امتیاز این نشریه را به نمایندهٔ شرکت جامعهٔ روز به نمایندگی آقای باقر ولی‌بیگ واگذار نموده و این که تمامی ده عضو هیأت منصفه حاضر در جلسهٔ دادگاه واگذاری امتیاز این نشریه به نمایندهٔ جامعه روز، به اتفاق آرا نامبرده را مجرم تشخیص داده‌اند. و این که قانون‌گذار در این راه هر نوع واگذاری را جرم دانسته است (تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۸ قانون مطبوعات) و این که هیأت منصفه در خصوص چاپ و انتشار سرمقالهٔ «به زبان فرهنگ و به زمانه ما» با مطالعه متن مذکور مطالب منتشر شده را جرم و از مصادیق تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی اعلام نمودند و این که بزه مذکور با مادهٔ ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی انطباق دارد و اقرار صریح تجدیدنظرخواه در پرونده و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده منطبق بوده و سازگار می‌باشد و با التفات به این که رأی صادره وفق موازین و مقررات و با رعایت اصول و قواعد آئین دادرسی صحیحاً صادر گردیده و از سوی تجدیدنظرخواه ایراد و اعتراض موجه و مؤثری که نقض دادنامه معترض عنه را ایجاد نماید معمول نگردیده است با رد اعتراض تجدیدنظرخواه دادنامهٔ بدوی عیناً تأیید و استوار می‌گردد. این رأی طبق بند الف مادهٔ ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری صادر گردیده و قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیر مسؤول هفته نامه خلیج فارس

نام نشریه: خلیج فارس

مدیر مسؤول: حجت الاسلام محمد احمدی

شعبه رسیدگی کننده: اداره کل ارشاد اسلامی بوشهر، دادگاه ویژه روحانیت، حجت الاسلام رهبرپور

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۶/۳۰

شماره دادنامه: ۱۱۳۵، کلاسه پرونده: ۵۳۳۱/۷۹، تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۰/۶/۱۷

اتهام: نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، توهین و افترا به نهادهای نظام

شاک: دادگاه ویژه روحانیت

رأی دادگاه: مدیر مسؤول به شش ماه حبس (تبدیل به دو سال تعلیق) محکوم شد که در زمان دو

سال تعلیق نیز از انجام تصدی و مدیریت نشریات محروم شد. وی همچنین به یک میلیون

ریال جزای نقدی محکوم شد.

توقیف هفته نامه خلیج فارس

حکم توقیف موقت هفته نامه خلیج فارس از سوی دادگاه ویژه روحانیت برای اداره کل فرهنگ و

ارشاد اسلامی بوشهر ارسال شد.

مدیر مسؤول نشریه خلیج فارس بوشهر گفت: تاکنون هیچ حکم کتبی یا شفاهی در این

خصوص از سوی دادگاه ویژه روحانیت دریافت نکرده ام و موضوع توقیف موقت نشریه از طریق

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر به این جانب اطلاع داده شده است.

حجت الاسلام محمد احمدی افزود: براساس گفته مسؤولان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

بوشهر در حکم دادگاه ویژه روحانیت علت توقیف موقت نشریه، اتهام تشویش اذهان عمومی و نشر

اکاذیب عنوان شده است. وی از طرح شدن هرگونه شکایت جدید علیه این نشریه اظهار بی اطلاعی

کرد و یادآور شد: چند ماه پیش در ارتباط با چاپ مصاحبه حجت الاسلام بیات در یکی از

شماره های این هفته نامه، دو بار از سوی دادگاه ویژه روحانیت احضار و مورد سؤال و جواب قرار

گرفتم. اما در آن زمان هیچ گونه مطلبی در رابطه با توقیف نشریه از سوی دادگاه ویژه روحانیت مطرح

نشد و هم اکنون نمی دانم که آیا این توقیف به خاطر این موضوع بوده یا این که شکایت جدیدی

مطرح شده است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر گفت: از سوی دادگاه ویژه روحانیت تهران حکمی مبنی بر توقیف موقت هفته‌نامه **خلیج فارس** برای این اداره ارسال شده است. سیدنورالدین ابطحی افزود: از آن‌جا که این اداره تنها دستورالعمل وزارت خانه متبوع را اجرا می‌کند، این حکم برای معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرستاده شد.

رأی دادگاه

براساس گزارشات مندرج در پرونده متهم فوق‌الذکر که مدیرمسئول نشریه **خلیج فارس** می‌باشد در نشریه‌اش اقدام به چاپ مصاحبه آقای اسدالله بیات نموده است که در این مصاحبه به قوه قضائیه و شورای نگهبان توهین نموده و علیه شخصیت‌های قوه قضائیه و شورای نگهبان و بعضی شخصیت‌های دیگر افترا زده است و آنان را عامل چپاول اموال عمومی و غارت بیت‌المال و ظلم و تعدی و عامل قتل‌ها، ترور و ناامنی و بستن مطبوعات دانسته است و همچنین با آقای حسینی دشتی مصاحبه نموده که در آن مصاحبه نیز مطالبی در رابطه با برخورد نظام جمهوری اسلامی با اهل سنت مطرح گردیده است و چون این مطالب از طریق نشریه منتشر گردیده، دادستان محترم ویژه روحانیت اتهام نشر اکاذیب را برای متهم در نظر گرفته است که پرونده جهت صدور حکم به دادگاه ارسال و دادگاه در جلسه علنی با حضور اعضای محترم هیأت منصفه تشکیل و پس از قرائت کیفرخواست و استماع دفاعیات متهم و طرح سؤالات از ناحیه جانشین دادستان آخرین دفاع گرفته شده و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

باتوجه به مطالب فوق‌الذکر و کیفرخواست صادره و لحاظ نظریه ده نفر از اعضای هیأت منصفه که با اکثریت آرا متهم را مجرم تشخیص دادند، مجرمیت متهم در رابطه با اتهام توهین و افترا و نشر اکاذیب محرز و مسلم است که به استناد بند ۴ و ۸ ماده ۳۵ قانون مطبوعات و ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی از جهت توهین و افترا به شش ماه حبس و از جهت نشر اکاذیب به استناد ماده ۶۹۸ و رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به یک میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌نماید و چون اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا متهم را مستحق تخفیف دانستند، مجازات حبس به استناد ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات به مدت دو سال در حق وی تعلیق می‌گردد، لیکن با رعایت ماده ۲۹ قانون اخیرالذکر در مدت تعلیق اجرای مجازات حق تصدی و مدیریت نشریات و مجلات و روزنامه‌ها را ندارند و از این امور ممنوع می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه گنبد کبود

نام نشریه: گنبد کبود

مدیرمسئول: محمد صفی زاده

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۰/۷/۲۴

شماره دادنامه: ۳۶۳ کلاسه پرونده: ۲۷۶/۱۴۱۰/۷۹

اتهام: چاپ تصویر خلاف عفت عمومی در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۲۱

شاک: مدعی العموم، هیأت نظارت بر مطبوعات، معاونت اطلاعات و نیروی انتظامی

رای دادگاه: شش ماه محرومیت از انتشار نشریه گنبد کبود بدل از نودویک روز حبس. نشریه از

تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۲ انتشار خود را آغاز کرد.

جلسه دادگاه

در جلسه دادگاهی که در ۱۶ مهر ۱۳۸۰ برگزار شد، شکایت معاونت اطلاعات نیروی انتظامی، هیأت نظارت بر مطبوعات و رئیس کل دادگستری از سید محمد صفی زاده مدیرمسئول نشریه گنبد کبود به خاطر چاپ عکس مستهجن مطرح شد. قاضی از نماینده مدعی العموم خواست که شکایت خود را از مدیرمسئول روزنامه گنبد کبود مطرح کند.

نماینده مدعی العموم با اشاره به تصویری که در روزنامه گنبد کبود در شهریورماه ۱۳۷۹ به چاپ رسیده بود گفت: تصویر به قدری مستهجن و خلاف عفت عمومی بود که جای هیچ توجیهی را برای مدیرمسئول باقی نمی گذارد. وی خواستار تعقیب کیفری صفی زاده شد.

صفی زاده مدیرمسئول روزنامه گنبد کبود گفت: از یکی سایه برداشت غلط شده است و یک سهل انگاری تبدیل به کیفرخواست شده است. وی افزود: اگر اصل عکس ارائه شود، رفع ابهام می شود.

مدیرمسئول روزنامه گنبد کبود خواستار رفع توقیف روزنامه شد.

وی در پایان اظهار داشت: از آن شماره نشریه تعداد کمی توزیع شد و مسئولان آن صفحه نیز به

علت سهل انگاری از کار برکنار شدند.

نظر هیأت منصفه^۱

هیأت منصفه مطبوعات پس از پایان جلسه شعبه ۱۴۱۰ دادگاه به اتفاق آرا، آقای سیدمحمد صفی‌زاده مدیرمسئول روزنامه گنبدکبود را مجرم شناخت، ولی به دلیل سوابق مطبوعاتی و نداشتن سابقه ارتکاب چنین جرائمی، مستحق تخفیف دانست.

رأی دادگاه

درخصوص اعلام شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم و هیأت نظارت بر مطبوعات علیه آقای سیدمحمد صفی‌زاده (مدیرمسئول روزنامه گنبدکبود) مبنی بر چاپ تصویر خلاف عفت عمومی در شماره ۶۲۲ مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۱ - صفحه آخر - دادگاه با توجه به این‌که مدیرمسئول روزنامه مذکور به اشتباه و غفلت خود اذعان نموده و در توضیحاتی اعلام داشت، روزنامه وی سابقه ارتکاب چنین مواردی نداشته و چاپ عکس مذکور سهوی و ناشی از اشتباه مسئول صفحه فوق بوده است، لذا با عنایت به اظهارات شاکی و مدافعات مدیرمسئول روزنامه گنبدکبود در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۶ و با التفات به نظریه اکثریت اعضای محترم هیأت منصفه که در این خصوص وی را با استحقاق تخفیف مجرم تشخیص داده‌اند، به استناد ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی و بند ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات و بند تبصره ماده ۳۵ همان قانون متهم را بدل از نودویک روز حبس تعزیری به محرومیت از انتشار روزنامه گنبدکبود به مدت شش ماه محکوم می‌نماید.

رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد و در اجرای مفاد ماده ۴۴ قانون مطبوعات از قرار توقیف موقت سابق‌الصدور که به استناد ماده ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین صادر و ابلاغ گردیده رفع اثر به عمل می‌آید.

۱. آقایان شهاب‌الدین صدر، حبیب‌الله عسگراولادی، محمدناصری صالح‌آبادی، جعفر شبیری، جمال سورجه، علی‌اکبر کسائیانی، محمدرضا سرشار و خانم فاطمه کروی.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه جام

نام نشریه: جام هفته

مدیرمسئول: محمدرضا باهنر

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۴

اتهام: تشویش اذهان عمومی، افترا و توهین

شاکی: احمد حکیمی پور (عضو شورای شهر تهران)

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاهی که در چهارم مهرماه ۱۳۷۹ در شعبه ۱۴۰۸ با حضور هیأت منصفه^۲ برگزار شد، صارمی رئیس دادگاه از احمد حکیمی پور به عنوان شاکی پرونده خواست تا شکایت خود را مطرح کند.

حکیمی پور گفت: آقای باهنر در شماره ۸۴ و ۸۷ مجله جام در خصوص ترور آقای حجابیان مطالب ناروا درباره من منتشر کرد که به هیچ وجه با کارکرد مطبوعاتی مطابقت نداشت. من چهار سال در مجلس با آقای باهنر همکار بودم و انتظار داشتم در مورد این مطالب تأمل می کردند. هفته نامه جام در ۱۱ مورد به من اتهامات تروریستی و همکاری با گروه ها و باندهای شرور و تروریست از جمله باندهای مخوف مهدی هاشمی زده است. این اتهامات و فضا سازی ها منجر به آبروریزی من، خانواده ام و بستگانم و در نهایت منجر به دستگیری من از سوی دادگاه شد که هیچ یک از این اتهامات در هیچ محکمه ای مطرح نشد.

وی به اتهام تشویش اذهان عمومی، افترا و توهین، خواستار رسیدگی و اعاده حیثیت شد. احمد فرساد وکیل حکیمی پور نیز با اشاره به مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

۲. حجت الاسلام جعفر شبیری، علی اکبر کسائیان، داوود میرباقری، جمال شورجه، شعبان شهیدی، محمد ناصری صالح آبادی و خانم فاطمه کروی.

قانون مطبوعات، خواستار مجازات محمدرضا باهنر مدیرمسئول هفته‌نامه جام شد. سپس محمدرضا باهنر در دفاع از خود گفت: شاکی پرونده یک دوره نماینده مجلس و در حال حاضر نیز عضو رسمی شورای اسلامی تهران است و انعکاس اخبار مقامات در مطبوعات، منع قانونی ندارد.

وی گفت: در خصوص ترور حجاریان، خبر مندرج در جام هفته مبتنی بر اعترافات سعید عسگر و مقدمی دو متهم ترور حجاریان بوده است.

عبارات به کار گرفته شده در این خبر خلاف واقع نبوده و هیچ‌گونه توهین و اهانتی نیز به کسی روا نداشته است. هیچ قصد و نیتی در عمل نبوده و مفاد عبارت این است که مقدمی با مراجعه و برقراری ارتباط با شورا اقدام به ترور حجاریان کرده است. باهنر سپس خواستار رد شکایت از سوی دادگاه شد.

صارمی در مورد مطلب شماره ۸۷ این مجله از باهنر خواست که مستندات سخنرانی حکیمی‌پور در زنجان را ارائه دهد.

باهنر گفت: این خبر توسط خبرنگاران مخابره شده و این سخنرانی انجام گرفته است.

صارمی سپس از حکیمی‌پور پرسید که آیا مطلب شماره ۸۷ صحت دارد و وی در زنجان

سخنرانی داشته و چنین شعارهایی علیه وی داده شده است یا خیر؟

حکیمی‌پور گفت: سخنرانی بوده ولی چنین مطالبی و شعارهایی در اعتراض به سخنان نبوده،

ولی در آخر این سخنرانی، عده‌ای شیشه‌ها را شکستند و من نیز سخنرانی را تمام کردم.

باهنر در آخر دفاعیه خود گفت: آقای حکیمی‌پور در شکایت خود، من را به عجز و ناتوانی و

بی‌اعتقادی به قانون اساسی و مبانی دینی متهم کرده است که باید در جای خود به این اتهامات

رسیدگی شود. حکیمی‌پور نیز گفت: باهنر باید ثابت کند و مستندات خود را ارائه دهد که چنین

باند‌ها و گروه‌هایی که در نشریه آورده وجود دارد. من مطمئن هستم که چنین باند‌هایی وجود ندارد و

اگر عده‌ای با خواندن این مطالب، من را تروریست دانسته و احساس تکلیف می‌کردند که من را باید

بکشند و این کار را می‌کردند، چه کسی جوابگو می‌شد؟

نظر هیأت‌منصفه

اعضای هیأت‌منصفه در خصوص شکایت احمد حکیمی‌پور از مدیرمسئول نشریه جام به اتهام

نشر اکاذیب، متهم را با اکثریت آرا مجرم تشخیص داد. اما در خصوص اتهام افتراء، متهم را به اتفاق آرا

مجرم نشناخت و در مورد اتهام اهانت نیز با اکثریت آرا، مدیرمسئول نشریه را مجرم تشخیص نداد.

اعضای هیأت‌منصفه در پایان به اتفاق آرا متهم مذکور را مستحق تخفیف تشخیص داد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه جوان

نام نشریه: جوان

مدیرمسئول: محمدمهدی مظاهری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۴

اتهام: نشر اکاذیب و افترا

شاکلی: احمد حکیمی پور عضو شورای شهر

رای دادگاه: حکم برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاه قاضی صارمی از احمد حکیمی پور خواست که در جایگاه قرار گیرد و شکایت خود را علیه روزنامه جوان مطرح کند.

احمد حکیمی پور در این زمینه با اشاره به مطالب مندرج در روزنامه جوان در تاریخ های ۱۶، ۲۰ و ۳۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ آن ها را مصداق نشر اکاذیب و اهانت دانست و براساس مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواستار رسیدگی به آن شد.

وی گفت: با چاپ شدن اولین مطلب علیه این جانب در تاریخ ۱۶ فروردین ماه موج جو سازی علیه من شروع شد و به همین دلیل از این روزنامه شکایت دارم.

حکیمی پور به چاپ نامه ای منتسب به وی در این روزنامه اشاره کرد و گفت: این روزنامه با چاپ نامه من به مقدمی (یکی از متهمان پرونده ترور حجاریان) و طرح سؤالاتی پیرامون آن باعث شد که پرونده در مسیری خاص قرار گیرد و از این طریق ضرر و زیان هایی نصیب من شود.

حکیمی پور تأکید کرد که شخصاً انگیزه ای برای شکایت از نشریه خاصی نداشته، اما بر این عقیده است که چاپ این مطلب در روزنامه جوان، سرآغاز ایجاد فضایی خاص پیرامون وی بوده است.

وی همچنین گفت: پرونده ای که به رغم درخواست مکرر وکیل این جانب هیچگاه در اختیارم قرار نگرفت، چگونه است که نامه ای مرتبط با آن در اختیار این روزنامه قرار می گیرد؟

وی همچنین تصریح کرد: موضوع این است که من هنوز نمی‌دانم چرا با آن وضع در شب عاشورا دستگیر شدم و اطلاعیه‌ای علیه من صادر شد و چرا آزاد شدم، اما تمامی آن را ناشی از کار نشریات می‌دانم که برای انحراف پرونده انجام شد.

در ادامه جلسه دادگاه، محمد مهدی مظاهری مدیرمسئول روزنامه جوان در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: این روزنامه اطلاع‌رسانی به منظور افزایش آگاهی‌های عمومی را از وظایف خود می‌داند.

وی در ادامه به سختی و طاقت‌فرسایی کار روزنامه‌نگاری اشاره کرد و افزود: بعد از ۴۵۵ شماره، این اولین شکایتی است که در حد یک پرونده ملی از این روزنامه مطرح شده است.

مظاهری با تأکید بر سوء برداشت از مطالب این روزنامه گفت: مسأله ترور حجابیان، مسأله‌ای ملی بود که تمام رسانه‌ها به دنبال انتشار اخبار آن بودند. در شماره‌های این روزنامه هیچ مطلبی درباره دخالت آقای حکیمی‌پور در این ترور چاپ نشده و هیچ سوء قصدی نیز در روزنامه وجود نداشته است.

وی در ادامه اظهارات حکیمی‌پور مبنی بر زیربنا بودن مطلب این نشریه برای شروع حملات را رد کرد و گفت: روزنامه‌های رسالت و کیهان در روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین ماه مطالب مفصل‌تری را در این زمینه چاپ کردند و بنابراین روزنامه جوان شروع‌کننده این مطلب نبوده است.

وی همچنین درباره نامه چاپ شده مورد اشاره در روزنامه گفت: این نامه از طریق فکس به روزنامه ارسال شد و ما نیز در رابطه با آن سؤالاتی را مطرح کردیم. درباره ممنوع‌الخروج بودن آقای حکیمی‌پور نیز روز بعد از چاپ مطلب، تکذیبیه شورای شهر در این زمینه درج شد.

در پایان جلسه دادگاه، قاضی صارمی با توجه به اتمام دفاعیات مدیرمسئول روزنامه جوان اعلام کرد که اتخاذ تصمیم پس از استماع نظر هیأت منصفه انجام خواهد شد.

نظر هیأت منصفه^۱ و رأی دادگاه

درخصوص شکایت احمد حکیمی‌پور از مدیرمسئول روزنامه جوان به عنوان نشر اکاذیب و افترا اعضای هیأت منصفه پس از استماع شکوائیه شاکی و دفاعیات متهم سرانجام متهم را در مورد نشر اکاذیب با اکثریت آرا و درخصوص افترا به اتفاق آرا، مجرم تشخیص نداد.

دادگاه براساس نظر هیأت منصفه رأی برائت مدیرمسئول روزنامه جوان را صادر کرد.

۱. حجت‌الاسلام جعفر شبیری، محمد ناصری صالح‌آبادی، جمال شورجه، علی‌اکبر کسائیان، داوود میرباقری، شعبان شهیدی و خانم فاطمه کروی.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ماهان

نام نشریه: ماهان

مدیرمسئول: اکبر باقریان

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۴

اتهام: نشر اکاذیب

شاکی: "الف.م"

رای دادگاه: حکم برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

رئیس دادگاه در آغاز جلسه محاکمه مدیرمسئول هفته نامه ماهان که در ۴ مهرماه برگزار شد، گفت: به علت این که آدرس خانم "الف.م" شاکی نشریه ماهان شناسایی نشده، شکایت وی را قرائت می کنم. در شکایت خانم "الف.م" آمده است: این نشریه به دلیل انتشار نام دخترم لیلا و نشر اکاذیب مشکلاتی حیثیتی و اخلاقی به وجود آورده است.

در این شکایت اضافه شده است: اسم بنده را نباید چاپ می کردند، ثانیاً هیچ کس به مدرسه دخترم مراجعه نکرده و نیز در مورد سرقت اتومبیل، دخترم هیچ نقشی نداشته و دو ساعت قبل از سوار شدن پسر مورد نظر، خود به طور شخصی اتومبیل را به سرقت برده است و اتومبیل توسط صاحبش به تهران منتقل شد و نیز این مجله نوشته که این دو در یکی از مبادی ورودی تهران دستگیر شده و هر دو خود را به آگاهی معرفی کرده اند، لذا از شماره ۱۴ تیر ۱۳۷۹ این مجله شکایت دارم. رئیس دادگاه اتهام باقریان را نشر اکاذیب عنوان کرد و از وی خواست که از خود دفاع کند.

باقریان پس از قرار گرفتن در جایگاه گفت: هیچ گونه قصد توهین و اهانت نداشته و این خبر بدون ذکر کامل نام افراد برای تنویر افکار عمومی به ویژه والدین دختران و پسران دم بخت درج شده است. من هیچ گونه آشنایی با قهرمانان حادثه و یا عداوتی با آنان نداشته و ندارم و پرونده این حادثه در شعبه ۱۶۰۶ دادگاه عمومی تهران و شعبه ۱۱ آگاهی در جریان است و در صورت تأیید این مراجع نسبت به چاپ تکذیبیه اقدام خواهد شد.

وی گفت: در مقاله ماهان با عنوان "بر اثر مخالفت پدر و مادر، لیلا با پسر مورد علاقه‌اش فرار کرد" آمده است: دختر نوجوانی وقتی با مخالفت پدر و مادرش برای ازدواج با جوان مورد علاقه‌اش روبه‌رو شد، از خانه فرار کرد.

وی گفت: در بازجویی‌هایی که از این دختر به عمل آمده، وی هدف خود از فرار کردن را ازدواج با فرد مورد علاقه ذکر کرده است، درحالی‌که والدین وی مخالف این وصلت بوده‌اند و پسر مورد نظر نیز خواهان ازدواج با لیلا است.

باقریان افزود: براساس مواد ۳ و ۵ قانون مطبوعات، مسئولان نشریات موظفند در جهت چاپ و انتشار اخبار برای افزایش آگاهی‌های عمومی اقدام کنند و در غیر این صورت باید سرزنش شوند. وی سپس با اشاره به آماری که مدتی پیش دربارهٔ مفاسد اجتماعی از سوی رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری اعلام شده بود گفت: خبر منتشره به منظور آگاهی دادن به خانواده‌ها درج شده و مستند به آنچه که در شعبهٔ ۱۱ ادارهٔ آگاهی و شعبهٔ ۱۶۰۶ دادگاه عمومی تهران بوده، است. در این خبر، بدون ذکر نام، کم‌ترین اهانت و توهین به کسی نشده است.

باقریان افزود: مادر لیلا نیز اعتراف دارد که اتومبیل سرقت شده و دخترش با سارق به کرمان رفته، ولی دخترش در سرقت نقش نداشته و هر دو متهم خودشان را به ادارهٔ آگاهی معرفی کرده‌اند. وی در پایان خواستار رد شکایت خانم «الف.م» و براءة خود از اتهام وارده شد.

نظر هیأت منصفه^۱ و رأی دادگاه

اعضای هیأت منصفه در خصوص شکایت از هفته‌نامهٔ ماهان پس از استماع شکایت کتبی شاکی و دفاعیات مدیرمسئول، با عنایت به این‌که ذکر اسامی عنوان شده در شکایت شاکی بدون ذکر شهرت فامیل و نشانی در نشریهٔ ماهان درج شده متهم، مجرم شناخته نشد.

براساس این گزارش هیأت منصفه به کلیهٔ مطبوعات توصیه می‌کند که در شرح اخبار و حوادث رعایت آبرو و حقوق فردی مردم را کرده و از ذکر نام و فامیل و نشانی متهمان جداً خودداری کنند.

دادگاه براساس نظر هیأت منصفه و با استناد به لایحه ۳۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ رأی بر براءة مدیرمسئول ماهان صادر نمود.

۱. حجت‌الاسلام جعفر شبیری، محمد ناصری صالح‌آبادی، جمال شورجه، علی‌اکبر کسائیانی، داوود میرباقری، شعبان شهیدی و خانم فاطمه کروبوی.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه ندای آذربادگان

نام نشریه: ندای آذربادگان

مدیرمسئول: لطف‌الله تمکینی

شعبه رسیدگی‌کننده: دادگاه مطبوعات استان آذربایجان شرقی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۶

اتهام: نشر اکاذیب

شاکلی: حراست فروشگاه رفاه تبریز

رای دادگاه: مدیرمسئول به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد. وی به رأی صادره اعتراض نمود ولی قبل از صدور رأی از سوی دادگاه تجدیدنظر، لطف‌الله تمکینی مدیرمسئول نشریه فوت شد.

خلاصه پرونده

دادگاه مطبوعات استان آذربایجان شرقی برای رسیدگی به شکایت مطروحه علیه یک نشریه محلی چاپ تبریز با حضور هیأت منصفه مطبوعات تشکیل شد.

در جلسه این دادگاه به دو شکایت مطرح شده علیه نشریه ندای آذربادگان به مدیرمسئولی لطف‌الله تمکینی رسیدگی شد.

دبیرخانه هیأت منصفه مطبوعات استان اعلام کرد: با توجه به گذشت یکی از شاکیان این نشریه از شکایت خود، دادگاه تنها در یک مورد شکایت رسیدگی و پس از اخذ آخرین دفاع مدیرمسئول نشریه ندای آذربادگان، اعضای هیأت منصفه رأی به مجرمیت وی با استحقاق تخفیف در مجازات دادند.

دادگاه با توجه به شکایت حراست فروشگاه رفاه تبریز مدیرمسئول ندای آذربادگان را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرد. مدیرمسئول ندای آذربادگان که در زمان صدور رأی ۸۶ ساله و مسن‌ترین فرد مطبوعاتی و مدیرمسئول شناخته می‌شد، به رأی دادگاه اعتراض کرد. قبل از صدور حکم دادگاه تجدیدنظر مدیرمسئول ندای آذربادگان فوت شد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه عصر آزادگان

نام نشریه: عصر آزادگان

مدیرمسئول: غفور گرشاسبی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۱۸

شماره دادنامه: ۲۸۲ الی ۲۹۳، کلاسه پرونده: ۱۴۰۸/۷۹، ۴۲، ۶۱، ۶۳، ۷۵، ۶۳۳، ۱۳۴، ۲۴۱.

اتهام: اهانت به مقدسات دینی، نشر اکاذیب، توهین به مقدسات نظام، تبلیغ علیه نظام، افترا و تخلف از قانون انتخابات، تبلیغ علیه کاندیداهای نمایندگی مجلس

شاک: حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، معاونت اطلاعات نیروی انتظامی تهران بزرگ، بسیج دانشجویی دانشگاه امام جعفر صادق (ع)، اتحادیه مدرسان و طلاب حزب الله، مدیرمسئول نشریه جام هفته، اداره کل قوانین و حقوقی نیروی انتظامی، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دبیر شورای نگهبان، صدا و سیما و رئیس دادگستری کل استان تهران در ۴۵ مورد

رای دادگاه: دادگاه به لغو پروانه این روزنامه رای داد و مدیرمسئول آن را به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی، نه ماه تعطیلی نشریه بدل از حبس و شلاق و دو سال محرومیت از فعالیت های مطبوعاتی بدل از حبس محکوم کرد. در خصوص برخی شکایات، رای براءت صادر شد.

خلاصه پرونده

روزنامه عصر آزادگان به مدیرمسئولی غفور گرشاسبی در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۴ به دستور قاضی صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ توقیف شد.

حمیدرضا جلابی پور عضو شورای سیاست گذاری روزنامه عصر آزادگان به خبرنگار ایرنا گفت: نامه ای از طرف صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ به روزنامه تسلیم شده است که روزنامه تا اطلاع ثانوی منتشر نشود. نامه یاد شده خطاب به مدیرکل مطبوعات داخلی نوشته شده و رونوشت آن به روزنامه عصر آزادگان ارائه شده است. در نامه ارسالی به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: نظر به این که پرونده اتهامی مدیرمسئول روزنامه عصر آزادگان جهت

رسیدگی به این شعبه ارجاع گردید و علی‌رغم کثرت شکایات وارده، مع‌هذا اصرار روزنامه مذکور به تخلف و انحراف از قانون مجازات اسلامی همچنان ادامه دارد و این امر موجب نگرانی عمومی گردیده است، لذا مستنداً به بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ از قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ ناظر به تکلیف قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم و تشویش اذهان عمومی مقرر می‌دارد از انتشار روزنامه مذکور تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید.

مشروح دادگاه

در جلسه دادگاهی که در ۱۸ مهر ۱۳۷۹ برگزار شد، محمدرضا صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران (دادگاه مطبوعات) شروع اولین جلسه رسیدگی به اتهامات غفور گرشاسبی مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده عصر آزادگان را با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی، با حضور اعضای هیأت منصفه و خبرنگاران، علنی اعلام کرد.

پس از سخنان رئیس دادگاه، جعفر عباسی نماینده حقوقی سازمان صدا و سیما در جایگاه قرار گرفت و نسبت به اظهارات درج شده آقایان محسن آرمین و محمدرضا راه‌چمنی در شماره ۱۵۶ مورخ چهارم اردیبهشت ۱۳۷۹ روزنامه عصر آزادگان شکایت کرد و گفت: این روزنامه با درج اظهارات محسن آرمین و محمدرضا راه‌چمنی با عناوین محسن آرمین: "اقدام صدا و سیما به هدف آلوده کردن فضای سیاسی کشور انجام شد" و محمدرضا راه‌چمنی: "توجیه لاریجانی در زمینه پخش صحنه‌های ضدارزشی و آزادی ماهواره قیاس مع الفارق است" افکار عمومی و اذهان را علیه تنها رسانه ملی کشور برانگیخته است. این دو مصاحبه در زمینه پخش صحنه‌ای از کنفرانس برلین بود. سازمان صدا و سیما علیه آقایان آرمین و راه‌چمنی مستقلاً شکایت کرده است که در جای خود پیگیری می‌شود.

نماینده صدا و سیما گفت: به دنبال اقدام روشنگرانه صدا و سیما در پخش صحنه‌هایی از کنفرانس برلین و سخنرانان آن، روزنامه‌های جدیدالولاده زنجیره‌ای حمله همه‌جانبه علیه تنها رسانه ملی کشور (صدا و سیما) را آغاز کردند و گرشاسبی نیز از این قافله عقب نمانده و اظهارات آرمین و راه‌چمنی را به چاپ رساند که این اظهارات از مصادیق بارز نشر اکاذیب است.

صدا و سیما در جریان پخش فیلم کنفرانس برلین کار تولیدی و مستندسازی نکرده، بلکه تنها بخشی از این کنفرانس شانزده ساعته را پخش کرده است، درحالی‌که به خبرنگار صدا و سیما تنها اجازه حضور و ضبط سه و نیم ساعت از این کنفرانس را داده بودند.

عباسی، اظهارات آرمین را یک تهمت برای مخدوش کردن چهره صدا و سیما و اظهارات

راه‌چمنی را نوعی افترا علیه صدا و سیما عنوان کرد و گفت: آقای راه‌چمنی پخش این فیلم را نوعی اشاعه فحشا دانسته است، درحالی‌که این کلام نوعی افترا است و باید اثبات کند و تا زمانی‌که اثبات نکند، مفتری قابل پیگیری است.

نماینده حقوقی صدا و سیما افزود: به خبرنگار صدا و سیما در مجلس شورای اسلامی کشور خودمان که هم‌اکنون آقای آرمین در آن نمایندگی دارد اجازه فعالیت آزادانه نمی‌دهند و تنها قسمتی از راهرو را به خبرنگار ما برای فعالیت خبری اختصاص داده‌اند، آن وقت چگونه خبرنگار ما در خارج از کشور می‌توانست تمامی این کنفرانس را ضبط کند. وی از رئیس دادگاه و اعضای هیأت منصفه مطبوعات خواستار مجازات گرشاسبی به اتهام نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر، افترا و تهمت شد. پس از وی سبحان خدمت‌گذار نماینده اداره کل حقوقی و قوانین نیروی انتظامی به طرح شکایت علیه مدیرمسئول روزنامه **عصر آزادگان** پرداخت و گفت: این روزنامه در خبر شماره ۱۱۲ مورخ دوم اسفند ۱۳۷۸ تحت عنوان «جزئیات تازه از ناآرامی‌ها در شوش دانیال» متهم به نشر اکاذیب، افترا، تشویش افکار و اذهان عمومی شده است. این روزنامه در این خبر مدعی شده بود که در جریان درگیری در دشت آزادگان و شوش دانیال پنج نفر کشته شده‌اند، درحالی‌که نیروی انتظامی دشت آزادگان در گزارش خود ضمن تکذیب این خبر از کشته شدن یک نفر به دست افراد نامعلوم خبر داد. نیروی انتظامی ناحیه شوش دانیال نیز خبر کشته شدن افرادی در آشوب این شهر را تکذیب و مجروح شدن دوازده نفر را تأیید کرد.

این مطالب ذهنیت منفی در بین جامعه علیه مأموران نیروی انتظامی ایجاد می‌کند. وی به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان و افکار عمومی و افترا علیه مدیرمسئول روزنامه **عصر آزادگان** شکایت کرد و خواستار مجازات وی شد.

در این جلسه نماینده سازمان قضایی نیروهای مسلح، حضور نداشت و شکایت این سازمان توسط رئیس دادگاه قرائت شد. این سازمان از خبر مندرج در تاریخ سوم بهمن سال گذشته روزنامه **عصر آزادگان** که در آن خبر از قسم خوردن رئیس دادگاه در جلسه غیرعلنی مجلس مبنی بر صحیح بودن اظهارات متهمان قتل‌های زنجیره‌ای به چاپ رسیده بود، شکایت کرده است.

دومین جلسه دادگاه

در ابتدای دومین جلسه دادگاه، وکیل سردار نقدی شکایتی را علیه این روزنامه مطرح کرد و با اشاره به مطلبی در روزنامه **عصر آزادگان** مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۶ به نقل از اکبر گنجی گفت: در این مطلب تصریح شده است که «سردار نقدی دارای تفکر مخرب درباره مطبوعات است».

وی این عبارت را توهین به موکل خود دانست و افزود: این اهانتی بزرگ به یک مسؤول در نظام جمهوری اسلامی است و اگر موکل من موضع‌گیری هم درباره مطبوعات داشته، نسبت به آن دسته از مطبوعات بوده که به قانون اساسی و قوانین مدنی که ملزم به رعایت آن هستند، تعرض داشته است.

گنجی، در این شماره همچنین افزوده است: نقدی به‌جای کار اصلی خود به تبلیغ تمام‌وقت علیه مطبوعات می‌پردازد که این مسأله افترا است و براساس ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی قابل پیگیری است. در این شماره همچنین گفته شده است: تا زمانی که نقدی در رأس حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی باشد، احتمال ترور افرادی نظیر حجاریان هنوز باقی است. وی با توجه به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی آن را نشر اکاذیب و قابل رسیدگی دانست.

در ادامه جلسه دادگاه، صارمی از نماینده مدعی العموم خواست که شکایت خود را مطرح کند. نماینده مدعی العموم با اشاره به مطالب این روزنامه در تاریخ ۱۳۷۸/۱/۱۸ گفت: این روزنامه گفته است: انقلاب در یک سطحی از حاکمیت دچار انحراف شده است، مردم احساس می‌کنند انقلاب را از آنان دزدیده‌اند و بر آنان حکومت می‌کنند. ما می‌خواهیم حاکمیت سر عقل بیاید و راه اصلاحات را باز کند. وی همچنین به شماره مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۵ این نشریه اشاره کرد و گفت: در این شماره آمده است: گفتارها و نوشتارهای متکبران و خودپسندانه آکنده از نفرت، کینه، تحقیر و توهین نسبت به اکثریت ملت ایران، گفتمان حاکم در طول دو دهه انقلاب بوده است.

نماینده مدعی العموم در ادامه به شماره‌ای از این نشریه در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۹ اشاره کرد و گفت: در این شماره آمده که «مهندسان و طراحان اصلی انقلاب روشنفکران دینی بودند و روحانیت ابزار دست روشنفکران برای بسیج توده‌ها بوده است».

وی، همچنین به شماره‌های این روزنامه در تاریخ‌های ۱۷ و ۲۴ آبان و ۲۵ بهمن ماه ۱۳۷۸ اشاره کرد و گفت: در این شماره‌ها با چاپ مطالبی درباره خودی و غیرخودی، آمده است: اگر مسؤولان نظارت بر مطبوعات و وظایف خود را اعمال می‌کردند و آنگونه سیاست تساهل و تسامح را تفسیر نمی‌کردند، یقیناً با چنین وضعیت اسف‌باری مواجه نمی‌شدیم. وی در بخش دیگری از شکوائیه خود گفت: کارنامه روزنامه عصر آزادگان به‌رغم همه زمینه‌هایی که در جهت موفقیت فعالیت‌های سالم وجود دارد، ناخوشایند و ناموفق بوده است به گونه‌ای که در هریک از شماره‌های این جریده می‌توان مقاله یا نوشته‌ای را یافت که به‌نحوی در جامعه ایجاد بحران و یا تردید نکند. وی همچنین به مطالب چاپ‌شده در شماره‌های متعدد این نشریه درباره نظارت استصوابی اشاره کرد و گفت: این نشریه بر آن عقیده است که پدیده نظارت استصوابی خاص نمایندگان مجلس نیست و در تمامی

زمینه‌های جمهوری اسلامی ایران، بعد از انقلاب مطرح بوده است و از جمله مجلس را از حضور چهره‌های صاحب شناخت و کارشناس ورزیده و توانمند و نمایندگان مورد قبول مردم بی‌بهره کرده است.

در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۱۸ مطلبی منتشر شده است که در آن آمده است: با آمدن مجمع تشخیص مصلحت نظام اولاً مصلحت بر شرع مقدم شد و این امری جدید در فقه شیعه است و ثانیاً این مجمع چون از طرف حکومت منصوب می‌شود، مصالح حکومت را در نظر می‌گیرند نه ملت را.

عصر آزادگان در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۵ منتشر کرد: تفکر ولایت فقیه با نظام چندحزبی و تفکر شوراها و آزادی مطبوعات در تضاد است، قانون اساسی اول تمایل به کثرت‌گرایی داشت ولی در بازنگری این زمینه‌ها محدود شد.

این روزنامه در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۰ نوشت که: هیأت‌های مذهبی منشأ خشونتند و بسیجی‌ها اعضای تشکیل‌دهنده این هسته می‌باشند.

عصر آزادگان در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۶ نوشت: آدم و حتی معصومین خود به خود بدون نظارت مردم و به‌طور اصولی در معرض انحراف هستند.

در شماره ۱۳۷۸/۱۰/۳۰ این روزنامه آمده است: کودتای ۲۸ مرداد را علاقه‌مندان به وضع ماقبل مشروطه، اعم از مستبدان و روحانیون محافظه‌کار با همکاری بیگانگان انجام دادند.

عصر آزادگان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۶ منتشر کرد: نظریه تهاجم فرهنگی چه‌ها که بر سر فرهنگ و هنر و رد روشنفکران نیاورد، کاروان خودستیزی اقتدارگران از مرداب آن نظریه سیراب و انجامش به قتل و کشتار و حبس و حصر انجامید.

عصر آزادگان در مهرماه ۱۳۷۸ نیز نوشت: انقلاب در قالب گذشته خود به بحران مشروعیت و ایدئولوژیکی گرفتار شده است و روند دموکراتیک روزبه‌روز بیش‌تر جا می‌افتد.

در شماره روز ۱۳۷۹/۱/۱۵ آمده است: بازنگری قانون اساسی یک امری بود که از قبل نتیجه‌اش مشخص بود و یک مجلس فرمایشی این کار را کرد. رهبر همه چیز را معلوم کرده، عده‌ای را هم انتخاب نمود تا نظرات او را قانونی کنند.

در شماره روز ۱۵ فروردین ۱۳۷۹ همچنین نوشت: نسبت به اصل قانون اساسی گروه‌های زیادی به ویژه اهل سنت و کردها انتقاد داشتند زیرا مذهب رسمی را شیعه، رهبر و رئیس‌جمهور و رئیس‌قوة قضائیه را شیعی مذهب مقرر کرده بود. امام قول اصلاح دادند ولی در بازنگری نه‌تنها به آن قول عمل نشد، بلکه خیلی چیزها وارونه شد.

در شماره مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ نیز نوشت: نظارت استصوابی به خاطر جلوگیری از انتخاب افراد

ناباب علاوه بر سفسطه‌آمیز بودن آن مبتنی بر فرض عدم شعور و آگاهی مردم است و با مردم‌سالاری نیز منافات دارد. نماینده مدعی‌العموم در خاتمه شکوائیه خود از دادگاه خواست که براساس مواد قانونی به این شکایت رسیدگی و متهم مجازات شود.

غفور گرشاسبی مدیرمسئول روزنامه توقیف شده عصر آزادگان پس از اعلام شکایت از سوی نماینده مدعی‌العموم در جایگاه قرار گرفت و گفت: در مورد اتهاماتی که به اصول و ارزش‌های اسلامی مربوط می‌شود، دفاع ندارم و خود من نیز شاکی هستم. سال ۱۳۷۷ روزنامه عصر آزادگان را منتشر کردم که پس از ۹ ماه به دلیل ابتلای یکی از بستگانم به بیماری تومور مغزی و زیان هنگفت مالی با بحران مالی و بدهکاری مواجه شدم که منجر به توقف انتشار روزنامه شد. فشار طلبکاران از جمله اجاره محل، کاغذ، چاپخانه و نیروی انسانی ما را مجبور کرد که با گروه جامعه‌روز صحبت کنیم و با آنان قراردادی به این مضمون در یک نسخه منعقد شد که آنان در ازای انتشار روزنامه بدهی روزنامه را پرداخت کنند. این قرارداد به دلیل عسر و حرج من منعقد شد و طی آن یک هیأت پنج‌نفره تشکیل شد که من تنها حق یک رأی داشتم و در مورد انتشار روزنامه تذکراتی داشتم که دوستان به آن اعتنا نمی‌کردند. گردانندگان این روزنامه (جامعه روز) حتی دو بار علیه من مطلب چاپ کردند ولی به دلیل این‌که جریمه سنگینی برای فسخ قرارداد نوشته بودند و از طرفی این قرارداد یک نسخه و آن هم نزد جامعه‌روز بود، نتوانستم آن را فسخ کنم.

وی سپس به سابقه فعالیت و مسؤولیت‌های خود اشاره کرد و افزود: من منتشرکننده روزنامه ابرار بودم که در زمینه فعالیت مطبوعاتی در بخش خصوصی هیچ‌کسی به اندازه من صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول نبوده است. لازم است در این مکان از دکتر سروش به خاطر چاپ تیتري در روزنامه به نقل از وی عذرخواهی کنم چون این تیتري و سخنان مربوط به دکتر سروش نبود.

گرشاسبی در مورد گزارش حقوق بشر منتشر شده در روزنامه عصر آزادگان که مورد شکایت مدعی‌العموم است گفت: گزارش‌های غرض‌آلود بیگانگان نباید مبنای قضاوت ما در مطبوعات باشد.

وی درباره نظارت استصوابی نیز که از شکایات مدعی‌العموم بود اظهار داشت: در جامعه ما کسی نیست که نظارت استصوابی را قبول نداشته باشد، ولی اختلاف‌نظر و دیدگاهی نسبت به نظارت در جامعه وجود دارد که می‌گویند نظارت از کجا تا کجا باشد؟ این اختلاف‌نظر در مورد نظارت است نه نظارت استصوابی، کسی نمی‌تواند منکر نظارت استصوابی باشد، چون این نظارت در قانون آمده است. برخی از شاکیان خصوصی اعتراض و تکذیبیه نفرستادند تا ما آن را چاپ کنیم و به محض چاپ مطلب، اقدام به شکایت کردند.

گرشاسبی در مورد نامه حمیدرضا جلایی پور رئیس شورای سیاست‌گذاری جامعه‌روز به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: این نامه نشان می‌دهد که اختلاف میان ما خیلی بالا بوده و حتی درگیری هم داشتیم. وی سپس این نامه را خواند که در آن آمده بود: ما پس از تعطیلی روزنامه جامعه موفق به دریافت مجوز دیگری برای انتشار روزنامه نشدیم و در جمع خانواده روزنامه عصر آزادگان با مشکلات زیادی مواجه هستیم و تعدادی از مدیران سابق این روزنامه که برخی از آنان نیز معتاد هستند، موجب بروز مشکلاتی برای ما می‌شوند.

مدیرمسئول روزنامه عصر آزادگان سپس در دفاع از شکایت محمدرضا باهنر مدیرمسئول جام هفته، نامه امیرسعید نقی‌زاده مسئول روابط عمومی وقت سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به منصور واعظی رئیس وقت این سازمان را قرائت کرد که در آن خواستار انعقاد قرارداد خرید چند نشریه از جمله جام هفته شده بود.

قاضی پرسید: قرارداد اجاره روزنامه از چه تاریخی و به چه مدت منعقد شده بود؟
متهم گفت: از مهرماه ۱۳۷۸ به مدت نامحدود.

صارمی پرسید: مبلغ اجاره چقدر بود؟

متهم گفت: مقرر شده بود که ماهانه دوازده میلیون ریال به طلبکاران پرداخت کنند.

صارمی سؤال کرد: آیا قرارداد اجاره پس از تصویب قانون جدید مطبوعات خاتمه یافت و یا ادامه داشت؟

متهم جواب داد: این قرارداد هنوز ادامه دارد، ولی من خواستار ابطال آن هستم.

رئیس دادگاه گفت: آیا اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات وزارت ارشاد و سایر مسئولان ذی‌ربط از این قرارداد مطلع بودند؟

گرشاسبی جواب داد: خیر، چون در زمانی که این قرارداد منعقد شده بود، اجاره نشریه جرم نبود، بلکه پس از تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات در مجلس پنجم این مورد جرم شد.

قاضی از متهم سؤال کرد: عملاً چه اقدامی در جهت جلوگیری از استمرار انتشار روزنامه پس از تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات به عمل آوردید؟

متهم پاسخ داد: من هر شب به شمس‌الواعظین سردبیر روزنامه تذکر می‌دادم، ولی کنترل روزنامه به دست وی نیز نبود و حتی یک روز به وی گفتم که این کار من (اجاره روزنامه) به این می‌ماند که کسی اسم پسر خود را رستم گذاشته بود، ولی می‌ترسید وی را صدا کند.

رئیس دادگاه از نعمت احمدی وکیل مدافع گرشاسبی خواست به دفاع از موکل خود بپردازد.
احمدی گفت: موکل من برای دفاع مصلوب‌الاراده بود و این اولین پرونده‌ای بود که نمی‌دانستم

چه کنم. در آن قرارداد حقوق موکل من نادیده گرفته شده است، ولی موکل من به علت علاج بیماری حاد یکی از بستگان خود که به بیماری تومور مغزی مبتلا بود، مجبور به ادامه آن قرارداد شده بود. من دفاعیه ندارم اگر چه می توانم بسیار دفاع کنم ولی باید بگویم که موکل من در اداره روزنامه نقشی در چاپ مطالب نداشته است. موکل من از افراد انقلابی و دارای سوابق درخشانی همچون نمایندگی مجلس، معاونت وزیر و سرپرستی چند نهاد و اداره را برعهده داشته و شامل مقدمه کیفرخواست تنظیمی نماینده مدعی العموم نمی باشد. وی در خصوص شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی از عصر آزادگان، نامه شمس الواعظین را که از زندان اوین برای وی نوشته بود، قرائت کرد که در آن نامه آمده است: مأموران حفاظت اطلاعات ناجا وی (شمس الواعظین) را دستگیر نکرده بودند، بلکه وی را مأموران واحد اطلاعات نیروی انتظامی دستگیر کرده بودند. شمس الواعظین در این نامه آورده است که هم روزنامه عصر آزادگان در این خبر اشتباه کرده است و هم شکایت نیروی انتظامی صحیح نیست.

وی افزود: اگر تخلفی نیز صورت گرفته، به اعضای هیأت منصفه مطبوعات واگذار می کنم و بیشترین تخلف موکل من، واگذاری نشریه است نه مطالب منتشره در این روزنامه. پس از سخنان احمدی، گرشاسبی در آخرین دفاع خود گفت: از تمامی افرادی که به آنان تهمت روا داشته شد، طلب عفو شرعی دارم و تنها به خاطر مشکلات حاد مالی که داشتم، راه را در این دیدم که امتیاز روزنامه را واگذار کنم و آن زمان نیز این موضوع، جرم نبود. رئیس دادگاه سپس ختم رسیدگی به پرونده روزنامه عصر آزادگان را اعلام کرد و اعضای هیأت منصفه وارد شور شدند.

نظر هیأت منصفه

پس از خاتمه دادگاه، اعضای هیأت منصفه وارد شور شدند و وی را در مورد اتهامات فوق مجرم ولی مستحق تخفیف دانستند.

اعضای هیأت منصفه مطبوعات اعلام کردند: چون موضوع شکایت اتحادیه مدرسان و طلاب حزب الله و شکایت بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) در شکوائیه مدعی العموم آمده و مورد نظر قرار گرفته، در آن بابت اظهار نظر جدید لزومی ندارد.

در مورد شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، اعضای هیأت منصفه با اکثریت آرا متهم را مجرم شناخت و در مورد شکایت معاونت اطلاعات ناتب (در مورد مقاله اکبر گنجی در شماره ۱۰۸) مدیرمسئول را به عنوان تبلیغ علیه یکی از کاندیداها با اکثریت آرا مجرم تشخیص داد و در

مورد مقاله حمیدرضا جلایی پور و سیدابراهیم نبوی در شماره ۱۰۷ روزنامه برعلیه یکی از کاندیداهای مجلس، مدیرمسئول را با اکثریت آرا مجرم شناخت.

در مورد شکایت حفاظت اطلاعات ناجا و وکیل سردار نقدی در خصوص مقاله اکبر گنجی در شماره ۱۳۳، مدیرمسئول را به عنوان مقتری، مجرم تشخیص و در مورد اهانت، با اکثریت آرا وی را مجرم ندانست. اعضای هیأت منصفه متهم را در مورد شکوائیه اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا راجع به مطالب صفحه اول شماره ۱۱۲ روزنامه با اکثریت آرا به اتهام نشر اکاذیب مجرم دانست و پیرامون شکوائیه سازمان صدا و سیما از مطالب شماره ۱۵۶ در مورد اظهارات محسن آرمین با اکثریت آرا متهم را به عنوان نشر اکاذیب، مجرم دانست اما درباره مطالب دیگران که در شکوائیه صدا و سیما مطرح شده بود، با اکثریت آرا وی را مجرم نشناخت.

اعضای هیأت منصفه، شکایت مدیرمسئول نشریه جام هفته، روابط عمومی سازمان قضایی نیروهای مسلح و دبیر شورای نگهبان علیه مدیرمسئول روزنامه توقیف شده عصر آزادگان را جرم تشخیص نداد. هیأت منصفه با توجه به اعترافات صادقانه متهم و با عنایت به این که مشارالیه به طور صریح اظهار داشت که در درج مطالب موضوع شکایت مذکور به دلیل واگذاری نشریه به شرکت جامعه روز نظارت بایسته را معمول نداشته است، هرچند این اظهارات به زیان وی می باشد، اما چون از ذکر واقعیت ها ابا نکرده و به لحاظ اظهار ندامت و عذرخواهی از تمام شاکسانی که توهین و زیانی متوجه آنان شده است و همچنین به دلیل نداشتن پیشینه کیفری، وی را به اتفاق آرا مستحق تخفیف دانستند.

براساس نظر اعضای هیأت منصفه مطبوعات، چون واگذاری روزنامه عصر آزادگان به شرکت جامعه روز قبل از تصویب قانون جدید مطبوعات که واگذاری نشریات به غیر را جرم می داند، بوده و سپس توقیف شده است، لذا جرائم ارتكابی از سوی مدیرمسئول نشریه مذکور متوجه او نیست.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای غفور گرشاسبی مدیرمسئول روزنامه عصر آزادگان مبنی بر: ۱. تبلیغ برعلیه کاندیداهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در شماره های ۱۰۷ و ۱۰۸ آن روزنامه در ایام تبلیغات و برخلاف مقررات قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ۲. ایراد افترا نسبت به آقای محمدرضا نقدی فرماندهی وقت حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در جریان مقاله منتشره به قلم آقای اکبر گنجی در شماره ۱۳۳ آن روزنامه ۳. نشر اکاذیب نسبت به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در جریان مقاله منتشره به قلم آقای اکبر گنجی در شماره ۱۱۲ آن روزنامه ۴. نشر

اکاذیب نسبت به سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در جریان درج مطالب آقای محسن آرمین در شماره ۱۵۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۴ آن روزنامه ۵. اهانت به مقدسات دینی و ۶. نشر اکاذیب و ۷. توهین به مقدسات و مقامات جمهوری اسلامی ایران موضوع ماده ۲۷ قانون مطبوعات و ۸. تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در جریان انتشار مطالب در تاریخ‌های ۱۳۷۸/۷/۲۰، ۱۳۷۸/۸/۱۷، ۱۳۷۸/۸/۲۰، ۱۳۷۸/۸/۲۴، ۱۳۷۸/۸/۳۰، ۱۳۷۸/۴/۹، ۱۳۷۸/۹/۲۵، ۱۳۷۸/۱۱/۵، ۱۳۷۸/۱۰/۱۲، ۱۳۷۸/۱۰/۲۰، ۱۳۷۸/۱۰/۲۱، ۱۳۷۸/۱۰/۳۰، ۱۳۷۸/۱۱/۷، ۱۳۷۸/۱۱/۹، ۱۳۷۸/۱۱/۱۰، ۱۳۷۸/۱۱/۱۱، ۱۳۷۸/۱۱/۱۲، ۱۳۷۸/۱۱/۲۰، ۱۳۷۸/۱۱/۲۵، ۱۳۷۸/۱۱/۲۷، ۱۳۷۸/۱۱/۲۸، ۱۳۷۸/۱۲/۱۵، ۱۳۷۸/۱۲/۱۹، ۱۳۷۸/۱۲/۲۱، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶، ۱۳۷۹/۱/۹، ۱۳۷۹/۱/۱۰، ۱۳۷۹/۱/۱۱، ۱۳۷۹/۱/۱۸، ۱۳۷۹/۱/۱۵، ۱۳۷۹/۱/۱۶، ۱۳۷۹/۱/۲۰، ۱۳۷۸/۹/۲۳، ۱۳۷۸/۱۰/۳۰ و ۱۳۷۸/۸/۱۷ به شرح شکوائیه ریاست محترم کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم جمعاً در ۴۳ مورد منتشره در روزنامه مذکور که با عنایت به جامع اوراق پرونده‌های اعلامات و شکایات به‌عمل آمده از سوی اطلاعات ناتب، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، حفاظت و اطلاعات ناجا، آقای محمدرضا نقدی، اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا و ریاست کل دادگستری استان تهران و ملاحظه دلایل و مستندات ارائه شده مضبوط در پرونده و استماع اظهارات متهم و وکیل مدافع وی در جریان تحقیقات اولیه و در جلسه علنی دادگاه با حضور اعضای محترم هیأت‌منصفه مطبوعات و نظریه اعضای محترم هیأت‌منصفه بر مجرمیت متهم در کلیه موارد فوق‌الذکر بزه‌های انتسابی به متهم محرز است و به استناد تبصره‌های ۴ و ۷ از ماده ۹ قانون مطبوعات در باب مسؤولیت مدیرمسئول و مواد ۴۷ و ۵۰۰ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۶۰۹ و ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات و مواد ۶۴ و ۸۳ از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و مواد ۲۷ و ۳۵ و تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مطبوعات و با عنایت به اعلام اعضای محترم هیأت‌منصفه بر استحقاق متهم در برخورداری از تخفیف در مجازات و ملاً رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و توجهاً به اظهارات صادقانه متهم و اظهار ندامت مشارالیه درخصوص اتهام ردیف اول به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی و در خصوص اتهام ردیف دوم به چهار ماه تعطیلی نشریه بدل از حبس و شلاق و در خصوص اتهام ردیف سوم و چهارم و ششم به پنج ماه تعطیلی نشریه بدل از حبس و در خصوص اتهام ردیف پنجم به یک‌سال محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس و درخصوص اتهام ردیف هفتم به یک‌سال محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس و درخصوص اتهام ردیف هشتم به تعطیلی نشریه به مدت پنج ماه محکوم می‌نماید. ضمناً با توجه به اتهام ردیف هفتم متهم مبنی بر

اهانت به مقامات عالی‌رتبه موضوع ماده ۲۷ قانون مطبوعات حکم به لغو پروانه نشریه صادر و اعلام می‌گردد.

دادگاه در خصوص شکایات آقای محمدرضا نقدی و حفاظت ناجا مبنی بر اهانت و شکایت دبیر محترم شورای نگهبان مبنی بر نشر اکاذیب و اهانت و شکایت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مبنی بر نشر اکاذیب و ایراد افترا در مورد درج اظهارات حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی لاری وزیر محترم کشور و آقای محمدرضا راه‌چمنی و شکایت مدیرمسئول هفته‌نامه جام مبنی بر نشر اکاذیب با عنایت به نظر اعضای محترم هیأت منصفه مطبوعات بر عدم مجرمیت متهم و نیز در خصوص شکایات مدعی‌العموم نسبت به مطالب مندرج در روزنامه عصر آزادگان به شرح شکوائیه مطروحه در ردیف‌های دهم، چهاردهم، پانزدهم، بیست و پنجم، سی و سوم، سی و هشتم، سی و ششم و چهل و پنجم شکوائیه مدعی‌العموم به لحاظ عدم ارائه اصول مستندات شکوائیه و در خصوص اتهام دیگر آقای غفور گرشاسبی دائر بر اجاره دادن نشریه به شرکت جامعه روز با توجه به توضیحات متهم و تاریخ توقیف نشریه و تاریخ لازم‌الاجرا شدن اصلاحیه قانون مطبوعات و مآلاً عدم احراز سوءنیت (رکن معنوی جرم) و مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی بر براءة متهم صادر و اعلام می‌گردد. ضمناً در خصوص توقیف نشریه نیز با عنایت به محکومیت‌های مذکور رفع آن موضوعیت ندارد. پرونده در خصوص شکایت آقای "ج.ض.ق" و دیگر متهمان پرونده مفتوح می‌باشد. آرای صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه مینودر "قزوین"

نام نشریه: مینودر "قزوین"

مدیرمسئول: علی اصغر چراغی

شعبه رسیدگی‌کننده: شعبه هشتم دادگستری مرکز استان قزوین، قاضی علیرضا طاهری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۲۶

اتهام: تشویش اذهان عمومی، خدشه‌دار کردن و زیر سؤال بردن عملکرد دادگستری، تخریب و نشر

اکاذیب، توهین به مقامات قضایی

شاک: مدعی‌العموم، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی

رأی دادگاه: پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی.

خلاصه پرونده

هفته‌نامه مینودر قزوین در دهم مهرماه ۱۳۷۹ از سوی شعبه هشتم دادگاه عمومی قزوین توقیف شد. رئیس شعبه هشتم دادگاه عمومی قزوین در این رابطه گفت: هفته‌نامه مینودر در شماره مورخ سوم مهرماه در رابطه با اعدام اغفال‌کنندگان دختران جوان مطالبی را نوشته و یک‌سری تحلیل‌هایی انجام داده بود که موجب شکایت قائم‌مقام دادگستری قزوین به‌عنوان مدعی‌العموم شد. علیرضا طاهری گفت: با استناد به اصل ۲۴ و بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی و جهت جلوگیری از تکرار جرم این نشریه به‌صورت موقت توقیف شد. به گفته وی نشر اکاذیب، توهین به مقامات دادگستری، تشویش اذهان عمومی، خدشه‌دار کردن و زیر سؤال بردن عملکرد دادگستری و سیاسی جلوه دادن عملکرد قاضی در رابطه با حکم صادره از موارد اتهامی این هفته‌نامه است. طاهری تصریح کرد: علی‌اصغر چراغی به‌عنوان مدیرمسئول این نشریه به دادگاه احضار و با کفالت آزاد شد.

در اولین جلسه‌ای که در ۲۷ مهرماه در شعبه هشتم برگزار شد، ابتدا سه شکایت از سوی حفاظت نیروی انتظامی و فرماندهی نیروی انتظامی و قائم‌مقام دادگستری استان قزوین مطرح شد. مرتضی طباطبایی وکیل مدافع حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در طرح شکایت خود به تحریف سخنان سردار نقدی از سوی این نشریه اشاره کرد.

سپس مدیرمسئول هفته‌نامه مینودر در دفاع از خود گفت: همه مطالب مقاله از سخنان خود آقای نقدی بوده و هیچ تحریفی در آن صورت نگرفته است. این جانب همیشه این انتقاد را به آقای نقدی داشته‌ام که ایشان با چنین سمتی هیچ‌گاه نیاستی وارد جریان‌های سیاسی بشود. الفاظ "به تیر کشیدن" و یا به کار بستن الفاظ برای افراد مثل "دون پایه" زینده فردی در پست حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی صحیح نبوده و به‌عنوان یک نشریه وظیفه داریم تا بحث‌های جامعه را نقد کنیم.

سپس غلامعلی سامی‌نژاد وکیل مدافع فرماندهی نیروی انتظامی شکایت خود را مطرح کرد و گفت: در مقاله تحت عنوان "تأمین امنیت دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تاکستان بر عهده کیست" این هفته‌نامه بدون بررسی از صحت و سقم این مسأله و همچنین اطلاع کافی از مأموریت این نیرو، اقدام به چاپ این نامه کرده است. علی‌اصغر چراغی مدیرمسئول و صاحب امتیاز هفته‌نامه مینودر در دفاع گفت: واقعیت این است که مطبوعات ما امروز نمی‌دانند چه چیزی باید بنویسند و چه چیزی ننویسند تا جرم محسوب نشود. نامه فوق در تاریخ سوم اردیبهشت ۱۳۷۷ طی طوماری در ۶ صفحه که به امضای ده‌ها دانشجوی دانشگاه آزاد واحد تاکستان رسیده، با رونوشت به دفتر مقام رهبری، ریاست جمهوری، دفتر امام جمعه تاکستان و خبرگزاری ارسال شده است و آیا چاپ چنین مطلبی جرم محسوب می‌شود؟ ما در امر اطلاع‌رسانی یک وظیفه و رسالتی داریم که در واقع حرف مردم را باید آن‌طور که هست انعکاس دهیم و در غیر این صورت هیچ چاره‌ای نداریم جز این‌که مطبوعات را تعطیل کنیم. قائم‌مقام دادگستری استان قزوین به‌عنوان سومین شاکی در طرح شکایت خود گفت: در رابطه با اعدام اغفال‌کنندگان دختران جوان مطالبی در این نشریه نوشته شده و یک‌سری تحلیل‌های نادرست انجام داده است. این هفته‌نامه نوشته «هر حکمی برای اجرا نیاز به همسویی با احکام شرع دارد» ایشان به نقل از شهروندان نوشته «من این حکم را ناشی از برداشت‌های سیاسی می‌دانم». وی افزود: احکام دادگاه‌ها حتماً باید مستند به مواد قانونی باشد و حکم صادره نیز از نظر قانونی لحاظ گردیده است. چراغی در مقام دفاع گفت: ما در نوع حکم هیچ مطلبی دال بر خلاف موازین احکام ننوشته‌ایم، بلکه هدف از این گزارش و گزارش‌های بعدی این بوده که بایستی در این نوع زمینه‌ها بررسی‌های کارشناسانه‌تری از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان صورت می‌گرفت، کاری که در همه دنیا در این‌گونه موارد صورت می‌گیرد.

نظر هیأت منصفه و دادگاه

پس از خاتمه جلسه اعضای هیأت منصفه وارد شور شده و مدیرمسئول این نشریه را مجرم ولی مستحق تخفیف دانستند. دادگاه براساس نظر هیأت منصفه مدیرمسئول را به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه صبح امید

نام نشریه: صبح امید

مدیرمسئول: فاضل همدانی

شعبه رسیدگی کننده: مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۸/۴

اتهام: تخلف از ماده ۱۶ بند الف و د ماده ۷ و ماده ۱۸ قانون مطبوعات

شاکی: دادگستری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رأی دادگاه: توقیف نشریه در ۱۳۷۹/۸/۴، در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۹ از نشریه رفع توقیف شد.

نامه هیأت نظارت به دادگستری^۱

در پاسخ به نامه های شماره ۲۶۹۱/۷۹/۲۰ و مورخ ۱۳۷۹/۸/۲ و شماره ۲۶۹۲/۷۹/۲۰ و مورخ ۱۳۷۹/۸/۲ و شماره ۲۶۹۳/۷۹/۲۰ و مورخ ۱۳۷۹/۸/۲ به اطلاع می رساند: موضوع نشریه صبح امید در جلسه روز دوشنبه مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ هیأت محترم نظارت بر مطبوعات مطرح گردید. در خصوص نشریه صبح امید نیز مقرر گردید موضوع در جلسه آینده مطرح گردد. مراتب جهت استحضار و دستور مقتضی ایفاد می گردد.

نامه دادگستری به هیأت نظارت بر مطبوعات^۲

احتراماً عطف به شماره ۱۲/۴۶۸۵ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۷ به اطلاع می رساند: هفته نامه صبح امید در سال ۱۳۷۰ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با صاحب امتیازی و مدیرمسئولی آقای فاضل همدانی مجوز نشر گرفته است که در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱ آقای علی مثبت کتبا اعلام نموده است: مجوز این نشریه به نام فاضل همدانی صادر شده است و از زمان اخذ مجوز، یعنی از سال ۱۳۷۰ لغایت سال ۱۳۷۷، تنها سه شماره از نشریه مذکور در همدان انتشار یافته و از سال ۱۳۷۷ به بعد نیز

۱. نامه شماره: ۴۶۸۵.

۲. تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۲۴ شماره: ۲۰/۳۰۶۷/۷۹.

جمعاً سه شماره دیگر از آن منتشر گردیده و مجوزی هم از هیأت نظارت بر مطبوعات نداشته است. همچنین در دوره انتشار جدید که از مهرماه ۱۳۷۹ صورت گرفته است، صاحب امتیاز و مدیرمسئول این نشریه، آقای علی مثبت معرفی شده‌اند، لذا انتشار آن خلاف نص صریح ماده ۷ و ماده ۱۶ قانون مطبوعات می‌باشد. مراتب جهت اطلاع تقدیم می‌گردد.

خلاصه پرونده

دادگستری با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد هفته‌نامه صبح امید در سال ۱۳۷۰ با اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی فاضل همدانی در چند شماره در همدان چاپ شد و پس از آن متوقف شد و اخیراً نشریه مذکور فعالیت خود را تحت صاحب امتیازی و مدیرمسئولی شخصی به نام علی مثبت که هیچ‌گونه سابقه صدور مجوز جهت نشریه فوق به نام مشارالیه وجود ندارد، آغاز نموده. از طرفی مدیرمسئول هر نشریه طبق ماده ۱۸ قانون مطبوعات مکلف است محل چاپ و زمینه فعالیت خود را درج نماید که این امر نیز رعایت نشده است. لذا اقدامات نشریه برخلاف نص صریح ماده ۱۶ بند الف و ماده ۷ و ماده ۱۸ قانون مطبوعات می‌باشد. لذا حکم به توقیف موقت این نشریه صادر شد.

نامه مدیرمسئول به هیأت نظارت

همان‌طور که مطلع‌اید این نشریه براساس حکم شماره ۲۰/۲۶۹۳/۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۸/۲ از طرف دادگستری استان تهران به اتهام تخلف از مفاد ماده ۱۶ و بند الف و د مواد ۷ و ۱۸ قانون مطبوعات توقیف موقت گردید. جهت استحضار چاپ موارد ذیل را معروض می‌دارم:

الف. مجوز این نشریه در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۱۹ و با گستره استان‌های غربی کشور اخذ و چند شماره هم در آن ایام منتشر شد که متأسفانه به علت مأموریت خارج از کشور به مدت چند سال انتشار آن متوقف گردید. در سال ۱۳۷۷ مجدداً تقاضای تجدید اعتبار مجوز نشریه را نمودم که پس از گذشت یک‌سال اجازه انتشار مجدد صادر شد و در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۴ با تغییر گستره توزیع آن از منطقه‌ای به سراسری موافقت قانونی به عمل آمده و ابلاغ گردید.

از آن تاریخ تاکنون ۶ نسخه در طی سه مرحله منتشر شده که به دلیل شرایط و جو نامساعدی که در فضای مطبوعاتی کشور وجود داشت تسلسل انتشار با مشکل مواجه بود، اما با تلاش فراوان و جمع‌آوری نیروها و امکانات لازم دو شماره اخیر با تسلسل و نظم لازم منتشر و توزیع گردید که مع‌الاسف توقیف شد.

لازم به توضیح است که این نشریه مشمول ماده ۱۶ قانون مطبوعات نبوده و لغو پروانه نشده و حتی اخطار قانونی هم دریافت نکرده است.

ب. بند الف ماده ۷ نیز شامل این نشریه نمی‌گردد زیرا این نشریه دارای پروانه معتبر است.
ج. بند د ماده ۷ هم شامل این نشریه نمی‌شود زیرا که در تمامی نسخه‌های چاپ شده مشخصات صاحب امتیاز و مدیرمسئول و نشانی اداره نشریه هم درج گردیده است و فقط در شماره اخیر سهواً آدرس چاپخانه از قلم افتاده است و با عنایت به این که حرف «و» در این بند «و» عطف می‌باشد، بدیهی است عدم اجرای کامل تمامی اجزای این بند تخلف محسوب می‌شود.
د. در مورد ماده ۱۸ نیز ذکر این نکته لازم است که فقط درج زمینه انتشار این نشریه در دو شماره اخیر سهواً فراموش شده است و الباقی موارد در این شماره‌ها وجود دارد. ضمن این که مطالب مندرج در نشریه دقیقاً مطابق زمینه انتشار بوده است.
از اعضای محترم هیأت نظارت تقاضا می‌کنم با تأیید اعتبار پروانه این نشریه، بذل مساعدت فرمایند تا پس از یک سال تلاش و دوندگی طاقت‌فرسا و فراهم کردن امکانات و نیروهای فنی، حقیر به خدمات فرهنگی خود ادامه دهم.

رفع توقیف نشریه

در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۹ زرنندی جانشین دادستان ویژه روحانیت طی نامه‌ای^۱ به مطبوعات داخلی خبر از رفع توقیف نشریه داد و اعلام کرد: نظر به این که پرونده اتهامی تخلف علی مثبت (فاضل همدانی) مدیرمسئول نشریه صبح امید پس از ارجاع از مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت در این مرجع رسیدگی و منجر به صدور قرار منع تعقیب گردید، انتشار هفته‌نامه مزبور از نظر این مرجع بلا مانع است و توقیف شماره ۲۰/۲۶۹۳/۷۹ و «کان لم یکن» تلقی می‌شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه میهن

نام نشریه: میهن

مدیرمسئول: رضا عبداللهی

شعبه رسیدگی کننده: دادگستری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۸/۵

اتهام: تخلف از ماده ۱۶ قانون مطبوعات

شاکی: دادگستری

رأی دادگاه: در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۵ شعبه ۱۰۸۳ قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول را صادر کرد.

نامه دادگستری به هیأت نظارت بر مطبوعات

هفته نامه میهن در تاریخ ۱۳۷۵/۵/۱ مجوز انتشار یافت و در تاریخ اردیبهشت ۱۳۷۶ اولین شماره خود را منتشر می نماید که پس از آن به صورت منظم و در طول چهل هفته انتشار یافته و سپس متوقف می گردد.

پس از حدود سی ماه توقف و عدم انتشار، مجدداً در مهرماه ۱۳۷۹ همراه با تغییراتی منتشر شده و هیچ مجوزی هم از هیأت نظارت بر مطبوعات در این خصوص نداشته است که این اقدام نشریه مذکور مخالف نص صریح ماده ۱۶ قانون مطبوعات می باشد و این در حالی است که دبیر هیأت محترم نظارت بر مطبوعات طی نامه ۱۲/۴۶۸۵ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۷ مرقوم داشته اند: اعضای محترم هیأت به اتفاق آرا نشریه میهن را مشمول ماده ۱۶ قانون مطبوعات ندانستند. از این رو مستدعی است دستور فرمایید در صورتی که اطلاعات جدیدی در آن هیأت موجود است و یا استدلال خاصی که آن را از شمول ماده ۱۶ خارج می کند، به این مرجع ارسال گردد.

دادگستری استان تهران با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: هفته نامه میهن در تاریخ ۱۳۷۵/۵/۱ به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی رضا عبداللهی جواز انتشار گرفته و در سال ۱۳۷۶ منتشر و سپس متوقف و مجدداً از اواخر شهریور ۱۳۷۹ منتشر می شود که باتوجه به مفاد مواد ۱۶ و ۳۵ قانون مطبوعات مدیرمسئول در مورخ ۱۳۷۹/۸/۱ به عنوان مطلع احضار و از وی تحقیق که اظهار داشت مجوز نشریه اردیبهشت ۱۳۷۶ صادر شد و از همان تاریخ حدود چهل شماره به صورت منظم منتشر

۱۴۲۴ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

شد و سپس به عللی تعطیل و مجدداً در مهرماه با تغییراتی منتشر کردیم و اجازه تمدید را هیأت نظارت نداده است. باتوجه به مطالب فوق اقدام مدیرمسئول نشریه خلاف ماده ۱۶ قانون مطبوعات می‌باشد. لذا حکم توقیف هفته‌نامه میهن صادر شد.

در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۵ شعبه ۱۰۸۳ قرار موقوفی تعقیب مدیر مسئول را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه سایبان یزد

نام نشریه: سایبان یزد

مدیرمسئول: مرضیه منگوله‌باف

شعبه رسیدگی‌کننده: شعبه چهارم دادگستری یزد، قاضی عالم

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۸/۴

دادنامه شماره ۷۹-۸۶۳-۷۹، کلاسه شماره ۵۸۳-۷۹

اتهام: توهین، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

شاکی: مدعی العموم

رای دادگاه: درخصوص برخی موارد اتهامی تبرئه و درخصوص یک مورد به پانصد هزار ریال جریمه نقدی محکوم شد.

خلاصه پرونده

مدیرمسئول و مرتضی فلاح نویسنده هفته‌نامه سایبان یزد به اتهام توهین، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی محاکمه شدند.

نویسنده مقاله و مدیرمسئول این نشریه در این جلسه با استناد به مطالبی از روزنامه اطلاعات، سلام و کتاب خاطرات سیاسی محتشمی از نوشته خود دفاع کردند.

رای دادگاه

در خصوص شکایت رئیس کل دادگستری استان یزد علیه ۱. مرضیه منگوله‌باف مدیرمسئول نشریه سایبان ۲. مرتضی فلاح نویسنده مقاله با عنوان "بر این ویرانه دل بستن نشاید" ۳. علیرضا مشفق نویسنده مقاله با عنوان "محافظه کاران و سیاست چماق و هویج" که در شماره ۳ ماهانه سایبان درج و نشر گردیده است، دایربر انتشار مطلب توهین آمیز، افتراء، نشر اکاذیب موجب تشویش اذهان عمومی و بخش مطلب خلاف واقع با عنایت به مفاد لوایح تقدیمی نماینده شاکی دفاعیات متهمین و لوایح تقدیمی نامبردگان که در حضور دادگاه و هیأت منصفه مطبوعات قرائت گردید و با توجه به نظر کتبی هیأت منصفه مطبوعات پس از اعلام ختم رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۱ دادگاه

مینی بر این‌که اکثریت حاضر مدیرمسئول نشریه خانم مرضیه منگوله‌باف و آقای مرتضی فلاح نویسنده مقاله فوق‌الذکر را در مورد اتهام نشر مطالب خلاف واقع بزه‌کار دانسته ولی مستحق تخفیف می‌دانند و در مورد سایر اتهامات وارده به نامبردگان نظر اکثریت هیأت منصفه به عدم مجرمیت و براءت می‌باشد و نظر به این‌که متهمین در دفاع از مقاله موصوف دلیلی دال بر اثبات صحت برخی از مطالب مندرج در آن را ارائه ننموده و مستندات ابزاری از جمله نقل قول‌های اشخاص مسؤول دیگر مندرج در سایر نشریات نیز نمی‌تواند مثبت موضوعات مطروحه به وسیله نویسنده مقاله باشد، لذا دادگاه با احراز وقوع بزه پخش مطلب خلاف واقع موضوع بند ۱۱ ماده ۶ قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ و به استناد بند الف ماده ۳۵ قانون مذکور و رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در جهت تخفیف، هریک از نامبردگان (مرضیه منگوله‌باف و مرتضی فلاح و علیرضا مشفق) دائر بر توهین، افترا و نشر اکاذیب با قصد تشویش اذهان عمومی موضوع مواد ۶۰۹، ۶۹۷، ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، نظر به این‌که مفاد مقالات مندرج در ماهنامه موصوف، حکایتی از توهین نسبت به اشخاص ندارد و افترا نسبت به شخص نیز نیاز به شرح شکایت از طرف شخص حقیقی (شاکی خصوصی) دارد و به لحاظ عدم احراز قصد مندرج در ماده ۶۹۸ قانون اخیرالذکر و این‌که نظر هیأت منصفه نیز مؤید همین مطلب بوده است. لذا به استناد تبصره یک ماده ۴۳ قانون اصلاح قانون مطبوعات و ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی و رعایت اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی وقوع بزه‌های اخیر توسط مشارالیه‌هم محرز و ثابت به نظر نمی‌رسد، حکم به براءت آنان صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در قسمت مجرمیت ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در مراجع تجدیدنظر می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه سپیده زندگی

نام نشریه: سپیده زندگی

مدیرمسئول: زهرالسادات احمدی‌زاده

شعبه رسیدگی‌کننده: دادگستری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۸/۴

اتهام: تخلف از ماده ۱۶ و ۱۸ مطبوعات

شاک: دادگستری

رای دادگاه: توقیف نشریه، در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۲۰ از نشریه رفع توقیف شد.

نامه دادگستری به مدیرکل مطبوعات داخلی

با عنایت به این‌که مدیرمسئول هفته‌نامه سپیده زندگی از مفاد مواد ۱۶ و ۱۸ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی تخلف نموده، فلذا مدیرمسئول هفته‌نامه در مورخ ۱۳۷۹/۸/۲ به دادگستری دعوت و پس از تحقیق حکم توقیف موقت هفته‌نامه فوق صادر گردیده است. دستور فرمایید از ادامه انتشار هفته‌نامه سپیده زندگی تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید.

خلاصه پرونده

روابط عمومی دادگستری با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: مجوز نشریه سپیده زندگی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۸ به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی خانم زهرالسادات احمدی‌زاده صادر اما صاحب امتیاز نشریه تا تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۹ نشریه را منتشر نکرده و اولین شماره در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۹ منتشر شد. مدیرمسئول در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲ اعلام کرد «پس از اخذ مجوز به دلیل آن‌که آمادگی فنی و جذب امکانات انتشار را نداشتم، نتوانستم نشریه را منتشر کنم و از مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد مهلت خواستم و اولین شماره را در ۱۳۷۹/۲/۲۹ انتشار دادم و پس از چهار شماره برای این‌که طرح نو و شکلی ژورنالیستی به نشریه بدهم از انتشار آن خودداری نمودم و مجدداً در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۳ دوره جدیدی را آغاز نمودم...

باتوجه به مراتب فوق صاحب امتیاز مفاد ماده ۱۶ و ۱۸ قانون مطبوعات را رعایت نکرده است، لذا به استناد موارد فوق حکم توقیف نشریه صادر شد.

نامه هیأت نظارت به دادگستری

موضوع نشریه سپیده زندگی در جلسه روز دوشنبه ۱۳۷۹/۸/۱۶ هیأت محترم نظارت بر مطبوعات مطرح گردید.

در ارتباط با نشریه سپیده زندگی اعضای محترم هیأت به اتفاق آرا ضمن این که نشریه مذکور را مشمول ماده ۱۶ قانون مطبوعات ندانسته و ادامه انتشار آن را بلا مانع تشخیص دادند، تأکید کردند که این نشریه همانند دیگر نشریات موظف به درج شناسنامه نشریه طبق پروانه انتشار، در هر شماره نشریه می باشد.

نامه دادگستری به هیأت نظارت بر مطبوعات

احتراماً عطف به نامه شماره ۱۲/۴۶۸۵ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۷ به اطلاع می رساند: نشریه سپیده زندگی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۸ مجوز انتشار دریافت و اولین شماره را بعد از پانزده ماه یعنی در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۹ منتشر می نماید که به دلیل عدم آمادگی و مشکلات دیگر نمی تواند شماره دوم خود را منتشر کند.

متعاقب مسائل فوق و با عنایت به کمک‌هایی که به این نشریه صورت می‌گیرد، دومین شماره‌اش را بعد از چند ماه از تاریخ دریافت مجوز، یعنی در ۱۳۷۹/۸/۲ انتشار داده است بدون این که از هیأت نظارت بر مطبوعات مجوزی داشته باشد، لذا اقدام صاحب امتیاز و مدیرمسئول آن برخلاف ماده ۱۶ قانون مطبوعات می باشد. لیکن دبیر هیأت محترم نظارت بر مطبوعات طی نامه فوق‌الاشاره اعلام داشته‌اند: اعضای محترم هیأت به اتفاق آرا نشریه سپیده زندگی را مشمول ماده ۱۶ ندانستند. از این رو مستدعی است دستور فرمایید در صورتی که اطلاعات جدید در آن هیأت موجود است که این نشریه از شمول ماده ۱۶ خارج می‌کند، به این مجتمع ارسال گردد.

نامه هیأت نظارت بر مطبوعات به دادگستری

نشریه سپیده زندگی در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۶ هیأت محترم نظارت بر مطبوعات مجوز انتشار دریافت کرد. صاحب امتیاز نشریه ابتدا تقاضای تمدید مهلت انتشار به مدت سه ماه می‌کند و سپس تقاضای تمدید مهلت انتشار را مجدداً تا پایان مهرماه ۱۳۷۸ مطرح می‌کند. اداره کل مطبوعات

پرونده نشریه سپیده زندگی ۱۴۲۹

داخلی با هر دو تقاضای صاحب امتیاز نشریه موافقت می‌نماید. (یادآوری می‌شود که تمامی مکاتبات یاد شده توسط صاحب امتیاز محترم نشریه به آن مجتمع تحویل شده است). درخصوص وضعیت انتشار نشریه نیز به اطلاع می‌رساند: اولین شماره این نشریه در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۹ منتشر شده است که پس از انتشار شماره چهارم (مورخ ۱۳۷۹/۳/۲۳) انتشارش متوقف می‌شود.

پس از مدتی نخستین شماره دوره جدید نشریه سپیده زندگی در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۷۹ منتشر می‌شود که توسط آن مجتمع محترم به استناد مواد ۱۶ و ۱۸ قانون مطبوعات توقیف موقت می‌گردد.

شایان ذکر است که اعضای محترم هیأت نظارت بر مطبوعات با توجه به وضعیت پرونده و همچنین انتشار نشریه سپیده زندگی بنا به تصریح ماده ۱۶ قانون مطبوعات - که تشخیص موضوع ماده ۱۶ را به عهده آن هیأت محترم واگذار کرده است - نشریه سپیده زندگی را مشمول ماده ۱۶ قانون مطبوعات تشخیص نداده و ادامه انتشار آن را بلامانع دانسته‌اند.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نشر گفتمان

نام نشریه: نشر گفتمان

مدیرمسئول: علی رضا خوش اندام

شعبه رسیدگی کننده: شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرکرد

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۸/۱۵

اتهام: توهین به مقام معظم رهبری

شاکی: مدعی العموم

رأی دادگاه: شش ماه حبس تعزیری.

رأی دادگاه

علی رضا خوش اندام مدیرمسئول هفته نامه نشر گفتمان به اتهام توهین به مقام معظم رهبری به شش ماه حبس محکوم می شود.

با در نظر گرفتن وضع اجتماعی و سوابق نامبرده به جهت حضور مکرر وی در جبهه حق علیه باطل، دادگاه مجازات تعیین شده را به مدت پنج سال معلق می نماید و چنانچه محکوم علیه در ایام تعلیق مرتکب محکومیت شود، مجازات معلق شده نیز در مورد وی به اجرا گذاشته خواهد شد.

در خصوص اتهام دیگر علی رضا خوش اندام دایر به توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به لحاظ عدم کفایت دلایل اتهامی و در اجرای اصل ۳۷ قانون اساسی حکم برائت صادر و در خصوص اتهام دیگر مشارالیه دایر بر توهین به مقدسات مذهبی صرف نظر از صحت و سقم موضوع قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکمه عمومی بروجن صادر می شود.

علی رضا خوش اندام درباره خبر محکومیت خود گفت: من نامزد نمایندگی مجلس از شهرستان بروجن بودم، ضمن آن که به بعضی امور، موضع منتقدانه ای داشتم، اما هیچ گاه مبنای فکری و سخنانم توهین به شخص خاصی نبوده است.

خوش اندام این اتهامات را پرونده سازی به جهت دور نمودن وی از امور سیاسی دانست و گفت: به همین جهت چند روز مرا روانه زندان کردند که بعداً با قرار وثیقه آزاد شدم.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه فتح

نام نشریه: فتح

مدیرمسئول: یدالله اسلامی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، قاضی صارمی؛ شعبه ۲۱ تجدیدنظر، قاضی

حسین بهرامی و قاضی موسوی آهی

تاریخ رسیدگی: آذرماه ۱۳۷۹

شماره دادنامه: ۳۹۰، ۲۸۲، ۳۸۱، ۳۷۹، ۳۷۸ و ۳۷

شماره دادنامه: ۱۴۵۷، کلاس پرونده: ۹۵۳/۲۱/۸۰

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، اهانت به مسؤولان نظام، تبلیغ علیه نظام

جمهوری اسلامی، تبلیغ برای احزاب و گروه‌های غیرقانونی و منحرف و مخالف اسلام

شاکي: هیأت نظارت بر انتخابات استان اصفهان، فیروز اصلانی، ستاد مشترک سپاه پاسداران،

فرماندهی نیروی مقاومت بسیج، رئیس دادگستری استان تهران، هیأت آل یاسین (دخمه)،

محمدرضا رشوند (معروف به محمد نواری)، رئیس دادگستری رامهرمز

رأی دادگاه: چهار سال محرومیت از کلیه مسؤولیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس یا شلاق، شش ماه

تعطیلی روزنامه بدل از حبس، بیست میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس و شلاق، لغو

پروانه انتشار روزنامه، رأی براءت در خصوص برخی از شکایات ها. تأیید رأی در دادگاه

تجدیدنظر.

توقیف روزنامه فتح

صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران روز سوم اردیبهشت دستور توقیف روزنامه فتح را

صادر کرد.

در نامه ارسالی به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره روزنامه فتح

آمده است: نظر به این که پرونده اتهامی مدیرمسئول روزنامه فتح جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع

گردید و علی رغم کثرت شکایات وارده، مع هذا اصرار روزنامه مذکور به تخلف و انحراف از قانون

مجازات اسلامی همچنان ادامه دارد و این امر موجب نگرانی عمومی گردیده است، لذا مستنداً به

بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ از قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ ناظر به تکلیف قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم و تشویش اذهان عمومی مقرر می‌دارد از انتشار روزنامه مذکور تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید.

اولین جلسه دادگاه^۱

جلسه رسیدگی به اتهامات یدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح با حضور شاکیان در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی و با حضور نه تن از اعضای هیأت منصفه و به ریاست قاضی صارمی در مجتمع قضایی رسیدگی به جرائم کارکنان دولت برگزار شد. در اولین جلسه نماینده جمعی از شرکت‌کنندگان مراسم زیارت آل یاسین شهرری به طرح شکایت خود پرداخت. وی یادداشت عمادالدین باقی در شماره ۸۶ این روزنامه را مورد اشاره قرار داد و گفت: روزنامه فتح سعی کرد ترور ضدانقلابی حجاریان را به جمع مقدس دخمه نسبت دهد. آیا نویسنده مقاله، زیارت آل یاسین را پرونده تروریست می‌داند؟ آیا رزمندگان تروریست بودند؟ ما با زیارت عاشورا شارژ می‌شدیم و با مناجات آرامش می‌یافتیم. کدام یک از این‌ها زاینده ترور است؟ ما پیروان ائمه اطهار(ع) هستیم. آیا آن‌ها مروج خشونت بودند؟

وی ادامه داد: اگر پایبندی به فرامین امام(ره)، اگر خون دادن در راه دین و انقلاب و اگر نان به نرخ روز نخوردن جرم است، پس ما مجرم هستیم.

جعفر طهماسبی افزود: شهدا نام این محل را دخمه گذاشته بودند. آنان در این دخمه مرگ را به بازی گرفته بودند و سال‌هاست که ما در این مکان انتظار را زمزمه می‌کنیم. در این مکان مقدس شهدا با امام خود میثاق بستند و مادران شهدا با فرزندان‌شان در این مکان مقدس وداع کردند. شما برای یافتن معنای دخمه به فرهنگ لغت مراجعه نکنید، این معنا را در فرهنگ جبهه جست‌وجو کنید. این دخمه ۱۵۰ شهید بزرگوار داده است. شهید عزت خورشیدی در ۱۵ سالگی در همین دخمه آرزوی شهادت داشت. تعالیم شهدا تروریست‌پرور نیست. بر بدن‌های رزمندگان ما هنوز اثر تیر و ترکش است. پروردگان این دخمه و رزمندگان شیمیایی با کپسول اکسیژن در دخمه خدا می‌گویند و صدای سرفه‌های خشک و گریه آن‌ها از معبودشان اول فرج آقا امام زمان و بعد شهادت طلب می‌کند. وی از دکتر اسلامی و دوستانش برای شرکت در دخمه دعوت کرد و گفت: آقای اسلامی اگر خدا روزی به شما و دوستانتان توفیق داد، یک روز غروب جمعه به دخمه ما بیایید و میهمان امام زمان(عج) باشید و از مناجات با خدا و امام زمان(عج) لذت ببرید.

۱. به نقل از هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی صبح، دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۷۹/۹/۹.

طهماسبی در پایان از محضر دادگاه درخواست کرد قابی را به نمایش بگذارد که در آن عکس شهدای دخمه (بیت‌الشهدا) قرار داشت. وی سپس طوماری را که بیش از هزار تن از خانواده شهدا و رزمندگان حاضر در جلسات دخمه به‌عنوان شکایت محضر آیت‌الله هاشمی شاهرودی به امضا رسیده بود به دادگاه تقدیم کرد.

مدیرمسئول روزنامه توقیف شده فتح بخش قابل توجهی از دفاعیات خود را به بحث دخمه اختصاص داد و گفت: سخنان شاکی مرا از دادگاه بیرون و به جبهه‌ها برد. تصویر نخل‌هایی بی‌سر و جسم خونین شاهدان تاریخ و قایق‌های شکسته را در ذهنم تداعی کرد.

دومین جلسه دادگاه

در دومین جلسه دادگاه که در ۸ آذر ۱۳۷۹ برگزار شد، نمایندگان سپاه پاسداران، نیروی مقاومت بسیج، هیأت آل یاسین (دخمه)، رئیس هیأت نظارت اصفهان، محمدرضا رشوند (معروف به محمد نواری) و فیروز اصلانی وکیل مدافع سابق حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان توضیحاتی را درباره دفاعیات مدیرمسئول روزنامه فتح ارائه دادند.

طهماسبی نماینده هیأت آل یاسین (دخمه) با اشاره به این‌که یدالله اسلامی در جلسه قبل از خود دفاع نکرد، بلکه به سوابق گذشته خود متوسل شد، افزود: اجازه بدهید خودم را معرفی کنم. من در سن ۱۴ سالگی شناسنامه خود را تغییر دادم تا به جبهه بروم. من دخمه‌نشین به جایی رفتم که نامش خشونت‌آمیز است، یعنی گروه تخریب.

عضو دخمه افزود: سرنوشت جنگ در دست تخریب‌چی‌ها بود. چرا می‌گویید قلم سوگند خداوند است. آلت جرم نیست؟ چرا سوابق درخشان خود را به پای چند قلم به مزد می‌ریزید؟ چرا می‌گویید آن‌ها (سعید عسگر و دوستانش) به دخمه رفت و آمد داشتند؟

در ادامه رئیس هیأت نظارت بر انتخابات مجلس در اصفهان با بیان شکایت خود از روزنامه فتح، درباره درج خبر رد صلاحیت تاج‌الدین نماینده اصفهان و بعد تکذیب آن گفت: من شانزده سال است که عضو هیأت نظارت هستم و در این شانزده سال شیوه کثیفی بوده که ابتدا فردی را به‌عنوان ردصلاحیت شده علم می‌کنند و بعد تکذیب می‌کنند.

وی افزود: برای این‌که مقام معظم رهبری از نشر اکاذیب ناراحت هستند، خواستار آن هستم که مسئول این کذب به اشد مجازات تأدیب شود.

فیروز اصلانی دیگر شاکی روزنامه فتح بود که خود را عضو هیأت علمی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران معرفی کرد و افزود: اینک خود نویسندگان زنجیره‌ای برای ابراز ندامت به

صف شده و کار ما را راحت کردند و بعضی مطالبی را که ما می‌خواستیم بگوییم خودشان صد برابر مطرح کردند.

در روزنامه فتح مرا به عنوان عضو حقوقدانان روزنامه کیهان معرفی کرده‌اند که به این وسیله برخوردی هم با روزنامه ارزشی کیهان کرده باشند. این اراجیف چیست که نوشتید؟ چرا این اراجیف را به من نسبت دادید؟ چرا این طور به خبرنگار اعتماد می‌کنید؟ مطالب چرت و پرت را به هم بافته‌اند و به من نسبت داده‌اند.

وکیل حسین شریعتمداری افزود: هفته‌نامه منحرف پیام هاجر به همین مطالب استناد کرده و مطالب کذب دیگری را نوشته است.

اصلانی با اشاره به مطالب گنجی در مورد سخنرانی وی در اصفهان و به همراه فلاحیان گفت: یک فلاحیان درست کرده‌اند که هر کس را می‌خواهند نابود کنند می‌چسبانند به او. یا وپروس قتل‌های زنجیره‌ای را به جان مردم می‌اندازند.

وی در پایان شکایتش خطاب به اسلامی گفت: بسیجی به اشتباه خود بدون ترس اقرار می‌کند. شما هم اشتباهاتتان را بپذیرید. اگر دفاعیاتتان را مشروط به دفاع از خط امام و ولایت فقیه کنید، از شکایت خودم صرف‌نظر می‌کنم.

در ادامه جلسه امیر حسین‌آبادی وکیل مدافع یدالله اسلامی به شکایت‌های مطرح شده پاسخ گفت. وی با اشاره به سخنان یکی از بستگان سعید عسگر در جریان دادگاه او گفت: این فرد گفته است که من و سعید عسگر در ماهنامه خواص کار می‌کردیم و آخر هر هفته هم در دخمه جمع می‌شدیم و مراسم روضه‌خوانی داشتیم. حسین‌آبادی تأکید کرد: اگر گفته‌اند شخصی مجرم است و به آن محل هم رفت و آمد داشته، توهین به آن محل است؟

وکیل یدالله اسلامی با قرائت استناداتی درباره رفت و آمد ترورکنندگان حجاریان به دخمه افزود: اولاً خود آن‌ها اقرار کرده‌اند که به دخمه رفت و آمد داشته‌اند و همچنین در روزنامه‌های آن زمان این مطالب درج شده است.

سومین جلسه دادگاه

در ابتدای سومین جلسه دادگاه قاضی صارمی شکوائیه رئیس دادگستری رامهرمز را قرائت کرد. حسین‌آبادی وکیل مدافع مدیرمسئول روزنامه فتح در دفاع از موکل خود گفت: ما شکوائیه رئیس دادگستری رامهرمز را شنیدیم، اما ایشان در هفت بندی که توضیح دادند اعلام نکردند که آیا این خانم احضار شده است یا خیر؟ این خانم که نامه‌اش در روزنامه فتح به چاپ رسیده، مدعی

پرونده روزنامه فتح ۱۴۳۷

شده‌اند ایشان را به اتهام صدور چک بی‌محل دستگیر کرده و به همراه نیروی انتظامی از شهر ایذه به رامهرمز برده‌اند و در آن‌جا این خانم اعلام کرده‌اند که اصلاً در هیچ بانکی حساب جاری نداشته و هیچ‌گاه در تمام عمر دسته‌چک نداشته‌اند.

وکیل مدافع مدیرمسئول روزنامه فتح در ادامه اضافه کرد: آقای رئیس دادگستری باید بگویند احضار این خانم به رامهرمز واقعیت داشته یا خیر؟ که البته این خانم بعد از آن‌که در روزنامه‌ها خبر دادگاهی مدیرمسئول روزنامه فتح به خاطر درج نامه وی را می‌خواند، طی نمابری نامه دیگری ارسال می‌کند. در آن مدارک لازم و فتوکپی چک بی‌محلی که به نام همسر ایشان است نیز وجود دارد. در این نامه هم نوشته‌اند که از رئیس دادگستری رامهرمز شکایت کرده‌اند.

حالا رئیس دادگستری باید مشخص کند کجای این نامه کذب است؟ هرگز این مسأله به معنای زیرسؤال بردن کار قضات این کشور نیست. اما باید قبول کرد به‌رحال رئیس دادگستری تخلف کرده است و پرونده‌ای نیز برایش تشکیل شده. در ضمن تخلف قضایی جرم نیست. بنابراین با این توضیحات روزنامه فتح نشر اکاذیب نکرده است.

سپس قاضی صارمی از وکیل مدافع پرسید: آیا روزنامه فتح ابتدا مستندات این نامه را بررسی کرده است؟

حسین‌آبادی نیز در جواب گفت: این کار هیچ ضرورتی نداشته و معمولاً در روال کار روزنامه‌ها این کار که مستندات نامه‌های وارده بررسی شود انجام نمی‌شود.

در ادامه جلسه حسین‌آبادی در مورد شکایت محمد رشوند یکی از شاکیان خصوصی پرونده سخن گفت: در خبری تحت عنوان اعتراض دانشجویان دانشگاه الزهرا به مرگ یکی از دانشجویان این دانشگاه به چاپ رسید باید گفت: این شخص شکایت کرده است که روزنامه فتح به وی تهمت زده و گفته که بدون اجازه وارد خوابگاه دختران دانشگاه الزهرا شده است. این آقا در نامه‌ای اعلام کرده‌اند که این جانب محمدرضا رشوند هستم و آن مردی که در خبر آمده محمد نواری، من هستم.

ایشان در شکوائیه خود ادعا کرده که مگر من جانی و قاتل هستم که مرا ملقب به اسم دیگری کرده‌اند. درحالی‌که ایشان خودشان در شکوائیه خود را ملقب به محمد نواری معرفی کرده‌اند.

حسین‌آبادی گفت: عده‌ای از دانشجویان اعلام آمادگی کرده‌اند که اگر لازم باشد در دادگاه حاضر شده و شهادت دهند. در مطلبی که در روزنامه آمده اصلاً اسمی از ایشان نیامده است، پس از نظر ما این شکایت رد است.

حسین‌آبادی در دفاع در برابر شکایت فیروز اصلانی عضو هیأت علمی دانشگاه حقوق دانشگاه تهران از روزنامه فتح گفت: آقای اصلانی مدعی شده که حرف‌های وی جعل شده، پس متن سخنان

و یا نوار سخن خود را ارائه دهد تا درباره آن و نوع خبر درج شده قضاوت شود.

ایشان که خودشان را وکیل مدافع روزنامه کیهان معرفی کرده و این کار را باقی الصالحات خود می‌دانند بهتر می‌دانند طبق قانون ۲۳ مطبوعات باید تکذیبیه نوشته و به روزنامه ارسال کنند و اگر روزنامه آن را درج نکرد، آن‌گاه شکایت کنند.

در ادامه این جلسه نماینده مدعی العموم به طرح ۳۷ مورد شکایت خود از روزنامه فتح پرداخت و گفت: در این روزنامه با چاپ مطالب و مقالات مختلف برای گروهک نهضت آزادی تبلیغ شده و به‌طور صریح به نظام توهین شده است و این در حالی است که امام راحل (ره) این گروهک را خطرناک‌تر از منافقین دانسته است. توهین به روحانیون دادگاه ویژه روحانیت، پوشش اسلامی و سپاه پاسداران، طلاب قم و شورای نگهبان از دیگر مواردی بود که نماینده مدعی العموم به طرح شکایت از چاپ آنان در روزنامه فتح پرداخت و گفت: روزنامه فتح در مقاله‌ای در هفتم بهمن ۱۳۷۸ جریان حاکمیت نظام اسلامی را ناتوان معرفی کرده و آورده است: با نزدیکی انتخابات مجلس ششم مردم باید یک بار برای همیشه تکلیف تاریخی خود را با انحصارطلبی جریان ضد تاریخی روشن کنند، زیرا نشان داده شده که نه توانایی اداره کشور را دارند و نه بینش آن را.

نماینده مدعی العموم با اشاره به مقاله‌ای در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۷۹ با عنوان "فاشیسم مقدس" گفت: این روزنامه روحانیت‌پرستی را موازی با بت‌پرستی عنوان کرده و آورده: مردم ما رهبری‌پذیر هستند ولی قیم‌پذیر نیستند و مردم بدانند که هیتلر مرده و محمدرضا شاه از ایران رفته است.

یکی دیگر از موارد شکایت مدعی العموم، چاپ عکس زن زیبایی است که به‌عنوان ملکه زیبایی اسرائیل بدون پوشش اسلامی بود.

نماینده مدعی العموم در پایان از ریاست دادگاه خواست با توجه به اتهامات وارده که شامل استفاده ابزاری از زن، نشر اکاذیب با هدف تشویش اذهان عمومی و توهین به نظام است، حکم مجازات مدیرمسئول روزنامه فتح را صادر کند.

وی سپس شکایت رئیس کل دادگستری استان تهران را مبنی بر ترویج سخنان آقای منتظری در روزنامه فتح قرائت کرد و خواستار مجازات مدیرمسئول روزنامه فتح در این مورد شد.

بعد از شنیدن شکایات نماینده مدعی العموم، یدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح به دفاع از خود پرداخت و گفت: در جامعه چندصدایی اختلاف نظر و اختلاف سلیقه یک امر طبیعی است و روزنامه فتح با رعایت اصول قانونی و توجه به رسالت نشریه به وظایف قانونی پرداخته و وظیفه خود را انجام داده است. حضور من در دادگاه به خاطر نوع نگاهم به مسائل سیاسی است نه انجام

جرائم. گویا مدعی العموم فراموش کرده است این جا یدالله اسلامی محاکمه می شود نه ابراهیم یزدی. این ادعای نامه که خوانده شد مربوط به نهضت آزادی می شد نه روزنامه فتح.

مدیرمسئول روزنامه فتح در ادامه گفت: نوع عملکرد ما برای تقویت پایه های نظام بسیار مؤثر است زیرا برای تقویت و قدرت پایه های نظام باید همه نظرات را مدنظر قرار داد. در شرایط کنونی گذشت از چالش ها و رفع تنگناها بدون هماهنگی و همکاری همگان امکان پذیر نیست و بدون طرح افکار و نظرات مختلف پیشرفت میسر نمی شود و عملکرد مطبوعاتی همچون فتح به اقتدار نظام اسلامی در مجامع بین المللی کمک فراوان کرد و اقتدار نظام اسلامی را به دنبال داشت. من نه به دنبال نشر اکاذیب و نه به دنبال توهین به کسی بوده ام و تلاش ها و عملکرد روزنامه فتح را برای اقتدار نظام مهم و ضروری می دانستم.

نماینده مدعی العموم در طرح شکایت خود به شکل گسترده از کلمات نشر اکاذیب و توهین و افترا سود بردند ولی من هم حرف دارم آن گفته هایی که نتوانستم انتشار دهم. من نگران مظلومیت عدالت، اسلام و انسان مظلوم هستم. من به این می اندیشم که ماندن مهم نیست، ماندن کشور، نظام و اسلام مهم است. نمی دانم نهضت آزادی و نوشته های ابراهیم یزدی و عزت الله سبحانی به من چه ارتباطی دارد. من در روزنامه به اظهار نظرها پرداخته ام و اظهار نظر جرم نیست. کذب هم نیست. اگر قرار باشد که برای هر اظهار نظر افراد، محاکمه برگزار شود، بنابراین صف محاکمه شوندگان بسیار طولانی خواهد بود. این که نیمی از مردم ما شنونده رادیو بی.بی.سی هستند یک واقعیت است و من کاری با مثبت و منفی بودن آن ندارم. فقط به بررسی و چگونگی اظهار نظر آنان از مجلس ششم قبل از تشکیل پرداخته ام و این یک امر مرسوم است.

اسلامی ادامه داد: تفسیر مربوط به رد صلاحیت برخی توسط شورای نگهبان بود حال شما بگویید درج خبر و تفسیر آن چه جرمی است حتی اگر رد صلاحیت ها وجود خارجی نداشت باز هم انعکاس خبر و تفسیر آن جرمی تلقی نمی شود. باید گوش ها را برای شنیدن تمامی حرف ها باز کنیم. مدیرمسئول روزنامه فتح با انتشار نگاه دست اندرکاران رادیو آمریکا در روزنامه اشاره کرد و گفت: در این رادیو موضوع قانونی بودن و یا نبودن دادگاه ویژه روحانیت مطرح شد و ما نیز به عنوان یک چالش موجود به آن پرداختیم و این اظهار نظر جرم نیست و راه برخورد با این نوع افکار و نظرات ارائه موارد قانونی و راهکار مناسب است. من با تأکید می گویم اگر تمامی مطالب صد درصد خلاف واقع بود، باز هم برای آگاهی دیگران آن را منتشر می کردم. ما نمی توانیم بگوییم که گروهک های خشونت طلب وجود ندارد و یا نداشته باشند، ولی می توانیم آن ها را نقد کنیم و نقد مسائل اجتماعی نفی آنان نیست و جرم هم تلقی نمی شود.

وی درباره مطالبی که در مورد قتل‌های زنجیره‌ای منتشر شده گفت: درباره پرونده قتل‌های زنجیره‌ای سخنان فراوان گفته شده است و هرچند تاریخ و گذشت زمان دست‌اندرکاران آن را شناسایی و معرفی خواهد کرد، ولی اظهارنظر و نقد و بررسی این پرونده با توجه به حساسیت آن برای اطلاع عموم لازم و ضروری است. همه مسؤولان به‌خصوص دست‌اندرکاران پرونده قتل‌های زنجیره‌ای اظهارنظر کرده‌اند و ما نیز منعکس کرده‌ایم و عمل خلافی مرتکب نشده‌ایم. زیرا یا با خبر انعکاس داده‌ایم و یا اظهارنظر که هیچ‌کدام فعل مجرمانه نیست.

وی با اشاره به شکایات مربوط به چاپ سخنان آقای منتظری گفت: ما به مصوبات شورای عالی امنیت ملی دسترسی نداریم تا بدانیم چه چیزی خلاف قانون و منافع ملی است و در ثانی از سخنان امام (ره) استفاده ابزاری نکنیم، زیرا امام برای همه نسل‌هاست و مختص ما نیست. ما فقط باید بدانیم که چه جرمی مرتکب شده‌ایم، چه عملی خلاف قانون انجام داده‌ایم. ما در هر روزنامه در بحث مربوط به سخنان آقای منتظری و دادگاه ویژه روحانیت چند سؤال مطرح کرده‌ایم و صرف مطرح کردن چند سؤال نمی‌تواند جرم تلقی شود.

قاضی صارمی ادامه داد: به اتهامات مدیرمسئول روزنامه فتح را به ۲۱ آذرماه موکول کرد.

چهارمین جلسه دادگاه

اسلامی با عذرخواهی از این‌که در جلسه قبل اعضای هیأت منصفه^۱ را خسته کرده است و با اشاره به مطالبی در خصوص باند سعید امامی اظهار داشت: بسیاری از گرایشات سیاسی در جامعه وجود دارد که فعالان مذهبی و روزنامه‌ها وظیفه اطلاع‌رسانی به مردم را دارند و این وظیفه ایجاب می‌کند که اندیشه‌های گوناگون در معرض افکار عمومی قرار گیرند. هر سخنی را تبلیغ علیه نظام دانستن بزرگ‌ترین تبلیغ علیه نظام است. باید به سخن نظر کنید و نه صاحب سخن.

مدیرمسئول روزنامه فتح در پاسخ به شکایتی از مقاله "عبدالله نوری بیان‌گر دردها" اظهار داشت: برای من موضوع این شکایت مشخص نیست. این مقاله اظهارنظر در مورد پدیده‌های اجتماعی است که بارها از سوی مسؤولان مورد توجه قرار گرفته است. اگر بنا باشد هر اندیشه جز اندیشه خود را جرم بدانیم، افکار مجرمانه وسعتی به پهنای تاریخ پیدا می‌کند.

وی همچنین با ذکر این‌که اندیشیدن کار ذهن است و نمی‌توان آن را از انسان سلب کرد، گفت: خوش‌شانسی مطبوعات آن است که مجرمیت آن‌ها کتاب و نوشته است و همین باعث روشنی و

۱. آقایان حبیب‌الله عسگرآولادی، محمد ناصری صالح آبادی، حجت‌الاسلام جعفر شبیری، علی‌اکبر کسانیان، زاکانی، رضا رهگذر، جمال شورجه، شعبان شهیدی و خانم فاطمه کروی.

شفافیت به کار هیأت منصفه می‌گردد.

اسلامی در دفاع از چاپ اطلاعیه شماره ۶ نیروهای ملی، مذهبی در دفاع از کاندیدای نمایندگی مجلس در کرمانشاه، با طرح این سؤال که اگر حادثه‌ای مشابه این حادثه برای یکی از شاکیان این اطلاعیه اتفاق می‌افتاد چه عکس‌العملی نشان می‌دادند، اظهار داشت: آیا حفظ حقوق شهروندی از وظایف کشور نیست. این مسأله کاملاً روشن است که در یک جامعه چندصدایی همه از "من" واحد پیروی نمی‌کنند و آنچه باید تنظیم‌کننده روابط این افراد باشد قانون است.

دفاع از حقوق شهروندی از حقوق اولیه آن‌هاست و به رسمیت شناختن حقوق اقلیت نشان‌دهنده مردم‌سالاری در یک جامعه است و گرنه اکثریت که از حق و حقوق برخوردارند.

مدیرمسئول فتح با بیان این‌که پیگیری و چاپ چنین اطلاعیه‌هایی در راستای تقویت امنیت ملی است، متذکر شد: این‌که افرادی بتوانند به جایی دادخواهی کنند و به حقوقی که خود باور دارند برسند، جایگاه بلندی است و توجه مسئولان به چنین مسائلی نیز ارزشمند است و گروه‌های سیاسی صرف‌نظر از این‌که مورد تأیید ماست یا خیر واقعیت جامعه ماست.

یدالله اسلامی با ذکر این‌که ارائه نقد، افکار عمومی را متوجه اشتباهات می‌کند، افزود: آنچه باید مبنای تنظیم روابط افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی قرارگیرد قانون اساسی است و مساوی بودن افراد در مقابل قانون حکم قانون اساسی است که دفاع از حقوق شهروندی را به رسمیت شناخته و این از حقوق اولیه انسان‌هاست.

وی همچنین در پاسخ به شکایتی مبنی بر چاپ خبر میزگردی با حضور هدی صابر و علی افشاری با عنوان «عملکرد هاشمی رفسنجانی» گفت: اهانت به یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در این مطلب مورد شکایت است. حال به نظر شما افراد یا فرد را مساوی نظام تلقی کردن راه را بر سوءاستفاده‌ها باز نخواهد کرد و آیا مسئولان نباید پاسخگوی اقدامات انجام شده خود باشند؟ چرا هر پرسشی از عملکرد مسئولان را بلافاصله تبلیغ علیه نظام معرفی می‌کنیم، آیا این نوع برخورد مطابق با سیره نبوی و مشی علی(ع) است که مدام مردم را به پیروی از آن‌ها فرا می‌خوانیم. من هم می‌گویم که همه مسئولان باید پاسخگوی عملکرد خودشان باشند. کجای این سؤال ناظر بر موقعیت فعلی هاشمی رفسنجانی است. هاشمی رفسنجانی هم باید در مورد هشت سال دورانی که به اسم سازندگی نام‌گذاری شد، پاسخ دهد. در همه جا مسئولیت با پاسخگویی همراه خواهد بود و در مقابل امکانات و مسئولیت که در اختیار مسئولان است باید نظار عمومی وجود داشته باشد و از نقد گذشته که چراغ فرار آینه است، استقبال کرد.

اسلامی با اشاره به سخنان امام خمینی گفت: امام طی نامه‌ای به آیت‌الله موسوی اردبیلی



نوشتند: در جمهوری اسلامی همه باید انتقاد کنند و طرح اشکالات راه را برای پیشرفت باز می‌کند. در مکتب سکولار و لیبرال مردم آزادند که انتقاد کنند اما در اسلام مردم باید انتقاد کنند. این خود به تنهایی برای دفاع از اندیشه اسلامی بهتر است.

وی همچنین در پاسخ به اتهامی که به دلیل چاپ اطلاعیه جنبش دانشجویی مسلمانان بود، گفت: از نماینده دادگستری این انتظار را دارم که متن شکایت با متن روزنامه انطباق داده شده و از هر نوع کاستن و افزایش و تغییر متن و یا تفسیر آن به شدت پرهیز شود. چرا که خود این اقدام می‌تواند مبنای گله و شکایت باشد. نظارت استصوابی شورای نگهبان بر تمام مراحل انتخابات برخلاف نص صریح قانون اساسی انتخابات را از شکل مستقیم و سالم و دموکراتیک خارج می‌کند.

اظهار نظر در مقوله‌هایی که مورد مناقشه و اسباب چالش‌های فکری در سالیان اخیر در بین گروه‌های سیاسی شده است و بخش عمده‌ای از اظهارات بیانیه‌ها، سخنرانی‌هایی را به خود اختصاص داده است و نمی‌تواند حمله و توهین تلقی شود. لکن آنچه در اطلاعیه جنبش مسلمانان مبارز آمده است، با متن مورد شکایت متفاوت است.

یدالله اسلامی در پاسخ به دیگر شکایت مطرح شده مربوط به بیانیه ۲۱۰ شخصیت‌های سیاسی، ملی-مذهبی گفت: شاکی محترم در این‌جا دچار خطای فاحشی شده و بیانیه افراد را که اسامی آن‌ها نیز قید شده است با بیانیه گروه و تشکل ملی-مذهبی اشتباه گرفته است.

وی با اشاره به این‌که علت آن را خدا می‌داند، متذکر شد: شاید می‌خواست با غیرقانونی خواندن این گروه راه را برای اقدامات بعدی هموار کند. خوب بود در همین‌جا به مبنای قانونی و غیرقانونی بودن گروه‌ها نیز پرداخته می‌شد تا افکار عمومی روشن و در جهت‌گیری‌های خود با توجه کامل آن را مورد عنایت قرار می‌داد.

اسلامی در خصوص چاپ مصاحبه پیمان در نشست دانشجویی خواجه نصیر گفت: هر مطلبی را تضعیف نظام و تبلیغ علیه آن دانستن ظلمی است بزرگ به نظامی که بر پایه آرای عمومی شکل گرفته و دفاع از حق و حقیقت را سرلوحه برنامه‌های خویش اعلام کرده است.

مدیرمسئول فتح با اشاره به سخنان پیمان در خصوص فاجعه کوی دانشگاه اظهار داشت: آیا تحلیلی کوتاه در باب دلیل پیدایش این حادثه باید اسباب فراهم آمدن دادگاه و طرح شکایت شود. بهتر آن نیست که با درک واقعیت‌های اجتماعی و حوادث نامطلوب تلاش برای شناخت دقیق این حوادث شوم مورد توجه قرار گرفته و راهی برای بیرون رفتن از تنگنای فکری، سیاسی، اجتماعی ناشی از این اقدامات تأمل و تأثربرانگیز پیدا شود.

اسلامی گفت: اگر امروز به خود نیایم، فردا دیر است، خیلی دیر.

وی در پاسخ به شکایت مجلس خبرگان، متذکر شد: مسأله بحران‌های اجتماعی و مهم‌تر از همه قتل‌های زنجیره‌ای و حوادث کوی دانشگاه که مورد توجه خبرگان واقع نشد، اعتراضات وسیعی را برانگیخت. یادآوری وظایف مسؤلان و تذکر به آنان که وظایف مصوبه را در چارچوب قانونی و براساس اختیارات قانونی انجام دهند، مسؤولیتی اجتماعی است که همه باید به آن پایبندی خویش را نشان دهند و پرداختن آن وظیفه‌ای اجتماعی است و در راستای توجه به امر به معروف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این‌که از این‌گونه اظهارنظرها چگونه مسأله توهین به مجلس خبرگان برداشت می‌شود از عجایب روزگار است که واقعاً باید به خدا پناه برد. اگر این‌چنین باشد هر اظهارنظری پیرامون عملکرد مسؤلان توهین تلقی می‌شود. اگر پرسش‌ها و مطالبات مردم و نسل جوان با آزاداندیشی و به صورت منطقی و با تکیه بر استدلال و قانون پاسخ گفته نشود و از تحمل و پایداری در مقابل سؤالات گوناگون کاسته شده و یا اصولاً عدم تحمل نشان داده می‌شود.

وی در خصوص شکایت از مقاله‌ای با عنوان "محکومیت نوری تا انتخابات مجلس" به قلم ناصر زرافشان گفت: تعریف از این‌که شکل سیاسی جامعه فتوادی شده چه ربطی به تبلیغ علیه نظام دارد؟ یدالله اسلامی با اشاره به مقاله‌ای تحت عنوان "اصلاح‌طلبی مقوله‌ای فراتر از افراد" که دیگر مطلب مورد شکایت است گفت: ایرادی که به طرح این شکایت وارد است، عدم توجه به متن یادداشت و روح کلی پیامی که نویسنده در جهت ارائه آن بوده است. اگر به محتوای روزنامه‌ها صرف‌نظر از گرایش‌های حاکم بر آن نگاه کنیم و مقالات و نظرات مندرج در آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم، در باب مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تحلیل‌های گوناگون خواهیم یافت و اگر طرح هر نظری اسبابی برای شکایت باشد، به نظر نمی‌رسد که هیچ نشریه‌ای را بتوان یافت که موضوعی در آن نباشد. روزی فرزندان ما به بازخوانی پرونده همین دادگاه خواهند پرداخت و برای تحلیل شرایط کنونی، استناد به برگزاری این دادگاه کرده و مطالب مورد شکایت مبنای داوری برای این مقطع تاریخی قرار خواهد گرفت.

وی با اشاره به اصل ۲۳ قانون اساسی و ممنوعیت تفتیش عقاید گفت: من از دادگاه می‌خواهم که مرز بین تفتیش عقاید و تشویش اذهان را روشن کند. کجای مطلب منتشره با مبنای اسلام یا حقوق عمومی در تضاد است؟ قانونی که بتوان به استناد آن انتشار این‌گونه مقالات را جرم دانست چیست؟ اسلامی با اشاره به مقاله "هاشمی رفسنجانی و دموکراسی" نوشته اکبر گنجی گفت: ریاست محترم دادگستری تهران روشن نکرده که کدام قسمت از مقاله مورد اعتراض و دلیل شکایت است. آقای هاشمی هیچ‌گاه خود را مساوی با نظام ندانسته و ما نیز نباید چنین مطلبی را طرح و به آن دامن بزنیم. نظام مساوی افراد نیست ولی افراد متعلق به نظامند.

مدیرمسئول فتح سپس به مقاله دکتر ورجاوند تحت عنوان سخنی با رئیس جمهوری اشاره کرد و به دفاع از آن پرداخت.

در ادامه جلسه یدالله اسلامی به گفت‌وگوی عمادالدین باقی در یک جلسه پرسش و پاسخ در خصوص قتل فاطمه قائم‌مقامی پرداخت و افزود: در این جلسه باقی با فلاحيان مناظره داشته که فلاحيان در جلسه حضور نیافته و باقی خود به تنهایی به سؤالات حاضران پاسخ داده است.

وی با استناد به مطالب مندرج در روزنامه‌های ایران و زن در خصوص قتل قائم‌مقامی گفت: اگر این استدلالات و گزارشات غلط است، گزارش‌های صحیح به مردم ارائه شود. حتماً آقای باقی در نقش یک پژوهشگر مسائل اجتماعی با بررسی ستون و گزارشات این مسأله را مورد توجه قرار داده و امیدوار بوده که پاسخی مناسب در رد یا تأیید این مسأله به دست آورد.

وی با اشاره به مقالات گنجی و اشکوری که مورد شکایت قرار گرفته‌اند، گفت: گنجی در مقاله خود به مسأله رحلت حاج احمد خمینی و به شایعاتی که در این خصوص در جامعه پراکنده است پرداخته و به تلاش کسانی برای پیوند وفات حاج احمدآقا به قتل‌های زنجیره‌ای اشاره کرده است.

گنجی در مقام سؤال از نیازی برآمده و از او صحت و سقم آن را جویا می‌شود و آقای حسن خمینی طی نامه‌ای به مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۸ به عمادالدین باقی می‌نویسد: «آقای نیازی اعلام‌اعترافاتی مبنی بر قتل مرحوم یادگار امام موجود است صحیح می‌داند...».

یدالله اسلامی مدیرمسئول فتح به شکایات دیگر که از مقالات اکبر گنجی در خصوص قتل‌های زنجیره‌ای بود نیز پاسخ داد و گفت: گنجی گفته است اگر شاه کلید دستگیر شود، قطعاً عالیجناب خاکستری را لو خواهد داد. این اظهارنظر گنجی است. حال شما بگویید اگر شاه کلید دستگیر شود، عالیجنابان خاکستری را لو نخواهد داد. یا اصلاً بگویید شاه کلید دستگیر نمی‌شود یا شاه کلید نداریم. این‌ها اظهارنظر است. آخر کجای این تضعیف ارکان نظام است.

یدالله اسلامی در پایان به دفاع از اتهام ترویج فساد و فحشا توسط چاپ عکس پرداخت و گفت: اگر چاپ عکس زنی که فقط چهره آن مشخص است ترویج فساد باشد، پس نشان دادن بدن عریان یک زن در حال رقص از صدا و سیما ترویج فساد نیست. ببینید هرچه می‌خواهید به ما بگویید. این یکی را نگوید چون این وصله خیلی ناچسب است.

در ادامه جلسه دکتر حسین‌آبادی به دفاع حقوقی از موکل خود پرداخت و در پایان از قاضی خواست که جلسه را به بعد از ماه مبارک رمضان موکول کند که از سوی قاضی مورد موافقت قرار گرفت و جلسه به بعد از ۱۲ دی ماه موکول شد.

پنجمین جلسه دادگاه

در آخرین جلسه دادگاه یدالله اسلامی از ریاست دادگاه و اعضای هیأت منصفه^۱ که در طول برگزاری جلسات علنی دادگاه امکان دفاع مناسب و بی‌دغدغه از سوی دادگاه را برای وی فراهم کردند، تشکر کرد و گفت: بخش دوم شکایات ریاست دادگستری تهران در مورد نشر اکاذیب و توهین به مقدسات دارای یک ویژگی اضافی نسبت به شکایت‌های قبلی است. به‌کارگیری اهانت به مقدسات در مطبوعات راه فکر و اندیشه را سد می‌کند و از رئیس دادگستری می‌خواهم که این باب را ببندد و از به‌وجود آمدن آن جلوگیری کند.

اسلامی در مورد شکایت مدعی‌العموم از مقاله مسعود فراستخواه گفت: متن مورد شکایت روزنامه تحریف شده. اگر شاکی گمان می‌برد که در این مقاله به مقدسات توهین شده آن توهین کدام است؟ در یک نگاه کلی درمی‌یابیم که ساختار شکلی و ظاهر متن مورد شکایت با ساختار شکلی و آرایشی کلمات و جملات در متن مورد شکایت تفاوت کلی دارد.

اسلامی اضافه کرد: پس از این بحث شکلی و ظاهری سؤالی پیش می‌آید و آن این‌که جرم روزنامه و مدیرمسئول آن در نشر اظهارنظر یک صاحب‌نظر و پژوهشگر و آشنای به مسائل دینی و اجتماعی چیست؟ اگر آزادی بیان و عقیده و آزادی مطبوعات حکم قانون اساسی و خواست ملی است، عدولی از آن صورت نگرفته و خلافی به وقوع نپیوسته و زمینه ارتکاب جرم و توهین نیز فراهم نشده است.

اگر برداشت نویسنده مغایر نظر شاکی است، این نیز خلافی نیست. جامعه پر است از اندیشه‌ها، آرا، نظرات و افکار گوناگون و به دلیل عدم برداشت‌های واحد از مقوله‌های اجتماعی نباید و نمی‌توان به دادگاه توسل جست و با حکم دادگاه از نشر نظرات خودداری کرد.

اسلامی ادامه داد: نویسنده مقاله در آن از نقاط قوت نظام مثل قابلیت‌های گسترده عمومی و مشارکت مردمی، همگرایی دین و دولت و نظایر آن سخن به میان آورده است. همچنین کمبودها و ضعف‌ها را نیز به چالش کشیده و به برشماری نیازهای اجتماعی پرداخته است.

وی گفت: چه رخ داده که این‌گونه اظهارات توهین به مقدسات تلقی می‌شود؟ آیا به این اندیشیده‌اید که اگر مقدسات را درگیر منازعات سیاسی کنید، چه بر سر آن‌ها خواهد آمد؟

مدیرمسئول روزنامه فتح در مورد مصاحبه عزت‌الله سحابی با روزنامه فتح به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی گفت: در بخشی از مصاحبه مهندس سحابی آمده است پس از گذشت ۲۰ سال از

۱. آقایان محسن دعاگو، شعبان شهیدی، زاکانی، جمال شورجه، حمید انصاری، حجت‌الاسلام جعفر شبیری، علی‌اکبر کسانیان، محمد ناصری صالح‌آبادی، حبیب‌الله عسگرآولادی و خانم فاطمه کروی.

انقلاب اسلامی، این انقلاب فیلسوف و دانشمندی نپرورانده، بلکه بیش‌تر افراد احساسی پرورش یافته‌اند. اسلامی به دادگاه گفت: ای کاش برای مجموعه مطالب مورد شکایت حتی با استناد به جمله‌ای که شکایت را طرح می‌کردند، به پاسخ‌های روشن می‌پرداختند. مثلاً آمار تربیت‌یافتگان و دانشمندان در مقولات مختلف را ارائه و سخنان آقای سبحانی را نقد و بررسی می‌کردند و یا آمار نیروهای توانمند در زمینه‌های مختلف را که جذب کشور شده‌اند ارائه و به مقابله با آقای سبحانی می‌آمدند از آقای سبحانی هم می‌خواستند که برای اثبات ادعای خود آمار نیروهای انسانی و فرار مغزها را ارائه کنند.

وی در ادامه اضافه کرد: آیا این سخن‌گزافی است که به دلیل عدم برنامه‌ریزی و استفاده مطلوب از توانمندی علمی، شرایط برای خروج نیروهای انسانی که با هیچ سرمایه مادی قابل مقایسه نیست، فراهم شده است. چرا از طرح یک نظریه در باب مقولات اجتماعی برمی‌آشوبیم. چرا میدان را برای بحث در مقولات اجتماعی تنگ می‌کنیم؟

اسلامی مصاحبه با مجتهد شبستری را از دیگر شکایت‌های نماینده مدعی‌العموم ذکر کرد و گفت: رئیس دادگستری بدون توجه به مسائل شکلی این مصاحبه شکایت کرده است. وی با نقل بخشی از مصاحبه گفت: شبستری گفته است: دسته‌ای از نسل جوان روی به کتاب‌های کم‌مصرف می‌آورند که شاکی در این‌جا کتاب‌های کم‌مصرف را کتاب‌های دینی معرفی کرده است.

این مصاحبه در چند شماره روزنامه به صورت پرسش و پاسخ منتشر شده است و از هیأت‌منصفه می‌خواهم این مصاحبه را مطالعه کنند. این مسائل فرهنگی و فکری با دادگاه حل نمی‌شود، بیایید برای اندیشه و فرهنگ احترام قائل شویم. اگر متن اخبار مورد شکایت از سوی مدعی‌العموم توسط ریاست دادگستری مطالعه می‌شد، قطعاً اقدام به شکایت نمی‌شد.

وی شکایات مدعی‌العموم را مربوط به مطالب کتاب "آزادی یا توطئه" دانست و گفت: حتی در این کتاب در مورد مطلبی که یکی از موارد شکایت هم هست تاریخ مطلب را به اشتباه چاپ کرده و جالب آن‌که تاریخ شکوائیه نیز همان است در صورتی‌که در آن تاریخ اصلاً چنین مطلبی چاپ نشده است. چطور متن یک بولتن مبنای یک شکایت از جانب دادگستری قرار گرفته است و حتی مسؤولان دادگستری به خود زحمت نداده‌اند متن اصلی روزنامه را پیدا کرده و مطالعه کنند.

پس از آن صارمی از نماینده مدعی‌العموم خواست که در مورد ابهامات مطرح شده سخن گوید. نماینده مدعی‌العموم در دادگاه گفت: ما دفاعیات مدیرمسئول روزنامه فتح و وکیل ایشان را شنیدیم. آنچه اسلامی در مقام دفاع مطرح کردند، صرفاً یک بیانیه سیاسی بود که مورد اعتراض هیأت‌منصفه نیز بود. طرح دیدگاه صنفی و سیاسی هیچ‌گونه توجیه قانونی ندارد و دفاع باید در چارچوب موضوع اتهام قرار گیرد.

وی خطاب به اسلامی گفت: من در مورد مطالب و ابهامات موجود فقط به این جمله استناد می‌کنم که آقای اسلامی به اندیشه‌های سیاسی خود دریچه‌ای دیگر بگشاید.

بعد از آن حسین‌آبادی وکیل مدیرمسئول روزنامه فتح به دفاع آخر پرداخت و گفت: از لحاظ حقوقی مسأله‌ای مطرح شد که باید عنوان شود. نماینده مدعی العموم به عنوان شاکی و اعلام‌کننده جرائمی که جنبه عمومی دارد باید مانند سایر شکات حق داشته باشد اما آن چنان که دیدیم مدعی العموم در این جلسات از حقی بیش‌تر از دیگران برخوردار بود. اگر موکل من خارج از بحث صحبت کرده و یا بیانیه سیاسی بیان کرده، ایشان (نماینده مدعی العموم) هم آن چنان داخل این دو مورد حرف نزدند.

سپس حسین‌آبادی درباره توهین و اهانت گفت: در قانون مسائل اخباری صدق و کذب دارد و اگر کسی مسأله‌ای را تحلیل کند، عنوان صدق و کذب برای آن راهی ندارد. وی درباره اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام گفت: فعالیت یک‌سری اقدامات است که استمرار و دوام دارد، اما نوشتن یک مطلب فعالیت تبلیغی محسوب نمی‌شود.

بعد از آن صارمی از یدالله اسلامی خواست که آخرین دفاع خود را در دادگاه ارائه دهد. او هم در جایگاه قرار گرفت و گفت: آخرین دفاع من، آخرین حرف من نیست، بلکه سرآغاز سخن من خواهد بود. همواره این سؤال را دارم که آیا بستن روزنامه‌ها، راه‌حل بحران‌های فکری است و آیا به حکم دادگاه می‌توان راهی بر اندیشه بست. اگر من به‌جای دفاعیات، بیانیه سیاسی خواندم، این کار روزنامه و روزنامه‌نگاری است و این کلمات ابزار من هستند و اگر می‌گویند من باید دریچه‌ای جدید به اندیشه‌هایم باز کنم، باید بگویم همه باید این کار را بکنند.

اسلامی در آخرین دفاع خود گفت: آنچه را که در روزنامه انجام داده‌ام، برای پایداری و استمرار نظام بوده است و یک روزنامه‌نگار با واژه‌ها و الفاظ و جملات به نقد مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌پردازد.

اسلامی در مورد مقاله مربوط به ترور سعید حجاریان و چاپ عکس سعید عسگر در روزنامه فتح گفت: در مورد ترور حجاریان یک دنیا حرف و حدیث وجود دارد و این روزنامه آن را منتسب به سپاه ندانسته بود، بلکه نوشته بود که این کار مربوط به یک تشکیلات است و این‌که ترور کار تشکیلاتی بوده، مورد قبول هر ذهن پرسش‌گر و جست‌وجوگر است.

وی اظهار داشت: من به نماینده مدعی العموم می‌گویم که شما با ابراهیم یزدی و نهضت آزادی مشکل سیاسی دارید، چرا آن را به فتح مرتبط می‌کنید. آیا من حق ندارم بپرسم که ارتباط این موضوع کجاست؟ ما روزنامه‌نگار هستیم و امروزه ابزار تبلیغاتی به گونه‌ای افزایش یافته است که از تعداد کاغذ و قلم فراتر رفته است و با یک دکمه با سراسر دنیا ارتباط برقرار می‌شود. من می‌گویم که

با پاک کردن صورت مسأله، مسأله حل نمی‌شود. صارمی در پایان با اعلام ختم رسیدگی به پرونده روزنامه توقیف‌شده فتح گفت: اعضای هیأت منصفه وارد شور می‌شوند.

نظر هیأت منصفه

اعضای هیأت منصفه پس از پنج جلسه شرکت در دادگاه و استماع شکایات شاکیان و دفاعیات متهم و وکیل وی و شور و مشورت مفصل سرانجام نظرات خود را درباره اتهامات مدیرمسئول روزنامه توقیف شده فتح به شرح زیر اعلام کردند:

درباره شکایت هیأت نظارت بر انتخابات استان اصفهان مبنی بر نشر اکاذیب جهت تشویش اذهان عمومی، هیأت منصفه مدیرمسئول روزنامه فتح را با اکثریت آرا مجرم شناخت. در مورد دو فقره شکایت (وکیل روزنامه کیهان) از مدیرمسئول روزنامه فتح به عنوان نشر اکاذیب و اهانت، هیأت منصفه با اکثریت قریب به اتفاق متهم را به عنوان نشر اکاذیب مجرم شناخت ولی در موضوع اهانت وی را مجرم ندانست.

درخصوص شکایت ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مدیرمسئول روزنامه فتح به اتهام نشر اکاذیب در شماره ۸۶، ۸۴ و ۸۳ روزنامه و اتهام افترا نسبت به شخص حقیقی، هیأت منصفه مطبوعات با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را در مورد نشر اکاذیب نسبت به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجرم تشخیص داد ولی اتهام افترا را چون در مورد شخص معینی دیده نشد، وارد ندانست. در مورد شکایت فرماندهی نیروی مقاومت بسیج به اتهام نشر اکاذیب در واقعه رشت، هیأت منصفه با اکثریت آرا متهم را مجرم دانست. در مورد شکایت‌های رئیس دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم از مدیرمسئول روزنامه فتح نیز اعضای هیأت منصفه، مجموعاً در ۱۳ مورد وی را به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی، اهانت به مقامات و مسئولان نظام و تبلیغ و ترویج گروه‌های غیرقانونی مجرم شناخت. این هیأت با توجه به عدم سابقه محکومیت مطبوعاتی و رعایت ادب در دادگاه، وی را به اتفاق آرا مستحق تخفیف دانست. سایر شکایات و اتهامات وارده به متهم از سوی اعضای هیأت منصفه مطبوعات جرم تشخیص داده نشد.

رأی دادگاه

در این پرونده آقای یدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح متهم است به: ۱. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اضرار به غیر ۲. اهانت به مسئولان نظام ۳. تبلیغ علیه نظام جمهوری

پرونده روزنامه فتح ۱۴۴۹

اسلامی ایران ۴. تبلیغ گروه‌ها و احزاب غیرقانونی و منحرف برخلاف بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات که ذیلاً ملخص شکایت و مستندات و نظر هیأت منصفه و ملخص دفاعیات متهم آورده می‌شود. ۱. هیأت نظارت بر انتخابات ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی استان اصفهان ضمن شکایتی اعلام نموده روزنامه فتح در مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۰ برخلاف واقع خبری مبنی بر رد صلاحیت احد از کاندیداهای انتخابات مجلس به نام آقای تاج‌الدین درج نموده است و موجبات تشویش اذهان عمومی در انتشار خبر مذکور و اضرار با تخدیش عملکرد هیأت نظارت را فراهم نموده است. متهم در دفاعیات خویش علت چاپ خبر را ناشی از اشتباه به علت سرعت کار تولید روزنامه و به صورت غیر عمدی اعلام و بروز این اشتباهات را در امر اطلاع‌رسانی پدیده‌ای نادر تلقی نموده‌اند. هیأت منصفه مطبوعات مطلب منتشره را نشر اکاذیب تلقی و با اکثریت آرا به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح اظهار نظر نمود. ۲. آقای اصلانی در دو شکایت مطروحه نسبت به مطالب منتشره در روزنامه فتح اعلام نموده مطالب مطروحه به نقل از مشارالیه خلاف واقع بوده و متضمن نشر اکاذیب و اسناد مطالب خلاف حقیقت می‌باشد. در بخش‌هایی از مطالب درج شده در روزنامه فتح مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۹ آمده است: وی (آقای اصلانی) اضافه کرد: البته در قانون مجازات اسلامی این مطلب به صراحت ذکر شده است که اگر شخصی مهدورالدم شد و عده‌ای او را کشتند، کسی حق ندارد به او تعرض کند مگر این‌که مهدورالدم بودن مقتول را نتوانند در دادگاه اثبات کنند. اما اگر همین مهدورالدم فرار کرد و در کشور دیگری رفت یا به جایی پناهنده شد، اگر توسط عده‌ای کشته شود، دیگر حتی در دادگاه هم حق ندارد آن‌ها را مورد سؤال و جواب قرار دهد. بلکه کسی حق هیچ‌گونه تعرض و یا سرزنشی را نسبت به آن‌ها نخواهد داشت. این مطبوعات و نویسندگان آن‌ها قصدشان زیرسؤال بردن نظام و انقلاب است و اگر هم اکنون آن‌ها این قدر به افرادی همچون جناب آقای فلاحیان توهین و اهانت می‌کنند، تقصیر خود آقای فلاحیان است. اگر در زمان صدارت بر وزارت اطلاعات رحم نمی‌کرد و حششان را کف دستشان می‌گذارند و همچنین تمامی اسناد و مدارک مربوط به پشت پرده مسائل فرهنگی و مطبوعاتی را افشا می‌کردند، دیگر چه کسی می‌توانست چنین عملکردی داشته باشد و یا دیگران جرأت نمی‌کردند بیایند و به آقای شریعتمداری اتهام بزنند و افراد شکایت بکنند. در روزنامه فتح مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۰ در یادداشتی تحت عنوان رمزگشایی از جعبه سیاه قتل‌های زنجیره‌ای به قلم آقای عمادالدین باقی منتشر شده که در بخش‌هایی از آن آمده است: ۳. آقای اصلانی وکیل حسین شریعتمداری گفته‌اند کسانی که کشته شده‌اند مهدورالدم بوده‌اند و اگر عده‌ای آن‌ها را به قتل رساندند، کسی حق تعرض به آن‌ها را ندارد... متهم در دفاعیات خود اعلام داشته مطالب منتشره براساس گزارش‌های دریافتی از جلسه برگزار شده می‌باشد.

در صورتی که این گزارشات مورد قبول نبوده و روش صحیح آن عمل بر طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات است و اگر آقای اصلانی متن صحیح و درست مطالب ایراد شده را در اختیار روزنامه قرار می‌دادند، مطالب به صورتی که صحیح می‌دانند انتشار می‌یافت. هیأت منصفه مطبوعات مطالب منتشره را نشر اکاذیب تلقی و با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم تشخیص داد. ۳. ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شکوائیه‌ای نسبت به مطالب منتشره در شماره‌های ۸۳ و ۸۴ و ۸۶ روزنامه فتح اعلام نمود مطالب منتشره ایراد افترا و نشر اکاذیب نسبت به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد و تقاضای تعقیب و مجازات مدیرمسئول روزنامه مذکور را نموده است. در صفحه اول روزنامه فتح شماره ۸۶ از زبان آقای هاشم آغاچری اعلام گردیده: سازمان مرکزی هدایت‌کننده مافیای ترور خارج از نهادهایی چون سپاه و اطلاعات قرار دارد و در عین حال از عوامل خود در این نهادها بهره می‌گیرد. در خیر دیگری که به نقل از آقای عمادالدین باقی با این تیتراژ: "ترور یک کار فنی است و نمی‌تواند یک تصمیم انفرادی باشد..." منتشر شده آمده است: ... وی در ادامه مطلب فوق تصریح کرد در واقع پنهان از چشم نهادها و مسئولان آن یک پای این تشکیلات در نیروی انتظامی و سپاه است و یک پای دیگر آن در وزارت اطلاعات و صدا و سیماست و این محفلی است که موقعیت خود را در دستگاه‌های گوناگون مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد... در مقاله دیگری با تیتراژ: "ترور تشکیلاتی - ایدئولوژیک حجاریان خطرناک‌تر از قتل‌های زنجیره‌ای" به قلم آقای عمادالدین باقی منتشر گردیده که در بخش‌هایی از آن آمده است: در نخستین خبرها از دستگیری ضاریان و عاملان ترور حجاریان اعلام شد سپاه پاسداران موفق به دستگیری آنان شده است اما هویت این افراد مشخص نگردیده پرسشی که در اذهان پدید می‌آید این بود که پیگیری پرونده ترور حجاریان به سپاه سپرده نشده بود، پس چه نسبتی میان دستگیرشدگان و حفاظت و اطلاعات سپاه وجود داشت؟ ... ۱. اما واقعیت این است که حداقل سه تن از دستگیرشدگان وابسته به سپاه بوده‌اند... روزنامه فتح در مقاله دیگری با تیتراژ گفت‌وگو با یک سردار نظامی به قلم آقای اکبر گنجی آورده است: ... وی تروریسم را ناشی از چند متغیر می‌داند: ۱. فرهنگ خشونت ۲. وجود نیروهای مدافع و مبلغ خشونت در مدیریت برخی از نهادهای نظامی - انتظامی - امنیتی ۳. عدم توجه به وضع و موقعیت یادگارهای دوران جنگ... من از شما یک سؤال دارم مگر در کشورهای دیگر جنگ وجود نداشته است. در کدام کشور پس از پایان جنگ به جنگجویان سابق اجازه داده می‌شود در شهرها به هر عمل خلاف قانونی دست زده و امنیت مردم را نادیده بگیرند؟... آنان که هیچ‌گاه در جبهه‌ها حضور نداشتند و در کل دوران جنگ ستاندنشین بودند، اینک با سخنرانی‌های خود دائماً نیروهای اصلاح‌طلب را وابسته به بیگانگان خوانده و آن‌ها را به‌طور علنی تهدید می‌کنند.

شما به خوبی آگاهید که آنان چه چیزهایی به خورد نیروهای تحت امر می‌دهند. حال اگر نیروهای تحت امر که دائماً در یک فضای کنترل شده زیر فشارهای ایدئولوژیک و القانات سیاسی دروغین قرار می‌گیرند، دست به ترور بزنند، مقصر کیست؟ برادر عقبه ترور به کجا بازمی‌گردد؟ آن‌ها چگونه بدون هراس به طور علنی دست به خیانت می‌زنند؟ منابع مالی و لجستیکی آن‌ها از کجا فراهم می‌شود؟... متهم در دفاعیات خود انتشار مطالب مذکور را انتشار نظر افراد پژوهشگر و صاحب‌نظر تلقی نموده و در راستای آزادی بیان از حقوق شهروندی دانسته و مطالب منتشره در مقاله گفت‌وگو با یک سردار نظامی را نقل خاطره‌ای که واقعیت خارجی داشته است بیان نموده‌اند. هیأت منصفه مطبوعات مطالب منتشرشده مذکور را نشر اکاذیب تلقی و با اکثریت آرا نظر به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح داد. ۴. فرماندهی نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شکوائیه‌ای اعلام نموده روزنامه فتح در مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۹ اعلام داشته: در پی برخورد چند تن از مأموران امر به معروف و نهی از منکر با یکی از دستجات عزاداران، درگیری خشونت‌باری میان مردم عزادار و این نیروها به وقوع پیوست... عده‌ای دیگر از گروه‌های فشار موسوم به حزب‌الله مسلح به چماق پس از ضرب و شتم عده‌ای از مردم با سر دادن شعارهایی در حمایت از مقام رهبری و نماینده ولی فقیه در گیلان، استاندار گیلان و فرماندار رشت را تهدید به برکناری کردند... در رشت یک دانشجو به خبرنگار ما گفت: بعد از سخنرانی آقای مزروعی که هفته گذشته در رشت صورت گرفت، عده‌ای از بسیجیان در دانشگاه وعده چنین آشوبی را در ایام محرم به ما داده بودند. که باتوجه به این‌که این خبر منتشره کذب بوده و واقعیت ندارد، تقاضای تعقیب و مجازات مدیرمسئول روزنامه فتح را نموده است. متهم در دفاع از خود اعلام نموده مطالب مطروحه خلاف واقع نبوده، لیکن در این رابطه که نیروهای امر به معروف و نهی از منکر که تحت نظر فرماندهی مقاومت بسیج انجام وظیفه می‌نمایند و در خبر منتشره به آن اشاره گردیده چه افرادی بوده و مشخصات ایشان چیست و با کدام دسته عزادار درگیر شده‌اند، دلیلی ارائه ننموده‌اند. هیأت منصفه مطبوعات مطالب منتشره را نشر اکاذیب تلقی و با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم تشخیص دادند. ۵. ریاست کل دادگستری استان تهران به‌عنوان مدعی‌العموم شکایاتی مطرح کرده‌اند که ذیلاً ملخص شکایت و مستند آن و ملخص دفاعیات متهم و نظر هیأت منصفه آورده می‌شود: بند یک شکوائیه مدعی‌العموم مربوط به مقاله منتشره در روزنامه فتح با عنوان ثمرات محاکمه نوری به قلم آقای حمید آیتی در مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۵ می‌باشد. در بخشی از این مقاله آمده است: عضویت نوری در مجمع تشخیص مصلحت نظام و با حضور در بالاترین سمت‌های حکومتی در دو دهه گذشته، مانع از محکومیت نوری نشد و اقتدارگرایان در دادگاهی فاقد جایگاه قانونی و با هیأت منصفه‌ای

خودساخته و با نادیده گرفتن حق تجدیدنظر بلافاصله پس از ابلاغ حکم وی را روانه زندان اوین کردند. متهم در دفاعیات خود اعلام داشت که در بیان نقد حکم و بیان نظرات به منظور حل معضلات فکری و شناخت راه‌های قانونی از سوی دست‌اندرکاران و نتیجتاً اقتناع افکار عمومی برآمده است. صرف‌نظر از این‌که نویسنده مقاله مدیرمسئول روزنامه فتح نمی‌باشد و صرف‌نظر از این‌که نقد اقدامات همواره مفید و مطلوب می‌باشد ولو این‌که این نقد نسبت به احکام قضایی و اقدامات محاکم باشد لیکن انتصاب القاب و عناوینی چون اقتدارگرایان هیأت منصفه خودساخته و... نمی‌تواند در این راستا و نیل به اهداف اعلام‌شده از سوی متهم باشد چرا که خواننده را قبل از این‌که با استدلال منطقی در گفتمان خود مواجهه بسازد، به مطالبی که در جهت تخریب و تشویش ذهن به کار می‌رود مواجهه می‌کند. هیأت منصفه مطبوعات مطلب منتشره را نشر اکاذیب تلقی و با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم شناخت.

در بند ششم شکوائیه مدعی‌العموم آمده است: دادگاه ویژه روحانیت که از نظر عبدالله نوری و اصلاح‌طلبان دیگر قانونی و مشروع تلقی نمی‌شود، همچنان دادگاه‌های تفتیش عقاید عمل می‌کند و به بهانه حراست از اسلام به موشکافی نیروهای رفورمیستی می‌پردازد... متهم در دفاعیات خود هدف از طرح این مطالب را تبیین نگاه بیگانگان به تحولات درونی ایران و در جهت به معرض افکار عمومی قرار دادن این نگاه اعلام نموده و اظهار داشته‌اند نظیر این مطالب قبلاً از صدای آمریکا شنیده شده و اظهار داشته‌اند انعکاس مطالب خلاف واقعیات و اجتماعی که نمایان‌گر نگاه دیگران به مقولات داخلی است، نباید اسباب طرح شکایت گردد. متهم اشاره نکرده است که انعکاس مطالب خلاف واقع چگونه می‌تواند موجبات افزایش آگاهی عمومی و مآلاً حفظ مصالح جامعه باشد (ماده ۵ قانون مطبوعات) هیأت منصفه مطبوعات مطالب مطروحه در این مصاحبه را اهانت تلقی و به اتفاق آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم شناخت.

بند هشتم شکوائیه مدعی‌العموم مربوط است به چاپ مصاحبه آقای عزت‌الله سبحانی در مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۴ روزنامه فتح در بخشی از این مصاحبه اعلام شد: با توجه به شرایط موجود پیش‌بینی می‌کنیم که شورای نگهبان چون در مقام و موقعیت قانونی خویش عمل نمی‌کند و بیش‌تر به صورت جناحی عمل می‌کند. متهم در دفاع از مطالب مذکور اعلام نمود روز ۱۳۷۸/۱۰/۲۴ جمعه بوده و روزنامه منتشر نگردیده چنانچه تاریخ و شماره روزنامه اعلام شود پس از ملاحظه اصل آن به دفاع خواهم پرداخت.

بند یازدهم شکوائیه مدعی‌العموم مربوط است به چاپ مقاله‌ای به قلم آقای فریبرز رئیس‌دانا در مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۹ در بخشی از این مقاله آمده است: او (آقای نوری) به مثابه یک شهروند عادی اما

مسئول و آگاه چنین عمیق به پاسداری حقوق انسانی و شهروندی مردم ایران برخاست و در دادگاهی از پیش مصمم و تفتیش عقایدی به مردم و مسئولان حاکم نشان داد... افکار عمومی در این جا با اکثریتی بسیار بالا در واقع دادگاه ویژه روحانیت را محکوم می نماید. زیرا یک فرد روحانی را که بیانگر درخواست های مردمی بوده است این چنین موضوع تفتیش عقاید حمله ناروا و ناحق و در نهایت محکومیت قرار می دهد... متهم مطالب مطروحه را به عنوان اظهار نظر در مورد پدیده های اجتماعی و تحولات سیاسی از زبان یک شهروند اعلام نموده و اظهار داشته آقای فریرز رئیس دانا مقوله ای اجتماعی را به بررسی نشسته و احساس خویش را قلمی کرده است. هیأت منصفه مطبوعات مطالب مطروحه را اهانت آمیز تلقی و به اتفاق آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم تشخیص دادند.

بند سیزدهم شکوائیه مدعی العموم مربوط است به چاپ بیانیه تشکل موسوم به ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۳ روزنامه فتح. در این بیانیه رد صلاحیت آقای میرزاده از فهرست نامزدهای حوزه انتخابیه کرمانشاه توسط هیأت های اجرایی و نظارت بر انتخابات کرمانشاه را عملی غیر قانونی و ضداخلاق قلمداد نموده است. متهم انتشار این مطالب را به عنوان بخشی از وظیفه اطلاع رسانی و تلاش برای افزایش مشارکت و کاهش نگرانی ها در راستای تحکیم و تقویت وحدت ملی قلمداد نموده است. ضمن این که مشارالیه وجود این گروه ها را در جامعه واقعیت های اجتماعی تلقی کرده اند و ملاک اعمال اجتماعی را محدوده قانون دانسته اند. لیکن در این که این تشکل بر اساس قانون، موجودیت یافته است یا خیر و ملاک و محدوده فعالیتش قانونی است یا خیر صحبتی نکرده اند. هیأت منصفه مطبوعات مطالب مطروحه را نشر اکاذیب تلقی و با اکثریت آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم تشخیص داد.

بند چهاردهم شکوائیه مدعی العموم مربوط به است به چاپ بخش هایی از اظهارات آقایان هدی صابر و علی افشاری که در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۱ چاپ نموده که در بخشی از آن آمده است: آقای هاشمی باید پاسخگوی دوران توسعه ۸ ساله خود باشد. در دوران ایشان عملاً سیاست های تعدیل اجرا نشد و فرایند توسعه به (شکل) فربه تر شدن خود و اطرافیان انجام شد... متهم طرح سؤال را به عنوان نقد و نظارت و بازنگری در برنامه ها و استفاده بهینه از امکانات و توانمندی ها تلقی کرده و آن را توهین نمی داند و همه مسئولان را در مقابل پرسش ها ملزم به پاسخ دانسته است. هیأت منصفه مطبوعات مطالب مطرح شده را به عنوان اهانت به یکی از مسئولان نظام تلقی و با اکثریت آرا نظر به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح داد.

بند ۱۹ شکوائیه مدعی العموم مربوط است به انتشار مقاله ای به قلم آقای ناصر زرافشان با عنوان

از محکومیت نوری تا انتخابات مجلس که در مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۷ چاپ شده است. در بخشی از این مقاله آمده: حاکمیت استبدادی و قیم‌مآب شکل سیاسی جامعه فئودالی است و امروز دیر زمانی است که در نتیجه دگرگونی بافت اقتصادی و اجتماعی جامعه ما و پیچیدگی و تنوع گسترده روابط اقتصادی و اجتماعی انسداد سیاسی دیگر هماهنگی و تناسبی با این جامعه ندارد و با آن در تضاد است. تنش‌ها و تشنجات جاری نیز بارزترین نشانه‌های این واقعیت است. مردم ایران پس از دو شکست در جنبش مشروطه و جنبش ملی کردن نفت در سال ۱۳۵۷ برای احیای آزادی‌های سیاسی از دست‌رفته و رهایی از سلطه بیگانگان به پاخاستند اما به دام جریانی ضدتاریخی و انحصارطلب افتادند که همه چیز را به قهقرا برد. هیأت‌منصفه مطبوعات مطالب مطروحه را تبلیغ برعلیه نظام تشخیص و به اتفاق آرا نظر به مجرمیت متهم داد.

بند بیست و چهارم شکوائیه مدعی‌العموم مربوط است به چاپ نامه آقای پرویز ورجاوند خطاب به ریاست محترم جمهوری در مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۷. در بخشی از این نامه آمده: آیا فکر می‌کنید (تصور می‌فرمایید) که در برابر برخوردهای خشونت‌بار و حملات بی‌امان برخی از افراد در سکوت روحانیت و صاحبان قدرت در ارگان‌های نظامی و انتظامی با جامعه اهل قلم، اندیشمندان و روزنامه‌نگاران وظیفه شما سکوت کردن است... متهم چاپ این‌گونه نامه‌ها را در راستای اطلاع‌رسانی و کم کردن فاصله بین مردم و مسئولان و سخنان صریح و بی‌پرده با بالاترین مقام اجرایی کشور اعلام نموده است. هیأت‌منصفه مطبوعات مطالب مذکور را تبلیغ برعلیه نظام تلقی و به اتفاق آرا متهم را مجرم تشخیص داد.

بند بیست و پنجم شکوائیه مدعی‌العموم مربوط است به چاپ مطالبی تحت عنوان گفت‌وگو با عمادالدین باقی و با تیتراکاتی تازه پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۳۰ روزنامه فتح به چاپ رسیده است. در بخش‌هایی از این گفت‌وگو آمده است: خانم فاطمه قائم‌مقامی مهماندار سابق شرکت هواپیمایی آسمان دارای سابقه سیاسی نبود. او مجبور به همکاری با محفل اطلاعاتی شد و پس از استفاده‌های مختلف به دلیل امکان افشای مقاله و لو رفتن اطلاعات شاه کلید به قتل رسید. متهم اعلام نموده مطالب مطروحه به نقل از آقای عمادالدین می‌باشد و در جلسه‌ای که در اصفهان جهت مناظره تدارک دیده شده، لیکن همه مدعوین در آن شرکت نکرده‌اند بیان شده و صرفاً در جهت نقل یک خبر بوده که در جرید دیگر نیز در تاریخ‌های متفاوت خبر آن درج شده است. هیأت‌منصفه مطبوعات مطالب مذکور را نشر اکاذیب تلقی و به اتفاق آرا مدیرمسئول روزنامه فتح را مجرم شناخت.

بند سی‌ام شکوائیه مدعی‌العموم مربوط است به مقاله‌ای به قلم آقای اکبر گنجی با تیتراک گفت‌وگو

پرونده روزنامه فتح ۱۴۵۵

با یک سردار نظامی که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۷ به چاپ رسیده است. هیأت منصفه مطبوعات قبلاً در جریان رسیدگی به شکوائیه ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نظر به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح داد. در مورد شکوائیه دیگر مدعی العموم نسبت به مقاله‌ای با تیتراژ احساس همبستگی ملی که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۴ انتشار یافته است می‌باشد. در بخش‌هایی از این مقاله آمده است: سران استعمارگر غرب اگر در مقابل کشورهای تحت سلطه از شعار تفرقه بینداز و حکومت کن، تحقیر کن و حکومت کن یا رعب ایجاد کن و حکومت کن استفاده می‌کردند و می‌کنند برعکس در مقابل ملت خود از شعارهایی چون منافع عمومی را تأمین کن و حکومت کن، یا مشارکت ایجاد کن و حکومت کن و در نهایت احساس همبستگی ایجاد کن و حکومت کن بهره می‌گیرند. درحالی که در سرزمین ما اقتدار حاکم در مقابل بهت و حیرت اندیشمندان برای تداوم ثبات و حاکمیت خود از شعارهای برون‌مرزی آنان استفاده می‌کنند. یعنی مدام تهدید و تحقیر می‌کنند. متهم در دفاعیات خود انتشار مطالب مذکور را در راستای بیان همه حرف‌ها و دامن زدن به مباحثه و نقد و انتقاد به منظور نیاز به همبستگی ملی بیان نموده است. هیأت منصفه مطبوعات مطالب مذکور را تبلیغ علیه نظام تلقی و با اکثریت آرا نظر به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح داد. شکوائیه دیگر مدعی العموم مربوط است به مقاله‌ای با عنوان انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهانی در گفت‌وگو با آقای عزت‌الله سبحانی که در مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲ به چاپ رسیده است. در بخش‌هایی از آن آمده است: در جامعه ما به این گرایش‌ها بها داده شده و وجه احساس پروری بر وجه اندیشه پروری غلبه کرد. بحث دعوی بین تخصص و تعهد که در اوایل انقلاب مطرح شد، یادمان مانده است و متأسفانه در آن برهه تخصص را مسخره می‌کردند. این‌ها ضعف انقلاب ما بود و نتیجه‌اش این شد که بعد از گذشت بیست سال از انقلاب، این انقلاب نه عقلا و فیلسوفان و اندیشمندان را جذب کرد و نه خودش توانست اندیشمندانی را پیروانند، بلکه آدم‌های احساسی را پرورش داده... متهم در دفاعیات خود اظهار داشته مباحث مطروحه از دیدگاه یک صاحب‌نظر اجتماعی و با توجه به چالش‌های فراروی انقلاب نه با دید نفی که با دید نقد بیان ابراز شده که روزنامه به منظور دامن زدن به بحث و گفت‌وگو به درج اظهارات ایشان پرداخته است. هیأت منصفه مطبوعات مطلب منتشره را تبلیغ علیه نظام تشخیص و با اکثریت آرا به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح نظر داد. ضمناً هیأت منصفه مطبوعات در خصوص شکایت دیگر مدعی العموم مبنی بر تبلیغ گروه‌ها و احزاب غیرقانونی و منحرف نیز مدیرمسئول روزنامه فتح را با اکثریت آرا مجرم تشخیص داد.

در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۸/۳۰ که اولین جلسه دادرسی و به صورت علنی و با حضور اعضای

محترم هیأت منصفه تشکیل گردید، وکیل مدافع محترم متهم نسبت به سمت‌های نمایندگان ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی نیروی مقاومت بسیج ایراد نمود که به لحاظ ضیق وقت ادامه جلسه به تاریخ ۱۳۷۹/۹/۷ موکول و در ابتدای جلسه مذکور نیز دادگاه پس از استماع توضیحات تکمیلی وکیل مدافع متهم و نمایندگان ستاد مشترک سپاه پاسداران و نیروی مقاوم بسیج ایراد به سمت نامبردگان را وارد ندانست و در همان جلسه اعلام نظر نمود و به رسیدگی ادامه داد. علی‌هذا دادگاه با ملاحظه اوراق پرونده و شکایات شکات خصوصی و مدعی العموم و استماع دفاعیات متهم و مطالعه لوائح وی و استماع دفاعیات وکیل مدافع متهم آقای امیر حسین آبادی و ملاحظه نظر هیأت منصفه مطبوعات متهم را به نشر اکاذیب نسبت به شکایات: ۱. ریاست هیأت نظارت بر انتخابات استان اصفهان ۲. آقای اصلانی ۳. ریاست ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۴. فرماندهی نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵. ریاست کل دادگستری استان تهران به شرح بندهای یک و سیزده و بیست و پنج و سی شکوائیه ریاست دادگستری کل استان تهران و نیز به اتهام تبلیغ بر علیه نظام موضوع بندهای نوزدهم و بیست و چهارم شکوائیه مدعی العموم و مقاله منتشره با تیتیر احساس همبستگی که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۴ انتشار یافته و نیز مقاله منتشره با تیتیر انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهانی که در مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲ انتشار یافته است موضوع شکایات دیگر مدعی العموم و نیز به اتهام تبلیغ گروه‌های غیرقانونی و منحرف مجرم تشخیص می‌دهد و به استناد مواد ۵۰۰، ۶۰۹ و ۶۹۸ از قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات و بند ۹ ماده ۶ و تبصره ذیل آن و ماده ۳۵ از قانون مطبوعات و رعایت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و با عنایت به نظر هیأت منصفه مطبوعات بر استحقاق متهم به برخورداری از تخفیف و به همین منظور با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مشارالیه را به لحاظ نشر اکاذیب در ۸ مورد به محرومیت از کلیه مسؤولیت‌های مطبوعاتی به مدت چهار سال بدل از شلاق و یا حبس و به لحاظ اهانت به مسؤولان نظام به سبب انجام وظیفه در سه مورد به شش ماه تعطیلی روزنامه فتح بدل از حبس و به لحاظ تبلیغ بر علیه نظام در چهار مورد به پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس و شلاق و با توجه به جرائم متعدد مذکور و مآلاً آحرار اصرار متهم در ارتکاب بزه‌های مذکور کراً و در شماره‌های مختلف و در اجرای تبصره ذیل ماده ۶ قانون مطبوعات به لغو پروانه انتشار روزنامه فتح محکوم می‌نماید.

دادگاه متهم را در خصوص بند هشتم از شکوائیه مدعی العموم دائر بر نشر اکاذیب علی‌رغم اعلام نظر هیأت منصفه بر مجرمیت متهم با توجه به عدم ارائه اصل مستند شکوائیه و فقد دلیل کافی و نیز در خصوص سایر بندهای شکوائیه مدعی العموم مصرح در شکوائیه و مضبوط در پرونده و نیز

شکایات آقای سیدمحمد بیداربخت ریاست وقت دادگستری رامهرمز و آقای محمدرضا رشوند و جمعی از شرکت‌کنندگان در جلسه زیارت آل یاسین بیت‌الشهدای شهرری و در مورد گزارش معاونت اطلاعات ناتب مبنی بر تخلف از مقررات ماده ۶۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز شکایت آقای اصلانی دائر بر اهانت و نیز شکایات دفتر حقوقی حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و شکایت ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دائر بر اهانت و ایراد افترا و نیز گزارش دادسرای ویژه روحانیت تهران با عنایت به نظر اعضای محترم هیأت‌منصفه مطبوعات مبنی بر عدم مجرمیت مدیرمسئول روزنامه فتح و مستنداً به ماده ۴۳ قانون مطبوعات و اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد.

ضمناً در خصوص توقیف موقت روزنامه فتح نیز با عنایت به صدور حکم به لغو پروانه انتشار و تعطیلی روزنامه و محرومیت مدیرمسئول آن روزنامه از فعالیت‌های مطبوعاتی در مواعد معین موجب برای رفع آن نمی‌باشد. رأی صادره حضوری تلقی و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. ضمناً پرونده در خصوص شکوائیه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به لحاظ کامل نبودن تحقیقات مفتوح می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

تجدیدنظرخواهی آقای دکتر امیر حسین آبادی وکیل دادگستری به وکالت از آقای یدالله اسلامی نسبت به دادنامه‌های شماره ۲۷۳، ۱۸۹، ۱۷۹، ۱۳۲، ۷۹، ۴۷، ۶ و ۵ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۸ صادره از شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران که باتوجه به محتویات پرونده تجدیدنظرخواه به شرح دادنامه معترض‌عنه براساس شکایت شکات و مدعی‌العموم به ارتکاب نشر اکاذیب و اهانت به مسؤولان نظام به سبب انجام وظیفه و تبلیغ برعلیه نظام به شرح مندرجه در دادنامه تجدیدنظرخواسته محکوم گردیده است وارد و موجه نمی‌باشد، زیرا: دادنامه معترض‌عنه با اوضاع و احوال منعکس در پرونده از قبیل شکایت شکات خصوصی و مدعی‌العموم (در مورد اتهام نشر اکاذیب شکایات: ۱. ریاست هیأت نظارت بر انتخابات استان اصفهان ۲. آقای اصلانی ۳. ریاست ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۴. فرماندهی نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵. ریاست کل دادگستری استان تهران، به شرح بندهای ۱، ۱۳، ۲۵ و ۳۰ شکوائیه مطروحه و در خصوص اتهام اهانت به مسؤولان نظام به سبب انجام وظیفه موضوع بندهای ۶، ۱۱ و ۱۴ شکوائیه ریاست کل دادگستری استان تهران و راجع به اتهام تبلیغ برعلیه نظام موضوع بندهای ۱۹ و ۲۴ از شکوائیه مدعی‌العموم و مقاله منتشره با تیترا احساس همبستگی که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۴ انتشار

یافته و نیز مقاله منتشره با تیترا انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهانی که در مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲ انتشار یافته است، موضوع شکایات دیگر مدعی‌العموم و نیز به اتهام تبلیغ گروه‌های غیرقانونی و منحرف) و با التفات به نظر هیأت منصفه مطبوعات که متهم تجدیدنظرخواه را به اتهامات فوق‌الذکر مجرم و قابل مجازات تشخیص داده‌اند و دفاعیات بلاوجه تجدیدنظرخواه در پرونده امر و سایر قراین و امارات موجود در پرونده منطبق و سازگار بوده صادر گردیده است و از سوی آقای وکیل مدافع تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی ایراد و اعتراض موجه و مؤثری که بر مبنای اساس استنباط و استدلال منعکس در دادنامه معترض‌عنه خلل و خدشه‌ای وارد و مآلاً موجبات نقض آن را مهیا سازد معمول نگردیده است و مندرجات لایحه تجدیدنظرخواهان‌ها و وکیل مدافع تجدیدنظرخواه نیز متضمن مطلب قابل توجه و تأملی که طرح و امعان‌نظر نسبت به آن را ایجاب نماید نبوده، بلکه تکرار مطالبی است که در مرحله بدوی رسیدگی طرح گردیده و مردود اعلام گردیده است و چون رأی صادره طبق قواعد و اصول دادرسی و براساس موازین و مقررات صادر گردیده و عاری از منقصد قانونی تشخیص گردید با رد تجدیدنظرخواهی آقای وکیل مدافع تجدیدنظرخواه مستنداً به بند الف ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری دادنامه بدوی تأیید و استوار می‌گردد. این رأی قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امید زنجان

نام نشریه: امید زنجان

مدیرمسئول: احمد حکیمی پور

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران و شعبه ۱۲ دادگاه عمومی زنجان، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران قاضی علی بخشی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۴/۲۲

شماره دادنامه: ۱۲۵، کلاس پرونده: ۹۲/۱۴۰۸/۷۹

شماره دادنامه: ۱۱۳۵، کلاس پرونده: ۱۰۲۷/۷۹/۲۷

اتهام: انتشار مطالبی دائر بر اهانت به سردار صفوی و نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، افتراء، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

شاک: رحیم صفوی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهی ارشد سپاه پاسداران استان زنجان، اداره کل آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی

رأی دادگاه: دو ماه حبس تعزیری و جزای نقدی و محرومیت از کلیه مسؤولیت های مطبوعاتی به مدت یک سال بدل از حبس. شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر به ریاست قاضی علی بخشی دو ماه حبس تعزیری را به دو میلیون ریال جزای نقدی تبدیل کرد.

جلسه دادگاه^۱

جلسه محاکمه احمد حکیمی پور مدیرمسئول هفته نامه امید زنجان به ریاست محمد صارمی در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران به صورت علنی برگزار شد.

رئیس دادگاه در ابتدا از احمد علی حسنی فر نماینده فرماندهی سپاه پاسداران و رئیس ستاد مشترک سپاه و فرماندهی ارشد سپاه زنجان خواست شکایت خود را بیان کنند.

حسنی فر گفت: در پی سخنرانی سرلشگر رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران در همایش هفتم

۱. پرونده هفته نامه امید زنجان پیش تر در شعبه ۱۲ دادگاه عمومی زنجان تحت رسیدگی بود که به دنبال درخواست احاله سپاه و پذیرش دیوان عالی کشور پرونده به تهران ارجاع و در شعبه ۱۴۰۸ تحت رسیدگی قرار گرفت.

اردیبهشت ۱۳۷۷ تحت عنوان «فرهنگ و امنیت ملی و حفظ ارزش‌ها» در شهر قم، بعضی از نشریات از اهانت و نشر اکاذیب نسبت به ایشان دریغ نکردند. هفته‌نامه امید زنجان در مطلبی که در شماره ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۷ به چاپ رسانده است، مواردی موهن و کذب به فرمانده سپاه نسبت داده و تشکیلات سپاه را مورد هتک حیثیت قرار داده است. حسنی فر با اشاره به مطلب منتشر شده در شماره مذکور تحت عنوان «آیا شمشیر صفوی آخرین حربه طالبان خشونت است» گفت: در این مطلب فرمانده سپاه متهم به براندازی و جنایت شده است.

وی افزود: این نشریه یک ماه بعد یعنی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه در مقاله‌ای که محتوای آن جلسه پرسش و پاسخ بود و با حضور مسؤولان این هفته‌نامه برگزار شد از آقای حکیمی پور سؤال می‌شود که آیا سپاه را طالبان می‌نامید، وی گفته است که از دیدگاه این مقاله با توجه به سخنانش چنین استنباط می‌شود که یک جریان در حال آمادگی برای کودتاست.

با این اظهارات، آقای حکیمی پور نسبت به تهمت و افتراهایی که به سپاه وارد شده است، مصر بودند این در حالی است که سپاه نهایت همکاری خود را با دولت آقای خاتمی نشان داده و در کشف عوامل ترور آقای حجاریان نقش مؤثری داشته است.

وی گفت: نشریه امید زنجان در شماره ۲۲۱ خود تحت عنوان «توجه، توجه، اطلاعیه، رستوران راسته بازار» به صورت طنز از رحیم صفوی و نهاد سپاه چهره‌ای زشت ترسیم کرده است. حسنی فر با اشاره به شکایت فرمانده ارشد سپاه زنجان گفت: در مطلبی که در ۱۳ اردیبهشت ماه به چاپ رسیده از مقر سپاه زنجان در زمین کارخانه کبریت این شهر به عنوان لانه خفاشان یاد شده است.

پس از اظهارات حسنی فر رئیس دادگاه از مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان خواست تا از خود دفاع کند. احمد حکیمی پور در دفاع گفت: نشریه امید زنجان مدت هشت سال است که به طور مرتب منتشر می‌شود و در این مدت موردی نبوده که براساس آن متهم و محکوم شویم.

هفته‌نامه امید زنجان نشریه‌ای است که ۸۰ درصد آن فرهنگی، هنری، خبری و ورزشی و ۱۵ درصد آن سیاسی است و پرسنل آن از ایثارگران نظام و انقلاب هستند.

حکیمی پور گفت: با توجه به شرایط کاری موجود بیش‌تر در تهران حضور دارم و مطالب چاپ شده بعد از مدت زمانی به دستم می‌رسد اما در عین حال خود را تبرئه نمی‌کنم.

وی افزود: بلافاصله پس از اطلاع از چاپ مطلب مذکور به مسؤولان تحریریه گفتم که «لحن و کلام این مطلب درست نبود».

وی به مطلب منتشر شده به صورت طنز اشاره کرد و گفت: در آن فضایی که با سخنان فرمانده

سپاه به وجود آمد، این نشریه طنزی را به چاپ رساند. بحث طنز و فنون طنز شیوه‌هایی دارد و قضاوت‌های مختلفی نیز از آن می‌توان کرد.

وی در ادامه دفاعیات خود گفت: در شهر زنجان یک کارخانه متروکه و قدیمی کبریت وجود دارد که حدود هفتاد سال قدمت دارد و مربوط به سپاه نیست و محل معتادان شده است. موضوع این بود که این محل را شهرداری از این وضعیت خارج و با تغییر کاربری این محل را به صورت پارک و فرهنگسرا کرده و از آن به نفع مردم استفاده کند. نویسنده این مطلب خود یک بسیجی است و اشتباه از روی عمد و با غرض نبوده است. مطلب منتشر شده را به عنوان یک خطای مطبوعاتی می‌پذیرم و اگر به فرمانده سپاه پاسداران اهانت شده است، عذرخواهی می‌کنم.

بعد از اتمام دفاعیات مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان، وکیل مدافع وی پس از حضور در جایگاه با اشاره به این‌که مطالب مورد شکایت یک مقاله و یک اطلاعیه طنزآمیز است، عنوان نشر اکاذیب و افترا را قانوناً نسبت به مدیرمسئول این هفته‌نامه صحیح ندانست.

غلامعلی ریاحی افزود: در مقاله هیچ خبری وجود ندارد، بلکه دیدگاه نویسنده است که به شکل خاص خودش نسبت به سخنان فرمانده سپاه موضع‌گیری کرده است ولی هیچ مطلب و خبری اعم از صدق یا کذب در این مقاله نیست، بنابراین عنوان نشر اکاذیب قانوناً صحیح نیست. آنچه محل صدق و کذب است، قانوناً چیزی است که جنبه خبری داشته باشد، اما در تحلیل، ممکن است اشتباه و برداشت نادرست شود. کادر این نشریه از اعضای حرفه‌ای برخوردار نیست و امید زنجان یک نشریه محلی است. وی با بیان این مطلب که افترا عملی است که قانوناً متضمن عنوان جرم و مجازات باشد، گفت: مقاله یک دیدگاه، تحلیل و عکس‌العمل در مقابل اظهارات فرمانده سپاه است و ممکن است کلمات موهن تلقی شود اما متضمن جرم به ایشان نیست.

وی با اشاره به مطلب طنز چاپ‌شده در این هفته‌نامه گفت: طنزی که خوانده شد، مطابق با استانداردهای یک طنز نیست و ضوابط و نگارش طنزنویسی در این اطلاعیه درست عمل نشده که این مسأله به دلیل کادر غیرحرفه‌ای این نشریه اتفاق افتاده است.

ریاحی افزود: از نظر عناوین اتهامی به هیچ وجه معتقد به نشر اکاذیب و افترا نیستم و این دو مطلب از نظر قانونی مصداق پیدا نمی‌کند. در مورد عنوان توهین نظر هیأت منصفه ملاک عمل خواهد بود که با توجه به این‌که مدیرمسئول صادقانه زمینه بروز چنین مسأله‌ای را بیان کرد، از اعضای هیأت منصفه^۱ تقاضای صدور رأی عادلانه را دارم.

۱. حجت الاسلام سیدجعفر شبیری، آقایان حبیب‌الله عسگراولادی، مصطفی رحماندوست، سیدشهاب‌الدین صدر، داوود میرباقری، حمید انصاری، علی اکبر کسائیان و زاکانی.

نماینده فرمانده سپاه پاسداران بعد از اظهارات وکیل مدافع متهم گفت: در بحث افترا، در بعضی از مطالب عنوان شده، فرمانده سپاه متهم به براندازی و جنایت شده است که از این افترا واضح‌تر به نظر نمی‌آید. حکیمی‌پور در جلسه پرسش و پاسخ مصرّ بودند که سردار صفوی قصد کودتا داشتند که این افترای واضح است.

حکیمی‌پور در آخرین دفاعیات خود گفت: بحث خطای مطبوعاتی را می‌پذیرم ولی به هیچ وجه همکارانم در نشریه غرض و نظر سوء نداشتند. وی ضمن پوزش از کلمات و عبارات به کار برده شده از دادگاه تقاضا کرد باتوجه به این‌که در طول هشت سال سابقه فعالیت، این نشریه هیچ سابقه محکومیتی نداشته است، رأی دادگاه را صادر کنند.

نظر هیأت منصفه

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، هیأت منصفه مطبوعات در مورد انتشار مطالبی دائر بر اهانت نسبت به سردار رحیم صفوی و نهاد سپاه، به اتفاق آرا، اتهام اهانت را وارد تشخیص داده و جرم متهم را محرز دانست.

هیأت منصفه در مورد انتشار مطالب افتراآمیز از سوی مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان نسبت به سردار صفوی با اکثریت آرا وی را مجرم دانست اما در مورد افترا به سپاه، موضوع افترا را وارد ندانست و وی را مجرم نشناخت. این هیأت درباره نشر اکاذیب نسبت به سپاه و سردار صفوی، چون در موضوع افترا هیأت به شرح فوق اعلام رأی کرد، لذا از آن‌جا که فعل واحد واجد عناوین متعدد مجرمانه است، اظهار نظر مجدد موجبی ندارد. اعضای هیأت منصفه مطبوعات در مورد شکوائیه فرماندهی ارشد سپاه استان زنجان متهم را مجرم تشخیص نداد.

اعضای هیأت منصفه باتوجه به اعترافات و عذرخواهی متهم و وکیل وی و نیز نداشتن سابقه کیفری در مورد تخلفات مطبوعاتی به اتفاق آرا وی را مستحق تخفیف دانستند.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای احمد حکیمی‌پور مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان مبنی بر: ۱. انتشار مطالب اهانت‌آمیز نسبت به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سردار رحیم صفوی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲. ایراد افترا نسبت به سردار رحیم صفوی بدین شرح که ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سردار رحیم صفوی در شکایات جداگانه‌ای اعلام داشته‌اند هفته‌نامه امید زنجان در مقاله‌ای تحت این عنوان «آیا شمشیر صفوی آخرین حربه طالبان خشونت است؟» که در شماره ۲۲۱ مورخ ۱۳۷۷/۲/۱۶ به چاپ رسیده است مطالبی را مشتمل بر اهانت و افترا نسبت به

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی سپاه سردار رحیم صفوی به چاپ رسانیده و منتشر نموده است ضمن آن که در صفحه آخر همان شماره نشریه مذکور با درج مقاله‌ای طنزآمیز تحت عنوان "اطلاعیه رستوران راسته بازار" اهانت‌های دیگری را نسبت به سردار صفوی معمول داشته و در مقاله اول سردار رحیم صفوی را متهم به اتهاماتی نظیر براندازی آقای خاتمی ریاست محترم جمهور نموده است که با عنایت با احاله رسیدگی به پرونده از سوی شعبه نهم دیوان عالی کشور پرونده به این شعبه ارجاع و مطرح رسیدگی قرار گرفت و در جلسه علنی با حضور اعضای محترم هیأت منصفه شکایات مذکور استماع گردید و متهم و وکیل وی نیز به دفاع از اتهامات انتسابی پرداخته و در نهایت هیأت محترم منصفه متهم را نسبت به اتهام مذکور مجرم شناخت لیکن از دادگاه تقاضای تخفیف در مجازات متهم را به عمل آورد که با عنایت به شکایات مطروحه و اقرار صریح متهم و اظهار پشیمانی از درج مقالات مذکور و اعلام این که مقالات مذکور به لحاظ عدم حضور مدیرمسئول و نظارت مستمر به نشریه به لحاظ اشتغال در تهران بوده است و نیز با عنایت به نظر هیأت محترم منصفه و به استناد تبصره ۴ ذیل ماده ۹ قانون مطبوعات و اصلاحیه آن و مواد ۳۰ و تبصره ذیل ماده ۳۵ از همان قانون و مواد ۶۰۹ و ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی با رعایت مواد ۴۷ و ۲۲ قانون مجازات اسلامی مشارالیه را به لحاظ انتشار مطالب اهانت‌آمیز به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سردار رحیم صفوی به تحمل دو ماه حبس و به لحاظ ایراد افترا نسبت به سردار رحیم صفوی به محرومیت از کلیه مسؤولیت‌های مطبوعاتی به مدت یک سال بدل از حبس و یا شلاق البته با رعایت تخفیف در هر دو مجازات مذکور طبق درخواست اعضای محترم هیأت منصفه محکوم می‌نماید.

درخصوص سایر اتهامات مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان آقای احمد حکیمی پور مبنی بر ایراد افترا نسبت به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اهانت به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ترتیب در جریان درج مقاله منتشره در شماره ۲۲۱ و درج مقاله‌ای تحت عنوان "یک پیشنهاد درباره زمین کارخانه کبریت‌سازی سه ستاره زنجان" منتشره در شماره ۲۵۹ موضوع شکایت فرماندهی ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان زنجان با عنایت به نظریه هیأت محترم منصفه مبنی بر عدم مجرمیت متهم، دادگاه رأی بر براءة متهم صادر و اعلام می‌دارد. در خصوص شکوائیه دیگر ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سردار رحیم صفوی مبنی بر نشر اکاذیب در جریان مقاله منتشره در شماره ۲۲۱ با عنایت به این که مطالب منتشره عنوان جزایی افترا دارد و نسبت به آن اظهار نظر گردید موجبی برای اظهار نظر مجدد نیست. آرای صادره ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

دادگاه شعبه ۲۷ تجدیدنظر به ریاست قاضی علی بخشی رأی صادره از شعبه ۱۴۰۸ را تأیید کرد. این دادگاه درخصوص دو ماه حبس حکیمی پور مدیرمسئول نشریه اعلام کرد: با توجه به وضعیت خاص شغلی متهم و ندامت و پشیمانی وی از بابت تخفیف دو ماه حبس به جزای نقدی دو میلیون ریال تبدیل می‌شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه آزاد

نام نشریه: روزنامه آزاد

مدیرمسئول: محمدرضا یزدان پناه فدایی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۵/۳

شماره دادنامه: ۱۵۶-۱۵۵-۱۵۴-۱۵۳، کلاسه پرونده: ۱۴۰۸/۸/۷۹، ۴۰، ۶۲، ۹۰، ۹۵

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، افترا، توهین و اهانت

شاکی: رئیس کل دادگستری استان تهران (مدعی العموم)، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، سازمان

صدا و سیما، اداره کل قوانین نیروی انتظامی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و دو شاکی

خصوصی

رأی دادگاه: دو سال محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس و به لحاظ اهانت در دو مورد

به تعطیلی روزنامه به مدت پنج ماه بدل از حبس و به لحاظ ایراد افترا به پرداخت یک و نیم

میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس محکوم می‌شود.

مدیرمسئول روزنامه آزاد در خصوص شکایت حقوقی حفاظت و اطلاعات ناجا، سازمان

قضایی نیروهای مسلح، اداره کل قوانین نیروی انتظامی، صدا و سیما و شکایات ستاد امر به

معروف و نهی از منکر تبرئه می‌شود.

خلاصه پرونده

مدیرمسئول روزنامه آزاد در شهریور ۱۳۷۸ به لحاظ شکایت‌های متعدد به دادگاه احضار و تحت

بازجویی قرار گرفت. یکی از شاکیان مدیرمسئول روزنامه آزاد، ستاد احیای امر به معروف و نهی از

منکر بود که با طرح ۵۳ مورد شکایت علیه یزدان پناه خواستار مجازات وی به اتهام نشر اکاذیب و

تشویش اذهان عمومی شد. روزنامه آزاد در چهارم اردیبهشت ۱۳۷۹ به همراه یازده روزنامه،

هفته‌نامه و ماهنامه دیگر از سوی دادگستری استان تهران توقیف شد.^۱

۱. دستور توقیف موقت این نشریات به استناد بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و

اولین جلسه دادگاه

در آغاز جلسه رسیدگی به پرونده روزنامه آزاد، محمد صارمی رئیس دادگاه از سروان سیروس آناهد به‌عنوان نماینده اداره کل قوانین نیروی انتظامی خواست تا شکایت این اداره را مطرح کند. نماینده اداره کل قوانین ناجا گفت: روزنامه آزاد در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۷۹ مطلبی را با عنوان "نیروی انتظامی خبرنگاری را با پای پیاده در سطح شهر گردانید" به چاپ رساند که مصداق توهین به نیروی انتظامی و کذب محض است. وی افزود: فردی با عنوان خبرنگار مطالبی را در قالب اعلامیه‌هایی در شهر راور منتشر کرد که در آن با اهداف جناحی، اتهاماتی به نیروی انتظامی وارد می‌کرد. مطالب منتشره توسط این فرد کذب محض بود و با شکایت رئیس دادگستری شهرستان راور این شخص دستگیر و تحویل حوزه قضایی شد.

شاکتی بعدی "رن" بود که از مدیرمسئول روزنامه آزاد به دلیل چاپ عکس خانوادگی اش شکایت کرد. وی افزود: پس از چاپ این عکس، همه فامیل خانواده‌ام را طرد کردند.

"مع" همسر "رن" نیز در طرح شکایت خود گفت: این روزنامه عکس جوانی مرا چاپ کرد و به همین دلیل از محلی که در آن کار می‌کردم، اخراج شدم.

هادی صدقی نماینده سازمان صدا و سیما نیز از این روزنامه به اتهام نشر اکاذیب شکایت کرد. وی افزود: این روزنامه در مطلبی به نقل از احمد خرم معاون عمرانی وزیر کشور در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۷۸، صدا و سیما را متهم کرد که اقدامات زیربنایی دولت را پخش نمی‌کند. کدام طرح مهم عمرانی بوده که با حضور مسئولان به بهره‌برداری رسیده باشد و از سیما پخش نشده باشد؟ در ادامه جلسه محمد صارمی قاضی دادگاه شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات علیه روزنامه آزاد را مطرح کرد که نسبت به کاریکاتور طراحی شده در تاریخ ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۷۸ در روزنامه توقیف شده آزاد اعلام جرم شده بود.^۱

قاضی دادگاه سپس دو شکایت سازمان قضایی نیروهای مسلح از روزنامه آزاد را مطرح کرد. سازمان قضایی نیروهای مسلح در شکایت خود اعلام کرده بود که باتوجه به خودکشی سعید

۱. تربیتی مصوب ۱۳۳۶ صادر شد.

۱. روزنامه آزاد در شماره دهم بهمن ۱۳۷۸ کاریکاتوری چاپ کرد که مورد اعتراض جمعی از روحانیون و طلاب حوزه‌های علمیه قرار گرفت. به دنبال این اعتراض و شکایت رئیس دادگستری استان تهران، شکایتی به شعبه ۱۴۱۰ ارائه شد و در پی آن نیک‌آهنگ کوثر کاریکاتوریست روزنامه بازداشت شد. کوثر در جریان بازجویی در شعبه ۱۴۱۰ به اشتباه خود در ترسیم کاریکاتور اقرار کرد. وی همچنین از روحانیون، طلاب و مسئولان به خاطر ترسیم این کاریکاتور عذرخواهی کرد. کوثر یک هفته پس از دستگیری با قرار وثیقه ده میلیون تومانی آزاد شد. پرونده وی هنوز مفتوح می‌باشد.

امامی و حساسیت این مسأله، روزنامه آزاد در گزارشی در تاریخ هشتم تیرماه ۱۳۷۸ در مطلبی با عنوان «قبر سعید امامی کجاست؟» سعی کرد که چنین القا کند که وی فرار کرده یا جسد مجهول الهویه‌ای در قبر وی قرار گرفته است. این سازمان شکایت دیگر خود را در خصوص مطلبی دانست که در روزنامه آزاد در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۷۸ چاپ شده: «دومین متهم قتل‌های زنجیره‌ای خود را کشت» شاکی گفت: این مسأله کذب محض و مصداق نشر اکاذیب است.

در ادامه جلسه دادگاه نماینده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در طرح شکایتش گفت: روزنامه آزاد در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۸ در مطلبی با عنوان «سردار نقدی و سه تن از همکارانش دیروز به اتهام شکنجه محاکمه شدند» مطالبی کذب منتشر کرد.

پس از طرح شکایات، رئیس دادگاه از محمدرضا یزدان‌پناه مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده آزاد خواست در جایگاه قرار گیرد و در برابر اتهامات مطرح شده از خود دفاع کند.

دفاعیات مدیرمسئول

یزدان‌پناه گفت: بخشی از دفاعیات را خودم مطرح می‌کنم و بخش دیگری که حقوقی است وکیل در دادگاه طرح خواهد کرد.

وی با اشاره به این‌که یکی از دلایل جلب متهم مطبوعاتی به دادگاه داشتن سوءنیت در وی است، افزود: چطور می‌توان اتهام نشر اکاذیب را پذیرفت، درحالی‌که هیچ جوابیه‌ای برای روزنامه ارسال نشده است.

مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده آزاد درخصوص شکایت نیروی انتظامی در چاپ مطالبی با عنوان «خبرنگاری را با پای پیاده در سطح شهر گرداند»، افزود: این خبر به نقل از روزنامه بیان در صفحه‌ای که از دیگر روزنامه‌ها مطالبی نقل می‌کنیم، آورده شده بود. لازم بود نیروی انتظامی در خصوص این خبر جوابیه‌ای ارسال می‌کرد.

یزدان‌پناه در خصوص شکایت «رن» و همسرش از روزنامه آزاد گفت: از این‌که احساسات این عزیزان جریحه‌دار شده است، متأسفم ولی مطالب مندرج در خصوص این شاکی در دادگاه مطرح شده بود و روزنامه‌های انتخاب و جوان ضمن چاپ عکس، مطالب بیش‌تری در مورد شاکی نوشته بودند.

مدیرمسئول روزنامه آزاد در ادامه دفاعیات خود گفت: صدا و سیما در سه مورد از روزنامه آزاد شکایت کرد که یک مورد آن مربوط به نقل قول از آقای خاتمی رئیس‌جمهوری با عنوان «جهت‌گیری صدا و سیما امنیت ملی را خدشه‌دار می‌کند» است.

وی درج انتقاد معاون عمرانی وزیر کشور از عدم انعکاس اخبار عمرانی ملی در صدا و سیما، در روزنامه آزاد را مورد دیگر شکایت این سازمان دانست و گفت: منبع این اخبار، خبرگزاری جمهوری اسلامی بوده است و اگر صدا و سیما شکایتی دارد، باید از آقای مهندس خرم معاون عمرانی وزیر کشور شکایت کند.

مدیرمسئول روزنامه آزاد درج اظهارات محمدجواد مظفر در خصوص صدا و سیما در روزنامه آزاد را مورد دیگر شکایت صدا و سیما از روزنامه آزاد دانست. وی گفت: مطالب آقای مظفر به‌عنوان یک فرد شناخته‌شده و سیاسی منتشر شده است و این به‌معنی آن نیست که روزنامه، اظهارات آن فرد را قبول دارد یا ندارد. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران یک رسانه ملی است و منتقدان زیادی دارد و شکایات فراوان این سازمان در شعبه‌های مختلف دادگستری مؤید این ادعاست و تکذیبیه و پاسخ صدا و سیما در خصوص این اخبار در روزنامه آزاد چاپ شده است و جای شکایت باقی نمی‌ماند.

یزدان‌پناه درباره شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات از کاریکاتور "استاد تمساح" چاپ شده در این روزنامه گفت: هیأت نظارت در جلسه‌ای به این منظور، روزنامه آزاد را بی‌گناه تشخیص داد و پرونده را برای بررسی به دادگاه فرستاد.

وی در دفاع از شکایات سازمان قضایی نیروهای مسلح گفت: خبر روزنامه آزاد با عنوان "قبر سعید امامی کجاست" در واقع سوق دادن ذهن خوانندگان به سوی واقعیت بود، زیرا بعد از اعلام خبر خودکشی سعید امامی در جامعه، خبر خودکشی وی در روزنامه‌ها و جامعه بازتاب زیادی داشت. هشتم تیرماه ۱۳۷۸ زمانی که بحث خودکشی سعید امامی به‌طور جدی مطرح شد، خبرنگاران مطبوعات به بهشت‌زهر(س) مراجعه کردند که حرف‌های مطرح شده در آن روز در روزنامه آزاد به چاپ رسید. در این خصوص یکی از مراجع امنیتی در نامه‌ای از روزنامه آزاد خواست که مطلبی در این مورد (بحث سعید امامی) چاپ نشود که ما نیز به این نامه عمل کردیم و از ادامه انتشار مطالب در این زمینه خودداری شد.

وی درخصوص اعلام خبر خودکشی متهم ردیف دوم قتل‌های زنجیره‌ای در روزنامه آزاد که مورد شکایت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار گرفته، اظهار داشت: باتوجه به سابقه ذهنی از خودکشی سعید امامی، آمادگی عمومی برای انتشار شایعاتی در این زمینه‌ها وجود داشت. همچنین خبر شایعه خودکشی اکبر خوش‌کوشک متهم ردیف دوم پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در روزنامه آزاد چاپ و سپس تکذیبیه سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز به میزان سه برابر اصل خبر به چاپ رسید.

یزدان‌پناه در مورد شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی اعلام کرد: خبر مندرج در ۱۴

پرونده روزنامه آزاد ۱۴۶۹

اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ روزنامه آزاد درباره محاکمه سردار نقدی و همکارانش براساس اعلام شاکیان و مقامات قضایی بوده و افترا و نشر اکاذیب قلمداد نمی‌شود. بیش‌تر روزنامه‌ها کیفرخواست صادره علیه نقدی و همکاران وی و همچنین مشارکت نقدی در آزار و اذیت متهمان شهرداری را منتشر کردند و سردار نقدی و همکارانش نیز در شعبه هفتم دادگاه نظامی محاکمه شدند. من دروغگویی را آفت مهلکی می‌دانم و به همین لحاظ هیچ‌وقت به دنبال نشر اکاذیب نبوده و نیستم.

وی سپس دفاع حقوقی از شکایات مطروحه را به غلامعلی ریاحی وکیل مدافع خود محول کرد. ریاحی نیز از رئیس دادگاه خواست نماینده مدعی‌العموم، شکایات رئیس کل دادگستری استان تهران علیه روزنامه آزاد را اعلام کند تا بعد از آن وی به دفاع بپردازد.

محمد صارمی رئیس دادگاه با قبول درخواست ریاحی از نماینده مدعی‌العموم خواست شکایات خود علیه روزنامه آزاد را بیان کند.

نماینده مدعی‌العموم گفت: روزنامه آزاد در شماره ۲۵ دی ماه سال گذشته به معرفی آیت‌الله منتظری پرداخته است که این کار براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی جرم است.

وی با استناد به مواد ۶، ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات و مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ قانون تعزیرات در این خصوص، تقاضای مجازات مدیرمسئول روزنامه آزاد از سوی دادگاه را مطرح کرد و با اشاره به کاریکاتور چاپ شده در دهم بهمن ۱۳۷۸ در این روزنامه تحت‌عنوان “استاد تمساح” گفت: این کاریکاتور پس از سخنان آیت‌الله مصباح یزدی در خطبه‌های نماز جمعه منتشر شد. این روزنامه با انتساب استاد تمساح به آقای مصباح یزدی، اقدام به چاپ این کاریکاتور کرده است که تحصن روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم و راهپیمایی مردم این شهر را به دنبال داشت.

وی طبق بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی خواستار مجازات مدیرمسئول روزنامه آزاد و نیک‌آهنگ کوثر، طراح این کاریکاتور شد و گفت: هدف از این طنزها و کاریکاتورها از بین بردن ارزش‌های انقلاب اسلامی است و در مسیرهای مختلف این حرکت جریان دارد که نباید به سادگی از کنار آن گذشت.

نیک‌آهنگ کوثر طراح این روزنامه در قالب کاریکاتورهای خود به مقامات، دادگاه مطبوعات و نمایندگان مجلس توهین کرده است.

نماینده مدعی‌العموم سپس به شماره‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۵ روزنامه آزاد اشاره کرد و گفت: در این شماره‌ها در مطالبی تحت‌عنوان “وکیل ملت به استبداد رأی نمی‌دهد” به طراحان اصلاح قانون مطبوعات، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم به‌عنوان “ناآگاه” اهانت شده است.

این روزنامه نمایندگان مجلس پنجم را مبتلا به بیماری سیاست و اروونه و لاعلاج اعلام کرده و

آورده است که این نمایندگان به واسطه طرح اصلاح قانون مطبوعات با موکلان خود اختلاف دارند و همچنین با درج اظهارات عیسی سحرخیز مدیرکل سابق مطبوعات داخلی وزارت ارشاد، در خصوص اصلاح قانون مطبوعات، مردم را ناآگاه توصیف کرده است. همچنین این روزنامه در شماره ۸۵ در بخش تریبون آزاد با عنوان "جناح تمامیت‌خواه ادامه می‌دهد" مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و نیروی انتظامی را مخالف دولت قلمداد کرده و هدف آنان را ساقط کردن دولت آقای خاتمی عنوان کرده است.

وی گفت: براساس ماده ۵ اصلاح قانون مطبوعات، انتشار اخبار داخلی به منظور افزایش آگاهی عمومی با حفظ مصالح جامعه، بلامانع است اما اخبار مورد شکایت مدعی‌العموم در روزنامه آزاد، اخبار کذب و مغرضانه بوده است.

پس از پایان سخنان نماینده مدعی‌العموم رئیس دادگاه ختم اولین جلسه را اعلام و برگزاری دومین جلسه را به دهم مردادماه موکول کرد.

دومین جلسه دادگاه

در ابتدای دومین جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول روزنامه آزاد غلامعلی ریاحی به دفاع از موکل خود پرداخت. وی ابتدا از قاضی دادگاه خواست حبیب رحمانی خبرنگاری که به خاطر چاپ یک گزارش خبری تحت تعقیب قرار گرفته بود، به عنوان شاهد در جایگاه قرار گیرد.

حبیب رحمانی با حضور در جایگاه گفت: من قسم می‌خورم که به جز حقیقت چیزی نگویم. من خبرنگار جناح خاصی نیستم، بلکه در شهر راور از توابع کرمان برای همه روزنامه‌ها از جمله صبح امروز، بیان، جبهه و چند روزنامه دیگر خبر و گزارش تهیه می‌کردم. مطالبی که از من در اغلب روزنامه‌ها چاپ شده است، در رابطه با مسائل قتل‌های زنجیره‌ای بوده است.

وی اظهار داشت: در راور کشاورزان از موتورسیکلت استفاده می‌کنند ولی شورای تأمین این شهر تصمیم گرفته بود که موتورسیکلت‌های دودزا را جمع‌آوری کرده و شش ماه آن‌ها را توقیف کند که این تصمیم توسط نیروی انتظامی به اجرا گذاشته شد. عده‌ای در این زمینه از من به عنوان خبرنگار درخواست درج این خبر را داشتند که من نیز مراتب اعتراض آنان را به شورای تأمین دادگستری و نیروی انتظامی نوشتم ولی نیروی انتظامی من را به دلیل نوشتن این خبر ۸۰۰ متر در سطح شهر گردانده، سپس به دادگستری برد که موجب آبروریزی برای من شد.

پس از اظهارات رحمانی، وکیل مدافع مدیرمسئول روزنامه آزاد به نحوه توقیف روزنامه‌ها از جمله آزاد که با استناد به ماده قانونی سال ۱۳۳۹ بوده، اعتراض کرد.

پرونده روزنامه آزاد ۱۴۷۱

ریاحی گفت: توقیف نشریات به استناد ماده ۱۳ سال ۱۳۳۹ غیرقانونی است، چون این ماده قانونی برای حفاظت جامعه از عناصر خطرناک و اشرار است.

نماینده مدعی العموم حدود سیزده مورد شکایت در رابطه با موکل من مطرح کرد که از جمله شکایت وی، مطرح کردن آقای منتظری بود.

در این شکایت آمده است که برخلاف مصوبه شورای امنیت ملی، آقای منتظری در روزنامه آزاد مطرح شده است، درحالی که مصوبه این شورا تاکنون به هیچ یک از نشریات به صورت رسمی ابلاغ نشده است.

وی در خصوص چاپ کاریکاتور استاد تمساح گفت: به استناد تبصره ۲ ماده ۶۹۸ شکایت درباره کاریکاتور استاد تمساح نیاز به شاکی خصوصی دارد و تاکنون هیچ فردی به عنوان شاکی خصوصی از این کاریکاتور شکایت نکرده و شکایت مدعی العموم در این باره بی مورد است.

تصویر یک تمساح و یا یک دایناسور چه شباهت و وجه مشترکی با یک انسان دارد و این برای یک حقوقدان و کارشناس رسمی قابل قبول نیست که آن کاریکاتور را به یک انسان نسبت دهیم. هیأت نظارت بر مطبوعات نیز پس از بررسی این موضوع، آن را جرم تلقی نکرده بلکه پرونده را برای رسیدگی به دادگاه ارجاع داده است.

ریاحی درباره شکایت حفاظت اطلاعات ناجا گفت: مطلب منتشره در روزنامه آزاد به استناد کیفرخواست سردار نقدی چاپ شده است و اگر در زندان شکنجه‌ای وجود ندارد، باید سازمان زندان‌ها شکایت می‌کرد، نه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی.

وی در مورد شکایت سازمان قضایی نیروهای مسلح گفت: مطالب چاپ شده به نقل از چهره‌های سیاسی و مطرح کشور بوده است و در آن زمان شایعات و بحث قتل‌های زنجیره‌ای و خودکشی سعید امامی و اکبر خوش‌کوشک در جامعه مطرح بود.

پس از اظهارات ریاحی، قاضی صارمی از یزدان‌پناه خواست به آخرین دفاع از خود بپردازد. مدیرمسئول روزنامه آزاد در آخرین دفاع خود گفت: نیت من از انتشار روزنامه آزاد، خدمت به جامعه و رشد فرهنگی جامعه بود و برای انتشار آن خانه شخصی خود را فروختم. حدودنوزده مورد شکایت از روزنامه آزاد مطرح شده است که بیشترین آن‌ها مربوط به نشر اکاذیب و چاپ چند کاریکاتور است که البته من نشر اکاذیب را رد می‌کنم. یزدان‌پناه گفت: ستاد امر به معروف و نهی از منکر (ستاد احیا) حدود ۵۳ مورد از این روزنامه شکایت کرده که تنها سیزده مورد آن از سوی مدعی العموم پذیرفته شده است که البته بسیاری از این شکایت‌ها و سوء تفاهم‌ها با یک تلفن قابل رفع بود.

از اعضای هیأت منصفه انتظار دارم که ما را برای رسیدن به هدف توسعه فرهنگی یاری کنند. پس از پایان آخرین دفاع مدیرمسئول روزنامه آزاد و ختم جلسه، اعضای هیأت منصفه برای تصمیم‌گیری وارد شور شد.

نظر هیأت منصفه^۱

هیأت منصفه مطبوعات محمدرضا یزدان‌پناه فدایی مدیرمسئول روزنامه آزاد را در پنج مورد اتهامی با اکثریت آرا مجرم شناخت اما وی را مستحق تخفیف دانست.

اعضای هیأت منصفه در سایر موارد اتهامی، مدیرمسئول روزنامه آزاد را مجرم ندانست. هیأت منصفه مطبوعات در خصوص شکایت‌های «م.ع» و همسرش «ر.ن»، روابط عمومی سازمان قضایی، مدیرکل حقوقی سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و شکایت مدعی العموم درباره مطالب شماره ۵۰ و ۷۴ نشریه با اکثریت آرا محمدرضا یزدان‌پناه فدایی را مجرم شناختند. براساس این گزارش، هیأت منصفه مطبوعات همچنین در خصوص شکایت مدعی العموم در مورد درج کاریکاتور اهانت‌آمیز علیه یکی از استادان حوزه علمیه قم در روزنامه آزاد، با اکثریت آرا متهم را مجرم تشخیص داد.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای محمدرضا یزدان‌پناه فدایی مدیرمسئول روزنامه آزاد مبنی بر: ۱. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در مقاله منتشره در شماره ۱۵۷ آن نشریه با تیترو: دومین متهم قتل‌های زنجیره‌ای خود را کشت، موضوع شکایت سازمان قضایی نیروهای مسلح ۲. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در مقاله منتشره در شماره ۲۲۵ آن نشریه با تیترو: خاتمی: جهت‌گیری صدا و سیما امنیت ملی را خدشه‌دار می‌کند، موضوع اعلام شکایت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ۳. نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در مقاله منتشره در شماره ۸۵ با عنوان: جناح تمامیت‌خواه ادامه می‌دهد، به قلم شهرزاد اشرف‌نیا (بند ۵ گزارش ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر) موضوع شکوائیه مدعی العموم ۴. اهانت به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مقاله منتشره در شماره ۷۴ تحت عنوان: وکیل ملت و استبدادگرایی (بند ۱۸ گزارش ستاد

۱. حجت‌الاسلام جعفر شبیری، حجت‌الاسلام محسن دعاگو، آقایان حبیب‌الله عسگراولادی، محمد ناصری صالح‌آبادی، جمال شورجه، شعبان شهیدی، شهاب‌الدین صدر، رضا رهگذر، مصطفی رحماندوست، داوود میرباقری و خانم فاطمه کروی.

احیای امر به معروف و نهی از منکر) موضوع شکوائیه مدعی العموم ۵. اهانت به آیت الله مصباح یزدی ریاست دانشگاه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره) و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و استاد حوزه و دانشگاه در جریان کاریکاتور ترسیمی در شماره ۲۴۵ آن نشریه موضوع شکوائیه مدعی العموم ۶. ایراد افترا در جریان چاپ گزارش دادگاه مربوط به آقای "ز.ن" و خانم "م.ع" به همراه چاپ تصویر خانوادگی ایشان قبل از صدور رأی از دادگاه نخستین و نیز قطعی شدن رأی موضوع شکایت آن‌ها که با عنایت به جمعیت اوراق پرونده و باتوجه به لایحه معاونت محترم دادگستری استان تهران بر اعلام سمت‌های آیت الله مصباح یزدی و مآلاً رد ایراد وکیل محترم متهم بر عدم سمت مدعی العموم در طرح شکوائیه نسبت به کاریکاتور ترسیمی و شکایت شکات خصوصی و نمایندگان سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و سازمان قضایی و ریاست محترم کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم و استماع دفاعیات متهم و وکیل محترم وی و با عنایت به این‌که اعضای هیأت محترم منصفه در کلیه موارد فوق‌الذکر متهم را مجرم تشخیص داده‌اند اتهامات منتسبه به مدیرمسئول روزنامه آزاد آقای محمدرضا یزدان‌پناه فدایی را محرز دانسته و به استناد مواد ۲ و ۶ و تبصره ۴ ماده ۹ و ۳۴ و ۳۵ قانون مطبوعات و مواد ۶۰۹ و ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات و رعایت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به لحاظ تعدد جرائم و رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ اعلام اعضای محترم هیأت منصفه بر استحقاق متهم در برخورداری از کیفیات مخفیه و تخفیف در مجازات و رعایت تبصره ذیل ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری محاکم عمومی و انقلاب مشارالیه را به لحاظ نشر اکاذیب در سه مورد به دو سال محرومیت از کلیه فعالیت‌های مطبوعاتی بدل از حبس و به لحاظ اهانت در دو مورد به تعطیلی روزنامه به مدت پنج ماه بدل از حبس و به لحاظ ایراد افترا به پرداخت یک و نیم میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس محکوم می‌نماید.

در خصوص دیگر اتهامات -نهم مبنی بر: ۷. نشر اکاذیب در مقاله منتشره در شماره ۲۵ موضوع شکوائیه اداره حقوقی حفاظت و اطلاعات ناجا ۸. نشر اکاذیب در مقاله منتشره با تیترو: قبر سعید امامی کجاست؟- موضوع شکوائیه سازمان قضایی نیروهای مسلح ۹. انتشار خبر برخلاف مصوبات شورای عالی امنیت ملی موضوع شکوائیه مدعی العموم ۱۰. نشر اکاذیب در مقاله‌ای تحت عنوان نیروی انتظامی خبرنگاری را با پای پیاده در سطح شهر گردانید موضوع شکوائیه اداره کل قوانین و اداره حقوقی ناجا ۱۱. نشر اکاذیب موضوع شکوائیه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ۱۲. نشر اکاذیب و اهانت به مسؤولان نظام و ایراد افترا در مجموع ۵۲ مورد گزارش ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر با عنایت به نظر اعضای محترم هیأت منصفه بر عدم مجرمیت متهم رأی بر

۱۴۷۴ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

برائت آقای محمدرضا یزدان‌پناه فدایی نسبت به اتهامات مذکور صادر و اعلام می‌گردد. ضمناً رفع توقیف موقت روزنامه *آزاد* با توجه به محکومیت صادر و تا انقضای مدت مقرر منتفی است. پرونده در خصوص متهم دیگر مفتوح است. آرای صادره ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع تجدیدنظر استان می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه طلیعه

نام نشریه: طلیعه

مدیرمسئول: نسرین محمدی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۵ دادگاه عمومی ایلام

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۵، توقیف توسط هیأت نظارت، در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ رأی صادر شد.

شماره دادنامه: ۸۰۴-۸۰۴/۱۱/۹-۷۹ کلاسه پرونده: ۵۶۴-۷۹-ش ۵

اتهام: تخلف از قانون مطبوعات

شاک: هیأت نظارت بر مطبوعات

رأی دادگاه: صدور قرار منع تعقیب. نشریه از تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۳ مجدداً منتشر شد.

خلاصه پرونده

هیأت نظارت بر مطبوعات پرونده هفته نامه طلیعه را به دلیل تخلف مطبوعاتی به دادگاه ارجاع کرد. پرونده هفته نامه طلیعه به دلیل تخلف از مندرجات پروانه انتشار به دادگاه ارجاع شد و مقرر گردید به استناد تبصره ماده ۷ قانون مطبوعات چاپخانه مربوطه از تاریخ تخلف نشریه از ادامه چاپ نشریه جلوگیری کند.

رأی دادگاه

حسب محتویات پرونده محاکماتی این دادگاه به کلاسه ۵۶۴/۷۹/ک ۵ هفته نامه طلیعه به مدیرمسئولی و صاحب امتیازی خانم نسرین محمدی در شماره ۱۱۶ دوره جدید سال پنجم ۱۳۷۹/۷/۲ برخلاف گستره و مجموعه جغرافیایی محل انتشار، مبادرت به انتشار هفته نامه در تهران نموده است که مراتب به هیأت نظارت بر مطبوعات اعلام و پس از صدور دستور توقیف نشریه مراتب از سوی مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت تعقیب کیفی مدیرمسئول به دادگستری ایلام اعلام و موضوع به این شعبه ارجاع که متعاقباً نامه ای از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ایلام با نظر موافق مبنی بر رفع توقیف از نشریه به این شعبه ارسال شده

است، لهذا نظر به این که ۱. هیأت نظارت بر مطبوعات موضوع تخلف هفته‌نامه طلیعه را مطابق با بند ب ماده ۷ قانون مطبوعات تشخیص داده که این تشخیص صحیح و قانونی نبوده است چرا که این بند مقرر می‌دارد (انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است) و در مقام تفسیر قضایی از این بند چنین مستفاد می‌شود که نشریه برخلاف زمینه و نوع فعالیت و مطالب انتشار دهد. مثلاً زمینه فعالیت مسائل سیاسی باشد و هفته‌نامه‌ای با داشتن چنین مجوزی مثلاً در مسائل ورزشی نسبت به انتشار مطالب اقدام نماید که در مانحن فیه چنین امری محقق نشده و حسب پروانه انتشار هفته‌نامه طلیعه اجازه انتشار مطالب در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و مسائل اجتماعی دارد و موضوع تخلف اعلامی با این بند منطبق نیست چرا که حسب اعلام مدیرکل مطبوعات داخلی هفته‌نامه طلیعه برخلاف محدوده جغرافیایی مبادرت به انتشار هفته‌نامه نموده است. ۲. دستور توقیف نشریه از سوی مراجع قضایی صادر نشده که ارشاد اسلامی استان تقاضای رفع توقیف از نشریه نموده است بلکه دستور توقیف از سوی هیأت نظارت صادر شده و این دستور از سوی مدیرمسئول قابل شکایت در دادگاه است که شکایتی واصل نشده و دادگاه با تکلیفی مواجه نیست ۳. چاپ مقاله در قانون مطبوعات موضوع تخلف هفته‌نامه طلیعه مطابق با هیچ‌یک از مقررات قانونی مزبور نمی‌باشد و اگر هم معتقد به این امر باشیم که از مقررات قانون مطبوعات تخلفی صورت گرفته است تخلف انجام شده از آن دسته تخلفاتی نبوده است که علاوه بر رسیدگی از سوی هیأت نظارت قابل طرح و رسیدگی در محاکم دادگستری باشد. بنا علی‌هذا دادگاه به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی قرار منع تعقیب مشتکی عنهای موصوف (خانم نسرین محمدی مدیرمسئول و صاحب امتیاز هفته‌نامه طلیعه) صادر و اعلام می‌نماید به جهت عدم وصول شکایت از ناحیه مدیرمسئول دادگاه در خصوص ادامه توقیف و یا رفع توقیف از نشریه مواجه با تکلیفی نیست. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان ایلام می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه خاوران

نام نشریه: خاوران

مدیرمسئول: صفورا هاشمی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۲ دادگاه عمومی مشهد، قاضی ازغدی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۲۵ - ۱۳۸۰/۷/۲۱

شماره دادنامه: ۱۰۹۳-۱۱۴-۱۱۴/۷/۲۱، کلاس پرونده: ۸۰/۴۶۹

اتهام: تخلف از قانون مطبوعات، تبلیغ چهره های طاغوتی، بزرگنمایی هنرپیشه های رژیم

طاغوت، تحریک و تشویق مردم به مهاجرت خارج از کشور، چاپ اخبار و حوادث

غیراخلاقی و جنایی

شاکی: هیأت نظارت بر مطبوعات

رأی دادگاه: رأی برائت صادر می شود.

شکایت هیأت نظارت به دادگستری

در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۵ هیأت نظارت بر مطبوعات پرونده تعدادی از نشریات عامه پسند مطرح شد. باتوجه به ادامه تخلفات نشریات مذکور و عدم توجه به تذکرات پیاپی اداره کل مطبوعات داخلی مقرر گردید به دلیل تخلف این نشریات از مفاد قانون مطبوعات و طبق تبصره ماده ۷ این قانون ضمن جلوگیری از ادامه انتشار نشریه خاوران، پرونده آن نشریه جهت بررسی و اتخاذ تصمیم به دادگاه صالحه ارسال گردد.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام خانم صفورا هاشمی مدیرمسئول نشریه خاوران دائر بر: ۱. تبلیغ از چهره های طاغوتی ۲. بزرگنمایی هنرپیشه های رژیم طاغوت ۳. تحریک و تشویق مردم به مهاجرت خارج از کشور ۴. انتشار نشریه خارج از انتشار مصوب ۵. چاپ اخبار و حوادث غیراخلاقی و جنایی و غیره موضوع شکوائیه شماره ۱۱۰۷۷-۱۲۴/۷/۲۷ دبیرخانه هیأت نظارت بر مطبوعات صرف نظر از این که اعضای هیأت منصفه جز در مورد بند دوم در سایر موارد متهم را مجرم ندانسته و فقط در

مورد بزرگ‌نمایی چهره‌ها و هنرپیشه‌های رژیم طاغوت او را مجرم و مستحق تخفیف دانسته است. دادگاه با توجه به دفاعیات متهم و محتویات پرونده و با استفاده از تبصره ۲ ذیل ماده ۴۳ قانون مطبوعات و بند الف ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک برائت وی را صادر می‌نماید. چه این‌که موارد مطروحه در شکوائیه از مصادیق بزرگ‌نمایی و تبلیغ هنرپیشه‌های طاغوتی نبوده و این موضوعی است که در تمامی رسانه‌ها مطرح می‌باشد و ضابطه خاصی در قانون مشخص نشده که چه فرد یا افرادی هنرپیشه طاغوتی است و چه فردی نیست. ضمن رد شکایت و اعلام برائت متهم (مدیرمسئول نشریه خاوران) در اجرای ماده ۴۴ قانون مطبوعات اعلام می‌دارد انتشار مجدد نشریه بلامانع است. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ستاره سهیل

نام نشریه: ستاره سهیل

مدیرمسئول: نادر کاوسی

شعبه رسیدگی کننده: هیأت نظارت بر مطبوعات

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۷/۲۷ توقیف

اتهام: تخلف از قانون مطبوعات

شاکی: هیأت نظارت بر مطبوعات

رأی دادگاه^۱:

شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات به دادگستری^۲

در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۵ هیأت نظارت بر مطبوعات پرونده تعدادی از نشریات عامه پسند مطرح شد. با توجه به ادامه تخلفات نشریات مذکور و عدم توجه به تذکرات پیاپی اداره کل مطبوعات داخلی مقرر گردید به دلیل تخلف این نشریات از مفاد قانون مطبوعات و طبق تبصره ماده ۷ این قانون ضمن جلوگیری از ادامه انتشار نشریه ستاره سهیل، پرونده آن نشریه جهت بررسی و اتخاذ تصمیم به دادگاه صالحه ارسال گردد.

نامه مدیرمسئول به وزیر ارشاد^۳

احتراماً به استحضار می‌رساند در آبان ماه ۱۳۷۸ هفته نامه ستاره سهیل همراه با ۵ نشریه دیگر طی نامه ای توسط دبیرخانه هیأت نظارت بر مطبوعات به دادگاه مطبوعات معرفی گردید و انتشار آن متوقف شد. لیکن پس از گذشت بیش از یک سال هنوز هیچ پرونده ای در دادگاه برای این نشریه تشکیل نشده و با مراجعه به دادگستری استان تهران اظهار می‌دارند «شما و نشریه ستاره سهیل هیچ شکایت و پرونده ای در دادگاه ندارید».

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

۲. ۱۳۷۹/۷/۲۷.

۳. ۱۳۸۰/۱۱/۷.

لذا با توجه به گذشت ۱۴ ماه از توقف انتشار و بلا تکلیفی نشریه، از جنابعالی تقاضا دارد موافقت فرمایید نشریه منتشر گردد. بدیهی است روز رسیدگی به وضعیت نشریه در دادگاه مراحل قانونی خود را طی خواهد کرد.

نامه هیأت نظارت به رئیس دادگستری

پیرو نامه‌های ارسالی به آن دادگستری محترم به شماره‌های ۱۲۴/۱۱۰۷۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۷ و ۱۲/۲۲۰۴ مورخ ۱۳۸۰/۴/۵ درباره شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات از نشریه ستاره سهیل، نظر به محتوای نامه مدیرمسئول این نشریه که به ضمیمه تقدیم می‌شود و با توجه به سپری شدن نسبتاً زیاد از زمان توقیف این نشریات، هیأت نظارت در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۶ مقرر کرد مراتب تقاضای مدیرمسئول نشریه مزبور با نظر مثبت به دادگستری منعکس شود. خواهشمند است مساعدت لازم درباره تقاضای پیوست مبذول شود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه احرار تبریز

نام نشریه: احرار

مدیرمسئول: محمدحسین کوزه‌گر

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۳۸ دادگستری تبریز، قاضی جواد فرخ‌پی، شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر آذربایجان شرقی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۳/۲۲ توقیف

اتهام: نشر اکاذیب، توهین به نظامیان

شاک: فرمانده ارشد سپاه استان آذربایجان شرقی، فرماندهی نیروی مقاومت بسیج سپاه منطقه تبریز، شهرداری منطقه دو تبریز، یک متهم محکوم به قصاص نفس، سرداری نقدی
رأی دادگاه: سه ماه تعطیلی نشریه و پرداخت ۵۵ میلیون ریال جزای نقدی. تأیید حکم در شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر آذربایجان شرقی. نشریه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۲ مجدداً انتشار یافت.

خلاصه پرونده

دادگاه مطبوعات استان آذربایجان شرقی در شعبه ۳۸ دادگستری تبریز به ریاست قاضی جواد فرخ‌پی و با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات استان تشکیل یافت.

قاضی دادگاه در این جلسه شکایات رسیده علیه این روزنامه را در هفت مورد قرائت کرد و گفت: با توجه به تشکیل این دادگاه سایر دعاوی اقامه شده علیه این روزنامه در شعب مختلف دادگستری استان نیز جمع‌آوری و به شعبه ۳۸ انتقال داده شده است. وی مدیرمسئول و یکی از نویسندگان روزنامه احرار را به‌عنوان متهمان اصلی این پرونده معرفی کرد.

پس از قرائت اتهامات علیه مدیرمسئول روزنامه احرار، محمدحسین کوزه‌گر گفت: برای جمع‌آوری اسناد و مستندات جهت پاسخگویی به اتهامات وارده به مهلت نیاز دارد. انصافعلی هدایت سردبیر سابق روزنامه احرار و نویسنده مقاله "مجلس ششم یا مجلس نظامیان" نیز خواستار رسیدگی به اتهامات وی بر اساس اصلاحیه جدید قانون مطبوعات و پس از رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول روزنامه احرار شد. قاضی دادگاه ضمن موافقت با درخواست سردبیر سابق روزنامه احرار ادامه رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

در دومین جلسه دادگاه که ۹ آذرماه برگزار شد، کوزه‌گر مدیرمسئول *احرار* ضمن اشاره به واهی بودن شکوایه‌های مطرح شده گفت: در مقالات مورد اشاره به هیچ وجه قصد اهانت و تشویش درکار نبوده است. وی در بخش دیگری از اظهاراتش مطبوعات را بسترساز رشد اجتماعی خواند و با تأکید بر این که مردم به رشد اجتماعی نیاز دارند، خاطر نشان کرد اصول آزادی تمرین می‌خواهد و در آزادی همیشه سخنان مطلوب شنیده نمی‌شود.

سپس انصاف‌علی هدایت در جایگاه قرار گرفت و به دفاع از خود پرداخت و ضمن انتقاد از دادگاه باید او را به عنوان مطلع نه متهم به دادگاه فرا خواند، گفت: مطابق عرف و قانون روزنامه‌نگاری در ایران سردبیر فقط مسؤولیت اجرایی سیاست‌های مدیرمسئول نشریه را برعهده دارد.

نظر هیأت منصفه

اکثریت اعضای هیأت منصفه محمدحسین کوزه‌گر مدیرمسئول و انصاف‌علی هدایت سردبیر *احرار* را در خصوص چاپ مقاله "مجلس ششم یا مجلس نظامیان" مبنی بر نشر اکاذیب و توهین به نظامیان مجرم ولی مستحق تخفیف دانستند. این هیأت همچنین انصاف‌علی هدایت سردبیر سابق این نشریه را با اکثریت آرا مجرم شناخت.

در خصوص شکایت سرتیپ نقدی، شهرداری منطقه ۲ تبریز و شکایت نسرین شیرعلیزاده، مدیرمسئول *احرار* تبرئه شد. این هیأت در مورد شکایت نیروی انتظامی درباره مقاله ۲۰ تیر روز اختناق سیاسی و نگاهی به خاطرات دانشجویان دانشگاه تبریز به اتفاق آرا مدیرمسئول را مجرم شناخت.

رأی دادگاه

براساس حکم دادگاه محمدحسین کوزه‌گر مدیرمسئول *احرار* به اتهام نشر اکاذیب به تعطیل نشریه به مدت سه ماه و پرداخت جمعاً پنجاه و پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد.

در دادنامه منتشره از سوی شعبه ۳۸ دادگستری تبریز آمده است: محمدحسین کوزه‌گر مدیرمسئول نشریه *احرار* به دلیل توهین به نظامیان و نشر اکاذیب به پرداخت پانصد هزار ریال به حساب دولت و نیز پنج میلیون ریال جزای نقدی به عنوان بدل از حبس در حق دولت موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی محکوم شد.

این دادگاه همچنین انصاف‌علی هدایت سردبیر وقت روزنامه *احرار* را نیز به جرم نشر اکاذیب علیه نظامیان به قصد تشویش اذهان عمومی به پرداخت پنج میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس

پرونده روزنامه احرار ۱۴۸۳

موضوع ماده ۶۹۸ در حق دولت و در مورد توهین به نظامیان به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد.

درعین حال دادگاه در شش مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی شامل نیروی انتظامی و چند نهاد دیگر از محمدحسین کوزه‌گر مدیرمسئول روزنامه احرار را به لحاظ فقد دلیل و عدم احراز سوءنیت و به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی حکم براءت صادر کرده است.

تأیید حکم احرار در دادگاه تجدیدنظر^۱

حکم توقیف موقت روزنامه احرار چاپ تبریز از سوی شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر دادگستری آذربایجان شرقی مورد تأیید قرار گرفت. براساس رأی دادگاه بدوی که در دادگاه تجدیدنظر نیز مورد تأیید قرار گرفته است، انتشار روزنامه احرار به مدت سه ماه متوقف و این نشریه به پرداخت پنج میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم شده است.

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۸/۲۳.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه فجر

نام نشریه: نامه فجر

مدیرمسئول: منصور قنواتی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۸/۱۴ احضار

اتهام: نشر اکاذیب

شاکی: یکی از کاندیداهای دوره ششم مجلس شورای اسلامی در شهرستان ایذه
رأی دادگاه: باگذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

خلاصه پرونده

قنواتی گفت: این احضار براساس شکایت یکی از کاندیداهای دوره ششم مجلس شورای اسلامی در شهرستان ایذه انجام شده است.

وی گفت: ضمن مراجعه به شعبه ۱۴۰۸ مورد فوق به این جانب تفهیم شد.

در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۷ جلسه دادگاه رسیدگی به این پرونده تشکیل ولی به علت به حد نصاب نرسیدن هیأت منصفه، محاکمه صورت نگرفت. قنواتی در این رابطه به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: یک استاد دانشگاه در جریان انتخابات از این نشریه شکایت کرده بود که رضایت داده است.

دادگاه باتوجه به اعلام گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر

نام نشریه: کار و کارگر

مدیرمسئول: علی ربیعی، مرتضی لطفی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی، شعبه ۱۰۸۳، قاضی

حسینیان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۹/۲۹

اتهام: نشر اکاذیب، افتراء، تهمت به قصد تشویش اذهان عمومی

شاکی: شرکت صنایع دارویی شهید مدرس، احمد رسولی نژاد، نماینده هیأت عالی شورای نظارت

بر انتخابات شورای اسلامی شهر، "ص.الف"، "م.ک"، شبکه سحر صدا و سیما، یحیوی

عضو هیأت عالی نظارت بر انتخابات، طهماسبی عضو هیأت امنای هیأت زیارت

آل یاسین، خانم فاطمه کروی

رای دادگاه: در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۴ دادگاه شعبه ۱۰۸۳ پرونده را مشمول مرور زمان دانست و قرار

موقوفی تعقیب علی ربیعی مدیرمسئول روزنامه را صادر کرد.

جلسه دادگاه

در جلسه برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول سابق و فعلی روزنامه کار و کارگر، علی

ربیعی به شکایات مطروحه پاسخ گفت.

رئیس دادگاه تعداد شکایات مطروحه از ربیعی را شش مورد اعلام کرد و به قرائت برخی از آنها

پرداخت و گفت: رضا حجازیان مدیرعامل وقت شرکت صنایع مادر دارویی شهید مدرس طی

شکوائیه‌ای اعلام کرده که روزنامه کار و کارگر در شماره‌ای، مطلبی تحت عنوان "اگر به طور جدی به

مسائل شرکت صنایع دارویی شهید مدرس رسیدگی نشود، تعطیل خواهد شد" را با امضای کارکنان

کارخانه درج کرده که ما خواهان افشای اسامی امضاکنندگان این مطلب بودیم، ولی در مراحل

مختلف از سوی مدیران روزنامه پاسخ داده نشده است.

علی ربیعی در دفاع از این اتهام گفت: این مطلب اصلاً مفهوم شکایت ندارد. آن‌ها (شرکت

دارویی) نامه فرستاده و خواسته‌اند که اسامی افرادی را که علیه کارخانه مطلب را امضا کرده‌اند افشا

کنیم که ما هم نمی‌توانیم این اسامی را در اختیارشان قرار دهیم و این‌ها عمدتاً اعضای شوراهای کارگری هستند، بنابراین شکایت خاصی نمی‌تواند مطرح شود.

قاضی مرتضوی در اشاره به شکایت دوم گفت: سیداحمد رسولی نژاد (نمایندهٔ دماوند و فیروزکوه در مجلس پنجم) با طرح شکوائیه‌ای اعلام کرده که روزنامهٔ کار و کارگر در شمارهٔ ۲۵۳۳ مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۷۸ با درج مطلبی تحت‌عنوان «رسولی نژاد در انتظار دادگاه» مطلبی از او نقل کرده که کذب محض بوده است. طبق شکوائیهٔ رسولی نژاد در مطلب مذکور که نطق پیش از دستور مجلس بوده، به نقل از وی آمده است: رسولی نژاد اکثر افرادی که در حوادث اخیر در خیابان حضور داشتند را محارب خواند و خواستار اجرای حکم اعدام برای آنان شد، درحالی‌که چنین مطلبی به‌هیچ‌وجه در نطق وی وجود نداشته و روزنامهٔ کار و کارگر به قصد تخریب او این مطلب را درج کرده است. بنابراین روزنامه اقدام به نشر اکاذیب، افترا و تهمت کرده است.

علی ربیعی با اشاره به این‌که متن شکایت ایشان نسبت به روزنامه توهین‌آمیز بوده، در پاسخ و دفاع از این اتهام نیز اظهار داشت: رسولی نژاد گفته است که این مطلب کذب محض است، ولی نطق ایشان در روزنامهٔ رسالت نیز درج شده است و لذا سخنان ایشان نیز در دسترس ما نیست.

در این لحظه قاضی مرتضوی خطاب به ربیعی گفت: متن این مطلب در روزنامهٔ رسالت (که ضمیمه پرونده شکوائیه است) با متن مورد نظر در روزنامهٔ کار و کارگر ۱۸۰ درجه تفاوت دارد. مرتضوی ادامه داد: در روزنامهٔ رسالت آمده است ناطق (رسولی نژاد) تأکید کرد: بدون شک بسیاری از کسانی که در آشوب و ایجاد رعب و وحشت و تخریب امکانات عمومی نقش داشتند و با عزم براندازی در خیابان‌ها حضور داشتند، مصداق محارب هستند.

ربیعی پاسخ داد: قرار نیست همهٔ روزنامه‌ها مثل هم بنویسند، دو نکته در این مطلب وجود دارد، یکی محارب و یکی هم اجرای مجازات و حکم‌ها. در بین این بحث هیچ تفاوتی وجود ندارد و معتقدم روح مطلب متضمن شکایت (شامل مواد قانونی مطروحهٔ شاکی) نیست. هرچند که خبرنگاری که این خبر را درج کرده نیز از لحاظ اعتقادی و دینی مورد تأیید است و هیچ‌گونه گرایش سیاسی‌ای ندارد که قصد تحریف آن مطلب را داشته باشد.

مرتضوی مجدداً از ربیعی سؤال کرد: آیا همه کسانی که در خیابان آمده بودند، قصد براندازی داشتند؟

ربیعی اضافه کرد: قطعاً این‌گونه نیست و ما هم لفظ اکثریت را در مطلب مندرجه از ایشان آورده بودیم نه تمام آن‌را. بنابراین به‌هیچ‌وجه قصد توهین، تشویش اذهان و ارائهٔ مطلب کذب را نداشته‌ایم.

در ادامه "ص.الف" و "م.ک"، دو شاکی خصوصی ربیعی که هر دو نسبت به موضوع مطلب درج شده در روزنامه معترض بودند به ایراد سخن پرداختند.

"ص.الف" گفت: پسر من چند سال پیش توسط افرادی کشته شده است، ولی خبرنگار این روزنامه به طور کذب در روزنامه نوشته است که او به خاطر بدهکار بودن به صاحبخانه به مبلغ صد هزار تومان از خانه بیرون انداخته شده و به همین دلیل خودکشی کرده است. این‌ها آبروی مرا برده‌اند.

مدیرمسئول سابق روزنامه کار و کارگر با اظهار همدردی نسبت به مرگ فرد یاد شده، در پاسخ به پدر و همسر وی گفت: اصل این شکایت نادرست است و آن‌ها مدعی‌اند فرزندشان به قتل رسیده است، ولی طبق بررسی ما، در سال ۱۳۷۷ دادگاه رأی به خودکشی او صادر کرده است. هرچند که حکم آن، مورد اعتراض جهت رسیدگی از طریق مراجع بالاتر قرار گرفته است. روزنامه کار پلیسی نمی‌کند و از نظر حقوقی، اقدام خبرنگار ما هیچ مشکلی نداشته است. وی دو روز زودتر خبر دادگاه را منتشر کرده که البته دادگاه هم رأی به خودکشی او داده بوده است.

قاضی مرتضوی از مدیرمسئول سابق کار و کارگر پرسید: چه دلیلی برای ادعای خود مبنی بر اخراج فرد مذکور از خانه (پسر شاکی که متوفی شده است) و خودکشی وی دارید؟ ربیعی اظهار داشت: خبرنگار حوادث ما در دادگاه بوده و مطالب و شنیده‌های خود را از آن‌جا درج کرده است و صورت همه موارد مذکور در دادگاه وجود داشته است.

مدیرمسئول سابق روزنامه کار و کارگر همچنین در دفاع از اتهام شکایت یحیوی، عضو هیأت عالی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر درباره درج اسامی رد صلاحیت‌شدگان انتخابات شورای استان تهران (۱۳۷۷/۱۱/۱۷) پیش از اعلام فرمانداری گفت: هیأت مذکور سه عضو داشته است و علاوه بر آقای یحیوی، مرحوم ابوترابی و آقای محبوب نیز اعضای آن بوده‌اند.

طبق صحبتی که با آقای محبوب داشته‌ام، این شکایت در هیأت مذکور مطرح نشده است، بلکه فقط گرداننده آن (یحیوی) موافق بوده و بقیه اطلاعی نداشته‌اند. اما مهم این است استنادی که ایشان (یحیوی) کرده‌اند، هیچ تکلیفی برای روزنامه برجای نمی‌گذارد، یعنی حتی یک بند هم برای روزنامه تکلیف قرار نداده که درباره اسامی رد صلاحیت‌شده چیزی ننویسند و اعلام نکنند. ضمناً مطالب درج شده هم اصلاً کذب نبوده است.

قاضی گفت: به ادعای شاکی طبق شکوائیه، گفته می‌شود موضوع محرمانه است و هیچ‌کس حق انتشار و درج اسامی رد صلاحیت‌شده را پیش از اعلام فرمانداری ندارد.

مدیرمسئول سابق روزنامه کار و کارگر در ادامه به پاسخ شکایت مدیر شبکه سحر صدا و سیما

از روزنامه تصریح کرد: ما صرفاً طی درج مطلبی در روزنامه نوشتیم که صدا و سیما به جای کلمه خلیج فارس از کلمه خلیج به تنهایی استفاده کرده است. این مطلب کجایش تشویش است. ما برای ارائه مدرک خود درخواست کردیم که مونیتورینگ (برنامه ضبط شده) یک ماه قبل و بعد از آن مطلب را از صدا و سیما به ما ارائه دهند که مدیر جدید امکان این اقدام را نداشت.

سادات نژاد مدیر وقت شبکه سحر، در شکوائیه خود آورده بود که روزنامه کار و کارگر با درج مطلبی خلاف واقع و بدون درج سند در بخش ناخوانده‌ها را بخوانید مدعی شده است: شبکه سحر در اقدامی نامتعارف همچون گذشته به استفاده از نام خلیج به جای خلیج فارس اصرار می‌ورزد. البته اصل این خبر کذب محض است و صدا و سیما جوابیه و پاسخ خود را به روزنامه مذکور ارسال کرده که روزنامه مطالب را به شکل ناقص و نامناسب تر درج کرده است.

پس از پایان دفاع علی ربیعی مدیرمسئول سابق روزنامه کار و کارگر برای رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول فعلی روزنامه (مرتضی لطفی)، طهماسبی نماینده و عضو هیأت امنای هیأت زیارت آل یاسین (بیت الشهدا) به ایراد شکایت خود پرداخت و گفت: روزنامه کار و کارگر تحت عنوانی از جمله تازه‌ترین خبر از پیگیری پرونده ترور حجاریان و هیأت دخمه با استفاده از قول یک منبع آگاه مدعی شده است که در میان دستگیرشدگان پرونده ترور حجاریان چند تن از اعضای دخمه نیز حضور داشته‌اند و گفته شده که اعضای دخمه از اعضای سابق بسیج بوده که به دلیل تندروی‌هایشان اخراج شده‌اند و آبشخور ترور را دخمه معرفی کرده‌اند و...

بنا به این گزارش به دلیل تأخیر حضور هیأت منصفه و تشکیل دادگاه و کمبود وقت به دستور قاضی مرتضوی، رسیدگی به شکایات مطروحه علیه مرتضی لطفی و رسیدگی به اتهامات وی با اعلام تنفس به جلسه بعد موکول و همچنین ختم جلسه رسیدگی به اتهامات علی ربیعی نیز اعلام شد.

مرتضی لطفی در اسفندماه ۱۳۸۳ اعلام کرد هنوز پرونده روزنامه کار و کارگر به نتیجه نرسیده و مفتوح می‌باشد.

رای دادگاه

قاضی حسینیان رئیس شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۴ پرونده روزنامه کار و کارگر را مشمول مرور زمان دانست و قرار موقوفی تعقیب علی ربیعی مدیرمسئول روزنامه را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه هگمتانه همدان

نام نشریه: هگمتانه

مدیرمسئول: محمود حضرتی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب اسلامی همدان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۹/۵

اتهام: نشر اکاذیب

شاکي: سازمان بهزیستی

رای دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

هفته نامه هگمتانه چاپ همدان در شماره اخیر خود، از احضار مدیرمسئول این نشریه به شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب اسلامی همدان خبر داد.

این هفته نامه زیر عنوان "نگهبان بهزیستی دزدی کرد، هگمتانه را به دادگاه کشاندند" نوشت: به دنبال شکایت سازمان بهزیستی مبنی بر نشر اکاذیب، مدیرمسئول این هفته نامه برای ارائه پاره ای توضیحات به دادگاه احضار شد.

این هفته نامه توضیح داده است: خبر مربوط به سرقت دوربین فیلمبرداری، ویدیو و رادیو ضبط به ارزش بیست میلیون ریال از اداره بهزیستی را، نیروی انتظامی در اختیار این نشریه قرار داده، بنابراین هیچ مسؤلیتی متوجه این نشریه نیست.

این نشریه با تأکید بر این که مدیران بهزیستی به جای برخورد با سهل انگاری برخی کارکنان که موجب سرقت از این اداره شدند، هگمتانه را مقصر قلمداد می کنند، از مدیر بهزیستی همدان خواسته است که شخصاً به این موضوع رسیدگی کند.

مدیرمسئول هفته نامه هگمتانه گفت: ما توضیحات لازم و مدارک موجود را به دادگاه ارائه کرده ایم و چنانچه مسؤولان بهزیستی بر شکایت خود اصرار ورزند، بعد از انجام مقدمات قانونی در دادگاه انقلاب، پرونده برای رسیدگی نهایی به دادگاه مطبوعات استان ارجاع می شود.

۱. رای دادگاه به دست گردآورنده نرسید

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه ایران جوان

نام نشریه: ایران جوان

مدیرمسئول: بهروز بهزادی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۹/۸ توقیف

اتهام: توهین و اهانت به وزیر کار، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، چاپ مطالب خلاف عفت و اشاعة فحشا

شاکی: وزارت کار و امور اجتماعی، غلامحسین محسنی اژه‌ای به عنوان مدعی العموم، رئیس کل دادگستری و شاکی خصوصی

رای دادگاه: در صورت معرفی مدیرمسئول جدید این هفته نامه می تواند انتشار خود را از سرگیرد.

خلاصه پرونده

هفته نامه ایران جوان به صاحب امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸ آذرماه به دستور قاضی سعید مرتضوی رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران توقیف موقت شد.

در حکم قاضی مرتضوی که خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است، شکایات واصله علیه مدیرمسئول هفته نامه ایران جوان از طرف وزارت کار و امور اجتماعی، رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم و همچنین شاکی خصوصی مورد اشاره قرار گرفته است.

شاکیان ایران جوان، این هفته نامه را به نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و توهین و اهانت، چاپ مطالب خلاف عفت عمومی و اشاعة فحشا و منکرات متهم کرده اند.

رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، در حکم خود به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که یکی از وظایف قوه قضائیه را پیشگیری از وقوع جرم ذکر کرده است، اشاره نموده و به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹ و ماده ۶ قانون مطبوعات و بندها و تبصره های آن، دستور توقیف موقت صادر کرده است.^۱

هفته‌نامه *ایران جوان* به صاحب امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی از اول مردادماه ۱۳۷۶ وارد عرصه مطبوعات شد و تا زمان توقیف ۱۶۹ شماره آن منتشر شده بود. این هفته‌نامه که مدیرمسئول آن بهروز بهزادی است، با روش اجتماعی، فرهنگی، علمی منتشر می‌شد و بیش‌تر مخاطبان آن را جوانان تشکیل می‌دادند.

در حکم رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران آمده است: جلوگیری از ادامه چاپ و انتشار این هفته‌نامه تا اطلاع ثانوی به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع می‌باشد. دکتر فریدون وردی‌نژاد پس از جلسه دادگاه گفت: در این جلسه پانزده مورد شکایت از سوی حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای به‌عنوان مدعی‌العموم، سیزده مورد شکایت از سوی ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، یک شکایت از سوی یکی از پایگاه‌های مقاومت بسیج یکی از شهرستان‌ها و دو مورد شکایت شخصی علیه مجله *ایران جوان* مطرح شد.

وی اظهار داشت: موضوع شکایت آقای محسنی اژه‌ای مربوط به سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ می‌شود که مدیرمسئول *ایران جوان* به‌عهده من بود و براساس همین شکایات مدعی‌العموم هفته‌نامه *ایران جوان* توقیف شده است. مدیرمسئولی مجله *ایران جوان* از دی ماه سال گذشته برعهده من نیست.

مدیرعامل ایرنا گفت: مدعی‌العموم به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، درج مطالب خلاف و ستاد امر به معروف و نهی از منکر به اتهام اباحه‌گری، چپ‌پس سیاسی تصاویر مجله و نشر اکاذیب از مجله *ایران جوان* شکایت کرده‌اند.

این جلسه سه ساعت و نیم به طول کشید و قاضی مرتضوی قرار کفالت به مبلغ پنجاه میلیون ریال صادر کرد که با معرفی کفیل آزاد شدم.

انتشار بلامانع است

در اسفندماه ۱۳۸۳ یکی از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: *ایران جوان* در صورت معرفی مدیرمسئول جدید می‌تواند انتشار خود را از سرگیرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه پیمان یزد

نام نشریه: پیمان یزد

مدیرمسئول: محمدمسعود ارکان

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات یزد شعبه چهار دادگاه

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۹/۱۳

اتهام: نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

شاکی: دبیر حزب کارگزاران ایران شاخه یزد (مسئول خانه جوان یزد)

رای دادگاه: رای برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

مدیرمسئول روزنامه پیمان یزد گفت: در پی شکایت دبیر حزب کارگزاران ایران شاخه یزد که مسئولیت خانه جوان این شهر را به عهده دارد، به دادگاه مطبوعات رفتم.

محمدمسعود ارکان افزود: به اتفاق نویسنده مقاله برای تفهیم اتهام در شعبه چهار دادگاه یزد حاضر و با قید ضمانت آزاد شدم. وی علت احضارش را چاپ مقاله ای با عنوان دردلی با متولیان امور جوانان ذکر کرد.

در این مقاله که در شماره ۴۶۳ روزنامه در ۲۵ آبان به چاپ رسید آمده است: استفاده از برخی پوشش ها برای کارکردهای حزبی همیشه مردود و غیراخلاقی است، اما به نظر می رسد که در یزد ما این چنین نیست و فعالیت های حزبی در پوشش های دیگر انجام می شود. به نوشته محمدحسین شایق، خانه جوان یزد که اینک توسط طیفی از یک جریان خاص اداره می شود، متأسفانه به دلیل کشیده شدن به فعالیت های حزبی و حاکمیت یک سلیقه خاص بر آن بی طرفی و اعتدال در امور جوانان را در عمل به قانون زیر سؤال برده است.

محمدحسین شایق نویسنده مقاله نیز به دادگاه احضار شد.

جلسه دادگاه

در جلسه دادگاهی که دوم دی ماه با حضور اعضای هیأت منصفه برگزار شد، ابتدا شکایت مسئول

خانه جوان استان یزد از مدیرمسئول و نویسنده مقاله که در روزنامه به چاپ رسیده بود قرائت و سپس متهمان، دفاعیه خود را قرائت نمودند. رئیس دادگاه پس از شنیدن نظرات شاکی و متهمان و اعلام رضایت شاکی، از هیأت منصفه خواست در مورد این پرونده اعلام نظر کنند.

نظر هیأت منصفه و رأی دادگاه

اعضای هیأت منصفه پس از خاتمه دادگاه وارد شور شد و هیأت مقاله چاپ شده را مشمول نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی تشخیص نداد. براساس نظر هیأت منصفه دادگاه رأی برائت مدیرمسئول و نویسنده مقاله را صادر نمود.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول گاهنامه دانش‌آموز

نام نشریه: گاهنامه دانش‌آموز

مدیرمسئول: غلامحسین آگین

شعبه رسیدگی‌کننده: شعبه دوم دادگاه عمومی لارستان و شعبه اول تجدیدنظر استان فارس

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۰/۱۷

اتهام: توهین به شئونات شغلی و حرفه‌ای سازمان تبلیغات اسلامی

شاک: سازمان تبلیغات اسلامی استان فارس

رای دادگاه: صدور حکم برائت و تأیید آن در تجدیدنظر استان فارس.

خلاصه پرونده

به دنبال شکایت سازمان تبلیغات اسلامی استان فارس مبنی بر درج مطلبی بر علیه خود در این گاهنامه، پرونده این نشریه در شعبه دوم دادگاه عمومی لارستان رسیدگی شد.

براساس حکم شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان فارس حکم دادگاه عمومی لارستان در مورد

تبرئه این نشریه تأیید شد.

از سوی سازمان تبلیغات اسلامی اتهام توهین به شئونات شغلی و حرفه‌ای سازمان تبلیغات

اسلامی براساس یکی از نوشتارهای نشریه دانش‌آموز ادعا شده بود.

غلامحسین آگین مدیرمسئول و محمد لاجین سردبیر نشریه یاد شده حکم برائت دادگاه

تجدیدنظر را دریافت کردند.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امید زنجان

نام نشریه: امید زنجان

مدیرمسئول: احمد حکیمی پور

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۳ دادگستری زنجان، قاضی نورعلیان

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

شماره دادنامه: دادگاه بدوی ۹۴۸، ۹۴۷ و ۹۴۶، شماره دادنامه: دادگاه تجدیدنظر ۱۹۱۸/۱/۸۰

اتهام: نشر اکاذیب، افتراء، توهین علیه مسؤولان آموزش و پرورش

شاکلی: فرمانده حفاظت اطلاعات ناحیه انتظامی زنجان، معاون قرارگاه سیدالشهدای زنجان، مدیرکل

آموزش و پرورش استان زنجان و دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر زرگر مرندی

رای دادگاه: توقیف نشریه به مدت یکسال.

خلاصه پرونده

در اولین جلسه دادگاه (۱۳۷۹/۱۰/۱۹) شکایت های فرمانده حفاظت اطلاعات ناحیه انتظامی زنجان و معاون قرارگاه سیدالشهدای زنجان علیه احمد حکیمی پور مدیرمسئول نشریه امید زنجان مطرح شد.

نورعلیان رئیس دادگاه در این جلسه اعلام کرد: باتوجه به این که شکایت های اعلام شده از نظر شکلی ایراد داشته جهت قبول یا رد این ایرادات نیاز به بررسی پرونده می باشد موجبات رسیدگی فراهم نیست.

در دومین جلسه که در ۲۷ دی ماه برگزار شد، دو شکایت طرح شده از سوی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان و نیز دکتر زرگر مرندی به عنوان شخص حقیقی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه دادگاه احمد حکیمی پور مدیرمسئول هفته نامه امید زنجان گفت: انعکاس انتقادات و شکوائیه های شهروندان از وظایف اصلی مطبوعات است.

نظر هیأت منصفه و رای دادگاه

در این جلسه هیأت منصفه دادگاه به اتفاق آرا در خصوص شکایت مطرح شده از سوی دانشگاه آزاد

۱۵۰۰ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

اسلامی به مجرمیت احمد حکیمی پور مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان با لحاظ کردن تخفیف رأی داد.

همچنین در خصوص شکایت مطرح شده از سوی دکتر زرگر نیز هیأت منصفه به اتفاق آرا به تیرئه مدیرمسئول نشریه امید زنجان رأی داد.

براساس نظر هیأت منصفه دادگاه نشریه را به مدت یک‌سال توقیف کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه همبستگی

نام نشریه: همبستگی

مدیرمسئول: غلامحیدر ابراهیمبای سلامی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۱/۶/۱۸، ۱۳۷۹/۱۰/۲

شماره دادنامه: ۸۳/۴/۲۴/۷۰، کلاسه پرونده: ۱۷/۱۰۸۳/۸۳

اتهام: نشر اکاذیب و تهمت، چاپ و انتشار مطالبی در جهت تبلیغ علیه نظام، استفاده ابرازی از زن و چاپ تصاویر هنرپیشگان

شاکی: قاضی ملاحزاده دادیار دادرسی دیوان عالی کشور، محمود مسافری مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستای آذربایجان شرقی، سازمان حج و زیارت، کمیل کاوه، احمد جنتی، رئیس دادگستری، دبیر جمعیت مؤتلفه اسلامی، مدیرکل حقوقی صدا و سیما، مدیر حقوقی روزنامه کیهان، عبدالحمید محتشم، دانشگاه آزاد اسلامی، رئیس قوه قضائیه
رای دادگاه: نه میلیون ریال جزای نقدی. صدور حکم برائت درخصوص برخی از شکایت‌ها. پرونده درخصوص شکایت سازمان حج و زیارت مفتوح است.

خلاصه پرونده

ابراهیمبای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی روز ۱۳۷۹/۹/۳۰ در پی چند شکایت برای تحقیقات مقدماتی در شعبه ۱۴۱۰ مجتمع قضایی رسیدگی به جرائم کارکنان دولت حضور یافت.

وی هنگام خروج از دادگاه به خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: من در پی شکایت‌های نیروی انتظامی، روزنامه کیهان و فردی به نام کمیل کاوه از روزنامه همبستگی، در دادگاه حاضر شده‌ام. اولین شکایت مربوط به نیروی انتظامی در خصوص درج مقاله‌ای از آقای محمد دادفر در این روزنامه است. کمیل کاوه نیز دومین شاکی این پرونده است که نسبت به درج مصاحبه عضو هیأت مدیره سازمان ایرانگردی و جهانگردی در روزنامه همبستگی که افرادی را متهم به اخلال در نمایشگاه و ضرب و شتم کرده، شکایت کرده است.

وی افزود: پرونده‌ها امروز در اختیارم قرار داده شده و من از دادگاه مهلت خواستم تا بتوانم در این مدت با مراجعه به سوابق و استنادات از خود دفاع کنم.

توقیف و رفع توقیف روزنامه همبستگی^۱

روابط عمومی دادگستری استان تهران در پی توقیف روزنامه همبستگی در ۱۷ مرداد ۱۳۸۰ با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پی اعلام اشتباه رسمی مدیرمسئول روزنامه همبستگی و شورای مرکزی حزب همبستگی و با موافقت رئیس قوه قضائیه این روزنامه موقتاً رفع توقیف شد. روزنامه همبستگی به مدیرمسئولی ابراهیمبای سلامی در هفدهم مردادماه ۱۳۸۰ به درخواست رئیس کل دادگستری استان تهران و به استناد مواد ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین و براساس تصمیم رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران به طور موقت توقیف شده بود.

در این اطلاعیه آمده است: مدیرمسئول روزنامه همبستگی با حضور در شعبه و انجام تحقیقات مقدماتی به خطا و اشتباهی که در چاپ مطلب اهانت‌آمیز در شماره ۲۳۸ صورت گرفته اذعان و آن را غیرعمدی اعلام داشت. متعاقب آن، آقای راه‌چمنی صاحب امتیاز روزنامه طی نامه‌ای از طرف شورای مرکزی حزب همبستگی به رئیس قوه قضائیه اعلام کرد: مطلبی که در شماره موصوف به چاپ رسیده ناشی از غفلت و سهل‌انگاری در حرفه روزنامه‌نگاری بوده و به هیچ وجه مورد تأیید مسؤولان و اعضای شورای حزب و روزنامه نمی‌باشد و حزب همبستگی منبعداً با اعمال نظارت بیش‌تر تمام مساعی خود را در رعایت دقیق قانون مطبوعات توسط نشریه همبستگی به کار بسته و از محضر ریاست قوه قضائیه خواسته می‌شود که با بلندنظری از موضوع حادث شده اغماض و چشم‌پوشی نماید.

گزارش روابط عمومی دادگستری حاکی است رئیس قوه قضائیه در پاسخ به نامه شورای مرکزی حزب همبستگی خطاب به رئیس کل دادگستری تهران اعلام کرد: هر چند در شماره ۱۲ مرداد سال جاری به بسیاری از مقامات عالی‌رتبه نظام تعرض شده است، لیکن با عنایت به آنچه در متن نامه شورای حزب همبستگی آمده سعی شود ضمن رعایت مقررات و حقوق جامعه جهات مخففه لحاظ گردد.

در این اطلاعیه تصریح شده است: رئیس کل دادگستری استان تهران در ۲۸ مرداد سال جاری با توجه به مفاد نامه حزب همبستگی و ارشادات رئیس قوه قضائیه ضمن عدول از تقاضای هفدهم مردادماه با درخواست شورای مرکزی حزب همبستگی مبنی بر رفع توقیف به طور موقت موافقت

کرده لیکن دستور داد مسیر رسیدگی به پرونده طبق مقررات ادامه یابد. رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران پس از وصول نامه‌ها در جلسه فوق‌العاده به موضوع درخواست رئیس کل دادگستری استان تهران رسیدگی و دستور رفع توقیف موقت روزنامه را صادر و رسماً مراتب را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیرمسئول و سایر مراجع مربوطه ابلاغ کرد.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی در دادگاه^۱

غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران حضور یافت و موارد شکایات مطرح‌شده، به وی اعلام شد. وی در این زمینه به ایرنا گفت: در این جلسه از دادگاه، سه فقره شکایات مطرح شده از سوی سیداحمد رسولی نژاد نماینده سابق مجلس و مدیرگروه رسانه‌های سازمان بازرسی کل کشور به وی تفهیم شد.

به گفته ابراهیم‌بای سلامی، «انتشار مصاحبه با دکتر شیخاوندی درباره ضرورت ایجاد محیط امن برای دانشگاه‌ها» یکی از موارد شکایات مطرح‌شده علیه وی بوده است.

در این مصاحبه، شیوه‌هایی که در گذشته در مورد استادان و دانشجویان اعمال و برای استاد و دانشجو به خاطر کوچک‌ترین اظهارنظری پرونده‌سازی می‌شد، مورد اعتراض قرار گرفته بود.

سلامی گفت: چاپ مقاله‌ای با عنوان «چند سقف و یک آسمان» و انتشار خبری درباره «سوءاستفاده پانزده باند محلی از دختران فراری در تهران» در این روزنامه از دیگر موارد شکایات مطرح شده است. در مقاله «چند سقف و یک آسمان» به برخی محدودیت‌هایی که نهادهایی نظیر شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام برای مجلس شورای اسلامی ایجاد کرده‌اند، اشاره شده است.

در این جلسه رمضان حاجی‌مشهدی وکیل این‌جانب از رئیس دادگاه درخواست یک ماه مهلت برای پاسخگویی به موارد شکایات مطرح شده کرد که قاضی مرتضوی تنها با پانزده روز مهلت، موافقت کرده است.

جلسه دادگاه

جلسه رسیدگی به اتهامات غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی روز ۱۳۸۱/۵/۲۸ در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات به ریاست قاضی مرتضوی به صورت علنی و با

حضور اعضای هیأت منصفه برگزار شد.

ابتدا شکایت عبدالنبی ملاحزاده قاضی دیوان عالی کشور از روزنامه همبستگی به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، تهمت و افترا قرائت شد.

در ادامه این شکایت که توسط منشی دادگاه قرائت شد آمده است: روزنامه همبستگی اقدام به نشر خبر کذب و غیرواقعی مبنی بر این که مرا (ملاحزاده) دستگیر کرده‌اند و از شعبه ۱۴۱۳ استعفا داده‌ام، کرده است.

در ادامه جلسه دادگاه احمدی پور نماینده سازمان حج و زیارت شکایت این سازمان را در خصوص مطلبی که در چهار روز متوالی روزنامه همبستگی از هفتم تا دهم مرداد ۱۳۸۰ به چاپ رسیده بود اعلام کرد. وی با قرائت نامه رئیس دفتر مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل شرکت‌هایی زیر نظر سازمان حج و زیارت گفت: در روزنامه همبستگی علت این دستور راه، گزارشات غلطی که رئیس سازمان حج و زیارت داده بود، عنوان کرد که این مطالب سراسر کذب، موجب تشویش اذهان عمومی شده است. وی در پایان خواستار رسیدگی به شکایت این سازمان شد.

در ادامه جلسه، شکایت نماینده حقوقی صدا و سیما به مطلبی که در ۱۳۷۹/۱۰/۲۲ روزنامه همبستگی با تیتراژ «شکایت لاریجانی، حکم دادگاه» چاپ شده بود، مطرح شد.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان آذربایجان شرقی نیز از دیگر شاکیان روزنامه همبستگی بود که در خصوص نشر اکاذیب و نسبت دادن اعمال مجرمانه به وی از روزنامه شکایت کرد و خواستار رسیدگی به آن شد. وی انتساب حفاری‌های غیرمجاز، خروج اشیای عتیقه به خارج از کشور توسط مدیرعامل را از جمله مطالب کذبی دانست که از سوی روزنامه همبستگی عنوان شده است.

در ادامه شکایت دبیر اجرایی جمعیت هیأت مؤتلفه اسلامی در خصوص مطلبی که در روزنامه همبستگی مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۵ تحت عنوان «چرا خاتمی تردید می‌کند» اشاره کرد و گفت: در این نوشته مطلب کذبی علیه جمعیت درج شده و این جمعیت را به انحصارگرایی متهم کرده است.

اداره حقوقی مؤسسه کیهان دیگر شاکی روزنامه همبستگی، در خصوص مطلبی که در این روزنامه در مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۳ مبنی بر این که شرکت پست منطقه ۱۶ تهران به جای پول خرد به مردم روزنامه کیهان می‌دهد، شکایت کرده است. اداره حقوقی مؤسسه کیهان این خبر را کذب و تنظیم و درج خبر را در جهت تخریب روزنامه کیهان دانسته است.

در ادامه جلسه دادگاه شکایت‌های دانشگاه آزاد اسلامی، کمیل کاوه و محتشم از روزنامه همبستگی قرائت شد.

پرونده روزنامه همبستگی ۱۵۰۵

مدیرمسئول روزنامه همبستگی به علت بیماری وکیل مدافعش اعلام کرد که آمادگی دفاع ندارد و تقاضای استمهال کرد.
قاضی مرتضوی با قبول استمهال، جلسه بعدی دادگاه و دفاعیات مدیرمسئول روزنامه همبستگی را به جلسه دیگر موکول کرد.

تفہیم ۳۲ فقره اتهام

قاضی مرتضوی رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران روز ۲۵ خرداد ۱۳۸۱، سی و دو فقره شکایت جدید از مدیرمسئول روزنامه همبستگی را به ابراهیمبای سلامی تفہیم کرد.
با طرح این شکایات، مجموعه شکایات از روزنامه همبستگی به حدود پنجاه فقره رسید.
غلام حیدر ابراهیمبای سلامی پس از این جلسه که سه ساعت به طول انجامید، به ایرنا گفت: مدعی العموم بیست و نه فقره، سازمان بازرسی کل کشور دو فقره و انصار حزب الله یک فقره شکایت از روزنامه همبستگی به دادگاه ارائه کرده‌اند.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی به موارد شکایات مدعی العموم اشاره کرد و گفت: چاپ گزارش نشست کنگره جنبه دوم خرداد درباره نفی مردم‌سالاری، تعطیلی مطبوعات، سرکوب دانشجویان و محاکمه روزنامه‌نگاران و روشنفکران و احضار ناموجه اهل قلم و اندیشه در دو سال اخیر یکی از شکایات‌های مدعی العموم است. دادگستری تهران گفته است که در این گزارش، قوه قضائیه را متهم به ایستادگی در برابر اراده دموکراتیک عمومی کرده‌اید.

سلامی انتشار بیانیه انجمن اسلامی معلمان تهران درباره توقیف نشریه عصر ما، اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در جواب به دادگستری تهران در مورد تعطیلی عصر ما و نامه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات خطاب به مقام معظم رهبری را از دیگر موضوعات شکایت مدعی العموم عنوان کرد و گفت: انتشار بیانیه حزب همبستگی درباره توقیف روزنامه بنیان، چاپ اظهارات حسین انصاری‌راد و متهم کردن قوه قضائیه به گرایش‌های سیاسی و باندبازی و نیز اعتراض او به نحوه شکنجه و توزیع فیلم قتل‌های زنجیره‌ای و این‌که قوه قضائیه در جلب نمایندگان طبق قانون و مصلحت عمل نکرده، از دیگر شکایاتی است که امروز به ما تفہیم شد.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی چاپ اظهارات علی نظری نماینده اراک مبنی بر متهم کردن فعالان سیاسی به براندازی و مخدوش کردن پایگاه جنبش دانشجویی به عنوان عناصر نفوذی دشمن و پرونده‌سازی برای نمایندگان مجلس را از دیگر موضوعاتی دانست که به خاطر آن، مدعی العموم از این روزنامه شکایت کرده است.

به گفته وی، اظهارات محسن آرمین راجع به القای حکومت سلطنتی در قالب دین و اسلام به مردم، بیانیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به مناسبات دومین سالگرد توقیف مطبوعات، مصاحبه فیض‌الله عرب‌سرخ‌ی دربارهٔ برخورد قوه قضائیه با مفاسد اقتصادی و بررسی پروندهٔ پتروپارس از جمله مطالبی است که انتشار آن در روزنامهٔ همبستگی، شکایت مدعی‌العموم را در پی داشته است. سلامی انتشار اظهارات محمد سلامتی درخصوص عملکرد قوه قضائیه در تحدید آزادی بیان نمایندگان مجلس، سخنان اکبر اعلمی مبنی بر این‌که شورای نگهبان و قوه قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت موجبات تضعیف مجلس را فراهم می‌کنند نیز از دیگر موضوعات شکایت مدعی‌العموم بیان کرد.

ابراهیم‌بای سلامی، چاپ اظهارات محمدرضا خاتمی و تشکیک او نسبت به عمل‌کرد شورای نگهبان، سخنان فاطمه حقیقت‌جو دربارهٔ رد مصوبات مجلس به استناد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز بن‌بست نظام، دیدگاه احمد زیدآبادی و متهم کردن قوه قضائیه به تفسیر خودسرانه از قانون مطبوعات را از دیگر موضوعات شکایت از روزنامهٔ همبستگی عنوان کرد.

وی خاطر نشان کرد: انتشار مطلبی از رضا علیجانی در مقایسهٔ نوگرایی دینی با بنیادگرایی دینی، دیدگاه کامبیز نوروزی در ضرورت اصلاح قانون مطبوعات، چاپ سؤال علی تاجرنیا و رضا یوسفیان از وزیر کشور که عملکرد نیروی انتظامی در برهم خوردن جلسهٔ دفتر تحکیم را زیر سؤال برده‌اند، از جمله شکایات دادگستری تهران از این روزنامه است.

وی افزود: انتشار اظهارات محسن کدیور در مراسم سالگرد تأسیس انجمن‌های اسلامی و مقایسهٔ عملکرد قوه قضائیه با سیرهٔ امام علی(ع)، اظهارات بهزاد نبوی دربارهٔ پروندهٔ پتروپارس، سخنان علی صالح‌آبادی دربارهٔ مقاومت در برابر مصوبات مجلس، مصاحبهٔ ولی‌الله شجاع‌پوریان در مورد برخورد با مطبوعات، دیگر موضوعاتی است که مدعی‌العموم به خاطر آن از روزنامهٔ همبستگی شکایت کرده است.

سلامی نمایندهٔ خواف و رشتخوار اضافه کرد: یکی دیگر از شکایات، مربوط به چاپ سخنان قبل از دستور ذبیح‌الله صفایی نمایندهٔ مردم اسدآباد در اعتراض به تعطیلی اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط شورای نگهبان است. به گفته وی، چاپ عکس برخی از ستارگان هالیوود در معرفی جایزهٔ اسکار نیز شکایت مدعی‌العموم از روزنامهٔ همبستگی را در پی داشته است.

ابراهیم‌بای سلامی دربارهٔ شکایت سازمان بازرسی کل کشور گفت: آقای احمد رسولی‌نژاد مدیر گروه بازرسی، ارشاد، تبلیغات و رسانه‌های گروهی این سازمان به خاطر مصاحبه با مسعود کیمیایی کارگردان سینما تحت عنوان "فیلمسازی سفارشی قدرت را از هنرمند می‌گیرد" و نیز "تشویق به

دیدن فیلم توقیف شده دایره،" از این روزنامه شکایت کرده است.

وی خاطر نشان کرد که عبدالحمید محتشم دبیر گروه انصار حزب الله نیز به خاطر چاپ مطلب امیرفرشاد ابراهیمی تحت عنوان "ملی مذهبی هستم یا انصار حزب الله" از روزنامه همبستگی شکایت کرده است.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی گفت که در این جلسه، خواستار چهل و پنج روز مهلت برای پاسخگویی به شکایات جدید شده و دادگاه با یک ماه مهلت، موافقت کرده است.

تفہیم اتهامات جدید

ابراهیمبای سلامی روز دوم شهریور ۱۳۸۱ در گفت و گو با ایرنا گفت: در جلسه چهارساعته امروز، سی مورد شکایت جدید علیه روزنامه مطرح شد و مجموع شکایات علیه روزنامه همبستگی به ۸۶ مورد رسید. این سی شکایت طی یک هفته گذشته علیه روزنامه مطرح شده است.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی، چاپ بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در خصوص رابطه ایران و آمریکا، گزارشی از نشست روزنامه نگاران با رئیس مجلس شورای اسلامی در روز خبرنگار و اعتراض آقایان مزروعی، ابراهیمبای سلامی، محمد دادفر و وصال مدیرمسئول روزنامه ایران به توقیف مطبوعات را از جمله شکایات جدید مطرح شده علیه این روزنامه اعلام کرد.

دومین جلسه دادگاه^۱

در ابتدای جلسه رئیس دادگاه با اعلام این که در جلسه قبل نه تن از شکات خصوصی شکایت خود را مطرح کرده اند از نماینده حقوقی شورای نگهبان خواست به عنوان دهمین شاکی خصوصی به طرح شکایت خود پردازد.

مصباح نماینده حقوقی شورای نگهبان پس از حضور در جایگاه گفت: روزنامه همبستگی در تاریخ ۱۳۸۰/۴/۲۸ اعلام کرده که آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان طی نامه ای خطاب به رئیس جمهور ضمن عذرخواهی اعلام کرده که اطلاعاتی که در خصوص مسائل نفتی به ایشان داده شده مخدوش بوده است. اصل این نامه به صورت دستنویس بوده و مستقیماً به رئیس جمهور داده شده بود. سؤال این است که این روزنامه چگونه به اسناد محرمانه و مستقیم دست یافته است؟ باید روشن شود نامه دست نوشته و مهر و لاک شده چگونه به این روزنامه رسیده است.

شاکی در پایان با اعلام این که مطالب چاپ شده در روزنامه همبستگی کذب محض بوده است از

دادگاه خواستار رسیدگی به این اتهام مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و انتساب امور غیر واقع شد.

سپس قاضی مرتضوی از ابراهیمبای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی خواست از تک تک اتهامات مطرح شده از سوی شکات خصوصی پاسخ دهد.

متهم پس از حضور در جایگاه در پاسخ به اولین اتهام مطرح شده مبنی بر درج خبر دستگیری قاضی عبدالنبی ملاحزاده رئیس اسبق شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران و یکی از قضات دادرسی دیوان عالی کشور گفت: من از چاپ این خبر متأسفم. ما خبر یک شایعه را منتشر کردیم و هیچ سوء نیتی نسبت به ایشان نداشتیم.

رئیس دادگاه گفت: شما در خبر خود اعلام کرده‌اید: خبرنگار ما در پی‌گیری‌های خود از دو تن از وکلای دادگستری تأیید خبر دستگیری قاضی ملاحزاده را دریافت کرده است شما آن دو وکیل دادگستری را معرفی کنید.

متهم گفت: خبرنگار نام آن‌ها را به من نگفته و من هم اطلاعی ندارم.

قاضی مرتضوی گفت: در بخش دیگری از خبر شما آمده که قاضی ملاحزاده از شعبه ۱۴۱۳ استعفا داده که این هم کذب محض است. چه توضیحی دارید؟

متهم گفت: تغییر شغلی ایشان چنین ظنی را باعث شده که آقای ملاحزاده از سمت قبلی خود استعفا داده است.

ابراهیمبای سلامی سپس به شکایت حسین رضایی رئیس سازمان حج و زیارت پرداخت و گفت: ما نوشته‌ایم انحصار سفرهای زیارتی برای سازمان حج و زیارت برخلاف قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور است و این نظر ما بوده و هیچ قصد توهین و اهانت به آقای رضایی را نداشته‌ایم.

وی سپس در دفاع از شکایت نماینده اداره حقوقی سازمان صدا و سیما در خصوص کذب بودن خبر توقیف تلویزیون کابلی دانشجویان گفت: جواب صدا و سیما اصلاً به دست ما نرسیده و می‌گویند جوابیه را فکس کرده‌ایم، اما فکس وسیله قابل اعتمادی برای ارسال جوابیه نیست، باید تأییدیه فکس را هم برای ما می‌فرستادند.

رئیس دادگاه گفت: شما در سال ۱۳۷۹ در خصوص این شکایت احضار شدید، بنابراین از این شکایت مطلع شده‌اید و می‌توانستید از آن‌ها بخواهید دوباره جوابیه بفرستند.

متهم گفت: خواستیم، اما آن‌ها گفتند ما یکبار فکس کرده‌ایم.

قاضی گفت: متن جوابیه در پرونده شما بود، می‌توانستید چاپ کنید.

متهم گفت: ما ندیدیم وگرنه ابایی از چاپ جوابیه صدا و سیما نداشتیم. سلامی در پاسخ به شکایت جمعیت مؤتلفه اسلامی گفت: پس از آنکه حضور آقای خاتمی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری قطعی شد، دبیر سرویس سیاسی روزنامه مطلبی تحت عنوان "چرا خاتمی تردید کند" نوشت و طی آن حکومت تئودور را مطرح کرد. در عکس العمل این مقاله آقای انبارلویی در روزنامه رسالت مطلبی نوشت و ما هم در جواب آن توضیحی دادیم که رسالت چاپ کرد. بنابراین این یک تعامل مطبوعاتی بوده و ما انتظار نداشتیم جمعیت مؤتلفه آن را به دادگاه بکشاند.

رئیس دادگاه گفت: در مطلب چاپ شده در روزنامه همبستگی، جمعیت مؤتلفه جزو خانواده سلطنت قلمداد شده، درحالی که طبق شکایت شاکی چنین نیست و این توهین است. متهم گفت: هر کس کوچک ترین اطلاعی از تاریخ داشته باشد، می داند چنین نیست و برادران مؤتلفه از مبارزان و مخالفان سرسخت سلطنت بوده اند. بلکه در این مقاله منظور برخورداری از انحصاراتی بوده که معمولاً خانواده سلطنت از آن برخوردار هستند.

متهم سپس به شکایت اداره حقوقی مؤسسه کیهان پرداخت و گفت: نویسنده مطلب "کیهان و پول خرد" خودش شاهد بوده که در دفاتر پستی وقتی پول خرد نداشته اند، روزنامه کیهان را به جای پول خرد به مشتری ها داده اند و حتی اداره پست هم آن را تأیید کرده است. قاضی پرسید: آیا نامه ای از شرکت پست در این خصوص دارید؟ متهم گفت: الان نداریم.

متهم سپس به شکایت کمیل کاوه درخصوص کذب بودن خبر منتشره در همبستگی مبنی بر حمله گروه وی به نمایشگاه جهانگردی اصفهان پرداخت و گفت: این مطلب را آقای امامی یکی از مسؤولان سازمان ایرانگردی و جهانگردی در مصاحبه با همبستگی اعلام کرده و پس از این شکایت هم ایشان در نامه ای بر صحت گفته های خود تأکید کرده است حتی خود آقای کاوه در مصاحبه با روزنامه آفتاب اعتراف کرده که چون در این نمایشگاه شئون اسلامی رعایت نمی شد، به آن حمله کرده اند.

سلامی در ادامه جلسه شکایت عبدالله محتشم مدیرمسئول نشریه یالشارات را وارد ندانست و گفت: ایشان هیچ مدرکی مبنی بر این که از سوی انصار حزب الله وکالت دارند ارائه نداده اند در ضمن تشکیلاتی به نام انصار حزب الله ثبت نشده است و شخصیت حقوقی ندارد. همه ما از حزب خدا و حزب الهی هستیم.

وی سپس به شکایت نماینده حقوقی شورای نگهبان پرداخت و گفت: ما از نامه آیت الله جنتی به رئیس جمهور نوشته ایم و این ارتباطی با شخصیت حقوقی آقای جنتی نداشته که شورای نگهبان

بخواهد شکایت کند.

رئیس دادگاه گفت: شما نوشته‌اید: احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و همین انتساب برای شکایت شاکی کافی است ضمن این‌که اتهام شما چاپ مطلب خلاف واقع است بنابراین باید ثابت کنید که چنین مطلبی صحت داشته و آقای جنتی از رئیس جمهور عذرخواهی کرده و اعلام داشته اطلاعاتش از مسائل نفتی مخدوش بوده است.

متهم گفت: ما نامه را ندیده‌ایم و خبر آن را درج کرده‌ایم و منبع خبر ما هم مبدأ یا مقصد نامه بوده است.

در ادامه جلسه حاج مشهدی وکیل مدافع متهم از موکل خود دفاع کرد.

در پایان جلسه ابراهیمیای سلامی و وکیل مدافعش در خصوص شکایت کمیل کاوه به سؤالات هیأت منصفه پاسخ دادند.

ادامه جلسه دادگاه^۱

سومین جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول روزنامه همبستگی روز ۱۸ شهریور ۱۳۸۱ در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی مرتضوی و با حضور اعضای هیأت منصفه برگزار شد. در این جلسه معاون دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم در بیست و سه فقره شکایت عمومی از مدیرمسئول روزنامه همبستگی، اتهام وی را چاپ و انتشار مطالبی در جهت تبلیغ علیه نظام مقدس اسلامی و ارکان تشکیل دهنده آن، چاپ مطالب خلاف واقع و نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی، چاپ مطالب و تصاویری به منظور استفاده ابزاری از زن و چاپ تصاویر هنرپیشگان به منظور ترویج فساد اخلاقی، اعلام کرد.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی در دفاع از اتهامات خود گفت: از آن‌جا که من از سن ۱۲ سالگی در راه جمهوری اسلامی مبارزه کرده‌ام، اتهام تبلیغ علیه نظام برای من بسیار سنگین است.

وی با اشاره به این‌که یکی از شکایت‌ها براساس چاپ نطق پیش از دستور یکی از نمایندگان مجلس تنظیم شده است، گفت: از آن‌جا که وظیفه یک نشریه اطلاع‌رسانی است، اگر یک روزنامه این آزادی را نداشته باشد که نطق پیش از دستور یک نماینده مجلس را چاپ کند، بهتر است که اصلاً روزنامه‌ای وجود نداشته باشد. روزنامه به وظیفه اصلی خود یعنی اطلاع‌رسانی عمل کرده است و در مورد چاپ اظهارات یک نماینده، هر کس بخواهد مانع آن شود در برابر ماده ۵۷۰ قانون اساسی قرار می‌گیرد که می‌گوید: هر یک از مقامات دولتی که بخواهند آزادی شخصی افراد را سلب کنند و

آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نمایند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش ماه تا یکسال محکوم خواهند شد. ابراهیمبای سلامی افزود: روح و محتوای صحبت‌های علی نظری نماینده مجلس علیه تهدیدهای آمریکا و بسترسازی فرهنگی برای وفاق در جامعه بوده است و در این نطق هیچ شخصی تلویحی و به عمد، مورد انتقاد قرار نگرفته است.

وی خاطر نشان کرد: دفاع از جنبش اصلاحات، حمایت از دولت، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، فراموش کردن اختلافات سلیقه‌ای، شفاف بودن سیاست‌های خارجی و دفاع از مواضع رهبری در رسیدن به همدلی کامل در مبارزه با آمریکا از مسائل مطروحه بوده که در روزنامه همبستگی به چاپ رسیده است. بنابراین نه ناطق قصد داشته است علیه نظام جمهوری اسلامی تبلیغ کند و نه ما با انتشار این مطلب چنین قصدی داشته‌ایم. نمی‌شود مطابق قانون اساسی ناطق پیش از دستور مجلس را احضار کرد و این بدعت بسیار بدی است، چرا که آزادی بیان را از نمایندگان که اعتبار حقوقی دارند می‌گیرد، اختیارات مجلس را خدشه‌دار می‌کند، حقوق مجلس را به‌عنوان بالاترین مرجع قانون‌گذاری و مرجع و پناه مردم برای حل مشکلاتشان در حد خودش خدشه‌دار می‌کند.

وی تصریح کرد که انتشار این مطالب، تبلیغ علیه نظام نیست، بلکه به نفع نظام است و لذا با استناد به قانون مطبوعات و قانون اساسی، جرمی را مرتکب نشده‌ایم، هرچند ممکن است جناح یا گروه خاصی در نظام، این مطلب را مطابق سلیقه خودشان نبیند.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی درباره شکایت دوم که در خصوص گفت‌وگوی ایرنا با ماشاءالله شمس‌الواعظین است خاطر نشان ساخت که روزنامه همبستگی به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، مصاحبه را در حد خاصی منعکس کرده است.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی با اشاره به متن این مصاحبه که در آن، ماشاءالله شمس‌الواعظین به مناسبت روز خبرنگار، در مورد امنیت شغلی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران صحبت کرده است، گفت: در تمام صحبت‌های شمس‌الواعظین تحلیل قانون اساسی و وفاداری به نظام مشخص است، کسی که قانون اساسی را قبول دارد، نمی‌تواند علیه نظام تبلیغ کند.

ابراهیمبای سلامی با بیان این مطلب نویسنده که گفته است برای این‌که وجهه قوه قضائیه خدشه‌دار نشود و دادگاه‌های ما متهم به محدودیت آزادی بیان نشوند، باید ساز و کاری بیندیشیم و سیستم حقوقی را تعریف کنیم، سؤال کرد که آیا این مطلب خلاف نظام نیست؟

وی تأکید کرد: به نظر من این خود کمک به نظام است و نباید مدعی العموم درج این خبر را

تهدید علیه نظام جمهوری اسلامی بدانند.

در ادامه جلسه قاضی مرتضوی از غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی خواست در خصوص چاپ مطلبی از (ر.م) که در مورد فعالیت تفکر خوارجی عده‌ای در جامعه، قتل‌های زنجیره‌ای، تعطیلی مطبوعات و کوی دانشگاه بود، توضیح دهد.

سلامی گفت: این مطلب به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در روزنامه همبستگی به چاپ رسیده است و تعدادی دیگر از روزنامه‌ها نیز آن را چاپ کردند. سابقه (ر.م) بر کسی پوشیده نیست و این‌که ایشان در این مطلب قصد تبلیغ علیه نظام و دگرگونی و تحریف نظام را داشته‌اند، مردود است. ایشان قبلاً نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی بوده و مطلب ایشان علیه کسانی است که با دموکراسی و امام(ره) مخالف هستند.

قاضی مرتضوی در این هنگام از مدیرمسئول روزنامه همبستگی پرسید آیا مطلب (ر.م) علیه قوه قضائیه نبوده است؟ که ابراهیم‌بای سلامی به این سؤال پاسخ منفی داد.

رئیس دادگاه خطاب به ابراهیم‌بای سلامی گفت: ما به نظر (ر.م) کاری نداریم و نظر شما برای ما ملاک است.

رئیس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه، سپس از مدیرمسئول روزنامه همبستگی درباره انتشار نامه انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها پرسید که ابراهیم‌بای سلامی در پاسخ، گفت: این مطلب به نقل از ایسنا در روزنامه چاپ شده و بسیاری از روزنامه‌ها نیز آن را چاپ کرده‌اند. ما در دانشگاه، هیچ گروهی مخلص‌تر از این انجمن در دفاع از اسلام نمی‌شناسیم و اعضای آن نیز از بچه‌های مسلمان هستند. به هیچ عنوان اتهام تبلیغ علیه نظام به این انجمن نمی‌چسبد و آنان تمام ارکان نظام را قبول دارند. وی خاطرنشان ساخت که موضوع این بیانیه دفاع از ارزش‌های انقلاب و آرمان امام(ره) است و تضعیف دستگاه قضایی نیست.

ابراهیم‌بای سلامی در جلسه بعد از ظهر دادگاه، چندین بار از رئیس دادگاه درخواست کرد که به دلیل آماده نبودن شرایط روحی و جسمی ادامه دفاعیات را به جلسه بعد موکول کند که در هر بار مرتضوی از او و وکیلش خواست به ادامه دفاعیات از خود بپردازند.

ابراهیم‌بای سلامی گفت: من محاکمه می‌شوم و این‌جا محل سخنرانی نیست و باید از خود دفاع کنم احساس می‌کنم حقم تضییع می‌شود.

در این لحظه رمضان حاجی مشهدی وکیل مدیرمسئول روزنامه همبستگی به جایگاه آمد و در مورد پنج شکایت یاد شده از موکل خود به دفاع پرداخت.

مرتضوی از وکیل ابراهیم‌بای سلامی خواست درباره مطلب روزنامه همبستگی در خصوص

علی نظری نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی به دفاع پیردازد که وکیل ابراهیمبای سلامی گفت: نطق نماینده اراک علیه نظام نبوده و عملی نیز علیه نظام صورت نگرفته است و موکل من نیز به نفع هیچ گروه مخالف نظام تبلیغ نکرده است.

رئیس دادگاه در این هنگام در خصوص مطلب منتشره در این روزنامه به نقل از شمس‌الواعظین که در آن عنوان شده بود که «آزادی بیان در کشور است اما آزادی بعد از بیان نیست» از وکیل مدیرمسئول روزنامه همبستگی توضیح خواست.

وکیل ابراهیمبای سلامی در این باره تأکید کرد که «این مطلب تبلیغ علیه نظام تلقی نمی‌شود». قاضی از وکیل متهم خواست که درباره چاپ بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درباره حکم دادگاه نسبت به نهضت آزادی توضیح دهد.

حاجی مشهدی در این باره گفت: نقد هر شخص، نهاد و یا آرای صادره از دادگاه‌ها حق هر شهروندی است و جنبه روشنفکری دارد و در این جا نیز یک سازمان معتقد به جمهوری اسلامی آن را نقد کرده است. در این بیانیه علیه قوه قضائیه مطلبی دیده نمی‌شود و دفاع از حقوق شهروندی بر اقتدار نظام می‌افزاید.

حاجی مشهدی در مورد مطلب (ر.م) نیز گفت: او سوابق زیادی در نظام جمهوری اسلامی دارد و ایشان در این مطلب از مهاجمان کوی دانشگاه انتقاد کرده و آن را محکوم کرده است و از نظام انتقاد نکرده است.

وی در مورد نامه انجمن مدرسین دانشگاه‌ها نیز گفت: این انجمن از اعضای مسلمان تشکیل شده است و در این نامه قصد تنویر افکار عمومی را داشته است.

رئیس دادگاه در ادامه از وکیل مدیرمسئول روزنامه همبستگی خواست درباره مطلب حسین لقمانیان نماینده مردم همدان در مجلس توضیح دهد که ابراهیمبای سلامی خود برای دفاع از این اتهام از جا برخاست و گفت: ایشان (حسین لقمانیان) در این مطلب نظام را استبدادگرا معرفی نکرده است. این شخص جانباز و نماینده مجلس شورای اسلامی است و نمی‌توان او را متهم به این کار کرد.

سپس قاضی مرتضوی از وی خواست در مورد مطلب منتشره در این روزنامه به نقل از نعیمی‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی در مورد شورای نگهبان که در آن این نهاد به استفاده ابزاری از اصل ولایت فقیه متهم شده بود توضیح دهد.

ابراهیمبای سلامی با اشاره به این که نعیمی‌پور جزئی از همین نظام است گفت: چطور ممکن است کسی عضو هیأت رئیسه مجلس باشد و علیه نظام سخن بگوید؟ نعیمی‌پور در این مطلب آرای

شورای نگهبان را نقد کرده است اما اعضای آن شورا مورد احترام هستند.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی سپس در مورد چاپ مطلبی به نقل از (م.ک) در روزنامه همبستگی گفت: ایشان در این مطلب خود را جزء نظام می‌داند و نه تنها در این مطلب تبلیغ علیه نظام نکرده، بلکه برای نظام تبلیغ کرده است. ایشان داشتن جامعه ایده‌آل و آرمانی را آرزو کرده که این درخواست آرزو عیب نیست. هیچ نکته مجرمانه در این مطلب نیست و ایشان به نوعی از نظام تعریف و تمجید کرده است.

ابراهیمبای سلامی در خصوص چاپ مطلبی با عنوان "العاذر نباشیم" به نقل از محمد دادفر نماینده مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی گفت: او در این مقاله هیچ مطلب مجرمانه‌ای ننوشته است و ما نیز با هدف اطلاع‌رسانی به نقل از یک نماینده مجلس در روزنامه چاپ کردیم. وی در پاسخ به سؤال قاضی مرتضوی در خصوص چاپ ویژه‌نامه‌ای توسط این روزنامه در یزد گفت: این ویژه‌نامه بدون مجوز چاپ شده است و ما هیچ مجوزی برای انتشار آن صادر نکردیم و مسؤولیت چاپ چنین نشریه‌ای را نمی‌پذیریم.

قاضی مرتضوی در این لحظه نامه‌ای از دهقانی مسؤول انتشار این ویژه‌نامه قرائت کرد که در آن از رئیس دادگاه درخواست کرد برای ادای توضیحات به دادگاه بیاید.

قاضی مرتضوی سپس از وکیل مدیرمسئول روزنامه همبستگی خواست درباره اتهامات یاد شده به دفاع از موکل خود بپردازد که حاجی مشهدی به مانند موکل خود با ارائه توضیحاتی، تمام اتهامات وارده را رد کرد.

قاضی سعید مرتضوی پس از اعلام ختم سومین جلسه دادگاه مدیرمسئول روزنامه همبستگی، زمان تشکیل جلسه بعدی را دوشنبه ۲۵ شهریورماه جاری اعلام کرد.

گذشت رئیس قوه قضائیه^۱

آیت‌الله سید محمود شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در پاسخ به تقاضای مدیرمسئول روزنامه همبستگی در خصوص رسیدگی به پرونده این روزنامه اعلام کرد که هیچ‌گونه شکایتی از ابراهیمبای سلامی ندارد و از شکایت شخصی خود صرف‌نظر می‌کند.

به گزارش روابط عمومی و تشریفات قوه قضائیه، در نامه رئیس قوه قضائیه خطاب به رئیس کل دادگستری استان تهران آمده است: این جانب هیچ‌گونه شکایتی از آقای ابراهیمبای سلامی نداشته و به هیچ‌وجه راضی به پیگیری موضوع نیستم و چنانچه حقی داشته باشم گذشت کرده و مراتب اعلام

گذشت را به رئیس محترم دادگاه شعبه ۱۴۱۰ اعلام کنید.

ابراهیمبای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی قبلاً با ارسال نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه ضمن اعلام بروز غفلت در درج مطالب منجر به شکایت مدعی العموم، اعلام گذشت از این شکایت را خواستار شده بود.

در بخشی از نامه مدیرمسئول روزنامه همبستگی به آیت‌الله هاشمی شاهرودی آمده است: در صفحه نخست روزنامه همبستگی مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۷ مطلبی به نقل از رسول مهرپرور، نماینده مردم درگز در مجلس شورای اسلامی، درج شده است که در اعتراض به نحوه معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به مجلس از سوی قوه قضائیه است. تصور این‌جانب به‌عنوان مدیرمسئول و نیز سایر کارکنان روزنامه این بود که مصاحبه درج شده، سخنان دکتر حسین مهرپرور است، درحالی‌که مطالبی که ایشان گفته‌اند مربوط به موضوع دیگری بوده و در این خصوص دبیر سرویس حقوقی و مجلس، غفلت کرده است.

مدیرمسئول روزنامه همبستگی در پایان نامه خود از رئیس قوه قضائیه خواسته است که اعلام گذشت خویش را به رئیس شعبه ۱۴۱۰ اعلام نموده تا این امر از رسیدگی علنی خارج شود.

چهارمین جلسه دادگاه^۱

در چهارمین جلسه رئیس دادگاه از متهم خواست از شکایات مربوط به بند ادعای مدعی العموم دفاع کند.

ابراهیمبای سلامی پس از حضور در جایگاه، چاپ مطالب خلاف واقع را رد کرد و گفت: آنچه ما چاپ کرده‌ایم، اظهارات و تحلیل‌های افراد، احزاب و گروه‌ها است.

قاضی دادگاه گفت: مطالب شما تحلیل نیست، کذب است و از تکرار کلیات خودداری کنید. سلامی گفت: نهادهای مختلف نباید از تحلیل عملکرد خود هراسان باشند. همچنین نشر اکاذیب باید شاکی خصوصی داشته باشد.

رئیس دادگاه گفت: من احساس می‌کنم شما توانایی دفاع از بندهای ب و ج ادعای نام را ندارید و بهتر است هیأت منصفه در این خصوص نظر بدهند.

متهم از دادگاه خواست تا وکیل مدافعش از بند ب دفاع کند. سپس آقامشهدی وکیل متهم در این خصوص از موکل خود دفاع کرد.

در ادامه قاضی مرتضوی خطاب به سلامی گفت: در جلسه قبل شما اجازه انتشار ویژه‌نامه در

شهرستان یزد را انکار کردید، درحالی که تحقیقات مشخص کرده است شما این اجازه را داده‌اید. سپس دهقانی مسؤول چاپ ویژه‌نامه شهرستان یزد گفت: ویژه‌نامه‌های اول و دوم با مجوز قائم‌مقام روزنامه چاپ شد و قرار بود ویژه‌نامه هشت صفحه‌ای باشد که در تهران چهار صفحه آن کم شد. ما با آقای صحرائی کارمند روزنامه همبستگی هماهنگی کامل را داشتیم. سپس صحرائی کارمند روزنامه همبستگی در جایگاه قرار گرفت و پس از ادای سوگند گفت: ویژه‌نامه‌ها با اطلاع کامل قلی‌زاده قائم‌مقام روزنامه حروف‌چینی و چاپ شده است. سپس ابراهیم‌بای سلامی گفت: من نمی‌دانم شاید این‌ها مدیرمسئول را دور زده‌اند، چرا که ویژه‌نامه تنها با امضای مدیرمسئول و سردبیر برای چاپ فرستاده می‌شود. صحرائی از من حکمی ندارد و من فقط یک بار او را دیده‌ام آقای قلی‌زاده هم می‌گوید وی را ندیده و اگر ویژه‌نامه‌ای چاپ شده خلاف بوده است.

در ادامه جلسه مدیرمسئول روزنامه همبستگی با بیان این‌که در چاپ هیچ‌یک از مطالب نیت سوئی وجود نداشته اعلام کرد لایحه آخرین دفاع خود را ظرف مدت یک هفته تا ۱۰ روز به صورت مکتوب تقدیم دادگاه خواهد کرد.

رئیس دادگاه نیز با اعلام این‌که دوره دو ساله فعالیت هیأت‌منصفه فعلی مطبوعات پایان شهریورماه به پایان می‌رسد، ادامه رسیدگی به اتهامات مندرج در بندهای ب و ج ادعانامه مدعی‌العموم را به پس از انتخاب هیأت‌منصفه جدید و در مهرماه موکول کرد.

نظر هیأت‌منصفه^۱

روابط عمومی دادگستری کل استان تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: اعضای هیأت‌منصفه در رابطه با شکایت شخصی آقایان عبدالنبی ملاح‌زاده دادیار دادرسی دیوان‌عالی کشور، محمود مسافری مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستای آذربایجان شرقی، احمدی‌پور وکیل سازمان حج و زیارت، کمیل کاوه و احمد جنتی دبیر شورای نگهبان، مدیرمسئول روزنامه همبستگی را به اتهام توهین و اهانت و هتک حیثیت، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تحریف و ایراد افترا مجرم شناختند.

هیأت‌منصفه مطبوعات همچنین در رابطه با (بند الف) اعلام جرم معاون رئیس کل دادگستری استان تهران مبنی بر چاپ و انتشار مطالبی در جهت تبلیغ علیه نظام و ارکان تشکیل‌دهنده آن، در

۱. آقایان: حبیب‌الله عسگرآولادی، حجت‌الاسلام جعفر شبیری، علی‌اکبر کسانیان، جمال سورجه، شهاب‌الدین صدر، محمدرضا سرشار و خانم اکبری.

خصوص اظهارات ماشاءالله شمس الواعظین، محمد نعیمی پور، محسن کدیور و مقاله محمد دادفر مدیرمسئول همبستگی را مجرم دانست.

هیأت منصفه مطبوعات شکایت دبیر جمعیت مؤتلفه اسلامی، مدیرکل حقوقی سازمان صدا و سیما و مدیر حقوقی روزنامه کیهان و شکایت عبدالحمید محتشم را پس از بررسی شکایات و دفاعیات ابراهیمبای سلامی، وی را مجرم ندانست.

همچنین هیأت منصفه پس از شور و مشورت لازم در رابطه با سایر موارد (بند الف) اعلام جرم مدعی العموم، مدیرمسئول روزنامه همبستگی را در خصوص چاپ و انتشار مطالب بندهای (اول، سوم، چهارم، پنجم و ششم) مجرم تشخیص ندادند.

اعضای هیأت منصفه در پایان جلسه خود همچنین ابراهیمبای سلامی مدیرمسئول روزنامه همبستگی را با اکثریت آرا مستحق تخفیف دانستند.

در پایان این اطلاعیه آمده است: از سوی شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران در خصوص موضوع اعلام جرم مدعی العموم در خصوص مطلب شماره ۲۳۸ و باتوجه به نامه مدیرمسئول روزنامه همبستگی به رئیس قوه قضائیه و پاسخ وی و استرداد این شکایت توسط مدعی العموم به لحاظ عدم احراز سوءنیت و فقدان عنصر معنوی جرم، قرار منع پیگرد صادر و پرونده مختومه شد.

رأی دادگاه

در خصوص شکایت ۱. نماینده مدعی العموم ۲. آقای محمود مسافری مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان آذربایجان شرقی ۳. آقای عبدالنبی ملاحزاده قاضی دیوان عالی کشور ۴. آقای کمیل کاوه ۵. آقای جواد احدی پور وکیل دادگستری به وکالت از سازمان حج و زیارت ۶. آقای احمد جنتی علیه آقای غلامحیدر ابراهیمبای سلامی مدیرمسئول وقت روزنامه همبستگی با وکالت آقای رمضان حاجی مشهدی دایر بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و ایراد افترا و تبلیغ علیه نظام، دادگاه با عنایت به برگزاری جلسه علنی با حضور هیأت منصفه و وصول نظریه هیأت مزبور مبنی بر مجرم دانستن متهم در موارد فوق الذکر و باتوجه به محتویات پرونده و مدافعات بلاوجه مشارالیه، اتهام وی را در موارد فوق الذکر ثابت و مسلم دانسته و با در نظر گرفتن نظر هیأت منصفه مبنی بر استحقاق متهم در برخوردارگی از تخفیف و مستنداً به مواد ۲۲ و ۴۷ و ۵۰۰ و ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات، نامبرده را از بابت اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال از بابت اتهام افترا به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال و از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال

جزای نقدی بدل از حبس محکوم و اعلام می‌نماید.

در خصوص دیگر وارد شکایت مدعی العموم، و شکایت سازمان صدا و سیما، جمعیت مؤتلفه اسلامی، روزنامه کیهان و آقای عبدالحمید محتشم به لحاظ عدم احراز وقوع بزه حکم برائت صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص اعلام جرم ریاست محترم دادگستری استان یزد و نیروی مقاومت بسیج استان یزد علیه مدیرمسئول روزنامه همبستگی و آقای جواد دهقان دایر بر نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام از طریق انتشار ویژه‌نامه با توجه به اظهارات مدیرمسئول روزنامه همبستگی و نظر هیأت منصفه به لحاظ این‌که دلایلی مبنی بر انتساب انتشار ویژه‌نامه روزنامه همبستگی در استان یزد موجود نمی‌باشد در خصوص مدیرمسئول قرار منع تعقیب صادر و قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگستری شهرستان یزد جهت رسیدگی به اتهامات آقای جواد دهقان تختی صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص شکایت دیگر سازمان حج و زیارت علیه نویسنده مطالب "آقای سیدنورالدین دربندی" پرونده امر مفتوح می‌باشد. رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه کیان

نام نشریه: کیان

مدیرمسئول: رضا کفاش تهرانی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۱ توقیف

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام جمهوری

اسلامی ایران

شاکی: رئیس دادگستری

رأی دادگاه: پرونده مفتوح است.

حکم توقیف ماهنامه کیان^۱

قاضی مرتضوی در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۷ قرار توقیف موقت ماهنامه کیان را به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد و گفت: با عنایت به شکایات واصله علیه آقای رضا کفاش تهرانی مدیرمسئول ماهنامه کیان از طرف رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و توهین و اهانت به مقدسات در موارد متعدد و شماره‌های مختلف با توجه به این که به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در مقام تبیین وظایف و قضاایه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف این قوه دانسته که از جمله مقررات پیشگیرانه مذکور در قوانین عادی ماده ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ می باشد بنا علی هذا دادگاه به استناد ماده ۶ قانون مطبوعات و بندها و تبصره‌های آن با ملحوظ نظر داشتن عدم توجه مدیرمسئول ماهنامه مذکور به تذکرات و نصایح مسؤولان محترم نظام و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات متخلف به حکم وظیفه قانونی در پیشگیری از اقدامات مجرمانه نشریه مذکور که در جهت ناامن کردن فضای مطبوعات کشور است قرار توقیف موقت

ماهنامه کیان را صادر و اعلام می‌نماید. مقرر است تا اطلاع ثانوی از ادامه چاپ و انتشار این ماهنامه جلوگیری به عمل آید. دستور قضایی فوق به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع می‌باشد.

نامه مدیرمسئول

ده روز بعد رضا تهرانی مدیرمسئول ماهنامه کیان با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهان رفع توقیف نشریه شد.

در این نامه آمده: آن‌گونه که مستحضرید نشریه علمی و فرهنگی کیان در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۷ به دستور قاضی شعبه ۱۴۱۰ (قاضی مرتضوی) توقیف موقت گردید.

ظاهراً عدم توجه به نصایح مسئولان محترم نظام و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات متخلف و نیز پیشگیری از اقدامات مجرمانه نشریه مذکور که در جهت ناامن کردن فضای مطبوعات کشور است، مبنای توقیف موقت کیان عنوان شده است.

نشریه کیان در طول ۱۰ سال انتشار، به‌طور متوسط هر دو ماه یک شماره منتشر شده است و به اذعان موافقان و مخالفان آن، نشریه‌ای متین و علمی و فرهنگی بوده است که در حوزه دین‌پژوهی و کلام جدید فعالیت مستمر داشته است. عنایت دانشگاهیان و حوزویان به مقالات این نشریه، مؤید اهمیت علمی و فرهنگی آن بوده است. توجه کیان به تعامل اندیشه در سطح متفکران و اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان و طرح اندیشه‌های نوین در حوزه‌های دینی-کلامی، اقدام مبارکی بوده که کام مشتاقان این مباحث را در طول ۱۰ سال شیرین نموده است. کیان نشریه‌ای علمی و تحقیقی بوده است و به‌عنوان نشریه‌ای خبری و یا سیاسی شناخته نشده است. فعالیت کیان در دو حوزه تأثیر داشته است: ۱. در حوزه دانشگاهیان ۲. در حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی و در هر دو حوزه موافقان و مخالفانی داشته است.

کیان البته از نقد مقالاتی که درج می‌کرده، نه‌تنها رویگردان نبوده، بلکه از آن‌ها نیز استقبال می‌نمود و شاهد آن نیز مجموعه مقالات مجلدات کیان است. اصولاً کیان نشریه‌ای است که به نقد اندیشه عنایت تام داشته و حتی به وجوب نقد اندیشه‌هایی که خود آن‌ها را طرح می‌نمود و قوف کامل داشته و لهذا درج مقالاتی در نقد مطالب مطروحه در آن، امر معمول این نشریه بوده است. از مخاطبان کیان کسانی که اجمالاً همراهی فکری با کیان داشتند اغلب با مطالعه منابع دیگر، به تناسب، به غنای فکری خود می‌افزودند و باز از مخاطبان کیان افرادی که با مطالب مندرج در آن موافق نبودند، در پی پاسخ اقبایی به آنچه قبول نداشتند، فکر و اندیشه می‌کردند تا در حد خود

پاسخ شبهه متصور را پیدا کنند پس از انتشار کیان - جدای از دشنام‌هایی که در برخی روزنامه‌ها در طول نُه سال انتشار نصیب برد - نشریات وزین اعم از ماهنامه و فصلنامه در حوزه دین‌پژوهی و کلام جدید - مخالف و موافق مشی کیان - فعال شدند که عمده‌ترین آن‌ها از حوزه علمی قم منتشر می‌شود و اینچنین بود که انتشار کیان در غنای فکری موافقان و مخالفان آن مؤثر افتاد.

این جانب نمی‌دانم نشریه‌ای با این پیشینه و با انتشار متوسط ۶ شماره در سال، با تیراژ محدود چگونه می‌تواند به قصد تشویش اذهان عمومی نشر اکاذیب کند؟ غیرمنصفانه‌تر آن‌که توهین و اهانت به مقدسات روا دارد؟ طرح مباحث فکری و کلامی موافق و مخالف، سنتی افتخارآمیز در حوزه‌های علمی شیعی بوده است. چگونه امروزه طرح و نقد اندیشه‌ها خصوصاً در نشریاتی فرهنگی و علمی از قبیل کیان نام توهین به مقدسات می‌یابد؟ انتشار نشریاتی همچون کیان چه بهره‌ای دنیوی داشته است تا توجهات زیادی را برای ما سرمایه‌گذاری و انتشار به خود جلب نماید که این‌گونه کسانی که هیچ وقوفی در این وادی ندارند، سخاوتمندانه دست به تار و مار این اندک می‌زنند.

جناب آقای مسجدجامعی

این اندک را بدان جهت نگاشتم تا بگویم که من نمی‌توانم با تهدید و تطمیع، دین و فکری مطابق سلايق ديگران پيدا کنم و نه اين قدر بدسليقه‌ام که لذت عشق ورزیدن به آن یگانه را معوض رضایت برخی ارباب قدرت و طالبان شهرت قرار دهم. من از باب انتشار کیان حظی وافر بردم و در روز جزا، بهترین تحفه من، این است که پیش روی بندگان اوست و انگیزه‌های مرا هم او می‌داند و بس. «انگیزه دیگران خوانی»، هوس خدایی کردن است و لاغیر. و کیان البته در نقد این هوس هم نوشت و پشیمانم که چرا کم نوشت.

هر چه ضرر است در راه او نوشم باد که فصیر جمیل والله المستعان علی ما تصفون. ادامه انتشار کیان را بر خود فرض می‌دانم و چون جنابعالی مسؤولیتی مستقیم و بلکه مضاعف در این باب دارید از جوری که دیگران به ناروا به کیان روا داشته‌اند، شکایت به شما آورده و مصرانه می‌خواهم به هر نحو که مقتضی می‌دانید در باب رفع موانع انتشار کیان اقدام فرمایید که ان شاء الله مرضی خداوند متعال است.

نامه دبیر هیأت نظارت به رئیس دادگستری^۱

همان‌گونه که اطلاع دارید نشریه کیان به مدیرمسئولی آقای رضا کفاش تهرانی توسط قاضی شعبه

۱۴۱۰ توقیف موقت شده است. مدیرمسئول محترم این نشریه طی نامه‌ای خطاب به وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار طرح مسأله توقیف نشریه خود در هیأت نظارت گردیده است. در چهلمین و چهل و یکمین نشست هیأت محترم نظارت توقیف موقت این نشریه مطرح شد و چاپ باتوجه به تیراژ محدود کیان که در مناسب‌ترین زمان حتی به بیست هزار نسخه نیز نرسیده است و نظر به این‌که نشریه نوعاً به مطالب فکری می‌پردازد و بالأخره باتوجه به این‌که نشریه کیان حدود ده سال است که منتشر می‌شود و در مدیریت‌های گذشته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز مشکل جدی پیدا نکرده است اعضای محترم هیأت نگرانی خود را از توقیف موقت ماهنامه کیان ابراز و از دبیر هیأت خواستند که مراتب نگرانی و تأسف هیأت محترم نظارت را از بابت توقیف موقت این نشریه به ریاست محترم دادگستری تهران منعکس نماید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نسیم جنوب

نام نشریه: نسیم جنوب

مدیرمسئول: یونس قیصی زاده

شعبه رسیدگی کننده: شعبه سوم دادگاه بوشهر

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۹

اتهام: تشویش اذهان عمومی

شاکی: شهردار بوشهر

رای دادگاه: باتوجه به رضایت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

خلاصه پرونده

در پی شکایت شهردار بوشهر، مدیرمسئول هفته نامه نسیم جنوب به دادگاه احضار شد.^۱ یونس قیصی زاده مدیرمسئول نسیم جنوب به دلیل چاپ مقاله ای تحت عنوان "مقصر بحران کانال های رفع آب های سطحی در سطح بوشهر، شهرداری بوشهر است" به جرم تشویش اذهان عمومی به دادگاه بوشهر احضار شد.

مدیرمسئول نسیم جنوب گفت: دکتر خلف پور روز ۵ آذرماه ۱۳۷۹ براساس احضاریه ناحیه انتظامی بوشهر جهت بازجویی در خصوص برهم زدن و تشنج در مراسم سخنرانی آقای مزروعی در سالگرد هفته نامه نسیم بوشهر احضار شد.

دکتر خلف پور در این جلسه به سؤالات مطروحه در این مراسم پاسخ داد. دکتر خلف پور در هنگام برگزاری جلسه از یکی از معترضان در جلسه پرسش و پاسخ با مزروعی از وی محترمانه درخواست نمود که به جای ایراد به سخنرانی، سؤال خود را مطرح نماید که بلافاصله از سوی عده ای از معترضان مورد حمله قرار گرفت.

رأی دادگاه

قبل از تشکیل جلسه دادگاه شهردار بوشهر نسبت به شکایت خود انصراف داد و دادگاه قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول نشریه نسیم جنوب را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته‌نامه حدیث قزوین

نام نشریه: حدیث قزوین

مدیرمسئول: تقی افشاری

شعبه رسیدگی‌کننده: شعبه هشتم دادگاه عمومی (قاضی طاهری)، دادگاه تجدیدنظر

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۱۰ توقیف

اتهام: توهین، افتراء، تشویش اذهان عمومی

شاکای: مدعی العموم (رئیس دادگستری قزوین)

رأی دادگاه: پرداخت جزای نقدی و تأیید حکم در دادگاه تجدیدنظر. نشریه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۹

رفع توقیف شد.

خلاصه پرونده

هفته‌نامه حدیث قزوین در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۸ توقیف و آقای تقی افشاری، مدیرمسئول آن بازداشت شد. آقای طاهری، رئیس شعبه ۸ دادگاه عمومی قزوین، اظهار داشت: هفته‌نامه حدیث براساس شکایت آقای کریمی‌راد، مدیرکل محترم دادگستری قزوین (به نمایندگی مدعی العموم) به لحاظ چاپ کاریکاتوری در هفته‌نامه حدیث مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲ شماره ۴۳ و همچنین چاپ مقاله‌ای تحت عنوان "قضاوت در پوشش سیاست" در همان تاریخ به جرم توهین و افتراء صریح به امر قضا و تشویش اذهان عمومی توقیف و مدیرمسئول آن احضار گردید. پس از آن‌که از آقای افشاری در این مورد توضیح خواسته شد، ایشان اظهار داشتند: «من تسلیم شکایت رئیس دادگستری هستم و به لحاظ مشکلات روحی ناشی از زندانی بودن فرزندم (علی افشاری از دفتر تحکیم وحدت) مطالب هفته‌نامه را قبل از چاپ رؤیت و مطالعه نکرده‌ام.»

آقای طاهری ادامه داد: «پس از تفهیم اتهام با قرار تأمین دو میلیون تومان آقای افشاری بازداشت موقت شدند. از طرفی نظر به این‌که تاکنون شکایات متعددی از هفته‌نامه حدیث به عمل آمده است و در دادگاه قبلی آقای افشاری متعهد به کسب رضایت از شاکیان قبلی خود بوده است، ولی تاکنون رضایت کتبی شاکیان را به دادگاه تسلیم نکرده است، دادگاه بعدی با حضور هیأت منصفه در تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ تشکیل خواهد شد و تا آن زمان هفته‌نامه در توقیف خواهد بود.»

جلسه دادگاه

جلسه دادگاه هفته‌نامه توقیف‌شده حدیث قزوین روز ۱۳۸۰/۲/۲۳ در شعبه هشتم دادگاه عمومی قزوین به صورت علنی برگزار شد.

در این جلسه که به ریاست علیرضا طاهری و با حضور هیأت منصفه برگزار شد، ابتدا نماینده مدعی العموم به طرح شکایت از این هفته‌نامه به خاطر چاپ یادداشت سردبیر و همچنین چاپ یک کاریکاتور پرداخت.

محمدباقر الفت افزود: جرائم افترا و توهین از جرائم عمومی بوده و باید دید که چاپ یک کاریکاتور و یا یک مقاله چه تأثیری بر روی افکار عمومی به وجود می‌آورد که متأسفانه کاریکاتور چاپ شده اهانت به دستگاه قضائیه تلقی شده است.

سپس تقی افشاری مدیرمسئول هفته‌نامه حدیث به دفاع از خود پرداخت و گفت: شغل روزنامه‌نگاری یک شغل سخت و زیان‌آور محسوب شده و به خاطر همین سختی معمولاً ممکن است اتفاقات و اشتباهاتی صورت بگیرد.

وی درباره چاپ کاریکاتور افزود: در این کاریکاتور به هیچ وجه قصد توهین به هیچ مقام قضایی نداشته و صرفاً هدف از چاپ آن فقط هشدار به مسئولان امر بوده است.

هفته‌نامه حدیث قزوین در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۸ کاریکاتوری را چاپ کرد که در آن نمای دستگاه قضایی (ترازوی عدالت) و در قسمت بالا فرد چاقی که بسته‌های پول در دست دارد و در پایین ترازو فرد لاغری به حالت خوابیده به تصویر کشیده شده بود.

رأی دادگاه

دادگاه پس از خاتمه رسیدگی مدیرمسئول نشریه را به پرداخت جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد. حکم صادره از سوی دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. مدیرمسئول نشریه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۹ پس از رفع توقیف، انتشار مجدد نشریه را آغاز کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه لرستان

نام نشریه: هفته نامه لرستان

مدیرمسئول: عباس دالوند

شعبه رسیدگی کننده: شعبه سوم و پنجم دادگستری استان لرستان، قاضی سیروس جووکی شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر، قاضی موسوی، قاضی قمی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۲۵

شماره دادنامه: ۲۱۶، کلاسه پرونده: ۶۴۱/۷/۸۰ ت

شماره دادنامه: ۱۰۸/۸۰، کلاسه پرونده: ۶۸۳/۵/۷۹ ک

شماره دادنامه: ۶۵/۸۱، کلاسه پرونده: ۱۶۳۹/۵/۸۰

اتهام: افترا، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، ایراد تهمت و اهانت به نهادهای قانونی و انقلاب اسلامی

شاک: دانشگاه پیام نور خرم آباد، شورای نگهبان، شش تن از نمایندگان استان لرستان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه لرستان، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی کشور، مدیر سابق شبکه بهداشت و درمان الیگودرز و مدعی العموم

رأی دادگاه: تحمل ۹ ماه و یک روز زندان، سه سال محرومیت از تصدی مسئولیت های مطبوعاتی، پنج سال محرومیت از حق نامزدی در شوراهای اسلامی شهر و شهرستان و مجلس شورای اسلامی.

دادگاه شعبه هفتم تجدیدنظر استان لرستان رأی دادگاه بدوی درخصوص نشر اکاذیب موضوع شکایت برخی شکات را نقض و قرار منع تعقیب صادر کرد و یکی از مجازات ها را به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی تبدیل کرد.

خلاصه پرونده

عباس دالوند مدیرمسئول هفته نامه لرستان ۲۵ بهمن ۱۳۷۹ با حکم رئیس شعبه سوم دادگستری استان لرستان با قرار کفالت یکصد میلیون ریال روانه زندان مرکزی خرم آباد شد.

قرار بازداشت مدیرمسئول هفته نامه لرستان پس از احضار وی به دادگاه و جلسه پنج ساعته

تفہیم اتهام توسط قاضی سیروس جودکی صادر شد.

جلسه تفہیم اتهام مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان به صورت علنی و با حضور جمعی از خبرنگاران و بدون حضور هیأت منصفه مطبوعات برگزار شد. در این جلسه عباس دالوند به دفاع از اتهامات وارده پرداخت.

جودکی قاضی شعبه سوم دادگستری استان لرستان در این جلسه گفت: براساس قانون مطبوعات، حضور اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات در جلسه بازجویی، تحقیقات و تفہیم اتهام الزامی نیست، ولی در جلسه محاکمه که به زودی تشکیل می‌شود، حضور آنان ضروری است. مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان قبل از انتقال به زندان در گفت‌وگو با ایرنا گفت: احضار به دادگاه یکشنبه شب به دستم رسید و در این مدت امکان تنظیم لایحه دفاعیه از اتهامات را نداشتم. عباس دالوند از قرار بازداشت موقت توسط قاضی جودکی اعتراض کرد و افزود: از آنجایی که امکان تبانی و پاک کردن جرم وجود ندارد، قرار بازداشت معنایی ندارد.

براساس حکم قضای جودکی انتشار هفته‌نامه لرستان به شرط عدم درج اخبار مربوط به احضار و محاکمه مدیرمسئول این هفته‌نامه بلامانع است ولی در صورت تخطی از آن، توقیف موقت این جریده صادر خواهد شد.

اولین جلسه دادگاه

دادگاه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات استان لرستان به صورت علنی در شعبه سوم دادگاه عمومی به ریاست قاضی سیروس جودکی برگزار شد. در ابتدای جلسه قاضی جودکی برخی اتهامات وارده به عباس دالوند را قرائت و از وی خواست تا از خود دفاع کند.

از عمده اتهامات مطرح شده در دادگاه شکایت حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی در خصوص نشر برخی مطالب کذب و نیز تهمت و افترا به این نیروی انتظامی بود.

دالوند در این خصوص گفت: نشر بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان لرستان و نیز خبر انتشار دستگیری چند تن از دانشجویان در مقابل دانشگاه توسط حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی که با لباس شخصی و هتک حرمت به دانشجویان همراه بود، تنها با هدف دفاع از حرمت دانشگاه و قداست دانشجویان صورت گرفته است. من به عنوان یک خبرنگار انتقاد از مسائل سیاسی را جزو حقوق قانونی خود می‌دانم و این حرکت نیروی انتظامی نیز دارای نکات انتقادی بوده است.

قاضی جودکی گفت: حقوق خبرنگاران در جامعه محترم است اما نباید آنان در کار نیروی

انتظامی که وظیفه اصلی آنان تأمین امنیت است، دخالت کنند. اگر پلیس نتواند در جامعه حضوری قوی داشته باشد، هرج و مرج به بار می‌آید و تضعیف آنان که ممکن است با افترا و تهمت همراه باشد، کار صحیحی نیست.

از دیگر اتهامات مطرح شده در خصوص مدیرمسئول نشریه لرستان شکایات چند تن از نمایندگان خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی بود که وی در نشریه خود آنان را نمایندگان متحجر و واپس‌گرا معرفی کرده بود.

دالوند در این خصوص گفت: من در برهه‌های مختلف علیه نمایندگان همه گروه‌ها صحبت کرده‌ام و هدف از انتقاد نیز اصلاح و کمک در روند سازندگی بوده است.

قاضی جوذکی در این باره گفت: آقای دالوند شما به نمایندگان در مطالب چاپ‌شده خود تهمت زده و بی‌حرمتی کرده‌اید و افترا با اصلاح متفاوت است.

در این جلسه همچنین برخی شکایات مدعی‌العموم در زمینه توهین به قوه قضائیه و نیز ارتباط دادن قوه قضائیه به یک جناح خاص مطرح شد.

دالوند در دفاع از خود گفت: این مطالب از قول یک شهروند لرستانی چاپ شده است. قاضی جوذکی گفت: چاپ و انتشار این حرف‌ها، مردم را در مقابل هم قرار می‌دهد و آن‌ها را ناامید می‌کند. قوه قضائیه مرجع رسیدگی‌کننده به جرائم است و نباید قضاتی را که از جان و دل خود برای رسیدگی کردن به جرائم مایه می‌گذارند ظالم جلوه داد.

دومین جلسه دادگاه^۱

در این جلسه که با حضور شکات و خبرنگاران برگزار شد، متهم به برخی از موارد اتهامی پاسخ گفت. قاضی گفت: شما (دالوند) در نشریه‌تان، حمله و سنگ‌پرانی به دانشجویان دفتر تحکیم در پلدختر را «جیره‌خواران کمیته امداد امام(ره)» و مشتاق «اراذل و اوباش» خواندید، چرا اهانت کردید؟ مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان گفت: حرفه روزنامه‌نگاری ایجاب می‌کند که برخی مطالب با صراحت عنوان شود، چون در این حادثه دانشجویان و حشیانه مورد هجوم قرار گرفتند و لازم بود ماهیت حمله‌کنندگان افشا شود.

قاضی در پاسخ گفت: حتی اگر حرفه روزنامه‌نگاری متضمن ایراد تهمت و فحش به افراد حقیقی و حقوقی شود؟

دالوند گفت: من قصد نداشتم در انتشار این مطلب کمیته امداد را هدف قرار دهم، مطلب چاپ

شده از تماس تلفنی یکی از شهروندان با هیأت تحریریه نشریه بوده و عین آن کلمات را چاپ کردم. دالوند سپس اهانت به کمیته امداد را پذیرفت ولی دفاع از این اتهام را به بعد موکول کرد. قاضی گفت: شما جریان دستگیری برخی متهمان حادثه خرم‌آباد را به پای سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی را گذاشتید و دستگیری را به آدم‌ربایی تشبیه و آن را غیرانسانی خواندید، درحالی‌که این سازمان مدعی است در دستگیری این افراد هیچ نقشی نداشته است. از خودتان دفاع کنید.

دالوند در پاسخ به اتهام آدم‌ربایی و انتشار مطالب کذب به قصد تشویش اذهان عمومی از سوی سازمان حفاظت ناجا گفت: این مطالب به نقل از بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه لرستان است، هرچند من به شکل و نحوه دستگیری متهمان که از اعضای این انجمن بودند گلایه و انتقاد دارم. من به جد از عملکرد نیروی انتظامی در جریان غائله خرم‌آباد دفاع می‌کنم و معتقدم اگر ناجا خوب عمل نمی‌کرد، دایره بحران بسیار گسترده می‌شد.

اتهام دیگر دالوند انتشار یک مطلب علیه سپاه منطقه لرستان بود که در آن این نهاد متهم شده که به زور اردوگاه دانش‌آموزی خرم‌آباد را که هم اینک به پادگان حمزه مشهور است، متصرف شده است.

مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان گفت: مدارک و اسناد این موضوع را که دال بر تصرف غیرقانونی سپاه است را به دادگاه ارائه خواهم کرد.

در ادامه این جلسه شکایت دانشگاه پیام نور بروجرد که قاضی آن را ایراد افترا و تهمت به این دستگاه عنوان نمود مطرح کرد ولی دالوند حاضر به پاسخگویی به این اتهام نشد.

قاضی گفت: مدعی العموم (دادگستری لرستان) در جدیدترین شکایت خود مدعی است که در شماره اخیر این نشریه که دو روز پیش منتشر شده، باز هم قوه قضائیه را با الفاظ رکیک مورد حمله قرار دادید، از خود دفاع کنید.

دالوند گفت: در موقع انتشار شماره ۳۷ این نشریه من در زندان بودم و طبیعی است که نظارت کافی در انتشار مطالب نداشتم.

قاضی گفت: من به شما تذکر داده بودم که در شماره جدید این نشریه مطالبی در مورد دادگاه رسیدگی‌کننده به اتهامات مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان منتشر نکنید، در غیر این صورت دستور توقیف موقت این جریده را صادر خواهم کرد، ولی شما به آن توجه نکردید و در صفحه نخست این هفته‌نامه هر چه خواستید نوشتید.

مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان گفت: هرچند من در زندان بودم و اشراف و نظارت روی مطالب

نداشتم، ولی کار حرفه‌ای همکاران خودم را می‌پسندم.
قاضی گفت: من الان می‌توانم دستور توقیف نشریه را صادر کنم، ولی باز هم به شما فرصت می‌دهم در دیدگاه‌های خود تجدیدنظر نمایید.
وی گفت: شما در شماره اخیر آقای منتظری را تبلیغ کردید که این خود خلاف است.
دالوند گفت: من اگر نوشتم یکی از تدوین‌کنندگان قانون اساسی آقای منتظری است، آیا این تبلیغ است یا بیان یک واقعیت تاریخی؟
قاضی پس از جلسه پنج ساعته تفهیم اتهامات مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان ختم آن را اعلام کرد.

رأی دادگاه

در خصوص اتهامات آقای عباس دالوند ۳۵ ساله مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان دائر بر انتشار مطالب کذب و اهانت‌آمیز افترا نسبت به رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان الیگودرز به شرح منعکس شده در پرونده و هجو وی در شماره‌های ۲۶ و ۲۴ هفته‌نامه و نشر اکاذیب و مطالب خلاف واقع نسبت به مأموران حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی به شرح مذکور در صفحه اول شماره ۲۹ هفته‌نامه و انتشار مطالب تخریبی و همراه با اهانت نسبت به نهاد کمیته امداد امام خمینی (ره) در شماره ۲۹ و درج و انتشار مطالب کذب و خلاف واقع نسبت به قوه قضائیه به قصد ایجاد تشویش در افکار و اذهان عمومی در شماره ۳۵ و ایراد افترا نسبت به قضات و مسؤولان قوه قضائیه و درج هجویات و مطالب توهین‌آمیز نسبت به قضات، نظر به شکایت آقای دکتر محمدباقر قاسمی فر رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز، شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، شکایت آقای مجید جوزایی نماینده حقوقی کمیته امداد امام خمینی (ره)، شکایت آقای ذبیح‌الله خدائیان به قائم مقامی از سوی رئیس حوزه قضایی لرستان ادله و اسناد و مدارک ابرازی و منعکس شده در پرونده و دفاعیات متهم در جلسات دادرسی و اعلام نظر هیأت منصفه‌ای که در محاکمات علنی حضور داشته و شاهد اظهارات شکات و دفاعیات و اظهارات متهم بوده‌اند و تشخیص مجرمیت متهم در کلیه موارد مذکور با اکثریت آرا از سوی اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات با توجه به اقرارهای صریح و یا تلویحی متهم در مواردی از اتهامات انتسابی از جمله ... بنده هم نسبت به این مطالب نسبت داده شده به قوه قضائیه نگران و متأسف هستم در اثر کثرت کار دقت لازم نشده، عمدی نبوده اگر متوجه می‌شدم جلوی چاپ آن را می‌گرفتم... باز هم می‌گویم ... هدفم تخریب قوه قضائیه نبوده است و اگر از این بابت لطمه‌ای به حیثیت دستگاه قضایی وارد شده

متأسفم ... و دفاعیات متهم در مقابل اتهامات وارده و شکایت رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز در جلسه دیگر دادرسی که اظهار نموده است. قبول دارم از محضر ایشان عذر می‌خواهم و تقاضای بخشش دارم....

نمی‌دانم چرا این مطالب در نشریه‌ها چاپ شده، قبول دارم در حق ایشان ظلم کرده‌ایم حالاً هم با ایشان صحبت می‌کنم و رضایت ایشان را جلب خواهم کرد. در هر حال تقاضای بخشش دارم حاضرم به هر شکلی جبران کنم در مورد ایشان هیچ دفاع دیگری ندارم. هفته‌نامه ما مقصر است مطالب تند و دور از اخلاق و موازین قانونی است حاضرم به هر شکلی که شده اعاده حیثیت شود... و انکارهای بعدی متهم در همین رابطه که در جلسه بعدی دادگاه در پایان دفاعیات خود در مورد شکایت رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز اظهار داشته است... به هر تقدیر جناب آقای جوذکی بنده هیچ جرمی ندارم در این ارتباط و دفاعیات غیرموجه دیگر متهم در مورد مطالب کذب و توهین آمیزی که به قوه قضائیه نسبت داده شده است اظهار می‌نماید... بله در این مقاله نوشته شده است... تا جایی که به یاد دارم این تیترو مربوط است به آقای دکتر گودرزی در بروجرد و پاسخ این مطالب را ایشان باید بدهد... النهایه نظر به دلایل ابرازی و دفاعیات متهم و اعلام مجرمیت متهم از سوی هیأت منصفه دادگاه مطبوعات، دادگاه مجرمیت آقای عباس دالوند را در کلیه موارد فوق‌الذکر محرز و مسلم دانسته مستنداً به بند ۸ و تبصره ذیل ماده ۶ و تبصره ذیل و ماده ۳۵ و بندهای ۱ و ۳ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب و تبصره ذیل ماده ۱۸ و مواد ۴۶ و ۴۷ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۷۰۰ از قانون مجازات اسلامی متهم مذکور را به جهت ایراد افترا نسبت به رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز، ایراد افترا نسبت به قضات و قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به تحمل یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و تحمل پنجاه ضربه شلاق و به جهت هجو قضات جمهوری اسلامی از طریق انتشار هجویات منظوم و هجو رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز به تحمل نود و یک روز حبس و به جهت انتشار مطالب کذب نسبت به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و کمیته امداد امام خمینی(ره) و قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران متهم مورد نظر را به تحمل شش ماه حبس تعزیری و تحمل چهل ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید و در خصوص شکایات سایر اشخاصی که تحت عنوان موکل... و به جهت اهانت به نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی اعلام شکایت نموده‌اند به جهت طرح موارد قانونی از سوی قائم مقام رئیس حوزه قضایی و رسیدگی وفق مقررات موضوعه دادگاه به جهت فقد سمت قانونی شکات ادعاهای ایشان را قابل استماع نمی‌داند. در خصوص شکایات هفت نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شرح

مذکور در پرونده و شکایت دانشگاه پیام نور شهرستان بروجرد و نماینده حقوقی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توجهاً به این که هیأت منصفه دادگاه مطبوعات متهم عباس دالوند را در هیچ یک از موارد مذکور مجرم ندانسته است مستنداً به قاعده کلی برائت و به دلیل عدم احراز سوءنیت متهم و توجه به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به برائت متهم از اتهامات انتسابی از سوی شکات اخیرالذکر صادر و اعلام می‌گردد و در خصوص توصیه هیأت منصفه دادگاه مطبوعات مبنی بر اعمال تخفیف در مجازات متهم با استفاده از اختیارات اعطایی قانون‌گذار در تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مطبوعات و بند ج همان تبصره و بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مدت یک‌سال از مجازات حبس و کلیه مجازات‌های شلاق مذکور در این دادنامه را به محرومیت متهم از تصدی مسؤولیت‌های مطبوعاتی به مدت سه سال از تاریخ قطعیت دادنامه تبدیل می‌نماید. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و در مرجع محترم تجدیدنظر استان لرستان است.

رأی دادگاه

درخصوص اتهامات آقای عباس دالوند ۳۶ ساله ساکن خرم‌آباد دائر بر اهانت به اعضای محترم شورای نگهبان و مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه و نقض تبصره ذیل ماده ۳ و بندهای ۵ و ۱۸ از ماده ۶ قانون مطبوعات جمهوری اسلامی نظر به محتویات پرونده هفته‌نامه شماره ۵۱ لرستان توجه به محتوای مقاله "ما را هم زندانی کنید چون مثل نمایندگان خود می‌اندیشیم"، مقاله "تقاضای برگزاری رفراندوم از سوی مجلس و تحصن عمومی مردم در حمایت از آن" و "از حاج عمران تا زندان" و... باتوجه به شکایت نماینده دادگستری لرستان و دفاعیات غیرموجه متهم در دادگاه و توجه به نظریه هیأت محترم منصفه دادگاه مطبوعات لرستان (اعلام مجرمیت متهم در همه موارد مذکور و عدم استحقاق هرگونه تخفیف) و اوضاع و احوال منعکس شده در پرونده، دادگاه نیز مجرمیت متهم را در موارد یادشده محرز و مسلم تشخیص داده مستنداً به تبصره ذیل ماده ۱۸ و ماده ۶۵۹ قانون مجازات اسلامی متهم را به جهت اهانت‌های مکرر به شورای محترم نگهبان و مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه به تحمل شش ماه حبس تعزیری با محاسبه ایام بازداشت قبلی و به جهت نقض بندهای ۵ و ۸ از ماده ۶ قانون مطبوعات مستنداً به ماده ۳۵ همان قانون و بند ب ذیل آن حکم به تعطیلی نشریه هفته‌نامه لرستان به مدت یک سال از تاریخ قطعیت این دادنامه صادر و اعلام می‌نماید. نظر به این که تعدادی از نسخه‌های هفته‌نامه شماره ۵۱ توسط این دادگاه جمع‌آوری شده است مستنداً به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی حکم به امحا و معدوم نمودن آن صادر و اعلام می‌نماید. نظر به سوابق متهم در چاپ و



انتشار مطالب اهانت‌آمیز نسبت به نهادهای قانونی جمهوری اسلامی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای محترم نگهبان و... اصرار به این اقدامات و نقض مکرر قانون مطبوعات به عنوان تفهیم مجازات مستنداً به مواد ۱۹ و ۲۰ از قانون مجازات اسلامی به لحاظ روحیات خاص و مخرب محکوم علیه وی را به مدت ۵ سال از حق نامزدی در شوراهای اسلامی شهر و شهرستان و استان مجلس شورای اسلامی محروم می‌نماید. پرونده نسبت به نویسندگان و سایر عوامل دست‌اندرکار هفته‌نامه مورد نظر مفتوح می‌باشد. رأی صادره ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در مرجع محترم تجدیدنظر استان لرستان می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی عباس دالوند مدیرمسئول هفته‌نامه لرستان نسبت به قسمتی از دادنامه شماره ۱۰۸/۸۰ شعبه پنجم دادگاه عمومی خرم‌آباد که به موجب آن تجدیدنظرخواه به اتهام ایراد افترا نسبت به رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز و ایراد افترا نسبت به قضات و قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به تحمل یک‌سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی و تحمل پنجاه ضربه شلاق و به اتهام هجو قضات جمهوری اسلامی از طریق انتشار هجویات منظوم و هجو رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان شهرستان الیگودرز به تحمل نود و یک روز حبس و به اتهام انتشار مطالب کذب نسبت به حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) و قوه قضائیه به تحمل شش ماه حبس و چهل ضربه شلاق محکوم و نهایتاً مجازات یک‌سال حبس و مجازات‌های شلاق مذکور در حکم یاد شده به محرومیت از تصدی مسؤلیت‌های مطبوعاتی به مدت سه سال تبدیل شده است. باتوجه به این‌که در پرونده امر اثری از شکایت مدعی خصوصی ذی‌سمت از جانب قوه قضائیه، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) موجود نیست و اشخاصی که به نمایندگی از حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) طرح شکایت نموده‌اند دلیل مثبت سمت خود را با وجود ابلاغ اخطاریه این دادگاه ارائه نکرده‌اند و سمت آنان در طرح دعوی از جانب سازمان‌های مزبور محرز نیست و باتوجه به نظریه هیأت منصفه مطبوعات که بدون ذکر تاریخ در صفحات ۳۹۴ پرونده بدوی ضبط گردیده است و در آن اتهام ایراد افترا و اهانت و نشر اکاذیب نسبت به قوه قضائیه به لحاظ عدم شکایت شاکی خصوصی غیرقابل استماع اعلام شده است، به ویژه آن‌که قسمتی از مطالب که تحت عنوان افترا و اهانت به قوه قضائیه در دادگاه بدوی به متهم پرونده به عنوان اتهام تفهیم گردیده است، مربوط به دادگاه ویژه روحانیت است که تشکیلات آن مستقل از قوه قضائیه

است و از جانب دادگاه مزبور شکایتی در پرونده مشاهده نمی‌شود. باتوجه به مفهوم تبصره ذیل ماده ۲۷ قانون مطبوعات که در آن مواردی که بدون شکایت مدعی خصوصی می‌توان به جرائم مطبوعاتی رسیدگی کرد احصاء شده است و هیچ‌یک از اتهامات منتسب به تجدیدنظرخواه در ارتباط با قوه قضائیه و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) در تبصره مذکور ذکر نگردیده است و نیز باتوجه به مقررات ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی که به موجب آن جرائم اهانت و افترا و نشر اکاذیب و هجو از جرائمی هستند که جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شوند. بنابراین جهات قانونی برای تعقیب تجدیدنظرخواه و شروع به رسیدگی به اتهامات منتسب به وی در مورد افترا و نشر اکاذیب، اهانت و هجو قضات و قوه قضائیه، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) وجود نداشته است. بنابراین رأی تجدیدنظرخواسته در قسمت مربوط به محکومیت تجدیدنظرخواه به اتهامات فوق براساس مواد ۶۵ و ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب نقض و قرار عدم تعقیب تجدیدنظرخواه صادر می‌شود. در خصوص قسمت دیگر از رأی تجدیدنظرخواسته داور بر محکومیت تجدیدنظرخواه به اتهام ایراد افترا و هجو رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان الیگودرز هرچند در شماره ۲۴ هفته‌نامه لرستان که در رأی بدوی ذکر شده است اثری از افترا و هجو رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان الیگودرز مشاهده نگردیده است اما باتوجه به مطالبی که در صفحه ۲۶ سال ۱۳۷۹ هفته‌نامه لرستان تحت عنوان "چرخ پوسیده رابطه‌بازی؟ از حرکت باز می‌ایستد" که دلالت بر ایراد افترا و هجو نسبت به رئیس سابق شبکه بهداشت و درمان الیگودرز دارد و باتوجه به نظر هیأت منصفه مطبوعات در این خصوص، موجبی جهت نقض رأی تجدیدنظرخواسته از حیث اصل محکومیت تجدیدنظرخواه وجود ندارد با این وصف باتوجه به این‌که عمل منتسب به تجدیدنظرخواه از مصادیق ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی یعنی ارتکاب فعل و امر دارای عناوین متعدد جرم است و باتوجه به اظهار نظر هیأت منصفه مطبوعات داور بر تخفیف در مجازات متهم و باتوجه به عدم سابقه کیفری متهم و وضع خاص تجدیدنظرخواه و رعایت مواد ۲۲ و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی به جای مجازات مقرر در حکم بدوی به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد. رأی تجدیدنظرخواسته در قسمت یادشده با اصلاح به عمل آمده در آن به استناد ماده ۲۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب تأیید می‌شود. این رأی قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه شمس تبریز

نام نشریه: شمس تبریز

مدیرمسئول: علی حامد ایمان

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات آذربایجان شرقی، جواد فرخ پی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۰/۲۸

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی علیه نیروی انتظامی، اخلال در نظم و امنیت

عمومی

شاکی: فرمانده بسیج مقاومت منطقه آذربایجان شرقی، نیروی انتظامی

وای دادگاه: پرداخت مبلغ دو میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت.

خلاصه پرونده

قاضی دادگاه مطبوعات آذربایجان شرقی ۲۸ دی ماه ۱۳۷۹ در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی، شاکی این پرونده مطبوعاتی را فرمانده بسیج مقاومت منطقه آذربایجان شرقی اعلام کرد. جواد فرخ پی گفت: مدیرمسئول نشریه شمس تبریز متهم است که در شماره ۷۳ این نشریه در مورخ سی ام خردادماه ۱۳۷۹ طی مصاحبه با رئیس دانشگاه تبریز به نقل از وی عنوان کرده که دانشجویان مضروب در حادثه ۲۰ تیرماه ۱۳۷۸ را به بازداشتگاه کمیته امر به معروف و نهی از منکر بسیج منتقل کرده اند.

همچنین در این مصاحبه به نابل از رئیس دانشگاه تبریز نوشته شده که بسیج دانشجویی دانشگاه تبریز در خصوص عدم شرکت دکتر عبدالکریم سروش در کنگره بزرگداشت علامه جعفری دخیل بوده است.

نظر هیأت منصفه

در جلسه دادگاهی که در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۲ با حضور هفت تن از اعضای هیأت منصفه مطبوعات استان تشکیل شد علی حامد ایمان مدیرمسئول این هفته نامه در خصوص شکایت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان به دفاع از خود پرداخت.

وی متهم است که در شماره ۷۳ این نشریه با درج مصاحبه‌ای از رئیس دانشگاه تبریز، بسیج را با القاب زشت و توهین‌آمیز یاد کرده و تهمت‌هایی ناروا به این نهاد نسبت داده است. پیش‌تر رئیس دانشگاه تبریز اظهارات منتسب به خود در این مصاحبه را تکذیب کرده بود. در پایان جلسه این دادگاه اعضای هیأت منصفه به اتفاق آرا مدیرمسئول این هفته‌نامه را مجرم تشخیص داده ولی وی را مستحق تخفیف دانستند.

رأی دادگاه^۱

دادگاه مطبوعات استان آذربایجان شرقی مدیرمسئول هفته‌نامه شمس تبریز را به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس در حق دولت محکوم کرد.

رأی این دادگاه پس از رسیدگی به شکایت فرماندهی منطقه مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی علیه علی‌حامد ایمان مدیرمسئول هفته‌نامه شمس تبریز مبنی بر نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی صادر شده است.

درخصوص اتهام دیگر مدیرمسئول هفته‌نامه شمس تبریز مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان علیه نیروی انتظامی تبریز در خصوص وقایع دانشگاه تبریز در نشریه شماره ۷۱ مورخ ۱۳۷۹/۳/۸ با توجه به اعلام گذشت شاکی دادگاه با استناد به ماده ۳۰ قانون مطبوعات قرار موقوفی تعقیب صادر کرده است.

در حکم دادگاه تصریح شده است که رأی صادره در مدت ۲۰ روز آینده از زمان ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های تجدیدنظر استان می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه پیک چاپ ایلام

نام نشریه: پیک ایلام

مدیرمسئول: محمدرضا مروارید

شعبه رسیدگی کننده: شعبه پنج دادگاه عمومی دادگستری ایلام

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۱۶

اتهام: هتک حیثیت

شاکی: آموزش و پرورش استان ایلام

رأی دادگاه^۱:

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی

نام نشریه: مهد آزادی

مدیرمسئول: سیدمسعود پیمان

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات استان آذربایجان شرقی، جواد فرخ پی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۱۹

اتهام: نشر اکاذیب و اضرار به غیر

شاکی: حسن باقری، مدیرعامل شرکت فرش دستباف چناران

رأی دادگاه^۱:

خلاصه پرونده

حسن باقری مدیرعامل شرکت فرش دستباف چناران شهر سردرود از نشریه مهد آزادی به دلیل چاپ نامه یکی از اهالی شهر سردرود از توابع شهرستان تبریز شکایت کرده است. مدیرمسئول مهد آزادی سیدمسعود پیمان چندی بعد در جلسه دادگاه پس از طرح شکایت از سوی شاکی پرونده، به دفاع از خود پرداخت. در پایان جلسه دادگاه اعلام شد: هشت نفر اعضای هیأت منصفه در مورد مجرم بودن و یا مجرم نبودن مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی رأی مساوی دادند. جواد فرخ پی قاضی دادگاه در خاتمه این جلسه گفت: حکم دادگاه تا یک هفته دیگر اعلام خواهد شد.

۱. رأی دادگاه به دست گردآورنده نرسید.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی

نام نشریه: مهد آزادی

مدیرمسئول: سیدمسعود پیمان

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات استان آذربایجان شرقی، قاضی موسی خلیل‌اللهی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۲۶

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی

شاکی: تعاونی مسکن بسیج تبریز

رای دادگاه: رای برائت صادر می‌شود.

جلسه دادگاه

دادگاه رسیدگی به اتهام صاحب امتیاز و مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات استان آذربایجان شرقی و به ریاست قاضی موسی خلیل‌اللهی در تبریز برگزار شد.

قاضی دادگاه اتهام سیدمسعود پیمان را نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با درج خبری با عنوان اعتراض اهالی روستای شادآباد علیه زمین‌خواری چاپ شده در این نشریه در دوم خردادماه ۱۳۷۸ اعلام کرد.

نماینده تعاونی مسکن بسیج تبریز به عنوان شاکی پرونده، در این دادگاه درج خبر یاد شده را زیر سؤال بردن حیثیت بسیج و عملکرد این تعاونی مسکن ذکر کرد.

مدیرمسئول روزنامه مهد آزادی در مقام دفاع از خود، با رد اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی گفت: آنچه مربوط به عمل کرد مهد آزادی است، نقل خبر اجتماع یک عده از اهالی روستای شادآباد بوده که معتقدند دو نفر دلال بدون اطلاع صاحبان املاک، آن‌ها را به شرکت تعاونی مسکن بسیج تبریز فروخته‌اند.

پیمان افزود: روزنامه حتی به دلیل پسوند کلمه بسیج و قداست آن، جانب احتیاط را رعایت کرده و وارد نحوه عملکرد شرکت نشده بنابراین خبر صحت داشته و اکاذیبی هم منتشر نشده است. دوم خرداد ۱۳۷۸ به دنبال آسیب دیدگی و خسارت به لوله نفت و هدر رفتن مقادیری از آن، تعدادی از

اهالی منطقه شادآباد در اطراف تبریز خواستار جلوگیری مسؤلان از ادامه کار تسطیح و آماده‌سازی زمین توسط شرکت تعاونی مسکن بسیج تبریز مبنی بر احداث و ساخت شهرک جدید شدند و این نشریه به منظور انعکاس خواسته‌های اهالی اقدام به درج خبر کرد.

نظر هیأت‌منصفه و رأی دادگاه

پس از استماع سخنان شاکی و دفاعیات متهم، هیأت‌منصفه وارد شور شد و مدیرمسؤل روزنامه مهد آزادی را مجرم تشخیص نداد.

قاضی شعبه ۳۸ دادگاه عمومی تبریز براساس نظر هیأت‌منصفه رأی برائت مدیرمسؤل را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه امین زنجان

نام نشریه: امین زنجان

مدیرمسئول: جعفر کرمی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه پنجم دادگستری استان زنجان، ناصری

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۱/۲۵

اتهام: توهین به امام جمعه، ستاد اقامه نماز جمعه و نمازگزاران زنجان

شاکی: ستاد اقامه نماز جمعه

رای دادگاه: رای برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

در این جلسه که به ریاست ناصری رئیس شعبه پنجم دادگستری زنجان برگزار شد، اتهامات مدیرمسئول هفته نامه امین زنجان توهین به امام جمعه، ستاد اقامه نماز جمعه و نمازگزاران زنجان اعلام شد.

در ادامه جلسه وکیل شاکی به طرح شکایات خود پرداخت و سپس کرمی مدیرمسئول نشریه امین زنجان به دفاع از خود پرداخت.

در پایان جلسه دادگاه هیأت منصفه پس از استماع دفاعیات مدیرمسئول نشریه امین زنجان وارد شور شد و با اکثریت آرا متهم را از اتهامات وارده مبرا دانست.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه نوید آذربایجان

نام نشریه: نوید آذربایجان

مدیرمسئول: مهران تبریزی

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه ارومیه

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۲

اتهام: چاپ تصویر خلاف عفت عمومی

شاکلی: ناحیه مقاومت بسیج سپاه آذربایجان غربی

رأی دادگاه: پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت.

خلاصه پرونده

دادگاه مدیرمسئول هفته نامه نوید آذربایجان که قرار بود در ارومیه برگزار شود، به دلیل به حد نصاب نرسیدن اعضای هیأت منصفه مطبوعات تشکیل نشد.

مهران تبریزی مدیرمسئول این هفته نامه پس از خروج از دادگاه با اعلام این مطلب، در خصوص اتهامات خود گفت: با شکایت ناحیه مقاومت بسیج سپاه آذربایجان غربی به دادگاه مطبوعات احضار شدم.

در شش ماه دوم امسال تاکنون با شکایت های انجام شده چهار بار به دادگاه احضار شده ام. تبریزی اضافه کرد: در دو مورد با ضمانت اشخاص با وجه الضمان ده میلیون ریال و در یک مورد نیز با قرار التزام ده میلیون ریال از سوی قاضی دادگاه آزاد شدم. وی یادآور شد که شکایت های دیگری نیز علیه هفته نامه نوید آذربایجان مطرح است که در اسفندماه و در ماه اول سال ۸۰ دادگاه آن تشکیل خواهد شد.

رأی دادگاه^۱

مدیرمسئول نشریه نوید آذربایجان چاپ ارومیه به جرم چاپ تصویر خلاف عفت عمومی از

۱۵۴۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

سوی دادگاه ارومیه به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی به نفع صندوق دولت محکوم شد. این نشریه در تازه‌ترین شماره خود ضمن درج خبر فوق نوشته است نامبرده از اتهام دیگر در ارتباط با چاپ مطلبی با عنوان جوانان دنبال چه می‌گردند در یکی از شماره‌های سال ۱۳۷۹ تبرئه شده است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه آبان

نام نشریه: آبان

مدیرمسئول: محمدحسن علیپور

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران، قاضی عبدالنبی ملاحزاده، قاضی قره شیخ بیات شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر قاضی محمد علیزاده اشکلک و قاضی قاسم اصحابی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۲/۴ الی ۱۳۷۹/۱۲/۱

شماره دادنامه: ۵۳۵، کلاسه پرونده: ۱۲۵/۱۴۱۳/۷۹ -

شماره دادنامه: ۶۷۳، کلاسه پرونده: ۱۸۹-۸۰/۴/۳۰

اتهام: تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب، توهین به مقدسات، توهین به امام و اشاعه فساد، تبلیغ به نفع

گروه های غیرقانونی، توهین به شورای نگهبان، تضعیف قوه قضائیه

شاک: مدعی العموم، دفتر حقوقی سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، شکایت رئیس دوم

دادگاه انقلاب زنجان

رأی دادگاه: دو سال حبس که یک سال آن به پنج سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و شش ماه آن

نیز به ده میلیون ریال جزای نقدی تبدیل شد. لغو امتیاز هفته نامه.

حکم لغو امتیاز و شش ماه حبس در دادگاه تجدیدنظر نقض شد و نشریه از ۱۳۸۰/۴/۳۰

مجدداً منتشر شد.

توقیف نشریه

در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۴ هفته نامه آبان از سوی شعبه ۱۴۱۳ توقیف شد. در نامه ای که از سوی قاضی

ملاحزاده به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته شده است، آمده: از

آنجا که پرونده اتهامی مدیرمسئول هفته نامه آبان آقای محمدحسن علیپور جهت رسیدگی به این

شعبه ارجاع گردیده با توجه به شکایات وارده که از محتویات پرونده اصرار روزنامه مذکور به تخلف

از مقررات مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مستفاد است لذا به منظور پیشگیری از

وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار جامعه

می باشد به استناد ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و بند ۵ اصل ۱۵۶

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محاکم عمومی مجری وظایف مذکور هستند دستور توقیف موقت انتشار نشریه مذکور صادر و اعلام، مقرر است از انتشار نشریه فوق تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آید. هرگونه تخطی از دستور فوق ترمذ از دستور قضایی محسوب می‌گردد.

اولین جلسه دادگاه

دادگاه هفته‌نامه آبان در نیمه اول اسفند ۱۳۷۹ یعنی نه ماه پس از توقیف برگزار شد. در این جلسه نماینده مدعی العموم گفت: ریاست محترم دادگاه، اعضای محترم هیأت منصفه، هفته‌نامه آبان که آقای محمدحسن علیپور مدیرمسئول و صاحب امتیازی آن را داراست زیر نظر شورای سردبیری و با مشی سیاسی-اجتماعی فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز نمود. هفته‌نامه آبان از آغاز فعالیت مورد توجه طیف‌های خاصی که به دنبال طرح مباحث تئوریک سیاسی-فرهنگی علیه نظام جمهوری اسلامی می‌باشند قرار گرفته و موضعی جانبدارانه در مقابل گروه‌های غیرقانونی مثل جبهه ملی، نهضت آزادی و افراد وابسته به جریان‌های ملی و مذهبی داشته به نحوی که گویی به ارگان تبلیغی آنان تبدیل شده است و علیه اصولی از قانون اساسی خصوصاً اصول مربوط به اختیارات رهبری و جایگاه ولایت فقیه، قلم‌فرسایی و مطالبی را منتشر می‌نمایند.

آقای مدیرمسئول در اظهارنظری که در رابطه با قانون اساسی نموده و در یکی از شماره‌های هفته‌نامه آبان به چاپ رسیده این‌گونه می‌گوید: در قانون اساسی ما ابهاماتی در مورد حقوق شهروندان و اختیارات رهبری وجود داشت که در بازنگری این ابهامات رفع نشده است، حتی لفظ مطلقه برای منصب ولی فقیه اضافه شده است. به بیان دیگر ما در تدوین یک قانون اساسی فراگیر و مدافع حقوق شهروندان یک گام به عقب رفته‌ایم و یا در خصوص موقعیت رهبری می‌گوید: اصولاً حکومت فردی به استبداد منجر می‌شود. فقیه شرط عصمت و علم غیب را از نظر شیعه ندارد و بعضی می‌گویند از رهبر نمی‌شود انتقاد کرد نظر شخصی و غیرمسئولانه است. باید تأکید کرد اختیارات رهبری که در قانون اساسی آمده به یازده مورد محدود شده است.

هفته‌نامه آبان به ویژه در یک‌سال اخیر تلاش فراوانی برای طرح و تبلیغ گروه‌هایی چون نهضت آزادی، حزب ملت و حزب پان‌ایرانیست مصروف داشته است که این موضوع را در شماره‌های ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰ و ۱۲۱ می‌توان مشاهده کرد که این امر با توجه به نامه حضرت امام خطاب به آقای محتشمی غیرقانونی و خلاف قانون مطبوعات می‌باشد. لذا اقدام مدیرمسئول هفته‌نامه آبان در چاپ و انتشار مواضع و بیانه‌های نهضت به اصطلاح آزادی چون براساس نظرات حضرت امام (ره) تبلیغ و ترویج مطالب گروه‌های منحرف و

مخالف اسلام می‌باشد، برطبق بند ۹ از ماده ۶ قانون مطبوعات ممنوع و حسب تبصره ۲ از همان ماده و براساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، مدیرمسئول قابل تعقیب می‌باشد. لذا در این خصوص مجازات نامبرده مورد تقاضا می‌باشد.

۱. هفته‌نامه آبان به قلم آقای علیپور در شماره مورخ ۱۳۷۹/۱/۳ تحت عنوان "فضای تیره برای اصلاح‌طلبان" آورده است: بحران آفرینی‌های پی‌درپی علیه اصلاح‌طلبان و مشخصاً دولت خاتمی را می‌توان نشانه ناشکیبایی و سرسختی اقتدارگرایان علیه روند اصلاح‌طلبی و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی ایران دانست.

جنجال آفرینی‌های گسترده اخیر پیرامون کنفرانس برلین و تحریک احساسات برخی نهادهای حساس رسمی و مذهبی و لایه‌های سنتی جامعه علیه اصلاح‌طلبان و در نهایت تهدیدات و اقدامات غیرقانونی نهادهای قهریه و قضائیه در پی اظهارات تحریک‌آمیز برخی مقامات علیه مطبوعات مستقل و اصلاح‌طلب، وضعیت مهم‌ترین رکن توسعه سیاسی ایران را در وضعیت تهدیدآمیزی قرار داده است. اقتدارگرایان در شرایط فعلی بدون بهره‌گیری از نیروهای خشونت و سرکوب خود، با تغییر قانون مطبوعات در مجلس، هر نشریه‌ای را در هر مرحله‌ای و در هر دادگاهی می‌توانند توقیف و به بهانه‌های خود ساخته امنیتی، دینی و... تعطیل کنند.

۲. آقای علیپور مدیرمسئول در یادداشت مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۳ تحت عنوان "حاکمیت غیردموکراتیک، گسترش اختیارات" این‌گونه نوشته است: طی دو سال گذشته با شیوه‌های مختلف غیرقانونی به مطبوعات اعمال فشار شده است. حمله مستقیم برخی مقامات درجه اول کشور به مطبوعات و ایجاد جو روانی و فضایی غبارآلود برای مطبوعات جامعه مدنی، متهم کردن مطبوعات به دین‌ستیزی و اقدامات ضدانقلابی، حمله گروه‌های فشار به دفاتر مطبوعات و ضرب و شتم دست‌اندرکاران مطبوعات و... از جمله این اعمال فشارها بوده است.

۳. آقای علیپور در یادداشت ۱۳۷۸/۴/۲۶ در صفحه اول تحت عنوان "سایه‌های امنیتی گروه‌های فشار" این‌گونه آورده است: این گروه از نظر سیاسی وابسته به جناح محافظه کار حاکمیت است. گروه‌های فشار که در ایران دارای پسوندهای حزب‌الله، ولایت و... هستند، خود را به رهبری منتسب می‌دانند. حضور برخی از اعضای این گروه‌ها در جبهه‌های جنگ و وابستگی به جناح محافظه کار، آن‌ها را از چنان قدرتی برخوردار کرده است که به‌رغم قانون شکنی‌های آشکار و مکرر در سال‌های گذشته، این گروه‌ها را در سایه امنیتی مستحکمی قرار داده است. تاکنون دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و قضایی که تحت نفوذ محافظه کاران هستند، نه تنها برای برخورد با آن‌ها اقدامی نکرده‌اند، بلکه اقدامات گروه‌های فشار در سایه امنیتی ایجاد شده توسط این نهادها صورت می‌گیرد.

۴. هفته‌نامه آبان در شماره ۱۳۷۸/۱۰/۲۵ در مطلبی تحت‌عنوان «بازگشت به تجربه شکست‌خورده گزینش» نوشته: در تمام طول دهه شصت و اندکی بعدتر، تمام دانش‌آموزان دبیرستان‌ها می‌دانستند که برای ورود به دانشگاه می‌بایست در راهپیمایی‌ها شرکت کنند، در ساعت نماز به نمازخانه بروند و شناسنامه‌های آنان به مهر انتخابات مهور باشد. زمانی در نیمه نخست دهه شصت که تنور پاکسازی گرم بود و هر کارمند و معلمی توانست به کوچک‌ترین بهانه پاکسازی شود، آنان به فراست دریافته بودند که برای گریز از چنبره پاکسازان می‌بایست در نماز جمعه دیده شوند و اصول احکام خویش را نیک بدانند و البته باید در همه این احوال ظاهر خود را به مشرعان اعم از رئیس انجمن، امور تربیتی و امام جماعت مسجد، که در آن زمان به آن‌ها معرف گفته می‌شد، بنمایانند.

۵. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۴ در مقاله‌ای تحت‌عنوان «مجلس فرمایشی یا دموکراتیک» آورده است: بعد از آن‌که انقلاب پیروز شد، نخستین تعرض متوجه حقوق شهروندی زنان شد. سلب آزادی انتخاب پوشاک از آن‌ها و محرومیت از حق قضاوت آغازگر دورانی بود که روشن‌بینان، آن را شروع یک تهاجم وسیع برای نفی فلسفه وجودی انقلاب ارزیابی کردند. بلافاصله بعد از انقلاب تا سال‌ها حقوق شهروندی به فراموشی سپرده شد. فعال شدن زندان‌ها به بهانه مبارزه با ضد انقلاب، حضور فعالان و مبارزان سیاسی در مصاحبه‌های تلویزیونی که با تضرع توبه و ابراز ندامت می‌کردند، و... سرانجام تبدیل به دیواری شد که شهروند و دولت در دو سوی آن از یکدیگر جدا ماندند.

۶. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۰ در مقاله‌ای تحت‌عنوان «قانون محدودیت آزادی بیان» آورده است: قانون اساسی نظام جمهوریت را برای کشور تعیین کرده و آن را قابل تغییر نمی‌داند، اما اخیراً قرائت‌های تازه‌ای در مورد «فلسفه سیاسی اسلام» در تریبون‌ها و رسانه‌های رسمی طرح می‌شود که از اساس با بعد جمهوریت نظام مغایر است و در واقع تبلیغ تئوری «حکومت اسلامی» است که در چند قرن حکومت امویان و عباسیان به‌عنوان نظام خلیفه‌گری - اسلامی - شناخته شده است. ...

پیش‌بینی می‌شود که با تغییر ترکیب هیأت نظارت و هیأت منصفه و دخالت جناح سنتی اقتدارگرا در مطبوعات، فعالیت حرفه‌ای مطبوعات در ایران با چالش‌های اساسی و محدودیت‌های ویژه‌ای برای صدور پروانه انتشار مواجه شود. نشریات فعال جامعه مدنی نیز به تدریج تحت فشار و محدودیت قرار خواهند گرفت و محکوم به توقیف یا لغو پروانه انتشار خواهند شد....

۷. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۷ تحت‌عنوان «پرسش‌هایی از انقلاب ۵۷»

آورده است: واقعیت آن است که هنوز انقلاب، پس از گذشت این دوره طولانی، در تحقق برخی میثاق‌های نخستین خود، توفیق چندانی نداشته است. با نگاهی گذرا درمی‌یابیم که هنوز آزادی بیان و اندیشه در این ملک نهادینه نشده است، تقدیس خشم به انحاء روش‌ها با ادله و براهین آرمانی و مذهبی دیده می‌شود و عجا که پس از گذشت ۲۰ سال، اکنون توسل به شیوه‌هایی چون ارتداد و تکفیر، که کم‌تر نمونه‌ای در تاریخ انقلاب داشت، به عیان به چشم می‌خورد.

۸. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۰ در صفحه سوم تحت عنوان "شوراها، نظارت استصوابی؛ جمهوریت ناقص در ایران" آورده است: متأسفانه به‌رغم این‌که نظارت استصوابی در مجلس تصویب نشد، اما این هیأت "خودسرانه" برای خود حق نظارت استصوابی قائل شده و صلاحیت عده زیادی را رد کرده است. این عملکرد هیچ‌گونه توجیه قانونی ندارد و فقط حکایت از روحیه قیم‌مآبی این گروه دارد.

این اتفاق یک پیام دیگر را هم دارد و آن این است که اگر نظارت استصوابی بخواهد مستقر شود، چه پیامدهای مفسده‌انگیزی خواهد داشت. این رفتاری که هیأت‌های نظارت از خود بروز داده‌اند، خودش آزمایشی است که نشان‌دهنده پیامدهای منفی نظارت استصوابی می‌باشد.

۹. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۳/۱ در صفحه یک تحت عنوان "پیام گروه‌های فشار: وضعیت تغییر نکرده است" آورده است: آن‌ها همچنین می‌خواسته‌اند این پیام را به جامعه منتقل کنند که با تمامی وجود با استقرار یک دولتی که بخواهد حق تعیین سرنوشت را برای مردم قائل شود، مقابله خواهند کرد.

نکته دیگر، تقارن حمله گروه‌های خشونت به همایش بزرگداشت زادروز دکتر مصدق، با بالا رفتن سطح نمایندگی انگلیس در ایران است. این حمله، هدیه بزرگی به سفیر انگلیس می‌باشد، چرا که دکتر مصدق مردی بود که استعمار انگلیس را وادار به پذیرش شکست بزرگ کرد.

۱۰. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۳/۱ صفحه یک در یادداشت "قانون‌مندی نظارت" به قلم آقای مدیرمسئول آورده است: نظارت نهادهای رسمی از قبیل شورای نگهبان در ارتباط مستقیم با حقوق شهروندان است. فرآیند نظارت در شورای نگهبان نباید ناقض حقوق اساسی شهروندان باشد. رد صلاحیت نامزدهای انتخابات بر پایه درجه‌بندی و خودی-غیرخودی کردن آن‌ها و محرومیت نامزدها از حقوق اولیه سیاسی‌شان است.

نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نظارتی سنتی و اساساً ناکارآمد است. فرآیندهای قانونی در اعمال چنین نظارتی رعایت نمی‌شود. به همین دلیل در انتخابات متعددی، تصمیمات این شورا در اعمال نظارت، رد صلاحیت کاندیداها و... فضای سیاسی جامعه را پراشته و بحران‌زا کرده است.

۱۱. هفته‌نامهٔ *آبان* در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۲/۵ صفحهٔ دو مبادرت به چاپ نامهٔ همسر یکی از محکومین تحت عنوان "از تاریخ درس بگیرید" می‌نماید. در بخشی از این نامه این‌گونه آمده است: اگر دادگاه تجدیدنظر دادستانی ویژهٔ روحانیت غیر از این حکم را می‌داد ما متعجب می‌شدیم، نه الان که حکم را تأیید کرده است. از ابتدا پیدا بود که این قضیه یک حرکت سیاسی است تا یک کار قضایی، و این مسأله روزبه‌روز دارد آشکارتر می‌شود. تا در جامعه امنیت قضایی نباشد، شهروندان آن جامعه رنگ سعادت را نخواهند دید. وقتی قضاوت زنگار سیاست می‌گیرد، عدالت کمر خم می‌کند. اقلیت تمامیت خواه عجز خود را در مبانی نظری و عرصه علمی با داغ و درفش و حبس جبران می‌کند.

۱۲. هفته‌نامهٔ *آبان* در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲ در بخش ستون نهادهای مدنی در قسمت "نهضت آزادی و انتخابات مجلس" این‌گونه آورده است: حاکمیت باید [...] مردم را محجور و نیازمند قیم نداند و با تمکین از اصل حاکمیت ملت در قانون اساسی، تفسیر نادرست شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی را تحت عنوان نظارت استصوابی، که فاقد وجاهت قانونی و مقبولیت عمومی است، لغو نماید.

۱۳. هفته‌نامهٔ *آبان* در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۱ مطلب "ضرورت استیفای حقوق شهروندی در ایران" به قلم آقای محمدحسن علیپور (مدیرمسئول) نوشته است: در بخشی از نهادهای قضایی جمهوری اسلامی، حقوق متهمان به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. اتهامات سیاسی که باید در دادگاه‌های علنی سیاسی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود، در دادگاه انقلاب و یا دادگاه غیرقانونی ویژهٔ روحانیت رسیدگی می‌شود. متهمان سیاسی دادگاه‌های انقلاب هنوز از ابتدایی‌ترین حقوق خود یعنی حق انتخاب وکیل، محاکمه علنی و... محروم هستند.

۱۴. در هفته‌نامهٔ *آبان* شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۴ در صفحهٔ یک تحت عنوان "سرמשق: قتل‌های زنجیره‌ای، مشق: حمله به کوی دانشگاه" آمده است: اما انتخابات اخیر نشان داد که این مطالبات ریشه در عمق جامعه دارد و اگر مردم ببینند پس از چند «نه» گفتن به بخشی از حاکمیت، به جهت عملکرد گروه‌های خشونت‌طلب، اصلاحات به نتیجه‌ای نمی‌رسد، به کل حاکمیت «نه» خواهند گفت. وقتی تعداد زیادی از دانشجویان را دستگیر و آن‌ها را آزار می‌دهند و از آن‌ها تعهد می‌گیرند که شکایت خود را در جایی طرح نکنند و از سوی کانون‌های مختلف نیز تهدید می‌شوند، نتیجهٔ طبیعی آن است که فقط چند نفر امکان آن را می‌یابند که شکایت خود را مطرح کنند.

۱۵. هفته‌نامهٔ *آبان* در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳ تحت عنوان "با زندان و تبعید کارتان پیش نمی‌رود" نوشته: من به مقوله‌ای به نام تهاجم فرهنگی قائل نیستم. فکر می‌کنم طرح این مسائل نشان ضعف است. کسانی دغدغه و نگرانی از تهاجم دارند که ناتوان هستند و توان آفرینش و

همپایی با مقتضیات جامعه رو به رشد را ندارند. بنابراین، با هر چیزی که متفاوت است و امنیت آن‌ها را به هم می‌زند، امنیت ذهنی و فکری آن‌ها را نابود می‌کند، با بدگمانی برخورد می‌کنند. برخی صحبت از تهاجم فرهنگی می‌کنند، ولی خودشان در فکر این هستند که افکار خودشان را به همه جا نفوذ بدهند. یک بام و دو هوا که نمی‌شود.

۱۶. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۷ در موضوع "آرامش سیاسی" آورده است: ثبات و امنیت یک کشور این نیست که قدرت و حکومت برای همیشه در دست‌های یک فرد یا گروه و قبیله باقی بماند یعنی اندیشه‌ای که حاکم بر طرز فکر حاکمان کنونی است. تغییر و جابه‌جایی قدرت نشانه بی‌ثباتی نیست، به شرطی که به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و قانونمند و با روش‌های دموکراتیک انجام گیرد. ثبات کشور به وجود آرامش و سکوت قبرستانی نیست. به این نیست که حزب و گروه مخالفی نباشد و جراید آزادانه انتقاد نکند و از راه شکستن قلم‌ها، بستن دهان‌ها و بریدن زبان‌ها و زندانی کردن آزادیخواهان تأمین نمی‌شود.

۱۷. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۷ در ستون "نهادهای مدنی" این‌گونه آورده است: امسال را سال امام نامیده‌اند، اما چگونه می‌توان باور داشت درحالی که در همین سال فقیهی خشونت‌ستای که تبلیغ درست دین خود را تبلیغ بعد خشن آن می‌داند، بر صدر نشیند و متکلم و فقیهی دیگر که نگاه‌های سلطنتی به مقولات حکومتی از جمله ولایت فقیه را محکوم و خلاف نظر امام می‌شمارد در کنج زندان به سر برد؟

۱۸. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۶ در مطلبی "پیرامون حمله خشونت‌طلبان به دانشگاه" آورده است: ریشه‌ها از آنجا شروع شد که جناحی در حکومت فهمیدند برای حکومت کردن منطق ندارند و خود را "مستأصل" دیدند، لذا دست بر "مسلسل" بردند. پس از روی کار آمدن خاتمی بی‌منطقی آن‌ها روشن‌تر شد. این‌ها طی سال‌های گذشته تمام مقدسات، حج، زیارتگاه‌ها، نماز جمعه، دین مردم و... را خراج کردند و چیز دیگری نداشتند خرج کنند. بنابراین، به "گلوه" روی آوردند و به خراج آن پرداختند. ریشه در "قدرت‌طلبی"، "بی‌منطقی" و "خرج مقدسات" است.

۱۹. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۶ مطلبی به‌عنوان "دین مردم چگونه متزلزل می‌شود"، آورده است: سخن گفتن از تزلزل دین در میان مردمان و خود را ضمناً عامل نجات دین معرفی کردن از دیدگاه دینی چندان سراسر نیست نمی‌آید، چون از نگاه کلامی، به صراحت در متن دین آمده است که خداوند خود حافظ دین است و علی‌رغم همه عوامل متزلزل‌کننده، دین باقی خواهد ماند.

آن‌ها که معتقدند در حال حفظ دین مردم هستند چه می‌کنند؟ اول آن‌که در حیطة گزینش‌ها،

گروهی از شهروندان را از تحصیل یا کسب شغل محروم می‌کنند، دوم آن‌که بر سر چهارراه‌ها جوانان را در خودروهایی سوار کرده و از آن‌ها یا والدینشان تعهد گرفته و آن‌ها را آزاد می‌کنند، سوم آن‌که در گروه‌های ممیزی آثار مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را ممیزی می‌کنند، چهارم آن‌که گروهی از شهروندان را از انتخاب شدن محروم می‌کنند، پنجم آن‌که گروه‌هایی از شهروندان را از فعالیت رسانه‌ای محروم می‌کنند، ششم آن‌که برخی شهروندان را بازداشت و محاکمه می‌کنند تا دین افراد را متزلزل نکنند، هفتم آن‌که گروهی را به ارتداد و کفر متهم می‌کنند تا از صحنه فکر و عمل یا صحنه عالم حذف شوند، هشتم آن‌که اجتماعات قانونی برهم زده می‌شوند و [...] باید در یک نظرسنجی علمی که لازم است سالانه تکرار شود دید که آیا روش‌های فوق در حفظ دین مردمان مؤثر بوده‌اند یا خیر؟

۲۰. هفته‌نامهٔ آبان در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۶ صفحهٔ سوم در «ستون خوانندگان» به نقل از شخصی از دزفول این‌گونه آورده است: یکی از آرمان‌های انقلاب تحقق خواست مردم است. مگر علل تحرکات دانشجویی غیر از شنیدن صدای پای استبداد چیز دیگری می‌تواند باشد؟

اندیشمندی همانند کدیور را به زندان انداختن، طناب دار برای دکتر سروش آوردن، طرح به اصطلاح اصلاح قانون مطبوعات را علی‌رغم میل باطنی مردم به تصویب رساندن، درب روزنامه‌های زن و سلام را به وسیلهٔ نهادی که هیچ صلاحیت قانونی ندارد، تخته کردن و از مسؤولان فرهنگی و مطبوعاتی کشور وثیقه گرفتن، کتمان کردن تصویر و نام قاتلان نویسندگان، آیا این کنش‌ها واکنشی را در پی نخواهد داشت؟ طبیعی است فشار همیشه نمی‌تواند استمرار داشته باشد.

۲۱. هفته‌نامهٔ آبان در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۴/۵ در مطلبی تحت عنوان «کس نداند چه می‌گذرد» ضمن چاپ بیانیه غیرقانونی اتحادیه حزب‌ها و نیروهای ملی و مذهبی، حزب مردم، حزب ملت، این‌گونه آورده است: خشونت و استفاده از اوباش پدیده تازه‌ای نه در جهان و نه در ایران است. آن‌گاه که قدرت حاکمه در برابر منطق و اندیشه به بن‌بست می‌رسد چوب و چماق و زنجیر و گاه چاقو و اسلحهٔ گرم و... به میدان می‌آید؛ و آن‌گاه که پاسخی در برابر ندانم‌کاری‌ها و پنهان‌کاری‌ها و نامحرم بودن ملت وجود نداشته باشد، حذف فیزیکی و ضرب و جرح و بگیر و ببندها به میدان می‌آید.

۲۲. هفته‌نامهٔ آبان در شمارهٔ مورخ ۱۳۷۸/۳/۸ در قسمت نهادهای مدنی، ضمن چاپ غیرقانونی بیانیهٔ نهضت آزادی آورده است: معلوم نیست که چه کسانی و با چه تحلیل‌هایی توانستند رهبر فقید انقلاب و گردانندگان کشور را نسبت به ادامهٔ جنگ و وارد شدن نیروهای ایرانی به خاک عراق قانع کنند، که نتیجهٔ آن ائتلاف بیش‌تر منابع ارزندهٔ ملت‌ها و کشورهای ایران و عراق و چند کشور مسلمان دیگر منطقه، عدم دریافت غرامت و زیان‌های دیگری بود.

۲۳. هفته‌نامه آبان در شماره مورخ ۱۳۷۸/۴/۵ در مطلبی به‌عنوان "قتل‌های زنجیره‌ای همچنان در پرده ابهام" آورده است: اما یادآوری این نکته ضروری است که اگر فشار مطبوعات جامعه مدنی در پیگیری و افشای قتل‌های زنجیره‌ای نبود، هیچ ضمانتی نبود که این پرونده همانند پرونده قتل‌های سیاسی در سال‌های گذشته به فراموشی سپرده نشود.

با عنایت به مستندات مذکور نظر به این‌که اقدام مدیرمسئول هفته‌نامه آبان در چاپ و انتشار مطالب فوق، همچنین تبلیغ به نفع گروه‌های غیرقانونی برخلاف قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی می‌باشد، لذا مجازات مدیرمسئول هفته‌نامه آبان را برطبق مواد ۵۰۰، ۵۱۳، ۵۱۴ و ۶۹۸ از قانون مجازات اسلامی و بند ۲، ۷ و ۹ از ماده ۶ ناظر به تبصره ۲ از قانون مطبوعات مورد تقاضا می‌باشد.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه مدیرمسئول آبان به دفاع از خود پرداخت و گفت: اعضای محترم هیأت منصفه، قاضی محترم، هفته‌نامه آبان نشریه‌ای بوده است که با انتشار مطالب تحلیلی و تحقیقی رسالت مطبوعاتی خویش را در چارچوب قوانین موضوعه کشور پی می‌گرفت. در انتشار مطالب اگرچه توجه به حقوق شهروندان اصلی پذیرفته شده بود، اما توجه به حقوق حکومت و نهادهای آن و البته نقد سیاست‌ها و عملکرد مقامات و نهادهای حکومت به دور از توهین، افترا و تحقیر نیز اصلی پذیرفته شده بود. از هفته‌نامه آبان از آغاز انتشار در آبان ماه سال ۱۳۷۶ تا زمان توقیف یعنی اردیبهشت ۱۳۷۹ فقط یک مورد شکایت غیرمهم از سوی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی مطرح شده است. اخیراً نیز رئیس شعبه دوم دادگاه انقلاب زنجان شکایتی علیه این جانب مطرح نموده است. مدعی‌العموم محترم نیز پس از گذشت ۹ ماه از توقیف هفته‌نامه آبان ابتدا در کم‌تر از یک هفته یعنی ۱۳۷۹/۱۰/۲۹ لغایت ۱۳۷۹/۱۱/۳، ۳۹ مورد شکایت علیه این جانب طرح نمود و پس از چندین جلسه بازجویی درباره ۱۹ مورد شکایت مدعی‌العموم، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۷ به بنده و وکیل محترم اعلام شد که ۳۹ شکایت قبلی منتفی است و مدعی‌العموم ۲۴ مورد شکایت جدید علیه شما مطرح نموده است. این وضعیت نشان‌دهنده بهانه‌جویی و حذف مطبوعات مستقل جامعه مدنی و در واقع تلاش دستگاه قضایی برای توجیه توقیف غیرقانونی هفته‌نامه آبان است. وجود تنها یک مورد شکایت در پرونده قضایی هفته‌نامه آبان در طول سی ماه انتشار، نشان‌دهنده رعایت چارچوب‌های قانونی از طرف این جانب و همکارانم در هفته‌نامه آبان بوده است. امیدوارم که قاضی محترم و اعضای هیأت منصفه به این نکته مهم توجه جدی باشند.

طرح شکایات عدیده از سوی مدعی‌العموم پس از توقیف غیرقانونی هفته‌نامهٔ آبان، نشانهٔ وجود گرایش بخشی از حاکمیت به اعمال سیاست‌های کنترلی و قهرآمیز علیه آزادی بیان در کشور است. هرگاه بخشی از حکومت که براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی و وظیفهٔ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع را به‌عهده دارد، و بیش‌ترین حجم شکایات را علیه مطبوعات مستقل طرح نماید، باید برای پاسداشت آزادی این شعار بنیادین انقلاب ۵۷ نگران بود. آیا تعطیل نمودن مطبوعات مستقل که مدعی‌العموم محترم یعنی دستگاه قضایی شاکی اصلی آن‌ها می‌باشد، به نظارت‌ناپذیری حکومت و نهادهای آن، نقد‌ناپذیری مقامات، انسداد سیاسی و شکاف میان مردم و حکومت و نهایتاً بحران منجر نخواهد شد؟

بنده مدعی هستم که صدور حکم توقیف هفته‌نامهٔ آبان در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۴ نه بر پایهٔ تصمیم قضایی قاضی وقت که بر پایهٔ دستور مقام مافوق سازمانی قاضی وقت یعنی مدعی‌العموم صادر شده است، پرونده‌ای که آغاز و پایان آن تا زمان توقیف نشریه، فقط یک شاکی داشته است. آقای محسنی اژه‌ای رئیس مجتمع قضایی ویژهٔ کارکنان دولت و نمایندهٔ مدعی‌العموم در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۴ در نامه‌ای با استناد به موارد غیرحقوقی، به قاضی وقت شعبهٔ ۱۴۱۳ آقای ملاح‌زاده می‌نویسد: نظر به این‌که هفته‌نامهٔ آبان به مدیرمسئولی محمدحسن علیپور علی‌رغم تذکرات، برخلاف قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی اقدام به نشر مطلب نموده و موجبات نگرانی مردم شهیدپرور و مسئولان عالی‌رتبهٔ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورده است، در اجرای مادهٔ ۱۳ قانون اقدامات تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ و در جهت پیشگیری از وقوع جرم و تشویش اذهان عمومی از انتشار هفته‌نامهٔ مذکور جلوگیری و به جرائم آن رسیدگی نمایید.

آقای محسنی اژه‌ای دو ادعای خاص را جهت توجیه دستور جلوگیری از انتشار هفته‌نامهٔ آبان بیان نموده است: یکی نگرانی امت شهیدپرور و دوم نگرانی مسئولان عالی‌رتبهٔ جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این خصوص باید گفت چرا از سوی امت شهیدپرور مورد ادعای آقای محسنی اژه‌ای حتی یک مورد شکایت دربارهٔ مطالب هفته‌نامهٔ آبان به دادگاه ارائه نشده است؟

ریاست محترم دادگاه! اعضای محترم هیأت منصفه! متأسفانه مدعی‌العموم در ادعای خود که علیه این‌جانب در دادگاه طرح نموده همچنان از روش‌هایی که فاقد توجیه قانونی است استفاده نموده و باگزینش و تقطیع پاره‌ای از عبارات‌های مقالات و یادداشت‌های چاپ شده در هفته‌نامه و تنظیم متنی که بیش‌تر به بیانیهٔ یک گروه، یا حزب سیاسی شبیه است، تلاش نمود تا ذهن اعضای محترم هیأت منصفه و ریاست دادگاه را تحت تأثیر قرار دهد.

مدعی‌العموم فعالیت مطبوعات مستقل را در چارچوب قانون اساسی و قانون مطبوعات و نقد

و نظارت بر عملکرد مقامات و ارکان حکومت به شیوه‌ای که به کارآمدی نظام منجر خواهد شد، حمله به ارکان نظام تعبیر نمود. یا این‌که می‌گوید: و بی‌محابا می‌گویند خطوط قرمز باید پاک شود. آیا از نظر مدعی العموم محترم نشریاتی که در چارچوب‌های عام پذیرفته شده برای آزادی بیان مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا قانون اساسی که جنبه‌های عرفی، مذهبی و حقوقی در آن‌ها در نظر گرفته شده و در واقع حدود و خطوط قرمز برای مطبوعات بیان شده، اگر قید و بندهای غیرقانونی و خطوطی که به‌طور سلیقه‌ای و یا از موضع قدرت و یا هر دلیل دیگر برای مطبوعات به‌عنوان خط قرمز طرح شوند، باید از سوی نویسندگان و اهالی مطبوعات پذیرفته شود؟ و آیا در این صورت چه موضوع قابل نقد و قابل بحثی باقی خواهد ماند و اساساً وضعیت آزادی بیان به چه سرانجامی خواهد رسید؟

مدعی العموم محترم در ادامه این بحث به بخشی از یک گفت‌وگوی چاپ‌شده در هفته‌نامه آبان در مورد مسأله مشروعیت رهبری به‌صورت گزینشی استناد نموده است.

مدعی العموم در بخشی از ادعای خود می‌نویسد: «در جریده محترم هفته‌نامه آبان، مرداد ۱۳۷۷ این‌گونه نوشته شده است: «مشروعیت رهبری به رأی مردم است و ارتباط به عالم بالا ندارد. ولایت نوعی قرارداد میان مردم و رهبری است نه یک هدیه از سوی امامان معصوم. بحث کشف توسط خبرگان خلاف قانون اساسی است و اساس فقهی ندارد. در این مقالات نه تنها نظریه کشف و انتصاب ولی فقیه برخاسته از دیدگاه حضرت امام امت انکار شده، بلکه آن را امری غیرعملی و مخالف امنیت ملی و دروغ بستن به ائمه اطهار دانستند و حکومت ولایی را استبداد شرعی معرفی کردند.»

آنچه که در هفته‌نامه آبان در ۳۱ مرداد ۱۳۷۷ چاپ شده، مطلب ذیل است و قضاوت در مورد آنچه که مدعی العموم محترم خواندند و آنچه را که در هفته‌نامه چاپ شده به‌عهد ریاست محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه وامی‌گذارم.

عنوان این مطلب «وظیفه خبرگان، کشف یا انتخاب رهبری» است که با آیت‌الله محمد هادی معرفت استاد حوزه علمیه قم و عمادالدین باقی پژوهشگر و تحصیل‌کرده حوزه گفت‌وگو شده است: «آیت‌الله معرفت در این گفت‌وگو می‌گوید: خبرگان به نمایندگی از سوی مردم رهبر را برمی‌گزینند و باید نظارت دائمی بر عملکرد وی داشته باشند. نتایج این نظارت باید حداقل هر شش ماه یک بار در این مجلس بررسی شود و اگر رهبر در انجام وظایف خود کوتاهی کرد، براساس سخن امام راحل (ره) خود به خود عزل می‌شود و خبرگان این مسأله را باید اعلام کند.

استاد حوزه علمیه قم می‌گوید: در دوره غیبت معصوم، نمی‌توان نظامی را که مردم در تعیین

ولی آن نقش اساسی ندارند، اسلامی نامید. ولی در دوره حضور معصوم مردم مکلف به بیعت هستند.

وی ادامه می‌دهد: مردم نقش اساسی در تعیین خبرگان دارند و خبرگان هم از جانب مردم رأی می‌دهند. رأیی که یک خبره می‌دهد، به دلیل وکالت از طرف مردم اعتبار دارد و نباید نظر شخصی‌اش باشد. به بیان دیگر خبرگان از آن جهت می‌توانند به انتخاب رهبر بپردازند که نماینده مردم هستند.»

عمادالدین باقی در خصوص بحث «کشف» رهبر توسط خبرگان می‌گوید: این بحث خلاف قانون اساسی است و اساس فقهی ندارد.

وی می‌افزاید: اگر روی این مسأله تأکید شود، مشروعیت نظام زیر سؤال می‌رود، چون این جریان منبع مشروعیت را در غیر از مردم جست‌وجو می‌کند.

وی اضافه می‌کند بحث «کشف» ریشه در نزاع مشروعیت دارد که بر این اساس عده‌ای معتقدند که مشروعیت از بالاست و رهبر و ولی توسط خدا و پیامبر و امام نصب می‌شود و بسیاری در مقابل معتقدند که مشروعیت از پایین و مردم است.

مدعی‌العموم در ادامه می‌نویسد: «هفته‌نامه آبان مورد توجه طیف‌های خاصی که به دنبال طرح مباحث تئوریک سیاسی-فرهنگی علیه نظام جمهوری می‌باشد قرار گرفته»، که این موضوع از چند جنبه قابل ارزیابی است:

۱. اولاً این‌جانب براساس رشته تحصیلی و مطالعاتی‌ام با همکاری برخی دوستان جوان و همسن و سال خود که به‌عنوان نسل دوم انقلاب شناخته می‌شویم، مباحث تئوریک سیاسی و فرهنگی را در نشریه طرح و در قالب سفارش مقاله، انجام مصاحبه و تهیه گزارش از صاحب‌نظران منعکس می‌نمودیم.

بنابراین، انتخاب موضوعات با توجه به تحصیلات و تجربیات این‌جانب به‌عنوان سردبیر نشریه و دوستان تحریریه بوده است.

ثانیاً سابقه فعالیت سیاسی این‌جانب به فعالیت در انجمن اسلامی دانشگاه محدود بوده و از سال ۱۳۷۴ از فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان منصرف شدم و تاکنون نیز عضو گروه یا حزب خاصی نبوده‌ام، اگرچه عضویت در احزاب و فعالیت‌های تشکیلاتی را برای سازمان سیاسی و انجام اصلاحات در ایران یک فعالیت ضروری می‌بینم.

سایر همکاران نشریه نیز وابستگی تشکیلاتی به گروه یا طیف خاصی نداشته‌اند، اگرچه ممکن است به برخی دیدگاه‌ها گرایش داشته باشند. فعالیت این‌جانب و همکارانم در هفته‌نامه آبان بر پایه

یک فعالیت حرفه‌ای مطبوعاتی بوده است.

۲. این‌که موضع جانبدارانه در برابر گروه‌هایی مثل جبهه ملی، نهضت آزادی و افراد وابسته به جریان ملی - مذهبی داشته به نحوی که گویا به ارگان تبلیغی آنان تبدیل شده، از چند جنبه قابل نقد است و پذیرفتنی نمی‌باشد:

الف) در هفته‌نامه آبان به جز انعکاس دیدگاه‌های تحریریه، دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی همه گروه‌ها، احزاب و جناح‌های سیاسی منعکس می‌شد.

مصاحبه اختصاصی با چهره‌های برجسته سیاسی جناح‌ها و گروه‌های داخل و خارج از حاکمیت که فعالیت قانونی می‌کردند از آن جمله است که به ذکر مواردی از آن اشاره می‌نمایم. مصاحبه با چهره‌های برجسته حزب کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مصاحبه با مهندس باهنر دبیرکل سابق جامعه اسلامی مهندسين و عضو برجسته ائتلاف خط امام و رهبری، مصاحبه با دکتر جواد لاریجانی یکی از چهره‌های برجسته جناح محافظه‌کار، مصاحبه با اعضای فعال انصار حزب‌الله و مصاحبه با فعالان ملی - مذهبی، از جمله مصاحبه‌های آبان با چهره‌های سیاسی و فعالان احزاب و گروه‌های سیاسی بوده است.

۳. این جانب و تحریریه آبان به هیچ حزب یا تشکل سیاسی وابستگی نداشته‌ایم و طرح این‌گونه موضوعات که نشریه‌ای مثل آبان موضعی جانبدارانه در مقابل گروهی داشته یا ارگان تبلیغی آن بوده، در جهت پاک کردن صورت مسأله است. چشم بستن بر واقعیات جامعه و نادیده گرفتن نسل دوم و سوم انقلاب و مطالبات آن‌ها یک آسیب و آفت جدی در تحلیل تحولات جامعه از سوی مقامات و مسؤولان است. این‌که هر فکر نو و نگاه تازه‌ای به مسائل جامعه و حکومت را با برچسب‌ها و انگ‌زدن‌های مختلف بایکوت و حذف کنیم، چه مشکلی از مشکلات ما را حل خواهد کرد؟

۴. ارگان تبلیغی یک گروه یا ارگان سیاسی، به معنای استفاده از امکانات مالی و پولی آن گروه سیاسی نیز می‌باشد.

اگر مدعی العموم محترم از شرایط انتشار نشریه آگاه بودند، این‌گونه داوری نمی‌کردند. این جانب هفته‌نامه آبان را با سرمایه‌گذاری شخصی و با رعایت انواع صرفه‌جویی و در منزل شخصی خودم منتشر نمودم، به غیر از مدیرمسئولی و سردبیری نشریه، در تدارک و تهیه مطالب مشارکت جدی داشتم تا از این طریق نیز انتشار نشریه با مشکل جدی مواجه نشود.

۵. این‌که در هفته‌نامه آبان علیه اصولی از قانون اساسی قلم‌فرسایی و مطالبی منتشر شده، توضیحی ارائه داده نشده است.

محمدحسن علیپور در ادامه جلسه دادگاه گفت: اتهامات مطروحه در ادعانامه مدعی‌العموم محترم عبارتند از:

الف. نشر اکاذیب

ب. توهین به شورای نگهبان

ج. تضعیف قوه قضائیه

د. تضعیف نظام

ه. تبلیغ علیه نظام

و. تبلیغ به نفع گروه‌های غیرقانونی

مستنداً به ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی رسیدگی به «الف-ب» اتهام نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ و توهین به شورای نگهبان موضوع ماده ۶۰۸ قانون مذکور مستلزم طرح شکایت شاکی خصوصی است که در این خصوص شکایتی وجود ندارد. «ج-د» عناوینی از قبیل تضعیف نظام و تضعیف قوه قضائیه در عداد عناوین مجرمانه احصا شده توسط قانون‌گذار جمهوری اسلامی نمی‌باشند و مطرح کردن آن‌ها ظاهراً ناشی از کم‌دقتی است. افزون بر آن مدعی‌العموم یا نماینده محترم ایشان اصولاً باید بهتر از هر کس دیگری بدانند که نه نظام جمهوری اسلامی ایران بلکه حتی یک نظام حاکم بر یک کشور کوچک که اندک پایگاه مردمی داشته باشد را نمی‌شود با یک یا چند مقاله یا نشریه تضعیف نمود. «ه-و» رسیدگی به اتهامات تبلیغ علیه نظام یا تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دارای چنان ظرفیتی است که دقت زایدالوصفی را از ناحیه قاضی محترم دادگاه و اعضای محترم هیأت منصفه می‌طلبد. اولاً: استفاده قانون‌گذار از عبارت «فعالیت تبلیغی» به جای واژه «تبلیغ» بیان‌گر این مطلب است که از دیدگاه مقنن مرتکب باید به‌طور مستمر و مکرراً علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تبلیغ نموده باشد تا عمل او مشمول ماده مذکور گردد. زیرا فرض بر این است که قانون‌گذار عمل لغو انجام نمی‌دهد و انتخاب واژه‌ها و عبارات توسط وی با غرض و منظور خاصی صورت می‌گیرد.

ثانیاً: با هیچ معیار شرعی یا قانونی انتقاد از یک نهاد یا قوه یا پاره‌ای از مسئولان را نمی‌توان فعالیت تبلیغی علیه نظام تلقی نمود به ویژه آن‌که اگر بخواهیم اصل تفسیر مضیق را در امور کیفری مراعات نماییم ملزم هستیم که صرفاً اعمالی را مشمول عنوان فوق بدانیم که اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را هدف گرفته باشد. به سخن دیگر باید گفت تنها آن‌گونه فعالیت‌های تبلیغی‌ای مدنظر قانون‌گذار بوده که اصل نظام جمهوری اسلامی ایران را زیر سؤال ببرد و یقیناً نقد اعمال مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های متخذه توسط نهادهای مختلف نمی‌تواند تحت عنوان

تبلیغ علیه نظام مورد مؤاخذه قرار گیرد. در غیر این صورت پیشبرد اهداف مطرح شده در مقدمه قانون اساسی و اصل هشتم آن، عملاً غیر ممکن خواهد بود.

ثالثاً: همان‌گونه که سابقاً ذکر شد، چنانچه مقاله‌ای حاوی مطالبی باشد که تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام تلقی شود و انتشار آن ناشی از غفلت یا عدم توجه و یا عدم دقت باشد، در این صورت نیز متهم را نمی‌توان مجازات نمود زیرا فاقد سوء نیت جزایی است.

رابعاً: اثبات اتهام تبلیغ به نفع گروه‌های مخالف نظام علاوه بر موارد فوق‌الاشعار نیازمند تحقق دو شرط دیگر است؛ یکی این‌که با ارائه دلیل احراز گردد که گروه‌های مورد نظر مخالف نظام هستند و حال آن‌که تشکلاتی از قبیل نهضت آزادی، جبهه ملی و غیره را نمی‌توان مخالف نظام دانست، بلکه آن‌ها به پاره‌ای از سیاست‌های مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران انتقاد دارند.

ناگفته نماند که در ماده ۹ آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۶/۲/۵ تلویحاً گروه‌های مخالف نظام به گروه‌های منحرف و مخالف اسلام تعبیر شده است که این تعریف را نمی‌توان به سادگی شامل گروه‌ها و تشکل‌هایی مانند نهضت آزادی دانست.

شرط دیگر این‌که مطالب منتشر شده باید که به صراحت دلالت بر فعالیت تبلیغی به نفع آن گروه‌ها تلقی گردد و الا نقل اخبار یا تحلیل‌های آنان در مطبوعات نمی‌تواند فعالیت تبلیغی به نفع آنان به‌شمار آید. در غیر این صورت باید کلیه مطبوعات کشور تعطیل و تمامی مدیران مسؤول نشریه‌ها مورد مؤاخذه قرار گیرند، زیرا کم‌تر نشریه‌ای یافت می‌شود که حاوی چنین مطالبی نباشد. دومین شکایت پرونده، مطروحه در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۳ توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی حاوی نکات قابل توجهی است که ذیلاً بدان پرداخته می‌شود:

اولاً: در مطلب منتشره در صفحه ۳ شماره ۵۹ نشریه قبل از عبارت حفاظت اطلاعات از واژه‌های "مأمورین امنیتی" استفاده شده است که در عرف رایج "مأموران امنیتی" فقط به مأمورین وزارت اطلاعات اطلاق می‌شود.

ثانیاً: این تنها نیروی انتظامی نیست که دارای بخشی به نام حفاظت اطلاعات است، بلکه ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حتی خود وزارت اطلاعات دارای بخشی به نام حفاظت اطلاعات است و شاکمی نمی‌تواند ادعا نماید که منظور از عبارت مذکور حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی است.

ثالثاً: در شماره ۶۶ نشریه آبان مطلب فوق‌که در اثر اشتباه در حروف چینی بوده - تصحیح گردیده و به عبارت وزارت اطلاعات تغییر یافته است. (برگ ۲۴ پرونده)

رابعاً: چنانچه به سابقه امر اندکی توجه شود در هیچ نشریه‌ای تاکنون در خصوص قتل‌های زنجیره‌ای انگشت اتهام به سوی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی دراز نشده و از بدو جریان تا ختم

آن همواره نقدها و بررسی‌ها متوجه وزارت اطلاعات بوده است. بنا به مراتب، شکایت مذکور فاقد هرگونه توجیه شرعی و قانونی است.

۸. درخصوص شکایت آقای الهی قاضی دادگاه انقلاب زنجان که سومین شکایت پرونده می‌باشد، لازم به ذکر است که خبر مندرج در صفحه دوم شماره ۱۱۸ نشریه حاوی مطالبی است که نه فقط هیچ‌کدام کذب نیستند، بلکه متن شکایت آقای الهی و نامه‌های ارسالی توسط آقای غلامرضا پلاسچی و رأی دادگاه تجدیدنظر همگی حکایت از صحت خبر مندرج در نشریه می‌نماید. (برگ‌های ۶۶، ۶۷ و ۶۸ پرونده) ضمناً فتوکپی نامه مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۲ آقای پلاسچی خطاب به جناب آقای رهبرپور به پیوست تقدیم می‌گردد. یعنی آنچه که در خبر مندرج در نشریه نقل شده مستند بوده و علاوه بر مدارک مذکور هم‌اکنون آقای غلامرضا پلاسچی نیز حاضر به ادای شهادت در خصوص موارد مذکور می‌باشد و تقاضای احضار نامبرده و استماع اظهارات ایشان را به‌عنوان شاهد و مطلع دارد.

سومین جلسه دادگاه

علیپور در این جلسه به ادامه دفاعیات خود پرداخت و درخصوص مقالة "فضای تیره برای اصلاح‌طلبان" موضوع شکایت مدعی‌العموم گفت: در این یادداشت چالش میان دو جریان اصلاح‌طلب و محافظه‌کار، وضعیت ابهام‌آمیز مطبوعات و جنجال بر سر کنفرانس برلین تحلیل شده است.

در پاراگراف اول یادداشت که به‌صورت ناقص مورد استناد مدعی‌العموم قرار گرفته، این بحث مطرح شده است که بحران‌آفرینی‌های پی‌درپی علیه اصلاح‌طلبان و مشخصاً دولت خاتمی را می‌توان نشانه‌ناشکیبایی و سرسختی اقتدارگرایان علیه روند اصلاح‌طلبی و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی ایران دانست و سپس از این ناشکیبایی و سرسختی اظهار تأسف شده و این‌گونه اقدامات بدون توجه به واقعیت‌های امروز جامعه، امنیت و منافع ملی، اصول قانون اساسی و رأی مردم، در جهت حفظ قدرت ارزیابی شده است.

در بخش دیگری از این یادداشت مطالبات دموکراتیک اصلاح‌طلبان در زمینه آزادی، حقوق شهروندی، انتخابی بودن ارکان قدرت، پاسخگو بودن مقامات، حکومتی نکردن دین، عرفی بودن قدرت طرح شده و تأکید شده که نمی‌توان مطالبات اصلاحی و قانونمند را در ایران غیرشفاف، غیرارزشی و یا بر پایه تقسیم‌بندی‌های مغایر با فلسفه سیاسی طرح کرده و به کل صورت مسأله را پاک کرد.

در ادامه، این نکته مورد توجه قرار گرفته که جناح مخالف، با اصلاح رفتارهای گذشته و با

پذیرش قواعد دموکراسی در چارچوب قانون اساسی می‌تواند زمینه رویکرد مردمی به خویش را فراهم نماید.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این جانب در این نوشته خواهان پابندی جریان‌های سیاسی به رعایت قواعد دموکراتیک در اداره امور حکومت شده‌ام و رفتارهای جناح محافظه‌کار را به دلیل ناشکیبایی و سرسختی علیه روند اصلاح‌طلبی نقد نموده‌ام. در این بخش از یادداشت روندهایی که از جانب یک جریان سیاسی مانع از انجام اصلاحات خواهد شد، تحلیل شده و ارزیابی و نقد رفتارهای یک جریان سیاسی چگونه تبلیغ علیه نظام است؟ آیا تحلیل رفتارها و اقدامات گروه‌ها و جریان‌های مخالف رئیس‌جمهوری که با رأی بالایی قوه مجریه در اختیار گرفته و طبعاً باید بتواند بدون بحران‌آفرینی مخالفان - البته نقد دولت و برنامه‌های آن از حقوق مخالفان دولت

است - برنامه‌هایش را اجرا نماید، در جهت رهایی نظام از بحران و بن‌بست نیست؟

در بخش دیگری از این یادداشت جنجال‌آفرینی پیرامون کنفرانس برلین و تحریک احساسات نهادهای رسمی و مذهبی و لایه‌های سنتی جامعه علیه اصلاح‌طلبان نقد شده است و سپس تهدیدات و اقدامات غیرقانونی دستگاه قضایی در پی اظهارات تحریک‌آمیز برخی مقامات علیه مطبوعات مستقل نقد شده و اشاره شده که مهم‌ترین رکن توسعه سیاسی ایران را در وضعیت تهدیدآمیزی قرار داده است.

جالب است که این تهدید چند ساعت پس از انتشار این یادداشت عملی شد و روز ۱۳۷۹/۲/۴ و روزهای پس از آن ده‌ها روزنامه و نشریه مستقل جامعه مدنی به صورت فله‌ای توقیف شدند. آیا چون این پیش‌بینی به وقوع پیوست و تهدیدها عملی شد، علیه نظام تبلیغ شده است؟ آیا اقدام دستگاه قضایی که با نقض آزادی بیان، اعتبار جمهوری اسلامی را در دنیا خدشه‌دار کرد، تبلیغ علیه نظام نبود؟ آیا نباید به جای این جانب که پیش‌بینی تصمیمات و اقدامات خلاف قانون را برای توقیف مطبوعات نموده بودم، کسانی محاکمه شوند که به‌طور آشکار قانون را نقض کرده و حق آزادی بیان را از مردم ستانده‌اند و در جایگاه قاضی و دادگاه حکم جلوگیری از انتشار نشریه صادر کردند؟

علی‌پور در ادامه گفت: مدعی‌العموم بخشی از مصاحبه طولانی با مهرانگیز کار حقوقدان را در ادعانامه ذکر نموده و به اتهام تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب شکایت نموده است.

براساس ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، اتهام نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر و تشویش اذهان عمومی در صورتی قابل پیگرد است که شاکی خصوصی شکایتی را طرح نموده باشد. بنابراین، اتهام نشر اکاذیب در مورد مطلب مورد اشاره قابل پیگرد قانونی نیست. ضمن این‌که مطلب مورد شکایت مصاحبه‌ای تحلیلی است.

اما در مورد اتهام تبلیغ علیه نظام نکاتی را به عرض دادگاه محترم می‌رسانم. این مصاحبه مسأله حقوق شهروندی را در قبل و بعد از انقلاب، حقوق شهروندی در قانون اساسی، حقوق شهروندی پس از دوم خرداد و قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی را در جامعه بحث و تحلیل نموده است. از این مصاحبه دو صفحه‌ای، سه پاراگراف به صورت گزینشی انتخاب شده و به‌عنوان مستند شکایت در ادعانامه ذکر شده است.

در این مصاحبه پیامدهای نقض حقوق شهروندی از جمله حق نقد و نظارت و آزادی بیان در رژیم سابق و افزایش شکاف مردم و دولت تحلیل شده و گفته شده است: «می‌شود در یک تحلیل ساده، انقلاب را واکنش شهروند ایرانی نسبت به تعرض به حقوق شهروندی‌اش تعریف کرد. هرچند انقلاب از زوایای دیگر هم قابل بحث است.» در ادامه این مطلب که در ادعانامه مدعی‌العموم بیان شده، سلب آزادی انتخاب پوشاک و محرومیت از حق قضاوت به‌عنوان تعرض به حقوق شهروندی زنان پس از انقلاب در جهت نفی فلسفه وجودی انقلاب ارزیابی شده است و برخوردهای مسلحانه در آغاز پیروزی انقلاب و وقوع جنگ توجیه‌گر خشونت دولتی شد و باعث شد تا به تدریج ورود به بحث حقوق شهروندی مشروعیت خود را از دست داد.

مسأله انتخاب پوشش توسط زنان و یا حق قضاوت از آغاز پیروزی انقلاب از موضوعات پرچالش اجتماعی و حقوقی انقلاب بوده است. اما به دلیل بر مسند قدرت بودن مخالفان این نگرش، دیدگاه آن‌ها مبنای سیاست‌گذاری قرار گرفته و اجرا می‌شد. این دیدگاه البته متکی به نگاه تنگ‌نظرانه و سطحی به برخی منابع دینی یا به عبارت بهتر برداشت‌های غیرپویا از مذهب با چاشنی انقلاب بوده و به دلیل شرایط بحرانی سال‌های اولیه انقلاب و جنگ امکان ارزیابی کارشناسانه آن در مطبوعات و رسانه‌های دیگر فراهم نشد. نقد این دیدگاه، از آن جهت که دیدگاهی بوده که در برهه‌ای از سال‌های پس از انقلاب حاکم بوده و در سال‌های اخیر که فضای سیاسی و مطبوعاتی باز شده و امکان طرح دیدگاه‌های مخالف فراهم گردید، ناکارآمدی و حتی دینی نبودن آن سیاست‌ها و عملکردها آشکار شده است، به‌عنوان تبلیغ علیه نظام محسوب نمی‌شود.

از زاویه‌ای دیگر نیز این بحث قابل توجه می‌باشد. پس از چندین سال مثلاً در مدارس دخترانه یا محیط‌های آموزشی و شغلی پوشش خاصی یا چادر الزامی بود، اما امروز وزارت آموزش و پرورش در روزنامه‌ها اطلاعیه می‌دهد که دانش‌آموزان می‌توانند از لباس‌های با رنگ شاد و روشن استفاده نمایند. یا این‌که اخیراً برخی از خانم‌ها امکان یافته‌اند که بر مسند قضاوت نشسته و قضاوت کنند. بنابراین، چگونه نقد سیاست‌ها و نقض حقوق شهروندی بوده و امروز در آن سیاست‌ها تجدیدنظر شده، تبلیغ علیه نظام است؟

مدیرمسئول آبان گفت: مدعی العموم محترم از چاپ مقاله "پرسش‌هایی از انقلاب ۵۷" به قلم محمد رضایی‌راد به اتهام تبلیغ علیه نظام، علیه این جانب شکایت نموده است.

این مقاله به مناسبت بیستمین سال پیروزی انقلاب نوشته شده و مطالبات انقلاب ۵۷ را تورقی نموده و از وضعیت فعلی و مقایسه‌ای با آن مطالبات ارزیابی دارد. پاراگراف‌هایی از این مقاله در ادعانامه مدعی العموم به‌عنوان مستند اتهام تبلیغ علیه نظام آورده شده است.

نویسنده در بخشی از این مقاله نوشته است: ما امروز پس از گذشت ۲۰ سال بار دیگر میثاق‌های نخستین انقلاب را به خاطر آوریم. باید کالبد بیست‌ساله انقلاب را بشکافیم. پرسیم آیا ما آن هنجار نوین را خلق کرده‌ایم؟ در سایه آزادی و مشارکت به کرامت دست یافته‌ایم؟ آیا رابطه خدایگان-بنده جای خود را به جمهوری داده و...

نویسنده سپس در ادامه مطلب که مورد استناد مدعی العموم قرار گرفته، این بحث را مطرح نموده که برخی میثاق‌های نخستین انقلاب محقق نشده است. توجه شود که نوشته شده برخی میثاق‌ها و به‌طور مطلق دآوری نشده، ضمن این‌که بعید است که از صاحب‌نظران و مقامات حکومتی کسی مدعی باشد که همه میثاق‌های نخستین انقلاب محقق شده باشد، بلکه همواره گفته می‌شود که ما در حال تحقق میثاق‌ها و مطالبات انقلاب ۵۷ هستیم. نویسنده سپس می‌نویسد که هنوز آزادی بیان و اندیشه نهادینه نشده و این سخن حقی است، چراکه چالش میان جریان‌های فکری و سیاسی درباره آزادی بیان، تغییر قانون مطبوعات توسط یک جریان سیاسی و اعتراض به این تغییرات، توقیف گسترده مطبوعات و... نشانه‌هایی دال بر نهادینه نشدن آزادی بیان است.

علی‌پور گفت: مدعی العموم محترم بخش‌هایی از مطلب قانونمندی نظارت به قلم این جانب را توهین به شورای نگهبان دانسته و طرح شکایت نموده است.

شورای محترم نگهبان از چاپ این تحلیل در نشریه شکایتی را علیه مدیرمسئول طرح نکرده است. براساس ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، جرائم مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی تحت‌عنوان افترا، توهین و هتک حرمت و ماده ۶۰۸ این قانون تحت‌عنوان هتک حرمت اشخاص، جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود.

در بخشی از این مقاله که مورد استناد مدعی العموم می‌باشد، نوشته شده است که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، سنتی و اساساً ناکارآمد می‌باشد و در ادامه نتیجه‌گیری شده که تصمیمات این شورا در اعمال نظارت، رد صلاحیت نامزدها و... فضای سیاسی جامعه را پراشتهای و بحران‌زا کرده است و نگرانی افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی در روزهای اخیر ناشی از ساختار سنتی و غیرقانونمند اعمال چنین نظارتی است.

در این مقاله روش نظارت یک روش سنتی و ناکارآمد دانسته شده است و از نشانه‌های این ناکارآمدی رد صلاحیت‌های سلیقه‌ای و ایجاد التهاب و تنش در جامعه می‌باشد. داوطلبان نامزدی انتخابات که صلاحیت آن‌ها رد می‌شود، همواره به این مسأله اعتراض دارند که معیارهای قانونی برای بررسی صلاحیت‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. نامزدی انتخابات از حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان است و تا زمانی که در محکمه‌ای صالح از این حقوق محروم نشده‌اند، هیچ نهادی نمی‌تواند به‌طور سلیقه‌ای و خودسرانه این حقوق را سلب نماید. از دلایل سنتی و ناکارآمد بودن نظارت شورای نگهبان این است که حدس و گمانه‌زنی در مورد بررسی صلاحیت داوطلبان نامزدی انتخابات و یا استناد به گزارش‌ها و اظهارنظرهای افرادی تحت عنوان معتمدین محلی و... که ضریب خطای سهوی یا انگیزه‌های سیاسی در آن‌ها بسیار بالاست، به خصوص که از مخالفان نامزدهای انتخابات اعلام نظر شود، امکان برگزاری انتخابات واقعی را با مشکل مواجه خواهد ساخت و موجب نقض حقوق اساسی شهروندان و بروز التهاب و بحران سیاسی در جامعه خواهد شد. مراحل دیگر اعمال نظارت توسط شورای نگهبان، به خصوص در شرایطی که نتیجه انتخابات به گونه‌ای دیگر باشد، مشکلاتی را برای برگزاری سالم انتخابات ایجاد می‌کند. دخالت چندمرحله‌ای و متناقض در بازشماری صندوق‌های انتخابات ششمین دوره مجلس در تهران، جاب‌جایی فاحش آرای مردم و ابطال ۷۲۰ هزار رأی در تهران و ممانعت از ورود یک نماینده به مجلس، شکایت وزارت کشور از شورای نگهبان و شورای نگهبان از وزارت کشور و استمرار بحران پس از یک‌سال از برگزاری، انتخابات از دلایل ناکارآمدی نظارت، سلیقه‌ای بودن و قانونمند نبودن نظارت استصوابی است.

تفسیر استصوابی از نظارت، برگزاری انتخابات سالم را با مشکل ساختاری مواجه می‌کند و از دلایل سنتی و ناکارآمد بودن نظارت شورای نگهبان می‌باشد. نظارت به معنای آن است که بر پایه ترتیبات قانونی پیش‌بینی شده، انتخابات براساس قانون و به‌صورت واقعی برگزار شود. اما تفسیر استصوابی در واقع قائل شدن حق ویژه و حق و تو برای یک نهاد ناظر است که در مقابل هیچ مقام یا نهادی خود را پاسخگو نمی‌داند. بحث این‌جانب درباره قانونمندی نظارت، در جهت نفی نظارت نیست بلکه در جهت مدون‌شدن و کارآمد شدن نظارت و رعایت قواعد اساسی نظارت و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای مجری و ناظر بر انتخابات است. باید به این نکته توجه داشت که در فلسفه سیاسی نظام‌های مردم‌سالار، تحقق حق حکمرانی مردم از طریق برگزاری انتخابات سالم و واقعی امکان‌پذیر است و نظارت نباید حق حکمرانی شهروندان را از طریق اعمال روش‌هایی که به رد صلاحیت یا محروم‌شدن شهروندان در انتخابات منجر می‌شود، نقض نماید.

علیپور درخصوص مصاحبه‌ای درخصوص قتل‌های زنجیره‌ای گفت: این مصاحبه تحلیلی درباره فاجعه کوی دانشگاه و نقش گروه‌های فشار در این حادثه می‌باشد. مدعی‌العموم نیز بخش‌هایی از این مصاحبه را حذف و پاره‌ای از عبارت‌ها را در ادعانامه طرح نموده است.

مدعی‌العموم در ادعانامه خود این عبارت را مستند اتهام تبلیغ علیه نظام برشمرده است: «اما انتخابات اخیر نشان داد که این مطالبات ریشه در عمق جامعه دارد و اگر مردم ببینند پس از چند «نه» گفتن به بخشی از حاکمیت، به جهت عملکرد گروه‌های خشونت‌طلب، اصلاحات به نتیجه‌ای نمی‌رسد، به کل حاکمیت «نه» خواهند گفت.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مصاحبه‌شونده ریشه مطالبات را باتوجه به انتخابات در عمق جامعه می‌داند. نتیجه انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار تعیین‌کننده خط‌مشی‌ها و سیاست‌های نظام است. حزب و یا جریان سیاسی‌ای که دارای اکثریت در پارلمان شده و یا قوه مجریه و دولت را در اختیار می‌گیرد، باید برنامه‌هایی را که در تبلیغات انتخاباتی به مردم وعده داده است اجرا نماید. بنابراین، حزب و یا جریان سیاسی‌ای که در انتخابات با پاسخ منفی رأی‌دهندگان مواجه می‌شود، باید با پذیرش قواعد بازی سیاسی، زمینه پاسخ به مطالبات مردم را توسط جریان پیروز انتخابات فراهم نماید، نه این‌که درصدد برهم زدن قواعد بازی برآید و در واقع در برابر مطالبات شهروندان مقاومت نماید و زمینه‌های فعال‌شدن گروه‌های فشار و خشونت‌طلب را فراهم نماید. زنده‌یاد گلشیری فرد مصاحبه‌شونده بر این عقیده است که اگر مردم پس از چند «نه» گفتن به بخشی از حاکمیت دیدند اصلاحات به نتیجه‌ای نمی‌رسد، یعنی جریانی با استفاده از ژمونی قدرت شکست را نمی‌پذیرد و قاعده جابه‌جایی قدرت به روش مسالمت‌آمیز را برنمی‌تابد، به کل حاکمیت «نه» خواهند گفت. در واقع «نه» به کل حاکمیت، نتیجه مقاومت در مقابل مطالبات مردم ارزیابی و نتیجه‌گیری شده و به معنای هشدار به جریانی است که رفتار سیاسی‌اش چنین هزینه‌ای را بر جامعه تحمیل خواهد نمود. در این زمینه از مصاحبه رفتار سیاسی بخشی از حکومت تحلیل و نقد شده است و این نقد و بررسی که بر پایه منطق و استدلال متکی است، به‌عنوان تبلیغ علیه نظام محسوب نخواهد شد. نتیجه‌گیری این بخش از مصاحبه در واقع در جهت انذار و هشدار برای اصلاح است و نه تبلیغ علیه نظام.

مدیرمسئول آبان گفت: مدعی‌العموم محترم از چاپ مصاحبه زنده‌یاد دکتر مجید شریف با هفته‌نامه آبان، به اتهام تبلیغ علیه نظام شکایت نموده است.

آنچه مورد استناد مدعی‌العموم قرار گرفته گزیده‌هایی از یک مصاحبه طولانی است که در شماره ۴۲ و ۴۳ نشریه به چاپ رسیده و در سالگرد مرگ مشکوک وی در شماره ۱۰۴ هفته‌نامه چاپ شده

است. جالب است که مدعی‌العموم از گزیده‌های چاپ شده در شماره ۱۰۴ عبارت‌ها و جملاتی را گزینش نموده و با حذف و مخدوش نمودن مطالب، مستندات خویش را در ادعای نامزدی ذکر کرده است. موضوع این مصاحبه چالش‌های اجتماعی انقلاب اسلامی می‌باشد. این مصاحبه تحلیلی و تئوریک چالش‌های انقلاب را از نگاه مجید شریف که دارای دکترای رشته جامعه‌شناسی سیاسی از فرانسه بوده، بررسی نموده است.

مستند مدعی‌العموم بخشی از مصاحبه پیرامون تهاجم فرهنگی است. دکتر شریف در این خصوص گفته است: «من به مقوله‌ای به نام تهاجم فرهنگی قائل نیستم. فکر می‌کنم طرح این مسائل نشان ضعف است. کسانی دغدغه و نگرانی از تهاجم دارند که ناتوان هستند و توان آفرینش و همپایی با مقتضیات جامعه رو به رشد را ندارند. بنابراین، با هر چیزی که متفاوت است و امنیت آن‌ها را برهم می‌زند، امنیت ذهنی و فکری آن‌ها را نابود می‌کند، با بدگمانی برخورد می‌کنند.» تا این‌جا مطلب در ادعای نامزدی ذکر شده، ادامه مطلب که از ادعای نامزدی حذف شده این جمله است: «همیشه فرهنگ‌ها بر یکدیگر نفوذ داشته‌اند. ممکن است این نفوذ شکل تهاجمی، تقلیدی یا تحمیلی داشته باشد. همیشه امکان دارد یک فرهنگ توانا تر خواست‌ها، معیارها، ارزش‌ها و شیوه‌های خود را به جامعه دیگر تحمیل کند. ولی وحشت از این مسأله، از موضع ضعف و عقب‌ماندگی است. جامعه‌ای که قادر به خلاقیت باشد و در عین حال عناصر مثبتی را از دیگران بپذیرد، نگرانی راجع به تهاجم فرهنگی نخواهد داشت. این دائم به‌جای این‌که نگران دیگری باشد که مبدا نفوذ کند و فرهنگ مرا از بین ببرد، به فکر این است که خودش را چطور قوی کند که حتی اگر عناصر منفی در هجوم است، واکنش قوی باشد و در فکر تهاجم به دیگران نباشد.» پس از حذف آنچه خوانده شد، عبارت پایانی در ادعای نامزدی عموم اضافه شده است: «برخی صحبت از تهاجم فرهنگی می‌کنند، ولی خودشان در فکر این هستند که افکار خودشان را به همه جا نفوذ دهند. یک بام و دو هوا که نمی‌شود.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بخشی از مصاحبه در ادعای نامزدی عموم محترم آورده شده ولی توضیحات اصلی گوینده درباره موضوع در ادعای نامزدی حذف شده است.

رأی هیأت منصفه

خبرگزاری جمهوری اسلامی^۱ اعلام کرد که رأی هیأت منصفه مطبوعات در مورد اتهامات مدیرمسئول نشریه *آبان* اعلام شد.

هیأت منصفه مطبوعات، محمدحسن علیپور، مدیرمسئول هفته‌نامه آبان را به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی مجرم شناخت.

روابط عمومی دادگستری کل استان تهران طی اطلاعیه‌ای با اعلام این خبر، افزود: هیأت منصفه درباره درج مطالبی با عناوین "فضای تیره برای اصلاح طلبان"، "مجلس فرمایشی یا دموکراتیک"، "پرسش‌هایی از انقلاب ۵۷"، "حمله خشونت‌طلبانه به دانشگاه" در شماره‌های مختلف نشریه آبان، متهم را به اتهام تبلیغ علیه نظام، مجرم دانست.

براساس این اطلاعیه، همچنین هیأت منصفه، در مورد درج مطالبی با عناوین "حاکمیت غیردموکراتیک، گسترش امتیازات" و "بازگشت به تجربه شکست‌خورده‌گزینش" در شماره‌های مختلف نشریه آبان، متهم را به عنوان نشر اکاذیب، مجرم دانست.

این اطلاعیه همچنین حاکی است که متهم به دلیل درج مطالبی با عناوین "قانونمندی نظارت استصوابی"، "سرمشق‌های قتل‌های زنجیره‌ای"، "با زندان و تبعیض کارتان پیش نمی‌رود"، "ستون‌نهادهای مدنی، دانشگاه صنعتی" مطلبی در ستون خوانندگان (صفحه ۳)، تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۶ و مطلبی با عنوان "کسی نداند چه می‌گذرد" در شماره‌های مختلف نشریه آبان، از سوی اعضای هیأت منصفه مطبوعات، با اکثریت آرا و به اتفاق آرا، مجرم شناخته شد.

این اطلاعیه خاطر نشان کرد: متهم در سایر موارد اتهامی از سوی اعضای هیأت منصفه مطبوعات، مجرم تشخیص داده نشد.

دادگستری کل استان تهران در پایان این اطلاعیه یادآور شد: متهم باتوجه به عدم سابقه محکومیت مطبوعاتی، عذرخواهی از جرائم اتهامی خود، وابستگی نامبرده به خانواده معظم شهدا و رعایت اخلاق و ادب در دادگاه، از سوی هیأت منصفه مطبوعات مستحق تخفیف شناخته شد.

توضیح علیپور درباره اطلاعیه دادگستری

توضیح مدیرمسئول آبان درباره اطلاعیه دادگستری استان که در روزنامه‌های حیات‌نو و دوران امروز مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۰ درج شده، به شرح زیر است:

«محمدحسن علیپور مدیرمسئول هفته‌نامه آبان در مورد اطلاعیه دادگستری استان تهران مبنی بر محکومیت وی توضیحی به روزنامه ارسال کرد. متن کامل این توضیح به شرح زیر است:

احتراماً در اطلاعیه دادگستری استان تهران تحت عنوان "هیأت منصفه مطبوعات مدیرمسئول نشریه آبان را مجرم شناخت" عذرخواهی از جرائم اتهامی توسط این جانب ذکر شده است که احتمالاً ناشی از کم‌دقتی بوده است. این جانب در آخرین دفاعیه خود، توجه اعضای محترم

هیأت‌منصفه و ریاست محترم دادگاه را به این مسأله جلب نمودم که به دلیل حساسیت و سرعت عمل کار مطبوعاتی، یک حداقل خطایی پذیرفتنی است و از دادگاه محترم تقاضا نمودم که به این موضوع عنایت داشته باشند. عذرخواهی از جرائم وقتی معنا پیدا می‌کند که بنده پذیرفته باشم مرتکب جرمی شده‌ام، درحالی که باتوجه به دفاعیات مستدل و حقوقی ارائه شده توسط این‌جانب و وکیل مدافع محترم آقای سلطانی در جلسات دادگاه، انتظار براءت کامل خود را از سوی هیأت‌منصفه محترم داشتم و امیدوارم رأی دادگاه براءت از اتهامات مطرح شده باشد.»

رأی دادگاه

در پرونده کیفی حاضر معاون ریاست کل دادگستری استان تهران و سرپرست مجتمع قضایی جرائم کارکنان دولت به شرح اوراق ۱۴۳ الی ۱۶۵ با اعلام بیست و سه فقره اعلام جرم دائر بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی علیه مشتکی‌عنه تقاضای رسیدگی نموده است ایضاً دفتر حقوقی سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و ریاست شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی استان زنجان به شرح اوراق ۱۳، ۳۴، ۸۲ در شکایت‌های جداگانه دائر بر افتراء، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و توهین علیه نامبرده اعلام جرم و استدعای رسیدگی نموده‌اند توضیح این‌که معاون ریاست کل دادگستری استان تهران با استناد به مقالات تاریخ‌های ۱۳۷۸/۱۰/۲۳، ۱۳۷۷/۱۱/۱۷، ۱۳۷۸/۱۲/۱۴، ۱۳۷۸/۹/۱۳، ۱۳۷۸/۷/۱۷، ۱۳۷۸/۳/۲۳، ۱۳۷۸/۱۰/۲۵، ۱۳۷۸/۴/۲۶، ۱۳۷۸/۴/۵ منتشره در هفته‌نامه «آبان» (اوراق ۸۳ الی ۱۰۹ پرونده) و با توضیحات تفصیلی منعکس در اوراق ۴۳ الی ۱۶۶ مدعی است که در این شماره‌ها به کیفیتی که در آن مندرج است بالصرّاحه علیه نظام تبلیغ و فعل نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی محقق شده است و مستند اعلام شکایت سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی نیز درج خبری در ستون خوانندگان مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۹ هفته‌نامه است (برگ ۱۲ پرونده) دادگاه انقلاب اسلامی استان زنجان نیز مدعی می‌باشد که هفته‌نامه «آبان» در شماره ۱۱۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۱ (برگ ۳۴ پرونده) با انتساب رأی دادگاه انقلاب به تأثیرپذیری از گروه‌های فشار مرتکب بزه افتراء، نشر اکاذیب و توهین شده است مشتکی‌عنه در دفاعیات خود ضمن رد کلیه موارد اتهامی درخواست صدور حکم براءت نموده است ایضاً وکیل مدافع متهم نیز به شرح لوائح تقدیمی با تکذیب اتهامات مطروحه علیه موکل و تقاضای صدور حکم براءت اضافه نموده است که «باید پذیرفت که در این پرونده بسیار محتمل است که پاره‌ای از انتقادات، اظهارنظرها، عقاید گوناگونی که مطرح می‌شود، نابه‌جا، ناصواب و یا نادرست باشد و اصلاً این توقع که هرآنچه که شصت و اندی

میلیون نفر حق مطرح کردن آن را تحت عنوان اظهارنظر، انتقاد، امر به معروف و نهی از منکر و سایر عناوین داشته باشد باید عین صواب و مضمون از هرگونه خطایی باشد توقعی نابجاست و عملاً در هیچ مقطع زمانی و مکانی امکان تحقق چنین شرایطی وجود نداشته و ندارد ناگزیر باید پذیرفت که در میدان تضارب افکار و در فضایی که هر ایرانی حق نظارت و حق انتقاد از مسؤولان را دارد دیگر نمی‌توان اشخاص مختلف را به لحاظ انتقادات یا اظهارنظرها و تحلیل‌هایشان از سیاست‌ها و عملکرد مسؤولان به پای میز محاکمه کشاند» و در خصوص نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام هم استناداً به ماده ۷۲۷ از قانون مجازات اسلامی تعقیب فقره اول اتهام را منوط به طرح شکایت از ناحیه شاکی خصوصی دانسته و نسبت به فقره دوم اتهام هم استمرار، تکرر و داشتن سوءنیت را از ارکان تحقق و احراز بزه مذکور اعلام کرده و النهایه در هر دو مورد به شرحی که در لایحه ۱۶۱۶-۱۳۷۹/۱۲/۹ آورده خواهان برائت موکل خود شده است. اظهارات متهم و وکیل مدافع وی به نظر دادگاه مردود است چه آن‌که ۱. گرچه ماده ۷۲۷ از قانون مجازات اسلامی بزه نشر اکاذیب را منجمله جرائم قابل گذشت دانسته ولی باید التفات داشت همان‌طور که در نظریات ۱۳۶۵-۷/۲۷-۱/۱۳۶۸ و ۱۳۶۹-۷/۶۸۹۹-۱۱/۱۵-۱۳۶۴ اداره حقوقی نیز آمده به تبع مجنی علیه موضوع بزه فرق می‌کند به تعبیر دیگر موقعی مجنی علیه فرد عادی است و وقتی دیگر مجنی علیه جامعه است به نظر دادگاه زمانی که متضرر بزه نشر اکاذیب مثل مورد مانحن‌فیه جامعه باشد شاکی آن به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رئیس حوزه قضایی بوده و موضوع بزه نیز واجد وصف عمومی و غیرقابل گذشت خواهد بود. ۲. قید کلمات «... به هر نحوه فعالیت تبلیغی نماید...» در ماده ۵۰۰ از قانون مجازات اسلامی نیز چگونگی تحقق بزه تبلیغ علیه نظام را بالصراحه مشخص نموده و استنباط وکیل متهم در این خصوص فاقد وجاهت قانونی است اعضای هیأت منصفه مطبوعات به شرح نظریه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ در چهار صفحه به شرح منعکس در اوراق ۲۲۵ و ۲۲۶ از مجموع بیست و پنج فقره اتهام مطروح در پرونده در سیزده مورد متهم را بی‌گناه و در دوازده مورد (هفت فقره تبلیغ علیه نظام و پنج فقره نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی) دیگر مشارالیه را گناهکار تشخیص و در پایان نظریه با توجه فقد سابقه محکومیت جرائم مطبوعاتی و جوانی متهم و این‌که برادر شهید است و با توجه به عذرخواهی وی در جلسه علنی نامبرده را مستحق تخفیف دانسته است. در هر حال با توجه به مراتب فوق و با عنایت به شکایت معاون رئیس کل دادگستری استان تهران و سرپرست مجتمع قضایی جرائم کارکنان دولت و دیگر شکات و نظریه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ اعضای هیأت منصفه مطبوعات اظهارات و مدافعات متهم و وکیل ایشان و بالأخره جامع اوراق و محتویات پرونده بزهکاری متهم نسبت به پنج فقره نشر

اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و هفت فقره تبلیغ علیه نظام به شرح منعکس در نظریه هیأت مذکور ثابت و محرز است لهذا دادگاه در خصوص بزه‌های نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی مستنداً به ماده ۶۹۸ از قانون مجازات اسلامی با رعایت ماده ۴۷ همان قانون به یک‌سال حبس و در خصوص اتهامات تبلیغ علیه نظام نیز استناداً به ماده ۵۰۰ از قانون مجازات اسلامی و با لحاظ ماده ۴۷ همان قانون مشارالیه را به یک‌سال حبس دیگر محکوم می‌نماید که با توجه به نظریه هیأت منصفه که در قسمت پایانی و به شرح منعکس در آن متهم را مستحق تخفیف در مجازات دانسته است یک‌سال حبس مقرر بزه‌های نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی استناداً به بندهای ۳ و ۵ از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و بندج تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون اصلاح مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ به پنج سال محرومیت از هرگونه فعالیت‌های مطبوعاتی تبدیل می‌گردد، ایضاً شش ماه از حبس مقرر بزه‌های تبلیغ علیه نظام نیز بنا به جهات فوق‌الاشعار مستنداً به بند الف تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مذکور به ده میلیون ریال جزای نقدی تبدیل می‌گردد و قهراً شش ماه دیگر از مجازات حبس یاد شده پس از قطعیت رأی لازم‌الاجرا خواهد بود و از آن جایی که متهم به شرح مذکور مکرراً در شماره‌های مختلف هفته‌نامه اصرار در ارتکاب جرائم مطبوعاتی داشته، پروانه انتشار هفته‌نامه آبان استناداً به تبصره ۲ از ماده ۶ قانون اصلاحی مطبوعات مصوب ۱۳۷۷ لغو می‌گردد و اما نسبت به دیگر موارد اتهامی مطروح در پرونده از جمله شکایت دفتر حقوقی سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و شکایت ریاست شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی استان زنجان با توجه به نظر هیأت منصفه مطبوعات، دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی و با التفات به جامع اوراق و محتویات پرونده به لحاظ فقدان ادله مکفی استناداً به اصل سی و هفتم قانون اساسی رأی برائت متهم در کل موارد صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری محسوب و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ در محاکم تجدیدنظر استان تهران قابل اعتراض است.

رأی دادگاه تجدیدنظر

به موجب دادنامه شماره ۵۳۵-۱۳۷۹/۱۲/۲۰ دادگاه عمومی شعبه ۱۴۱۳ تهران آقای محمدحسن علیپور به علت ارتکاب به پنج فقره نشر اکاذیب و هفت فقره تبلیغ علیه نظام به استناد مواد ۶۹۸، ۵۰۰، ۴۷، ۲۲ قانون مجازات اسلامی به تحمل پنج سال محرومیت از هرگونه فعالیت‌های مطبوعاتی در مورد نشر اکاذیب و شش ماه حبس و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی در مورد تبلیغ علیه نظام و نیز به لغو پروانه انتشار هفته‌نامه آبان محکومیت یافته است. محکوم علیه با وکالت آقای عبدالفتاح سلطانی مبادرت به تجدیدنظرخواهی نموده است. این دادگاه با مطالعه

محتویات پرونده و مفاد لایحه تجدیدنظرخواهی، اولاً: اعتراض محکوم علیه در مورد محکومیت به علت ارتکاب جرم نشر اکاذیب را وارد تشخیص می دهد. زیرا همان طوری که وکیل محترم بیان داشته اند طبق صراحت ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، بزه نشر اکاذیب از جرائم قابل گذشت محسوب گردیده است. بنابراین، بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نیست و اختیار تعقیب تفویض شده به رئیس محترم حوزه قضایی مربوط به جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی جرائم بوده که در ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری و بند ۱ ماده ۴ قانون مذکور تصریح شده است، درحالی که نشر اکاذیب مصداق بند ۳ ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری می باشد و جرمی است که با شکایت شاکی تعقیب می شود و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد. علی هذا با پذیرش اعتراض در این قسمت به استناد بند ۱ شق ب ماده ۲۵۷ آئین دادرسی کیفری با نقض دادنامه معترض عنه رأی برائت آقای محمدحسن علیپور صادر می گردد.

ثانیاً: اعتراض محکوم علیه در مورد جرم تبلیغ علیه نظام وارد نیست زیرا اساس دادنامه بدوی که همانا احراز بزهکاری است با اوضاع و احوال منعکس در پرونده از قبیل تحقیقات معموله و نظر هیأت منصفه سازگار است. النهایه استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بیانگر این مفهوم است که دادگاه محترم بدوی در مرحله تعیین کیفر در مقام رعایت کیفیات مخففه بوده است، کماعضای مکرم هیأت منصفه نیز محکوم علیه را سزاوار تخفیف تشخیص داده اند و بدیهی است که در صورت استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه محترم بدوی مکلف بوده است یا مجازات اصلی کم تر از حداقل مقرر در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی تعیین کند و یا این که کیفر اصلی را به کیفر دیگری که مناسب تر به حال متهم است تبدیل نماید. منطوق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی بیانگر حبس از سه ماه تا یک سال می باشد. در نتیجه تعیین کیفر یک سال حبس که حداقل کیفر قانونی است با وصف استناد به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی و سپس تغییر آن به شش ماه حبس (که باز بیش تر از حداقل قانونی است) و پرداخت جزای نقدی غیرقانونی است. اصولاً دادگاه که در مقام تخفیف است با رعایت ضوابط تخفیف صرفاً یک کیفر مخفف مقرر می دارد. شیوه عمل دادگاه محترم بدوی مناسب تعلیق است که ابتدا یک کیفر تعیین و سپس تمام یا قسمتی از آن کیفر معینه با رعایت ضوابط معلق می گردد. بنابراین، نحوه کار دادگاه محترم بدوی هم قابل دفاع به نظر نمی آید. به هر حال پرواضح است وقتی دادگاه در مقام اعمال تخفیف است لغو پروانه انتشار هفته نامه آبان قانونی نیست. چون لغو پروانه انتشار به جای تخفیف، تشدید یا مجازات متهمان را افاده می نماید. بنا به مراتب مذکور نظر به این که اعضای محترم هیأت منصفه محکوم علیه را مستحق تخفیف تشخیص داده اند و این که محکوم علیه از اعضای خانواده معظم شهدا می باشد و این که دادگاه محترم

بدوی نیز به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی استناد کرده است و این‌که استناد به ماده ۲۲ قانون مذکور دادگاه را مکلف به تعیین کیفر پایین‌تر از حداقل یا کیفر از نوع دیگر می‌نماید و این‌که مقررات ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مضمول بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین می‌باشد زیرا حداقل کیفر قانونی آن کم‌تر از نود و یک روز است و از این رو تعیین حبس کم‌تر از حداقل مذکور در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و حتی همان حداقل (سه ماه) مخالفت با مقررات قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین خواهد بود و این‌که از تعمق در اظهارات محکوم‌علیه، ندامت و پشیمانی که یکی از اهداف مهم اعمال کیفر است، استنباط می‌گردد، صرفاً کیفر پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی که حداکثر کیفر جزای نقدی مذکور در بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین است، به‌عنوان مجازات محکوم‌علیه تعیین می‌گردد و کیفر شش ماه حبس و مابقی کیفر جزای نقدی و نیز لغو پروانه انتشار هفته‌نامه آبان از دادنامه بدوی به لحاظ غیرقانونی بودن حذف می‌گردد. و سرانجام با اصلاحات و تغییرات به‌عمل آمده و به استناد ماده ۲۵۰ آئین دادرسی کیفری رأی بر تأیید دادنامه معترض‌عنه در قسمت مبحوث‌عنه در نتیجه صادر می‌شود. این رأی قطعی است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه صدای ارومیه

نام نشریه: صدای ارومیه

مدیرمسئول: محمدرضا خادم شمس

شعبه رسیدگی کننده: دادگاه مطبوعات آذربایجان غربی، قاضی رضایی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۹

اتهام: نشر اکاذیب به قصد تشویش عمومی

شاکي: اداره کل ثبت اسناد و املاک، شرکت معدنی، مدیرکل پیشین معادن و فلزات آذربایجان غربی،

رئیس دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، نیروی مقاومت بسیج

رای دادگاه: بیست ضربه شلاق، شش ماه حبس، دو میلیون و چهارصد ریال جزای نقدی.

دادگاه تجدیدنظر بیست ضربه شلاق و شش ماه حبس را به بیست ضربه شلاق تعلیقی

کاهش داد.

خلاصه پرونده

به دنبال شکایت رئیس دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، اداره کل ثبت اسناد و املاک یک شرکت معدنی و مدیرکل پیشین معادن و فلزات آذربایجان غربی مدیرمسئول نشریه صدای ارومیه به دادگاه احضار شد. مدیرمسئول صدای ارومیه گفت: اتهام من نشر اکاذیب با هدف تشویش اذهان عمومی است. گزارشات چاپ شده در زمینه مرگ بیماری در جلوی درب ورودی بیمارستان شهید مطهری ارومیه در شماره های ۳۰ و ۳۵ نشریه مورد شکایت می باشد.

رای دادگاه بدوی و تجدیدنظر^۱

محمدرضا خادم شمس مدیرمسئول هفته نامه صدای ارومیه در گفت و گو با خبرنگاری دانشجویان ایران گفت: مجموع اتهامات مطرح شده علیه این نشریه را پنج مورد شکایت توسط نیروی مقاومت بسیج سپاه استان، دانشگاه علوم پزشکی، سازمان ثبت اسناد و مدیرکل سابق صنایع و معادن استان،

تشکیل می‌داده است. رأی دادگاه بدوی در مورد شکایت نیروی مقاومت بسیج، شش ماه حبس و بیست ضربه شلاق بود که در دادگاه تجدیدنظر به بیست ضربه شلاق تعلیقی کاهش یافت. وی اتهام *صدای ارومیه* در این مورد را انعکاس مطلبی با تیتراژ «فرمانده نیروی مقاومت بسیج: فرمانده من مطبوعات است» عنوان کرد و در مورد شکایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان به اتهام بزرگ‌نمایی بیانیۀ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه به یک میلیون و نهصد هزار ریال جزای نقدی محکوم شده‌ام.

وی در ادامه افزود: دادگاه به دلیل عدم اثبات اتهام توهین به واسطه نشر یک شعر طنز، شکایت سازمان ثبت اسناد را وارد ندانست و مدیرمسئول را از این اتهام تبرئه کرده است. همچنین مدیرکل سابق سازمان صنایع و معادن استان، شکایت خود را پس گرفت و این شکایت، مطرح نشد. شمس افزود: به دلیل عدم انعکاس جوابیۀ دانشگاه علوم پزشکی در صفحه اول و انعکاس آن در صفحه سوم به پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم شده‌ام.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه حریم

نام نشریه: حریم

مدیرمسئول: حسن اختری

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۱۹

شماره دادنامه: ۳۳۴، کلاسه پرونده: ۲۷۳/۱۴۱۰/۸۰

اتهام: اهانت به رئیس جمهوری

شاک: مدعی العموم

رای دادگاه: دو ماه توقیف، صدور حکم برائت.

خلاصه پرونده

رئیس شعبه دادگاه ۱۴۱۰ طی نامه‌ای به وزیر ارشاد دلایل جلوگیری از انتشار هفته نامه حریم را اعلام کرد.

با عنایت به شکایت واصله علیه حسن اختری مدیرمسئول هفته نامه حریم از طرف رئیس دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم مبنی بر هجو و استهزای شعارهای انتخاباتی ریاست محترم جمهور جناب آقای سید محمد خاتمی و چاپ و انتشار مطالب اهانت آمیز نسبت به ایشان با توجه به این که قانون گذار (بند ۵) اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مقام تبیین وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف این قوه دانسته که از جمله مقررات پیشگیرانه مذکور در قوانین عادی ماده ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ می باشد، علی هذا با توجه به اهمیت موضوع دادگاه با استناد به ماده ۶ قانون مطبوعات و بندها و تبصره های آن با ملحوظ نظر داشتن عدم توجه مدیرمسئول هفته نامه حریم به تذکرات و نصایح مسؤولان محترم نظام در جهت رعایت حدود مطبوعات و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری درخصوص سایر نشریات متخلف به حکم وظیفه قانونی در پیشگیری از اقدامات مجرمانه هفته نامه مذکور قرار توقیف موقت هفته نامه حریم را صادر می نماید.

بنا به رای دادگاه شعبه ۱۴۱۰ مقرر است تا اطلاع ثانوی از ادامه و چاپ و انتشار این هفته نامه

جلوگیری به عمل آید. دستور قضایی فوق به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع است.^۱

دادگاه حریم^۲

در ابتدای این جلسه نماینده مدعی العموم شکایت خود را از نشریه حریم مطرح کرد. وی در شکوائیه خود به خاطر چاپ مطلبی تحت عنوان «شعارهای انتخاباتی آقای خاتمی» تقاضای مجازات مدیرمسئول نشریه حریم را از دادگاه خواستار شد. سپس قاضی مرتضوی خطاب به حسن اختری گفت: اتهام شما به موجب شکایت مدعی العموم هجو و استهزای شعارهای انتخاباتی آقای خاتمی می‌باشد که جنبه اهانت به ایشان دارد تفهیم می‌گردد، از خود دفاع کنید.

حسن اختری مدیرمسئول هفته‌نامه حریم در دفاع از خود گفت: این مطلب در صفحه ۷ نشریه با عنوان «بدون حریم» چاپ شده که بیان‌گر این است که خوانندگان این صفحه حریم طنز و جد را از هم جدا کنند و به چهار دلیل مطلب شعارهای انتخاباتی آقای خاتمی توهین و جرم نیست. اول: در این صفحه شعارهای تبلیغاتی که یکی از آسیب‌های فرهنگی جامعه اسلامی شده است، مورد انتقاد قرار گرفته است و در هیچ یک از شعارها شخص خاصی مورد نظر نبوده است. طنزنویس نشریه در ۵ شماره از نشریه شعارهای انتخاباتی افراد تخیلی با نام‌های آقای «الف»، آقای «س»، آقای «میم»، آقای «ه» و آقای «خ» را مورد نقد قرار داده است. در این طنز در بند مربوط به «خوش ندارم عده‌ای برای من هم تُو روز یک بار بحران ایجاد کنند» نویسنده با قید «برای من هم» آن را از شخص رئیس‌جمهور مجزا کرده است. دوم: توهین به مقامات رسمی مطابق قانون ۶۰۹ و رویه‌های مسلم قضایی جرم است و چگونه می‌توان نامزد ریاست جمهوری را رئیس‌جمهور فرض کرد. همچنین باید توجه داشت شخصیت آقای خاتمی به‌عنوان نامزد انتخابات با جایگاه اجرایی و سیاسی او به‌عنوان رئیس‌جمهور کاملاً تفکیک شده است.

اختری گفت: سوم این‌که هیچ شکایتی از رئیس‌جمهور واصل نشده است در جایی که خود شخص تلقی اهانت ندارد، چگونه مدعی العموم نوشته را حمل بر اهانت کرده است؟ وی چهارمین دلیل خود را عرف خاص مطبوعاتی دانست که این نوشته یک طنز متعارف است و عرف تاکنون از طنز به‌طور مطلق افاده اهانت نمی‌کند. وی در پایان با بیان این‌که هیچ قصد اهانتی در کار نبوده و

۱. نامه شماره: ۵۲۳/۱۴۱۰/۷۹.

۲. روزنامه رسالت ۱۳۸۰/۷/۱۷.

با توجه به این که این نشریه به دلیل تعطیلی تا به حال هفده میلیون تومان متضرر شده است از دادگاه تقاضای صدور رأی برائت کرد.

نظر هیأت منصفه و دادگاه

هیأت منصفه مطبوعات در اظهار نظر خود با طنز دانستن مطلب منتشر شده در این هفته نامه آن را در حد اهانت ندانسته و با اکثریت آرا به عدم مجرمیت مدیرمسئول هفته نامه حریم نظر داده است. دادگاه با توجه به نظر هیأت منصفه و به استناد ماده ۴۳ قانون مطبوعات رأی برائت مدیرمسئول نشریه حریم را صادر و در اجرای ماده ۴۴ همان قانون از دستور توقیف موقت نشریه رفع اثر به عمل می آورد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه بیستون

نام نشریه: بیستون

مدیرمسئول: فریدون معتمدیان

شعبه رسیدگی کننده:

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۲۸

اتهام: توهین و اهانت

شاک: شورای شهر کرمانشاه

رأی دادگاه: رأی برائت صادر می شود.

خلاصه پرونده

چهار تن از اعضای شورای شهر کرمانشاه از روزنامه بیستون و گیتی آزاد به خاطر آنچه که آن را اهانت به شورا خوانده اند، شکایت کردند.

مدیرمسئول روزنامه بیستون دلیل این شکایت را مصاحبه این روزنامه با خانم آزاد عنوان کرد که در آن عدم صراحت به اشتباه، عدم صداقت چاپ شده و موجب ناراحتی تعدادی از اعضای شورای شهر کرمانشاه شد.

فریدون معتمدیان افزود: برخی هنوز به آن ظرفیت انتقادپذیری نرسیده اند و متأسفانه راه حلی که در نظر می گیرند، شکایت کردن است. در صورتی که ما می خواهیم باب گفتمان را در این گونه مسائل باز کنیم که افراد مختلف پاسخ قلم را با قلم بدهند.

رأی دادگاه^۱

دادگاه پس از بررسی مدیرمسئول نشریه بیستون را از اتهامات وارده تبرئه کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول روزنامه دوران امروز

نام نشریه: دوران امروز

مدیرمسئول: حمیدرضا زاهدی کهنه گورابی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۲۷ توقیف

اتهام: تخلف از تبصره و مفاد ماده ۶ قانون مطبوعات

شاک: مدعی العموم

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

توقیف نشریه

دادگستری استان تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: قرار توقیف موقت روزنامه دوران امروز به اتهام تخلفات متعدد و مستمر از تبصره‌ها و مفاد ماده ۶ قانون مطبوعات و به استناد مواد ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین صادر شده است.

با اعلام شکایت مدعی العموم رئیس شعبه ۱۴۱۰ طی دستور قضایی با توجه به تخلفات متعدد و عدم توجه به نصایح و تذکرات مسئولان نظام مبنی بر حفظ فضای سالم و امن مطبوعات کشور و عدم اعتنای آن به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در رابطه با سایر نشریات متخلف به استناد مواد ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین قرار توقیف موقت انتشار این نشریه را صادر و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مبادی ذی ربط ابلاغ کرد.

پرونده این نشریه تاکنون تحت رسیدگی قرار نگرفته و همچنان در دادگستری مفتوح است.



رسیدگی به پرونده مدیرمسئول هفته نامه جامعه مدنی

نام نشریه: جامعه مدنی

مدیرمسئول: محمود رئوفی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۲۷ توقیف

اتهام: تخلف از تبصره و مفاد ماده ۶ قانون مطبوعات، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی،

تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی

شاکی: مدعی العموم

رای دادگاه: پرونده مفتوح است.

توقیف نشریه

دادگستری استان تهران با ارسال نامه‌ای^۱ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حکم توقیف هفته نامه جامعه مدنی را اعلام کرد. در این نامه آمده است: با عنایت به شکایت واصله علیه آقای محمود رئوفی مدیرمسئول هفته نامه جامعه مدنی از طرف رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم مبنی بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به این که قانون گذار در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام تبیین وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف این قوه دانسته که از جمله مقررات پیشگیرانه مذکور در قوانین عادی ماده ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹ می باشد، بنا علی هذا با توجه به اهمیت موضوع دادگاه به استناد ماده ۶ قانون مطبوعات و بندها و تبصره های آن با ملحوظ نظر داشتن عدم توجه مدیرمسئول هفته نامه مذکور به تذکرات و نصایح مسؤلان محترم نظام در جهت رعایت حدود مطبوعات و عدم اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری در خصوص سایر نشریات متخلف به حکم وظیفه قانونی در پیشگیری از اقدامات مجرمانه هفته نامه مذکور قرار توقیف موقت هفته نامه جامعه مدنی را صادر و

۱۵۸۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

اعلام می‌نماید. مقرر است تا اطلاع ثانوی از ادامه چاپ و انتشار این هفته‌نامه جلوگیری به عمل آید. دستور قضایی فوق به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاتباع می‌باشد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول مبین

نام نشریه: مبین

مدیرمسئول: علی محمد غریبانی، کمال مرادی

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۹/۱۲/۲۷ توقیف

اتهام: تخلف از تبصره و مفاد ماده ۶ قانون مطبوعات

شاکای: مدعی العموم

رای دادگاه: در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۵ شعبه ۱۰۸۳ قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول را صادر کرد.

توقیف نشریه

دادگستری استان تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: این نشریه به اتهام تخلفات متعدد و مستمر از تبصره‌ها و مفاد ماده ۶ قانون مطبوعات و به استناد مواد ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمین توقیف شده است.

با اعلام شکایت مدعی العموم مدیرمسئول نشریه، تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است.

در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۵ شعبه ۱۰۸۳ قرار موقوفی تعقیب مدیرمسئول را صادر کرد.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول ماهنامه پیام امروز

نام نشریه: پیام امروز

مدیرمسئول: محمد زاهدی اصل

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، قاضی مرتضوی

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۱/۴/۳. توقیف: ۱۳۷۹/۱۲/۲۸

اتهام: موضوع تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات، ایراد تهمت و چاپ مطالب خلاف واقع
شاکی: مدعی العموم، سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، شاکی خصوصی دری نجف آبادی
رای دادگاه: اعضای هیأت منصفه در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۲ نظر خود مبنی بر مجرم بودن مدیرمسئول
را اعلام کردند. در تماسی که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴ از سوی گردآورنده با مدیرمسئول
پیام امروز و وکیل وی به عمل آمد، هر دو آن‌ها اظهار داشتند رأی دادگاه تا این ساعت به ما
ابلاغ نشده است.

جلسه دادگاه

جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول نشریه پیام امروز به مدیرمسئولی زاهدی اصل در دوم
تیرماه ۱۳۸۱ در دادگاه مطبوعات به ریاست قاضی مرتضوی و به صورت علنی برگزار شد.
در ابتدای جلسه قاضی دادگاه از نماینده حقوقی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی خواست که
شکایت خود را مطرح کند.

سیدمرتضی طباطبایی نماینده حفاظت اطلاعات ناجا گفت: در نشریه پیام امروز به نقل از باقی
نوشته که «چندی پیش سرهنگی از نیروی انتظامی به من گفت: در جریان قتل فروورها به عنوان
مراقب در صحنه حضور داشته است». درج این مطلب کذب، باعث خدشه وارد شدن به چهره خدمت
پرسنل نیروی انتظامی شده است.

نماینده حقوقی حفاظت اطلاعات ناجا گفت: در این نوشته، پرسنل نیروی انتظامی متهم به
مشارکت در قتل‌های زنجیره‌ای شده‌اند. وی خواستار رسیدگی دقیق و بدون اغماض براساس مواد
۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات شد.

قاضی مرتضوی سپس از زاهدی اصل سؤال کرد: آیا آمادگی دفاع از اتهامات را دارید؟

زاهدی اصل گفت: در این مورد خاص آمادگی دفاع را دارم. دکتر حسین‌آبادی از قاضی دادگاه خواست که در این جلسه، شکایات شخصی را مطرح و دفاعیات انجام و در جلسات بعدی شکایات مدعی العموم مطرح شود. قاضی از زاهدی اصل مدیرمسئول نشریه پیام امروز خواست که درخصوص اتهام خود مبنی بر چاپ مطالب خلاف واقع و ایراد تهمت و افترا به حفاظت اطلاعات ناجا و متهم کردن این نیرو به معاونت و شرکت در قتل فروهرها، از خود دفاع کند. زاهدی اصل گفت: آقای باقی در یکی از جلسات دادگاه در دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ که به صورت علنی برگزار شد، این مطلب را گفته بود و این گفته باقی قبل از نشریه پیام امروز در روزنامه‌های ایران و همشهری هم به چاپ رسیده بود. مطلب چاپ شده در روزنامه فقط گزارش جلسه دادگاه بود.

قاضی از زاهدی خواست چنانچه دلیلی در خصوص صحبت باقی در خصوص مراقبت نیروی انتظامی در صحنه قتل فروهرها دارد ارائه کند.

زاهدی گفت: این فقط یک گزارش ژورنالیستی از جلسه دادگاه بوده است. دکتر حسین‌آبادی در ابتدای جلسه دادگاه با اشاره به ماده ۳۲ قانون به صلاحیت نماینده حقوقی ناجا اشکال وارد کرد که قاضی گفت: صلاحیت نماینده حقوقی ناجا مورد تأیید است. وکیل مدافع زاهدی با اشاره به مواد ۱۸۸ قانون گفت: خبرنگار در جلسه دادگاه برای گزارش جریان دادگاه می‌آید. چطور ممکن است مطالبی که گزارش دادگاه است و قبلاً در نشریات دیگر به چاپ رسیده، اذهان عمومی را تشویش کند. از نظر حقوقی تا زمانی که ثابت نشود مطلبی که گفته شده، قصد معاونت دارد، هیچ‌یک از اتهامات آقای زاهدی به عنوان مفتری قابل تعقیب نیست. وی در پاسخ به سؤال قاضی درخصوص معاونت ناجا در قتل فروهرها افزود: از نوشته باقی معاونت نیروی انتظامی در قتل فروهرها به دست نمی‌آید. در ادامه جلسه قاضی از زاهدی اصل سؤال کرد که آیا آمادگی دفاع از اتهامات خود برای جلسه آینده را دارد که زاهدی اصل خواستار عدم برگزاری جلسه در هفته آینده شد.

دومین جلسه دادگاه^۱

دومین جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول ماهنامه پیام/امروز به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه به ریاست قاضی مرتضوی برگزار شد.

در دومین جلسه رسیدگی به اتهامات زاهدی اصل به شکایت رئیس حوزه قضایی استان تهران رسیدگی شد و نماینده مدعی العموم گفت: زاهدی اصل از طریق اجاره نشریه خود به افراد بدون صلاحیت اقدام به نقض قوانین مطبوعاتی نموده و اجازه انتشار ماهنامه را بدون توجه به سوابق سیاسی عمید نائینی در قبال کسب منافع مادی به وی واگذار کرده است.

وی با بیان بخش‌هایی از قرارداد اجاره نشریه بین زاهدی اصل و عمید نائینی گفت: براساس این قرارداد ناشر (نائینی) متعهد است ماهانه دودرصد از قیمت روی جلد را نسبت به هشتاددرصد تیراژ آن به صاحب امتیاز و مدیرمسئول بپردازد و این نوعی اجاره‌نامه است و همچنین در صورت توقیف شدن نشریه به خاطر تخلف و قصور از قوانین مطبوعات مبلغ ۵۰ درصد از بهای آخرین تیراژ را بپردازد.

نماینده مدعی العموم در مورد دیگر اتهامات مدیرمسئول و صاحب امتیاز ماهنامه پیام امروز گفت: بررسی اجمالی اتهامات زاهدی اصل بدین قرار است: الف. تبلیغ علیه نظام و ارگان آن. در شماره ۱۹ با مقاله‌ای تحت عنوان "همصدایی" جامعه ایران را به فریب‌کاری و ایجاد فضای استبداد متهم نموده است. شماره ۲۴ با درج مطلبی از محاکمه کرباسچی شهردار سابق تهران به نقل از روزنامه همشهری دستگاه قضایی و بازجویی را غیرانسانی دانسته است. شماره ۲۸ با درج مطلبی به نقل از ابوالفضل بازرگان نظام را مستبد دانسته و مسئولان را به استفاده ابزاری از جنگ متهم کرده است. در شماره ۲۹ اقدام به انتشار سخنرانی باقر پرهام عضو اپوزیسیون مخالفان خارج کشور کرده است. در شماره ۳۱ نامه‌ای ارسال شده به دفتر ماهنامه را چاپ نموده که در آن نظام کشور را به خشونت و خفقان متهم کرده است. همچنین چاپ تحلیلی از روزنامه تایمز در مورد دادگاه برلین در شماره ۴۲ و انتشار مقاله‌ای در مورد مجلس ششم با عنوان "دشواری، پر مسؤولیت‌تر" در شماره ۴۵ مقاله‌ای با عنوان "با این همه باید خویشتندار بود" در اردیبهشت ۷۹ و «پس لرزه‌های جنبش دوم خرداد» را منتشر کرده است.

ب. نقل مطالب احزاب معاند انقلاب، در شماره‌های ۳۶ با انتشار نامه عبدالمجید لاهیجی عضو سازمان منافقین به رئیس‌جمهور و شماره ۵ با انتشار بخش‌هایی از نامه بنی صدر.

ج. چاپ مطالب خلاف واقع بر ضد تبصره ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات در شماره‌های ۴۲، ۲۵، ۲۸، ۲۹ و ۲۶ که اقدام به انتشار مطالبی در مورد ناکارایی دستگاه قضایی و اوباش و حقوق‌بگیر تلقی کردن شعاردهندگان علیه آمریکا و انتشار مقالات مخالفان و معاندان خارج از کشور کرده است. د. توهین به مسئولان در شماره‌های بهمن ۱۳۷۸ و نیز شماره ۳۱.

ه. افترا به نهادهای حکومتی برخلاف تبصره ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات در شماره ۲۸.

و. تحریف سخنان افراد و اقدام علیه امنیت ملی در شماره ۲۹.

ی. انتشار جریان محاکمات غیرعلنی دادگستری.

وی در ادامه از قاضی و هیأت‌منصفه خواست تا براساس بند ۶۵، ۸ و ۹ تبصره ۱۱ ماده ۶ و تبصره ۸ ماده ۹ و ماده ۲۵ و تبصره ۳ همان قانون و همچنین مواد ۵۰۰، ۶۰۹، ۵۰۹ و رعایت ماده ۴۷ از بابت تعدد جرم اقدام به صدور رأی نمایند.

زاهدی اصل در دفاع از خود گفت: در جلسه قبل از قاضی برای تهیه مدارک مورد نیاز مهلت خواستیم و موافقت شد و جلسه بعدی به آمادگی من موکول شد ولی به من احضاریه نرسید و من از طریق وکیلیم از تاریخ تشکیل دادگاه مطلع شدم. این دادگاه من، به عنوان مدیرمسئول ماهنامه است نه دادگاه عمید نائینی، به همین دلیل اتهامات ایشان را در دادگاه خودشان رسیدگی کنید.

وی افزود: در جلسه قبل ۴۴ مورد اتهامی توسط مدعی العموم ذکر شد و ما خود را برای دفاع از آن آماده کرده بودیم. در این جلسه ۲۱ مورد از آن اتهامات حذف شده است که از آن جمله توهین به مقدسات بوده است. زاهدی اصل گفت: بحث اجاره‌ای بودن نشریه مربوط به یک بحث حقوقی است که مدعی العموم برای فضاسازی در جلسه دادگاه در اول ادعای خود مطرح کرده‌اند. من می‌خواهم بدانم به چه حقی با آبروی مردم بازی می‌کنید و به من تهمت می‌زنید؟ در این مورد از بعد حقوقی توضیح خواهم داد که این چنین نیست.

قاضی مرتضوی گفت: شما از جلسه پیش تاکنون سه هفته فرصت داشتید و از زمان توقیف نشریه ماه‌ها می‌گذرد. برطبق روال دادگاه اگر شما برای به تعویق انداختن جلسه دادگاه عذری می‌آوردید قطعاً مورد قبول قرار می‌گرفت.

وی در مورد اتهامات نائینی گفت: ایشان با قرار وثیقه آزاد هستند و ممنوع‌الخروج نشدن ایشان دلیل بر عدم مجرمیت ایشان نیست و امکان هرگونه دفاعی برای ایشان وجود دارد.

قاضی در مورد کم شدن تعداد اتهامات وارده گفت: مدعی العموم با توجه به این‌که شما در رابطه با مقالاتی که در آن توهین به مقدسات شده بود، سوءنیت ندارید، از اعلام جرم خود صرف‌نظر کرده است. این روال عادی شکایت مدعی العموم است که در ابتدای اعلام اتهامات در صورت اجاره‌ای بودن نشریه آن را ذکر کند و تفاوتی بین نشریه شما و دیگران نیست.

زاهدی اصل مدیرمسئول ماهنامه پیام امروز گفت: من در خصوص قرارداد واگذاری نشریه در سال ۱۳۷۳ از شخصیت‌های حقوقی مشورت گرفتم و آن‌ها جرم نبودن آن را اعلام کردند.

وی در دفاع از اتهامات خود گفت: با تقلیل تعداد شکایات از ۴۴ به ۲۳ مورد نظم ذهنی من به هم خورده است. در جلسه بعد تمام موارد را با ذکر صفحه و پاراگراف ارائه خواهیم کرد.

زاهدی اصل در مورد درج مطلبی از قول روزنامه همشهری مبنی بر خشونت دستگاه قضایی گفت: رویکرد مطالب تهیه شده از نوع گزارش و بی طرفانه بوده است و فقط بخش هایی از مطالب روزنامه را درج کرده است و در آن صفحه مقالاتی از روزنامه رسالت هم آورده ایم که در فضای ملتهب چهار سال پیش مورد توجه مردم و کارشناسان قرار گرفت.

قاضی مرتضوی گفت: این که شما بعد از چند سال محاکمه می شوید، مطلب عجیبی نیست و نقل مطلب از روزنامه های دیگر دلیل و توجیه محکمه پسندی نیست. هر روزنامه مسؤل هر آن چیزی است که در نشریه خود چاپ می کند. شما از پاراگراف هایی که مدعی العموم شکایت کرده اند، دفاع کنید.

زاهدی اصل برای دفاع از اتهامات خود در خصوص درج مطالبی از ابوالفضل بازرگان به بخش های دیگر مقاله اشاره کرد و گفت: موضوع قرن ها استبداد چیزی است که بسیاری از جامعه شناسان به آن پرداخته اند. وی در مورد انتشار سخنرانی باقر پرهام گفت: اگر من اطلاع داشتم که این فرد عضو اپوزیسیون مخالفان خارج کشور، عضو شورای مرکزی حزب توده و معاند انقلاب است، مانع درج مصاحبه ایشان می شدم. در صورتی که انجمن اپوزیسیون مخالف انقلاب وجود خارجی ندارد و آقای پرهام در مقالات و کتاب هایش موافقت خود را با نظام بارها اعلام کرده است. قصد ما بیان نظریات مختلف بوده است و زمان نشر سخنرانی، دو سال قبل از توقیف نشریه بوده است.

زاهدی اصل در مورد ترجمه و انتشار مقاله از نشریات خارجی گفت: مسأله کنفرانس برلین چیزی است که همگان با آن آشنا هستند. این که مردم تحلیل آن را از رسانه های جمعی داخلی بخوانند بهتر از این است که از رادیوهای خارجی بشنوند. تقاضای من این است که هر مورد را در فضای سیاسی حاکم بر موضوع بررسی کنید.

مرتضوی قاضی پرونده گفت: درج مطالب از زبان دیگران نمی تواند رافع مسؤولیت شما باشد. زاهدی اصل در بین دفاعیات خود راجع به اتهام نقل مطالب از گروه های مفسد گفت: اساساً استناد به تبصره ۸ ماده ۹ قانون مطبوعات درباره پیام امروز محلی از اعراب ندارد.

وی در مورد نامه عبدالمجید لاهیجی گفت: آن نامه خطاب به آقای خاتمی بوده است و اساساً تشخیص ضدانقلاب بودن ایشان در صلاحیت من نیست. آقای لاهیجی در موردی نامه نوشتند که رهبر انقلاب خود محکم ترین تعابیر را برای این موضوع به کار بردند.

وی در مورد نامه بنی صدر گفت: به هیچ وجه نامه ایشان در ماهنامه چاپ نشده است. ما از چاپ پیشنهادهای بنی صدر در مورد مسأله تورم خودداری کردیم.

قاضی مرتضوی گفت: شما یک اشاره به نامه بنی صدر کرده‌اید هیچ فرقی نمی‌کند که این فرد دلسوز نظام است یا معاند. خواننده برای خواندن آن نامه مشتاق می‌شود. زاهدی اصل در این مورد گفت: اگر من می‌نوشتم بنی صدر ملعون است، آیا باز به خاطر نوشتن اسم بنی صدر محکوم می‌شدم؟ ما فقط گفتیم بنی صدر ضدنظام است و طبق بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات تبلیغی برای او نکردیم.

دکتر حسین آبادی وکیل متهم در مورد اتهام اجاره‌ای بودن نشریه گفت: شرایط عقد اجاره در این مورد جمع نیست، نه مدتی برای قرارداد در نظر گرفته شده است و نه این‌که مبلغ خاص و مشخصی تعیین شده است و کسب سود دودرصدی نمی‌تواند به‌عنوان حق‌الاجاره در نظر گرفته شود. حسین آبادی در مورد واگذاری نشریه به غیر گفت: زاهدی اصل نمی‌تواند در قبال واگذاری نشریه سمت خود را از دست دهد و این‌طور نبوده است. در صورتی که فرض کنیم این حالت هم بوده، طبق تبصره ۳ ماده ۹ در سال ۱۳۷۹ این قضیه منتفی است. قانون سال ۱۳۷۳ این عمل را جرم ندانسته است.

آخرین جلسه دادگاه

سومین و آخرین جلسه دادگاه در ۳۱ تیرماه ۱۳۸۱ برگزار شد. در این جلسه قاضی مرتضوی با اشاره به شکایت آقای دری نجف‌آبادی، چاپ و انتشار مذاکرات جلسه غیرعلنی دادگاه و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، ایراد تهمت و افترا را نیز به مدیرمسئول نشریه پیام امروز تفهیم کرد و گفت: دری نجف‌آبادی در شکایت خود آورده است که نشریه پیام امروز از طریق مصاحبه با وکلای مدافع متهمان، جلسه دادگاه غیرعلنی قتل‌های زنجیره‌ای را انتشار داده است. علاوه بر این، نشریه پیام امروز مطالبی توهین‌آمیز و خلاف واقع و تهمت و افترا به دری نجف‌آبادی منتسب کرده است. مدیرمسئول نشریه پیام امروز در دفاع از خود گفت: شکایت آقای دری نجف‌آبادی بعد از توقیف مجله صورت گرفته است. اگر آقای دری نجف‌آبادی در زمان چاپ مجله هر توضیحی را چه شفاهی و چه کتبی ارائه می‌کرد، قطعاً آن را چاپ می‌کردیم. از آنجایی که فعالیت نشریه متوقف شده بود، در یک نشریه دانشجویی، سوء تفاهم موجود را توضیح دادم. مدیرمسئول نشریه پیام امروز گفت: مسیر رسیدگی به پرونده در مصاحبه رئیس دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای با واحد مرکزی خبر تشریح شده بود که روزنامه‌ها از جمله ماهنامه پیام امروز نیز از این خبر استفاده کرد.

وی در آخرین دفاع خود گفت: این نشریه به‌صورت ماهنامه منتشر می‌شد و مطالبی که مطرح

شده قبلاً در اکثر روزنامه‌ها به چاپ رسیده بود. اتهام اجاره دادن نشریه پیام امروز را قبول ندارم و این اتهام را رد می‌کنم. البته این موضوع متعلق به نه سال پیش است. نشریه پیام امروز در دوران انتشار خود هیچ‌گونه تخلفی نداشته و از هیأت نظارت بر مطبوعات حتی یک بار نیز تذکر و اخطار دریافت نکرده است، اما نماینده مدعی العموم در ادعای خود مسأله اجاره بودن پیام امروز و یا این‌که این نشریه به افراد فاقد صلاحیت واگذار شده است، را عنوان کرده است. یک صاحب امتیاز چطور می‌تواند صلاحیت یک فرد در رابطه با مدیرمسئول را مورد ارزیابی قرار دهد و این کار عملی نیست. چون هر فردی که در مطبوعات سال‌ها قلم زده است به اندازه کافی تجربه و تخصص در زمینه مطبوعات دارد و سؤال من این است: صلاحیت حرفه‌ای افراد را چه کسی باید تعیین کند. عمید نائینی تمام مدت فعالیت مطبوعاتی‌اش بعد از انقلاب سردبیر بوده و حتی از وزارت ارشاد لوح تقدیر دریافت کرده است و صلاحیت ایشان تردیدناپذیر است و این سؤال من از دادگاه است که چگونه نماینده مدعی العموم ایشان را - عمید نائینی - فاقد صلاحیت معرفی می‌کند. این نکته قابل ذکر است که بسیاری از همکاران ایشان دارای نشریه و یا مدیرمسئول هستند و عمید نائینی هیچ‌گاه نخواست صاحب امتیاز نشریه‌ای باشد.

مدیرمسئول پیام امروز در دفاع از خود گفت: نماینده مدعی العموم در ادعای خود اتهاماتی به عمید نائینی وارد کرده‌اند که واقعیت ندارد و هیچ‌گاه ایشان در دادگاهی محکوم نشده‌اند و حکم محکومیت دریافت نکرده‌اند و اگر نماینده مدعی العموم مدرکی دارند، ارائه دهند. نماینده مدعی العموم در جلسه قبلی اعلام کرده‌اند عمید نائینی، قبل از انقلاب عضو شورای روزنامه آیندگان بوده‌اند که در آن زمان شورای سردبیری وجود نداشت.

در ادامه زاهدی اصل افزود: بهترین کار این است که وزارت اطلاعات اعلام کند با فلان شخص همکاری مطبوعاتی نکنید، اما متأسفانه پس از ۹ سال که از انتشار نشریه می‌گذرد، ناگهان یک مطلبی از نخستین شمارگان نشریه بیرون آورده می‌شود و از آن شکایت می‌شود که این کار درست نیست و به مصلحت کشور و نظام نمی‌باشد.

وی گفت: در آن ایام به اتفاق برادر همسرم پیام امروز را انتشار می‌دادم که با عمید نائینی به عنوان یک روزنامه‌نگار آشنا شدم و تا آن زمان وی را نمی‌شناختم که پس از این آشنایی قرار شد با او همکاری کنیم و کارهای انتشار نشریه را تقسیم کردیم و شرایط کاری خودمان را روی کاغذ آوردیم و هیچ وقت نشریه را اجاره ندادیم.

مدیرمسئول پیام امروز در رابطه با اتهام چاپ مطالب خلاف واقع و اهانت‌آمیز گفت: مطلبی مربوط به نامه سرگشاده ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در جهت حمایت از اشکوری و برخورد

دادگاه ویژه روحانیت چاپ شده است که در این مطلب هیچ‌گونه اهانتی به دادگاه ویژه روحانیت نشده است.

پیام امروز یک پروژه بزرگ فرهنگی در رابطه با مسائل مطبوعات به چاپ رسانده است که این کار توسط اساتید بزرگ و به صورت تحلیل و تحقیق انجام شده است و حتی در سال ۱۳۷۸ جایزه گرفت و حالا نماینده مدعی العموم از آن مطلب شکایت کرده است که آن شکایت را ما وارد نمی‌دانیم، چون هیچ‌گونه اهانتی به کسی و یا دستگاهی وارد نشده است. در نشریه **پیام امروز** هیچ‌گونه تبلیغی علیه نظام و مسئولان قضایی و اجرایی نظام انجام نگرفته است و ما این اتهامات را قبول نداریم و مطالب چاپ شده با دقت کامل و با وسواس خاصی تهیه و چاپ شده است.

نظر هیأت منصفه^۱

مدیرمسئول ماهنامه **پیام امروز** پس از سه جلسه محاکمه علنی و دو جلسه شور به وسیله هیأت منصفه به اتفاق آرا مجرم شناخته شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، هیأت منصفه در رابطه با موارد اتهامی آقای محمد زاهدی اصل مدیرمسئول ماهنامه **پیام امروز** موضوع اعلام جرم رئیس حوزه قضایی استان تهران به عنوان مدعی العموم و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و آقای دری نجف‌آبادی نظریه خود را به شرح ذیل به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران اعلام نمودند:

در رابطه با اعلام جرم نماینده مدعی العموم مبنی بر این که مدیرمسئول این نشریه امتیاز ماهنامه **پیام امروز** را به آقای عمید نائینی و افراد فاقد صلاحیت قانونی اجاره داده است با توجه به ماده ۱، ۳ و ۴ متمم قرارداد فیما بین نامبردگان که توسط ضابطین دادگستری در بازرسی کشف و ضمیمه پرونده گردیده و به موجب ماده ۳ متهم قرارداد مذکور ماهانه مبلغ دودرصد از قیمت روی جلد ماهنامه به عنوان ثمن مال الاجاره تعیین گردیده، هیأت منصفه با توجه به مدافعات متهم و وکیل مدافع وی صرف نظر از این که قرارداد واگذاری مذکور قبل از سال ۱۳۷۹ تنظیم گردیده به لحاظ استمرار و ادامه این قرارداد تا زمان توقیف موقت نشریه **پیام امروز** در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۸ و عدم توجه مدیرمسئول و صاحب امتیاز به ممنوعیت مقرر در تبصره ۳ ماده قانون مطبوعات مصوب اردیبهشت ۱۳۷۹ با اکثریت آرا نامبرده را مجرم تشخیص دادند.

هیأت منصفه در رابطه با اتهام تبلیغ علیه نظام و ارکان تشکیل دهنده آن مدیرمسئول ماهنامه **پیام امروز** را در خصوص چاپ و انتشار شش مورد از مطالب مورد شکایت در شماره‌های مختلف

از جمله شماره ۲۴ صفحه ۲۸ و... با اتفاق آرا و در برخی موارد با اکثریت آرا به مجرمیت آقای زاهدی اصل اعلام نظر نمودند.

هیأت منصفه در رابطه با چاپ مطالب خلاف واقع و اهانت آمیز و کذب، مدیرمسئول این نشریه را در خصوص مطلب شماره ۲۹ صفحات ۵ و ۳۲ و مطلب شماره ۳۶ صفحه ۷۱ موضوع اعلام جرم مدعی العموم مجرم اعلام نمود. همچنین اعضای هیأت منصفه مدیرمسئول نشریه پیام امروز را در رابطه با چاپ و انتشار جریان محاکمات غیرعلنی دادگستری با اتفاق آرا مجرم تشخیص دادند. همچنین در خصوص اعلام شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی هیأت منصفه پس از شور و مشورت لازم مدیرمسئول نشریه پیام امروز را مجرم اعلام نمودند.

هیأت منصفه همچنین مدیرمسئول نشریه پیام امروز را در رابطه با اعلام شکایت آقای دری نجف آبادی مبنی بر ایراد افترا به نامبرده پس از شور و بررسی پرونده و مستندات ابرازی با اتفاق آرا مجرم تشخیص دادند.

هیأت منصفه در خصوص موارد بند (ب، د، ه، و) اعلام جرم مدعی العموم متهم را مجرم ندانست و با اکثریت آرا متهم را مستحق تخفیف اعلام نمود.

این اطلاعیه در پایان می افزاید: نظریه هیأت منصفه به شرح فوق به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران تسلیم و این دادگاه ظرف مدت یک هفته می بایست رأی خود را در خصوص موارد اعلامی صادر نماید.

در تماسی که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴ از سوی گردآورنده با زاهدی اصل و دکتر حسین آبادی وکیل وی برقرار شد، آن‌ها اعلام کردند تا این ساعت هیچ رأیی در مورد ماهنامه پیام امروز به ما ابلاغ نشده است.

رسیدگی به پرونده مدیرمسئول نشریه راهیان فیضیه

نام نشریه: راهیان فیضیه

مدیرمسئول: محمد دادستان

شعبه رسیدگی کننده: شعبه ۵ دادگاه عمومی قم، قاضی جعفر بدری، شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان قم

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۰/۸/۱۷

شماره دادنامه: ۱۳۲۵-۸۰/۸/۱۹، کلاسه پرونده: ۱۲۸۹

اتهام: توهین به رئیس جمهور و توهین به مأمور دولت (یکی از وزرا)

شاک: رئیس دادگستری استان قم

رأی دادگاه: چهار ماه حبس و تعلیق مجازات به مدت دو سال. الزام به تغییر نام نشریه، صدور حکم برائت از سوی دادگاه تجدیدنظر استان.

خلاصه پرونده

در جلسه دادگاهی که در آبان ماه ۱۳۸۰ در قم برگزار شد، منتظری نماینده مدعی العموم در اظهارات خود گفت: این نشریه در شماره ۴۰۶ خود در ستونی با عنوان "تابلوی فیضیه" با چاپ مطلبی از یک فرد بدون نام، رئیس جمهوری، وزیر کشور و وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی را به "دین فروشی" طی چهار سال و نیم گذشته متهم کرده است.

وی با عنوان این که ما بر چند نشریه ای رعایت نکات اخلاقی و مسائل شرعی را لازم می دانیم، افزود: نشریاتی که در قم منتشر می شوند باید به این گونه نکات بیش تر از سایر جاها پایبند باشند.

مدعی العموم با عنوان این که جایگاه ریاست جمهوری مهم است از دادگاه خواست تا به شکایت طرح شده به خاطر توهین صورت گرفته رسیدگی نمایند.

در ادامه جلسه محمد دادستان در دفاع از خود گفت: در چاپ مطلب مورد اشاره اشتباهی رخ داد که خود به آن معترفم. وی اضافه کرد: مطلبی که چاپ شده بود از نوار پیام گیر تلفنی پیاده گردیده بود که اشتباهاً به جای نسخه ویرایش شده برای چاپ به تهران ارسال شده بود.

وی افزود: آنچه اتفاق افتاده اشتباه بوده و از لحاظ اخلاقی مورد دفاع نیست و هیچ تعمدی در کار

نبوده و این اشتباهی بود که انجام گرفت و من دفاعی از خود ندارم و در برابر قانون تسلیم هستم و اعتراضی هم ندارم.

اما باید توجه کرد ما قبل از این که نشریه توزیع شود از مؤسسه کیهان که کار چاپ و توزیع را به عهده داشت خواستیم که توزیع را متوقف کند و این کار نیز انجام و از بیست هزار نسخه چاپ شده، ۱۹۵۰۰ نسخه آن جمع آوری شد. متأسفانه برخی مطبوعات و نشریات کار ما را در جمع آوری هدر دادند و کلیشه روزنامه را در نشریه خود چاپ کردند.

نظر هیأت منصفه

در پایان دفاعیات مدیرمسئول نشریه راهیان فیضیه هیأت منصفه مطبوعات استان تشکیل جلسه داد و با اکثریت قریب به اتفاق آرا مدیرمسئول نشریه راهیان فیضیه را مجرم شناخت ولی به دلیل اعتراف وی به اشتباه و اقدام به جمع آوری و در توضیح در روزنامه‌های کثیرالانتشار خواستار تخفیف در مجازات وی شدند.

رأی دادگاه

موضوع اتهام آقای محمد دادستان مدیرمسئول نشریه راهیان فیضیه توهین به مقامات دولتی است. براساس اعلام رئیس محترم حوزه قضایی نشریه مذکور در شماره ۳۶۰ مورخ دوشنبه ۱۳۸۰/۶/۲۶ در صفحه ۳ مطلبی را منتشر نموده که توهین آشکار به رئیس جمهور است. لذا به استناد ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری و دادگاه‌های عمومی و انقلاب که اقامه و تعقیب دعوی از جهت حقوق عمومی و نظام مملکتی را برعهده رئیس حوزه قضایی قرار داده درخواست تعقیب و محکومیت مشارالیه شده است. دادگاه با احراز این که جهات قانونی برای شروع به تحقیق و رسیدگی وجود دارد دستور احضار متهم را صادر و پس از حضور مشارالیه و ملاحظه اوراق هویت وی معلوم شد که در کسوت روحانیت است بر همین اساس مبادرت به صدور رأی عدم صلاحیت به دادرسی ویژه روحانیت نمود لیکن مرجع مذکور در اجرای تبصره یک ماده ۱۳ آئین نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت رسیدگی به موضوع را به محاکم عمومی احاله نموده است. متهم در محضر دادگاه پاسخ داده است که انتشار مطلب مذکور بر اثر غفلت شخص ثالثی بوده که مأمور بازخوانی مطالب منتشره بوده و در روز انتشار دستور جمع آوری و عدم توزیع نشریه صادر گردیده. اعضای هیأت منصفه که در جلسه رسیدگی حضور داشته‌اند پس از استماع مدافعات متهم با اکثریت آرا با عقیده به بزهکاری وی را مستحق تخفیف دانسته‌اند. با عنایت به جمیع محتویات پرونده نظر به این که در مطلب منتشره

اموری به بعضی از مقامات دولتی نسبت داده شده که اتصاف به آن‌ها از اسباب فسق است، نسبت دادن امور قبیحه به شخص مسلمان مصداق توهین است و ماده ۳۰ قانون مطبوعات انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر نسبت‌های توهین‌آمیز را ممنوع و بند ۸ ماده ۶ قانون مذکور افترا به مقامات، نهادها و ارگان‌ها و توهین به اشخاص حقیقی یا حقوقی را جزء محدودیت‌های مطبوعات قرار داده است. باتوجه به این‌که در متن منتشره به سمت دولتی یکی از وزرا تصریح شده است دادگاه فعل ارتكابی را توهین به مأموران دولت توصیف که از جرائم عمومی محسوب و در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی برای مرتکب آن مجازات تعیین گردیده از ملاک تبصره ماده ۵۱۷ قانون مذکور استفاده می‌شود که تعقیب این قبیل جرائم از جهت جنبه خصوصی از طرف شخص مجنی علیه و از حیث عمومی به عهده رئیس حوزه قضایی است علی‌هذا دادگاه عناصر تشکیل دهنده جرم را ثابت و محرز می‌داند. مستنداً به ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی رأی بر محکومیت متهم به تحمل چهار ماه حبس صادر می‌نماید. النهایه باتوجه به وضع اجتماعی و سوابق زندگی متهم و اقدامات مؤثر وی در جهت تخفیف اثرات جرم دادگاه با اجازه حاصل از ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی قرار تعلیق اجرای مجازات را درباره وی به مدت دو سال صادر می‌نماید.

همان‌گونه که در مقدمه تقاضانامه تعقیب گفته شده نام فیضیه در جهان کنونی تداعی‌کننده علم و عرفان و مکارم اخلاقی است و نشریه‌ای که با این نام منتشر می‌شود نباید روشی را پیش بگیرد که موجب خدشه به اعتبار آن باشد. اصولاً استفاده از اسماء مقدسه در کتب و رسائل و نشریاتی جایز است که هدف آن‌ها ترویج دین و تعظیم شعائر آن باشد و انتشار مطالب غیراخلاقی در نشریه مذکور موجب وهن نامی است که تحت عنوان آن منتشر می‌شود. ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات نیز تصریح نموده که نام نشریه نباید ایجاد شبهه وابستگی به ارگان‌ها و یا سازمان‌های دولتی نماید. ادامه انتشار نشریه متوقف به تغییر نام و انتخاب اسماء غیرمقدسه از طرف صاحب امتیاز به تصویب هیأت نظارت بر مطبوعات خواهد بود.

رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های تجدیدنظر استان قم می‌باشد.



سمت چپ نفر دوم عیسی سحرخیز مدیرمسئول روزنامه اخبار اقتصاد در حال خروج از دادگاه



محمد رضا خاتمی مدیرمسئول روزنامه مشارکت و دکتر امیر حسین آبادی وکیل وی در حال نت برداری از

شکایت ها

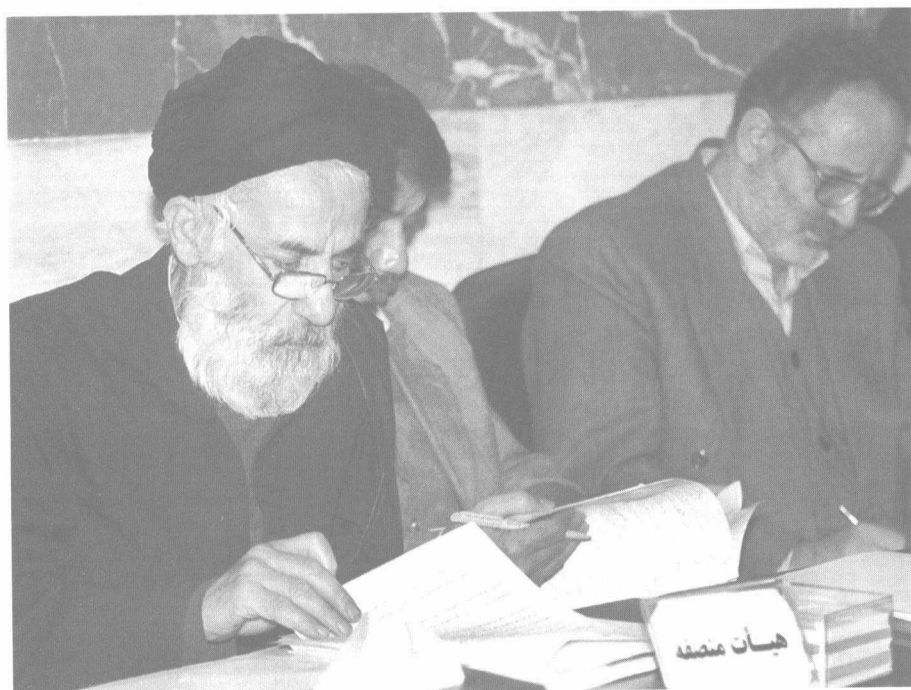


از سمت راست فیروز اصلانی وکیل روزنامه کیهان و بدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح - عکاس

امیررضا برزی



قاضی صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ - عکاس محمدرضا علی مددی



اعضای هیأت منصفه - عکاس علی فریدونی



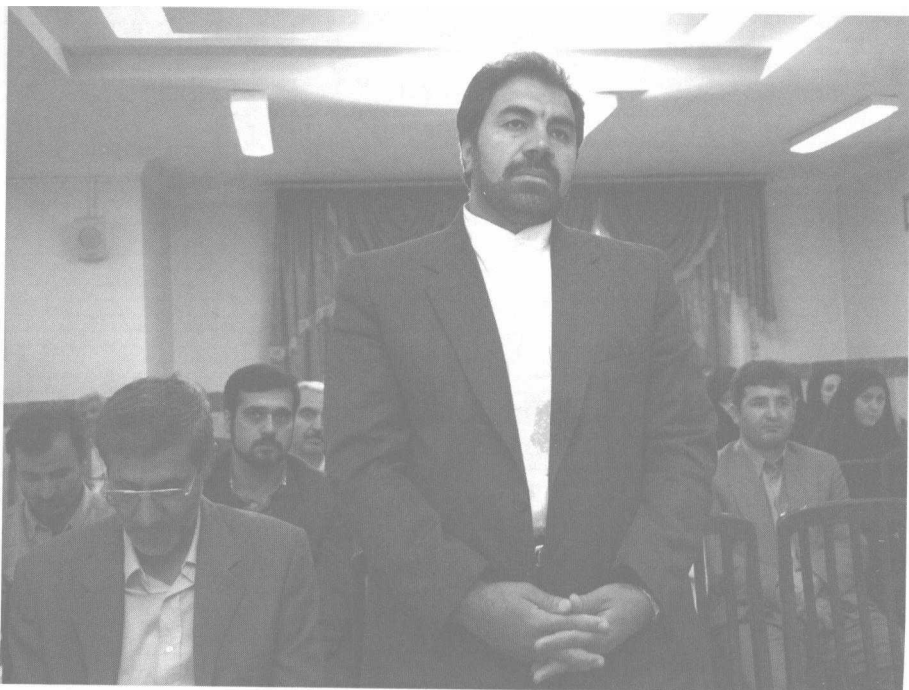
یدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح در حال دفاع - عکاس علی فریدونی



فریدون وردی نژاد در حال نوشتن یادداشت از پرونده



یدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح در حال دفاع - عکاس محمدرضا علی مددی

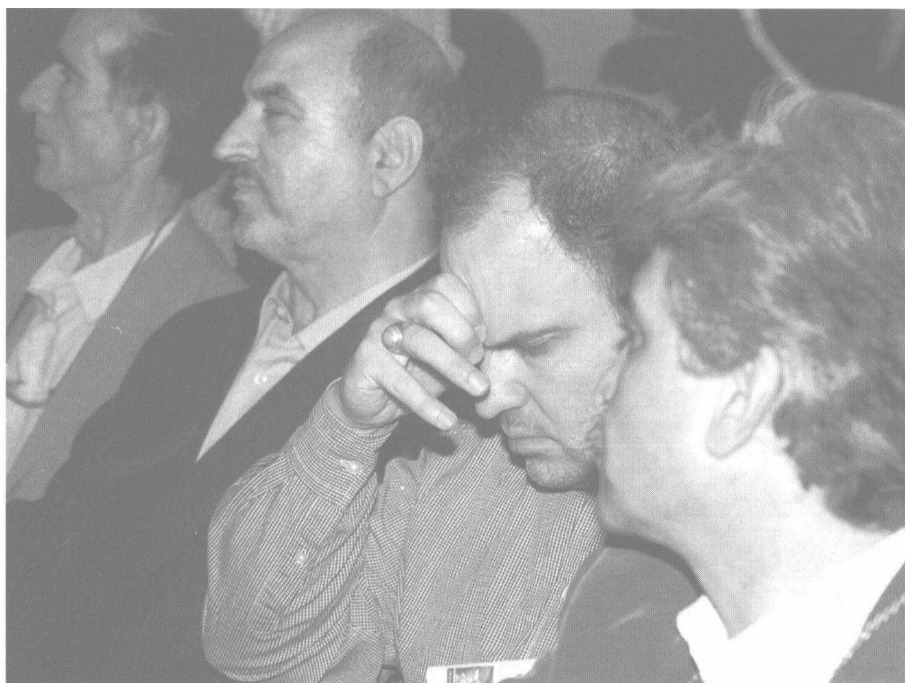


غلام حیدر ابراہیمبای سلامی مدیرمسئول روزنامہ ہمبستگی در حال شنیدن مطالب رئیس دادگاہ - عکاس

سعید خامسی پور

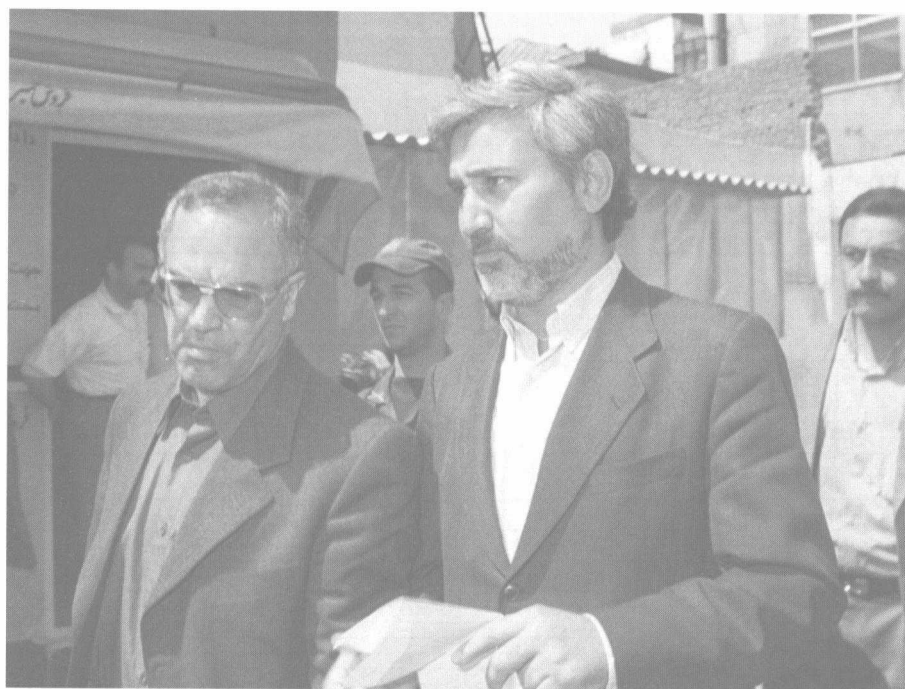


سمت راست غلام حیدر ابراہیمبای سلامی مدیرمسئول روزنامہ ہمبستگی



نفر دوم سمت چپ لطیف صفری، نفر سوم حمیدرضا جلایی پور، نفر چهارم دکتر محمد سیف زاده - عکاس

حمیدرضا صدیقی



محمدرضا خاتمی به همراه وکیل خود در حال خروج از دادگاه ۱۳۷۹/۱/۱۷ - عکاس امیرحسام زرافشان



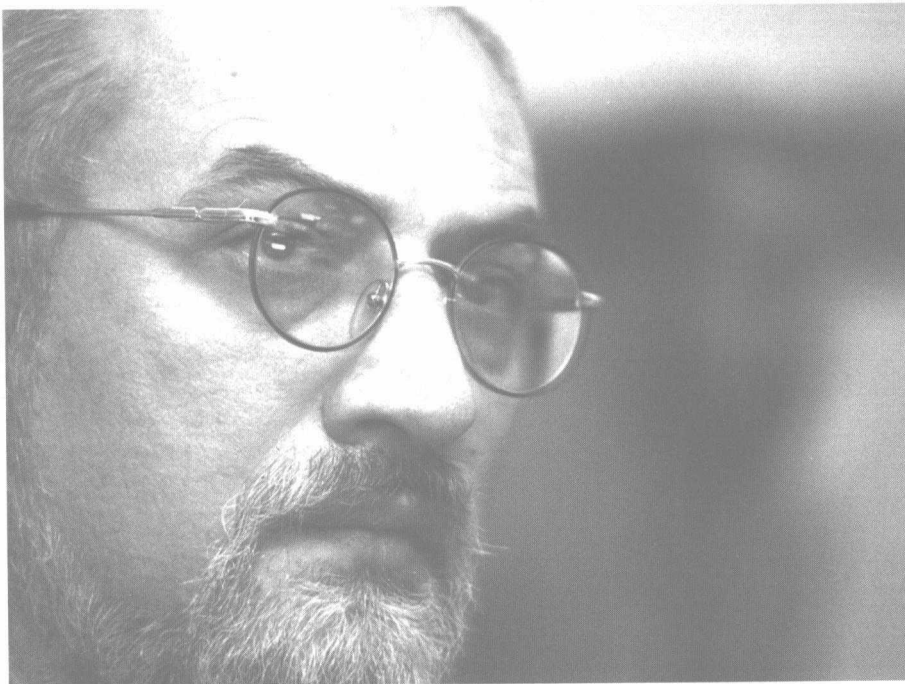
اعضای هیأت منصفه دادگاه مدیرمسئول روزنامه آزاد در حال بررسی پرونده - عکاس حمیدرضا صدیقی



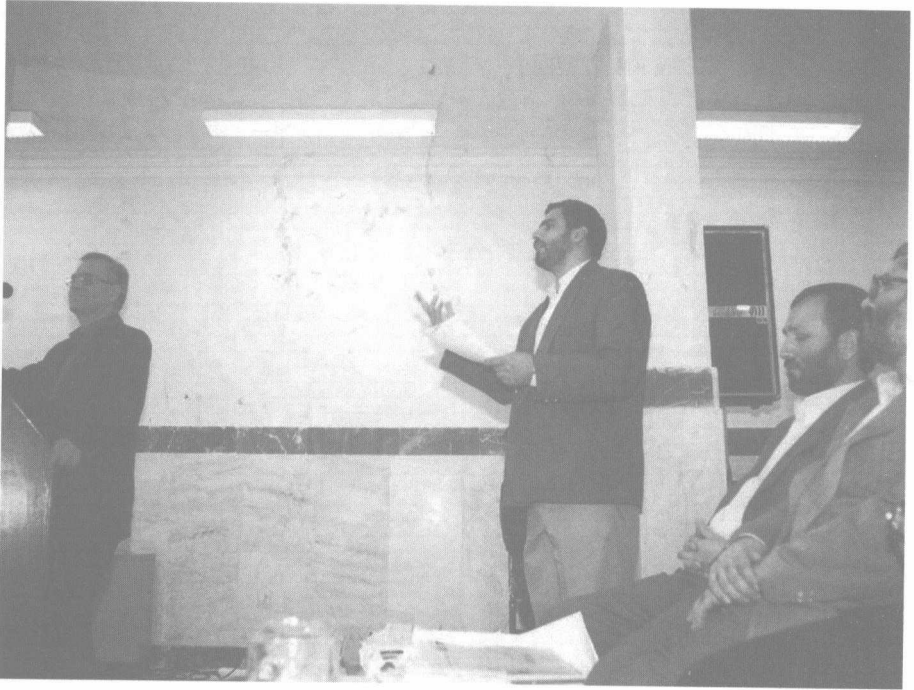
از راست ریاحی وکیل مدیرمسئول روزنامه آزاد، محمد یزدان پناه مدیرمسئول روزنامه آزاد



اعضای هیأت منصفه - عکاس محمدرضا علی مددی



غفور گرشاسبی مدیرمسئول روزنامه عصر آزادگان در دادگاه



دادگاه مدیرمسئول روزنامه فتح



اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات ۱۳۷۶/۱۲/۱۱ - عکاس ناصر عظیمی



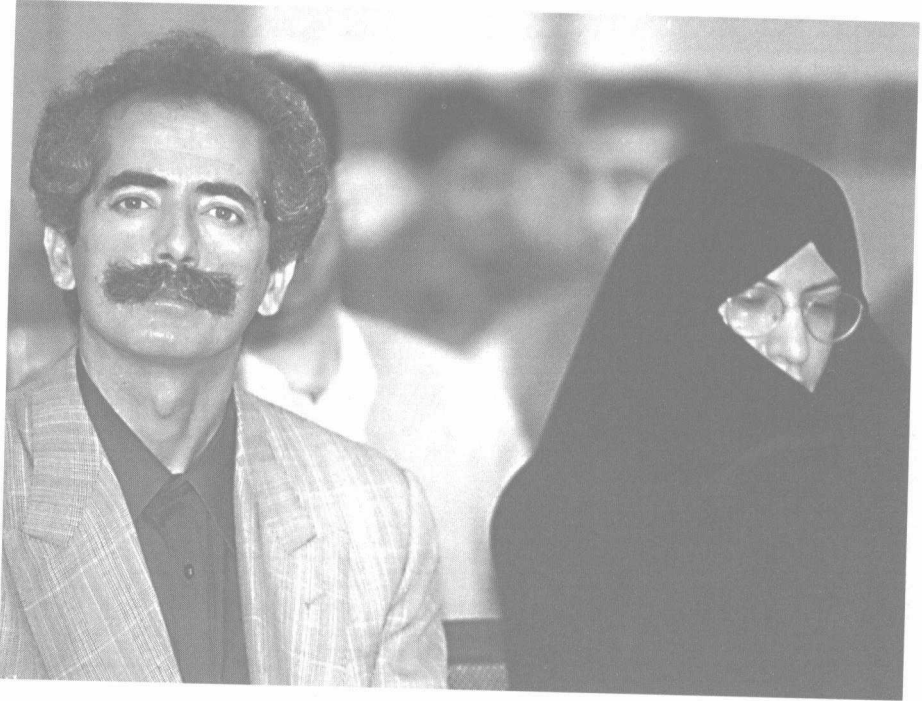
قاضی سعید مرتضوی در جلسه دادگاه مدیرمسئول نشریه دانستیها



فرانه بهزادی مدیرمسئول نشریه دانستیها در حال دفاع - عکاس محمدرضا علی مددی



فرانه بهزادی مدیرمسئول نشریه دانشتپه



فاطمه فرهمندپور مدیرمسئول هفته نامه گوناگون، رمضان حاجی مشهدی وکیل - عکاس محمدرضا

علی مددی



قاضی سعید مرتضوی رئیس شعبه ۱۴۱۰

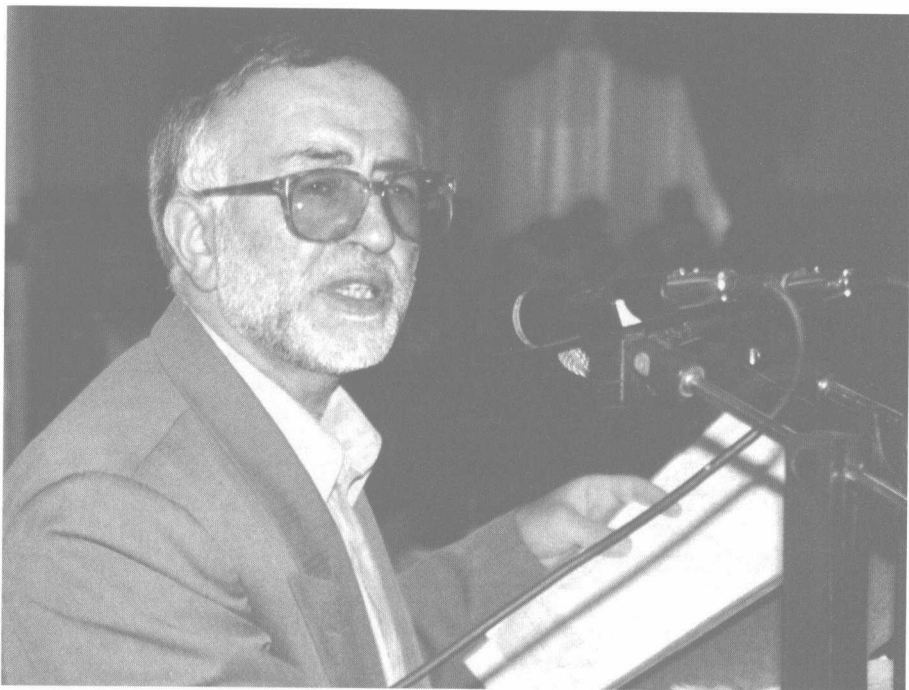


سمت چپ فریدون وردی نژاد مدیرمسئول روزنامه ایران در حال پاسخ دادن به سؤالات قاضی دادگاه

۱۳۷۹/۱۰/۱۱ - عکاس حمید ادب زاده



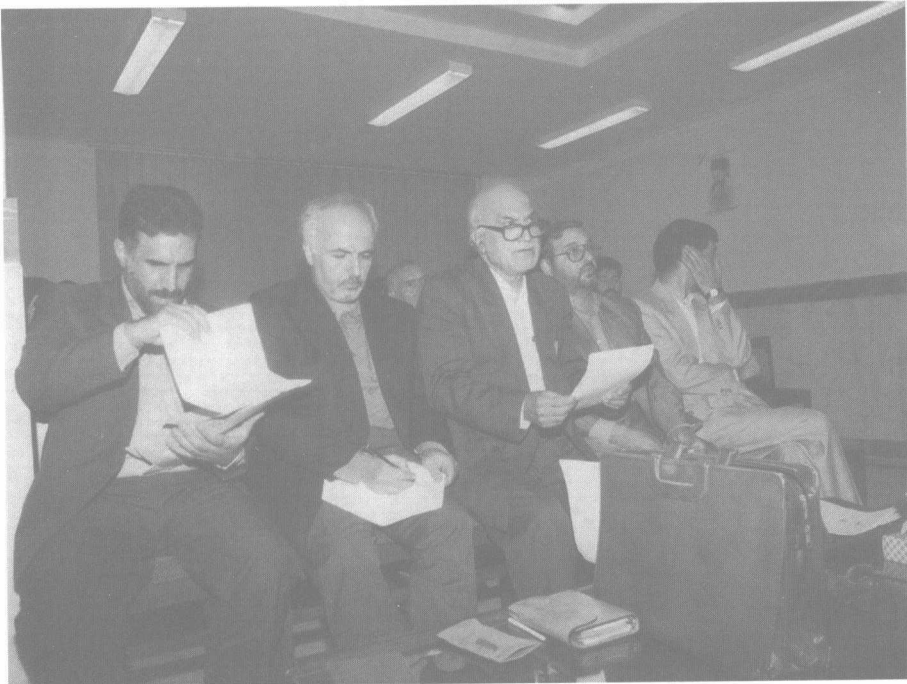
جلسه محاکمه مرتضی نبوی مدیرمسئول روزنامه رسالت - عکاس ناصر جواهری



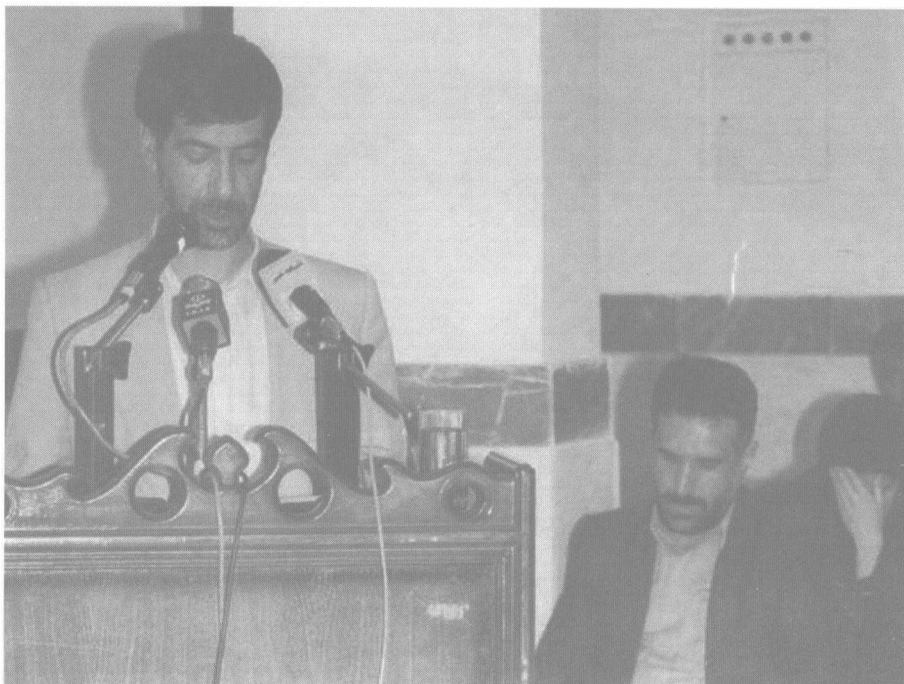
مرتضی نبوی مدیرمسئول روزنامه رسالت پشت میکروفن در حال دفاع



قاضی صامی رئیس شعبه ۱۴۰۸ ویژه مطبوعات - عکاس ناصر جواهری



دادگاه مدیران مسؤول جام، جوان، ماهان و گنبدکبود



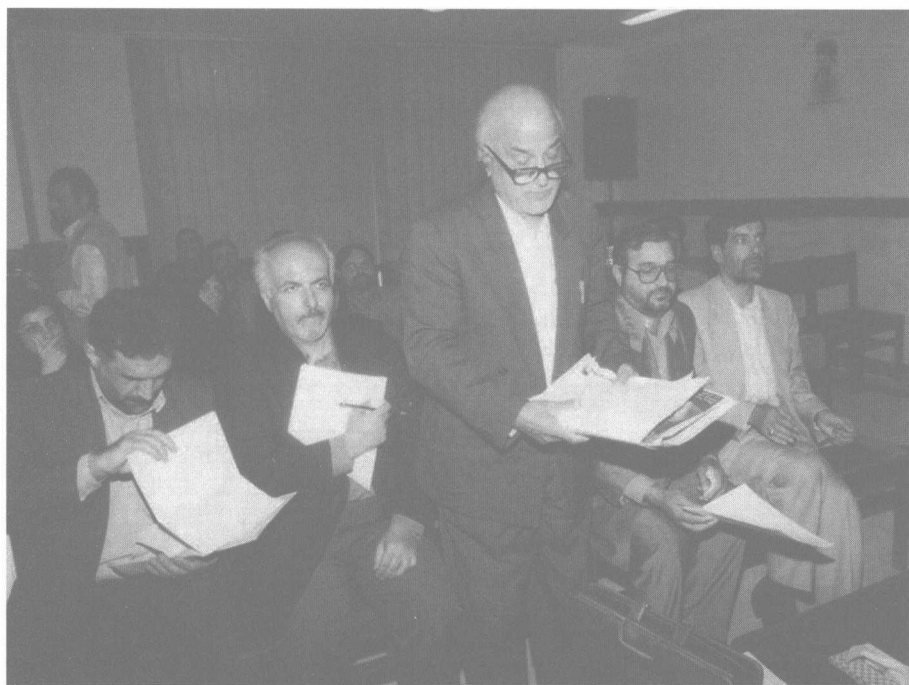
محمد رضا باهنر مدیرمسئول نشریه جام در حال دفاع



یدالله اسلامی مدیرمسئول روزنامه فتح و دکتر امیر حسین آبادی وکیل منتظر تشکیل جلسه دادگاه



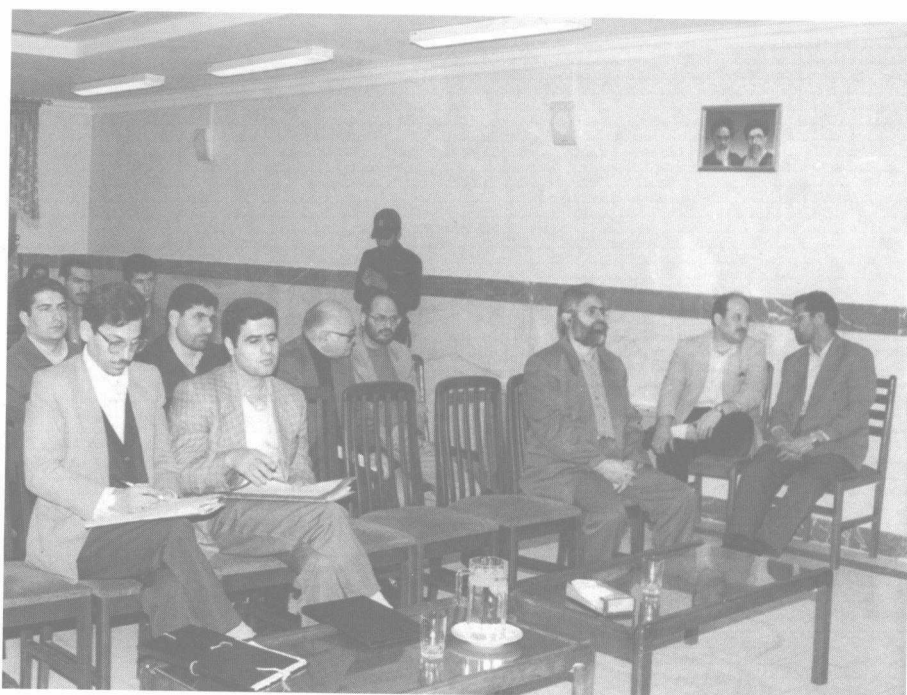
اعضای هیأت منصفه مطبوعات



دادگاه مدیران مسؤول جام، جوان، ماهان و گنبدکبود

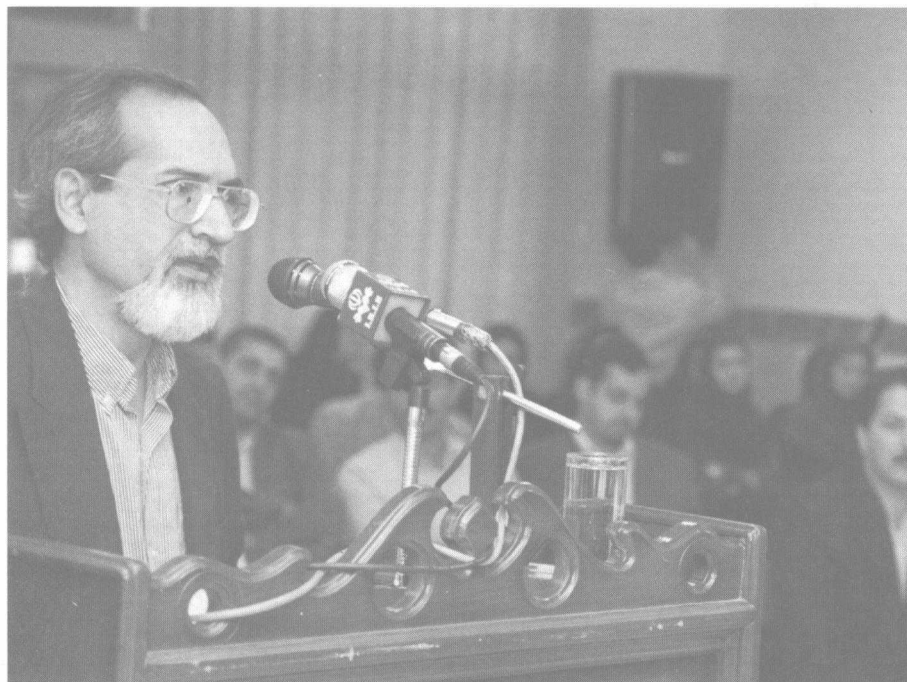


حسین ضیایی مدیرمسئول روزنامه ایران در حال ورود به دادگاه ۱۳۸۰/۱۱/۱۸ - عکاس امیر برزی



دادگاه محمدحسن علیپور مدیرمسئول نشریه آبان. ردیف اول نفر سمت راست علیپور

۱۳۷۹/۱۲/۱ - عکاس کاووس صادقلو



محمد زهدی مدیرمسئول روزنامه آریا در حال دفاع ۱۳۷۹/۴/۲۷ - عکاس کاووس صادقلو



علی ربیعی مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر در حال دفاع ۱۳۸۰/۱۰/۲۸ - عکاس مهدی خوشنویس



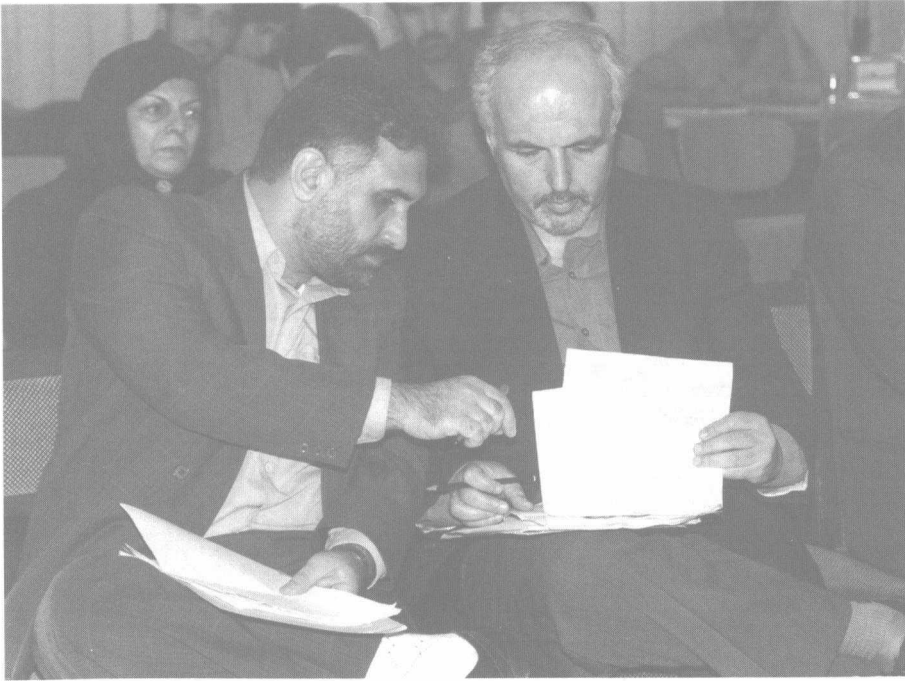
علی ربیعی مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر پشت تریبون در حال دفاع ۱۳۸۰/۱۰/۲۸ - عکاس مهدی

خوشنویس



دادگاه مدیران مسؤول آفتاب امروز از سمت چپ فرهنگ فردینا، فریدون عموزاده خلیلی، غلامعلی ربیعی

وکیل مدافع ۱۳۸۱/۸/۱۳



حکیمی پور عضو سابق شورای شهر تهران - شاکی پرونده نشریهٔ جام

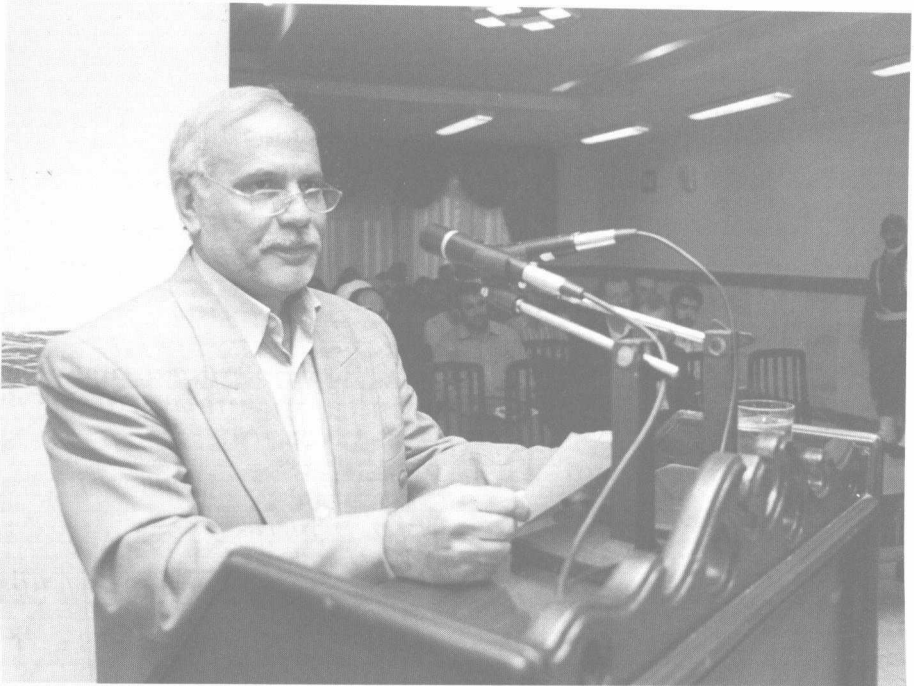


جلسهٔ دادگاه مدیرمسئول روزنامهٔ فتح - یدالله اسلامی - نفر دوم سمت چپ، دکتر حسین آبادی نفر اول

سمت چپ ۱۳۷۹/۸/۳۰ - عکاس امیرحسام زرافشان



اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات ۱۳۷۹/۸/۸ - عکاس امیرحسام زرافشان



محمد زاهدی اصل مدیرمسئول ماهنامه پیام امروز در حال دفاع ۱۳۸۱/۴/۳ - عکاس خامسی پور

نمایه

اشخاص

- آتشى، منوچهر، ۱۱۵۶
 آرمين، محسن، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۵۰۶
 آريا، شهاب، ۵۴۸، ۵۶۰
 آصف نهمى، فروزان، ۱۱۱۹
 آخاجرى، هاشم، ۸۹۷، ۱۴۵۰
 آفریده، حسين، ۷۳۱، ۷۳۳
 آقاسى، محمدحسين، ۱۲۵۴
 آقامحمدخان قاجار، ۱۲۵۵
 آقامحمدى، على، ۱۷۱
 آگين، غلامحسين، ۱۴۹۷
 آل احمد، جلال، ۳۲، ۵۵، ۵۶، ۸۰۰
 آل اسحاق، محمدصادق، ۱۲۲۵
 آموزگار، ۱۱۲۲، ۱۱۳۰
 آناهيد، سيروس، ۱۴۶۶
 آوينى، سيدمرتضى، ۵۹، ۶۱
 آيتى، حميد، ۱۴۵۱
 ائمه معصومين (ع)، ۵۳، ۴۳۶، ۵۵۷، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۳، ۷۹۳، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸
 ابراهيمباي سلامى، غلامحيدر، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۵
 ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷
 ابراهيم نژاد، عزت، ۱۲۶۱
 ابراهيمى، اميرقزاشاد، ۴۵۲، ۱۵۰۷
 ابريشم كار، ۱۱۲۸
 ابطحى، سيدنورالدين، ۱۳۹۴
 ابن سينا، ۳۶۶، ۷۳۲، ۱۰۱۱
 ابوالفتحى، ۲۸۳
 ابوالقاسى، محمدهادى، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۴
 ابوترابى، على اكبر، ۶۵، ۸۴۹، ۹۲۲، ۹۵۴، ۱۴۸۹
 ابويحان، ۱۰۱۱
 احتشامى، هادى، ۷۶۸
 احدى پور، جواد، ۱۵۱۷
 احسان، منصور، ۱۶۱
 احمد، جاسم، ۷۲۳
 احمدى، ۴۰۶، ۱۲۴۷
 احمدى پور، ۱۵۰۴، ۱۵۱۶
 احمدى، رضا، ۱۲۴۷
 احمدى زاده، زهرالسادات، ۱۴۲۷
 احمدى، محمد، ۱۳۹۳
 احمدى موحدى، اصغر، ۸۹۳، ۱۳۸۵
 احمدى نژاد، محمود، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۶۹
 احمدى، نعمت، ۱۳۴۷
 اخترى، حسن، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰
 اخوان، ۴۳
 ادولانك، ۷۲۷
 ارجمندى، ۲۲۳، ۲۲۴
 ارغوان، ابوالفضل، ۴۹۶
 ارغوان، محمد، ۲۸۵
 ارکان، محمدمسعود، ۱۴۹۵
 ازغدى، ۱۴۷۷
 ازهارى، ۱۱۵۶
 استادى، رضا، ۴۴۷
 استالين، ۷۵۹
 اسداللهى، ۶۲
 اسديگى، محمدكريم، ۱۲۴۳
 اسدى، نادر، ۸۲۴
 اسمعلى، احمد، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲
 اسفنديارى، على (نيمايوشيج)، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۷
 اسكويى، زاله، ۳۶۱، ۳۶۲، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۸۸۳
 ۸۸۴، ۸۸۷، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸
 اسلامى، عبدالصمد، ۳۳۳، ۱۱۰۹
 اسلامى، محمد، ۸۳۹، ۸۸۳
 اسلامى، يدالله، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹
 ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۵۷
 اسماعيلى، صادق، ۱۳۱۱
 اشترى، على، ۹۵
 اشراقى، داريوش، ۵۲
 اشراق، ۴۹، ۱۲۳، ۱۳۱
 اشرف تيا، شهرزاد، ۱۴۷۲
 اشعرى، على اكبر، ۸۵، ۸۷، ۹۲، ۹۵، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۱۳، ۲۹۶، ۷۷۹
 اشكورى، يوسف، ۱۰۹۲، ۱۴۴۴، ۱۵۹۷
 اصحابى، قاسم، ۱۵۴۹
 اصغرى، رضا، ۲۸۷

۱۶۲۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

- انصاری، مجید، ۸۲۹، ۱۳۰۶، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۴۶۱
 اهرایی، ۶۱۹
 اهری، کامیار، ۱۶۱
 ایزدپناه، عبدالرضا، ۹۲۰، ۹۵۴، ۱۰۴۷، ۱۱۰۰
 ایزدی، ۱۱۷
 ایزدی، مصطفی، ۱۳۰۵، ۱۳۱۷، ۱۳۱۹، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱
 ایمانی، داریوش، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹
 ایوب، محمود، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۳، ۲۹۸
 یابایی، ۷۲۲
 یادامچیان، اسدالله، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵
 بازرگان، ابوالفضل، ۱۵۹۳، ۱۵۹۵
 بازرگین، علی، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹
 باطنی، احمد، ۱۲۵۸، ۱۲۶۴
 باقرزاده، حسین، ۸۹۷، ۹۰۰، ۱۱۵۴، ۱۱۶۰
 باقریان علی آبادی، اکبر، ۳۰۵، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲
 باقری، حسن، ۱۵۴۱
 باقری، کریم، ۵۸۰
 باقی، عمادالدین، ۲۶۰، ۹۰۰، ۱۰۴۸، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰، ۱۴۵۴، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲
 باکری، مهدی، ۶۶۴
 بان، ابوالفضل، ۱۱۸۷
 باهنر، محمدرضا، ۷۳۵، ۷۵۳، ۷۶۷، ۷۶۸، ۱۲۴۸، ۱۳۹۷
 ۱۳۹۸، ۱۴۱۱، ۱۵۶۱
 بایزیدی، جمال، ۱۱۲۰
 بختیاری، ۶۵۱
 بختیاری، حسین، ۶۵۱
 بخشی، علی، ۱۴۵۹، ۱۴۶۴
 بدری، جعفر، ۱۶۰۱
 براهنی، رضا، ۵۰، ۵۶، ۱۰۱
 برجی، رضا، ۵۸
 برومند، ۷۲۲
 پشارتی، علی محمد، ۳۹۷، ۱۱۲۸
 پیشیر، ۶۵۱، ۶۵۲
 پتی صدر، ابوالحسن، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۹۴، ۸۵۹
 ۹۳۴، ۱۵۹۳، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶
 بورقانی، احمد، ۹۷، ۴۶۹، ۵۰۰، ۵۰۹
 بهارستان، محمود، ۸۱، ۸۳
 بهبهانی، سیمین، ۳۱، ۵۰، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۹، ۴۰۶
 بهبهانی، فرهاد، ۱۱۵۵
 بهرامیان، ۶۵۰، ۶۵۱
 بهرامی‌راد، ۱۸۳
 بهرامی، سلیم، ۱۲۲۸
 بهرامی سیاوشانی، داوود، ۳۲۵، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸
 بهرامی، سیدحسین، ۱۳۸۵، ۱۴۳۳
- اصلائی، فیروز، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۵۳۷، ۵۴۴
 ۵۵۷، ۱۴۳۳، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 اظهري، هوشنگ، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵، ۱۳۳۹
 اعتصام، ابراهیم، ۱۳۵۹
 اعتصامی، محمد، ۴۲۱، ۴۲۲
 اعتمادی، وجیملی، ۴۰۳
 اعظمی، احد، ۱۳۷۹
 اعلمی، اکبر، ۱۳۶۱، ۱۵۰۶
 افتخار جهرمی، گودرز، ۲۲، ۳۳
 افخمی، بهروز، ۱۱۶۴
 افراشته‌پور، ۴۸۲
 افشارزاده، بهرام، ۴۷۴
 افشار، علیرضا، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۰۹، ۲۱۱
 افشاری، تقی، ۴۲۱، ۴۲۲، ۱۵۲۶
 افشاری، علی، ۱۰۸۸، ۱۴۴۱، ۱۴۵۳، ۱۵۲۵
 اکبری، ۳۹۳، ۴۱۷، ۸۹۱
 اکبری (خانم)، ۱۵۱۶
 اکبری‌فرد، احمد، ۳۹۱
 اکبری، محمدحسین، ۸۹۲
 اکبرین، محمدجواد، ۱۳۶۷
 الفت، محمدباقر، ۱۵۲۶
 الگار، حامد، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲
 ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
 الله‌کرم، حسین، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹
 الله‌وردی نیک، داوود، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹
 الویری، مرتضی، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴
 الهام، غلامحسین، ۶۴، ۷۱، ۸۰، ۲۱۳
 امام زمان (عج)، ۵۸۹، ۶۰۴، ۶۱۸، ۶۲۰، ۹۸۳، ۱۲۶۰، ۱۴۳۴
 اسامی، سمید، ۸۳۱، ۹۶۵، ۱۰۸۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۶، ۱۲۱۹
 ۱۲۵۷، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۸۳، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۳
 ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۴۴۰، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸، ۱۴۷۱، ۱۴۷۳
 امامی کاشانی، محمد، ۲۲۰
 امیرانی، علی اصغر، ۱۱۳۰
 امین، پروانه، ۴۴۴
 امینی، ابراهیم، ۱۵۵، ۴۴۷
 امینیان، ۴۱۸، ۴۱۹
 امینی، علی، ۱۱۲۴، ۱۱۳۰
 انبارلویی، کاظم، ۱۵۰۹
 انتظامی، حسین، ۹۲، ۹۵
 انصاری، حمید، ۵۹۶
 انصاری‌راد، حسین، ۱۵۰۵
 انصاری‌فرد، عباس، ۲۳۳، ۳۵۰
 انصاری لاری، محمدابراهیم، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹

نماینده ۱۶۲۹

- بهرامی، ناصر، ۱۸۵
 بهزادیان، سیدمحمدرضا، ۸۳۱، ۱۱۲۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۵، ۱۱۶۲، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵
 بهزادی، بهروز، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳
 بهزادی، قرانه، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲
 بهشتی پور، مهدی، ۱۱۲۱، ۱۱۲۴، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۵
 بهمنی جلالی، ابراهیم، ۸۲۴
 بهتود، مسعود، ۵۴۱، ۱۱۵۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹
 بیات، ۱۲۱۷، ۱۵۴۹
 بیات، داوود، ۱۳۷۴
 بیات، رفعت، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۵۵، ۹۵۹، ۹۶۰، ۱۰۳۲
 بیداریخت، سیدمحمد، ۱۴۵۷
 بیضانی، بهرام، ۴۰۶
 بیطرف، اخوان، ۸۲۷
 پارسی، محمدحسین، ۴۲۱، ۴۲۲
 پارسی پور، شهرنوش، ۴۰۶
 پاشازاده، حسن، ۱۰۳۹
 پروازی، محمد، ۸۳۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۷۰
 پرویزی، محمد، ۱۳۵، ۱۷۵، ۲۳۸
 پروین، علی، ۷۲۲
 پرهام، باقر، ۵۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۵۹۳، ۱۵۹۵
 پسندیده، اسماعیل، ۸۲۳، ۸۲۴
 پلاسچی، غلامرضا، ۱۵۶۴
 پوپر، کارل، ۱۱۴۵
 پوراسلامی، ۱۵۵
 پورجوهری، رضا، ۳۷۰
 پورحزیزی، سعید، ۲۶۰، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸
 پورقاسمی، سیاوش، ۱۴۵، ۱۴۶، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۷
 پورمحمدی، مصطفی، ۸۱۹، ۸۴۹، ۹۵۴، ۱۱۹۳، ۱۲۰۰
 پورنجاتی، احمد، ۳۳، ۶۴، ۷۱، ۸۰، ۱۸۲، ۲۱۳، ۸۸۶، ۹۱۷، ۹۲۰، ۹۲۱، ۱۰۴۷، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۶۱، ۱۳۶۶، ۱۳۶۵
 پورنقی، غلام، ۴۲۱
 پول پرت، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۵۸
 پهلوی، اشرف، ۷۶، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶
 پهلوی، رضا، ۱۱۵۵
 پهلوی، محمدرضا شاه، ۷۷۶، ۱۴۳۸
 پیمان، حبیب الله، ۵۴۱، ۱۱۵۵
 تاج الدین، ۱۲۳۵، ۱۴۴۹
 تاجران، داوود، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۴
 تاجرنیا، علی، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۳، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۰، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۵۰۶
 تاجزاده، مصطفی، ۸۹۶، ۱۲۴۸
 تبریزی، غلامرضا، ۸۲۴
 تبریزی، مهران، ۱۵۴۷
 تغشید، ۴۵۸، ۴۶۱، ۵۰۶، ۸۹۵
 ترکان، اکبر، ۲۷۹، ۲۸۱
 ترکان، ناصر، ۵۵۳
 تشکری، علی اصغر، ۱۳۴۴
 تقوائی، ناصر، ۴۰۶
 تقواگرسرانی، حمیدرضا، ۱۲۴۹
 تل، ویلهلم، ۴۳۵، ۴۳۷
 تمکینی، لطف الله، ۱۴۰۳
 توانزاده، علی، ۹۵۷
 توسلیان، کمال، ۱۱۵
 توفیقی، اکبر، ۱۰۸۹
 توکلی، علی، ۱۳۸۳
 توکلی، فریبا، ۵۲۹، ۵۶۲
 توماج، ۵۷
 تهرانی، رضا، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۷، ۳۰۲، ۱۵۲۰
 جادری، جاسم، ۱۴۶
 جاسبی، عبدالله، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۵۵، ۳۵۷، ۵۲۲، ۵۶۹
 جباری، ۱۲۹۵، ۱۳۵۳
 جباری، آیت، ۸۸۶، ۸۸۷
 جزایری، ۶۵
 جعفری، اکبر، ۱۲۹۵
 جعفری، حسن، ۸۲۴
 جعفری، شعبان، ۴۷۷
 جعفری، محمدتقی، ۱۵۳۷
 جعفری، مهرنوش، ۸۸۴
 جلالی، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۴
 جلالی زاده، جلال، ۱۲۴۳
 جلایی پور، حسین، ۵۵۲
 جلایی پور، حمیدرضا، ۵۳۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۱، ۵۶۲، ۱۱۲۱، ۱۱۳۸، ۱۱۴۴، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۲۴۷، ۱۲۴۹، ۱۳۴۷، ۱۴۰۵، ۱۴۱۱، ۱۴۱۳
 جمشیدی، ایرج، ۲۰۵
 جنتی، احمد، ۵۸، ۴۰۳، ۵۷۲، ۱۵۰۱، ۱۵۰۷، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷
 جوادی حصار، محمدصادق، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۹۹، ۵۰۰
 جوادی، فتح الله، ۲۸۳، ۷۱۱، ۷۱۵، ۷۱۶
 جودکی، سیروس، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۲
 جوزایی، مجید، ۱۵۳۱
 جهانبخشی، علی، ۱۱
 چراغی، علی اصغر، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸
 چمران، سیدمصطفی، ۵۵۳
 جنگیزخان مغول، ۱۰۹۶

نمایه ۱۶۳۱

- خمینی، سیدحسن، ۱۴۴۴
 خواجه‌جوی، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۵۶
 خواجه نصیر، ۱۴۴۲
 خورددین، محمود، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴
 خورشیدی، عزت، ۱۴۴۴
 خوش‌اندام، علی‌رضا، ۱۴۳۱
 خوش‌کوشک، اکبر، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱
 خویی، سیدابوالقاسم، ۱۰۳۹
 خیام، ۱۰۱۱
 دادستان، محمد، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲
 داد، سیف‌الله، ۸۸۵
 دادفر، محمد، ۸۹۱، ۱۵۰۱، ۱۵۰۷، ۱۵۱۴، ۱۵۱۷
 دادکان، محمد، ۵۷۹
 دالوند، عباس، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴
 دانشور، سیمین، ۳۲، ۱۹۷
 دانیال‌پور، مراد، ۱۱۳۹
 داوری، رضا، ۶۴
 دایر، علی، ۲۷۴، ۷۲۲
 دربندی، سیدنورالدین، ۱۵۱۸
 درویدان، ۱۰۹۱، ۱۰۹۸
 دست‌افشان، علیرضا، ۹۴۲، ۱۰۱۴
 دستجردی، وحید، ۸۲۷
 دعاگو، محسن، ۸۱۹، ۸۴۹، ۹۲۲، ۹۵۴، ۱۲۷۹، ۱۳۰۶، ۱۴۴۵، ۱۴۷۲
 دهایی، سیدمحمود، ۶۵، ۵۸۵، ۱۳۳، ۸۱۹، ۸۴۹
 دکارت، ۱۱۶۱
 دلاوری، رضا، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷
 دلیازی، پیمان، ۳۲۹
 دولت‌آبادی، محمود، ۴۰۶
 دولو، محسن، ۲۶۱، ۲۷۴
 دهیاشی، علی، ۴۰۶
 ده‌بزرگی، ۲۲۵
 دهقان، جواد، ۱۵۱۸
 ده‌نمکی، مسعود، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷
 دیبا، فرح، ۵۶، ۴۰۶، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۹۵۹، ۹۶۰
 ذاکر قنواتی، منصور، ۹۸۶، ۱۴۸۵
 ذاکسری، غلامحسین، ۲۳۵، ۲۳۶، ۷۹۷، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹
 ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴
 رثوفی، محمود، ۱۵۸۷
 رئیس‌دانا، فریبرز، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳
 رازقی، علی‌اصغر، ۱۱۸۳
 رازی، رسول، ۱۱۷۵
 رازی، زکریا، ۱۰۱۱
 رازینی، علی، ۱۳، ۱۸۲، ۲۸۵، ۲۸۷، ۵۱۸، ۶۳۸، ۶۴۳، ۶۴۹، ۷۶۶، ۷۶۷
 راسخ، گلنار، ۱۶۱
 راه‌چینی، محمدرضا، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۵، ۱۵۰۲
 ربیطی، عارف، ۳۲۹
 ربیعی، علی، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۸۷، ۴۳۳، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰
 رجایی خراسانی، سعید، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۴۵۱، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴
 رجایی، محمدعلی، ۶۶۶، ۱۱۵۵
 رحماندوست، مصطفی، ۱۲۷۹، ۱۳۰۶، ۱۴۶۱، ۱۴۷۲
 رحمانی، تقی، ۸۳۱، ۱۲۰۹، ۱۲۱۴، ۱۲۴۷، ۱۲۴۹
 رحمانی، حبیب، ۱۴۷۰
 رحیم‌فر، علی‌اکبر، ۱۲۵۷
 رحیمی، حسین، ۲۳۶
 رحیمی، محمدرضا، ۴۶۳، ۱۲۴۳
 رحیمی‌مقدم، سعید، ۱۸۷، ۱۸۶
 رخ‌صفت، سیدمصطفی، ۲۸۷، ۲۹۹، ۳۰۰
 رزم‌آرا، ۴۰۳
 رستگار، ایرج، ۱۳۶۳
 رستم، ۳۰۹، ۳۱۰
 رسولی‌نژاد، احمد، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۱۲۴۹، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۵۰۳، ۱۵۰۶
 رشوند، محمدرضا، ۱۴۳۳، ۱۴۳۵، ۱۴۳۷، ۱۴۵۷
 رشیدی، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۲۰۹
 رشیدی مطلق، ۱۱۳۹
 رضاشاه، ۹۳۸، ۱۰۱۹
 رضایی، جلیل، ۲۶۰، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹
 ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵
 رضایی، حسین، ۱۵۰۸
 رضایی، سیدعبدالله، ۸۱۳
 رفیق‌دوست، محسن، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۵۵، ۵۳۷، ۵۴۸، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۶۳۸
 رفیق‌دوست، مرثضی، ۱۱۳، ۴۹۶
 رمضانی‌زاده، فاطمه، ۴۵۸، ۴۶۱، ۵۰۶، ۵۱۹، ۵۵۶، ۵۷۰، ۸۰۸، ۸۹۵، ۱۱۲۱، ۱۱۲۸، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۶۲، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۲۳۸
 روئین‌تن، اسفندیار، ۷۸
 روانی‌پور، منیر، ۲۹
 روسو، ژان ژاک، ۱۱۵۶
 رهامی، محسن، ۹۵۳، ۹۵۷، ۹۸۱، ۱۰۳۵
 ره‌پور، محمد، ۲۳۳، ۸۲۶، ۱۳۹۳، ۱۵۶۴
 رهگذر، رضا، ۱۴۷۲
 ریاحی، غلامعلی، ۵۶۲، ۶۵۵، ۷۶۸، ۷۷۸، ۸۷۴، ۱۰۹۹، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵

۱۶۳۲ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

- سعیدی، مجید، ۱۰۸۹، ۷۲۱
 سعیدی، محمد، ۱۱۹۰
 سلامتی، محمد، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۴، ۸۳۱، ۱۵۰۶
 سلجوقی، ۱۲۶۲
 سلطان‌زاده، عباسعلی، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰
 سلطانی، عبدالفتاح، ۱۵۷۴
 سلطانیه زنجانی، کاظم، ۳۰۷
 سلوکی، مریم، ۱۹۴
 سلیمانی، قفور، ۱۲۴۹
 سلیمی، احمدرضا، ۸۳۳
 سلیمی، محمد، ۶۵، ۸۴۷، ۹۲۲، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۸۳، ۱۰۳۵
 سلیمی‌نمین، عباس، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۸، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۷
 ۴۱۱، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۸۱۹، ۸۱۹، ۸۱۹، ۸۱۹، ۸۱۹، ۸۱۹
 ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۱۰۹۸، ۱۰۹۷، ۱۰۹۱
 سیار، پرویز، ۴۰۶
 سیف‌اللهی، ۳۹۳
 سیف‌زاده، سیدمحمد، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۵، ۱۱۶۶
 سیف، ولی‌الله، ۲۲۳
 سیفی، سیدحسین، ۷۴
 شایخی، حسین، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹
 شاملو، احمد، ۵۶، ۱۹۷، ۴۰۶، ۸۰۱
 شاهرخ، مهدی، ۸۹۳، ۹۰۱
 شاهینی، ۱۱۱۹
 شایق، محمدحسین، ۱۲۹۵
 شایگان، داریوش، ۱۱۵۵
 شبیری، سیدجعفر، ۶۴، ۷۱، ۸۰، ۲۱۳، ۴۵۸، ۴۶۱، ۵۰۶، ۵۱۹، ۵۵۶، ۵۷۰، ۶۵۵، ۶۷۶، ۷۶۷، ۸۰۸، ۸۱۹، ۸۴۹، ۸۸۶، ۸۹۵، ۸۹۹، ۹۱۷، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۵۴، ۱۰۴۷، ۱۱۰۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۲۷، ۱۲۷۹، ۱۳۰۶، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱، ۱۳۶۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۴۰، ۱۴۴۵، ۱۴۶۱، ۱۴۷۲، ۱۵۱۶
 شجاعی، سیدمهدی، ۳۵۵، ۶۲۱
 شرکت، شهلا، ۲۶۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳
 شریتمنداری، محمدرضا، ۱۱۷، ۱۲۹
 شریتمی، علی، ۲۹۳، ۴۳۹، ۴۴۴، ۱۱۸۷، ۱۳۱۵
 شریتمنداری، حسین، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۸۹، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۸۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۳۳۶، ۱۳۳۶، ۱۴۴۹
 شریف‌پور، الهه، ۱۰۹۳، ۱۰۹۹
 شریفیان، ۲۱۷
 شریفی، عبدالله، ۸۹۶، ۹۰۱
 شعبانی، غلامحسین، ۳۶۹
- ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۹، ۱۴۶۱، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۶۱۳، ۶۱۱، ۶۰۶، ۵۹۹، ۵۹۸، ۵۹۶، ۵۹۵، ۳۱۶، ۳۱۴، ۳۱۳، ۱۲۴، ۱۳۷۵
 زارعی، خدیجه، ۱۳۷۵
 زارعی قناتی، لطف‌الله، ۱۳۷۷
 زاکانی، ۱۳۰۶، ۱۴۴۰، ۱۴۴۵، ۱۴۶۱
 زاکانی، عبید، ۱۸۹
 زاهدی‌اصل، محمد، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹
 زرافشان، ناصر، ۱۱۹۵، ۱۴۴۳، ۱۴۵۳
 زرین‌قلم، اکبر، ۸۱
 زمان‌آبادی، غلامحسین، ۱۵۲، ۳۵۳
 زم، محمدعلی، ۸۱۹
 زنگانه، ۶۱۸
 زواره‌ای، سیدرضا، ۱۳۳۷
 زهدی، محمدرضا، ۱۰۸۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۸۵، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۲
 زیباکلام، صادق، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۵۵
 زین‌العابدینی، محمدتقی، ۱۱۶۴
 ژیسکارستن، ۱۱۴۰، ۱۱۵۲
 سادات‌نژاد، ۱۲۹۰
 ساری، فرشته، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۸۹
 ساعت‌نیا، احمد، ۳۷۱
 ساحدی، غلامحسین، ۵۶، ۱۷۸، ۱۷۹
 سالمی، غلامحسین، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۷
 سامی‌نژاد، غلامعلی، ۱۴۱۸
 سپانلو، محمدعلی، ۱۹۵
 ستاری، احمد، ۸۷۴، ۸۷۵، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷
 سبحانی، عزت‌الله، ۴۳۹، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۷۳۵، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۹۲۶، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۸۳، ۱۰۳۲، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۲۳۹، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۵۲، ۱۴۵۵
 سحرخیز، عیسی، ۱۰۳۷، ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۲۷۰
 سراقاز، محمد، ۱۲۲۸
 سرشار، محمدرضا، ۱۳۹۶، ۱۵۱۶
 سرکوهی، فرج، ۴۰۶
 سرگلزاهی، علیرضا، ۱۱۶۵، ۱۱۶۷
 سروش، عبدالکریم، ۲۸۵، ۳۰۰، ۳۰۱، ۱۵۳۷
 سمداری، نعیم، ۱۱۱۳
 سعدی شیرازی، ۱۸۹، ۲۶۸
 سعدی، م، ۷۷۵
 سعید، محمد، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۷، ۲۰۱، ۲۰۵
 سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸

۱۶۳۶ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

- مصدق، حمید، ۳۱، ۳۲، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۰
 مصطفوی، داریوش، ۱۵۲، ۱۵۳، ۴۷۳، ۴۷۷
 مصیب‌زاده، یونس، ۱۱۶۴
 مطهری، عباس، ۱۳۱۳، ۱۳۳۵
 مطهری، مرتضی، ۵۱۲، ۵۹۰، ۷۹۱، ۹۹۴، ۹۹۶، ۱۰۰۶
 ۱۱۸۷، ۱۰۴۶
 مظاهری، مهدی، ۸۷۷، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰
 مظفر، محمدجواد، ۲۶۰، ۱۰۴۴، ۱۴۶۸
 معاویه، ۹۷۹، ۱۳۶۴
 معتمدیان، فریدون، ۸۳۷، ۱۵۸۳
 معروفی، عباس، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۱، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۴۰۳
 معین‌فر، علی‌اکبر، ۱۰۹۵
 معین، مصطفی، ۱۲۳
 مقدس، مهدی، ۱۱۴۵
 مقدم، بیژن، ۱۲۴۸، مقدم، محمدحسین، ۱۱۱۹
 مقدمی، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹
 مقدونی، اسکندر، ۳۰۷، ۳۰۸
 مک‌مایز، ایزاک، ۱۹۵، ۱۹۷
 ملابویگر، ۷۷۴
 ملاح‌زاده، عبدالنسی، ۱۱۸۹، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۱۷، ۱۲۲۵، ۱۲۵۳، ۱۵۰۱، ۱۵۰۴، ۱۵۰۸، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۹، ۱۵۵۸
 ملازاده، احمد، ۷۳۱، ۷۳۳
 ملاسعیدی، سیداصغر، ۱۷۵
 ملکان، مجید، ۷۳۱، ۷۳۳
 ملک، ناظم‌الدوله، ۱۱۵۶
 ملکی، محمد، ۱۲۶۷
 منتظری، حسینعلی، ۴۷، ۴۸، ۴۱۹، ۵۹۸، ۷۰۹، ۹۲۳، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۱۰۲۱، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۹۲، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۸۵، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۸، ۱۳۶۴، ۱۳۶۸، ۱۴۳۸، ۱۴۴۰، ۱۴۶۹، ۱۴۷۱، ۱۵۳۱، ۱۶۰۱
 منگوله‌باف، مرضیه، ۱۴۳۵
 موحدی ساوجی، محمد، ۱۳۶۴
 موسولینی، ۷۵۹
 موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، ۱۴۴۱
 موسویان، ابوالفضل، ۱۳، ۱۶
 موسوی‌خوئی‌ها، محمد، ۶۵، ۶۶، ۲۰۷، ۴۹۱، ۸۴۷، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۲، ۱۳۱۳
 موسوی، میرحسین، ۴۴۷، ۵۱۵، ۵۲۲، ۵۹۰، ۶۶۶
 موسی‌بن‌جعفر (ع) امام هفتم، ۵۱
 موسی‌زاده، یوسف، ۱۲۵۷
 موفق، جلیل، ۱۵۶
- مهاجرانی، سیدعطاءالله، ۲۲، ۳۳، ۳۶، ۶۴، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۴۴۸، ۴۵۱، ۵۴۶، ۶۳۸، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۷۰۹، ۸۹۴، ۱۰۳۸، ۱۰۴۲، ۱۰۴۷، ۱۰۹۷، ۱۱۷۰، ۱۱۸۵، ۱۳۲۰، ۱۳۲۲
 مهدوی، مسیح، ۱۴۷، ۸۱۹، ۸۴۹، ۹۵۴، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴
 مهدویان، ۳۰۵، ۳۰۶
 مهدوی، حمید، ۸۸۱
 مهدوی‌خرمی، علی‌محمد، ۱۲۳، ۲۳۳، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۴، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۶۲، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱
 مهدوی کرمانی، سیدمحمدباقر، ۳۰۵، ۳۰۶
 مهدوی‌کیا، مهدی، ۷۲۲
 مهدی، قریانعلی، ۱۱۹۲
 مهرپور، حسین، ۶۴، ۱۵۱۵
 میثمی، لطف‌الله، ۴۷، ۴۸، ۱۳۱۰
 مسیری‌باقری، داوود، ۱۳۰۶، ۱۳۵۱، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۶۱، ۱۴۷۲
 میربلوک، عبدالرضا، ۳۳۵
 میرحیدری، ۱۱۰۷
 میرخلیلی، ۸۴۷
 میرزاده، ۱۴۵۳
 میرسلیم، سیدمصطفی، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۶
 میرشکاک، یوسفعلی، ۲۱۲، ۲۲۰
 میرقادی، ۳۶۳
 نائینی، حمید، ۱۵۹۳
 نادری، امیر، ۴۰۶
 نادری، محمدرضا، ۴۶۳
 ناصری صالح‌آبادی، محمد، ۴۵۸، ۴۶۱، ۵۰۶، ۵۱۹، ۵۷۰، ۶۵۵، ۶۷۶، ۷۶۷، ۸۰۸، ۸۹۵، ۸۹۹، ۹۲۰، ۱۰۴۷، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۶۱، ۱۲۷۹، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۴۰، ۱۴۴۵، ۱۴۷۲
 ناصری، مصطفی، ۳۳۷، ۳۳۸
 ناطق‌نوری، علی‌اکبر، ۴۴۱، ۴۴۷، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۵۲، ۸۵۳
 نبوی، ابراهیم، ۱۳۴۵، ۱۳۴۸، ۱۴۱۳
 نبوی، یحیی، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۸۸، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۸۳۱، ۱۲۴۷، ۱۲۵۰، ۱۵۰۶
 نبوی، مرتضی، ۶۴، ۷۱، ۱۱۹، ۱۴۱، ۱۸۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۳۱۳، ۳۱۵، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۱۲۲۷، ۱۲۴۰، ۱۲۴۷
 نجفی، ۱۱۰۵، ۱۳۷۹
 نژادحسینیان، محمدهادی، ۲۵
 نصیری، ۱۱۵۶
 نصیری، مهدی، ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۷۹، ۸۰، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۵

نمایه ۱۶۳۷

- نیوتن، ۴۲۵، ۴۲۷
 واحدی پور، حسین، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱
 واعظ طیبی، ناصر، ۴۵، ۲۷۶، ۴۱۱
 واعظی، ۲۷
 وحیدیان‌تسبی، احمد، ۳۲۷، ۳۲۹
 ورامینی، عباس، ۱۱۴۵
 ورجاوند، پرویز، ۱۴۴۴، ۱۴۵۴
 وردی‌نژاد، فریدون، ۳۴۱، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸
 ۸۴۳، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۴۹۳
 وسمقی، صدیقه، ۸۹۵، ۸۹۹، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۶۱، ۱۲۴۷، ۱۲۴۹
 وصال، عبدالرسول، ۱۵۰۷
 ولی‌بیگ، یاقر، ۱۳۴۵، ۱۳۴۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲
 وی‌یر، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹
 هابیل، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸
 هادوی، مهدی، ۶۴، ۹۶۷
 هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، ۹۵، ۲۸۵، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۱
 ۴۵۰، ۴۵۶، ۵۶۶، ۹۱۴، ۱۲۶۱، ۱۲۶۷، ۱۲۶۱، ۱۴۴۱، ۱۴۴۳
 هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمد، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۳۵، ۱۴۳۵، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵
 هاشمی، صفورا، ۱۴۷۷
 هاشمی، طه، ۸۴۹
 هاشمی، فائزه، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۵، ۶۵۶، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۰، ۹۶۰، ۱۰۹۳
 هاشمی، مهدی، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۹۲۶، ۹۲۳، ۹۶۸، ۱۰۲۷، ۱۰۲۷، ۱۱۶۴، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۱، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۹۷، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۹، ۱۰۴۴، ۱۰۹۷، ۱۲۵۸، ۱۲۶۲، ۱۳۱۱، ۱۳۱۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۴، ۱۴۴۰، ۱۴۴۳، ۱۴۵۱، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۴
 نوش‌آبادی، حسین، ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۱۸
 نوهی‌آقدم، نورالدین، ۳۱۸
 نومیری، حسین، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۵، ۶۵۶
 نهاوندیان، اصغر، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۵
 نیاززی، محمد، ۸۹۱، ۸۹۲، ۱۰۹۰، ۱۱۵۸، ۱۴۴۴
 نیچه، ۶۶۸
 نیک‌بخت، صالح، ۱۲۵۰
 نیک‌بخت متین، مریم‌سادات، ۱۲
 نیک‌بین، محمد، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳
 نیک‌سرشت، حبیب‌الله، ۱۱۶۵، ۱۱۶۷
 نیکوهمت، احمد، ۴۰۶

۱۶۳۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

شهرها و کشورها

آتلانتا، ۳۵۰	افغانستان، ۶۱، ۳۰۳، ۴۴۳، ۵۵۴، ۷۱۰، ۱۰۴۶، ۱۰۸۵
آذربایجان (جمهوری)، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۵	الیگودرز، ۱۵۲۷، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵
آذربایجان شرقی، ۷۹، ۸۰، ۳۴۵، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۳۷، ۴۰۳۹	اندیشک، ۳۰۹، ۳۱۰
۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۳۶۱، ۱۴۰۳، ۱۴۸۱	انگلستان، ۷۷، ۱۶۱، ۳۰۳، ۵۵۳
۱۴۸۳، ۱۵۰۱، ۱۵۰۴، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۴۱، ۱۵۴۳	اوکراین، ۶۸۷، ۷۳۸
آذربایجان غربی، ۱۱۰۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۳۰، ۱۱۶۲	اهواز، ۶۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۳۰۹، ۶۶۴، ۱۰۸۷
۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۲۴۹، ۱۵۴۷، ۱۵۷۷	ایذه، ۱۴۳۷، ۱۴۸۵
آستانه اشرفیه، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹	ایران، ۱۶، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸
آسیا، ۲۷۳، ۲۷۷، ۵۰۷، ۵۱۰	۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۲، ۱۷۹، ۱۶۸، ۱۶۱، ۱۵۲، ۹۷، ۹۳، ۸۶، ۱۸۹
آلمان، ۲۹۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۳۲، ۴۷۴	۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۲۶
۵۴۸، ۵۶۱، ۵۹۳، ۱۰۸۸	۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۶
آمریکا، ۵۶، ۵۷، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۱۴۱، ۱۶۰	۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۷
۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲	۳۰۸، ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۶، ۳۴۵، ۳۸۹، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۹
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲	۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷
۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲	۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶
۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰	۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹	۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸
۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸	۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸
۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷	۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷
۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵	۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷
۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳	۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷
۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱	۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷
۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹	۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷
۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷	۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷
۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵	۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷
۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳	۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷
۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱	۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷
۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹	۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷
۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷	۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷
۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵	۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷
۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳	۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷
۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱	۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷
۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹	۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷
۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷	۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷
۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵	۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷
۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵	۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷
۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵	۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷
۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵	۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷
۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵	۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷
۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵	۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷
۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵	۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷
۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵	۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷
۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵	۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷
۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵	۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷
۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵	۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷
۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵	۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷
۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵	۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷
۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵	۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷
۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵	۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷
۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵	۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷
۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵	۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷
۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵	۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷
۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵	۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷
۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵	۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷
۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵	۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷
۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵	۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷
۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵	۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷
۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵	۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷
۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵	۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷
۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵	۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷
۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵	۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷
۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵	۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷
۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵	۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷
۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵	۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷
۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵	۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷
۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵	۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷
۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵	۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷
۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵	۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷
۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵	۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷
۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵	۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷
۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵	۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷
۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵	۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷
۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵	۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷
۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵	۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷
۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵	۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷
۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵	۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷
۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵	۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷
۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵	۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷
۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵	۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷
۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵	۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷
۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵	۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷
۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵	۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷
۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵	۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷
۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵	۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷

۱۶۴۴ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۳، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲،
۱۱۴۴، ۱۱۵۳، ۱۱۵۶، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳،
۱۱۶۴، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۲۴۸، ۱۲۸۱، ۱۳۴۳، ۱۳۸۵
نشریه نشرگفتمان، ۱۳۳۱
نشریه نور، ۱۱۸۱
نشریه نوید آذربایجان، ۱۵۴۷
نشریه نوید اصفهان، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۹۰۳، ۱۳۰۹، ۱۳۱۱
نشریه نیرو، ۱۳۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱
نشریه نیستان، ۳۵۵، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰،
۶۳۱، ۶۳۲
نشریه نیمروز، ۷۶
نشریه ولایت قزوین، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸
نشریه هدف، ۱۷۵
نشریه هگمتانه همدان، ۱۴۹۱
نشریه همبستگی، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵،
۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳،
۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸
نشریه همشهری، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۴۵، ۲۱۱، ۲۴۷،
۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۳۰۶،
۳۱۸، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۲۸، ۱۱۲۷، ۱۵۰۳، ۱۵۷۷، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳،
۱۵۹۵
نشریه هم‌میهن، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶
نشریه هویت خویش، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۱۲۶۳
نشریه یانائزات الحسین (ج)، ۴۰۰، ۴۰۱، ۵۸۳، ۵۸۹، ۵۹۰،
۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۸۳۱، ۱۳۱۹، ۱۵۰۹

۱۶۵۴ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

۷۳۳، ۷۹۶، ۹۲۰، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۳، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۸، ۱۲۷۱، ۱۲۹۱، ۱۳۶۸، ۱۴۱۵، ۱۴۵۷، ۱۴۶۳، ۱۴۷۳، ۱۵۸۱، ۱۵۹۴
 عکاس، ۵۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۹۵۴
 عمل مجرمانه، ۹۲، ۲۱۵، ۵۰۲، ۵۶۹، ۱۰۰۳، ۱۱۳۱، ۱۱۷۶، ۱۲۹۰
 فاجعه ملی، ۷۳۶، ۷۶۳
 قشاشی، ۲۳۹، ۲۹۱، ۴۵۲، ۴۸۱، ۶۴۹، ۷۱۱، ۷۲۱، ۷۶۱، ۷۷۲، ۸۶۱، ۹۸۹، ۱۱۲۷، ۱۱۵۳، ۱۳۳۶
 فدائیان اسلام، ۴۴۱
 فدراسیون جهانی فوتبال- فیفا، ۷۲۸
 فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، ۲۷۷
 فرمانداری، ۱۴۱، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۷۲، ۳۲۷، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۵۹، ۳۵۲، ۴۰۴، ۱۱۲۵، ۱۲۴۷، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۳۷، ۱۲۸۹
 ترونگاه‌های زنجیره‌ای قدس، ۳۹۰، ۳۹۱
 فرهنگسرای خاوران، ۳۹۵، ۳۹۶
 فعالیت مطبوعاتی، ۱۳، ۳۴، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۰، ۲۱۶، ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۹۹، ۶۲۲، ۷۶۹، ۸۰۸، ۸۵۵، ۸۹۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۹، ۱۰۹۹، ۱۲۵۲، ۱۲۵۴، ۱۲۷۹، ۱۳۴۳، ۱۴۱۰، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۹۷
 نقدان ادله اثباتی، ۱۳۳
 ققه- میانی، ۸۵۵
 ققه- منابع، ۲۲
 قمینسیم، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۶، ۶۲۶
 قیضیه، ۱۶۰، ۱۶۰، ۱۶۰
 قانون برنامه اول توسعه، ۴۶، ۲۰۵
 قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ۷۶۵
 قانون شکنی، ۵۸، ۸۶، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۶۰، ۶۶۲، ۱۰۳۹، ۱۳۸۶، ۱۵۵۱، ۱۵۶۶
 قانون مجازات اسلامی، ۱۳، ۱۷، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۹، ۴۱۵، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۶۷، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۹۴، ۵۹۶، ۶۱۱، ۶۳۸، ۶۴۴، ۶۵۶، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۳، ۷۲۶، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۶۰، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۸۴، ۷۸۹، ۷۹۳، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۴، ۸۱۴، ۸۵۵، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹

نمایه ۱۶۵۵

قرار عدم صلاحیت، ۱۳، ۱۴، ۵۳، ۲۶۲، ۲۶۴، ۳۸۶، ۵۰۰،
 ۸۵۱، ۹۲۳، ۱۰۸۵، ۱۱۷۱، ۱۳۰۱، ۱۴۳۱، ۱۵۱۸
قرار کفالت، ۱۱۲۲، ۱۲۱۷، ۱۴۹۳، ۱۵۲۷
قرارگاه ثارالله، ۱۲۹۸
قرار منع تعقیب، ۷۵، ۷۷، ۱۴۵، ۹۵۸، ۱۲۱۳، ۱۲۹۳، ۱۴۲۱،
 ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۵۱۸، ۱۵۲۷
قصد مجرمانه، ۱۳، ۱۷، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۳۲، ۱۰۱۹، ۱۳۲۸
قطعه نامه ۵۹۸، ۱۵، ۷۴۲
قوانین جزایی، ۴۵۶، ۹۸۲، ۱۰۲۴، ۱۳۲۱
قوانین قضایی، ۹۹۹، ۹۳۲
قوانین مدونه، ۲۲، ۲۳
قوای مقننه، ۲۸
قوة قضائیه، ۱۷، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۷۳،
 ۹۳، ۹۴، ۱۱۹، ۱۴۶، ۲۵۶، ۳۹۱، ۳۹۹، ۴۱۷، ۴۴۳، ۴۴۷،
 ۴۶۹، ۴۸۲، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۳۷، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۸،
 ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۶، ۶۶۰، ۶۶۲، ۷۱۰، ۷۱۷،
 ۷۴۲، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۶، ۷۶۷، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۲۹،
 ۸۸۹، ۸۹۲، ۹۰۷، ۹۲۶، ۹۴۱، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۵۲، ۹۵۹،
 ۹۶۴، ۹۶۷، ۹۷۰، ۹۹۳، ۱۰۲۰، ۱۰۳۲، ۱۰۴۲، ۱۰۹۲،
 ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰، ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۸،
 ۱۲۱۰، ۱۲۱۵، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۹، ۱۲۳۱، ۱۲۴۵،
 ۱۲۴۸، ۱۲۵۲، ۱۲۵۷، ۱۲۶۵، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴، ۱۴۰۶،
 ۱۴۰۹، ۱۴۳۴، ۱۴۷۰، ۱۴۹۲، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶،
 ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۷، ۱۵۱۹، ۱۵۲۹،
 ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۴۹، ۱۵۶۲، ۱۵۷۹،
 ۱۵۸۷
قوة قضائیه - اداره حقوقی، ۳۹۹
قوة قضائیه - اداره نظارت و پیگیری، ۵۴
قوة قضائیه - اداره حقوقی، ۱۲۱۰، ۱۲۲۹، ۱۲۳۱
قوة قهریه، ۹۳
قوة مقننه، ۱۸۶، ۷۵۸، ۹۴۶، ۹۴۸، ۱۳۳۰، ۱۳۳۲
کابینه دولت خاتمی، ۵۵۰
کاخ سفید، ۹۸۱
کارخانجات نورد آلومینیوم اراک، ۲۵
کاریکاتور، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۶۱، ۳۴۴، ۳۴۵،
 ۳۴۶، ۳۴۷، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۸۸، ۴۸۹، ۵۱۲،
 ۵۲۰، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۷۶،
 ۷۴۷، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۶۸، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۹۲۰،
 ۱۱۶۰، ۱۱۶۹، ۱۱۷۱، ۱۱۹۰، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴،
 ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶
کانون نویسندگان، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۱۱۷۷، ۱۰۷
 ۱۰۳۸
کمیته ملی المپیک، ۷۲۷، ۷۲۸
کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، ۹۸۳
کودتا، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۲، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۷۶، ۹۲۵، ۹۳۶،
 ۱۰۱۲، ۱۰۲۹، ۱۱۴۶، ۱۱۵۰، ۱۲۶۸، ۱۳۱۶، ۱۳۱۹، ۱۴۰۹

۱۲۵۰، ۱۲۵۲، ۱۲۵۴، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۳،
 ۱۲۶۸، ۱۲۷۱، ۱۲۸۴، ۱۲۸۷، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۳۰۳،
 ۱۳۰۸، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۸، ۱۳۲۱، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱،
 ۱۳۳۲، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۹، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۶۴،
 ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷،
 ۱۴۰۶، ۱۴۰۸، ۱۴۱۴، ۱۴۳۳، ۱۴۴۹، ۱۴۵۶، ۱۴۶۳، ۱۴۶۹،
 ۱۴۷۳، ۱۴۷۶، ۱۴۸۲، ۱۴۹۳، ۱۵۱۷، ۱۵۲۰، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳،
 ۱۵۳۵، ۱۵۵۱، ۱۵۵۵، ۱۵۵۸، ۱۵۶۲، ۱۵۶۵، ۱۵۶۷، ۱۵۷۳،
 ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۸۰، ۱۵۸۸، ۱۵۹۱، ۱۶۰۳
قانون مجازات عمومی، ۸۶۹
قانون مطبوعات، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۲، ۵۲،
 ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۷۲، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲،
 ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۴،
 ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶،
 ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹،
 ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۳۰۵، ۳۱۳،
 ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۹،
 ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۳،
 ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۱۵، ۴۲۳،
 ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۸، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۹۰، ۴۹۹، ۵۰۰،
 ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴،
 ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۶۰، ۵۶۲،
 ۵۶۳، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۲۰، ۶۲۸،
 ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۷، ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۷۰،
 ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۳، ۶۷۶،
 ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۷۵، ۶۷۹، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶،
 ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶،
 ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶،
 ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶،
 ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶،
 ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶،
 ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶،
 ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷،
 ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸،
 ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹،
 ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹،
 ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹،
 ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹،
 ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹،
 ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰،
 ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰،
 ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱،
 ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲،
 ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳،
 ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴،
 ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴،
 ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴،
 ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴،
 ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴،
 ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴،
 ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴،
 ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴،
 ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴،
 ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳،
 ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲،
 ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱،
 ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰،
 ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹،
 ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸،
 ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷،
 ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶،
 ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵،
 ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴،
 ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳،
 ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲،
 ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱،
 ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰،
 ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹،
 ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷،
 ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲
قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، ۳۸۳، ۵۲۳، ۵۶۶،
 ۶۹۲، ۷۰۵، ۷۶۸، ۷۶۹، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹،
قتل‌های زنجیره‌ای، ۸۳۱، ۸۵۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۷، ۹۶۵،
 ۱۰۳۱، ۱۰۹۰، ۱۰۹۷، ۱۲۰۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۸۴، ۱۳۰۱،
 ۱۳۰۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰،
 ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸،
 ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶،
 ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴،
 ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲،
 ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱،
 ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹،
 ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷،
 ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵،
 ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴،
 ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳،
 ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲،
 ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱،
 ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹،
 ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷،
 ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵،
 ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳،
 ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲،
 ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱،
 ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹،
 ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸،
 ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷،
 ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶،
 ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵،
 ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴،
 ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳،
 ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲،
 ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱،
 ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰،
 ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹،
 ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸،
 ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷،
 ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶،
 ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵،
 ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰

۱۶۵۸ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

۱۳۰۱، ۱۲۹۳، ۱۲۹۱، ۱۲۸۹، ۱۲۸۸، ۱۲۸۷، ۱۲۸۴، ۱۲۸۰،
۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۲۰، ۱۳۴۰، ۱۴۰۵، ۱۴۰۸، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳،
۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱، ۱۴۹۹، ۱۵۲۷،
۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۵، ۱۵۴۹، ۱۵۵۷، ۱۵۶۳، ۱۵۷۲،
۱۵۷۴، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹

نیروی انتظامی - حفاظت اطلاعات، ۶۴۷

نیروی انتظامی - یگان ویژه، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶

واگذاری نشریه، ۱۳۳۵، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۵۹۶

وجاهت قانونی، ۵۶۳، ۷۷۸، ۷۷۹، ۸۲۳، ۹۰۶، ۹۵۰، ۹۵۱، ۱۰۰۱، ۱۱۳۷، ۱۱۵۱، ۱۱۵۹، ۱۵۵۴، ۱۵۷۳

وزارت آموزش و پرورش، ۲۲۳، ۲۲۸، ۳۰۷، ۱۰۴۶، ۱۵۶۶

وزارت اطلاعات، ۶۷، ۱۶۱، ۴۶۶، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۱، ۵۹۴، ۶۴۰، ۶۵۱، ۶۵۷، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۷، ۸۸۱، ۹۳۳، ۹۳۳، ۹۶۳، ۹۶۵، ۱۰۸۵، ۱۰۹۵، ۱۰۹۷، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۶۶، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۲۲۷، ۱۲۳۵، ۱۲۵۱، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۷، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۹، ۱۲۷۱، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۳۰۵، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۹، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۵، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۳، ۱۵۹۷، ۱۵۹۴

وزارت بازرگانی، ۸۸۳، ۸۸۶، ۸۸۷

وزارت تعاون، ۶۲۱، ۶۲۸

وزارت دادگستری، ۱۱۹، ۶۴۳، ۶۵۶

وزارت راه و ترابری، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۳

وزارت صنایع، ۴۵، ۱۱۲

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۷، ۱۸، ۳۸، ۸۵، ۸۶، ۹۷، ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۶۲، ۲۴۰، ۲۶۸، ۳۹۷، ۴۱۵، ۴۷۱، ۴۹۱، ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۲، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۷۸، ۷۰۸، ۷۸۵، ۸۱۱، ۸۲۷، ۸۳۰، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۹، ۸۸۳، ۸۸۴، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۴۸، ۱۱۸۹، ۱۲۰۵، ۱۲۲۸، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۷۷، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۲۴، ۱۳۵۷، ۱۳۶۶، ۱۳۸۷، ۱۳۹۴، ۱۴۰۵، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۳، ۱۴۷۵، ۱۴۹۳، ۱۵۰۳، ۱۵۱۹، ۱۵۲۲، ۱۵۴۹، ۱۵۸۵، ۱۵۸۷

وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۴۹۲

وزارت کشاورزی، ۲۰۱، ۲۰۲

وزارت معادن و فلزات، ۱۱۱، ۳۳۹، ۳۴۰

وزارت نفت، ۵۶۶

وزارت نیرو، ۵۶۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱

وزیر آموزش و پرورش، ۶۵، ۲۲۸، ۲۵۱، ۲۶۷

وزیر اقتصاد و دارایی، ۳۹۳

وزیر پست و تلگراف و تلفن، ۴۲۹، ۴۳۲، ۶۶۱

وزیر خارجه آمریکا، ۵۷۴، ۱۱۳۹

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۳۴، ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۱۲۶، ۱۵۶،

۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵

نشر مطالب الحادی، ۱۰۱۶، ۱۲۲۵

نشر مطالب مخالف موازین دینی، ۹۲۲، ۹۳۶

نص قانون، ۷۷۰

نطق قبل از دستور، ۱۴۶، ۳۰۵، ۳۰۶

نظارت استصوابی، ۷۶۰، ۹۶۳، ۹۷۷، ۱۰۹۳، ۱۳۰۷، ۱۳۳۸، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۴۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۶۸، ۱۵۷۱

تقاضی فرمایشات امام، ۹۲۳

تقاضی قانون اساسی، ۶۸۱، ۹۶۹، ۱۲۰۰

تقاضی قوانین انتخاباتی، ۳۹۷

نماز جمعه، ۸۷، ۴۰۴، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱

۱۶۶۰ اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران

۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۴۱۱، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۱
۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۳، ۱۴۳۵، ۱۴۳۸، ۱۴۴۹، ۱۴۴۹
۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۶۶، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۷
۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۵۲۲، ۱۵۵۲، ۱۵۵۲، ۱۵۶۷، ۱۶۰۳، ۱۶۰۳

